نماز اهل السنّت والجماعت

تألیف

مُتکلم و مناظر اسلام حضرت مولانا محمد الیاس گھمن مدظلہ العالی

ترجمه

محمد ابراهیم تیموری

نماز اہل السنّت والجماعت

تألیف

مُتکلمِ و مناظرِ اسلام حضرت مولانا محمد الیاس گھمن مدظلہ العالی

ترجمہ

محمد ابراهیم تیموری

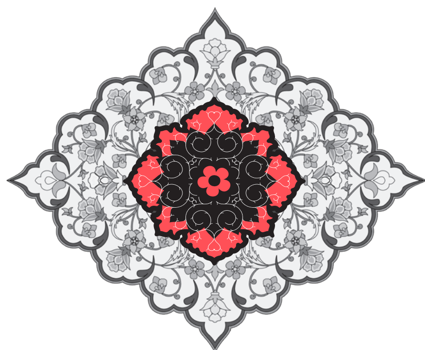
نماز اہل السنّت والجماعت

تألیف

متکلمِ اسلام و مناظرِ اسلام حضرت مولانا محمد الیاس گھمن مدظلہ العالی

ترجمہ

محمد ابراہیم تیموری





ذو القعدهٔ ۱۴۴۷ هجری قمری
مطابق ثور/اردیبهشت ۱۴۰۵ هجری شمسی موافق آپریل ۲۰۲۶ میلادی



متن آمادهٔ چاپ کتاب را می‌توانید از نشانی‌های ذیل به دست آورید:

جدیدترین PDF کتاب را می‌توانید با نشان انترنتی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

یا از نشانی زیر از برنامهٔ تلگرام اخذ کنید:

https://t.me/RaaheFalaah



و یا با شمارهٔ ذیل در تلفون یا واتس‌اپ ویا تلگرام در تماس شوید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

و یا با شمارهٔ تلفونی ذیل در کابل تماس بگیرید:

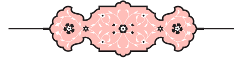
امیر محمد: ۰۷۰۰۲۴۳۵۰۱


بسم الله الرحمن الرحيم


فهرست مختصر



اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفٰى
وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى. اَمَّا بَعْدُ!



خدا در انتظار حمد ما نیست   مُحَمَّدٌ چشم بر راه ثـنا نیست
خدا نعت‌آفرینِ مصطفیٰ بس   مُحَمَّدٌ حامـد حمد خدا بس
مناجاتی اگر خواهی بیان کرد   به بیتی هم قناعت میتوان کرد
مُحَمَّدٌ از تو می‌خواهم خدا را   خدایا از تو عشق مصطـفیٰ را
دگر لب وامکن مظهر فضولیست
سخن ز اندازه افزون‌تر جهولیست

«حضرت میرزا مظهر جان جانانؒ»



خدمت علمای کرام و خوانندگان گرامی این کتاب به عرض می‌رسد که قبل از مطالعۀ کتاب، نکات ذیل را در مورد این ترجمه بایست یادآوری نمود:

❀ دربارۀ حوالۀ احادیث کتاب نماز اهل السنت والجماعت باید گفت که مترجم در طول این ترجمه، احادیث شریفۀ کتاب را از سر نو تخریج نموده و در تخریج احادیث تا حد توان نهایت دقت را مد نظر داشته است، اما بازهم اگر خدای ناکرده سهوی انسانی در تخریج احادیث دیده شد، از علمای کرام استدعاء این است که آن را نه منسوب به مؤلِّف بزرگوار بلکه از مترجم بی‌بضاعت دانسته او را اطلاع دهند، انشاءالله تعالی با کمال دیانت

در چاپ‌های آینده اصلاح خواهد شد. شمارهٔ تلفون و نشانی مترجم در ابتداء و انتهای کتاب موجود است.

❁ مؤلِّف بزرگوار غالباً جهت اختصار در تخریج بعضی احادیث شریفه به حوالهٔ یک یا دو کتاب حدیث اکتفاء نموده بود. مترجم همدوش آنها آن احادیث را از بعضی دیگر از کتب حدیث نیز تخریج کرده، گرچه این طرز را در تمامی احادیث کتاب ادامه نداده است.

❁ در بعضی مقامات کتاب مناسب دیده شد تا یکی دو حدیث که صریحاً دربارهٔ همان عنوان بوده و مؤلِّف بزرگوار آن را شامل کتاب ننموده بود تحت آن عنوان افزوده شود. مترجم در آنجاها با گذاشتن علامت ❁ بر این ازدیاد تصریح کرده است.

❁ در آن جاهائی که حوالهٔ یکی دو کتاب یا بیشتر آمده است، گاهی الفاظ متن حدیث بِعَیْنِهِ مانند کتاب اول می‌باشد و گاهی با تفاوتی اندک.

❁ بعد از اتمام ترجمه، مُسوَّدهٔ کتاب نزد بعضی از علماء و همچنین اهل زبان عرضه شد تا هر سهوی علمی یا اشتباهی زبانی در ترجمه بیابند اصلاحش نمایند و الحمد لله که اینکار به وجه احسن انجام یافت.

❁ همچنین ترجمهٔ طبع اول کتاب به مجمع علمی وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان ارسال شد تا علمای محترم مجمع مذکور آن را بررسی و ارزیابی نمایند. ریاست عمومی مجمع علمی وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان نیز کتاب «نماز اهل السنت والجماعت» را توثیق و صحت ترجمهٔ را تصدیق کردند. مکتوب مجمع محترم، ضمیمهٔ چاپ دوم تا هشتم کتاب می‌باشد. وَالْمِنَّةُ مِنَ اللهِ.

❁ مؤلِّف بزرگوار در این اواخر چاپ قبلی کتاب «نماز اهل السنّت والجماعت» را نظر ثانی نموده و اصلاحات و اضافاتی درآن آورده است که

حجم کتاب را تقریباً دو برابر ساخته است. ما نیز آن اصلاحات و اضافات را ترجمه نموده بر کتاب افزودیم. لذا نسخه‌ای که اکنون پیشِ رو دارید، چاپ جدید کتاب «نماز اهل السنّت والجماعت» است که در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد.

فهرست مراجع و مآخذ مطبوعه و غیر مطبوعهٔ تمامی احادیث شریفه و سایر حواله‌های که در طول متن و حواشی کتاب آمده‌اند با تفاصیل ناشر، محل چاپ، سال چاپ و غیره در آخر کتاب تحت عنوان «فهرست مآخذ کتاب» افزوده شده است.



در این دورهٔ آخر زمان، فرقه‌ای نو پیدا شده که قبلاً وجود نداشت. این فرقه خود را اهل حدیث یا سَلَفِی می‌نامد، و بیشتر به اسم غیرمقلِّد یا وهابی مشهور است. در افغانستان این گروه را به نام «فرقهٔ وهابی» یاد می کنند. اینها بر بعضی از مسائل فقه احناف اعتراض می‌نمایند.

برای حفاظت مردم از این فرقهٔ نوپیدا، ترجمهٔ فارسی نماز اهل السنت والجماعت با این امید به چاپ سپرده می‌شود تا مسلمانانی که آن را می خوانند، مذهب متواتر و متوارث اهل سنت و جماعت حنفی و مختصری از دلائل آن را آموخته و دانسته، هم بر اطمینان قلبی‌شان بیفزاید و هم خویش و اهل و عیال و دوستان و آشنایان خویش را از این فرقهٔ نوپیدا و امثال آنها محفوظ و مصون نگهداشته فلاح و سعادت دارَیْن را بیابند.

از خداوند متعال امید است که این کوشش ناچیز را مصداقِ:

قبول است گرچه هنر نیستت
که جز ما پناهی دیگر نیستت

قرار دهد و به فضل و مرحمت خود این کتاب و ترجمهٔ آن را مقبول عام و

خاصِ مسلمانان گرداند. حقا که ما را هنری نیست و جز اوﷻ پناه دیگری نی.



وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَدٍ النَبِيِّ الاُمِّيِّ وَأَزْوَاجِهِ اُمَّهاتِ الْمُوْمِنِيْنَ
وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيتِهِ وَاصحَابِهِ أَجْمَعِينَ.
وَاللهُ هُوَالْمُوَفِّقُ وَالْمُعِيْنُ.



غرض نقشی‌ست کز ما یاد ماند   که هستی را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی ز رحمت   کند بر حال این مسکین دعائی



ذو القعدۀ ۱۴۴۷ هـ.ق
مطابق ثور/اردیبهشت ۱۴۰۵ هـ.ش موافق آپریل ۲۰۲۶ م

محمد ابراهیم تیموری
ابن محمد اعظم تیموری،
ابن محمد شفیع تیموری، ابن مَلِك افضل تیموری،
ابن مَلِك یوسف، ابن مَلِك احمد، ابن شادمحمد بابا، ابن عادل بابا، ابن دل جمع بابا، ابن بایم بیگ،
ابن ابو اسحق اُلُوغ، ابن امیر محمد اسحق،
ابن امیر جهان کمانگیر، ابن امیر ابو سعید،
ابن میرزا محی الدین شاهرخ شاه،
ابن امیر تیمور گورگانی.



اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفٰى وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى. اَمَّا بَعْدُ!

اللّٰه رَبُّ العزت؛ خالق، مالک و معبود این کاینات است و مِنْحیث معبود بودن، عباداتی را بر انسان‌ها لازم گردانیده است که مهم‌ترین آنها «نماز» می باشد. انسان روزانه پنج بار سر به سجود نهاده بر بنده بودن خود و معبود بودن خدای تعالی اقرار می کند. قرآن کریم تقریباً یک صد و نُه بار صراحتاً «نماز» را ذکر نموده است. بنابرین اهمیت، نماز درجهٔ عظیمی را دارا است، چنانچه حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم می فرمایند:

إِنَّمَا مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.

ترجمه: جایگاه نماز در دین به منزلهٔ جایگاه سر در بدن است.(۱)

اَهْلُ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ حنفی این فریضهٔ عظیم را در روشنائی دلائل شرعی در طول قرن‌ها اداء نموده‌اند، ولی در این عصر و زمان بعضی افراد پیدا شده اند که بر ضد اهل سنت و جماعت حنفی به تبلیغات سوء شروع کرده‌اند و می گویند که نماز احناف مطابق دلائل شرعی نیست.

لازم بود تا این «تبلیغات سوء» خُنثیٰ گردد، بناءً بسیاری از دوستان هم در اینجا و هم از کشورهای خارج اصرار نمودند تا کتابی مشتمل بر دلائلِ ارکان و افعال نمازِ اَهْلُ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ احناف به رشتهٔ تحریر آورده شود.

(۱) الترغيب والترهيب للمنذری: ۱/ ۱۵۰ حدیث ۵۵۲ و ۲۱۴/۱ حدیث ۸۰۹ کتاب الصَّلَاَة؛ التَّرْغِيب فِي الْأَذَان وَمَا جَاءَ فِي فَضله | المعجم الاوسط للطبرانی: ۲/ ۳۸۳ حدیث ۲۲۹۲ بَابُ الْأَلِفِ؛ مَنِ اسْمُهُ أَحْمَدُ | المعجم الصغير للطبرانی: ۱۱۳/۱ حدیث ۱۶۲ | المخلَّصيات وأجزاء أخرى لأبي طاهر المخَلِّص: ۲۸۸/۳ حدیث ۲۵۲۹ | مسند الشهاب لأبی عبد الله محمد بن سلامة القضاعي المصري: ۲۸۲/۱ حدیث ۲۶۸ | ترتيب الأمالي الخميسية للشجري الجرجاني: ۴۴/۱ و ۴۵ حدیث ۱۴۷





کتاب‌های متعددی از بزرگان ما بر این موضوع موجود است، مثلاً:

«نماز مسنون» از مولانا صوفی عبدالحمید سواتی رحمه الله.

«نماز پیغمبر ﷺ» از داکتر مولانا محمد الیاس فیصل مُدَّ ظِلُّهُ.

«صلواتُ الرَّسُول ﷺ» از مولانا فضل الرحمن دَرَمْ‌کوتی مُدَّ ظِلُّهُ.

«نماز مدلَّل» از مولانا فیض احمد ملتانی رحمه الله.

«طریقهٔ نماز رسول اکرم ﷺ» از مولانا مفتی جمیل احمد نذیری رحمه الله.

«نماز مستند حنفی» از مفتی امدادالله انور مُدَّ ظِلُّهُ.

که بر این موضوع کافی و وافی است، اما بعضی از این کتاب‌ها طویل هستند و بعضی دیگر، همدوش با دلائل بر احکام و مسائل نیز بحث نموده است.



لهذا از خوانندگان کتابِ هذا تقاضا می‌رود تا در دوران مطالعهٔ کتاب، چند عرایض ما را مد نظر داشته باشند:

❁ در کتاب نماز اهل السنت والجماعت، دلائل نماز اهل سنت و جماعت احناف به صورت مثبت و ساده بیان گردیده است.

❁ در کتاب نماز اهل السنت والجماعت، به جای بحث بر احکام و مسائل، تنها به ذکر دلائل اکتفاء گردیده است.

❁ کتاب نماز اهل السنت والجماعت با در نظرداشت فرقهٔ بخصوصی به قید تحریر نیامده بلکه در آن، طریقهٔ نماز اهل سنت و جماعت احناف در روشنائی دلائل شرعی بیان شده است.

❁ کتاب نماز اهل السنت والجماعت تنها برای بیان طریقهٔ نماز اهل سنت و جماعت احناف تحریر گردیده است. دلائل طریقهٔ نماز سایر برادران

ما مانند مالکیّه، شافعیَّه و حنابله در کتب خود ایشان موجود است. ایشان نماز خویش را مطابق تحقیق امامان خویش اداء نمایند.

❁ در حوالهٔ مراجع و ترتیب نگارش کتاب نماز اهل السنت والجماعت حتّی الإمکان احتیاط صورت گرفته شده است، اما بازهم اگر سهو بشری در آن مشاهده شود، ما را اطلاع نمائید، ان‌شاء الله با کمال دیانت آن را اصلاح خواهیم کرد.

والسّلام: محمد الیاس گهمن



نَحْمَدُهٗ وَنُصَلِّی عَلیٰ رَسُوْلِهِ الْکَرِیْمِ، أَمَّا بَعْدُ!

اینجانب چاپ قبلی کتاب «نماز اهل السنت والجماعت» را نظر ثانی نمودم. نسخه‌ای که اکنون پیشِ رو دارید، چاپ جدید کتاب نماز اهل السنت والجماعت است که پس از برخی اصلاحات و اضافات، در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد.

از خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود اگر در این چاپ اشتباهی دیدید، اطلاع دهید تا در چاپ‌های آینده اصلاح گردد.

محتاج دعا: محمد الیاس گُمَّن

سرپرست مرکز اهلِ سنت و جماعت، سَرگودا

دوشنبه ۱۷ صفر ۱۴۴۷ ه.ق مطابق ۱۱ آگست ۲۰۲۵م

نماز اهل السنّت والجماعت

تألیف

متکلم و مناظر اسلام حضرت مولانا محمد الیاس گمّن مدظله العالی

ترجمه

محمد ابراهیم تیموری


طهارت





طهارت

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

برای ادای نماز، طهارت/پاکی شرط اساسی است؛ یعنی نمازگزار باید از حدیث اصغر (بی‌وضوئی) و حدیث اکبر (جنابت، حیض و نفاس) پاک باشد. نماز بدون طهارت، صحیح نیست و نماز بی‌طهارت مورد قبول نیز نیست.

(۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ۚ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا ۚ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ۚ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی برای نماز برمی‌خیزید، چهره های تان را بشوئید و دست‌های تان را با آرنج‌ها بشوئید، و سرتان را مسح کنید و پاهای تان را با شتالنگ/قوزك‌ها بشوئید. و اگر جُنُب باشید (غسل نموده) خود را خوب پاک بگردانید. و اگر بیمار باشید یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمده باشد، یا با زنان همخوابی کرده باشید و آب نیابید، پس با خاک پاک تیمُّم کنید، یعنی چهره/صورت را (به همراه

دست‌های تان) با آن مسح نمائید. خداوند نمی‌خواهد بر شما سختی قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل گرداند، تا سپاسگزار باشید.[۱]

﴿۲﴾ عَنْ هَمَّامِ بْنِ مُنَبِّهٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ مَنْ أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ.

ترجمه: هَمَّامِ بْنِ مُنَبِّه رحمه الله می‌گوید از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه شنیدم که گفت: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نمازِ شخص بی‌وضو تا وضو نگیرد قبول نمی‌شود.[۲]

﴿۳﴾ عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: دَخَلَ عَبْدُ اللهِ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا عَلَى ابْنِ عَامِرٍ يَعُودُهُ وَهُوَ مَرِيضٌ ...قَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ بِغَيْرِ طُهُورٍ.[۳]

ترجمه: مُصْعَبِ بْنِ سَعْد رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما برای عیادت حضرت عبدالله بن عامر رضی‌الله‌عنه در حالی که او بیمار بود نزد او رفت. (و درآن مجلس) فرمود: از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: هیچ نمازی بدون طهارت قبول نمی گردد.

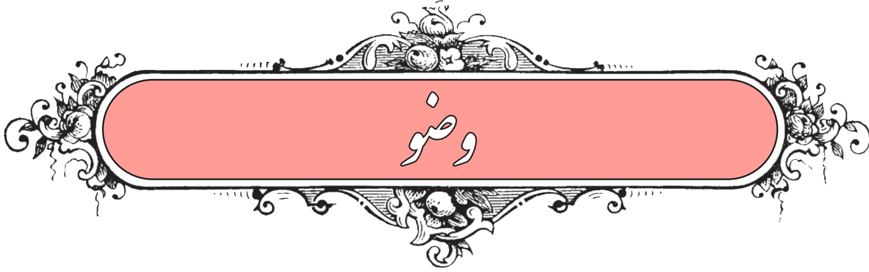
﴿۴﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ.[۴]

از حضرت علی بن ابی‌طالب رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: کلید نماز، پاکی است.

---

(۱) قرآن کریم: سورهٔ مائده: آیهٔ ۶
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۳۵ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: لَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ بِغَيْرِ طُهُورٍ
(۳) صحیح مسلم: حدیث ۲۲۴ کتاب الطهارة؛ بَاب وُجُوبِ الطَّهَارَةِ لِلصَّلَاةِ
(۴) جامع الترمذی: حدیث ۳ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ: بَابُ مَا جَاءَ أَنَّ مِفْتَاحَ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ





روش/طریقۀ وضوکردن:

آب پاک در ظرفی بریزید و در جای بلندی بنشینید. اگر رو به قبله باشید بهتر است.اگر در دست‌شوئی یا در کنار جوی آب نشسته وضو می گیرید و نمی‌توانید قبله‌رُخ باشید، اشکالی ندارد. قبله‌رُخ بودن واجب نیست.

آستین‌ها را تا بالای آرنج بالا بزنید. بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ گفته هر دو دست را تا بند دست/مُچ دست سه بار بشوئید. سه بار آب در دهان بگردانید یعنی غَرغَره کنید. سپس مسواک نمائید. اگر مسواک نبود با انگشت شهادت دندان‌ها را پاک کنید.آنگاه سه بار آب در بینی بکشید و با انگشت کوچك دست چپ داخل بینی را پاک کنید.

سپس چهره را سه بار بشوئید. در وقت شستن چهره متوجه باشید که از جای برآمدن مو در پیشانی تا زیر زنخ/چانه و از یک نرمۀ گوش تا نرمۀ گوش دیگر همه شسته شود. آنگاه هر دو دست را با آرنج‌ها سه بار بشوئید. نخست دست راست و سپس دست چپ را. سپس هر دو دست را تر نموده سر را مسح کنید، سپس گوش‌ها را و گردن را مسح نمائید. سرانجام هر دو پا را با شتالنگ/قوزک سه بار بشوئید، نخست پای راست را، و سپس پای چپ را.

فرایض وضو:

وضو چهار فرض دارد:

۱. شستن صورت/چهره

۲. شستن هر دو دست با آرنج ها

۳. مسح یک‌چهارم سر

۴. شستن هر دو پا با شتالنگ/قوزک ها



فرایض وضو از این آیت ثابت می‌شوند:

﴿۵﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه برای نماز بر می خیزید، چهره /صورت‌های خود را بشوئید و دست‌های خود را به همراه آرنج ها بشوئید و بر سرهای خود مسح کنید و پاهای خود را به همراه شتالنگ/قوزک ها بشوئید.(۱)



در این آیه، با عبارتِ ﴿وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ﴾، مسح سر فرض قرار داده شده است؛ اما توضیح داده نشده که مسح چه مقدار از سر فرض است؟ آیا مسح تمام سر واجب است؟ یا نصف سر؟ یا یک‌چهارم سر؟ یا مسح چند تار مو کافی است؟ خلاصه آنکه هیچ تفصیلی در این باره ذکر نشده است. تفصیل این اجمال در احادیث مبارکهٔ ذیل موجود است که از آنها معلوم می شود که مسح کردن یک‌چهارم سر فرض می باشد.

﴿۶﴾ عَنْ ابْنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ، عَنْ أَبِيهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ فَمَسَحَ بِنَاصِيَتِهِ.(۲)

ترجمه: حضرت (عُرْوَه) ابن مُغِیره بن شُعْبه رحمه‌الله از پدر خود (حضرت

(۱) سورة المائده: آیهٔ ۶

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۲۷۴ کتاب الطهارة؛ بَاب الْمَسْحِ عَلَى النَّاصِيَةِ وَالْعِمَامَةِ



مُغیره بن شُعبه رضی الله‌عنه) روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ چون وضو گرفتند، به اندازهٔ پیشانی مبارک، سر خویش را مسح کردند.

﴿۷﴾ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَسَحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ وَمُقَدَّمِ رَأْسِهِ.

ترجمه: حضرت عُرْوَه ابن مُغِیره بن شُعبه رحمه‌الله از پدر خود (حضرت مُغیره بن شُعبه رضی الله‌عنه) روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ بر موزه‌ها و قسمت جلوی سر خویش مسح کردند.[۱]

در حدیث اول، مسح سر بر (مقداری برابر با) «ناصية» ثابت است و ناصية قسمتی برابر با یک چهارم سر می‌باشد، چنانکه امام أبو الحسن على بن ابی بکر بن عبد الجلیل المرغینانی رحمه‌الله (متوفّٰی ۵۹۳ هـ.ق) تصریح نموده است:

❁ وَالْمَفْرُوضُ فِي مَسْحِ الرَّأْسِ مِقْدَارُ النَّاصِيَةِ، وَهُوَ رُبُعُ الرَّأْسِ.

ترجمه: مقدار فرض در مسح سر، اندازهٔ ناصیه است و آن یک‌چهارم حصهٔ سر می‌باشد.[۲]

همین ناصیه در حدیثی دیگر به «مُقَدَّمِ رَأْسِهِ» (قسمت جلوی سر) تعبیر شده است. از این جهت، نزد ما مقدار فرض در مسحِ سر، مسح یک‌چهارم سر است.



چهارمین فرض در فرایض وضو این است که هر دو پا تا شتالنگ/قوزک شسته شوند. این حکم برای زمانی است که شخص موزه/چکمه نپوشیده باشد. و اگر موزه پوشیده باشد، مسح بر موزه کافی است؛ زیرا حکم مسح بر

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۷۴ کتاب الطهارة؛ بَاب الْمَسْحِ عَلَى النَّاصِيَةِ وَالْعِمَامَةِ
(۲) الهداية للمرغيناني: ۱۸/۱ کتاب الطهارات

موزه از احادیث متواتر ثابت می‌باشد (و تفصیل آن در باب مسح بر موزه‌ها خواهد آمد، ان‌شاءالله). البته در صورت نپوشیدن موزه، شستن پاها فرض است. و تنها مسح کفایت نمی‌کند.

﴿۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: تَخَلَّفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنَّا فِي سَفْرَةٍ فَأَدْرَكَنَا وَقَدْ أَرْهَقْنَا الْعَصْرَ فَجَعَلْنَا نَتَوَضَّأُ وَنَمْسَحُ عَلَى أَرْجُلِنَا فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا.

حضرت عبدالله بن عمرو رضی‌الله عنهما روایت می‌کند: در یک سفر، نبی اکرم ﷺ از ما عقب ماندند. و هنگامی که به ما رسیدند، (وقت نماز) عصر بر ما تنگ شده بود، لذا ما (با عجله) شروع به وضو کردیم، و فقط (کمی آب) بر پاهای خود (ریخته و برآنها) دست می‌کشیدیم، (به طوری که پاشنه‌های بعضی افراد ما خشک ماند). نبی اکرم ﷺ (چون این حالت را دیدند) با صدای بلند فرمودند: «وای بر پاشنه‌ها از عذاب آتش!». آنحضرت ﷺ این جمله را دو یا سه بار تکرار کردند.[1]

﴿۹﴾ عَنْ جَابِرٍ أَخْبَرَنِي عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا تَوَضَّأَ فَتَرَكَ مَوْضِعَ ظُفُرٍ عَلَى قَدَمِهِ فَأَبْصَرَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: ارْجِعْ فَأَحْسِنْ وُضُوءَكَ فَرَجَعَ، ثُمَّ صَلَّى.

ترجمه: از حضرت جابر رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه به او بیان کرد که مردی وضو گرفت اما (شستنِ) جائی به اندازۀ یک ناخن در پای خود را رها کرد. نبی اکرم ﷺ آن را دیدند و فرمودند: برگرد و وضوی خود را به درستی کامل کن! آن مرد برگشت و (وضوی خود را کامل نموده) سپس نماز خواند.[2]

---

(۱) صحيح البخاري: حديث ۱۶۳ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: غَسْلِ الرِّجْلَيْنِ، وَلاَ يَمْسَحُ عَلَى الْقَدَمَيْنِ
(۲) صحيح مسلم: حديث ۲۴۳ كتاب الطهارة: بَاب وُجُوبِ اسْتِيعَابِ جَمِيعِ أَجْزَاءِ مَحَلِّ الطَّهَارَةِ

از این دو روایت ثابت می‌گردد که تنها مسح بر پاها یا اندکی آب برآنها ریختن و دست کشیدن برآنها کافی نیست بلکه شستن پاها لازم است، در غیرآن نماز صحیح نمی‌باشد.



سنت‌های وضو

وضو دارای سیزده سنت است:

۱. نیت کردن
۲. گفتن بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ در آغاز وضو
۳. شستن هر دو دست تا مُچ/بند دست
۴. آب در دهان گرداندن
۵. آب در بینی کشیدن
۶. مسواک کردن
۷. خلال کردن ریش
۸. شستن هر عضو (صورت، دست‌ها، پاها) سه بار
۹. مسح کردن تمام سر یک بار
۱۰. مسح کردن گوش‌ها
۱۱. خلال کردن انگشتان دست و پا
۱۲. رعایت ترتیب در وضو
۱۳. پی‌درپی انجام دادن وضو؛ یعنی پیش از خشک شدن یک عضو، عضو بعدی را شستن.

این سنت‌های وضو از احادیث مبارکۀ ذیل ثابت اند:

﴿۱۰﴾ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَلَى الْمِنْبَرِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

ترجمه: حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه بر منبر فرمودند: از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: همانا مدار اعمال به نیت‌ها بستگی دارد.(۱)

﴿۱۱﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ! إِذَا تَوَضَّأْتَ فَقُلْ: بِسْمِ اللهِ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: ای ابوهریره! هنگامی که می‌خواهی وضو بگیری، بسم الله بگو.(۲)

﴿۱۲﴾ قَالَ أَبُوْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلٰى أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ وُضُوءٍ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: اگر بیم آن را نداشتم که بر اُمّتم سخت تمام شود، آنان را دستور می‌دادم که هنگام هر وضو مسواک نمایند.(۳)

﴿۱۳﴾ عَنْ حُمْرَانَ مَوْلَى عُثْمَانَ أَخْبَرَهُ أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ دَعَا بِوَضُوءٍ، فَتَوَضَّأَ فَغَسَلَ كَفَّيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ مَضْمَضَ وَاسْتَنْثَرَ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى إِلَى الْمِرْفَقِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الْيُسْرَى مِثْلَ ذٰلِكَ، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ، ثُمَّ غَسَلَ رِجْلَهُ الْيُمْنَى إِلَى الْكَعْبَيْنِ

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱ كتابُ بَدْءِ الْوَحْيِ؛ باب: كَيْفَ كَانَ بَدْءُ الْوَحْيِ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ

(۲) المعجم الصغیر للطبرانی: ۷۳/۱

(۳) صحیح البخاری: حدیث بعد ۱۸۳۱ كتاب الصَّوْمِ؛ بَاب: السواك الرَّطْبِ وَالْيَابِسِ لِلصَّائِمِ | صحیح ابن خزیمة: ۱۱۰/۱ حدیث ۱۴۰

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ غَسَلَ الْيُسْرَى مِثْلَ ذٰلِكَ، ثُمَّ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِي هٰذَا.

ترجمه: حضرت حُمران رحمه‌الله غلام آزادکردهٔ حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه آب برای وضو خواستند و وضو گرفتند. ایشان سه بار دست‌های خود را شستند، سپس (چنانکه در حدیث بعدی می‌آید سه بار) مضمضه کردند و آب در بینی کشیدند، سپس سه بار چهره/صورت خود را شستند، سپس سه بار دست راست را به همراه آرنج شستند، سپس دست چپ را نیز (سه بار) همین‌گونه شستند، سپس سر خود را مسح کردند، سپس پای راست را به همراه شتالنگ/قوزک سه بار شستند، و سپس پای چپ را نیز همین‌گونه (سه بار با شتالنگ) شستند. و آنگاه حضرت عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه فرمودند: من رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را دیدم که همانند این وضوی من وضو می‌گرفتند.[1]

﴿۱۴﴾ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ التَّيْمِيِّ قَالَ سُئِلَ ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ عَنِ الْوُضُوءِ فَقَالَ: رَأَيْتُ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ سُئِلَ عَنِ الْوُضُوءِ فَدَعَا بِمَاءٍ فَأُتِيَ بِمِيضَأَةٍ فَأَصْغَاهَا عَلَى يَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ أَدْخَلَهَا فِي الْمَاءِ فَتَمَضْمَضَ ثَلَاثًا وَاسْتَنْثَرَ ثَلَاثًا.

ترجمه: حضرت عثمان بن عبدالرحمٰن تَیمی رحمه‌الله روایت می‌کند که از حضرت ابن ابی مُلَیکه دربارهٔ (طریقهٔ) وضو سؤال شد. ایشان فرمود: من دیدم که از حضرت عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه نیز دربارهٔ وضو سؤال شد، ایشان آب خواستند. ظرف پرآب آوردند. ایشان بر دست راست خود آب ریختند (و آن را شستند)، سپس دست خود را در آب فرو بردند، ایشان

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۲۶ کتاب الطهارة؛ بَاب صِفَةِ الْوُضُوءِ وَكَمَالِهِ



سه بار مضمضه کردند و سه بار آب در بینی کشیدند و آن را پاک کردند.(۱)

﴿۱۵﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ تَوَضَّأَ فَغَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا وَغَسَلَ ذِرَاعَيْهِ ثَلَاثًا وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَاحِدَةً ثُمَّ قَالَ: هٰكَذَا تَوَضَّأَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

ترجمه: حضرت عبدالرحمن بن ابی لیلی رحمه‌الله می‌فرماید: حضرت علی رضی‌الله‌عنه را دیدم که وضو گرفتند؛ ایشان صورت/چهرهٔ خود را سه بار شستند، و دست‌های خود را سه بار شستند و یک بار سر خود را مسح کردند. و سپس فرمودند: رسول الله ﷺ همین‌گونه وضو می‌گرفتند.(۲)

﴿۱۶﴾ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُخَلِّلُ لِحْيَتَهُ.

ترجمه: حضرت عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که نبی اکرم ﷺ (هنگام وضو) ریش مبارک خویش را خلال می‌کردند.(۳)

﴿۱۷﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا تَوَضَّأْتَ فَخَلِّلْ بَيْنَ أَصَابِعِ يَدَيْكَ وَرِجْلَيْكَ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه وضو می‌گیری، میان انگشتان دست‌ها و پاهای خود را خلال کن.(٤)

﴿۱۸﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: تَوَضَّأَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ وَأُذُنَيْهِ بَاطِنِهِمَا بِالسَّبَّاحَتَيْنِ وَظَاهِرِهِمَا بِإِبْهَامَيْهِ.(۵)

ترجمه: حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول

(۱) سنن أبي داود: حديث ۱۰۸ كتاب الطهارة؛ باب في الرجل يدخل يده في الإناء قبل أن يغسلها
(۲) سنن أبي داود: حديث ۱۱۵ كتاب الطهارة؛ باب في الرجل يدخل يده في الإناء قبل أن يغسلها
(۳) جامع الترمذی: حديث ۳۱ أَبْوَابُ الطَّهَارَة: باب في تَخْلِيلِ اللِّحْيَةِ | سنن إبن ماجه: حديث ۴۳۰
(۴) جامع الترمذی: حديث ۳۹ أَبْوَابُ الطَّهَارَة: باب في تَخْلِيلِ الأصابع
(۵) سنن النسائی: حديث ۱۰۲ كتاب الطهارة؛ باب مَسْحِ الأُذُنين مع الرَّأْس وما يُستدلُّ به على أنَّهما من الرَّأْسِ

الله ﷺ وضو گرفتند... سپس سر خویش را مسح کردند و گوش‌ها را نیز مسح نمودند؛ به این صورت که داخل گوش‌ها را با انگشتان شهادت و بیرون آنها را با انگشتان شست مسح کردند.



مستحبات و آداب وضو

قبله رو نشستن:

﴿۱۹﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدًا وَإِنَّ سَيِّدَ الْمَجْلِسِ قُبَالَةَ الْقِبْلَةِ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: هر چیزی یک صورت برتری و شرافت داراست، و برترین صورت مجلس، مجلسی است که رو به قبله باشد.[۱]

حالت نشستن برای وضو نیز نوعی مجلس/نشست به شمار می‌آید، لذا فقهاء جهت کسب این فضیلت، رو به قبله نشستن هنگام وضو را مستحب دانسته‌اند.

خواندن کلمهٔ شهادت هنگام شستن هر عضو:

﴿۲۰﴾ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ حِينَ يَتَوَضَّأُ: بِسْمِ اللهِ، ثُمَّ يَقُولُ لِكُلِّ عُضْوٍ: أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ثُمَّ يَقُولُ

(۱) المعجم الأوسط للطبراني: ۲۰/۲ حديث ۲۳۵۴

حِينَ يَفْرُغُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ.

ترجمه: حضرت براء بن عازب رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: هر بنده‌ای که هنگام وضو بسم الله بگوید، سپس هنگام شستن هر عضو بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

و پس از پایان وضو بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ،

برای او هشت دروازهٔ بهشت گشوده می‌شود و از هر دری که بخواهد می‌تواند وارد بهشت شود.[(۱)]

ترجمهٔ این اذکار: گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست، او یکتاست، شریکی ندارد؛ و گواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستادهٔ الله است. بار الٰها! مرا از توبه‌کنندگان و از پاکیزگان بگردان.

شستن اعضای وضو از سمت راست:

﴿۲۱﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ التَّيَمُّنَ فِي طُهُورِهِ وَتَرَجُّلِهِ وَتَنَعُّلِهِ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ دوست داشتند در طهارت (وضو)، شانه کردن مو و پوشیدن بوت/کفش، از راست شروع کنند.[(۲)]

وضو همانگونه که عملی مهم و مبارک است، و بخاطر ادای نماز نیز

(۱) کنز العُمَّال: ۱۳۲/۹ حدیث ۲۶۰۸۴

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۵۵۱۶ كِتَاب اللِّبَاسِ؛ باب: يَبْدَأُ بِالنَّعْلِ الْيُمْنَى

ضروری می‌باشد، لذا آن را نیز از سمت راست شروع می‌کنند.

﴿۲۲﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا لَبِسْتُمْ وَإِذَا تَوَضَّأْتُمْ فَابْدَءُوا بِأَيَامِنِكُمْ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه لباس بپوشید و هرگاه وضو بگیرید، از سمت راست شروع کنید.(۱)

شستن اعضای وضو با مالیدن:

﴿۲۳﴾ عَنْ عَبَّادِ بْنِ تَمِيمٍ عَنْ عَمِّهِ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ فَجَعَلَ يَدْلُكُ ذِرَاعَيْهِ.

ترجمه: حضرت عَبَّادِ بْنِ تَمِيْم از کاکای/عموی خود (حضرت عبدالله بن زید رضی‌الله‌عنه) روایت می‌کند که وی پیامبر اکرم ﷺ را در حال انجام وضو مشاهده کرد و دید که آنحضرت ﷺ دست‌های خود را مالیده شست وشو می‌دادند.(۲)

مبالغه در شستن اعضای وضو:

یعنی در اعضای وضو از آن مقدارکه شستن آنها فرض است، بیشتر بشویند.

﴿۲۴﴾ عَنْ نُعَيْمٍ الْمُجْمِرِ قَالَ رَقِيتُ مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَلَى ظَهْرِ الْمَسْجِدِ فَتَوَضَّأَ فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ فَمَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ

---

(۱) سنن أبي داود: حديث ۴۱۴۱ كتاب اللّباس؛ باب في النِّعال

(۲) صحيح إبن حبان: حديث ۱۰۸۲

يُطِيْلَ غُرَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ.

ترجمه: حضرت نُعَيْم الْمُجْمِرِ روايت می‌كند كه با حضرت ابوهريره رضی‌الله‌عنه بر پشت بام مسجد رفتم. ايشان وضو گرفتند و فرمودند: از رسول اكرم ﷺ را شنيدم كه فرمودند: اُمت من در روز قيامت در حالی فراخوانده می‌شوند كه اعضای وضوی شان روشن و درخشان است. پس هر كس از شما توان دارد كه مقدار اين درخشش را بيشتر كند، پس انجام دهد. (يعنی اعضای وضو را بيشتر از مقدار فرض بشويد).(۱)

انگشتان كوچک را در گوش داخل كردن:

در حديث حضرت مِقدام بن معديكرب رضی‌الله‌عنه اين نيز وارد است:

﴿۲۵﴾ وَأَدْخَلَ أَصَابِعَهُ فِي صِمَاخِ أُذُنَيْهِ.

ترجمه: آنحضرت ﷺ (هنگام مسح گوش‌ها) انگشتان مبارک خويش را در سوراخ‌های گوش داخل می‌نمودند.(۲)

مسح گردن:

﴿۲۶﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ تَوَضَّأَ وَمَسَحَ بِيَدَيْهِ عَلٰى عُنُقِهِ وُقِيَ الْغُلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روايت است كه نبی اكرم ﷺ فرمودند: هر كسی كه وضو بگيرد و با دست‌های خود گردن خويش را مسح كند، او در روز قيامت از طوق‌ها و زنجيرها(ی گردن) محفوظ می

(۱) صحيح البخاری: حديث ۱۳۶ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: فَضْلِ الْوُضُوءِ، وَالْغُرُّ الْمُحَجَّلُونَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ | صحيح مسلم: حديث ۲۴۶

(۲) سنن أبي داود: حديث ۱۲۳ كتاب الطهارة؛ باب صفة وضوء النبي صلى الله عليه وسلم

ماند.[1]

﴿۲۷﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ مَسَحَ عُنُقَهُ وَيَقُوْلُ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَضَّأَ وَمَسَحَ عُنُقَهُ لَمْ يُغَلَّ بِالْأَغْلَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که هرگاه ایشان وضو می‌کرد، گردن خود را مسح می‌نمود و می‌فرمود: رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: هر کسی که وضو بگیرد و گردن خود را مسح کند، در روز قیامت (گردنش) با زنجیرها بسته نمی‌شود.[2]

﴿۲۸﴾ عَنْ طَلْحَةَ عَنْ أَبِيْهِ عَنْ جَدِّه أَنَّهُ رَأٰى رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمْسَحُ رَأْسَهُ حَتّٰى بَلَغَ الْقَذَالَ وَمَا يَلِيْهِ مِنْ مُقَدَّمِ الْعُنُقِ بِمَرَّةٍ.

ترجمه: حضرت طلحه بن مُصرِّف رحمه‌الله از پدر خود (مُصرِّف بن عَمرو بن کعب رحمه‌الله) و او از پدر بزرگش (حضرت عمرو بن کعب الیامی رضی‌الله‌عنه) روایت می‌کند که وی رسول اکرم ﷺ را مشاهده کرد که آنحضرت ﷺ سر مبارک خود را چنان مسح نمودند که تا به پشت گردن رسیدند و قسمت جلوئی گردن را نیز یکبار مسح کردند.[3]

﴿۲۹﴾ عَنْ مُوسَى بْنِ طَلْحَةَ قَالَ: مَنْ مَسَحَ قَفَاهُ مَعَ رَأْسِه وُقِيَ الْغُلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ترجمه: از حضرت موسیٰ بن طلحه رضی‌الله‌عنه روایت است که می فرمایند: هرکس سر و همچنین گردن خود را مسح کند، در روز قیامت از (انداختن) طوق‌ها (در گردنش) محفوظ می‌گردد.[4]

---

(۱) تلخیص الحبیر لإبن حجر: ۹۳/۱ تحت حدیث ۹۸
(۲) أخبار إصبهان لأبي نعیم الإصبهانی: ۵۳/۷ حدیث ۴۰۴۸۸
(۳) مسند احمد: ۳۸۵/۱۲ حدیث ۱۵۸۹۳
(۴) کتاب الطهور للقاسم بن سلام: ص ۳۷۳ حدیث ۳۶۸



شیخ منصور سبط الشیخ الطبلاوی الشافعی در مورد مسح گردن تحت حدیثی می‌نویسد:

❁ كَلَامُ الْمُحَدِّثِيْنَ يُشِيْرُ إِلَى أَنَّ الْحَدِيْثَ لَهُ طُرُقٌ وَشَوَاهِدُ يَرْتَقِى بِهَا إِلٰى دَرَجَةِ الْحَسَنِ.

ترجمه: گفتار مُحدِّثین نشان می‌دهد که حدیث مسح گردن دارای طُرُق و شواهد متعدد است که باعث می‌شود این حدیث در درجۀ حدیث حَسَن قرار بگیرد.[1]

آب باقیمانده از وضو را ایستاده نوشیدن:

﴿۳۰﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ صَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ قَعَدَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ فِي رَحَبَةِ الْكُوفَةِ حَتّٰى حَضَرَتْ صَلَاةُ الْعَصْرِ ثُمَّ أُتِيَ بِمَاءٍ فَشَرِبَ وَغَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ وَذَكَرَ رَأْسَهُ وَرِجْلَيْهِ ثُمَّ قَامَ فَشَرِبَ فَضْلَهُ وَهُوَ قَائِمٌ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ نَاسًا يَكْرَهُونَ الشُّرْبَ قَائِمًا وَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُ.

ترجمه: حضرت علی رضی‌الله‌عنه نماز ظهر را ادا فرمودند، سپس در صحن جامع کوفه برای (حل) نیازهای مردم نشستند تا وقت نماز عصر سر رسید. سپس برای ایشان آب آوردند. حضرت علی رضی‌الله‌عنه آب نوشیدند و دست‌ها و چهرۀ خود را شستند و همچنین سر خود را مسح کردند و پاهای خود را شستند (یعنی وضوی کامل گرفتند). سپس ایستادند و در حالت ایستاده باقی‌ماندۀ آب وضو را نوشیدند و فرمودند: مردم نوشیدن آب در حالت ایستاده را مکروه می‌دانند، حال آنکه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم

(۱) تحفة المحتاج في شرح المنهاج للطبلاوي: ۴۹/۳ باب الوضوء



همانگونه ایستاده آب می‌نوشیدند که من نوشیدم.[1]

دعا خواندن بعد از وضو:

﴿۳۱﴾ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوْءَ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِيْنَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِيْنَ، فُتِحَتْ لَهُ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ.

ترجمه: حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی که به درستی وضو بگیرد و سپس این دعا را بخواند:

أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ،

برای او هشت دروازۀ بهشت باز می‌شود و از هر دری که بخواهد می‌تواند وارد بهشت شود.[2]

ترجمۀ این اذکار: گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست، او یکتاست، شریکی ندارد؛ و گواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستادۀ الله است. بار الٰها! مرا از توبه‌کنندگان و از پاکیزگان بگردان.

استفاده از آب به اندازۀ ضرورت:

﴿۳۲﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِسَعْدٍ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ فَقَالَ: مَا هٰذَا السَّرَفُ؟ فَقَالَ: أَفِي الْوُضُوْءِ

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۵۲۹۳ كِتَابِ الْأَشْرِبَةِ؛ باب: الشُّرْبِ قَائِمًا
(۲) جامع الترمذی: حدیث ۵۵ أبواب الطَّهارة؛ بَاب ما يُقالُ بعد الوضوء

إِسْرَافٌ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ عَلٰى نَهْرٍ جَارٍ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمرو رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم از کنار حضرت سعد رضی‌الله‌عنه در حالی که او وضو می‌گرفت عبور کردند. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: ای سعد! این اسراف در مصرف آب چیست؟ حضرت سعد رضی‌الله‌عنه عرض کرد: آیا در وضو هم اسراف می‌شود؟ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: بلی، حتی اگر در کنار یک نهر روان وضو بگیری (و آب به وفور موجود باشد بازهم آب بیشتر از مقدار نیاز مصرف نکن).[1]



نواقض وضو

آن اموری که وضو از آنها می‌شکنند آنها را نواقض وضو می‌گویند. نواقض وضو حسب ذیل اند:

ادرار و غایط:

﴿٣٣﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضٰى أَوْ عَلٰى سَفَرٍ أَوْ جَآءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ أَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا.

ترجمه: و اگر شما بیمار باشید یا در سفر باشید یا کسی از شما قضاء حاجت (یعنی ادرار یا مدفوع نموده) آمده باشد یا با زنان همبستری کرده باشید و آب پیدا نکنید، پس با خاک پاک تیمم کنید و صورت و دست‌های

(١) سنن إبن ماجه: حدیث ۴۲۵ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ وَسُنَنِهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْقَصْدِ فِي الْوُضُوءِ وَكَرَاهِيَةِ التَّعَدِّي فِيهِ

خود را با آن مسح کنید.[1]

این آیۀ مبارکه ثابت می‌کند که بعد از قضاء حاجت (ادرار یا مدفوع)، اگر آب موجود نباشد، تیمم باید کرد. تیمم آن زمانی انجام می‌شود که انسان نیاز به طهارت داشته باشد و آب در دسترس نباشد. پس از اینجا ثابت می شود که وضو در صورت ادرار یا مدفوع می‌شکنند و از این سبب ضرورتِ طهارت پیدا می گردد.

خروج باد:

﴿۳۴﴾ عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ مَا لَمْ يُحْدِثْ، فَقَالَ رَجُلٌ أَعْجَمِيٌّ: مَا الْحَدَثُ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ؟ قَالَ الصَّوْتُ يَعْنِى الضَّرْطَةَ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: تا زمانی که شخص در مسجد در انتظار نماز به سر می‌برد، او ثواب نماز را می‌یابد، مادام که بی‌وضو نشود. مردی عجمی پرسید: ای ابوهریره! هدف از بی‌وضو شدن چیست؟ حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه جواب داد: یعنی خارج شدن باد.[2]

خروج خون و جاری شدن آن:

اگر خون از بدن خارج شده به آن قسمت بدن جاری شود که شستن آن قسمت در وضو یا غسل فرض است، وضو از آن خون می‌شکنند.

﴿۳۵﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ ابْنَةُ أَبِي حُبَيْشٍ

(۱) سورة المائده: آیت ۶

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۷۶ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: مَنْ لَمْ يَرَ الْوُضُوءَ إِلاَّ مِنَ الْمَخْرَجَيْنِ: مِنَ الْقُبُلِ وَالدُّبُرِ



إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُوْلَ اللهِ! إِنِّي امْرَأَةٌ أُسْتَحَاضُ فَلَا أَطْهُرُ أَفَأَدَعُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا، إِنَّمَا ذٰلِكِ عِرْقٌ وَلَيْسَ بِحَيْضٍ فَإِذَا أَقْبَلَتْ حَيْضَتُكِ فَدَعِي الصَّلَاةَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاغْسِلِيْ عَنْكِ الدَّمَ ثُمَّ صَلِّيْ. قَالَ: وَقَالَ أَبِيْ: ثُمَّ تَوَضَّئِيْ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتَّى يَجِيْءَ ذٰلِكَ الْوَقْتُ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که فاطمه دختر ابی‌حُبَیش به خدمت رسول الله ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من دچار استحاضه هستم (خون‌ریزی پیوسته دارم که قطع نمی‌شود)، آیا نماز را ترک کنم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: (نه؛ نماز به سبب حیض ترک می گردد و) این خون، خونِ حیض نیست، بلکه خونِ رگ است. لذا هنگامی که ایام حیضت فرا رسد، نماز را ترک کن، و چون پایان یافت، خون را بشوی و نماز بخوان. راوی حدیث هشام می‌گوید که پدرم (عُرْوَه) می گفت که آنحضرت ﷺ همچنین فرمودند: برای هر نماز وضو بگیر تا زمانی که ایام حیض دوباره فرا رسد.[1]



دستور وضو گرفتن در وقت هر نماز به زنِ مستحاضه، دلیل برآن است که خونِ استحاضه وضو را می‌شکند. رسول اکرم ﷺ علت شکستن وضو را چنین بیان فرمودند: «این خونِ رگ است». اگر دقت گردد روشن می‌شود که همهٔ خون‌ها از رگ خارج می‌شوند؛ از اینجا ثابت می گردد که خون از هر قسمتی از بدن خارج شده جاری گردد، وضو را می‌شکند؛ زیرا آن نیز خونِ رگ می باشد.

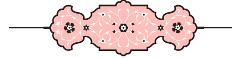
علامه زین‌الدین بن ابراهیم بن محمد، معروف به ابن نُجَیم حنفی رحمه‌الله (متوفّی ۹۷۰ هـ.ق) می‌نویسد:

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۲۲۸ کِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: غَسْلِ الدَّمِ



❁ فَكَانَ حُجَّةً لَنَا لِأَنَّهُ عَلَّلَ وُجُوْبَ الْوُضُوْءِ بِأَنَّهُ دَمُ عِرْقٍ وَكُلُّ الدِّمَاءِ كَذٰلِكَ.

ترجمه: این (حدیث صحیحُ البخاری) دلیل ماست؛ زیرا آنحضرت ﷺ علت وجوب وضو را چنین بیان فرمودند: «این خونِ رگ است»، و همهٔ خون‌ها همانند آن (یعنی خون رگ) هستند، (پس حکم آن‌ها نیز همین است که وضو از آنها می‌شکند).[1]



﴿۳۶﴾ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اَلْوُضُوْءُ مِنْ كُلِّ دَمٍ سَائِلٍ.

ترجمه: حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر خونی که از بدن خارج شده روان شود، وضو را می‌شکند.[2]

﴿۳۷﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَصَابَهُ قَيْءٌ أَوْ رُعَافٌ، أَوْ قَلَسٌ، أَوْ مَذْيٌ فَلْيَنْصَرِفْ فَلْيَتَوَضَّأْ، ثُمَّ لْيَبْنِ عَلٰى صَلَاتِه، وَهُوَ فِي ذٰلِكَ لَا يَتَكَلَّمُ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس (در نماز) دچار استفراغ، خون بینی/دماغ، بالا آوردن غذا به دهان، یا خروج مذی شود، پس باید نماز را قطع کند و برود وضو بگیرد؛ سپس بدون آنکه با کسی سخن بگوید، نماز خود را از همان‌جا که قطع کرده بود ادامه دهد.[3]

(۱) البحر الرائق شرح کنز الدقائق لإبن نجیم: ۶۶/۱ کتاب الطهارة
(۲) الکامل لإبن عدي: ۳۱۳/۱ تحت ترجمة احمد بن الفرج
(۳) سنن إبن ماجه: حدیث ۱۲۲۱ أَبْوَابُ إِقَامَةِ الصَّلَوَاتِ وَالسُّنَّةِ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْبِنَاءِ عَلَى الصَّلَاةِ | سنن الدارقطني: ص۱۰۵ حدیث ۵۵۵

﴿۳۸﴾ عَنْ نَافِعٍ أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا كَانَ إِذَا رَعَفَ انْصَرَفَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ رَجَعَ فَبَنٰى وَلَمْ يَتَكَلَّمْ.

ترجمه: حضرت نافع رحمه‌الله می‌فرماید: هرگاه حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما (در نماز) دچار خون بینی/دماغ می‌شدند؛ نماز را قطع می‌کردند و رفته وضو می‌گرفتند. سپس برمی‌گشتند و بدون آنکه با کسی سخن بگویند، نماز را از همان‌جا که رها کرده بودند ادامه می‌دادند.(۱)

﴿۳۹﴾ عَنِ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللهُ أَنَّهُ كَانَ لَا يَرَى الْوُضُوءَ مِنَ الدَّمِ إِلَّا مَا كَانَ سَائِلًا.

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه‌الله بر این نظر بودند که خون تا زمانی که جاری نشود، وضو را نمی‌شکند.(۲)

﴿۴۰﴾ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: أَبْصَرْتُ سَالِمَ بْنَ عَبْدِ اللهِ صَلَّى صَلَاةَ الْغَدَاةِ رَكْعَةً، ثُمَّ رَعَفَ، فَخَرَجَ فَتَوَضَّأَ، ثُمَّ جَاءَ فَبَنٰى عَلٰى مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ.

ترجمه: حضرت عبیدالله بن عمر رحمه‌الله می‌گوید: حضرت سالم بن عبدالله (بن عمر) رحمه‌الله را دیدم که پس از خواندن یک رکعت از نماز صبح دچار خون بینی/دماغ شد؛ ایشان خارج آمد، وضو گرفت و سپس بازگشته بقیهٔ نماز خود را کامل کرد.(۳)

خواب:

چنان خوابی که در آن استرخاء مفاصل رو دهد (یعنی مفصل‌ها سست و رها شوند) وضو را می‌شکند. بنابراین اگر کسی به پشت دراز کشیده بخوابد، وضویش می‌شکند. همچنین اگر به چیزی به‌گونه‌ای تکیه داده بخوابد که

(۱) الموطا للإمام مالک: ص ۵۵ حديث ۸۸ باب ما جاء في الرعاف والقي
(۲) مصنف إبن أبي شيبة: ۱۲۳/۲ حديث ۱۴۶۸ إذا سال الدم أو قطر أو برز ففيه الوضوء
(۳) مصنف إبن أبي شيبة: ۲۶۳/۴ حديث ۵۹۵۸ في الذي يقيءُ أو يرعف في الصلاة



اگر آن را بردارند، شخصِ خوابیده بیفتد، در این صورت نیز وضو می‌شکند.

البته اگر کسی ایستاده و بدون تکیه دادن به چیزی خوابش ببرد، یا در یکی از حالت‌های نماز (مانند رکوع، سجده یا قعده و غیره) خوابش ببرد، وضوی او باطل نمی‌شود.

﴿۴۱﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَيْسَ عَلٰى مَنْ نَامَ سَاجِدًا وُضُوْءٌ حَتّٰى يَضْطَجِعَ فَإِنَّهُ إِذَا اضْطَجَعَ اسْتَرْخَتْ مَفَاصِلُهُ.

ترجمه: حضرت عبد الله‌بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که نبی اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: کسی که در حالت سجده بخوابد، وضویش باطل نمی‌شود؛ لیکن اگر به بغل/پهلو دراز بکشد، وضویش باطل می‌شود، زیرا هنگامی که انسان به بغل/پهلو دراز می‌کشد، مفصل‌هایش سست می‌گردد.[1]

﴿۴۲﴾ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وِكَاءُ السَّهِ الْعَيْنَانِ فَمَنْ نَامَ فَلْيَتَوَضَّأْ.

ترجمه: از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چشم‌ها بندِ نشیمنگاه هستند؛ پس هر کس بخوابد، باید وضو بگیرد.[2]

﴿۴۳﴾ عَنْ يَزِيْدَ بْنِ قُسَيْطٍ يَقُوْلُ: إِنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: لَيْسَ عَلَى الْمُحْتَبِي النَّائِمِ وَلَا عَلَى الْقَائِمِ النَّائِمِ وَلَا عَلَى السَّاجِدِ النَّائِمِ وُضُوْءٌ حَتّٰى يَضْطَجِعَ، فَإِذَا اضْطَجَعَ تَوَضَّأَ.

ترجمه: یزید بن قُسَیطؒ می‌گوید: من از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه شنیدم که می‌فرمود: کسی که به حالت احتباء (یعنی بر سرین نشسته و پاها را با شال یا دست‌ها به بدن بسته) بخوابد، یا در حالت ایستاده بخوابد، یا

(۱) مسند احمد: ۶۰/۳ حدیث ۲۳۱۵ | مسند ابی یعلیٰ: ص۵۱۶ حدیث ۲۴۹۱

(۲) سنن أبي داود: حدیث ۲۰۳ | سنن إبن ماجه: حدیث ۴۷۷ | مسند احمد: حدیث ۸۸۷



در حال سجده خوابش ببرد، وضویش باطل نمی‌شود. البته اگر به پهلو دراز بکشد، باید وضو بگیرد (زیرا در این حالت وضو باطل می‌شود).[1]

در نمازی که رکوع و سجده داراست با قهقهه خندیدن:

مراد از «قَهقهه» خنده‌ای است که هم شخص خود آن را بشنود و هم افراد نزدیک او صدایش را بشنوند؛ و مراد از «ضحك» خنده‌ای است که شخص خودش صدای آن را بشنود، اما افراد نزدیک او نشنوند.

حکم آنها این است که از قهقهه خندیدن، هم نماز و هم وضو هر دو می شکنند؛ اما با «ضحك» تنها نماز می‌شکند و وضو نمی‌شکند.[2]

﴿۴۴﴾ عَنْ مَعْبَدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ بَيْنَمَا هُوَ فِي الصَّلَاةِ إِذْ أَقْبَلَ أَعْمٰى يُرِيْدُ الصَّلَاةَ فَوَقَعَ فِي زُبْيَةٍ فَاسْتَضْحَكَ بَعْضُ الْقَوْمِ حَتّٰى قَهْقَهَ فَلَمَّا انْصَرَفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَهْقَهَ فَلْيُعِدِ الْوُضُوْءَ وَالصَّلَاةَ.

ترجمه: حضرت مَعْبَد رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ نماز می‌دادند که مردی نابینا برای ادای نماز آمد و در گودالی (که در مسجد بود) افتاد. برخی از مردم با صدای بلند خندیدند تا آنکه قهقهه زدند. هنگامی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از نماز فارغ شدند، فرمودند: هر کسی از شما که قهقهه زده است، باید وضو و نماز هر دو را اعاده کند.[3]

﴿۴۵﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ ضَحِكَ فِي صَلَاةٍ قَهْقَهَةً فَلْيُعِدِ الْوُضُوْءَ وَالصَّلَاةَ.

---

(۱) السنن الكبري للبيهقي: ۱۲۲/۱ باب ما ورد في نوم الساجد

(۲) عمدة القاري شرح صحيح البخاري للعيني: ۴۹۹/۲ باب من لم ير الوضوء إلا من المخرجين القبل والدبر

(۳) كتاب الآثار برواية القاضي: ص ۲۸ حديث ۱۳۵ باب افتتاح الصلاة

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرکس در نماز قهقهه بزند، باید وضو و نماز خود را اعاده کند.[1]

﴿۴۶﴾ عَنْ أَبِي مُوْسٰى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: بَيْنَمَا رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَتَرَدّٰى فِي حُفْرَةٍ كَانَتْ فِي الْمَسْجِدِ وَكَانَ فِي بَصَرِه ضَرَرٌ فَضَحِكَ كَثِيْرٌ مِنَ الْقَوْمِ وَهُمْ فِي الصَّلَاةِ فَأَمَرَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ ضَحِكَ أَنْ يُعِيْدَ الْوُضُوْءَ وَيُعِيْدَ الصَّلَاةَ.

ترجمه: حضرت ابوموسیٰ اشعری رضی‌الله‌عنه می‌فرماید که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز می‌خواندند، که مردی وارد مسجد شد که دچار ضعف بینائی بود و در گودالی که در مسجد بود افتاد. بسیاری از مردم در همان حال ادای نماز خندیدند. حضرت رسول الله ﷺ به کسانی که خندیده بودند دستور دادند تا وضو و نماز را دوباره اعاده کنند.[2]

﴿۴۷﴾ عَنْ أَبِي الْعَالِيَةِ الرِّيَاحِيِّ أَنَّ أَعْمٰى تَرَدّٰى فِي بِئْرٍ، وَالنَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي بِأَصْحَابِه فَضَحِكَ بَعْضُ مَنْ كَانَ يُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ ضَحِكَ مِنْهُمْ أَنْ يُعِيْدَ الْوُضُوْءَ وَالصَّلَاةَ.

ترجمه: ابوالعالیه رِیاحی رحمه‌الله (تابعی بزرگ و ثقه) می‌فرماید: هنگامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم با اصحاب رضی‌الله‌عنهم نماز می‌خواندند، مردی نابینا در گودالی (که در مسجد بود) افتاد. بعضی از کسانی که همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز می‌خواندند، خندیدند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم به کسانی که خندیده بودند دستور دادند که وضو و نماز هر دو را اعاده کنند.[3]

---

(۱) الكامل لابن عدي: ۱۰۱/۴ ترجمة رُفَيع بن مهران
(۲) مجمع الزوائد للهيثمي: ۵۶۰/۱ حديث ۱۲۷۸
(۳) سنن الدارقطني: ص ۱۱۱ و ۱۱۲ حديث ۵۹۵



مراد از «ضحک» که در حدیث سوم و چهارم از میان احادیث مذکوره، به سببش دستورِ اعادۀ هر دوی وضو و نماز داده شده است، چنان خنده‌ای است که همراه با قهقهه باشد؛ زیرا این معنا به وسیلۀ دو حدیث نخست تأیید می‌شود.

حافظ بدر الدین محمود بن احمد بن موسیٰ العَینی الحنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۸۵۵هـ.ق) می‌نویسد:

❁ فَإِنْ قَالَ: كَيْفَ اسْتَدَلَّتِ الْحَنَفِيَّةُ بِالْحَدِيثِ الَّذِي رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا الضِّحْكُ دُونَ الْقَهْقَهَةِ، قُلْتُ: الْمُرَادُ مِنْ قَوْلِهِ «مَنْ ضَحِكَ مِنْكُمْ» قَهْقَهَةً، يَدُلُّ عَلَيْهِ مَا رَوَاهُ ابْنُ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ ضَحِكَ فِي الصَّلَاةِ قَهْقَهَةً فَلْيُعِدِ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ، رَوَاهُ ابْنُ عَدِيٍّ فِي الْكَامِلِ... وَالْأَحَادِيثُ يُفَسِّرُ بَعْضُهَا بَعْضًا.

ترجمه: اگر کسی بگوید که احناف چگونه به حدیثی که دارقطنی روایت کرده استدلال نموده‌اند، در حالی که در آن تنها واژۀ «ضحک» (خندیدن) آمده و لفظ «قهقهه» نیامده؟ جواب این است که مراد از «ضحک» در این حدیث دارقطنی «قهقهه» است، و دلیل آن، روایت حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس در نماز قهقهه بزند، باید وضو و نماز را اعاده کند. این حدیث را حافظ ابن عدی در کتاب «الکامل» آورده است. (این‌که ما «ضحک» در این روایت را به معنای «قهقهه» گرفته‌ایم، بدین دلیل است که) احادیث شریف، یکدیگر را تفسیر و توضیح می‌کنند.[۱]

(۱) عمدة القاري شرح صحيح البخاري للعيني: ۴۹۹/۲ باب من لم یر الوضوء إلا من المخرجين القبل والدبر

جنون و بیهوشی:

علامه محیی‌الدین ابو زکریا یحییٰ بن شرف نووی رحمه‌الله (متوفّٰی ۶۷۶ ه.ق) می‌نویسد:

❁ أَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى انْتِقَاضِ الْوُضُوْءِ بِالْجُنُوْنِ وَبِالْإِغْمَاءِ.

ترجمه: اُمت بر این اجماع دارد که از جنون (دیوانگی) و بیهوشی، وضو می‌شکند.[۱]

❁ عَنْ حَمَّادٍ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: إِذَا أَفَاقَ الْمَجْنُونُ تَوَضَّأَ وُضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ.

ترجمه: امام حماد رحمه‌الله می‌فرماید: هرگاه شخص مجنون (و بیهوش) به هوش آید، باید برای نماز وضو بگیرد.[۲]

استفراغ کردن:

اگر استفراغ دهان پُر و عمداً باشد، وضو می‌شکند و اگر دهان پر نباشد، وضو نمی‌شکند. منظور از «دهان پر بودن» این است که نگهداشتن استفراغ بدون سختی ممکن نباشد.[۳]

﴿۴۸﴾ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَاءَ [فَأَفْطَرَ] فَتَوَضَّأَ.

ترجمه: از حضرت ابو الدرداء رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم استفراغ نمودند، سپس ایشان روزه را افطار کردند و وضو گرفتند.[۴]

﴿۴۹﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

---

(۱) المجموع شرح المهذب للنووی: ۴۶۷/۲ باب الاحداث التی تنقض الوضوء
(۲) مصنف عبد الرزاق: ۱۰۰/۱ حدیث ۴۹۳ باب النوم في الصلاة والمجنون إذا عقل
(۳) الفتاوي الهندية: ۱۱/۱ باب الوضوء، الفصل الخامس في نواقض الوضوء
(۴) جامع الترمذي: حديث ۸۷ أبواب الطَّهارة؛ باب الوضوءِ من القَيْءِ والرُّعافِ



مَنْ أَصَابَهُ قَيْءٌ أَوْ رُعَافٌ، أَوْ قَلَسٌ، أَوْ مَذْيٌ فَلْيَنْصَرِفْ فَلْيَتَوَضَّأْ، ثُمَّ لِيَبْنِ عَلٰى صَلَاتِه، وَهُوَ فِي ذٰلِكَ لَا يَتَكَلَّمُ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس (در نماز) دچار استفراغ، خون بینی/دماغ، بالا آوردن غذا به دهان، یا خروج مذی شود، پس باید نماز را قطع کند و برود وضو بگیرد؛ سپس بدون آنکه با کسی سخن بگوید، نماز خود را از همان‌جا که قطع کرده بود ادامه دهد.(۱)

خروج مَذی و وَدی:

﴿۵۰﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: قَالَ كُنْتُ رَجُلًا مَذَّاءً فَكُنْتُ أَسْتَحْيِيْ أَنْ أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَانِ ابْنَتِه، فَأَمَرْتُ الْمِقْدَادَ بْنَ الأَسْوَدِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ.

ترجمه: حضرت علی رضی‌الله‌عنه می‌فرمایند: من شخصی بودم که بسیار از من مَذی می‌آمد. از اینکه خودم از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در این باره سؤال کنم شرم داشتم، زیرا دخترشان در خانه‌ام بود. به حضرت مِقْدَاد بن الأَسْوَد رضی‌الله‌عنه گفتم که مسئله را از آنحضرت ﷺ بپرسد. وی پرسید و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چنین شخص باید اندام خود را بشوید و وضو بگیرد.(۲)

﴿۵۱﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا: قَالَ: هُوَ الْمَنِيُّ وَالْمَذْيُ وَالْوَدْيُ، فَأَمَّا الْمَذْيُ وَالْوَدْيُ فَإِنَّهُ يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ، وَأَمَّا الْمَنِيُّ فَفِيهِ الْغُسْلُ.

---

(۱) سنن إبن ماجه: حديث ۱۲۲۱ أَبْوَابُ إِقَامَةِ الصَّلَوَاتِ وَالسُّنَّةِ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْبِنَاءِ عَلَى الصَّلَاةِ | سنن الدارقطني: ص۱۰۵ حديث ۵۵۵

(۲) صحيح مسلم: حديث ۳۰۳ كتاب الطهارة؛ بَاب الْمَذْيِ | صحيح البخاري: حديث ۱۷۸ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: مَنْ لَمْ يَرَ الْوُضُوءَ إِلَّا مِنَ الْمَخْرَجَيْنِ: مِنَ الْقُبُلِ وَالدُّبُرِ

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرمایند: (برعلاوۀ ادرار، از اندام تناسلی) سه چیز خارج می‌شود: مَنی، مَذی و وَدی. در صورت خروج مَذی یا وَدی، انسان اندام تناسلی خود را بشوید و وضو بگیرد، و در صورت خروج مَنی، غسل واجب می‌باشد.[1]



منی: آبی که همراه با شدت شهوت از آلت خارج شود و باعث فروکشی شهوت گردد، «منی» نامیده می‌شود. خروج آن غسل را واجب می‌سازد.

مَذی: آبی که همراه با شهوت از آلت خارج شود و باعث افزایش شهوت گردد، «مذی» نامیده می‌شود. خروج آن باعث شکستن وضو می‌شود، ولی غسل را واجب نمی‌سازد.

وَدی: مادۀ سفیدرنگی که به دلیل بیماری یا برداشتن چیز سنگین یا پس از ادرار بدون دلیل خاصی از آلت خارج شود «ودی» نامیده می‌شود. خروج آن نیز وضو را می‌شکند، ولی غسل را واجب نمی‌سازد.

جریان خون استحاضه:

خونِ غیر از حیض یا نفاس را که زنان می‌بینند، استحاضه می‌گویند.

﴿۵۲﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ ابْنَةُ أَبِي حُبَيْشٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُوْلَ اللهِ! إِنِّي امْرَأَةٌ أُسْتَحَاضُ فَلَا أَطْهُرُ أَفَأَدَعُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا، إِنَّمَا ذٰلِكِ عِرْقٌ وَلَيْسَ بِحَيْضٍ فَإِذَا أَقْبَلَتْ حَيْضَتُكِ فَدَعِي الصَّلَاةَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاغْسِلِيْ عَنْكِ الدَّمَ ثُمَّ صَلِّيْ. قَالَ: وَقَالَ أَبِيْ: ثُمَّ تَوَضَّئِيْ لِكُلِّ صَلَاةٍ حَتّٰى يَجِيْءَ ذٰلِكَ الْوَقْتُ.

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۳۹/۱ باب الرجل يخرج من ذكره المذى كيف يفعل | مصنف ابن ابی شيبة: ۵۳۳/۱ حديث ۹۸۹ فِي الْمَنِيِّ وَالْمَذْيِ وَالْوَدْيِ

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که فاطمه دختر ابی حُبَیش به خدمت رسول الله ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من دچار استحاضه هستم (خون‌ریزی پیوسته دارم که قطع نمی‌شود)، آیا نماز را ترک کنم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: (نه؛ نماز به سبب حیض ترک می گردد و) این خون، خونِ حیض نیست، بلکه خونِ رگ است. لذا هنگامی که ایام حیضت فرا رسد، نماز را ترک کن، و چون پایان یافت، خون را بشوی و نماز بخوان. راوی حدیث هشام می‌گوید که پدرم (عُرْوَه) می‌گفت که آنحضرت ﷺ همچنین فرمودند: برای هر نماز وضو بگیر تا زمانی که ایام حیض دوباره فرا رسد.(۱)

از این حدیث ثابت می‌شود که زنی که مبتلا به استحاضه باشد وضوی او باطل می‌شود، دربارهٔ او حکم این است که او باید برای هر نماز، وضوی تازه بگیرد. البته در روزهای حیض نماز نخواند، زیرا نماز در آن روزها معاف است.



آنچه وضو از آن نمی‌شکند

از لمس زن:

﴿۵۳﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا قَالَتْ: كُنْتُ أَنَامُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرِجْلَايَ فِي قِبْلَتِهِ فَإِذَا سَجَدَ غَمَزَنِي فَقَبَضْتُ رِجْلَيَّ فَإِذَا قَامَ بَسَطْتُهُمَا، قَالَتْ: وَالْبُيُوتُ يَوْمَئِذٍ

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۲۲۸ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: غَسْلِ الدَّمِ

لَيْسَ فِيْهَا مَصَابِيْحُ.

ترجمه: زوجهٔ محترمهٔ رسول الله ﷺ حضرت عایشه رضی الله‌عنها می فرماید: من پیشروی رسول الله ﷺ می‌خوابیدم و پاهایم به سوی قبلهٔ ایشان می‌بود. وقتی ایشان به سجده می‌رفتند، مرا لمس می‌کردند؛ من پاهایم را جمع می‌کردم و وقتی ایشان بلند می‌شدند، باز پاهایم را دراز می‌کردم. در آن زمان خانه‌ها چراغ نداشتند.(1)

﴿۵۴﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ: لَيْسَ فِي الْقُبْلَةِ وُضُوْءٌ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی الله‌عنهما می‌فرماید: بوسه وضو را نمی‌شکند.(2)

از دست زدن به شرمگاه:

﴿۵۵﴾ عَنْ قَيْسِ بْنِ طَلْقٍ عَنْ أَبِيْهِ قَالَ: قَدِمْنَا عَلٰى نَبِيِّ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَ رَجُلٌ كَأَنَّهُ بَدَوِيٌّ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللهِ! مَا تَرَى فِي مَسِّ الرَّجُلِ ذَكَرَهُ بَعْدَ مَا يَتَوَضَّأُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلْ هُوَ إِلَّا مُضْغَةٌ مِنْهُ - أَوْ بَضْعَةٌ مِنْهُ.

ترجمه: حضرت قیس بن طَلْق از پدرش (حضرت طَلْق بن علی رضی الله عنه) روایت می‌کند که فرمود: ما به خدمت پیامبر خدا صلی الله‌علیه‌وسلم حاضر شدیم. مردی که گویا بیابان‌نشین بود آمد و پرسید: ای پیغمبر خدا ! اگر شخصی پس از وضو گرفتن، اندام تناسلی خود را لمس کند، آیا باید دوباره وضو بگیرد؟ رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: آن فقط جزئی از بدن او است!(3) (یعنی همان‌گونه که لمس کردن سایر اعضای بدن وضو را باطل

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۳۷۵ أبواب الصلاة في الثياب؛ بَاب: الصَّلَاةِ عَلَى الْفِرَاشِ
(۲) كتاب الآثار برواية أبي يوسف القاضي: ص ۵ حدیث ۱۷
(۳) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۸۲ | جامع الترمذی: حدیث ۸۵ | سنن النسائی: حدیث ۱۶۵ | سنن ابن ماجه: حدیث ۴۸۳

نمی‌کند، لمس کردن شرمگاه نیز وضو را باطل نمی‌سازد).

﴿۵۶﴾ عَنْ أَرْقَمَ بْنِ شُرَحْبِيلَ، قَالَ: حَكَكْتُ جَسَدِي، وَأَنَا فِي الصَّلَاةِ، فَأَفْضَيْتُ إِلَى ذَكَرِي، فَقُلْتُ لِعَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ، فَقَالَ لِي: اقْطَعْهُ وَهُوَ يَضْحَكُ، أَيْنَ تَعْزِلُهُ مِنْكَ؟ إِنَّمَا هُوَ بَضْعَةٌ مِنْكَ.

ترجمه: أَرْقَم بن شُرَحْبِيل رحمه‌الله می‌گوید: در حال نماز، گاه بدن خود را می‌خاراندم و گاهی دستم به اندام تناسلی‌ام برخورد می‌کرد. این مسئله را با حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه در میان نهادم. ایشان با لبخند فرمودند: (اگر تا این اندازه ناپاک است) آن را قطع کن! چگونه می‌توانی آن را از خود جدا سازی؟ آن جزئی از بدن توست. (یعنی لمس آن، موجب نقض وضو نمی‌شود.)[1]

موقف بسیاری از صحابه:

موقف بسیاری از صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم این بود که با دست زدن به شرمگاه، وضو نمی‌شکند.

امام حسین بن مسعود بن محمد بن الفراء البَغَوی الشافعی رحمه‌الله (متوفّی ۵۱۰ ه.ق) می‌نویسد:

﴿۵۷﴾ وَذَهَبَ جَمَاعَةٌ إِلَى أَنَّهُ لَا يُوجِبُ الْوُضُوءَ، رُوِيَ ذٰلِكَ عَنْ عَلِيٍّ، وَابْنِ مَسْعُودٍ، وَعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَأَبِي الدَّرْدَاءِ، وَحُذَيْفَةَ، وَبِهِ قَالَ الْحَسَنُ، وَإِلَيْهِ ذَهَبَ الثَّوْرِيُّ، وَابْنُ الْمُبَارَكِ، وَأَصْحَابُ الرَّأْيِ.

ترجمه: گروهی بر این نظر اند که لمس شرمگاه وضو را نمی‌شکند. این نظر حضرت علی، حضرت عبدالله بن مسعود، حضرت عمار بن یاسر، حضرت أبو الدرداء و حضرت حُذَیفه بن یمان رضی‌الله‌عنهم است. همچنین

(۱) المعجم الکبیر للطبراني: ۵۵۶/۴ و ۵۵۷ حدیث ۹۱۱۲

امام حسن بصری رحمه‌الله نیز بر همین نظر بود و امام سفیان ثوری، امام عبدالله بن مبارک و دیگر فقهای کرام نیز همین نظر را اختیار کرده‌اند.(۱)

از خوردن غذای پخته‌شده بر آتش:

﴿۵۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكَلَ كَتِفَ شَاةٍ ثُمَّ صَلَّى وَلَمْ يَتَوَضَّأْ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرمایند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم گوشت شانۀ گوسفند را تناول فرمودند، سپس نماز خواندند و وضو نگرفتند.(۲)

﴿۵۹﴾ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَمْرِو بْنِ أُمَيَّةَ الضَّمْرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْتَزُّ مِنْ كَتِفِ شَاةٍ، فَأَكَلَ مِنْهَا، فَدُعِيَ إِلَى الصَّلَاةِ، فَقَامَ وَطَرَحَ السِّكِّينَ، وَصَلَّى وَلَمْ يَتَوَضَّأْ.

ترجمه: حضرت جعفر بن عَمْرِو بْنِ أُمَيَّةَ الضَّمْری از پدر خود (حضرت عَمْرِو بْنِ أُمَيَّةَ الضَّمْرِي رضی‌الله‌عنه) روایت می‌کند که: من رسول خدا صلی الله‌علیه‌وسلم را دیدم که از شانۀ گوسفند (با کارد) گوشت می‌برید و می‌خورد. سپس وقت نماز شد؛ آنحضرت برخاستند و کارد را بر زمین نهادند و نماز خواندند، و وضو نگرفتند.(۳)

از خوردن گوشت شتر:

﴿۶۰﴾ عَنْ أَبِي سَبْرَةَ: أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَكَلَ مِنْ لُحُومِ الْإِبِلِ، ثُمَّ صَلَّى وَلَمْ يَتَوَضَّأْ.

---

(۱) شرح السنة للبغوي: ۲۶۴/۱ باب الوضوء من مس الفرج
(۲) صحيح البخاری: حديث ۲۰۴ كِتَاب الْوُضُوءِ؛ بَاب: مَنْ لَمْ يَتَوَضَّأْ مِنْ لَحْمِ الشَّاةِ وَالسَّوِيقِ
(۳) صحيح مسلم: حديث ۳۵۵ كتاب الحيض؛ بَاب نَسْخِ الْوُضُوءِ مِمَّا مَسَّتِ النَّارُ

ترجمه: ابو سَبْرَهؒ روایت می‌کند که حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه گوشت شتر خوردند، سپس نماز خواندند و وضو نگرفتند.(۱)

﴿۶۱﴾ عَنْ يَحْيَى بْنِ قَيْسٍ، قَالَ: رَأَيْتُ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَكَلَ لَحْمَ جَزُورٍ، وَشَرِبَ لَبَنَ إِبِلٍ، ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ، وَلَمْ يَتَوَضَّأْ.

ترجمه: یحییٰ بن قیس می‌گوید: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما را دیدم که گوشت شتر خوردند و شیرِ شتر نوشیدند، سپس نماز مغرب را به‌جا آوردند و وضو نگرفتند.(۲)

موقف جمهور علماء:

جمهور علماء نیز بر این نظر هستند که وضو از خوردن گوشت شتر، باطل نمی‌شود.

امام ابو بکر محمد بن ابراهیم بن المنذر النیسابوری رحمه‌الله (متوفّی ۳۱۹ هـ.ق) می‌نویسد:

﴿۶۲﴾ وَأَسْقَطَتْ طَائِفَةٌ الْوُضُوءَ مِنْ ذٰلِكَ [مِنْ لُحُومِ الْإِبِلِ]، وَمِمَّنْ كَانَ لَا يَرَى ذٰلِكَ وَاجِبًا: مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ، وَسُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ، وَالشَّافِعِيُّ، وَأَصْحَابُ الرَّأْيِ، وَقَدْ رُوِيَ ذٰلِكَ عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ، وَعَطَاءٍ، وَطَاوُوسٍ، وَمُجَاهِدٍ، وَرُوِيَ ذٰلِكَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ.

ترجمه: از جمله کسانی که خوردن گوشت شتر را موجب وضو نمی‌دانند؛ امام مالک بن انسؒ، امام سفیان ثوریؒ، امام شافعیؒ و دیگر فقهای کرام اند. همچنین این نظرِ سُوَید بن غَفَلَهؒ، عطاء بن ابی رباحؒ، طاووسؒ و مجاهدؒ است و از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما نیز همین نظر مروی می‌باشد.(۳)

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۳۰۹/۱ حديث ۱۶۰۰ باب الصلاة في مرحي الدواب ولحوم الابل هل يتوضاء
(۲) الأوسط لابن المنذر: ۲۴۹/۱ ذكر الوضوء من لحوم الإبل
(۳) الأوسط لابن المنذر: ۲۴۹/۱ ذكر الوضوء من لحوم الإبل





مقصود از وضو در روایاتی که از وضوگرفتن پس از خوردن گوشت شتر در آنها سخن به میان آمده، معنای لُغَوِیِ وضو یعنی شستن دست و دهان است.[1]

و اگر وضوی کامل را از آن مراد بگیریم، پس مراد این است که وضو گرفتن پس از خوردن گوشت شتر مستحب است، واجب و لازم نیست. دلیل آن، روایت آتی است:

﴿۶۳﴾ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، عَنْ أَبِيهِ سَمُرَةَ السُّوَائِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: إِنَّا أَهْلُ بَادِيَةٍ وَمَاشِيَةٍ، فَهَلْ نَتَوَضَّأُ مِنْ لُحُومِ الْإِبِلِ وَأَلْبَانِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: فَهَلْ نَتَوَضَّأُ مِنْ لُحُومِ الْغَنَمِ وَأَلْبَانِهَا؟ قَالَ: لَا.

ترجمه: حضرت جابر بن سَمُرَه از پدرش حضرت سَمُرَة السُّوَائی رضی اللهعنه روایت می‌کند که وی به خدمت رسول الله عرض کرد: ای رسول خدا! ما اهل بادیه هستیم و مالداری/دامداری می‌کنیم؛ آیا با خوردن گوشت شتر و نوشیدن شیر آن وضو بگیریم؟ آنحضرت صلی اللهعلیه‌وسلم فرمودند: بلی. باز عرض کرد: آیا با خوردن گوشت گوسفند و نوشیدن شیر آن وضو بگیریم؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: نه.[2]

در این حدیث، نوشیدن شیر شتر نیز در کنار خوردن گوشت آن ذکر شده؛ حال آنکه هیچ‌یک از فقهاء قائل به وجوب وضو به سبب نوشیدن شیر شتر نیستند، بلکه به اجماع، آن را بر استحباب حمل کرده‌اند. بنابراین، حکم وضو پس از خوردن گوشت شتر نیز بر استحباب دلالت دارد، نه بر وجوب و الزام.

(۱) المسائل والدلائل للشیخ فیض احمد الملتانی: ص ۱۶۱ باب الوضوء من لحوم الابل
(۲) المعجم الكبير للطبراني: ۱۵۵/۴ حدیث ۶۹۶۲

از نوشیدن شیر:

﴿۶۴﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: رَأَيْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَرِبَ لَبَنًا فَتَمَضْمَضَ وَصَلّٰى وَلَمْ يَتَوَضَّأْ.

حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: من پیامبر خدا صلی الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دیدم که شیر نوشیدند، سپس دهان خود را شستند و نماز خواندند، اما وضو نگرفتند.(۱)

﴿۶۵﴾ عَنْ مِسْعَرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِجَبَلَةَ: أَسَمِعْتَ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا يَقُوْلُ: إِنِّي لَاٰكُلُ اللَّحْمَ وَأَشْرَبُ اللَّبَنَ، وَأُصَلِّي وَلَا أَتَوَضَّأُ؟ قَالَ: نَعَمْ.

مِسْعَرؒ (بن کِدام) می‌گوید: به حضرت جَبَلَه (بن سُهَیم) گفتم: آیا از عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما شنیده‌ای که بگوید: من گوشت می‌خورم، شیر می‌نوشم و نماز می‌خوانم، اما (بعدِ آنها) وضو نمی‌گیرم؟ حضرت جَبَلَه پاسخ داد: بلی، شنیده‌ام.(۲)

(۱) مسند الامام الأعظم برواية الحارثي: ۸۳۴/۲ حديث ۱۴۷۸
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۰۳/۱ حديث ۵۴۱ مَنْ كَانَ لاَ يَتَوَضَّأُ مِنْهُ وَلاَ يُمَضْمِضُ

مسح بر موزه‌ها

﴿۶۶﴾ عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ خَرَجَ لِحَاجَتِهِ فَاتَّبَعَهُ الْمُغِيرَةُ بِإِدَاوَةٍ فِيهَا مَاءٌ فَصَبَّ عَلَيْهِ حِينَ فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِ فَتَوَضَّأَ وَمَسَحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ.

ترجمه: حضرت مُغیره بن شَعبه رضی الله‌عنه می‌فرماید: پیامبر خدا صلی الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای قضای حاجت از خانه خارج شدند و من نیز ظرفی پر از آب به دنبال ایشان بردم. هنگامی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم از قضای حاجت خود فارغ شدند، من آب را برای ایشان پیش کردم، آنحضرت ﷺ وضو گرفتند و بر روی موزه/چکمه‌های خود مسح کردند.(۱)

﴿۶۷﴾ عَنْ هَمَّامٍ قَالَ: بَالَ جَرِيرٌ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ثُمَّ تَوَضَّأَ وَمَسَحَ عَلَى خُفَّيْهِ، فَقِيلَ: تَفْعَلُ هَذَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَالَ ثُمَّ تَوَضَّأَ وَمَسَحَ عَلَى خُفَّيْهِ.

ترجمه: هَمَّام رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت جریر رضی‌الله‌عنه ادرار کرد، سپس وضو گرفت و بر روی موزه/چکمه‌هایش مسح کرد. از او پرسیدند: آیا بر موزه‌هایت مسح می‌کنی؟ او جواب داد: بلی، من پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که بعد از ادرار وضو گرفتند و بر موزه‌های شان مسح کردند.(۲)

---

(۱) صحيح البخاري: حديث ۲۰۰ كِتَاب الْوُضُوءِ ؛ بَاب: الْمَسْح عَلَى الْخُفَّيْنِ
(۲) صحيح مسلم: حديث ۲۷۲ كتاب الطهارة؛ بَاب الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ



﴿۶۸﴾ عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ فَقَالَ: يَا مُغِيرَةُ! خُذِ الْإِدَاوَةَ فَأَخَذْتُهَا، ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهُ، فَانْطَلَقَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تَوَارَى عَنِّي، فَقَضَى حَاجَتَهُ، ثُمَّ جَاءَ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ شَامِيَّةٌ ضَيِّقَةُ الْكُمَّيْنِ، فَذَهَبَ يُخْرِجُ يَدَهُ مِنْ كُمِّهَا فَضَاقَتْ عَلَيْهِ فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ أَسْفَلِهَا، فَصَبَبْتُ عَلَيْهِ فَتَوَضَّأَ وُضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ مَسَحَ عَلَى خُفَّيْهِ ثُمَّ صَلَّى.

ترجمه: حضرت مُغیره بن شُعبه رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: در سفری همراه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بودم. آنحضرت ﷺ به من فرمودند: ای مُغیره! ظرف آب را بردار. من ظرف آب را برگرفتم و همراه ایشان حرکت کردم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن‌قدر پیش رفتند تا از دیدگانم پنهان شدند و پس از قضای حاجت بازگشتند. آن حضرت جُبّه‌ای شامی با آستین‌های نسبتاً تنگ بر تن داشتند. هنگامی که خواستند دست خود را از آستین بیرون آورند، به سبب تنگی آستین نتوانستند؛ ازاین‌رو دست خویش را از بالای جُبّه خارج کردند. سپس من آب را برای ایشان ریختم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم وضوی نماز به‌جا آوردند، بر موزه‌های خود مسح کردند و آنگاه نماز را ادا نمودند.(۱)

﴿۶۹﴾ عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِلَالٌ (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) الْأَسْوَافَ فَذَهَبَ لِحَاجَتِهِ ثُمَّ خَرَجَ، قَالَ أُسَامَةُ: فَسَأَلْتُ بِلَالًا مَا صَنَعَ؟ فَقَالَ بِلَالٌ: ذَهَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَاجَتِهِ ثُمَّ تَوَضَّأَ فَغَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَمَسَحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ ثُمَّ صَلَّى.

ترجمه: حضرت اسامه بن زید رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: پیغمبر خدا

---
(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۷۴ کتاب الطهارة؛ بَاب الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ

صلی‌الله‌علیه‌وسلم و حضرت بلال رضی‌الله‌عنه وارد محدودهٔ اَسواف (حرم مدینه) شدند. آنحضرت ﷺ برای قضای حاجت رفتند و سپس بازگشتند. من از حضرت بلال رضی‌الله‌عنه پرسیدم که پیغمبر خدا چه عملی انجام دادند؟ حضرت بلال رضی‌الله‌عنه فرمود: پیغمبر خدا ﷺ برای قضای حاجت رفتند، سپس وضو گرفتند، صورت و دست‌های شان را شستند، و بر سر خویش مسح کردند و همچنین بر موزه‌های خویش مسح نمودند. پس از آن نماز خواندند.(۱)

﴿۷۰﴾ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ مَسَحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ.

ترجمه: حضرت سعد بن ابی وقاص رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر موزه‌های خویش مسح کردند.(۲)



احادیثی که در آنها مسح بر موزه ذکر شده است، متواتر است:

حافظ ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی ابن حَجَر عَسقلانی شافعی رحمه‌الله (ت۸۵۲هـ.ق) می‌نویسد:

❁ وَقَدْ صَرَّحَ جَمْعٌ مِّنَ الْحُفَّاظِ بِأَنَّ الْمَسْحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ مُتَوَاتِرٌ، وَجَمَعَ بَعْضُهُمْ رُوَاتَهُ، فَجَاوَزُوا الثَّمَانِيْنَ، وَمِنْهُمُ الْعَشَرَةُ.

ترجمه: بسیاری از حُفاظ مُحدثین تصریح کرده‌اند که (احادیثِ) مسح بر موزه‌ها در درجهٔ تواتر قرار دارد، و بعضی از مُحدثین تعداد راویان این احادیث را گردآوری کرده اند که تعدادشان بیشتر از هشتاد نفر است، و در

(۱) سنن النسائي: حديث ۱۲۰ كتاب الطهارة؛ باب المسح على الخُفَّين
(۲) سنن النسائي: حديث ۱۲۱ كتاب الطهارة؛ باب المسح على الخُفَّين



میان آنها عشرۀ مَبشَّره رضی‌الله‌عنهم نیز شامل اند.[1]



روایاتی که در آنها مسح بر «جوراب‌ها» ذکر شده است، همگی ضعیف بوده قابل استدلال نیستند. برای تفصیل بیشتر، نگاه کنید به مقالۀ من: «مسئلۀ مسح بر موزه‌ها و عدم جواز مسح بر جوراب‌ها».[2]



مدت مسح برای مقیم و مسافر

فرد مقیم می‌تواند تا یک روز و یک شب (۲۴ ساعت) بر موزۀ/چکمۀ خود مسح کند و مسافر تا سه روز و سه شب (۷۲ ساعت).

﴿۷۱﴾ عَنْ شُرَيْحِ بْنِ هَانِئٍ قَالَ: أَتَيْتُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَسْأَلُهَا عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ فَقَالَتْ: عَلَيْكَ بِابْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فَسَلْهُ فَإِنَّهُ كَانَ يُسَافِرُ مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلْنَاهُ فَقَالَ: جَعَلَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيَهُنَّ لِلْمُسَافِرِ وَيَوْمًا وَلَيْلَةً لِلْمُقِيْمِ.

ترجمه: شُرَیْح بن هانی رحمه‌الله می‌گوید: من نزد حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها آمدم تا دربارۀ مسح بر موزه سؤال کنم. ایشان فرمود: نزد ابن ابی‌طالب (علی رضی‌الله‌عنه) برو و از او بپرس، زیرا او با رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سفر

(۱) فتح الباری شرح صحیح البخاری لابن حجر: ۳۹۹/۱ باب المسح علی الخفین

(۲) مترجم نیز رساله‌ای در این مورد دارد به نام «مسح بر جوراب‌های نازک امروزی جایز نیست» که در حاشیۀ دورۀ دو جلدی زیورهای بهشتی چاپ شده است و نیز جداگانه به صورت پی دی اف نشر گردیده است.



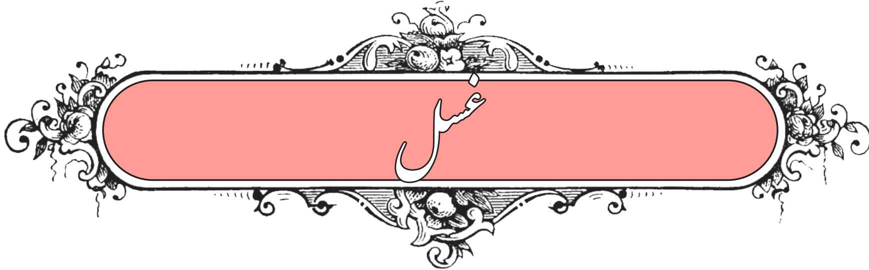
می‌کرد (لذا در این باره بیشتر از من می‌داند). ما از حضرت علی رضی‌الله‌عنه سوال کردیم و حضرت علی رضی‌الله‌عنه فرمود: رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم (مدت مسح را) برای مسافر سه روز و سه شب، و برای مقیم یک روز و یکشب مُقَرَّر کرده‌اند.(۱)

﴿۷۲﴾ عَنْ خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ؟ فَقَالَ: لِلْمُسَافِرِ ثَلَاثٌ، وَلِلْمُقِيْمِ يَوْمٌ.

ترجمه: از حضرت خُزَیمه بن ثابت رضی‌الله‌عنه روایت است که از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارۀ مسح بر موزه سؤال شد، آنحضرتﷺ فرمودند: برای مسافر سه روز و برای مقیم یک روز.(۲)

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۷۶ کتاب الطهارة؛ بَاب التَّوْقِيتِ فِي الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْن
(۲) جامع الترمذي: حدیث ۹۵ أبواب الطَّهارة؛ باب المسح على الخُفَّينَ للمسافر والمُقِيم





فرایض غسل:

غسل سه فرض دارد.

غرغره و استنشاق:

﴿۷۳﴾ ﴿وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾

ترجمه: و اگر در حالت جنابت هستید، پس (با غسل) خود را به‌طور کامل پاک کنید.(۱)

در این آیه خداوند به تطهیر/پاک‌سازی کامل بدن در غسل حکم داده است. بنابراین شست‌وشوی هر بخشی از بدن که رساندن آب به آن ممکن باشد، فرض است. و چونکه غرغره کردن و کشیدن آب به بینی کاملاً ممکن است، لذا این دو نیز فرض می‌باشند.(۲)

﴿۷۴﴾ عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ عَجْرَدَ رَضِيَ اللهُ عَنهَا: فِي جُنُبٍ نَسِيَ الْمَضْمَضَةَ وَالِاسْتِنْشَاقَ، قَالَتْ: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: يُمَضْمِضُ وَيَسْتَنْشِقُ وَيُعِيْدُ الصَّلَاةَ.

ترجمه: حضرت عایشه بنت عَجرَد رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که اگر یک جُنُبی (کسی که غسل بر او فرض است، هنگام غسل) فراموش کند آب

---

(۱) سورة المائدة: آیهٔ ۶

(۲) الهدایة للمرغینانی: ۳۰/۱ کتاب الطهارات فصل فی الغسل | بدائع الصنائع للکاسانی: ۱۴۲/۱ کتاب الطهارة



در دهان غرغره کند یا آب به بینی بکشد، حضرت ابن عباس رضی الله عنهما دربارۀ او می‌فرماید که باید آب در دهان غرغره کند و آب به بینی بکشد (و اگر در این مدت نماز خوانده باشد) نماز را دوباره اعاده کند.(١)

﴿٧٥﴾ عَنِ ابْنِ سِيْرِيْنَ رَحِمَهُ اللهُ: قَالَ: أَمَرَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالِاسْتِنْشَاقِ مِنَ الْجَنَابَةِ ثَلَاثًا.

ترجمه: علامه ابن سیرین رحمه‌الله روایت می‌کند که رسول الله ﷺ حکم دادند تا در هنگام غسل جنابت، سه بار آب را به بینی کشیده شود.(٢)

یک بار ریختن آب بر کُل بدن:

﴿٧٦﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ تَرَكَ مَوْضِعَ شَعْرَةٍ مِنْ جَنَابَةٍ لَمْ يَغْسِلْهَا فُعِلَ بِهَا كَذَا وَكَذَا مِنَ النَّارِ.

ترجمه: حضرت علی رضی الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: هر کس هنگام غسل جنابت حتی یک تار موی بدنش را نشوید در دوزخ چنین و چنان عذاب (سختی) خواهد دید.(٣)



طریقۀ غسل

روش/طریقۀ مسنون غسل چنین است که ابتداءً هر دو دست را تا بند/ مُچ دست سه بار بشوئید. سپس استنجاء کنید. اگر قسمتی از بدن نجس شده

(١) سنن الدارقطنی: ص ٨٢ حدیث ٤٠٨
(٢) سنن الدارقطني: ص ٨١ حدیث ٤٠٤
(٣) سنن أبي داود: حدیث ٢٤٩ | سنن إبن ماجه: حدیث ٥٩٩



باشد، آن را پاک کنید. پس از آن وضوی نماز را انجام دهید. اگر در مکانی غسل می‌کنید که آب جمع می‌شود، پس هنگام وضو پاهای تان را نشوئید، بقیۀ وضو را کامل کنید، و پاها را چون از آنجا به جای پاک رفتید بشوئید. اگر مکان غسل به گونه‌ای است که آب جاری شده و جمع نمی‌شود، در این صورت پاها را نیز به همراه سایر اعضا بشوئید.

آنگاه نخست بر سر خود آب بریزید، سپس بر شانۀ راست و بعد بر شانۀ چپ. آب آنقدر باشد که از سر تا پا برسد. کُل بدن را خوب بمالید تا هیچ نقطه‌ای خشک نماند. این، یک بار شستن است.

سپس دوباره همین ترتیب را برای بار دوم انجام دهید: ابتدا بر سر، سپس بر شانۀ راست و سپس بر شانۀ چپ آب بریزید، و هر بار بدن را به خوبی بمالید تا همه جای بدن کاملاً شسته شود. سپس دوباره همین ترتیب را برای بار سوم تکرار کنید.



﴿۷۷﴾ عَنْ مَيْمُونَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَتَرْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَغَسَلَ يَدَيْهِ ثُمَّ صَبَّ بِيَمِيْنِه عَلٰى شِمَالِه فَغَسَلَ فَرْجَهُ وَمَا أَصَابَهُ ثُمَّ مَسَحَ بِيَدِه عَلَى الْحَائِطِ أَوِ الْأَرْضِ ثُمَّ تَوَضَّأَ وُضُوْءَهُ لِلصَّلَاةِ غَيْرَ رِجْلَيْهِ ثُمَّ أَفَاضَ عَلَى جَسَدِهِ الْمَاءَ ثُمَّ تَنَحّٰى فَغَسَلَ قَدَمَيْهِ.

ترجمه: حضرت میمونه رضی‌الله‌عنها می‌فرماید: پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه وسلم غسل جنابت می‌کردند، من برای ایشان پرده‌ای آویختم تا پوشیده باشند. آنحضرت ﷺ نخست دست‌های خود را شستند، سپس با دست راست بر دست چپ آب ریختند و شرمگاه و آن نقاطی را که اثر جنابت به آنها رسیده بود، شستند. سپس دست خود را بر دیوار یا زمین مالیدند، پس از آن وضوی نماز گرفتند به جز پاها. سپس بر تمام بدن مبارک آب ریختند و

در آخر به کناری رفته پاهای خویش را شستند.[1]

﴿۷۸﴾ عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ بَدَأَ فَغَسَلَ يَدَيْهِ ثُمَّ تَوَضَّأَ كَمَا يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ يُدْخِلُ أَصَابِعَهُ فِي الْمَاءِ فَيُخَلِّلُ بِهَا أُصُوْلَ الشَّعَرِ ثُمَّ يَصُبُّ عَلٰى رَأْسِه ثَلَاثَ غُرَفٍ بِيَدَيْهِ ثُمَّ يُفِيْضُ الْمَاءَ عَلٰى جِلْدِه كُلِّه.

ترجمه: از زوجهٔ محترمهٔ حضرت پیغمبر اکرم ﷺ حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که وقتی پیغمبر اکرم ﷺ غسل جنابت می‌کردند، ابتدا دست‌های خود را می‌شستند، سپس به همان صورت که برای نماز می‌گیرند وضو انجام می‌دادند. بعد انگشتان خود را در آب فرو می‌بردند و با آنها بیخ موها را تر می‌کردند. سپس با هر دو دست مبارک سه بار آب بر سر می‌ریختند و در پایان بر کُل بدن خود آب می‌ریختند.[2]

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۲۷۷ کِتَاب الْغُسْلِ؛ بَاب: التَّسَتُّرِ فِي الْغُسْلِ عِنْدَ النَّاسِ
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۲۴۵ کِتَاب الْغُسْلِ؛ بَاب الْوُضُوءِ قَبْلَ الْغُسْلِ


اوقات نماز

اوقات نماز

وقتِ نماز صبح:

وقتِ نمازِ صبح/فجر از طلوعِ صبحِ صادق آغاز می‌شود و تا برآمدن آفتاب ادامه دارد.

در واپسین بخش‌های آخر شب پیش از آن‌که صبح فرا رسد، در سمت مشرق، بر افق، روشنائی سپید از شرق تا غرب دیده می‌شود که اندکی بعد ناپدید می‌گردد؛ این را «صبح کاذب» می‌نامند. پس از مدتی کوتاه، در سوی مشرق، روشنائی‌ای در پهنا/عرض در افق پدیدار می‌شود که به‌تدریج به سوی شمال و جنوب گسترش می‌یابد. این روشنیِ گسترده را «صبح صادق» می‌گویند. از همین زمان، وقتِ نمازِ صبح/فجر آغاز می‌شود و تا آن هنگام ادامه می‌یابد که نخستین لبهٔ خورشید نمایان گردد.



﴿۷۹﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:... وَقْتُ صَلَاةِ الصُّبْحِ مِنْ طُلُوْعِ الْفَجْرِ مَا لَمْ تَطْلُعِ الشَّمْسُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عَمْرو رضی الله عنه روایت است که حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: وقت نماز صبح/فجر از طلوع صبح صادق تا برآمدن آفتاب است.[۱]

﴿۸۰﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ لِلصَّلَاةِ

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۱۷۳- (۶۱۲) كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ أَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ



أَوَّلًا وَآخِرًا... وَإِنَّ أَوَّلَ وَقْتِ الفَجْرِ حِينَ يَطْلُعُ الفَجْرُ، وَإِنَّ آخِرَ وَقْتِهَا حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ.

ترجمه: حضرت ابُوْهُرَیْرَه رضی‌الله‌عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: یقیناً وقت هر نماز، آغازی و پایانی دارد... و یقیناً که آغاز/اول وقت نماز صبح آن است که صبح صادق می‌دمد و آخرین وقتش آن است که طلوع آفتاب می کند.[1]

وقتِ نماز ظهر:

وقتِ نمازِ ظهر از زوالِ آفتاب آغاز می‌شود و تا آن هنگام ادامه دارد که سایهٔ هر چیز ـ افزون بر سایهٔ اصلی اش ـ به دو برابر برسد.

شناختِ زوالِ شمس چنین است که آفتاب پس از طلوع از مشرق، به تدریج بالا می‌آید و در نتیجه، سایهٔ اشیاء در طرف مقابل پیوسته کاهش می یابد. در هنگام ظهر حقیقی، لحظه‌ای فرا می‌رسد که کاهش سایه متوقف می‌شود؛ این زمان را «نصفُ‌النهار» (استواءِ شمس) می‌نامند.

هنگامی که این سایه به جانب دیگر دوباره رو به افزایش گذارد، ابتدای این افزایش را «زوالِ شمس» می‌گویند و وقتِ نمازِ ظهر از همین دم آغاز می‌شود. مقدار سایه‌ای که هر چیز در هنگام نصفُ‌النهار دارد، «سایهٔ اصلی» نامیده می‌شود. وقتِ ظهر تا زمانی استمرار می‌یابد که سایهٔ هر چیز ـ پس از کسرِ سایهٔ اصلی ـ به دو برابر آن چیز برسد.



﴿۸۱﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۵۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ | مسند احمد: ۹۴/۱۲ حدیث ۷۱۷۲



وَسَلَّمَ: إِنَّ لِلصَّلَاةِ أَوَّلًا وَآخِرًا، وَإِنَّ أَوَّلَ وَقْتِ صَلَاةِ الظُّهْرِ حِيْنَ تَزُولُ الشَّمْسُ، وَآخِرَ وَقْتِهَا حِيْنَ يَدْخُلُ وَقْتُ الْعَصْرِ.

ترجمه: از حضرت اَبُوْهُرَيْرَه رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: یقیناً وقت هر نماز، آغازی و پایانی دارد... و آغاز وقت نماز ظهر آن هنگام است که آفتاب زوال نماید، و پایان وقت آن زمانی است که وقت نماز عصر فرا رسد.(۱)

﴿۸۲﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: وَقْتُ الظُّهْرِ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَكَانَ ظِلُّ الرَّجُلِ كَطُولِهِ، مَا لَمْ يَحْضُرِ الْعَصْرُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عَمْرو رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: وقت نماز ظهر از آن زمان شروع می‌شود که آفتاب زوال کند و سایهٔ انسان برابر با طول قامتش شود (و وقت ظهر به پایان نمی‌رسد) تا زمانی که وقت عصر داخل نشود.(۲)

﴿۸۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ رَافِعٍ مَوْلَى أُمِّ سَلَمَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا هُرَيْرَةَ عَنْ وَقْتِ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ، أَنَا أُخْبِرُكَ: صَلِّ الظُّهْرَ إِذَا كَانَ ظِلُّكَ مِثْلَكَ وَالْعَصْرَ إِذَا كَانَ ظِلُّكَ مِثْلَيْكَ.(۳)

ترجمه: حضرت عبد الله بن رافع، غلام اُمُّ المؤمنین حضرت اُمِّ سَلَمَه رضی‌الله‌عنها چون از حضرت اَبُوهُرَيْرَه رضی‌الله‌عنه دربارهٔ اوقات نماز سوال کرد، حضرت اَبُوهُرَيْرَه رضی‌الله‌عنه فرمود: من ترا (از اوقات آن) آگاه می‌سازم. نماز ظهر را همان وقتی بخوان که سایه‌ات به درازای خودت شده باشد و نماز

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۵۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ عَنِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله | مسند احمد: ۹۴/۱۲ حدیث ۷۱۷۲

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۱۷۳- (۶۱۲) كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ أَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ

(۳) موطا امام مالک: ۸/۱ بَابُ وُقُوتِ الصَّلَاةِ: حدیث ۹ | موطا امام محمد: ۳۱/۱ بَابُ وُقُوتِ الصَّلَاةِ: حدیث ۱ | مصنف عبد الرزاق: ۵۴۰/۱ حدیث ۲۰۴۱ باب المواقیت | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۰/۲ حدیث ۴۶۰ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت | آثار السنن للنیموی: ص ۵۳ حدیث ۱۹۹ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت



عصر را در آن وقت بخوان که سایه‌ات دو برابر قامتت شده باشد.

این احادیث شریف بیان می‌کند که وقت نماز ظهر از زمان زوال آفتاب شروع می‌شود، ولی بایست نماز را به تاخیر خواند. و آخرین وقت نماز ظهر تا «مِثْلَيْن» است یعنی تا وقتی که سایۀ هر شی دو برابر سایۀ اصلی‌اش گردد.

وقت نماز عصر:

به محض آنکه وقت نماز ظهر به پایان برسد، یعنی زمانی که سایۀ هرچیز بدون مقدار سایۀ اصلی‌اش دو برابر آن چیز شود، وقت نماز عصر آغاز می گردد و تا هنگام غروب آفتاب باقی می‌ماند.

﴿۸۴﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:... مَنْ أَدْرَكَ رَكْعَةً مِنَ العَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ، فَقَدْ أَدْرَكَ العَصْرَ.

ترجمه: از حضرت اَبُوهُرَيْرَه رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی که یک رکعت نماز عصر را قبل از آنکه آفتاب غروب کند دریابد، او نماز عصر را دریافته است.[۱]

از این حدیث دو نکته ثابت می‌شود:

۱. هرگاه شخصی در آخرین وقت نماز، مکلَّف گردد (مثلاً نابالغ به سنِّ بلوغ برسد یا کافری مسلمان شود) و پس از انجام طهارت، به اندازۀ ادای حد اقل یک رکعت (بلکه حتی به قدر گفتنِ تکبیرِ تحریمه) هنوز وقت داشته باشد، در این صورت آن نماز بر او فرض می‌گردد.

۲. وقتِ نمازِ عصر تا غروب آفتاب ادامه دارد.

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۵۷۹ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ أَدْرَكَ مِنَ الفَجْرِ رَكْعَةً | صحیح مسلم: حدیث ۱۶۳- (۶۰۸) كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ باب من أدرك ركعة من الصبح

وقت نماز مغرب / شام:

پس از غروب آفتاب، سرخی‌ای در اُفُق پدیدار می‌شود که آن را «شَفَقِ احمر» می‌نامند. هنگامی که این سرخی از میان برود، روشنی سفید جای آن را می‌گیرد که «شَفَقِ ابیض» نامیده می‌شود. پس از مدتی کوتاه، این سفیدی نیز ناپدید می‌گردد و تاریکی سراسر آسمان را فرا می‌گیرد. وقتِ نمازِ مغرب از هنگام غروب آفتاب آغاز می‌شود و تا پایان شفقِ ابیض (از میان رفتن آن سفیدی) ادامه می‌یابد.



﴿۸۵﴾ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي الْمَغْرِبَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَتَوَارَتْ بِالْحِجَابِ.

ترجمه: حضرت سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به محض آنکه آفتاب غروب می‌کرد و در پسِ اُفُق پنهان می‌شد، نماز مغرب/شام را اداء می‌نمودند.[۱]

﴿۸۶﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ:... وَقْتُ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ مَا لَمْ يَغِبِ الشَّفَقُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عَمْرو بن العاص رضی‌الله‌عنهمَا روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: وقت نماز مغرب/ شام تا آن زمان باقی است که شفق (ابیض) غایب نشود.[۲]

﴿۸۷﴾ از حضرت جابر رضی‌الله‌عنه در حدیث طویلی مَروی است:

ثُمَّ أَذَّنَ لِلْعِشَاءِ حِينَ أُذْهِبَ بَيَاضُ النَّهَارِ، وَهُوَ الشَّفَقُ.

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۱۶ – (۶۳۶) كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِع الصَّلَاةِ؛ بَاب بَيَانِ أَنَّ أَوَّلَ وَقْت الْمَغْرِبِ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ | صحیح البخاری: حدیث ۵۶۱ بَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَفَضْلِهَا؛ بَابُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۵۷۹ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ أَدْرَكَ مِنَ الفَجْرِ رَكْعَةً | صحیح مسلم: حدیث ۱۶۳– (۶۰۸) كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ باب من أدرك ركعة من الصبح



ترجمه: سپس آذان نماز عشاء/خُفتن را هنگامی دهد که سفیدی روز یعنی شفق گم شود.[(۱)]

﴿۸۸﴾ در حدیث مرفوع حضرت ابومسعود انصاری رضی‌الله‌عنه که واقعهٔ آموزش نماز توسط حضرت جبرئیل علیه‌السلام درآن مذکور است روایت است که:

وَيُصَلِّى الْمَغْرِبَ حِينَ تَسْقُطُ الشَّمْسُ، وَيُصَلِّى الْعِشَاءَ حِينَ يَسْوَدُّ الْأُفُقُ.

ترجمه: و نماز مغرب/شام را به محض غروب آفتاب می‌خواند و نماز عشاء/خُفتن را زمانی ادا می‌کرد که اُفُق سیاه می‌گردید.[(۲)]



از احادیث مذکور بالا دانسته شد که وقت نماز مغرب/شام به محض غروب آفتاب شروع شده و تا ختم شفق اَبْيَض (روشنائی روز) باقی می‌ماند.

وقت نماز عشاء/خُفتن:

وقت نماز عشاء از زمان غایب شدن شفق ابیض شروع شده و تا طلوع صبح صادق باقی می‌ماند.

﴿۸۹﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِىَ اللّٰهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

---

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۴۰/۷ حدیث ۶۷۸۷ بَابُ الْمِيمِ؛ مَنِ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۳۰۴/۱ حدیث ۱۶۸۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ بَيَانِ الْوَقْتِ | آثار السنن للنیموی: ص ۵۱ و ۵۲ حدیث ۱۹۵ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۷/۲ حدیث ۴۶۳ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۳۹۴ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي الْمَوَاقِيتِ | صحیح ابن حبان: ۲۹۸/۴ حدیث ۱۴۴۹ وطبع باوزیر: حدیث ۱۴۴۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ الْبَيَانِ بِأَنَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ أَخَذَهَا مُحَمَّدٌ عَنْ جِبْرِيلَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا | صحیح ابن حبان: ۳۶۲/۴ حدیث ۱۴۹۴ بَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ الْبَيَانِ بِأَنَّ الْمُصْطَفَى صلی‌الله‌علیه‌وآله لَمْ يُسْفِرْ بِصَلَاةِ الْغَدَاةِ ... | صحیح ابن خزیمة: ۱۶۸/۱ حدیث ۳۲۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ ذِكْرِ الدَّلِيلِ عَلَى أَنَّ فَرْضَ الصَّلَاةِ كَانَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ قَبْلَ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله كَانَتْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ... | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۳/۲ تا ۱۶ حدیث ۴۶۲ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت | ادلّة الحنفيّة من الاحاديث النبوية على المسائل الفقهيّة للبهلوی: ص ۱۱۶ حدیث ۲۳۳ باب وقت المغرب الى أن يغيب الشفق

وَسَلَّمَ: أَمَّنِی جِبْرِیْلُ عَلَیْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْبَیْتِ مَرَّتَیْنِ... وَصَلّٰی بِیَ الْعِشَاءَ حِیْنَ غَابَ الشَّفَقُ.

ترجمه: از حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: جبرئیل دوبار مرا نزد بیت الله امامت کرد... و عشاء را هنگامی مرا نماز داد که شفق (ابیض یعنی سفیدی) گم شده بود.[1]

﴿۹۰﴾ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ جُرَیْجٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ: مَا إِفْرَاطُ صَلَاةِ الْعِشَاءِ؟ قَالَ: طُلُوعُ الْفَجْرِ.

ترجمه: از حضرت عُبَیْدِ بْن جُرَیْج رحمه‌الله روایت است که از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه پرسید که آخرین وقت نماز عشاء چه وقت است؟ حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه فرمود: طلوع صبح صادق.[2]



اوقات مستحب نماز

وقت مستحب نماز صبح/فجر:

وقت مستحب نماز صبح/فجر، زمانی است که روشنائی صبحگاهی

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۳۹۳ کِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي الْمَوَاقِیتِ | المعجم الکبیر للطبراني: ۳۰۹/۱۰ حدیث ۱۰۷۵۳ بَابُ العین؛ نَافِعُ بْنُ جُبَیْرِ بْنِ مُطْعِمٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ | صحیح ابن خزیمة: ۱۶۸/۱ حدیث ۳۲۵ کِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ ذِکْرِ الدَّلِیلِ عَلَى أَنَّ فَرْضَ الصَّلَاةِ کَانَ عَلَى الْأَنْبِیَاءِ قَبْلَ مُحَمَّدٍ ﷺ کَانَتْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ... | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۳/۲ تا ۱۶ حدیث ۴۶۲ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت

(۲) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۵۹/۱ حدیث ۹۵۸ کِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَوَاقِیتِ الصَّلَاةِ | السنن الکبری للبیهقی: ۵۳۳/۱ جُمَّاعُ أَبْوَابِ الْمَوَاقِیتِ؛ بَابُ آخِرِ وَقْتِ الْجَوَازِ لِصَلَاةِ الْعِشَاءِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹/۲ حدیث ۴۶۶ کتاب الصلاة؛ باب المواقیت | آثار السنن للنیموی: ص ۵۵ حدیث ۲۱۰ باب ما جاء فی صلوة العشاء | ادلّة الحنفیّة من الاحادیث النبویة علی المسائل الفقهیّة للبهلوی: ص ۱۱۷ حدیث ۲۳۷ باب وقت صلاة العشاء



کاملاً پدیدار شده به‌خوبی گسترش یافته باشد؛ یعنی نماز زمانی خوانده شود که روشنائی صبح/فجر به وضوح نمایان باشد.



﴿۹۱﴾ عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: أَسْفِرُوا بِالفَجْرِ، فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلأَجْرِ.

ترجمه: حضرت رافع بن خَدِیْج رضی‌الله‌عنه روایت می کند که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: نماز صبح را در روشنائی بسیار بخوانید، زیرا ثواب آن خیلی بیشتر است.(۱)

امام مُحدِّث جمال الدین ابومحمد عبد الله بن یوسف بن محمد زَیْلَعی رحمه‌الله (ت ٧٦٢ هـ.ق) می فرماید:

رُوِيَ مِنْ حَدِيْثِ رَافِعِ بْنِ خَدِيْجٍ، وَمِنْ حَدِيْثِ بِلَالٍ، وَمِنْ حَدِيْثِ أَنَسٍ، وَمِنْ حَدِيْثِ قَتَادَةَ بْنِ النُّعْمَانِ، وَمِنْ حَدِيْثِ ابْنِ مَسْعُودٍ، وَمِنْ حَدِيْثِ أَبِيْ هُرَيْرَةَ، وَمِنْ حَدِيْثِ حَوَّاءَ الْأَنْصَارِيَّةِ.

ترجمه: احادیث مشتمل بر این موضوع (ادای نماز صبح در روشنائی بسیار) از حضرت رافع بن خَدِیْج، حضرت بلال، حضرت اَنَس، حضرت قَتَاده بن نعمان، حضرت عبد الله بن مسعود، حضرت ابوهریره و حضرت حواء انصاریه رضی‌الله‌عنهم مروی است.(۲)

﴿۹۲﴾ عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِبِلَالٍ:

---

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۵۴ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الإِسْفَارِ بِالفَجْرِ | سنن النسائی: حدیث ۵۴۸ كِتَابُ الْمَوَاقِيتِ؛ الْإِسْفَارُ | سنن ابی داؤد: حدیث ۴۲۴ كِتَابِ الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي وَقْتِ الصُّبْحِ | صحیح ابن حبان: ۲۵۷/۴ حدیث ۱۴۹۰ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ لَفْظَةٍ تَعَلَّقَ بِهَا... | قطف الازهار المتناثرة في الاحادیث المتواترة للسیوطی: ص ۷۸ مکتب الاسلامی | مسند الحمیدی: ۳۸۷/۱ حدیث ۴۱۳ أَحَادِيثُ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۲/۲ حدیث ۴۷۱ کتاب الصلاة؛ باب الاسفار بالفجر | آثار السنن للنیموی: ص ۵۷ حدیث ۲۱۶ کتاب الصلاة؛ باب ما جاء فی الاسفار

(۲) نصب الراية للزيلعی: ۲۳۵/۱ کتاب الصلاة؛ باب المواقيت



أَسْفِرْ بِصَلَاةِ الصُّبْحِ حَتَّى يَرَى الْقَوْمُ مَوَاقِعَ نَبْلِهِمْ.

ترجمه: از حضرت رافع بن خدیج رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به حضرت بلال رضی‌الله‌عنه فرمودند: نماز صبح را در چنان وقتِ روشن بخوان که مردم (به سبب روشنی) بتوانند نشانهٔ تیر خود را مشاهده کنند.[(۱)]

وقت مستحب نماز ظهر در موسم گرما:

در تابستان مستحب است نماز ظهر وقتی ادا شود که شدت گرما کاهش یافته باشد.

﴿۹۳﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَبْرِدُوا بِالظُّهْرِ، فَإِنَّ شِدَّةَ الحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ.

ترجمه: از حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز ظهر را هنگامی بخوانید که هوا خنک شود، زیرا شدت گرمی به سبب نفس‌گرفتن دزوخ است.[(۲)]

﴿۹۴﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا اشْتَدَّ الحَرُّ فَأَبْرِدُوا بِالصَّلاَةِ، فَإِنَّ شِدَّةَ الحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه گرمی هوا شدید باشد، نماز را در وقتی بخوانید که هوا خنک شود، زیرا شدت گرمی به سبب نفس‌گرفتن دوزخ

---

(۱) مسند ابی داؤد الطیالسی: ۲۶۶/۲ حدیث ۱۰۰۳ وَمَا أُسْنِدَ عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۲۷۷/۴ حدیث ۱۴۱۴ بَابُ الرَّاءِ؛ هُرَيْرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ، عَنْ جَدِّهِ رَافِعٍ | الکنی والاسماء للدولابی: ۲۹۸/۱ حدیث ۵۱۸ ذِكْرُ مَنْ كُنْيَتُهُ أَبُو إِسْمَاعِيلَ حَمَّادُ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ الْفَقِيهُ أُسْتَاذُ أَبِي حَنِيفَةَ الْفَقِيهِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۷/۲ حدیث ۴۷۶ کتاب الصلاة؛ باب الاسفار بالفجر | آثار السنن للنیموی: ص ۵۸ حدیث ۲۱۸ کتاب الصلاة؛ باب ما جاء فی الاسفار

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۵۳۸ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الإِبْرَادِ بِالظُّهْرِ فِي شِدَّةِ الحَرِّ

است.[۱]

امام ابوعیسی ترمذی رحمه‌الله (متوفّی ۲۷۹ هـ.ق) می نویسد:

وَفِي الْبَابِ عَنْ أَبِيْ سَعِيْدٍ، وَأَبِيْ ذَرٍّ، وَابْنِ عُمَرَ، وَالْمُغِيْرَةِ، وَالْقَاسِمِ بْنِ صَفْوَانَ، عَنْ أَبِيْهِ، وَأَبِيْ مُوْسٰى، وَابْنِ عَبَّاسٍ، وَأَنَسٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمْ.

احادیث آنکه (نماز ظهر وقتی ادا شود که هوا خنک گردد) از حضرت ابو سعید خُدری، حضرت ابوذر، حضرت عبد الله بن عمر، حضرت مُغِیره، حضرت صَفْوان، حضرت ابو موسی، حضرت عبد الله بن عباس و حضرت اَنس رضی‌الله‌عنهم نیز مَروی است.[۲]

وقت مستحب نماز ظهر در موسم سرما:

در موسم سردی، مستحب است که نماز ظهر در اولِ وقتِ آن ادا شود.

﴿۹۵﴾ سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الْحَرُّ أَبْرَدَ بِالصَّلَاةِ، وَإِذَا كَانَ الْبَرْدُ عَجَّلَ.

ترجمه: از حضرت اَنس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در موسم گرما نماز ظهر را وقتی اداء می‌نمودند که هوا خنک می‌شد، و در موسم سرما نماز ظهر را زود اداء می‌فرمودند. (یعنی در اول وقت).[۳]

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۵۳۶ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الإِبْرَادِ بِالظُّهْرِ فِي شِدَّةِ الحَرِّ | صحیح مسلم: حدیث ۱۸۰-(۶۱۵) كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الْإِبْرَادِ بِالظُّهْرِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ | جامع الترمذی: حدیث ۱۵۷ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي تَأْخِيرِ الظُّهْرِ فِي شِدَّةِ الحَرِّ | سنن ابی داؤد: حدیث ۴۰۱ كِتَاب الصَّلَاةِ، بَابٌ فِي وَقْتِ صَلَاةِ الظُّهْرِ | سنن النسائی: حدیث ۵۰۰ كِتَابُ الْمَوَاقِيتِ؛ الْإِبْرَادُ بِالظُّهْرِ إِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ | سنن ابن ماجه: حدیث ۶۷۷ و ۶۷۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْإِبْرَادِ بِالظُّهْرِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ

(۲) جامع الترمذی: ۲۹۵/۱ حدیث ۱۵۷ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي تَأْخِيرِ الظُّهْرِ فِي شِدَّةِ الحَرِّ

(۳) سنن النسائی: حدیث ۴۹۹ كِتَابُ الْمَوَاقِيتِ؛ تَعْجِيلُ الظُّهْرِ فِي الْبَرْدِ | الادب المفرد للبخاری: حدیث ۱۱۶۲ بَابُ الْجُلُوسِ عَلَى السَّرِيرِ | صحیح البخاری: حدیث ۹۰۶ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ إِذَا اشْتَدَّ الحَرُّ يَوْمَ الجُمُعَةِ

وقت مستحب نماز عصر /دیگر:

وقتِ مستحبِ نمازِ عصر آن است که آن را با اندکی تأخیر ادا کنند؛ اما نه بدان اندازه که آفتاب رو به زردی نهد.

﴿۹۶﴾ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَّهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَدَّ تَعْجِيلًا لِلظُّهْرِ مِنْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَشَدُّ تَعْجِيلًا لِلْعَصْرِ مِنْهُ.

ترجمه: از اُمُّ المومنین حضرت اُمِّ سَلَمَه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز ظهر را زودتر از شما ادا می‌کردند و شما نماز عصر را زودتر از ایشان می‌خوانید.[1]

از این حدیث دانسته می‌شود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نمازِ عصر را پس از داخل شدن وقت آن، با اندکی تأخیر ادا می‌فرمودند.

﴿۹۷﴾ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَيْبَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ شَيْبَانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَدِمْنَا عَلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ، فَكَانَ يُؤَخِّرُ الْعَصْرَ مَا دَامَتِ الشَّمْسُ بَيْضَاءَ نَقِيَّةً.

ترجمه: یزید بن عبدالرحمن بن علی بن شیبان از پدر خود (عبد الرحمن بن علی بن شیبان) و او از جدّ (یزید بن عبدالرحمن) حضرت علی بن شَیْبان رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که ما به مدینهٔ منوره نزد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمدیم و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم (را دیدیم که) نماز عصر را آنقدر به تأخیر می‌خواندند که آفتاب هنوز سفید و روشن می‌بود.[2]

﴿۹۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو، أَنَّ نَبِيَّ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ:... فَإِذَا صَلَّيْتُمُ الْعَصْرَ فَإِنَّهُ وَقْتٌ إِلَى أَنْ تَصْفَرَّ الشَّمْسُ.

---

(۱) سنن الترمذی: حدیث ۱۶۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي تَأْخِيرِ صَلَاةِ العَصْرِ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۲۷۸/۲۳ حدیث ۶۰۴ | مسند ابی یعلی الموصلی: ۴۲۶/۱۲ حدیث ۲۹۹۲ مُسْنَدُ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله | مسند احمد: ۸۱/۴۴ حدیث ۲۶۴۷۹ حَدِيثُ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۴۰۸ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي وَقْتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۶۶۷ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ أَبْوَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ



ترجمه: از حضرت عبد الله بن عَمْرو رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه نماز عصر را می‌خوانید، وقت آن تا زرد شدن آفتاب است.[1]

﴿۹۹﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: أَدْرَكْتُ أَصْحَابَ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ وَهُمْ يُصَلُّونَ الْعَصْرَ فِي آخِرِ وَقْتِهَا.

ترجمه: حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله می‌فرماید: من شاگردانِ حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه را دریافتم و ایشان نمازِ عصر را در واپسین بخشِ وقت آن ادا می‌کردند.[2]

از احادیث و آثار فوق واضح است که نماز عصر باید با تاخیر خواند، البته نباید آنقدر تاخیر کرد که شعاع آفتاب زرد گردد.

وقت مستحب نماز مغرب/شام:

مستحب است که نماز مغرب به محض غروب آفتاب و فوراً بعد آذان اداء شود.

﴿۱۰۰﴾ عَنْ سَلَمَةَ قَالَ: كُنَّا نُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَغْرِبَ إِذَا تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ.

ترجمه: از حضرت سَلَمَه (بن اَکْوَع) رضی‌الله‌عنه روایت است که ما نماز مغرب را به همراه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به محض آنکه آفتاب غایب می‌شد می‌خواندیم.[3]

﴿۱۰۱﴾ عَنْ مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ قَالَ قَدِمَ عَلَيْنَا أَبُو أَيُّوبَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ غَازِيًا وَعُقْبَةُ بْنُ عَامِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ عَلَى مِصْرَ فَأَخَّرَ الْمَغْرِبَ فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۶۱۲ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ أَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ
(۲) کتاب الحجة للامام محمد: ۲۲/۱ اختلاف اهل الكوفة واهل المدينة فی الصلاة والمواقيت
(۳) صحیح البخاری: حدیث ۵۶۱ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ

أَيُّوْبَ فَقَالَ لَهُ: مَا هٰذِهِ الصَّلَاةُ يَا عُقْبَةُ! فَقَالَ: شُغِلْنَا. قَالَ أَمَا سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: لَا تَزَالُ أُمَّتِيْ بِخَيْرٍ ـ أَوْ قَالَ عَلَى الْفِطْرَةِ ـ مَا لَمْ يُؤَخِّرُوا الْمَغْرِبَ إِلٰى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُوْمُ.

ترجمه: مَرثَد بن عبدالله رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت ابوایوب انصاری رضی‌الله‌عنه بخاطر جهاد نزد ما آمدند؛ در آن زمان حضرت عُقبه بن عامر رضی‌الله‌عنه والی مصر بود. او نماز مغرب را به تأخیر خواند. حضرت ابو ایوب انصاری رضی‌الله‌عنه نزد او رفت و فرمود: ای عُقبه! این چه نمازی است؟ (یعنی چرا نماز مغرب را به تأخیر انداختی؟) او جواب داد: به کاری مشغول شده بودیم. حضرت ابوایوب رضی‌الله‌عنه فرمود: آیا از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشنیده‌ای که می‌فرمودند: امت من همواره بر خیر ـ یا فرمودند: بر فطرت ـ خواهد بود، تا آن زمان که نماز مغرب/شام را آنقدر به تأخیر نیندازند که ستارگان در آسمان نمودار گردند؟[1]

وقت مستحب نماز عشاء/خُفتن:

مستحب این است که ادای نماز عشاء/خُفتن را تا ثُلْث/یک سوم شب مُؤَخَّر کنند.

﴿۱۰۲﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يُؤَخِّرُوا العِشَاءَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ أَوْ نِصْفِهِ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۴۱۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي وَقْتِ الْمَغْرِبِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۶۸۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وَقْتِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ | مسند احمد: ۵۶۵/۲۸ حدیث ۱۷۳۲۹ حَدِيثُ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله | مسند البزار: ۱۳۲/۴ حدیث ۱۳۰۶ وَمِمَّا رَوَى الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ، عَنِ الْعَبَّاسِ | صحیح ابن خزیمة: ۱۷۴/۱ حدیث ۳۳۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّغْلِيظِ فِي تَأْخِيرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ... | المستدرک للحاکم: حدیث ۶۸۵ بَابٌ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ | الاحادیث المختارة للمقدسی: ۳۸۳/۸ حدیث ۴۷۳ | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۷/۲ حدیث ۵۰۰ کتاب الصلاة؛ باب کراهة التاخیر فی المغرب وبیان حدّه



صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: اگر خوف آن نمی‌بود که بر اُمتم دشوار شود، آنها را حکم می‌دادم که نماز عشاء را تا ثُلْث شب یا تا نصف شب به تأخیر بخوانند.[1]

۱۰۳ ابو المِنهال رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت ابو بَرْزَه نَضله بن عُبَید رضی‌الله‌عنه ـ در حالی که از نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم یاد می‌کرد ـ فرمود:

وَلاَ يُبَالِي بِتَأْخِيرِ العِشَاءِ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ، ثُمَّ قَالَ: إِلَى شَطْرِ اللَّيْلِ.

ترجمه: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در به‌تأخیر انداختنِ نمازِ عشاء تا ثُلْث/یک‌سومِ شب هیچ اشکالی نمی‌دیدند.

سپس راویِ حدیث (ابو المِنهال رحمه‌الله) افزود که آنحضرت ﷺ (حتی در تأخیر آن) تا نیمهٔ شب نیز مانعی نمی‌دیدند.[2]



اوقات ممنوعهٔ نماز

وقت طلوعِ شمس، غروبِ شمس و استواءِ شمس:

در سه وقتِ زیر، خواندن هر نوع نماز ممنوع است؛ چه فرض باشد یا نفل، ادا باشد یا قضا:

۱. از هنگام طلوع آفتاب تا زمانی که به اندازهٔ یک نیزه بالا آید.

۲. در وقتِ استواءِ شمس؛ یعنی هنگام نیمروز، زمانی که آفتاب درست

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۶۷ أَبْوَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي تَأْخِيرِ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۵۱ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلاَةِ؛ بَابٌ وَقْتُ الظُّهْرِ عِنْدَ الزَّوَالِ



در بالای سر قرار گیرد.

۳. پس از نماز عصر، هنگامی که آفتاب زردرنگ شود، تا زمان غروب آن. (البته نماز عصر همان روز را در این وقت می‌توان ادا کرد).



﴿۱۰۴﴾ عَنْ مُوْسَى بْنِ عُلَيٍّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ عُقْبَةَ بْنَ عَامِرٍ الْجُهَنِيَّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: ثَلَاثُ سَاعَاتٍ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَانَا أَنْ نُصَلِّيَ فِيْهِنَّ أَوْ نَقْبُرَ فِيْهِنَّ مَوْتَانَا: حِيْنَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ بَازِغَةً حَتَّى تَرْتَفِعَ، وَحِيْنَ يَقُوْمُ قَائِمُ الظَّهِيْرَةِ حَتَّى تَمِيْلَ الشَّمْسُ، وَحِيْنَ تَضَيَّفُ الشَّمْسُ لِلْغُرُوْبِ حَتَّى تَغْرُبَ.

ترجمه: موسیٰ بن عُلَيّ از پدرش (عُلَيّ بن رباح) روایت می‌کند که وی از حضرت عقبه بن عامر جُهَنی رضی الله عنه شنید که می‌فرمود: سه وقت وجود دارد که رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم ما را از خواندن نماز یا دفن مردگان مان در آن منع می‌کردند:

۱. در وقتی که آفتاب طلوع کرده، اما هنوز بلند نشده است (یعنی فوراً پس از طلوع).

۲. در وقتی که آفتاب در نیم‌روز درست بالای سر قرار گیرد و شروع به زوال نکرده است (یعنی کمی قبل از زوال).

۳. و در وقتی که آفتاب نزدیک غروب باشد و هنوز کاملاً غروب نکرده است.[۱]

بعد از نماز صبح و نماز عصر:

﴿۱۰۵﴾ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۸۳۱ كِتَاب صَلاَةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب الْأَوْقَاتِ الَّتِي نُهِيَ عَنِ الصَّلاَةِ فِيهَا | جامع الترمذی: حدیث ۱۰۳۰ أبواب الجنائز؛ باب ما جَاءَ في كَرَاهِيَةِ الصَّلاةِ على الجَنَازَةِ عند طُلوعِ الشَّمسِ وعند غُروبها | الجمع بين الصحيحين للحميدی: ۳۵۱/۳ حديث ۲۹۹۳

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لاَ صَلاةَ بَعْدَ الصُّبْحِ حَتَّى تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ، وَلاَ صَلاةَ بَعْدَ العَصْرِ حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ.

ترجمه: حضرت ابوسعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت می کند که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: بعد از نماز صبح تا زمانی که آفتاب بلند شود، هیچ نماز (نفل جایز) نیست، و بعد از نماز عصر تا زمانی که آفتاب غروب نکند، هیچ نماز (نفل جایز) نیست.(۱)

احادیث این مضمون از حضرت عمر بن الخطاب، حضرت عبد الله بن عباس و حضرت ابو هریره رضی‌الله‌عنهم نیز مروی است.(۲)

﴿۱۰۶﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ لَمْ يُصَلِّ رَكْعَتَيِ الفَجْرِ فَلْيُصَلِّهِمَا بَعْدَ مَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی که دو رکعت (سنَّت مؤکدۀ) صبح را نخوانده باشد، آن را بعد از طلوع (و بالا آمدن) آفتاب بخواند.(۳)

بعد از صبح صادق:

بعد از طلوع صبح صادق، به استثنای دو رکعت سنّت صبح، خواندن هر نوع نماز سنّت یا نفل دیگر مکروه است.

﴿۱۰۷﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ، عَنْ حَفْصَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ، لَا يُصَلِّي إِلَّا رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنه از اُمُّ المؤمنین حضرت

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۵۸۶ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ لَا تُتَحَرَّى الصَّلَاةُ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ
(۲) صحیح البخاری: ۱۲۰/۱ كِتَابُ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الفَجْرِ حَتَّى تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ ا صحیح مسلم: ۵۶۶/۱ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْأَوْقَاتِ الَّتِي نُهِيَ عَنِ الصَّلَاةِ فِيهَا ا جامع الترمذی: ۳۴۳/۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي كَرَاهِيَةِ الصَّلَاةِ بَعْدَ العَصْرِ وَبَعْدَ الفَجْرِ
(۳) جامع الترمذی: حدیث ۴۲۳ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي إِعَادَتِهِمَا بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ



حَفْصَه رضي الله عنها روایت می کند که رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم بعد از آنکه صبح صادق می‌دمید تنها دو رکعت نماز (سنت) خفیف می خواندند.[۱]

بعد از غروب آفتاب:

بعدِ غروب آفتاب، قبل از ادای فرض، خواندن نفل ممنوع است.

﴿۱۰۸﴾ عَنْ طَاوُسٍ، قَالَ: سُئِلَ ابْنُ عُمَرَ، عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ، فَقَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّيهِمَا.

ترجمه: طاووس رحمه‌الله روایت می کند که از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما دربارۀ دو رکعت نفل قبل از فرض مغرب پرسیده شد. ایشان در جواب فرمود: من در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله هیچ کسی را ندیده‌ام که آن را بخواند.[۲]

﴿۱۰۹﴾ عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: طُفْنَا فِي نِسَاءِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلْنَاهُنَّ: هَلْ رَأَيْتُنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّى هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ حِينَ يُؤَذِّنُ الْمُؤَذِّنُ؟ فَقُلْنَ: لَا.

ترجمه: حضرت جابر رضي الله عنه می‌فرماید: ما به خدمت اُمهات المؤمنین رضی‌الله‌عنهن آمدیم و از ایشان پرسیدیم: هنگامی که مؤذن آذان مغرب/شام را می داد، آیا شما رسول الله صلی الله علیه وآله را هیچگاه دیده‌اید که قبل از فرض مغرب،

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۷۲۳ واللفظ له، كِتَابُ صَلاَةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ رَكْعَتَيْ سُنَّةِ الْفَجْرِ... | صحیح البخاری: حدیث ۱۱۷۳ کتاب التهجد؛ بَابُ التَّطَوُّعِ بَعْدَ المَكْتُوبَةِ | جامع الترمذی: حدیث ۴۱۹ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ لَا صَلَاةَ بَعْدَ طُلُوعِ الفَجْرِ إِلَّا رَكْعَتَيْنِ

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۲۸۴ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ التَّطَوُّعِ..؛ بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ | المنتخب من مسند عبد بن حمید: ۳۹/۲ حدیث ۸۰۲ | الکنی والاسماء للدولابی: ۶۴۱/۲ حدیث ۱۱۴۲ | السنن الکبری للبیهقی: ۶۷۰/۲ حدیث ۴۱۸۴ | جزء من حديث خيثمة الأطرابلسي: ص ۲۹ حدیث ۲۸ | الغرائب للنسائی: ص ۲۶۵ حدیث ۱۹۵ | إعلاء السنن للتهانوی: ۶۷/۲ حدیث ۵۱۸ کتاب الصلاة؛ باب الاوقات المکروهة | ادلّة الحنفيّة من الاحاديث النبوية للبهلوی: ص ۱۲۸ حدیث ۲۷۴ باب الصلاة قبل المغرب

دو رکعت نماز (نفل) بخواند؟ ایشان گفتند: نی![1]

﴿۱۱۰﴾ وَعَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: مَا صَلَّى أَبُو بَكْرٍ وَلَا عُمَرُ وَلَا عُثْمَانُ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ.

ترجمه: منصور رحمه‌الله از پدر خود روایت می‌کند که حضرت ابوبکر، حضرت عمر و حضرت عثمان رضی‌الله‌عنهم قبل از نماز مغرب، هیچ وقت دو رکعت نماز نفل نخوانده‌اند.[2]

در دوران خطبهٔ جمعه:

هنگامی که امام برای ایراد خطبه بر منبر ایستاد، در آن هنگام نه خواندن هیچ نمازی جایز است و نه گفتن هیچ سخنی؛ در آن وقت لازم است تمام توجه را متمرکز به شنیدن خطبه نمائید.

﴿۱۱۱﴾ عَنْ سَلْمَانَ الفَارِسِيِّ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لاَ يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طُهْرٍ، وَيَدَّهِنُ مِنْ دُهْنِهِ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَلاَ يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الإِمَامُ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الجُمُعَةِ الأُخْرَى.

ترجمه: از حضرت سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول

(۱) مسند الشاميين للطبراني: ۲۱۲/۳ حديث ۲۱۱۰ رَجَاءُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ | الإيماء إلى زوائد الأمالي و الأجزاء للجرّار: ۲۷۴/۷ حديث ۶۷۰۴ المبهمات... | إعلاء السنن للتهانوى: ۷۰/۲ حديث ۵۱۹ كتاب الصلاة؛ باب الاوقات المكروهة | ادلّة الحنفيّة من الاحاديث النبوية للبهلوى: ص ۱۲۹ حديث ۲۷۶ باب الصلاة قبل المغرب

(۲) مصنف عبد الرزاق: ۴۳۵/۲ حديث ۳۹۸۵ كِتَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابُ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ | السنن الكبرى للبيهقى: ۶۶۹/۲ حديث ۴۱۷۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ...، بَابُ مَنْ جَعَلَ قَبْلَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ | كنز العمال: ۲۹/۸ حديث ۲۱۸۱۴ كتاب الصلاة؛ فصل في أوقات الصلاة مجتمعة | اتحاف الخيرة المهرة: ۳۶۷/۲ حديث ۱۶۷۷ كِتَابُ النَّوَافِلِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ وَبَعْدَهَا | كتاب الآثار للإمام أبى حنيفة برواية الإمام محمد: ۳۷۴/۱ حديث ۱۴۵ بَابُ مَا يُعَادُ مِنَ الصَّلَاةِ وَمَا يُكْرَهُ مِنْهَا | المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية لابن حجر العسقلانى: ۴۸۸/۴ حديث ۶۲۳ كِتَابُ النَّوَافِلِ؛ بَابُ رَوَاتِبِ الصَّلَاةِ وَالْمُحَافَظَةِ عَلَيْهَا | جامع الأحاديث للسيوطى: ۲۶۰/۲۵ حديث ۲۷۹۲۷ | إعلاء السنن للتهانوى: ۷۱/۲ حديث ۵۲۰ كتاب الصلاة؛ باب الاوقات المكروهة



اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی در روز جمعه غسل کند و تا حد توان خود را پاک نماید، و روغن موی یا عطر استعمال کند، سپس به نماز جمعه برود (و در آنجا) خود را بین دو نفر به زور جا ندهد، و سپس هر قدر نمازی که برایش مقدَّر بود اداء کند، و هنگامی که امام شروع به خطبه کند با خاموشی به آن گوش بدهد؛ پس تمام گناهانش از جمعهٔ قبلی تا این جمعه بخشیده خواهد شد.(۱)

﴿۱۱۲﴾ عَنْ عَطَاءٍ الْخُرَاسَانِيِّ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: كَانَ نُبَيْشَةُ الْهُذَلِيُّ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَلَمْ يُؤْذِ أَحَدًا، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْإِمَامَ خَرَجَ وَصَلَّى مَا شَاءَ مِنَ النَّوَافِلِ، وَإِنْ وَجَدَ الْإِمَامَ قَدْ خَرَجَ، فَجَلَسَ فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ حَتَّى يَقْضِيَ الْإِمَامُ جُمُعَتَهُ وَخُطْبَتَهُ، فَإِنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي تِلْكَ الْجُمُعَةِ، فَتَكُوْنُ كَفَّارَةً لِجُمُعَتِهِ السَّابِقَةِ.(۲)

ترجمه: حضرت عطاء خراسانی رحمه‌الله از حضرت نُبَيْشَهٔ هُذَلی رضی‌الله‌عنه روایت می کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه مسلمان در روز جمعه غسل کند و به سوی مسجد بیاید و به کسی آسیب نرساند، و اگر دید که امام هنوز برای خطبه نیامده بود، هرقدر که مناسب دانست نماز نفل بخواند، و اگر دید که امام برای خطبه آمده (و خطبه آغاز شده است)، در این صورت بنشیند و با دقّت به خطبه گوش بدهد و خاموش باشد تا آنگاه که

---

(۱) صحيح البخارى: حديث ۸۸۳ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ الدُّهْنِ لِلْجُمُعَةِ

(۲) مسند احمد: ۳۲۱/۳۴ حديث ۲۰۷۲۱ حَدِيثُ نُبَيْشَةَ الْهُذَلِيِّ | غاية المقصد فى زوائد المسند للهيثمى: ۲۷۸/۱ حديث ۸۷۹ كتاب الصلاة؛ باب حقوق الجمعة من الغسل وغيره | مجمع الزوائد للهيثمى: ۱۷۱/۲ حديث ۳۰۳۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ حُقُوقِ الْجُمُعَةِ مِنَ الْغُسْلِ وَالطِّيبِ وَنَحْوِ ذَلِكَ | كنز العمال: ۷۶۰/۷ حديث ۲۱۲۸۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ الفصل الخامس في غسل يوم الجمعة | جامع الاحاديث للسيوطي: ۳۴۱/۸ حديث ۷۴۲۸ حرف الهمزة؛ إن المشددة مع الهمزة | إعلاء السنن للتهانوى: ۷۸/۲ حديث ۵۲۳ كتاب الصلاة؛ باب كراهة الصلاة والكلام إذا خرج الإمام للخطبة لاسيما إذا شرع فيهما

امام نماز جمعه و خطبه را ختم نماید؛ این شخص اگر در همان جمعه مورد مغفرت قرار نگیرد، پس بازهم این جمعه کفارۀ تمامی گناهان جمعۀ پیشین او خواهد شد.

﴿۱۱۳﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُما قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ فَلَا صَلَاةَ وَلَا كَلَامَ حَتَّى يَفْرُغَ الْإِمَامُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌اللهعنه روایت است که فرمود: من از رسول خدا صلی‌اللهعلیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: هرگاه یکی از شما به مسجد داخل شود و امام بر منبر باشد، در این وقت نه هیچ نمازی (برایش) جایز است و نه هیچ کلامی، تا آنگاه که امام فارغ گردد.(۱)



جمع دو نماز در یک وقت جایز نیست:

از قرآن و احادیث متعدد ثابت است که ادای نماز در وقت مقرر آنها فرض می‌باشد. بنابراین، خواندن نمازی پیش از وقت آن یا پس از وقت آن ممنوع و ناجایز است.

﴿۱۱۴﴾ ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾.(۲)

ترجمه: به راستی که نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین فرض شده است.

حافظ عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن خطیب ابی حفص عمر بن کثیر

---

(۱) المعجم الكبير للطبراني: ۷۵/۱۳ حديث ۱۳۷۰۸ | مجمع الزوائد للهيثمی: ۱۸۴/۲ حديث ۳۱۱۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِيمَنْ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ | كنز العمال: ۷۴۷/۷ حديث ۲۱۲۱۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ الفصل الخامس في غسل يوم الجمعة | جامع الاحاديث: ۱۱۴/۳ حديث ۱۸۷۹ حرف الهمزة؛ إذا مع الدال | إعلاء السنن: ۷۷/۲ حديث ۵۲۲ كتاب الصلاة؛ باب كراهة الصلاة والكلام إذا خرج الإمام للخطبة لاسيما إذا شرع فيهما

(۲) سورة النساء: آیت ۱۰۳

دمشقی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ۷۷۴ هـ.ق) در تفسیر این آیه می نویسد:

قَالَ زَيْدُ بْنُ أَسْلَمَ رَحِمَهُ اللهُ: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ قَالَ: مُنَجَّمًا، كُلَّمَا مَضٰى نَجْمٌ جَاءَ نَجْمٌ، يَعْنِيْ: كُلَّمَا مَضٰى وَقْتٌ جَاءَ وَقْتٌ.

ترجمه: حضرت زید بن اسلم رحمه‌الله فرموده‌اند که معنای آیهٔ ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ این است که نماز در اوقات مشخص تقسیم شده است؛ یعنی هرگاه وقت یک نماز به پایان برسد، وقت نماز بعدی آغاز می‌شود.[۱]

﴿۱۱۵﴾ ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾.

ترجمه: بر همهٔ نمازها و به ویژه بر نماز وسطی (نماز عصر) مواظبت کنید و در برابر خدا با عاجزی و ادب بایستید.[۲]

حافظ عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن خطیب ابی حفص عمر بن کثیر دمشقی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ۷۷۴ هـ.ق) در تفسیر این آیه می نویسد:

يَأْمُرُ اللهُ تَعَالٰى بِالْمُحَافَظَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي أَوْقَاتِهَا.

خداوند تعالی حکم می‌دهد که نمازها در وقت‌های مقرر شان با پایبندی ادا شوند.[۳]

﴿۱۱۶﴾ ﴿فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾.

ترجمه: وای بر آن نمازگزارانی که نسبت به نماز خود غفلت می‌ورزند.[۴]

امام ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الآملی الطبری رحمه‌الله (متوفّی ۳۱۰ هـ.ق) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

عَنْ مَسْرُوقٍ، فِي قَوْلِهِ ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ قَالَ: تَضْيِيْعُ

---

(۱) تفسیر ابن کثیر: ۴۳۹/۱ تحت قوله تعالیٰ (اِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتٰبًا مَّوْقُوْتًا)
(۲) سورة البقرة: ۲۳۸
(۳) تفسیر ابن کثیر: ۲۱۵/۱ تحت قوله تعالیٰ (حٰفِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ)
(۴) سورة الماعون: آیهٔ ۴ و ۵



مِيْقَاتِهَا.

ترجمه: (تابعی معروف) امام مسروق (بن أَجْدَع بن مالک) رحمه‌الله در تفسیر این آیه می‌فرماید: مراد از غفلت‌ورزندگان در نماز در این آیه، کسانی هستند که وقت‌های مقرر نماز را ضایع می‌کنند.[(۱)]

﴿۱۱۷﴾ از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود:

عَنْ حَضْرَتِ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا. قَالَ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: بِرُّ الْوَالِدَيْنِ، قَالَ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللهِ.

ترجمه: من از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم پرسیدم: کدام عمل نزد خدا محبوب‌تر است؟ آنحضرتؐ فرمودند: نماز را در وقت آن ادا کردن. پرسیدم: پس بعد از آن کدام عمل؟ آنحضرتؐ فرمودند: نیکی به والدین. گفتم: پس بعد از آن کدام عمل؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: جهاد در راه خدا.[(۲)]

﴿۱۱۸﴾ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ جَمَعَ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ فَقَدْ أَتَى بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْكَبَائِرِ.

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: کسی که بدون عذر دو نماز را در یک وقت جمع کند، در حقیقت گناهی از گناهان کبیره را مرتکب شده است.[(۳)]

﴿۱۱۹﴾ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَتَبَ فِي الْآفَاقِ، يَنْهَاهُمْ أَنْ يَجْمَعُوْا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ، وَيُخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَمْعَ بَيْنَ الصَلَاتَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ كَبِيْرَةٌ مِنَ الْكَبَائِرِ.

---

(۱) تفسیر الطبری: ۳۵۰/۱۵ تحت قوله تعالیٰ (الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُوْنَ)
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۵۲۷ بَابُ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ وَفَضْلُهَا؛ بَابُ فَضْلِ الصَّلَاةِ لِوَقْتِهَا | صحیح مسلم: حدیث ۸۵ کتاب الإیمان؛ بَاب بَيَانِ كَوْنِ الإِيمَانِ بِاللهِ تَعَالَى أَفْضَلُ الأَعْمَالِ
(۳) جامع الترمذی: حدیث ۱۸۸ ابواب الصلاة؛ باب ما جاء في الجمع بينَ الصلاتَيْنِ



ترجمه: حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه برای مناطق مختلف نامه نوشتند و مردم را از جمع دو نماز در یک وقت نهی کردند و به آنان خبر دادند که جمع دو نماز در یک وقت، یکی از گناهان کبیره است.(۱)



جمع دو نماز دو صورت می‌تواند داشته باشد:

۱: جمع حقیقی:

دو نماز را به گونه‌ای با هم یکجا بخوانند که یک نماز در وقت خودش باشد و نماز دیگر قبل از وقت خود یا بعد از وقت خود باشد.

این نوع جمع تنها در موقع حج جایز است. یعنی در میدان عرفات، نماز های ظهر و عصر، و در مُزدَلِفه، نمازهای مغرب و عشاء را در یک وقت جمع می‌کنند. بجز آنها جمع حقیقی دو نماز جایز نیست.

﴿۱۲۰﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ لِوَقْتِهَا إِلَّا بِجَمْعٍ وَعَرَفَاتٍ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه بیان می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نمازها را در وقت مقرر شان ادا می‌فرمودند، بجز (در زمان حج) در جَمْع/مُزدلفه و عرفات.(۲)

۲: جمع صوری:

دو نماز به این صورت ادا می‌شوند که یکی از آن نمازها در آخرین بخش وقتش خوانده شود و نماز دیگر در آغاز وقتش.

در حالت ضرورت و مجبوری می‌توان بر این روش عمل کرد. برای مثال

---

(۱) المؤطا للامام محمد: ۲۴۱/۱ باب الجمع بين الصلاتين فی السفر والمطر تحت رقم الحديث ۲۰۵
(۲) سنن النسائی: حديث ۳۰۱۰ كتاب مناسك الحج؛ الجمع بين الظّهر والعصر بعرفة

اگر شخصی در سفر باشد و باربار توقف برایش دشوار باشد، او می‌تواند مثلاً نماز ظُهر را در آخرین وقت آن به‌طوری ادا کند که اندکی بعد از خواندن نماز ظُهر، وقت نماز عصر آغاز شود و او نماز عصر را در اول وقتش بخواند. این عمل ظاهراً ادای دو نماز در یک وقت است، اما در حقیقت هر نماز در وقت مخصوص خود ادا شده است.

روایاتی که در آنها جمع دو نماز ذکر شده است، مقصود آنها همین جمع صوری است، یعنی ادای نماز اول در آخر وقت آن و نماز دوم در شروع وقت آن.

بر اینکه مراد در آن روایات، «جمع صوری» است، احادیث ذیل دلالت دارد:

﴿۱۲۱﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ وَيُعَجِّلُ الْعَصْرَ وَيُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ وَيُعَجِّلُ الْعِشَاءَ فِي السَّفَرِ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در سفر، نماز ظهر را به تأخیر می‌انداختند و نماز عصر را زود در آغاز وقت به‌جا می‌آوردند؛ همچنین آنحضرت ﷺ نماز مغرب را اندکی تأخیر می‌کردند و نماز عشاء را زود در ابتدای وقت ادا می‌فرمودند.[1]

﴿۱۲۲﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ارْتَحَلَ قَبْلَ أَنْ تَزِيْغَ الشَّمْسُ، أَخَّرَ الظُّهْرَ إِلٰى أَنْ يَدْخُلَ وَقْتُ الْعَصْرِ، ثُمَّ نَزَلَ فَجَمَعَ بَيْنَهُمَا.

ترجمه: حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم هرگاه پیش از زوال آفتاب به سفر حرکت می‌کردند، نماز ظهر را تا فرارسیدن وقت عصر به تأخیر می‌انداختند؛ سپس فرود می

(۱) مسند احمد: ۴۹۵/۱۷ حدیث ۲۴۹۲۰

آمدند و آن دو نماز را با هم جمع می‌کردند؛ (یعنی نماز ظهر را در آخر وقت و نماز عصر را در آغاز وقت به‌جا می‌آوردند).[1]

﴿۱۲۳﴾ عَنْ نَافِعٍ، وَعَبْدِ اللهِ بْنِ وَاقِدٍ، أَنَّ مُؤَذِّنَ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: الصَّلَاةُ. قَالَ: سِرْ سِرْ، حَتَّى إِذَا كَانَ قَبْلَ غُيُوبِ الشَّفَقِ نَزَلَ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ، ثُمَّ انْتَظَرَ حَتَّى غَابَ الشَّفَقُ وَصَلَّى الْعِشَاءَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا عَجِلَ بِهِ أَمْرٌ صَنَعَ مِثْلَ الَّذِي صَنَعْتُ.

ترجمه: حضرت نافع و عبدالله بن واقد رحمهماالله روایت می‌کنند که (در یکی از سفرها) مؤذنِ حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما گفت: وقت نماز فرا رسیده. حضرت ابن عمر رضی‌الله‌عنه فرمودند: حرکت کنید، حرکت کنید! تا آن‌گاه که اندکی به ناپدید شدن شفق ابیض (سفیدی) مانده بود که فرود آمدند و نماز مغرب را ادا کردند. سپس (اندکی) انتظار کردند تا شفق ابیض کاملاً گم شد و آنگاه نماز عشاء را به‌جا آوردند. پس از آن فرمودند: هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در کاری شتاب داشتند، همین‌گونه عمل می کردند که من انجام دادم.[2]

﴿۱۲۴﴾ عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزْوَةِ تَبُوْكَ، فَجَعَلَ يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، يُصَلِّي الظُّهْرَ فِي آخِرِ وَقْتِهَا، وَيُصَلِّي الْعَصْرَ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا، ثُمَّ يَسِيرُ، وَيُصَلِّي الْمَغْرِبَ فِي آخِرِ وَقْتِهَا مَا لَمْ يَغِبِ الشَّفَقُ، وَيُصَلِّي الْعِشَاءَ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا حِينَ يَغِيبُ الشَّفَقُ.

ترجمه: حضرت معاذ بن جبل رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که ما همراه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در غزوهٔ تبوک رفتیم. آنحضرت (در طول

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۷۰۴ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي السَّفَرِ

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۲۱۲ تفريع أبواب صلاة السفر؛ باب الجمع بين الصلاتين

راه) نماز ظهر و عصر را جمع می‌کردند؛ بدین‌گونه که نماز ظهر را در پایان وقت آن و نماز عصر را در آغاز وقت آن ادا می‌فرمودند، سپس به حرکت خود ادامه می‌دادند. به همین گونه نماز مغرب را در پایان وقتش، تا پیش از ناپدید شدن شفق، به‌جا می‌آوردند و نماز عشاء را در آغاز وقتش، هنگامی که شفق از میان می‌رفت، ادا می‌کردند.(۱)

﴿۱۲۵﴾ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ قَالَ: خَرَجْتُ أَنَا وَسَعْدٌ إِلٰى مَكَّةَ، فَكَانَ يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، يُؤَخِّرُ مِنْ هٰذِهِ وَيُعَجِّلُ مِنْ هٰذِهِ وَيُصَلِّيهِمَا جَمِيعًا، وَيُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ وَيُعَجِّلُ الْعِشَاءَ، ثُمَّ يُصَلِّيهِمَا جَمِيعًا حَتّٰى قَدِمْنَا مَكَّةَ.

ترجمه: حضرت ابو عثمان (نَهدی) رحمه‌الله روایت می‌کند که من و حضرت سعد بن ابی وقاص رضی‌الله‌عنه (از کوفه) به سوی مکه رهسپار شدیم. ایشان (در سفر) نماز ظهر و عصر را بدین صورت جمع می‌کردند که نماز ظهر را به تأخیر می‌انداختند و نماز عصر را در آغاز وقت ادا می‌کردند. همچنین نماز مغرب را به تأخیر می‌انداختند و نماز عشاء را در آغاز وقت می‌خواندند و آن دو را با هم جمع می‌کردند، و این روش را ادامه دادند تا آنکه به مکه رسیدیم.(۲)

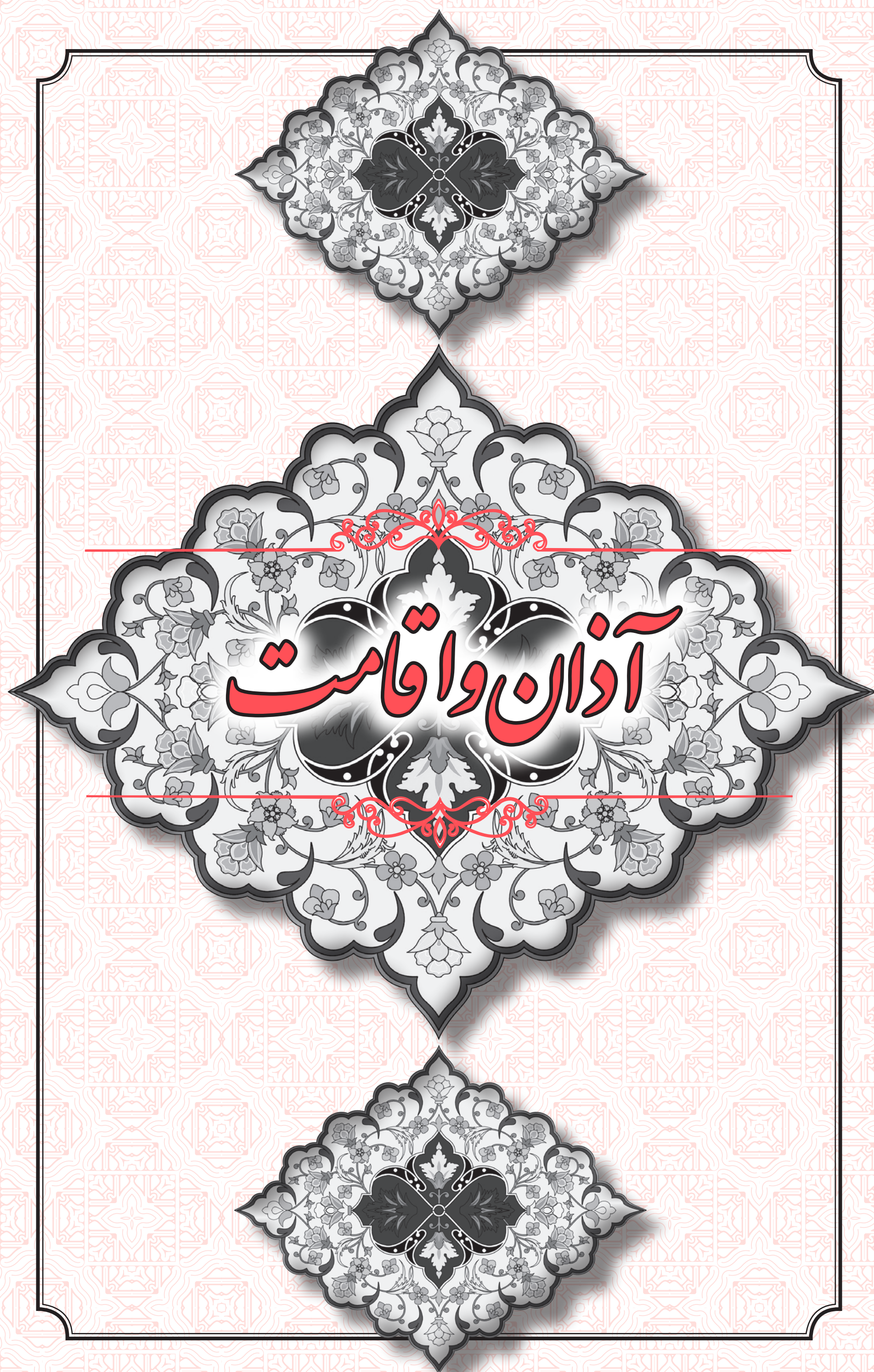


با نظر به ذخیرهٔ احادیث چنین برمی‌آید که جواز جمع تنها در بین آن دو نمازی ثابت است که وقت‌های شان به یکدیگر متصل باشد و میان آن‌ها زمان مکروه فاصله نیندازد؛ زیرا در چنین حالتی «جمع صوری» امکان‌پذیر

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۵۵/۵ حدیث ۶۹۰۱
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۹۲/۵ حدیث ۸۳۱۹ مَنْ قَالَ يَجْمَعُ الْمُسَافِرُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ

است؛ مانند نماز ظهر و عصر، و نماز مغرب و عشاء.

اما آن نمازهای که وقت‌های شان به هم متصل نیست؛ مانند نماز فجر و ظهر، یا گرچه متصل‌اند ولی میان آن‌ها وقت مکروه حائل شده است؛ مانند نماز عصر و مغرب، و نماز عشاء و فجر، در این موارد هیچ‌یک از فقهاء قائل به «جمع حقیقی» نیستند. این امر دلیل مستحکمی است بر اینکه اگر جمع حقیقی جایز می‌بود، در همهٔ این صورت‌ها نیز جایز شمرده می‌شد. به همین گونه این نکته مُؤَیِّد آن است که در روایاتی که از جمع بین دو نماز ذکر رفته، مقصود در آنها «جمع صوری» است، نه «جمع حقیقی (وقتی)».


آذان و اقامت

آذان واقامه

کلمات آذان:

آذان حسب ذیل پانزده کلمات داراست:

اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ،

اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ،

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ،

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰه، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰه،

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ،

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ،

اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ،

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

در اذان، کلمات «اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ» دو بار تکرار می‌شود. همچنین شهادتَیْن (اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰه) و حَیعَلَتَیْن (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) نیز هر کدام دو بار ادا می‌گردد. از این‌رو به طور کلی گفته می‌شود که کلمات اذان دوگانه (مَثْنٰی) است.



﴿۱۲۶﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي لَيْلٰى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ أَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ زَيْدٍ الْأَنْصَارِيَّ رَضِىَ اللّٰهُ عَنْهُ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللّٰهِ! رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّ رَجُلًا قَامَ

وَعَلَيْهِ بُرْدَانِ أَخْضَرَانِ عَلٰى جِذْمَةِ حَائِطٍ، فَأَذَّنَ مَثْنٰى، وَأَقَامَ مَثْنٰى، وَقَعَدَ قَعْدَةً. قَالَ: فَسَمِعَ ذٰلِكَ بِلَالٌ، فَقَامَ فَأَذَّنَ مَثْنٰى، وَأَقَامَ مَثْنٰى، وَقَعَدَ قَعْدَةً.

ترجمه: از حضرت عبدالرَّحمٰن بن ابی‌لیلی رحمه‌الله روایت است که: اصحاب حضرت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای ما بیان کردند که حضرت عبد الله بن زید انصاری رضی‌الله‌عنه به حضور رسول اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول خدا! مردی را در خواب دیدم که دو جامهٔ سبز بر تن داشت و بر لبهٔ دیواری ایستاده بود؛ و سپس اذان گفت و هر جمله را دو بار تکرار کرد، آنگاه اقامه گفت و در آن نیز هر کلمه را دو بار ادا نمود، و سپس نشست.

راوی می‌گوید: چون حضرت بلال رضی‌الله‌عنه این (خواب) را شنید، برخاست و اذان گفت؛ و او نیز هر جمله را دو بار ادا کرد، سپس اقامه گفت و در آن هم هر کلمه را دو بار ادا نمود و آنگاه نشست.[(۱)]

﴿۱۲۷﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي لَيْلٰى، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ أَذَانُ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَفْعًا شَفْعًا فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ.

ترجمه: حضرت عبد الرَّحمٰن بن ابی لیلی رحمه‌الله از حضرت عبدالله بن زید رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که اذان و اقامهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم جُفت‌جُفت (دو دو بار) بود.[(۲)]

﴿۱۲۸﴾ عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ بِلَالًا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يُؤَذِّنُ مَثْنٰى وَيُقِيْمُ مَثْنٰى.

ترجمه: از سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَه رحمه‌الله روایت است که من اذان و اقامهٔ حضرت بلال رضی‌الله‌عنه را شنیدم. ایشان اذان را دو دو بار می‌گفت و اقامه را نیز دو

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۱۱/۲ و ۳۱۲ حدیث ۲۱۳۱ مَا جَاءَ فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ كَيْفَ هُوَ؟
(۲) جامع الترمذی: حدیث ۱۹۴ ابواب الصلاة؛ باب ما جاء في أن الإقامة مَثْنى مَثْنى

دو بار.[1]

۱۲۹- عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنُ زَيْدٍ، قَالَ: لَمَّا أَمَرَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالنَّاقُوسِ يُعْمَلُ لِيُضْرَبَ بِهِ لِلنَّاسِ لِجَمْعِ الصَّلَاةِ طَافَ بِي وَأَنَا نَائِمٌ رَجُلٌ يَحْمِلُ نَاقُوسًا فِي يَدِهِ، فَقُلْتُ: يَا عَبْدَ اللهِ أَتَبِيعُ النَّاقُوسَ؟ قَالَ: وَمَا تَصْنَعُ بِهِ؟ فَقُلْتُ: نَدْعُو بِهِ إِلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: أَفَلَا أَدُلُّكَ عَلَى مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ؟ فَقُلْتُ لَهُ: بَلَى، قَالَ: فَقَالَ: تَقُولُ: اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ. قَالَ... فَلَمَّا أَصْبَحْتُ، أَتَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَخْبَرْتُهُ، بِمَا رَأَيْتُ فَقَالَ: إِنَّهَا لَرُؤْيَا حَقٌّ إِنْ شَاءَ اللهُ، فَقُمْ مَعَ بِلَالٍ فَأَلْقِ عَلَيْهِ مَا رَأَيْتَ، فَلْيُؤَذِّنْ بِهِ، فَإِنَّهُ أَنْدَى صَوْتًا مِنْكَ. فَقُمْتُ مَعَ بِلَالٍ، فَجَعَلْتُ أُلْقِيهِ عَلَيْهِ، وَيُؤَذِّنُ بِهِ، قَالَ: فَسَمِعَ ذَلِكَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، وَهُوَ فِي بَيْتِهِ فَخَرَجَ يَجُرُّ رِدَاءَهُ، وَيَقُولُ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ يَا رَسُولَ اللهِ، لَقَدْ رَأَيْتُ مِثْلَ مَا رَأَى، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن زید رضی الله عنه روایت است زمانی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم (اراده فرمودند تا) به خاطر جمع مردم برای نماز به نواختن ناقوس حکم فرمایند، من در خواب شخصی را دیدم که ناقوسی به دست داشت. به او گفتم؛ ای بندۀ خدا آیا این ناقوس را می‌فروشی. او گفت با آن چه می خواهی کنی؟ گفتم مردم را برای نماز توسط آن فرا می خوانیم. او گفت: آیا چیزی بهتر از آن را به تو نیاموزم؟ گفتم چرا نی! آن شخص گفت: چنین بگو: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ ... (تا آخر آذان)...

هنگامی که صبح از خواب بیدار شدم به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۰۱/۱ باب الاقامة کیف هی؟

شدم و خواب خود را برای آنحضرت ﷺ بیان کردم. آنحضرت ﷺ فرمودند: این خواب حق است انشاءالله. همراه با بلال ایستاده شو و همهٔ کلماتی را که در خواب دیده بودی به او بیاموز و او آن کلمات را به همان صورت بگوید، زیرا صدای بلال از تو بلندتر است. من به همراه بلال رضی الله عنه ایستاده شدم و آن کلمات را به او تلقین می‌کردم و او آذان می‌داد. حضرت عمر رضی الله عنه نیز این آذان را شنید و با شتاب در حالی از خانه خارج شد که ردایش را با خود می کشید و به خدمت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم رسیده عرض کرد یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم قسم به ذاتی که شما را به حق فرستاده است، من نیز همین الفاظ را در خواب دیدم که اکنون می‌شنوم. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه وسلم فرمودند: لِلّٰهِ الْحَمْدُ.(۱)

کلمات اقامه:

کلمات اقامه نیز همان کلمات آذان است، اما در اقامه بعد از حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ؛ «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» نیز دو مرتبه گفته می‌شود. و به این گونه مجموع اقامه، هفده کلمه می گردد.

۱۳۰ هفده کلمات اقامه در سُنَن ابن ماجه و مُصَنَّف إبن أبی شَیْبَه به این صورت مذکور است:(۲)

اللهُ أَکْبَرُ، اللهُ أَکْبَرُ،

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۴۹۹ کِتَاب الصَّلَاَةِ؛ بَابُ کَیْفَ الْأَذَانُ | سنن ابن ماجه: حدیث ۷۰۶ کِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ بَدْءِ الْأَذَانِ | صحیح ابن حبان: ۵۷۲/۴ حدیث ۱۶۷۹ کِتَاب الصَّلَاَةِ؛ بَابُ الْأَذَانِ؛ ذِکْرُ الْخَبَرِ الْمُصَرِّحِ بِأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ هُوَ الَّذِي أَمَرَ بِلَالًا... | صحیح ابن خزیمه: ۱۹۱/۱ حدیث ۳۷۰ کِتَابُ الصَّلَاَةِ؛ بَابُ ذِکْرِ الْخَبَرِ الْمُفَسِّرِ لِلَّفْظَةِ الْمُجْمَلَةِ الَّتِي ذَکَرْتُهَا | مسند احمد: ۳۹۹/۲۶ حدیث ۱۶۴۷۷ و ۴۰۲/۲۶ حدیث ۱۶۴۷۸ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۰۹/۲ حدیث ۵۶۶ کتاب الصلاة؛ باب کیفیة الأذان والاقامة

(۲) سنن ابن ماجه: حدیث ۷۰۹ کِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ التَّرْجِیعِ فِي الْأَذَانِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۱۸۵/۱ حدیث ۲۱۱۹ کِتَابُ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ؛ مَا جَاءَ فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ کَیْفَ هُوَ؟

اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ،
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ،
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ،
حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ،
حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ،
قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ،
اللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ،
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ.



﴿۱۳۱﴾ عَن مَكْحُولٍ أَنَّ ابْنَ مُحَيْرِيز، حَدَّثَهُ أَنَّهُ، سَمِعَ أَبَا مَحْذُورَةَ، يَقُولُ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْإِقَامَةَ سَبْعَ عَشْرَةَ كَلِمَةً.

ترجمه: از مکحول رحمه‌الله روایت است که ابن مُحَیْرِیز رحمه‌الله به من روایت کرد که از حضرت ابو مَحذُوره رضی‌الله‌عنه شنیدم که می‌گفت: حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من هفده کلمهٔ اقامه را تعلیم دادند.[۱]

﴿۱۳۲﴾ در بعضی از طرق روایت حضرت عبدالله بن زید رضی‌الله‌عنه که روش تعلیم آذان و اقامهٔ فرشته در آن وارد است این الفاظ نیز موجود است:

ثُمَّ أَمْهَلَ هُنَيَّةً، ثُمَّ قَامَ، فَقَالَ مِثْلَهَا، إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: زَادَ بَعْدَ مَا قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ؛ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ.[۲]

ترجمه: بعد از آذان، فرشته برای مدت کوتاهی مکث کرد و سپس ایستاده شد و همان کلمات آذان را تکرار کرد، ولی بعد از حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ؛ کلمهٔ

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۳۴/۱ حدیث ۸۳۱ و ۱۳۵/۱ حدیث ۸۳۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْإِقَامَةِ كَيْفَ هِيَ؟

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۵۰۷ كِتَابِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ كَيْفَ الْأَذَانُ | السنن الكبرى للبيهقى: ۵۶۷/۱ حدیث ۱۸۳۸ كِتَابِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِقْبَالِ الْقِبْلَةِ بِالْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ | المعجم الكبير للطبرانى: ۴۴۷/۸ رقم الحدیث ۱۶۶۹۱ | جامع المسانيد: ۲۹۹/۱ تا ۳۰۱

«قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» را اضافه گفت.

﴿۱۳۳﴾ عَنْ عُبَيْدٍ، مَوْلَى سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ، أَنَّ سَلَمَةَ بْنَ الْأَكْوَعِ، كَانَ يُثَنِّي الْإِقَامَةَ.

ترجمه: حضرت عُبَيْد رحمه‌الله روايت می‌کند که حضرت سَلَمَه بن اَكْوَع رضی‌الله‌عنه کلمات اقامه را دو دو مرتبه می‌گفت.[۱] (يعنی از أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلٰهَ إِلاَّ اللهُ تا آخر، هر کلمه را دو دو مرتبه می‌گفت).

﴿۱۳۴﴾ عَنِ الْأَسْوَدِ، عَنْ بِلَالٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّهُ كَانَ يُثَنِّي الْأَذَانَ وَيُثَنِّي الْإِقَامَةَ.

ترجمه: از حضرت أَسْوَد رحمه‌الله روايت است که حضرت بلال رضی‌الله‌عنه مؤذن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نيز اذان و اقامه را مَثْنٰى مَثْنٰى (دو دو مرتبه) می‌گفت.[۲]

اضافهٔ الصَّلاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ در آذان صبح:

﴿۱۳۵﴾ در حديث حضرت ابومَحْذُوره رضی‌الله‌عنه اين اضافه نيز موجود است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند:

فَإِنْ كَانَ صَلَاةُ الصُّبْحِ قُلْتَ: اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ.

ترجمه: و اگر برای نماز صبح آذان می‌دهی «اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» (نماز بهتر از خواب است) نيز بگو.[۳]

---

(۱) مصنف ابن ابی شيبة: ۱/ ۱۸۷ حديث ۲۱۳۸ كِتَابُ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ؛ مَنْ كَانَ يَشْفَعُ الْإِقَامَةَ وَيَرَى أَنْ يُثَنِّيَهَا | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱/۱۳۶ حديث ۸۳۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْإِقَامَةِ كَيْفَ هِيَ؟

(۲) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱/۱۳۴ حديث ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۳۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْإِقَامَةِ كَيْفَ هِيَ؟ | مصنف عبد الرزاق: ۱/۳۴۶ حديث ۱۷۹۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ بَدْءِ الْأَذَانِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲/۱۱۱ حديث ۵۶۸ كتاب الصلاة؛ باب كيفية الأذان والاقامة

(۳) سنن ابی داؤد: حديث ۵۰۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ كَيْفَ الْأَذَانُ | السنن الكبرى للبيهقی: ۱/۵۷۹ حديث ۱۸۴۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ جُمَّاعِ أَبْوَابِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، بَابُ التَّرْجِيعِ فِي الْأَذَانِ | السنن الكبرى للبيهقی: ۱/۶۲۲ حديث ۱۹۷۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ جُمَّاعِ أَبْوَابِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، بَابُ التَّثْوِيبِ فِي أَذَانِ الصُّبْحِ



﴿۱۳۶﴾ عَنْ أَنَس، قَالَ: مِنَ السُّنَّةِ إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ فِي أَذَانِ الْفَجْرِ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَالَ: اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ.

ترجمه: از حضرت انَس رضی الله عنه روایت است که سنَّت این است که مؤذن در آذان صبح دو بار «اَلصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» نیز بگوید.[۱]

روش /طریقهٔ آذان و اقامه:

﴿۱۳۷﴾ عَنْ جَابِرٍ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِبِلَالٍ: يَا بِلَالُ، إِذَا أَذَّنْتَ فَتَرَسَّلْ فِي أَذَانِكَ، وَإِذَا أَقَمْتَ فَاحْدُرْ.

ترجمه: از حضرت جابر رضی‌اللهعنه روایت است که رسول اکرم صلی اللهعلیه‌وسلم به حضرت بلال رضی‌اللهعنه فرمودند: یا بلال، وقتی اذان می گوئی، به آرامش و بی‌شتاب آذان بده، و وقتی اقامه می‌گفتی، سریع اقامه بگو.[۲]

﴿۱۳۸﴾ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمٰنِ بْنُ سَعْدِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ سَعْدٍ مُؤَذِّنِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَنِيْ أَبِيْ عَنْ أَبِيْهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِلَالًا أَنْ يَجْعَلَ إِصْبَعَيْهِ فِيْ أُذُنَيْهِ وَقَالَ: إِنَّهُ أَرْفَعُ لِصَوْتِكَ.

ترجمه: عبدالرحمن بن سعد بن عمار به واسطهٔ پدرش (سعد بن عمار)

(۱) السنن الکبری للبیهقی: ۶۲۳/۱ حدیث ۱۹۸۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ جُمَّاعِ أَبْوَابِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، بَابُ التَّثْوِيبِ فِي أَذَانِ الصُّبْحِ | صحیح ابن خزیمة: ۲۰۲/۱ حدیث ۳۸۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّثْوِيبِ فِي أَذَانِ الصُّبْحِ

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۱۹۵ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّرَسُّلِ فِي الْأَذَانِ | المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۳۱۰ حدیث ۱۰۰۸ مِنْ مُسْنَدِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ | السنن الکبری للبیهقی: ۶۲۸/۱ حدیث ۲۰۰۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ جُمَّاعِ أَبْوَابِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، بَابُ تَرْسِيلِ الْأَذَانِ وَحَذْمِ الْإِقَامَةِ | إعلاء السنن: ۳۸/۲ و ۳۹ حدیث ۴۸۵ کتاب الصلاة؛ باب الاسفار بالفجر | سنن الدارقطنی: ۴۴۵/۱ حدیث ۹۱۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ ذِكْرِ الْإِقَامَةِ وَاخْتِلَافِ الرِّوَايَاتِ فِيهَا | التلخیص الحبیر في تخریج أحادیث الرافعي الکبیر: ۵۰۰/۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْأَذَانِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۱۶/۲ حدیث ۵۷۴ کتاب الصلاة؛ باب کیفیة الأذان والاقامة | أدلّة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوی: ص ۱۳۶ حدیث ۲۹۷ باب يترسل ...

از جد خود حضرت عَمَّار بن سعد ﵁ مؤذن رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم روایت می کند که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم به حضرت بلال ﵁ حکم فرمودند که انگشتان خویش را در داخل گوش‌ها نموده آذان بدهد، و آنحضرت ﷺ فرمودند: این کار صدایت را بلندتر می‌سازد.[(1)]



جواب آذان و اقامه

طریقۀ/روش مستحب برای جواب اذان این است که کسی که آن را می شنود، پس از هر جمله همان جمله را تکرار کند، بجز «حَیَّ عَلَی الصَّلٰوةِ» و «حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ»؛ که در جواب آنها «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِالله» گفتن سنت است.

به همین ترتیب، هنگام شنیدن کلمات اقامه نیز مناسب است به هر جمله جواب داد، اما در جواب قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، گفتن «أَقَامَهَا اللهُ وَأَدَامَهَا» مسنون است.

﴿۱۳۹﴾ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

(۱) سنن ابن ماجه: حديث ۷۱۰ كِتَابُ الْأَذَانِ وَالسُّنَّةُ فيه؛ بَابُ السُّنَّةِ فِي الْأَذَانِ | السنن الكبرى للبيهقى: ۵۸۲/۱ حديث ۱۸۵۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ جُمَّاعِ أَبْوَابِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، بَابُ وَضْعِ الْإِصْبَعَيْنِ فِي الْأُذُنَيْنِ عِنْدَ التَّأْذِينِ | جامع الترمذي: ۳۷۵/۱ حديث ۱۹۷ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي إِدْخَالِ الإِصْبَعِ فِي الأُذُنِ عِنْدَ الأَذَانِ، بلفظ وَإِصْبَعَاهُ فِي أُذُنَيْهِ، وكذا ايضاً فى | مسند احمد: ۵۲/۳۱ حديث ۱۸۷۵۹ حَدِيثُ أَبِي جُحَيْفَةَ | التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير: ۵۰۷/۱ تحت حديث ۲۹۹ | إعلاء السنن للتهانوى: ۱۱۷/۲ حديث ۵۷۸ كتاب الصلاة؛ باب كيفية الأذان والإقامة

رَسُولُ اللّٰهِ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ، ثُمَّ قَالَ: اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، قَالَ: لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

ترجمه: از حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه مؤذن اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ گفت، از شما نیز (هر کسی آن را شنید) اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ بگوید، هنگامی که مؤذن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ گفت، او نیز أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ بگوید، هنگامی که مؤذن أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ گفت، او نیز أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ بگوید، هنگامی که مؤذن حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ گفت، او لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ بگوید، هنگامی که مؤذن حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ گفت، او لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ بگوید، هنگامی که مؤذن اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ گفت، او نیز اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ بگوید، و هنگامی که مؤذن لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ گفت، او نیز لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ بگوید. و سپس آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم افزودند: هر کسی که این کلمات را از ته دل بگوید، به بهشت می‌رود.(۱)

﴿۱۴۰﴾ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ، أَوْ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّ بِلَالًا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ، فَلَمَّا أَنْ قَالَ: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَالَ: النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَقَامَهَا اللّٰهُ وَأَدَامَهَا. وَقَالَ: فِي سَائِرِ الْإِقَامَةِ كَنَحْوِ حَدِيثِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ فِي الْأَذَانِ.

ترجمه: از حضرت ابو اُمامه رضی‌الله‌عنه یا بعضی دیگر از اصحاب رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت است که حضرت بلال رضی‌الله‌عنه اقامه را

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۳۸۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقَوْلِ مِثْلَ قَوْلِ الْمُؤَذِّنِ لِمَنْ سَمِعَهُ... | سنن ابی داؤد: حدیث ۵۲۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ | صحیح ابن خزیمة: ۲۱۸/۱ حدیث ۴۱۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ | صحیح ابن حبان: ۵۸۲/۴ حدیث ۱۶۸۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْأَذَانِ،

شروع نمود و چون به قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ رسید، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم (در جواب آن) أَقَامَهَا اللهُ وَأَدَامَهَا فرمودند: و در بقیهٔ اقامه همان کلماتی را تکرار کردند که در حدیث حضرت عمر رضی‌الله‌عنه گذشت.[۱]



فقهای کرام تصریح کرده‌اند که هنگام اذان فجر، وقتی مؤذن «أَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْم» می‌گوید، شنونده در جواب بگوید: «صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ».[۲]

دعای بعد آذان:

۱۴۱ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللّٰهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ترجمه: از حضرت جابر رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هر کسی بعد از شنیدن آذان این دعاء را بگوید، شفاعت من برایش واجب می‌گردد.

اللّٰهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ.

ترجمهٔ دعا: یا الله، ای پروردگار این دعوت کامله و این نماز برپا شده؛ «وسیله و فضیله» و آن «مقام محمود» را به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم

---

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۵۲۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا سَمِعَ الْإِقَامَةَ | السنن الکبری للبیهقی: ۶۰۵/۱ حدیث ۱۹۴۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ | کنز العمال: ۷۰۵/۷ حدیث ۲۱۰۲۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ الباب الخامس | کنز العمال: ۳۶۰/۸ حدیث ۲۳۲۶۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ الباب الخامس

(۲) شرح مسلم للنووی: ۲۷۲/۱ باب استحباب القول مثل قول المؤذن لمن سمعه ... | عمدة القاری شرح صحیح البخاری للعینی: ۷۵۲/۱۴ باب ما یقول اذا سمی المنادی | فتح القدیر شرح الهدایة لابن الهمام: ۲۵۴/۱ باب فی الاوقات التی تکره فیها الصلاة



عنایت بفرما که به ایشان وعده فرموده‌ای.(۱)

﴿۱۴۲﴾ در سُنَن کُبْرىٰ بیهقی و غیره کتب حدیث، الفاظ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (بی‌شک تو خلاف وعده‌ات نمی کنی،) نیز به سند قوی آمده است.(۲)

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۶۱۴ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ النِّدَاءِ | جامع الترمذی: حدیث ۲۱۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مِنْهُ أَيْضًا | سنن ابی داؤد: حدیث ۵۲۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الدُّعَاءِ عِنْدَ الْأَذَانِ

(۲) السنن الکبری للبیهقی: ۶۰۳/۱ حدیث ۱۹۳۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ جُمَّاعِ أَبْوَابِ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ | الدعوات الکبیر للبیهقی: ۱۰۸/۱ حدیث ۴۹ و ۱۱۰/۱ حدیث ۵۱ بَابُ الدُّعَاءِ وَالْقَوْلِ عِنْدَ الْأَذَانِ | احیاء علوم الدین للغزالی: ۱۸۲/۱ کتاب اسرار الصلاة؛ الباب الاول | عمدة القاري شرح صحیح البخاري: ۱۲۳/۵ بابُ الدُّعاءِ عِنْدَ النِّدَاءِ | فتح الباری شرح صحیح البخاري لابن حجر العسقلانی: ۹۵/۲ قَوْلُهُ بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ النِّدَاءِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۲۸/۲ کتاب الصلاة، باب الدعاء للنبی صلی الله علیه وسلم بعد الأذان والصلاة علیه (حاشیه)


ركعات نماز



تعداد رکعات نمازهای فرض:

نماز	تعداد رکعات فرض
فجر	۲ رکعت
ظهر	۴ رکعت
عصر	۴ رکعت
مغرب	۳ رکعت
عشاء	۴ رکعت

تعداد رکعات نمازهای فرض مندرج در بالا از زمان رسول اکرم ﷺ تا امروز با تواتر عملی اُمت ثابت است. اضافه برآن، این تعداد مفصلاً در کتب احادیث مذکور می‌باشد.

در اینجا فقط یک حدیث را نقل می‌کنیم:



﴿۱۴۳﴾ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ، قَالَ: أَتَى جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: قُمْ فَصَلِّ وَذَلِكَ دُلُوكَ الشَّمْسِ حِينَ مَالَتِ الشَّمْسُ فَقَامَ فَصَلَّى الظُّهْرَ أَرْبَعًا ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ كَانَ ظِلُّهُ مِثْلَهُ فَقَالَ: قُمْ فَصَلِّ فَصَلَّى الْعَصْرَ أَرْبَعًا ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَالَ: قُمْ فَصَلِّ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ غَابَ الشَّفَقُ فَقَالَ: قُمْ فَصَلِّ فَصَلَّى الْعِشَاءَ الآخِرَةَ أَرْبَعًا ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ بَرَق

الْفَجْرُ فَقَالَ: قُمْ فَصَلِّ فَصَلَّى الصُّبْحَ رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: از حضرت ابو مسعود انصاری رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت جبرئیل علیه‌السلام نزد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمده و گفت؛ برخیز و نماز بخوان. این وقت زوال بود و آفتاب تازه زوال کرده بود. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم برخاسته چهار رکعت نماز ظهر را اداء فرمودند.

سپس هنگامی که سایهٔ هر شی به مثلش گردیده بود حضرت جبرئیل علیه‌السلام نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم تشریف آورد و به آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت که برخیز و نماز بخوان. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله برخاسته چهار رکعت نماز عصر را اداء نمودند.

آنگاه باز هنگامی که آفتاب غروب کرده بود حضرت جبرئیل علیه‌السلام تشریف آورده به آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت که برخیز و نماز بخوان. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله برخاسته سه رکعت نماز مغرب را اداء نمودند.

سپس حضرت جبرئیل علیه‌السلام دوباره آن وقتی تشریف آورد که شفق (ابیض) غایب شده بود و به آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت که برخیز و نماز بخوان. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم برخاسته چهار رکعت نماز عشاء را خواندند.

سپس حضرت جبرئیل علیه‌السلام بعد از طلوع صبح صادق باز آمده به آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت که برخیز و نماز بخوان، ورسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برخاسته دو رکعت نماز صبح را اداء فرمودند.[۱]

سنت مُؤَکَّده دوازده رکعت است:

به این تفصیل:

---

(۱) مسند اسحاق بن راهویه بحوالهٔ نصب الراية: ۲۲۳/۱ باب المواقيت | السنن الكبرى للبيهقی: ۵۳۲/۱ حديث ۱۶۴۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ عَدَدِ رَكَعَاتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ | السنن الكبرى للطبرانی: ۲۶۳/۷ حديث ۷۲۴

نماز	تعداد سنت مُؤکَّده	وقتِ اداء
فجر	۲ رکعت	قبل از فرض
ظهر	۴ رکعت ۲ رکعت	۴ قبل از فرض ۲ بعد از فرض
مغرب	۲ رکعت	بعد از فرض
عشاء	۲ رکعت	بعد از فرض



﴿۱۴۴﴾ عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ، قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الجَنَّةِ: أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ المَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ العِشَاءِ، وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ.

ترجمه: از أُمُّ المؤمنین حضرت أُمِّ حبیبه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس در یک شبانه روز دوازده رکعت نماز (سنّت) بخواند، در بهشت برایش خانه‌ای می‌سازند: چهار رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعدِ مغرب (شام)، دو رکعت بعدِ عشاء (خفتن)، و دو رکعت قبل از نماز صبح.[1]

(۱) جامع الترمذی واللفظ له: حدیث ۴۱۵ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِيمَنْ صَلَّى فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنَ السُّنَّةِ، مَا لَهُ فِيهِ مِنَ الفَضْلِ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۲۳۴/۲۳ حدیث ۴۴۹ | صحیح مسلم به اختصار: ۵۰۲/۱ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ فَضْلِ السُّنَنِ الرَّاتِبَةِ قَبْلَ الْفَرَائِضِ وَبَعْدَهُنَّ، وَبَيَانِ عَدَدِهِنَّ | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۴۱ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنَ السُّنَّةِ | المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۴۴۸ حدیث ۱۵۵۲ | صحیح ابن خزیمة: ۲۰۲/۲ حدیث ۱۱۸۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ | صحیح ابن حبان: ۲۰۴/۶ حدیث ۲۴۵۱ کتاب الصلاة؛ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۱۷ حدیث ۶۷۸ و ۶۷۹ باب التطوع للصلوات الخمس | إعلاء السنن للتهانوی: ۴/۷ حاشیه حدیث ۱۷۵۳ باب النوافل والسنن

تعداد رکعات نماز صبح:

دو رکعت سنَّت (مُؤَکَّده)، و دو رکعت فرض.

﴿۱۴۵﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَدَعُوهُمَا، وَإِنْ طَرَدَتْكُمُ الْخَيْلُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: دو رکعت نماز سنّت صبح را رها نکنید، اگرچه اسپ‌ها نیز شما را لگدمال کنند.[(۱)]

﴿۱۴۶﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَدَعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْغَدَاةِ.

ترجمه: از حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم ﷺ چهار رکعت (سنت) پیش از نماز ظهر و دو رکعت (سنت) پیش از نماز صبح را هرگز ترک نمی‌کردند.[(۲)]

﴿۱۴۷﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ النَّوَافِلِ أَشَدَّ مِنْهُ تَعَاهُدًا عَلَى رَكْعَتَيِ الفَجْرِ.

ترجمه: از اُمُّ المومنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر هیچ نماز غیر فرض آنقدر مواظبت نمی‌نمودند که بر دو رکعت نماز صبح مواظبت می‌فرمودند.[(۳)]

---

(۱) شرح مشکل الآثار للطحاوی: ۳۲۱/۱۰ حدیث ۴۱۳۴ بَابُ بَيَانِ مُشْكِلِ مَا رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ مِنْ قَوْلِهِ: إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۳۷۶/۱ حدیث ۲۲۱۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الرَّجُلِ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَلَمْ يَكُنْ رَكَعَ، أَيَرْكَعُ أَوْ لَا يَرْكَعُ؟ | سنن ابی داؤد: حدیث ۱۲۵۸ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي تَخْفِيفِهِمَا | السنن الکبری للبیهقی: ۶۶۲/۲ حدیث ۴۱۵۷ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، وَقِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ، بَابُ تَأْكِيدِ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ | کنز العمال: ۳۷۱/۷ حدیث ۱۹۳۲۷ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۲۴ حدیث ۷۰۸ باب فی تاکید رکعتی الفجر | إعلاء السنن للتهانوی: ۶/۷ حدیث ۱۷۵۴ باب النوافل والسنن

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۸۲ کتاب التهجد؛ بَابُ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ | ومثله في صحيح مسلم: حدیث ۷۳۰ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ جَوَازِ النَّافِلَةِ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَفِعْلِ...

(۳) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۶۹ ابوابُ التَّهَجُّدِ؛ بَابُ تَعَاهُدِ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ وَمَنْ سَمَّاهُمَا تَطَوُّعًا

در این حدیث، دو رکعت پیش از نماز صبح/فجر «نفل» نامیده شده؛ زیرا این دو رکعت علاوه بر نماز فرض‌اند، و از نظر لُغَوی، «نفل» به نمازی می‌گویند که غیر از فرض باشد. با این حال، این تعبیر هرگز به معنای نفیِ سنّتِ مؤکَّده بودن آن دو رکعت نیست؛ زیرا در احادیث دیگر (مانند حدیث اول و دوم) تأکید بر اهمیت این دو رکعت و نیز مداومت و استمرار همیشگی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در ادای آنها موجود است، و این امر دلالت واضح بر سنّتِ مؤکَّده بودن آنها دارد.

تعداد رکعات نماز ظهر:

چهار رکعت سنَّت (مُؤکَّده)، چهار رکعت فرض، دو رکعت سنَّت مُؤکَّده، و دو رکعت نفل.

﴿۱۴۸﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لاَ يَدَعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الغَدَاةِ.

ترجمه: از حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم چهار رکعت (سنت) پیش از نماز ظهر و دو رکعت (سنت) پیش از نماز صبح/فجر را هرگز ترک نمی‌کردند.[۱]

﴿۱۴۹﴾ عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى قَبْلَ الظُّهْرِ أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا حَرَّمَهُ اللهُ عَلَى النَّارِ.

ترجمه: از أُمُّ المؤمنین حضرت أُمِّ حبیبه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی چهار رکعت نماز قبل از (فرض) ظهر و چهار رکعت بعد از آن بخواند، خداوند آتش دوزخ را

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۸۲ کتاب التهجد؛ بَابُ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ | ومثله فی صحیح مسلم: حدیث ۷۳۰ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ جَوَازِ النَّافِلَةِ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَفِعْلِ ...



بر او حرام می گرداند.[1]



از روایت قبلی اُمُّ المؤمنین حضرت اُمِّ حبیبه رضی‌الله‌عنها دو رکعت سنت مؤکَّده در بعد از فرض ظهر ثابت گردید و در این روایت چهار رکعت بعد ظهر مذکور است، بنابراین، با جمع میان این دو روایت، چنین نتیجه برداشت می‌شود که از این چهار رکعت بعد از فرض ظهر، دو رکعت سنّتِ مؤکده و دو رکعت دیگر نفل است.

تعداد رکعات نماز عصر:

چهار رکعت سنَّت (غیر مؤکَّده)، و چهار رکعت فرض.

﴿۱۵۰﴾ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: رَحِمَ اللهُ امْرَأً صَلَّى قَبْلَ العَصْرِ أَرْبَعًا.[2]

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: خدا بر آن شخص رحمت کند که چهار رکعت نماز قبل از نماز عصر بخواند.

تعداد رکعات نماز مغرب/شام:

سه رکعت فرض، دو رکعت سنّت (مُؤکَّده)، و دو رکعت نفل.

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۴۲۷ أَبْوَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابٌ آخَرُ (فِي سُنَنٍ قَبْلَ الظُّهْرِ) | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۶۰ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِيمَنْ صَلَّى قَبْلَ الظُّهْرِ أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا | مسند احمد: ۳۵۸/۴۴ حدیث ۲۶۷۷۲ و ۳۹۴/۴۵ حدیث ۲۷۴۰۳ | إعلاء السنن للتهانوی: ۳/۷ و۴ حدیث ۱۷۵۳

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۴۳۰ أَبْوَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الأَرْبَعِ قَبْلَ العَصْرِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۱۲۷۱ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ التَّطَوُّعِ وَرَكَعَاتِ السُّنَّةِ، بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْعَصْرِ | مسند ابی داؤد الطیالسی: ۴۴۴/۳ حدیث ۲۰۴۸ | مسند احمد: ۱۸۸/۱۰ حدیث ۵۹۸۰ | صحیح ابن حبان: ۲۰۶/۹ حدیث ۲۴۵۳ بَابُ النَّوَافِلِ؛ ذِكْرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ بِالرَّحْمَةِ لِمَنْ صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا | إعلاء السنن للتهانوی: ۸/۷ حدیث ۱۷۵۷ باب النوافل والسنن



﴿۱۵۱﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: مَنْ رَكَعَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَانَ كَالْمُعْقِبِ غَزْوَةً بَعْدَ غَزْوَةٍ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی بعد از نماز مغرب، چهار رکعت نماز (دو سنّت و دو نفل) بخواند، او مانند کسی است که یکی بعد از دیگری در غزوات شرکت کرده باشد.(۱)

﴿۱۵۲﴾ وَعَنْ أَبِي مَعْمَرٍ عَبْدِ اللهِ بْنِ سَخْبَرَةَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: كَانُوا يَسْتَحِبُّونَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

ترجمه: حضرت اَبُومَعْمَر عَبْد الله بن سَخْبَرَه رحمه‌الله می‌فرماید: صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم ادای چهار رکعت نماز (دو سنّت و دو نفل) بعد از نماز مغرب را دوست داشتند.(۲)

تعداد رکعات نماز عشاء/خُفتن:

چهار رکعت سنت (غیر مُؤکَّده)، چهار رکعت فرض، دو رکعت سنّت (مُؤکَّده)، دو رکعت نفل، سه رکعت وتر، و دو رکعت نفل.

﴿۱۵۳﴾ وَعَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ رَحِمَهُ اللهُ: كَانُوا يَسْتَحِبُّونَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ.

ترجمه: از حضرت سعید بن جُبَیْر رحمه‌الله روایت است که صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم ادای چهار رکعت نماز قبل از نماز عشاء را دوست داشتند.(۳)

﴿۱۵۴﴾ عَنْ بَهزٍ حَدَّثَنَا زُرَارَةُ بْنُ أَوْفَى عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهَا سُئِلَتْ

(۱) مُصَنَّف عبد الرزاق: ۴۵/۳ حدیث ۴۷۲۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ فِيمَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ ا الزهد و الرقائق لابن المبارك: ص ۴۴۵ حدیث ۱۲۶۲ بَابُ فَضْلِ ذِكْرِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ا شرح السَّنّة للبغوی: ۴۷۴/۳ حدیث ۸۹۷ أَبْوَابُ النَّوَافِلِ؛ بَابُ الصَّلاةِ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ

(۲) قِيَامُ اللَّيْلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ نَصْرٍ الْمَرْوَزِيِّ: ص ۸۸ بَابُ التَّرْغِيبِ فِي الصَّلَاةِ مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ

(۳) قِيَامُ اللَّيْلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ نَصْرٍ الْمَرْوَزِيِّ: ص ۸۸ بَابُ التَّرْغِيبِ فِي الصَّلَاةِ مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ



عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَتْ: كَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ الْعِشَاءَ، ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ، فَيُصَلِّي أَرْبَعًا، ثُمَّ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ.

ترجمه: حضرت زَرَاره بن اَوْفَی رحمه‌الله روایت می‌کند که از اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها دربارهٔ نماز شبانهٔ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سوال کردند. حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از امامت نماز عشاء چون به خانه تشریف می‌آوردند، نخست چهار رکعت نماز (دو سنت و دو نفل) اداء می‌فرمودند و آنگاه بر بستر خویش استراحت می‌نمودند.[1]

﴿۱۵۵﴾ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّالِثَةِ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها می‌فرماید: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم وتر را سه رکعت می‌خواندند. در رکعت اول سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را می‌خواندند، در رکعت دوم قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را و در رکعت سوم قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ و (گاهی نیز یک سوره از) مُعَوِّذَتَيْن[2] را می‌خواندند.[3]

﴿۱۵۶﴾ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَتْ: كَانَ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً، يُصَلِّي ثَمَانَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ

---

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۳۴۶ و ۱۳۴۸ أَبْوَابُ قِيَامِ اللَّيْلِ، بَابٌ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ

(۲) ملا علی قاری هِرَوِی حنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۰۱۴ هـ.ق) در توضیح این حدیث می‌نویسد که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در رکعت سوم نماز وتر، گاهی سورهٔ اخلاص را می‌خواندند و گاهی یکی از دو سورهٔ معوذتین را تلاوت می‌کردند. (شرح مسند ابی حنیفة: ص ۵۱۱) مولّف

توجه: سوره‌های اعوذ برب الفلق و اعوذ برب الناس را مُعَوِّذَتَيْن می گویند. مترجم

(۳) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۸۵/۱ حدیث ۱۶۹۵ بَابُ الْوِتْرِ | شرح مشکل الآثار للطحاوی: ۳۷۱/۱ بَابُ بَيَانِ مُشْكِلِ مَا اخْتَلَفَ أَهْلُ الْعِلْمِ فِيهِ مِنَ الْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ، وَهَلْ هُوَ قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ؟ | صحیح ابن حبان: ۲۰۱/۶ حدیث ۲۴۴۸ بَابُ الْوِتْرِ؛ ذِكْرُ الْإِبَاحَةِ لِلْمَرْءِ أَنْ يَضُمَّ قِرَاءَةَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ إِلَى قِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ فِي وِتْرِهِ الَّذِي ذَكَرْنَاهُ | مصنّف عبد الرزاق: ۳۲/۳ حدیث ۴۶۹۵ و ۴۶۹۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يُقْرَأُ فِي الْوِتْرِ، وَكَيْفَ التَّكْبِيرُ فِيهِ



يُوتِرُ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ.

ترجمه: از حضرت ابوسَلَمَه (بن عبدالرحمن بن عَوف) رحمه الله روایت است که من از اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها دربارۀ نماز (شبانۀ) رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سوال کردم. حضرت بی‌بی عائشه رضی‌الله‌عنها فرمود: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم (شبانه) سیزده رکعت نماز می‌خواندند. اول هشت رکعت (تهجُّد) می‌خواندند، و سپس (سه رکعت) وتر را می‌خواندند و سپس دو رکعت (نفل) در حالت نشسته.[1]

﴿۱۵۷﴾ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ الوِتْرِ رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: از اُمُّ المؤمنین حضرت اُمِّ سَلَمَه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از نماز وتر، دو رکعت نماز (نفل) می خواندند.[2]

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۷۳۸ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَعَدَدِ رَكَعَاتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي اللَّيْلِ... | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۸۱/۱ حدیث ۱۶۷۶ بَابُ الْوِتْرِ | صحیح البخاری: ۵۵/۲ حدیث ۱۱۵۹ بَابُ المُدَاوَمَةِ عَلَى رَكْعَتَيِ الفَجْرِ

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۴۷۱ أَبْوَابُ الوِتْرِ؛ بَابُ مَا جَاءَ لَا وِتْرَانِ فِي لَيْلَةٍ | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۹۵ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْوِتْرِ جَالِسًا | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۸۱/۱ حدیث ۱۶۷۶ بَابُ الْوِتْرِ


طریقۂ نماز



طریقهٔ نماز



پوشاندن سر

﴿۱۵۸﴾ عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابَهُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ فِي الشِّتَاءِ فَرَأَيْتُهُمْ فِي الْبَرَانِسِ وَالْأَكْسِيَةِ، وَأَيْدِيهِمْ فِيهَا يَرْفَعُونَهَا إِلَى نُحُورِهِمْ، أَوْ قَالَ: إِلَى صُدُورِهِمْ.

ترجمه: از حضرت وائل بن حجر رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: من نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و اصحاب ایشان رضی‌الله‌عنهم را در فصل زمستان دیدم. آنان کلاه‌های بلند بر سر داشتند و چادر بر دوش افکنده بودند. دست‌های شان در زیر آن چادرها بود و هنگام (تکبیر تحریمهٔ) نماز، دست‌های خود را تا گردن‌های شان ـ یا فرمود تا سینه‌های شان ـ بالا می آوردند.[۱]

﴿۱۵۹﴾ عَنْ عَاصِمِ بْنِ كُلَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَالِهِ، قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَرَأَيْتُهُمْ يُصَلُّونَ فِي الْأَكْسِيَةِ وَالْبَرَانِسِ، أَيْدِيهِمْ فِيهَا مِنَ الْبَرْدِ.

ترجمه: عاصم بن کُلَیب از پدرش (کُلَیب بن شهاب الجَرْمی) و او از مامایش/دایی‌اش (حضرت فَلْتان بن عاصم رضی‌الله‌عنه) روایت می‌کند که

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی: ۹/۱۵۷ حدیث ۱۷۵۶۴

فرمود: چون به حضور نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم رسیدم؛ آنان را (صحابهٔ کِرام را) دیدم که دَور خود چادر انداخته با کلاه‌های بلند نماز می‌خواندند، و دست‌های شان را به سبب سردی درون آن چادرها گرفته بودند.(۱)

﴿۱۶۰﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَحْسِرَ الْعِمَامَةَ عَنْ جَبْهَتِهِ.

ترجمه: حضرت علی رضی‌الله‌عنه فرمود: هرگاه یکی از شما نماز می خواند، دستار/عمامهٔ خود را از پیشانی‌اش بالا بزند.(۲)

﴿۱۶۱﴾ عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ حَسِرَ الْعِمَامَةَ عَنْ جَبْهَتِهِ.

ترجمه: از حضرت عُباده بن صامت رضی‌الله‌عنه روایت است که ایشان هرگاه برای نماز برمی‌خاست، عمامهٔ خود را از پیشانی‌اش بالا می‌کرد.(۳)

﴿۱۶۲﴾ قال الْإِمَامِ أَبو عَبْدِ اللهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ الْبُخَارِيِّ رَحِمَهُ اللهُ: وَقَالَ الْحَسَنُ كَانَ الْقَوْمُ يَسْجُدُونَ عَلَى الْعِمَامَةِ وَالْقَلَنْسُوَةِ وَيَدَاهُ فِي كُمِّهِ.

ترجمه: امام ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری رحمه‌الله می‌فرماید که حضرت حسن بصری رحمه‌الله بیان می‌کند که مردم (صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم از شدت حرارت زمین) بر روی عمامه و کلاه سجده می‌کردند، و (حتی) دست‌های بعضی از آنان در داخل آستین شان می‌بود.(۴)

﴿۱۶۳﴾ عَنِ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: إِنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْجُدُونَ وَأَيْدِيهِمْ فِي ثِيَابِهِمْ، وَيَسْجُدُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَلَى عِمَامَتِهِ.

ترجمه: از امام حسن بصری رحمه‌الله روایت است که صحابهٔ رسول اکرم

---

(۱) معجم الصحابة لإبن قانع: ۱۵۲/۲ حدیث ۱۳۷۲
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۰۰/۲ حدیث ۲۷۷۱ مَنْ كَرِهَ السُّجُوْدَ عَلٰى كَوْرِ الْعِمَامَةِ
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۹۹/۲ حدیث ۲۷۷۰ مَنْ كَرِهَ السُّجُوْدَ عَلٰى كَوْرِ الْعِمَامَةِ
(۴) صحیح البخاری: بَابُ السُّجُوْدِ عَلَى الثَّوْبِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ



صلی‌الله‌علیه‌وسلم (هنگام نماز) در حالی سجده می‌کردند که دست‌های شان در درون لباس‌های شان قرار داشت، و برخی از آنان بر روی عمامهٔ خود نیز سجده می‌کردند.[1]



نیت کردن

﴿۱۶۴﴾ فرمان خداوندی است:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ۚ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾.

ترجمه: و آنها فرمان نیافته بودند جز آنکه یکسو گردیده خدا را چنان عبادت نمایند که ایمان و (اطاعت) را خالص برای او کنند، و نماز را بر پا دارند، و زکات بپردازند؛ و این است آئین استوار و ثابت.[2]

در این آیت دستور داده شده است که عبادات با «اخلاص» انجام شوند و اخلاص عبارت از «نیت» است.

شیخُ‌الاسلام امام ابوبکر بن علی بن محمد الحداد یمنی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۸۰۰هـ.ق) می‌نویسد:

ثُمَّ النِّيَّةُ إِنَّمَا هِيَ فَرْضٌ لِلْعِبَادَاتِ، قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ وَالْإِخْلَاصُ هُوَ النِّيَّةُ.

ترجمه: نیت برای عبادات فرض است، زیرا خداوند متعال فرموده است:

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۹۷/۲ حدیث ۲۷۵۴ فِي الرَّجُلِ يَسْجُدُ وَيَدَاهُ فِي ثَوْبِهِ
(۲) سُورَةُ البَيِّنَة: آیهٔ ۵



«و به آنان جز این دستور داده نشده بود که خدا را عبادت کنند و دین را برای او خالص گردانند»؛ و اخلاص عبارت از نیت است.(۱)

﴿۱۶۵﴾ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اَلْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

ترجمه: از امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: مدار اعمال بر نیّت است.(۲)



رُخ کردن به سمت قبله

﴿۱۶۶﴾ در مورد قبله، فرمان خداوندی است:

﴿وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ﴾

ترجمه: (ای مسلمانان)! هر جائی که باشید، روی خود را به سوی آن (مسجد الحرام) بگردانید.(۳)

﴿۱۶۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَرَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ، ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ، فَرَجَعَ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ فَارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ، فَقَالَ فِي الثَّانِيَةِ أَوْ فِي الَّتِي بَعْدَهَا: عَلِّمْنِي، فَقَالَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ

(۱) الجوهرة النيرة: ۷/۱ كتاب الطهارة

(۲) مسند ابی حنیفة بروایة الحارثی: ۲۵۰/۱ حدیث ۲۶۴ | مسند ابی حنیفة بروایة ابی نعیم: ص ۲۶۹ رِوَايَتُهُ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدِ | صحیح البخاری: ۶/۱ حدیث ۱ بَابُ بَدْءِ الْوَحْيِ | صحیح مسلم: ۱۵۱۵/۳ حدیث ۱۹۰۷ كِتَابُ الْإِمَارَةِ؛ بَابُ قَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ

(۳) سُورَةُ الْبَقَرَة: آية ۱۴۴



فَأَسْبِغِ الْوُضُوءَ ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ ...

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که شخصی وارد مسجد شد، در حالی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند. آن شخص نماز خواند، سپس آمد و بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه وسلم سلام کرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در جواب فرمودند: وَعَلَيْكَ السَّلَام برگرد و نماز بخوان، زیرا نمازت را (درست) نخواندی. آن شخص دوباره رفت، نماز خواند و سپس برگشت و سلام کرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بازهم فرمودند: برگرد و نماز بخوان، زیرا نمازت را (درست) نخواندی. در بار دوم یا سوم آن شخص عرض کرد: یا رسول الله ﷺ! مرا تعلیم بدهید (که چگونه نماز بخوانم)؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هنگامی که برای نماز برمی‌خیزی، ابتدا وضوی کامل انجام بده، سپس رُخ به سمت قبله کن...[1]



قیام کردن

۱۶۸ فرمان خداوندی است: ﴿وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾.

ترجمه: در پیشگاه الهی به عاجزی و شکستگی ایستاده شوید.[2]

علامه زین الدین بن ابراهیم بن محمد المعروف به ابن نُجَیم الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۹۷۰ ه.ق) می‌نویسد:

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۶۶۶۷ كِتَابُ الْأَيْمَانِ وَالنُّذُورِ؛ بَابُ إِذَا حَنِثَ نَاسِيًا فِي الْأَيْمَانِ ا صحیح مسلم: حدیث ۳۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ...
(۲) سُورَةُ البَقَرَة: آيهٔ ۲۳۸



وَالْمُرَادُ بِهِ الْقِيَامُ فِي الصَّلَاةِ بِإِجْمَاعِ الْمُفَسِّرِيْنَ وَهُوَ فَرْضٌ فِي الصَّلَاةِ لِلْقَادِرِ عَلَيْهِ فِي الْفَرْضِ.

ترجمه: مراد از آن، قیام (ایستادن) در نماز است، و این از اجماع تمام مُفسِّرین ثابت است. کسی که توانائی قیام را دارد، بر او در نماز فرض و در تمام نمازهائی که در حکم فرض است قیام/ایستادن فرض است.(۱)

﴿۱۶۹﴾ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ:... فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: صَلِّ قَائِمًا.

ترجمه: از حضرت عِمْران بن حُصَيْن رضی‌الله‌عنه روایت است که من از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارهٔ نماز پرسیدم. آنحضرت ﷺ فرمودند: نماز را ایستاده بخوان.(۲)

نگاه در حالت قیام بر جای سجده باشد:

﴿۱۷۰﴾ عَنْ أَنَسٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا أَنَسُ اجْعَلْ بَصَرَكَ حَيْثُ تَسْجُدُ.

ترجمه: از حضرت اَنس رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم فرمودند: ای اَنس، نگاهت را بر جای سجده‌ات بدار.(۳)

﴿۱۷۱﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اسْتَفْتَحَ الصَّلَاةَ كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ، ثُمَّ يَضَعُ يَمِينَهُ عَلَى شِمَالِهِ وَيَشْخَصُ بِبَصَرِهِ إِلَى مَوْضِعِ سُجُوْدِهِ.

---

(۱) البحر الرائق شرح كنز الدقائق لابن نجيم: ۵۰۹/۱ كتاب الصلاة؛ باب صفة الصلاة

(۲) صحيح البخارى: حديث ۱۱۱۷ أَبْوَابُ تَقْصِيرِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ إِذَا لَمْ يُطِقْ قَاعِدًا صَلَّى عَلَى جَنْبٍ | سنن ابى داؤد: حديث ۹۵۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابٌ فِي صَلَاةِ الْقَاعِدِ

(۳) السنن الكبرى للبيهقى: ۴۰۳/۲ حديث ۳۵۴۵ | مشكوة المصابيح مع مرقاة المفاتيح: ۷۸۹/۲ حديث ۹۹۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ | كنز العمال للهيثمي: ۵۲۹/۷ حديث ۲۰۰۹۸ كتاب الصلاة؛ | جامع الاحاديث للسيوطى: ۹۷/۲۳ حديث ۲۵۶۴۴ حرف الياء؛



ترجمه: از حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را آغاز می‌کردند، الله اکبر می‌گفتند و (بند) هر دو دست خود را تا برابر شانه‌های مبارک خویش بالا می‌بردند. سپس دست راست را بر دست چپ قرار می‌دادند و نگاه خود را به محل سجدۀ خویش می‌دوختند.(۱)



تکبیر تحریمه

﴿۱۷۲﴾ فرمان خداوندی است: ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ﴾.

ترجمه: و نام پروردگار خود را یاد کرد و آنگاه نماز خواند.(۲)

علامه فخر الدین ابو محمد عثمان بن علی زیلعی الحنفی رحمه‌الله (ت۷٤۳هـ.ق) می‌نویسد:

قَوْلُهُ تَعَالٰى ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ﴾ عَطَفَ الصَّلَاةَ عَلَى الذِّكْرِ وَالْمُرَادُ بِهِ التَّحْرِيمَةُ.

ترجمه: در فرمان الهی ﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ﴾، صلاة/نماز بر «ذکر» عطف شده است، و مراد از «ذکر» در اینجا «تکبیر تحریمه» است.(۳)

﴿۱۷۳﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُوْرُ وَتَحْرِيْمُهَا التَّكْبِيْرُ وَتَحْلِيْلُهَا التَّسْلِيْمُ.

(۱) الترغیب والترهیب لقوام السنة الاصبهانی: ۴۲۱/۲ حدیث ۱۹۱۰ باب الصاد؛ فصلٍ في الترهيب من الالتفات في الصلاة | ومثله عن إبن الزبیر عن أبیه فی سنن أبی داود: حدیث ۹۹۰ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ الْإِشَارَةِ فِي التَّشَهُّدِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۸۶/۲ تا ۱۸۹ باب موضع النظر فی الصلوة
(۲) سُورَةُ الْأَعلىٰ: آیة ۱۵
(۳) تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق للزیلعی: ۲۷۰/۱ كتاب الصلاة؛ باب صفة الصلاة



ترجمه: از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: کلید نماز طهارت است، تحریم آن الله اکبر گفتن است و تحلیل آن سلام دادن است.(۱)

در این حدیث دو لفظ آمده است:

تحریم: معنی آن «حرام قرار دادن چیزی» است. وقتی نمازگزار با گفتن «الله اکبر» نماز را آغاز می‌کند، پس از آن خوردن و آشامیدن، صحبت کردن، اینسو و آنسو نگاه کردن و سایر امور دنیوی همه بر او حرام می‌شوند. از این جهت «الله اکبر» را «تحریم» می‌نامند، یعنی عملی که امور دنیوی را برای نمازگزار حرام می‌کند.

تحلیل: معنی آن «حلال قرار دادن چیزی» است. وقتی نمازگزار در پایان نماز «السلام علیکم ورحمة الله» می‌گوید، نماز پایان می‌یابد و اکنون صحبت کردن، خوردن و آشامیدن، حرکت و دیگر امور دوباره حلال/جایز می‌شوند. از این رو سلام را «تحلیل» می‌نامند، یعنی عملی که امور دنیوی را برای نمازگزار دوباره حلال می‌کند.

الفاظ تکبیر:

﴿۱۷۴﴾ فرمان خداوندی است: ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾.

ترجمه: و پروردگار خود را به کبریائی یاد کن.(۲)

امام شیخ محمد بن احمد الخطیب الشِّربینی شافعی مصری رحمه‌الله (ت ۹۷۷ ه.ق) در تفسیر این آیه نوشته‌است:

وَفِي الْحَدِيْثِ أَنَّهُمْ قَالُوْا: بِمَ تُفْتَتَحُ الصَّلَاةُ؟ فَنَزَلَ: ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ أَيْ:

(۱) جامع الترمذي: حديث ۳ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ أَنَّ مِفْتَاحَ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ | سنن ابی داؤد: حديث ۶۱ كِتَابِ الطَّهَارَةِ؛ بَابُ فَرْضِ الْوُضُوءِ

(۲) سُورَةُ الْمُدَّثِّر: آیهٔ ۳



صِفْهُ بِأَنَّهُ أَكْبَرُ... وَقَالَ الْمُفَسِّرُوْنَ: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالٰى: ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ: اللهُ أَكْبَرُ.

ترجمه: و در حديث آمده است كه صحابهٔ كرام رضی‌الله‌عنهم پرسيدند: نماز با چه كلمه‌ای آغاز شود؟ پس اين آيه نازل شد: ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ يعنی توصيف كن پروردگارت را كه او بزرگ‌ترين است. و مُفسِّرين گفته‌اند هنگامی كه فرمان خداوندی ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ نازل شد، نبی اكرم صلی‌الله‌عليه‌وسلم برخاستند و فرمودند: «الله اكبر».[(۱)]

﴿۱۷۵﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمَةَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا قَامَ يُصَلِّى تَطَوُّعًا قَالَ: اللهُ أَكْبَرُ.

ترجمه: از حضرت محمد بن مَسْلَمَه رضی‌الله‌عنه روايت است كه هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌عليه‌وسلم می ايستادند و نفل را شروع می كردند الله اكبر می گفتند.[(۲)]

امام جهراً تكبير بگويد:

﴿۱۷۶﴾ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ: اشْتَكَى أَبُو هُرَيْرَةَ أَوْ غَابَ فَصَلَّى أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ فَجَهَرَ بِالتَّكْبِيرِ حِينَ افْتَتَحَ وَحِينَ رَكَعَ.

ترجمه: حضرت سعيد بن حارثؒ روايت می كند كه يكبار حضرت ابو هريره رضی‌الله‌عنه بيمار شد يا جائی رفته بود و حضرت ابوسعيد خُدری رضی‌الله‌عنه نماز را امامت نمود؛ و هنگام آغاز نماز و هنگام رفتن به ركوع با صدای بلند تكبير گفت.[(۳)]

(۱) تفسير السراج المنير للشّربينی: ۴۷۶/۴ تفسير قوله (وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ)
(۲) سنن النسائی: حديث ۸۹۸ كِتَابُ الإِفْتِتَاحِ؛ نَوْعٌ آخَرُ مِنَ الذِّكْرِ وَالدُّعَاءِ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَالْقِرَاءَةِ | سنن النسائی: حديث ۱۰۵۲ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ نَوْعٌ آخَرُ مِنْهُ | المعجم الكبير للطبرانی: ۲۲۶/۸ حديث ۱۵۸۵۷
(۳) السنن الكبری للبيهقی: ۲۸/۲ حديث ۲۲۷۶ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ، بَابُ جَهْرِ الْإِمَامِ بِالتَّكْبِيرِ | صحيح البخاری: ۱۶۴/۱ حديث ۸۲۵ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ يُكَبِّرُ وَهُوَ يَنْهَضُ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ





مقتدی و منفرد تکبیر را خُفیه/آهسته بگویند:

﴿۱۷۷﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ... وَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُهَادَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ يَخُطُّ بِرِجْلَيْهِ الأَرْضَ، فَلَمَّا رَآهُ أَبُو بَكْرٍ ذَهَبَ يَتَأَخَّرُ، فَأَشَارَ إِلَيْهِ أَنْ صَلِّ، فَتَأَخَّرَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، وَقَعَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى جَنْبِهِ، وَأَبُو بَكْرٍ يُسْمِعُ النَّاسَ التَّكْبِيرَ.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها (مرض وفات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را یاد نموده) می‌فرماید: حضرت رسول خدا ﷺ در حالی که بین دو نفر تکیه داده بودند تشریف آوردند، گویا من حالا نیز آنحضرت ﷺ را می‌بینم که هر دو پای مبارک را بر روی زمین می‌کشیدند. هنگامی که حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را مشاهده کرد خواست تا عقب برود، لیکن آنحضرت ﷺ به وی اشاره فرمودند که نماز بخوان. حضرت ابوبکر رض اندکی عقب آمده و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در کنار حضرت ابوبکر رض نشستند و حضرت ابوبکر رض تکبیرات نماز را به مردم می‌شنوانید.(۱)



از الفاظ حدیث «وَأَبُو بَكْرٍ يُسْمِعُ النَّاسَ التَّكْبِيرَ» برمی‌آید که حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه با اقتداء به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم، تکبیر ایشان را شنیده سپس آن را با صدای بلند برای مردم تکرار می‌کردند. اگر بلند گفتن تکبیر برای مقتدیان نیز جایز می‌بود، صدای دیگر مقتدیان به مقتدیان عقبی می‌رسید و دیگر نیازی نبود حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه به عنوان مُکَبِّر تکبیر را با صدای بلند تکرار کند.

از اینجا روشن می‌شود که برای مقتدی، گفتن تکبیر به آهستگی/خُفیه

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۱۲ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ مَنْ أَسْمَعَ النَّاسَ تَكْبِيرَ الإِمَامِ

مسنون است، و همین حکم برای شخص منفرد نیز می‌باشد، زیرا او هم نیازی به رساندن صدای خود به کسی ندارد.

در چهار رکعت نماز ۲۲ تکبیر وجود دارد:

﴿۱۷۸﴾ عَنْ عِكْرِمَةَ، قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ شَيْخٍ بِمَكَّةَ، فَكَبَّرَ ثِنْتَيْنِ وَعِشْرِينَ تَكْبِيرَةً.

ترجمه: حضرت عِکْرَمَه رحمه‌الله می‌فرماید: من در مکهٔ مکرمه در پشت سر بزرگی نماز خواندم و او در نماز بیست و دو مرتبه تکبیر گفت.[(۱)]



مراد از بزرگ در اینجا حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه است چنانکه در شرح معانی الآثار طحاوی: ۱٦۱/۱ تصریح برآن موجود است.

﴿۱۷۹﴾ حضرت ابومالک اَشْعَری رضی‌الله‌عنه یک بار مردم را جمع نموده طریقهٔ نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به ایشان آموزش داد. الفاظ حدیث شریف چنین است:

ثُمَّ صَلَّى بِهِمُ الظُّهْرَ يُكَبِّرُ فِيهِمَا اثْنَتَا وَعِشْرِينَ تَكْبِيرَةً.

ترجمه: آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نماز ظهر مردم را امامت فرمودند و در آن نماز ۲۲ مرتبه تکبیر گفتند.[(۲)]

---

(۱) صحيح البخاری: حديث ۷۸۸ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ إِذَا قَامَ مِنَ السُّجُودِ
(۲) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۶۱/۱ باب الخفض فی الصلاة هل فيه تكبير

رفع یَدَین در شروع نماز

رفع یَدَیْن یعنی بالا بردن/بلند کردن دست‌ها.

﴿۱۸۰﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ، وَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: تُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ؛ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ ...

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر و حضرت عبد الله بن عباس رضی الله‌عنهم روایت است که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: دست‌ها (بطور سنّت) در هفت جا بلند می‌شود (که یکی آنها در وقت تکبیر تحریمه) در آغاز نماز است.(۱)

﴿۱۸۱﴾ عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ.

ترجمه: حضرت وائل بن حُجْر رضی الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول خدا صلی الله‌علیه‌وسلم را دیدم که هنگامی که نماز را شروع کردند (دست‌های مبارک را بالا برده) رفع یَدَین نمودند.(۲)

---

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۷۶/۲ حدیث ۳۸۲۱ كِتَابُ مَنَاسِكِ الْحَجِّ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ عِنْدَ رُؤْيَةِ الْبَيْتِ | قرة العینین برفع الیدین للبخاری: ص ۵۹ حدیث ۸۱ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۱۴/۱ حدیث ۲۴۵۰ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۳۸۵/۱۱ حدیث ۱۲۰۷۲ مِقْسَمُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۴۵۲/۱۱ حدیث ۱۲۲۸۲ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ | المعجم الأوسط للطبرانی: ۱۹۲/۲ حدیث ۱۶۸۸ من اسمه احمد | ادلّة الحنفية من الأحاديث النبوية للبهلوی: ص ۱۶۷ حدیث ۴۰۰ باب لایرفع یدیه الا فی تکبیرة الافتتاح | إعلاء السنن للتهانوی: ۸۰/۳ تا ۸۴ باب ترک رفع الیدین فی غیر الافتتاح

یادداشت: و مابقی در دوران حج می باشد. مترجم

(۲) سنن ابی داؤد: ۱۹۳/۱ حدیث ۷۲۸ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ | بذل المجهود فی حل ابی داؤد: ۶۰/۴ حدیث ۷۲۶

هنگام رفع یَدَیْن، کف دست‌ها به سوی قبله باشد:

﴿۱۸۲﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا اسْتَفْتَحَ أَحَدُكُمُ الصَّلَاةَ فَلْيَرْفَعْ يَدَيْهِ، وَلْيَسْتَقْبِلْ بِبَاطِنِهِمَا الْقِبْلَةَ، فَإِنَّ اللهَ أَمَامَهُ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه یکی از شما نماز را آغاز می‌کند، هر دو دست خود را بالا ببرد و کف دست‌ها را به سوی قبله قرار دهد، زیرا الله تعالی روبرویش است.[۱]

کیفیت رفع یَدَیْن ،انگشتان دست به حالت طبیعی خود باز باشند:

در هنگام رفع یَدَیْن (بلندکردن دست‌ها) در تکبیر تحریمه، انگشتان دست به حالت طبیعی خود باشند؛ نه کاملاً باز باشند و نه کاملاً بسته.

﴿۱۸۳﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ نَشَرَ أَصَابِعَهُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است: هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم تکبیر نماز را می‌گفتند، انگشتان دست‌های مبارک را (به حالت عادی) باز می‌گذاشتند.[۲]

---

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۱/۸ حدیث ۷۸۰۱ | السنن الکبری للبیهقی: ۴۲/۲ حدیث ۲۳۲۰ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ، بَابُ كَيْفِيَّةِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | مجمع الزوائد: ۱۰۲/۳ حدیث ۲۵۸۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي الصَّلَاةِ

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۲۳۹ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي نَشْرِ الْأَصَابِعِ عِنْدَ التَّكْبِيرِ | مسند البزار: ۱۱۵/۱۵ حدیث ۸۴۱۳ | صحیح ابن خزیمة: ۲۳۳/۱ حدیث ۴۵۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ نَشْرِ الْأَصَابِعِ عِنْدَ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي الصَّلَاةِ | السنن الکبری للبیهقی: ۴۲/۲ حدیث ۲۳۱۸ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ كَيْفِيَّةِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | معجم ابن المقرئ: ص ۱۹۷ حدیث ۶۱۲



در هنگام تکبیر تحریمه دست‌ها تا کجا بلند شود:

در هنگام گفتن تکبیر تحریمه، مردان دست‌ها را به گونه‌ای بالا ببرند که بند دست/مُچ‌های شان برابر با شانه‌ها قرار گیرد، شست‌ها برابر با نرمهٔ گوش‌ها باشد و سر انگشتان در برابر قسمت بالائی گوش‌ها قرار بگیرد.

﴿۱۸۴﴾ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنُ وَائِلٍ، عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ، رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَكَادَ إِبْهَامَاهُ تُحَاذِي شَحْمَةَ أُذُنَيْهِ.

ترجمه: عبد الجبار بن وائل از پدر خود (حضرت وائل بن حُجْر رضی الله عنه) روایت می‌کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را مشاهده کرد که چون نماز را شروع می‌نمودند رفع یَدَیْن (دست‌ها بلند) می‌فرمودند، به طوری که هر دو شصت مبارک در مقابل نرمه‌های گوش‌های مبارک قرار می گرفت.[۱]

﴿۱۸۵﴾ عَنْ مَالِكِ بْنِ الْحُوَيْرِثِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا كَبَّرَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِى بِهِمَا أُذُنَيْهِ.

وَ فِىْ رِوَايَةٍ: عَنْ مَالِكِ بْنِ الْحُوَيْرِثِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا فُرُوعَ أُذُنَيْهِ.

ترجمه: از حضرت مالک بن حُوَيْرِث رضی الله عنه روایت است: هنگامی که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم تکبیر (تحریمه) را می گفتند دست‌های مبارک خویش را برابر با گوش‌های مبارک بالا می‌بردند.[۲]

و در روایتی دیگر موجود است که حضرت مالک بن حُوَيْرِث رض می‌فرماید که من رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که دست‌های مبارک خویش را تا

(۱) سنن النسائی: حدیث ۸۸۲ كِتَابُ الِافْتِتَاحِ؛ بَابُ مَوْضِعِ الْإِبْهَامَيْنِ عِنْدَ الرَّفْعِ | سنن ابی داوٗد: حدیث ۷۳۷ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ | مصنَّف ابن ابی شیبة: ۲۱۱/۱ حدیث ۲۴۱۰ كِتَابُ الصَّلَوات؛ إِلَى أَيْنَ يَبْلُغُ بِيَدَيْهِ | ومثله فی إعلاء السنن للتهانوی: ۱۸۰/۲ تا ۱۸۴ باب افتراض التحریمة وسننها

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۳۹۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ حَذْوَ الْمَنْكِبَيْنِ مَعَ تَكْبِيرَةِ الْإِحْرَامِ | المحلی بالآثار لابن حزم: ۲۶۴/۲ تحت مسئلهٔ ۳۵



برابر با نرمهٔ گوش های مبارک خویش بالا می بردند.[۱]

﴿۱۸۶﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَطَاءٍ أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِي نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرْنَا صَلَاةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيُّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَا كُنْتُ أَحْفَظَكُمْ لِصَلَاةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ...

ترجمه: حضرت محمد بن عمرو بن عطاء رحمه‌الله می گوید: در جمعی از صحابهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشسته بودم. سخن از نماز پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وسلم به میان آمد. حضرت ابوحُمَید ساعدی رضی‌الله‌عنه فرمود: من از همهٔ شما به نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم آگاه‌ترم. من آنحضرت ﷺ را دیدم که هرگاه تکبیر می گفتند (بند/مُچ) دست‌های خود را برابرِ شانه‌های مبارک شان بالا می‌بردند.[۲]



طریقهٔ بستن دست‌ها

روش بستن دست‌ها برای مردان این است که کف دست راست را بر پشت دست چپ قرار دهند و با انگشت شست و انگشت کوچک، بند/مُچ دست چپ را بگیرند و سه انگشت دیگر را بر روی ساعد بگذارند، سپس دست‌ها را زیر ناف قرار دهند.

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۳۹۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ حَذْوَ الْمَنْكِبَيْنِ مَعَ تَكْبِيرَةِ الْإِحْرَامِ... | مسند ابی حنیفة بروایة الحصکفی: حدیث ۱۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ | مصنَّف ابن ابی شَیبة: ۲۱۱/۱ حدیث ۲۴۱۲ كِتَابُ الصَّلَوات؛ إِلَى أَيْنَ يَبْلُغُ بِيَدَيْهِ
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۸ کتاب الْأَذَانِ؛ بَابُ سُنَّةِ الْجُلُوسِ فِي التَّشَهُّدِ

در این شیوهٔ بستن دست‌ها چند نکته وجود دارد که توضیح هر یک در ادامه خواهد آمد.

قراردادن دست راست بر پشت دست چپ، بر روی بند دست و ساعد:

﴿۱۸۷﴾ حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ كُلَيْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، أَنَّ وَائِلَ بْنَ حُجْرٍ الْحَضْرَمِيَّ أَخْبَرَهُ قَالَ: لَأَنْظُرَنَّ إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ يُصَلِّي؟ فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ حِينَ قَامَ، فَكَبَّرَ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى حَاذَتَا أُذُنَيْهِ، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى ظَهْرِ كَفِّهِ الْيُسْرَى، وَالرُّسْغِ، وَالسَّاعِدِ.

ترجمه: عاصم بن كُلَيبؒ از پدر خود (كُلَيب الجَرمیؒ) روایت می‌کند که حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت فرمود که یک بار با خود گفتم باید ببینم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم چگونه نماز می‌خوانند. پس (در نماز) به سوی آنحضرتﷺ نگریستم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم چون برای نماز برخاستند، تکبیر گفتند و هر دو دست مبارک خویش را آنقدر بالا بردند که دستان ایشان برابر با گوش‌های مبارک قرار گرفت و سپس دست راست مبارک را بر بالای پشت دست، بند دست و ساعد دست چپ مبارک خویش قرار دادند.[1]

﴿۱۸۸﴾ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ النَّاسُ يُؤْمَرُونَ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ الْيَدَ الْيُمْنَى عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى فِي الصَّلَاةِ.

ترجمه: از حضرت سَهْل بن سَعْد رضی‌الله‌عنه روایت است که مردم (یعنی صحابهٔ کرام و تابعین) حکم می‌شدند که مردان در دوران نماز دست

(۱) صحیح ابن حبان: ۱۷۱/۵ حدیث ۱۸۶۰ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمُصَلِّي رَفْعُ الْيَدَيْنِ عِنْدَ إِرَادَتِهِ الرُّكُوعَ وَعِنْدَ رَفْعِ رَأْسِهِ مِنْهُ | سنن النسائی: حدیث ۸۸۹ كِتَابُ الِافْتِتَاحِ؛ بَابُ مَوْضِعِ الْيَمِينِ مِنَ الشِّمَالِ فِي الصَّلَاةِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۲۷ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹۰/۲ حدیث ۶۷۲ باب وضع اليدين تحت السرة وكيفيته

راست خود را بر روی دست چپ خود بگذارند.(۱)

گرفتن دست چپ با دست راست:

﴿۱۸۹﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّا مَعْشَرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُؤَخِّرَ سُحُورَنَا وَنُعَجِّلَ فِطْرَنَا وَأَنْ نُمْسِكَ بِأَيْمَانِنَا عَلَى شَمَائِلِنَا فِي صَلَاتِنَا.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌اللهعنهمَا روایت است که حضرت رسول‌الله صلی‌اللهعلیه‌وسلم فرمودند: ما مَعشر پیغمبران حکم یافته ایم که در سحری تاخیر کنیم و افطار را زود نمائیم، و در دوران نماز، دست چپ خویش را با دست راست خویش بگیریم.(۲)



﴿۱۹۰﴾ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ صَبْهَانَ سَمِعَ عَلِيًّا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ قَالَ: وَضْعُ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى تَحْتَ السُّرَّةِ.

ترجمه: از عُقْبَه بن صَبْهَانؒ روایت است که حضرت علی بن ابی طالب رضی‌اللهعنه دربارهٔ تفسیر آیهٔ ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ می‌فرمودند: (یک معنیِ آن این است که) در نماز، دست راست بر بالای دست چپ زیر ناف قرار داده

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۴۰ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ وَضْعِ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى فِي الصَّلَاةِ
(۲) صحیح ابن حبان: ۶۸/۵ حدیث ۱۷۷۰ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْءِ نَشْرُ الْأَصَابِعِ عِنْدَ التَّكْبِيرِ لِافْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۲۹۷/۴ حدیث ۴۲۴۹ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۷/۱۱ حدیث ۱۰۸۵۲



شود.[(۱)]

﴿۱۹۱﴾ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَ يَمِينَهُ عَلَى شِمَالِهِ فِي الصَّلَاةِ تَحْتَ السُّرَّةِ.

ترجمه: عَلْقَمَهٌ بنِ وَائِلِ بن حُجْر از پدر خود حضرت وائل بن حُجْر رضی الله عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را دیدم که دست راست مبارک خویش را بر روی دست چپ مبارک خویش در زیر ناف نهاده بودند.[(۲)]

﴿۱۹۲﴾ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ فِي الصَّلَاةِ وَضْعُ الْأَكُفِّ عَلَى الْأَكُفِّ تَحْتَ السُّرَّةِ.

ترجمه: از امیر المؤمنین حضرت علی رضی الله عنه روایت است که فرمودند: سنت در داخل نماز این است که دست (راست) بر بالای دست (چپ) در زیر ناف نهاده شود.[(۳)]

﴿۱۹۳﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: ثَلَاثٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ: تَعْجِيلُ الْإِفْطَارِ، وَتَأْخِيرُ السُّحُورِ، وَوَضْعُ الْكَفِّ عَلَى الْكَفِّ تَحْتَ السُّرَّةِ.

ترجمه: از امیر المؤمنین حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت

---

(۱) التمهید لابن عبد البر: ۱۶۴/۸ تحت العنوان: عبد الکریم بن ابی المخارق

(۲) مصنف ابن ابی شیبه: به تحقیق محمد عوامه: ۳۲۰/۳ حدیث ۳۹۵۹ كِتَابُ الصَّلَوات، وَضْعُ الْيَمِينِ عَلَى الشِّمَالِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹۷/۲ حدیث ۶۷۸ باب وضع الیدین تحت السرة وکیفیته | آثار السنن للنیموی: ص ۹۰ باب فی وضع الیدین تحت السرة | زجاجة المصابیح: ۲۳۲/۱ و ۲۳۳ كِتَابُ الصَّلَوة، بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ | (حاشية) فیض الباری علی صحیح البخاری للکشمیری: ۳۳۳/۲ کتاب الأذان؛ باب وضع الیمنی علی الیسري، چاپ دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۵ م | ادلّة الحنفيّة من الاحادیث النبويّة علی المسائل الفقهية للبهلوی: ص ۱۵۷ حدیث ۳۶۶ وضع یمینه علی شماله تحت سرّته

(۳) الاحادیث المختارة للمقدسی: ۳۸۷/۲ حدیث ۷۷۱ و ۷۷۲ وهب بن عبد الله أَبُو جُحَيْفَةَ السُّوَائِيُّ الصَّحَابِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام | مصنَّف ابن ابی شیبة: ۳۴۳/۱ حدیث ۳۹۴۵ كِتَابُ الصَّلَوات؛ وَضْعُ الْيَمِينِ عَلَى الشِّمَالِ | سنن ابی داؤد: ۲۰۱/۱ حدیث ۷۵۶ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ أَبْوَابُ تَفْرِيع اسْتِفْتَاح الصَّلَاةِ، بَابُ وَضْعِ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى فِي الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹۴/۲ حدیث ۶۷۷ باب وضع الیدین تحت السرة وکیفیته | آثار السنن مع التعلیق الحسن و تعلیق التعلیق: ص ۹۱ باب فی وضع الیدین تحت السرة



است که فرمودند: سه چیز از اخلاق پیامبران صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ است: زود افطار کردن، به تأخیر انداختن سحری، و قراردادن کف دستِ (راست) بر (پشتِ) کف دستِ (چپ) زیر ناف در نماز.(۱)

﴿۱۹۴﴾ عَن أَنَسٍ قَالَ: ثَلَاثٌ مِنْ اَخْلَاقِ النُّبُوَّةِ: تَعْجِيْلُ الْاِفْطَارِ وَ تَاخِيْرُ السُّحُوْرِ وَ وَضْعُ الْيَدِ الْيُمْنَي عَلَى الْيُسْرَي فِي الصَّلَاةِ تَحْتَ السُّرَّة.

ترجمه: حضرت انس رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: سه چیز از اخلاق نُبوَّت است. یکی زود افطار کردن، دوم دیر سحری خوردن، و سوم در نماز، دست راست را بالای دست چپ در زیر ناف نهادن.(۲)

﴿۱۹۵﴾ عَنْ أَبِی وَائِلٍ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ: أَخْذُ الْأَكُفِّ عَلَى الْأَكُفِّ فِي الصَّلَاةِ تَحْتَ السُّرَّةِ.

ترجمه: از حضرت ابو وائل (شقیق بن سلمه) رحمه‌الله روایت است که حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه فرمودند: در نماز، کف دست‌ها(ی راست) بر (پشتِ) کف دست‌ها(ی چپ) گرفته شود و زیر ناف قرار گیرد.(۳)

﴿۱۹۶﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ: أَنَّهُ كَانَ يَضَعُ يَدَهُ الْيُمْنَي عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَي تَحْتَ السُّرَّةِ.

ترجمه: از (تابعی بزرگوار) حضرت ابراهیم نَخَعی رحمه‌الله روایت است که ایشان دست راست خود را بر دست چپ گرفته زیر ناف قرار می‌داد.(۴)

---

(۱) مسند زید بن علی: ص۲۱۹ حدیث ۳۰۰ باب الافطار

(۲) الجوهر النقی فی الرد علی البیهقی: ۳۱/۲ و ۳۲ باب وضع الیدین علی الصدر في الصلوة | المحلی لابن حزم: ۳۰/۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ، مَسْأَلَةٌ لَا يُكَبِّر الْإِمَامُ حَتَّى يَسْتَوِيَ مَنْ وَرَاءَهُ | مختصر خلافیات بیهقی: ۳۴/۲ | آثار السنن للنیموی مع التعلیق الحسن و تعلیق التعلیق: ص ۹۱ باب فی وضع الیدین تحت السرة | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹۳/۲ حاشیه حدیث ۶۷۶ باب وضع الیدین تحت السرة وکیفیته

(۳) سنن ابی داؤد: ۱۱۷/۱ باب وضع الیمنیٰ علی الیسریٰ فی الصلاة – طبع مکتبهٔ امدادیهٔ ملتان | التمهید لابن عبد البر: ۱۶۴/۸ تحت العنوان: عبد الکریم بن ابی المخارق

(۴) کتاب الآثار بروایة الامام محمد: ۳۲۳/۱ حدیث ۱۲۱ باب الصلاة قاعدا والتعمد علی شیء او یصلی الی سترة | مصنف ابن ابی شیبة: ۳۲۲/۳ حدیث ۳۹۶۰ وَضْعُ الْيَمِيْنِ عَلَى الشِّمَالِ





﴿۱۹۷﴾ حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحَجَّاجُ بْنُ حَسَّانَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا مِجْلَزٍ أَوْ سَأَلْتُهُ قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أَصْنَعُ؟ قَالَ: يَضَعُ بَاطِنَ كَفِّ يَمِينِهِ عَلَى ظَهْرِ كَفِّ شِمَالِهِ وَيَجْعَلُهَا أَسْفَلَ مِنَ السُّرَّةِ.

ترجمه: حَجَّاج بن حَسَّان می‌گوید: من از (تابعی بزرگوار لاحق بن حمید بن سعید البصر) حضرت ابو مِجْلَز رحمه الله شنیدم، یا از او پرسیدم: (در حالت نماز بخاطر دست بستن) چه کنم؟ (یعنی نمازگذار در دوران نماز دست‌ها به چه صورت ببندد)؟ ایشان جواب دادند: (نمازگزار) طرف داخل کف دست راست خود را بر پشت دست چپ خود بگذارد و آنها را زیر ناف قرار دهد.(۱)



ثناء خواندن

﴿۱۹۸﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

ترجمه: از حضرت ابو سعید خُدری رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم چون نماز را شروع می نمودند سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ را می خواندند.(۲)

---

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۲۳/۳ حدیث ۳۹۶۳ وَضْعُ الْيَمِيْنِ عَلَى الشِّمَالِ

(۲) سنن النسائی: حدیث ۸۹۹ و ۹۰۰ كِتَابُ الاِفْتِتَاحِ؛ نَوْعٌ آخَرُ مِنَ الذِّكْرِ بَيْنَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ وَبَيْنَ الْقِرَاءَةِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۰۴ و حدیث ۸۰۶ عَنْ عَائِشَةَ، كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | سنن الترمذی: ۱۱/۲ و ۹ حدیث ۲۴۳ و حدیث ۲۴۲ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۷۶ و حدیث ۷۷۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ، بَابُ مَنْ رَأَى الِاسْتِفْتَاحَ بِسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ



ترجمهٔ ثناء: یا الهی! تو پاکیزه‌ای (از آنکه شریکی داشته باشی)، ترا حمد می‌گویم و نام تو با برکت است و شأن تو برتر از همه است و جز تو هیچ کسی سزاوار عبادت نیست.

﴿۱۹۹﴾ عَنْ عَبْدَةَ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، كَانَ يَجْهَرُ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، تَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

ترجمه: از حضرت عَبْدَه (ابن أبي لبابه) رحمه‌الله روایت است که امیر المؤمنین عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه این کلمات سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ... را با صدای بلند می‌گفتند.[۱]

جهراً خواندن ثناء توسط حضرت عمر بن الخطاب رضی‌الله‌عنه بخاطر تعلیم حاضرین بود. روش دائمی و همیشگی ایشان نبود.[۲]

ثناء خُفیه/آهسته خوانده شود:

﴿۲۰۰﴾ عَنْ إِبْرَاهِيْمَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: أَرْبَعٌ يُخَافِتُ بِهِنَّ الْإِمَامُ : سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، وَالتَّعَوُّذُ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَبِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ، وَآمِيْنَ.

ترجمه: حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله می‌فرماید: چهار چیز را امام خُفیه/آهسته می‌خواند:

۱- سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ،
۲- أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم،
۳- بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ،
۴- آمِيْنَ.[۳]

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۳۹۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ حُجَّةِ مَنْ قَالَ لَا يُجْهَرُ بِالْبَسْمَلَةِ
(۲) فتح القدير شرح الهداية لابن الهمام: ۲۹۸/۱ باب صفة الصلاة
(۳) كتاب الآثار للامام الاعظم أبی حنيفة: ۱۶۲ حديث ۸۳ بَابُ الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ا مصنف عبد الرزاق: ۸۷/۲ حديث ۲۵۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا يُخْفِي الْإِمَامُ





خواندن أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشّيْطَانِ الرَّجِيم:

﴿۲۰۱﴾ فرمان خداوندی است:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾.

ترجمه: هنگامی که قرآن را تلاوت کنی، از شر شیطان مردود به خداوند پناه بخواه. (یعنی أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بخوان).[۱]

﴿۲۰۲﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

ترجمه: از حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم قبل از قرائت، أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ می خواندند.[۲]

خواندن بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم:

﴿۲۰۳﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْتَتِحُ صَلَاتَهُ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهمَا روایت است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را با خواندن بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شروع می کردند.[۳]

---

(۱) سُورَةُ النَّحل: آیهٔ ۹۸
(۲) مصنف عبد الرزاق: ۸۶/۲ حديث ۲۵۸۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَتَى يَسْتَعِيذُ
(۳) جامع الترمذی: حديث ۲۴۵ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ رَأَى الجَهْرَ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

﴿۲۰۴﴾ عَنِ نافع عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ‌اللهُ‌عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَرَأَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

ترجمه: حضرت نافع رحمه‌الله روايت می‌كند كه حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا هنگامی كه نماز را شروع می‌كردند، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را می‌خواندند.[1]

اعوذ بالله و بسم الله با صدای خُفیه/آهسته خوانده شود:

﴿۲۰۵﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُسِرُّ بِـ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةِ، وَأَبُو بَكْرٍ، وَعُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا.

ترجمه: حضرت اَنَس بن مالک رضی‌الله‌عنه روايت می‌كند كه حضرت رسول الله صلی‌الله‌عليه‌وسلم، همچنين حضرت ابوبكر و حضرت عمر رضی‌الله‌عنهما، در نماز بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم را آهسته/خُفيه می‌خواندند.[2]

﴿۲۰۶﴾ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ، وَعُمَرَ، وَعُثْمَانَ، فَلَمْ أَسْمَعْ أَحَدًا مِنْهُمْ يَقْرَأُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

ترجمه: حضرت اَنَس رضی‌الله‌عنه می‌فرمايد: من همراه با حضرت رسول الله صلی‌الله‌عليه‌وسلم، حضرت ابوبكر صديق، حضرت عمر و حضرت عثمان رضی‌الله‌عنهمْ نماز خوانده‌ام، ليكن از هيچ كدام ايشان نشنيدم كه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را (با صدای بلند) بخوانند.[3]

﴿۲۰۷﴾ عَنْ أَبِي وَائِلٍ قَالَ: كَانَ عُمَرُ وَعَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا لَا يَجْهَرَانِ

(۱) مصنَّف ابن ابی شيبة: ۳۶۲/۱ حديث ۴۱۵۵ كِتَابُ الصَّلَوات، مَنْ كَانَ يَجْهَرُ بِهَا
(۲) صحيح ابن خزيمة: ۲۷۹/۱ حديث ۴۹۸
(۳) صحيح مسلم: حديث ۳۹۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ حُجَّةِ مَنْ قَالَ لَا يُجْهَرُ بِالْبَسْمَلَةِ



بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا بِالتَّعَوُّذِ وَلَا بِالتَّأْمِينِ.

ترجمه: از حضرت ابو وائل رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت عمر رضی‌الله‌عنه و حضرت علی رضی‌الله‌عنه؛ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و آمین را با صدای بلند نمی گفتند.[1]

﴿۲۰۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يُخْفِي بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالِاسْتِعَاذَةَ، وَرَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه؛ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، و رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ را با صدای خُفیه/آهسته می خواندند.[2]

﴿۲۰۹﴾ عَنْ إِبْرَاهِيْمَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: أَرْبَعٌ يُخَافِتُ بِهِنَّ الْإِمَامُ : سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، وَالتَّعَوُّذُ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَبِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ، وَ آمِيْنَ.

ترجمه: حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله می‌فرماید: چهار چیز را امام خُفیه/آهسته می خواند:

۱- سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ،

۲- أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم،

۳- بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ،

۴- آمِيْنَ.[3]

امام و منفرد، سورۀ دیگری را نیز همراه سورۀ فاتحه بخوانند:

﴿۲۱۰﴾ عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ، يَبْلُغُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۰۳/۱ حدیث ۱۲۰۸ بَابُ قِرَاءَةِ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةَ
(۲) مصنَّف ابن ابی شیبة: ۳۶۰/۱ حدیث ۴۱۳۷ كِتَابُ الصَّلَوات؛ مَنْ كَانَ لاَ يَجْهَرُ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ | مصنَّف ابن ابی شیبة: ۲۶۸/۲ حدیث ۸۸۵۳ كِتَابُ الصَّلَوات؛ مَا يُسْتَحَبُّ أَنْ يُخْفِيَهُ الْإِمَامُ
(۳) كتاب الآثار للامام الاعظم أبی حنيفة: ۱۶۲ حدیث ۸۳ بَابُ الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ | مصنف عبد الرزاق: ۸۷/۲ حدیث ۲۵۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا يُخْفِي الْإِمَامُ



صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَصَاعِدًا. قَالَ سُفْيَانُ: لِمَنْ يُصَلِّي وَحْدَهُ.

ترجمه: حضرت عُباده بن صامت رضی‌الله‌عنه از رسول کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت می کند که آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی سورۀ فاتحه و بیشتر از آن (یعنی سورۀ دیگری) را نخوانَد، نمازش درست نیست.

راوی این حدیث حضرت سفیان رحمه‌الله می فرماید: این حکم برای آن شخص است که منفردانه نماز می خواند.[۱]

﴿۲۱۱﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:... وَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِالحَمْدِ وَسُورَةٍ، فِي فَرِيضَةٍ أَوْ غَيْرِهَا.

ترجمه: حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی در نماز فرض یا غیر آن (سنت و نفل و غیره)، سورۀ فاتحه و سورۀ دیگری را نخواند، نمازش درست نیست.[۲]

بعد از سورۀ فاتحه، خواندن بسم الله قبل از سوره:

﴿۲۱۲﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُسِرُّ بِـبِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةِ، وَأَبُو بَكْرٍ، وَعُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا.

ترجمه: حضرت اَنَس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، همچنین حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی‌الله‌عنهما، در نماز بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم را آهسته می خواندند.[۳]

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۸۲۲ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ، بَابُ مَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ فِي صَلَاتِهِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ... | سنن النسائی: ۱۳۷/۲ حدیث ۹۱۱ كِتَابُ الِافْتِتَاحِ؛ إِيجَابُ قِرَاءَةِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ فِي الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۳۶/۲ حدیث ۷۱۳ باب بيان فرضية القراءة وقدرها

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۲۳۸ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي تَحْرِيمِ الصَّلَاةِ وَتَحْلِيلِهَا | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۳۹ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ

(۳) صحیح ابن خزیمة: ۲۷۹/۱ حدیث ۴۹۸



﴿۲۱۳﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضی‌الله‌عنهما أَنَّهُ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَرَأَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْحَمْدِ قَرَأَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا هنگامی که نماز را شروع می‌کردند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می‌خواندند و چون از خواندن سورۀ فاتحه فارغ می‌شدند، باز بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می خواندند.[۱]



در وقت قرائت

خاموش بودن و قرائت نکردن مقتدیان در پشت سر امام:

﴿۲۱۴﴾ حکم خداوندی است:

﴿إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

ترجمه: هنگامی که قرآن (توسط امام) خوانده شود، شما با دقت به آن گوش بدهید و خاموش باشید، شاید بر شما رحمت گردد.[۲]

امام ابو محمد عبد الرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادریس بن المنذر حنظلی رازی رحمه‌الله (متوفّی۳۲۷ ه.ق) در تفسیر آیۀ هذا این روایت را نقل می‌کند:

﴿۲۱۵﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ الْقُرَظِيِّ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ أَجَابَهُ مَنْ وَرَاءَهُ، إِذَا قَالَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَالُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، حَتَّى تَنْقَضِيَ الْفَاتِحَةُ وَالسُّورَةُ، فَلَبِثَ مَا شَاءَ اللهُ

(۱) مصنَّف ابن ابی شیبة: ۳۶۲/۱ حدیث ۴۱۵۵ كِتَابُ الصَّلَوات، مَنْ كَانَ يَجْهَرُ بِهَا
(۲) سُورَةُ الْأَعرَاف: آيۀ ۲۰۴



أَنْ يَلْبَثَ ثُمَّ نَزَلَتْ ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾، فَقَرَأَ وَأَنْصِتُوا.

ترجمه: حضرت محمد بن كَعْب قُرَظِي رحمه الله می‌فرماید: (در ابتدای اسلام) هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در دوران نماز قرائت می کردند، مقتدیان نیز در پشت سر آنحضرت ﷺ قرائت می‌نمودند، چنانچه اگر آنحضرت بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می‌گفتند مقتدیان نیز همان را قرائت می‌کردند حتی‌که مقتدیان سورهٔ فاتحه و سورهٔ دیگر را نیز (کاملاً) تکرار می کردند. این صورت حال تا آن زمان که خواستِ خداوند بود باقی ماند و سپس آیت قرآن مجید نازل شد: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾، (هنگامی که قرآن خوانده شود، شما با دقت به آن گوش بدهید و خاموش باشید). از آن پس رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرائت می‌نمودند و صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم خاموش می‌بودند.(۱)

﴿۲۱۶﴾ امام ابوبکر احمد بن الحسين بن علی بن موسیٰ بیهقی رحمه الله (متوفّی ۴۵۸ هـ.ق) این روایت را نقل می‌کند:

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ، فَقَرَأَ أَصْحَابُهُ وَرَاءَهُ فَخَلَطُوا عَلَيْهِ، فَنَزَلَ: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا﴾ فَهٰذِهِ فِي الْمَكْتُوبَةِ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز قرائت می‌کردند، صحابه رضی‌الله‌عنهم نیز پشت سر ایشان شروع به قرائت کردند و این امر موجب اختلاط در قرائت آنحضرت شد. در این هنگام آیهٔ شریف نازل گردید: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ

(۱) تفسير ابن ابي حاتم: ۱۶۴۵/۵ حديث ۸۷۲۴ تحت قَوْلُهُ تَعَالَى: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وأنصتوا | زجاجة المصابيح: ۲۴۱/۱ باب القراءة في الصلوة



وَأَنْصِتُوا﴾. حضرت ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: این حکم دربارۀ نمازِ فرض (با جماعت) است.[1]

علامه تقی الدین ابو العباس احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیَّهٔ حَرَّانی حنبلی (ت ۷۲۸ هـ.ق) رحمه الله شأن نزول این آیتِ سورۀ أعراف را نماز دانسته می‌نویسد:

وَقَوْلُ الْجُمْهُورِ هُوَ الصَّحِيحُ فَإِنَّ اللهَ سُبْحَانَهُ قَالَ: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾. قَالَ أَحْمَدُ: أَجْمَعَ النَّاسُ عَلَى أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي الصَّلَاةِ.

ترجمه: قول جمهور اُمت (براینکه مقتدی در پشت سر امام خاموش باشد و چیزی نخواند و به قرائت امام گوش بدهد) صحیح است، زیرا خداوند پاک می‌فرماید: «چون قرآن خوانده شود، شما با دقت به آن گوش بدهید و خاموش باشید». و امام احمد بن حنبل رحمه‌الله می گوید: مفسرین بر این امر اجماع دارند که این آیت دربارۀ نماز نازل گردیده است. (یعنی در نماز جماعت، چون امام قرائت کند، مقتدیان خاموش باشند).[2]

﴿۲۱۷﴾ عَنْ حِطَّانَ بْنِ عَبْدِ اللهِ الرَّقَاشِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ صَلَاةً... فَقَالَ أَبُو مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَمَا تَعْلَمُونَ كَيْفَ تَقُولُونَ فِي صَلَاتِكُمْ؟ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَنَا فَبَيَّنَ لَنَا سُنَّتَنَا وَعَلَّمَنَا صَلَاتَنَا، فَقَالَ: إِذَا صَلَّيْتُمْ فَأَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ ثُمَّ لْيَؤُمَّكُمْ أَحَدُكُمْ، فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا، وَإِذْ قَالَ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ فَقُولُوا: آمِينَ.

ترجمه: از حِطّان بن عبدالله رَقاشی رحمه‌الله روایت است که من همراه با

(۱) کتاب القراءة للبیهقی: ص ۱۰۹ حدیث ۲۵۵
(۲) الفتاوی الکبری لابن تیمیة: ۱۳۴/۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ فَصْلٌ الصَّوْمُ وَالْفِطْرُ لِلْمُسَافِرِ فِي رَمَضَانَ | مجموع الفتاوی لابن تیمیة: ۲۹۵/۲۲ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ



حضرت ابوموسی اشعری رضی‌الله‌عنه نماز خواندم ... ایشان (پس از نماز) فرمودند: آیا نمی‌دانید در نماز خود چه بگوئید؟ (سپس ایشان طریقهٔ آن را خود بیان کردند که) همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم ما را خطبه دادند، و در آن سنت‌های ما را بیان کردند و نماز مان را به ما آموختند. آنحضرت ﷺ فرمودند: هرگاه نماز می‌خوانید، صف‌های خود را مرتب کنید، سپس یکی از شما امامت کند. هنگامی که او تکبیر گفت، شما نیز تکبیر بگوئید؛ و هنگامی که قرائت کرد شما خاموش بمانید؛[1] و وقتی او (آخرین آیت سورهٔ فاتحه را) غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ خواند، شما بگوئید: آمین.[2]

﴿۲۱۸﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا، وَإِذَا قَالَ: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، فَقُولُوا: آمِينَ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: امام را به آن خاطر امام گردانیده‌اند تا از او پیروی کنند، پس هنگامی که امام تکبیر بگوید، شما نیز تکبیر بگوئید، و هنگامی که امام قرائت کند، شما خاموش باشید، و هنگامی که امام غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ گفت، شما آمین بگوئید.[3]

﴿۲۱۹﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

---

(۱) امام مُسْلِم بن الحجاج رحمه‌الله (متوفای ۲۶۱هـ) در این روایت، از طریق سلیمان التیمی زیادتِ «وَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا» را روایت کرده است. امام مُسْلِم رحمه‌الله می‌فرماید: «وَفِي حَدِيثِ جَرِيرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ عَنْ قَتَادَةَ مِنَ الزِّيَادَةِ: وَإِذَا قَرَأَ فَأَنْصِتُوا». (صحیح مسلم، زیر حدیث ۴۰۴) سلیمان تیمی ثقه اسـت و زیادتِ راوی ثقه پذیرفته می‌شود؛ بنابراین ما الفاظ این طریق را نیز نقل کرده‌ایم. مولف

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۴۰۴ کتاب الصلاة؛ بَاب التَّشَهُّدِ فِي الصَّلَاةِ

(۳) سنن ابن ماجه: حدیث ۸۴۶ و حدیث ۸۴۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا، بَابُ إِذَا قَرَأَ الْإِمَامُ فَأَنْصِتُوا | سنن النسائي: حدیث ۹۲۱ و ۱۴۲/۲ حدیث ۹۲۲ كِتَابُ الِافْتِتَاحِ؛ تَأْوِيلُ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ | صحیح مسلم: حدیث ۴۰۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّشَهُّدِ فِي الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۶۴/۴ حدیث ۱۰۴۷ باب النهی عن القراءة خلف الامام



وَسَلَّمَ: كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِأُمِّ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَاجٌ، إِلَّا صَلَاةً خَلْفَ إِمَامٍ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره ﷺ روایت است که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر نمازی که در آن سورۀ فاتحه خوانده نشود، ناقص است؛ مگر نمازی که پشت سر امام خوانده شود.(۱)

﴿۲۲۰﴾ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَجُلًا قَرَأَ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الظُّهْرِ أَوِ الْعَصْرِ، قَالَ: قَالَ: فَأَوْمَأَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَنَهَاهُ فَأَبَى، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: أَتَنْهَانِي أَنْ أَقْرَأَ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَتَذَاكَرْنَا ذٰلِكَ حَتَّى سَمِعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى خَلْفَ إِمَامٍ، فَإِنَّ قِرَاءَةَ الْإِمَامِ لَهُ قِرَاءَةٌ.

ترجمه: حضرت جابر بن عبد الله ﷺ روایت می‌کند که شخصی در نماز ظهر یا عصر در پشت سر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرائت کرد، شخص دیگری او را به اشاره از قرائت منع نمود، لیکن شخص اولی اباء ورزید، هنگامی که نماز به پایان رسید، شخص اول به منع‌کننده گفت؛ مرا از قرائت در پشت سر نبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم منع می‌کنی؟ ما در این گفتگو بودیم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم سخنان ما را شنیدند و آنحضرت ﷺ فرمودند: هرکسی در پشت سر امام نماز بخواند، قرائت امام، قرائت او نیز می‌باشد.(۲)

﴿۲۲۱﴾ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كَانَ لَهُ إِمَامٌ فَقِرَاءَةُ الْإِمَامِ لَهُ قِرَاءَةٌ.

ترجمه: حضرت از جابر بن عبدالله رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرکس امامی داشته باشد (و پشت سر او

(۱) كتاب القراءة للبيهقي: ص۱۹۵ حديث ۴۲۸

(۲) كتاب الآثار لابي حنيفة برواية ابي يوسف: ۲۳و۲۴ حديث ۱۱۳ بَابُ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوي: ۷۱/۴ حديث ۱۰۵۱ باب النهي عن القراءة خلف الامام

نماز بخواند)، قرائت امام، قرائت او نیز محسوب می‌شود.[1]

﴿۲۲۲﴾ عَنْ أَبِي وَائِلٍ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلٰى عَبْدِ اللهِ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ! أَأَقْرَأُ خَلْفَ الْإِمَامِ؟ قَالَ: أَنْصِتْ لِلْقُرْآنِ، فَإِنَّ فِي الصَّلَاةِ شُغْلًا، وَسَيَكْفِيكَ ذٰلِكَ الْإِمَامُ.

ترجمه: از ابو وائل (شقیق بن سَلَمَه) رحمه‌الله روایت است که مردی نزد حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه آمد و گفت: ای ابو عبدُالرحمن![2] آیا پشت سر امام قرائت کنم؟ ایشان فرمودند: هنگام قرائت قرآن خاموش باش؛ زیرا در نماز، خودِ نماز مشغولیت است، و در این (قرائت) امام برای تو کافی است.[3]

مقصود این است که در نماز، نمازگزار خود از پیش به اعمال و اذکار متعددی مشغول است؛ مانند قیام، رکوع، سجده و دیگر تسبیحات و غیره. بنابراین نیازی نیست که اضافه بر این‌ها پشت سر امام قرآن نیز بخواند؛ بلکه در مسئلهٔ قرائت، همان قرائت امام برای او کافی است.

﴿۲۲۳﴾ عَنْ نَافِعٍ أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، كَانَ إِذَا سُئِلَ: هَلْ يَقْرَأُ أَحَدٌ خَلْفَ الْإِمَامِ؟ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ خَلْفَ الْإِمَامِ فَحَسْبُهُ قِرَاءَةُ الْإِمَامِ، وَإِذَا صَلَّى وَحْدَهُ فَلْيَقْرَأْ، قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ لَا يَقْرَأُ خَلْفَ الْإِمَامِ.

---

(۱) إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة للبوصيري الكناني الشافعي: ۸۰/۲ حديث ۱۰۷۵ كتاب الإمامة؛ بَابُ تَرْكِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ | إتحاف الخيرة المهرة للبوصيري: ۱۶۸/۲ حديث ۱۲۶۴ و ۱۶۹/۲ حديث ۱۲۶۵ كتاب الإمامة؛ بَابُ تَرْكِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ | إعلاء السنن للتهانوى: ۸۱/۴ حديث ۱۰۵۳ باب النهى عن القراءة خلف الامام | آثار السنن للنيموى: ص ۱۱۳ باب فى ترک القراءة خلف الامام فى الصلوات كلها | ادلّة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوى: ص ۱۸۰ حديث ۴۴۴ باب ترک القراءة خلف الامام فى الصلوات كلها

(۲) کنیت حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه است.

(۳) موطا امام مالک: ص ۹۶ حدیث ۲۵۱ باب وُقُوتُ الصَّلَاةِ؛ مَا جَاءَ فِي تركِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ | شرح معانى الآثار للطحاوى: ۲۲۱/۱ حديث ۱۳۱۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ | مصنف عبد الرزاق: ۱۳۹/۲ حديث ۲۸۱۲ و ۱۴۰/۲ حديث ۲۸۱۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ | إعلاء السنن للتهانوى: ۸۷/۴ حديث ۱۰۵۸ باب النهى عن القراءة خلف الامام



ترجمه: از نافع (مولی ابن عمر) رحمه‌الله روایت است که هرگاه از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما سوال می‌شد که آیا کسی که پشت سر امام نماز می‌خواند قرائت کند؟ ایشان می‌فرمودند: هرگاه یکی از شما پشت سر امام نماز بخواند، قرائت امام برای او کافی است؛ و اگر به تنهائی نماز می‌خواند، باید خود قرائت کند.

نافع رحمه‌الله می‌گوید: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما خود نیز پشت سر امام قرائت نمی‌کرد.(۱)



چون امام والضالِّین گفت، امام و مقتدیان آمین بگویند:

﴿۲۲۴﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وسلم قَالَ: إِذَا قَالَ الإِمَامُ (وَفِي رِوَايَةٍ: إِذَا قَالَ الْقَارِئُ) غَيْرِ المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ، فَقُولُوا: آمِينَ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چون امام غَيْرِ المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ گفت، شما آمین بگوئید.(۲)

(۱) المؤطا للامام مالک: ص ۶۸ حدیث ۲۲۸ باب ترک القراءة خلف الامام فیما جهر فیه | مصنف عبد الرزاق: ۹۱/۲ حدیث ۲۸۱۷ و ۲۸۱۸ باب القراءة خلف الامام | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۶۰/۱ باب القراءة خلف الامام

(۲) صحيح البخاري: حديث ۷۸۲ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ جَهْرِ المَأْمُومِ بِالتَّأْمِينِ | صحیح البخاری: حدیث ۴۴۷۵ كِتَابُ تَفْسِيرِ القُرْآنِ؛ بَابُ غَيْرِ المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ | صحیح مسلم: حدیث ۴۱۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّسْمِيعِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّأْمِينِ

﴿۲۲۵﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ: أَنَّ رسولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا أَمَّنَ الإِمَامُ، فَأَمِّنُوا.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌اللّٰه‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌اللّٰه‌علیه‌وسلم فرمودند: هنگامی که امام (وَلاَ الضَّالِّينَ را خوانده خواست) آمین بگوید، شما نیز آمین بگوئید.(۱)

در پایان قرائت سورهٔ فاتحه، امام آمین می‌گوید، و مقتدیان نیز اگر قرائت را می‌شنوند، آنان نیز آمین بگویند.

امام، مقتدی و منفرد، آمین را خُفیه/آهسته بگویند:

آمین دو جنبه دارد.

۱- آمین دعا است.

۲- آمین اسمی از أسمای الٰهی است.

در هر دو صورت بایست آن را آهسته/خُفیه گفت.

آمین دعا است:

﴿۲۲۶﴾ ﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

خداوند فرمود: دعای شما دو (حضرت موسیٰ و حضرت هارون علیهما السلام) پذیرفته شد؛ پس ثابت قدم باشید و از راه کسانی که نمی‌دانند پیروی نکنید.(۲)

علامه جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی رحمه‌اللّٰه

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۸۰ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ جَهْرِ المَأْمُومِ بِالتَّأْمِينِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۱۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّسْمِيعِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّأْمِينِ

(۲) سورهٔ یونس: آیهٔ ۸۹

(متوفای ۹۱۱ه.ق) در تفسیر این آیه روایتی نقل می‌کند.

﴿۲۲۷﴾ وَأَخْرَجَ أَبُو الشَّيْخِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَعَا أَمَّنَ هَارُونُ عَلَى دُعَائِهِ يَقُولُ: آمِينَ.

ترجمه: ابوالشیخ (ابومحمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان انصاری) رحمه‌الله از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت کرده است که ایشان فرمود: هرگاه حضرت موسی علیه‌السلام دعا می‌کردند، حضرت هارون علیه‌السلام بر دعای ایشان آمین می‌گفتند.(۱)

با وجود اینکه فقط حضرت موسی علیه‌السلام دعا می‌کردند و حضرت هارون علیه‌السلام برآن تنها آمین می‌گفتند خداوند تعبیرِ «دَعْوَتُكُمَا» (دعای شما دو نفر) را به کار برد و فرمود دعای هر دوی شما را پذیرفتیم. از اینجا ثابت می‌گردد که «آمین» دعا است.

﴿۲۲۸﴾ قَالَ الْإِمَامُ أَبُو عَبْدِ اللهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبُخَارِيُّ رَحِمَهُ اللهُ: وَقَالَ عَطَاءٌ: آمِينَ دُعَاءٌ.

ترجمه: امام ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری رحمه‌الله می‌فرماید که حضرت عطاء (بن ابی رَباح مکی) رحمه‌الله فرمودند: آمین دعا است.(۲)

اصل در دعا این است که آهسته/خُفیه باشد:

﴿۲۲۹﴾ ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾

ترجمه: پروردگار خود را با زاری و خُفیه بخوانید (یعنی با صدای آهسته دعا بخواهید).(۳)

علامه علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی معروف به خازن

(۱) تفسیر الدر المنثور للسیوطی: ۵۶۷/۳ تحت قوله تعالیٰ (قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَّعْوَتُكُمَا)
(۲) صحیح البخاری: تحت بَاب جَهْرِ الْإِمَامِ بِالتَّأْمِيْنِ
(۳) سورة الاعراف: آیة ۵۵

رحمه‌الله (متوفّی ۷٤۱هـ.ق) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

وَالْأَدَبُ فِي الدُّعَاءِ أَنْ يَكُونَ خَفِيًّا لِهٰذِهِ الآيَةِ.

ترجمه: بر اساس این آیه، ادب در دعاخواستن آن است که به صورت آهسته/خُفیه انجام شود.[۱]

آمین اسم خدای تعالی است:

﴿۲۳۰﴾ عَنْ أَبِيْ عَبْدِ اللهِ... قَالَ: وَسَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: آمِيْنُ اسْمٌ مِّنْ أَسْمَاءِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ.

ترجمه: از امام ابوعبد الله (دینار القَرَّاظ الخزاعی المدنی) رحمه‌الله روایت است که من از حضرت ابوهریره رضی الله عنه شنیدم که فرمودند: «آمین» نامی از نام‌های خداوند عَزَّ وَجَلَّ است.[۲]

﴿۲۳۱﴾ عَنْ هِلَالِ بْنِ يِسَافٍ، قَالَ: آمِيْنَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللهِ تَعَالىٰ.

ترجمه: هِلال بن یِساف رحمه‌الله می‌فرماید: «آمین» نامی از نام‌های خداوند تعالی است.[۳]

به همین ترتیب، روایت‌هائی مشابه از امام حکیم بن جابر و امام مجاهد رحمهما‌الله نیز مَروی است.[۴]

اصل در ذکر نام الله این است که آهسته/خُفیه باشد:

﴿۲۳۲﴾ ﴿وَاذْكُرْ رَّبَّكَ فِيْ نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَّ خِيْفَةً وَّدُوْنَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ﴾

ترجمه: پروردگارت را (صبح و شام) ذکر کن، در دل خود نیز، و با تواضع

---

(۱) تفسیر الخازن: ۱۰۳/۲ تحت قوله تعالیٰ (اُدْعُوْا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّ خُفْيَةً)
(۲) مصنف عبد الرزاق: ۶۴/۲ حدیث ۲۶۵۳ باب آمین
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۱۴/۵ حدیث ۸۰۵۴ مَا ذَكَرُوْا فِي آمِيْنَ وَمَنْ كَانَ يَقُوْلُهَا
(۴) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۱۴/۵ حدیث ۸۰۵۶ و حدیث ۸۰۵۷ مَا ذَكَرُوْا فِي آمِيْنَ وَمَنْ كَانَ يَقُوْلُهَا

وترس نیز، و بدون آنکه صدایت را بلند کنی.[1]

حافظ عمادالدین ابو الفداء اسماعیل بن خطیب ابی حفص عمر بن کثیر دمشقی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ٧٧٤هـ.ق) در تفسیر این آیه می‌نویسد:

وَهٰكَذَا يُسْتَحَبُّ أَنْ يَكُوْنَ الذِّكْرُ خَفِيًّا لَا يَكُوْنَ نِدَاءً وَجَهْرًا بَلِيْغًا.

ترجمه: همچنین مستحب است که ذکر آهسته/خفیه باشد؛ نه به شکل فریاد و نه با صدای بلند و رسا.[2]



امام فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسین رازی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ٦٠٦ هـ) آهسته/خفیه گفتن آمین را ترجیح داده‌است و این موقف امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله را تأیید کرده‌است. ایشان می‌نویسد:

قَالَ أَبُوْ حَنِيْفَةَ رَحِمَهُ اللهُ: إِخْفَاءُ التَّأْمِيْنِ أَفْضَلُ. وَقَالَ الشَّافِعِيُّ رَحِمَهُ اللهُ: إِعْلَانُهُ أَفْضَلُ، وَاحْتَجَّ أَبُوْ حَنِيْفَةَ عَلٰى صِحَّةِ قَوْلِه، قَالَ: فِي قَوْلِه: آمِيْنَ وَجْهَانِ: أَحَدُهُمَا: أَنَّهُ دُعَاءٌ، وَالثَّانِي: أَنَّهُ مِنْ أَسْمَاءِ اللهِ، فَإِنْ كَانَ دُعَاءً وَجَبَ إِخْفَاؤُهُ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّ خُفْيَةً﴾، وَإِنْ كَانَ اسْمًا مِنْ أَسْمَاءِ اللهِ تَعَالَى وَجَبَ إِخْفَاؤُهُ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِى نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَّ خِيْفَةً﴾، فَإِنْ لَمْ يَثْبُتِ الْوُجُوبُ فَلَا أَقَلَّ مِنَ النَّدْبِيَّةِ، وَنَحْنُ بِهٰذَا الْقَوْلِ نَقُوْلُ.

ترجمه: امام ابو حنیفه رحمه‌الله فرمودند که گفتن آمین به آهستگی افضل است، و امام شافعی رحمه‌الله فرمودند که گفتن آن با صدای بلند افضل است. امام ابو حنیفه رحمه‌الله برای اثبات صحت نظر خود دلیل آوردند که آمین دو وجهه دارد: یکی اینکه دعا است و دیگری اینکه از اسامی خداوند است. اگر

(١) سورة الاعراف: آیۀ ٢٠٥

(٢) تفسیر ابن کثیر: ٧٨/٢ تحت قوله تعالیٰ (وَ اذْكُرْ رَّبَّكَ فِىْ نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَّ خِيْفَةً)



دعا باشد، پس گفتن آن به آهستگی لازم است، زیرا خداوند فرموده: ﴿اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّ خُفْيَةً﴾ پروردگار خود را با عاجزی و خُفیه ذکر کن؛ و اگر از اسامی خداوند باشد بازهم گفتن آن به آهستگی لازم است، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَّخِيْفَةً﴾؛ پروردگار خود را در دل خود با تضرع و ترس ذکر کن. پس اگر وجوب از این آیات ثابت نشود، دست‌کم مُسَلَّم است که این کار حتماً مستحب است، و ما نیز همین نظر را اختیار کرده‌ایم.(۱)



﴿۲۳۳﴾ عَنْ وَائِلِ بن حُجْر رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ، قال: أَنَّهُ صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا قَرَأَ غَيرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ قَالَ: آمِينَ، خَفَضَ بِهَا صَوْتَهُ.

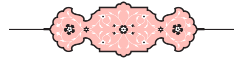
ترجمه: حضرت وائل بن حُجْر رضی الله عنه روایت می‌کند: من به همراه رسول اکرم نماز خواندم و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم چون غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ را خواندند، با صدای خُفیه آمین گفتند.(۲)

﴿۲۳۴﴾ عَنِ الْحَسَنِ أَنَّ سَمُرَةَ بْنُ جُنْدُبٍ وَعِمْرَانَ بْنُ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا تَذَاكَرَا فَحَدَّثَ سَمُرَةُ بْنُ جُنْدُبٍ أَنَّهُ حَفِظَ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَكْتَتَيْنِ: سَكْتَةً إِذَا كَبَّرَ وَسَكْتَةً إِذَا فَرَغَ مِنْ قِرَاءَةِ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ﴾.

(۱) التفسير الكبير للرازی: ۱۰۷/۱۴ تحت قوله تعالىٰ (اُدْعُوْا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّ خُفْيَةً)
(۲) المستدرک للحاکم: ۲۵۳/۲ حدیث ۲۹۱۳ كِتَابُ التَّفْسِيرِ؛ مِنْ كِتَابِ قِرَاءَاتِ النَّبِيِّ... | مسند ابی داؤد الطيالسی: ۳۶۰/۲ حدیث ۱۱۱۷ وَحَدِيثُ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه وآله | مسند احمد: ۱۳۸/۳۱ حدیث ۱۸۸۴۳ و۱۴۶/۳۱ حدیث ۱۸۸۵۴ | المعجم الكبير للطبرانی: ۹/۲۲ حدیث ۳ و ۴۳/۲۲ حدیث ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۴۵/۲۲ حدیث ۱۱۲ أَبُو الْعَنْبَسِ، عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ | زجاجة المصابيح: ۲۵۸/۱ باب القراءة فی الصلوة | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۵۱/۲ حدیث ۷۲۹ بابٌ سنية التأمين والإخفاء بها | آثار السنن للنيموی: ص ۱۲۴ حدیث ۳۸۴ باب ترک الجهر بالتامين | ادلّة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوی: ص ۱۶۲ حدیث ۳۸۳ باب يؤمن الامام والماموم سرّاً



ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه‌الله روایت کرده‌است که حضرت سَمُرَه بن جُنْدُب و حضرت عِمران بن حُصَین رضی‌الله‌عنهما با همدیگر گفتگو می‌کردند. حضرت سَمُرَه بن جُنْدُب رضی‌الله‌عنه بیان نمود که او از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دو سکتهٔ نماز را به حافظه سپرده است: یکی سکتهٔ هنگام گفتن تکبیر (تحریمه) و دیگری سکتهٔ هنگام پایان قرائت ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ﴾.[1]



سکته: یعنی پائین آوردن صدا. سکتهٔ اولِ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای خواندن ثنا و دومین سکتهٔ ایشان برای گفتن «آمین» بود.

از عنوان قبلی «چون امام والضالّین گفت امام و مقتدیان آمین بگویند»، این نکته ثابت است که بعد از آیهٔ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ﴾ آمین گفته می‌شود، و حدیث فوق نشان می‌دهد که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در همانجا سکته کرده اند یعنی صدای مبارک را پائین آورده‌اند.

بنابراین با جمع این دو دلیل، واضح می‌شود که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از آیهٔ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ﴾آمین را با صدای آهسته/خفی می‌گفتند.



﴿۲۳۵﴾ عَنْ أَبِي وَائِلٍ قَالَ: كَانَ عُمَرُ وَعَلِيٌّ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا لَايَجْهَرَانِ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا بِالتَّعَوُّذِ وَلَا بِالتَّأْمِينِ.

ترجمه: از حضرت ابو وائل رحمه‌الله روایت است که حضرت عمر رضی‌الله‌عنه و حضرت علی رضی‌الله‌عنه؛ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ

---

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۷۷۹ باب السکتة عند الافتتاح

بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و آمین را با صدای بلند نمی‌گفتند.[1]

﴿۲۳۶﴾ عَنْ أَبِيْ وَائِلٍ قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ وَابْنُ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا لَا يَجْهَرَانِ بِـ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَلَا بِالتَّعَوُّذِ وَلَا بِآمِيْنَ.

ترجمه: حضرت ابو وائل (شَقیق بن سلمه) رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت علی و حضرت ابن مسعود رضی‌الله عنهما؛ بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، تعوُّذ و «آمین» را با صدای بلند نمی‌گفتند.[2]

﴿۲۳۷﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: خَمْسٌ يُخْفِينَّ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَالتَّعَوُّذُ، وَبِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، وَآمِينَ، وَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ.

ترجمه: از حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه الله روایت است که پنج چیز با صدای خُفیه گفته می‌شود:

۱- سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ،

۲- أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ،

۳- بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ،

۴- آمین،

۵- و اللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ.[3]

---

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۰۳/۱ حدیث ۱۲۰۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ قِرَاءَةِ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۵۰/۲ حدیث ۷۲۸ باب سنية التأمين والإخفاء بها | زجاجة المصابيح: ۲۵۸/۱ و ۲۵۹ باب القراءة فی الصلوة | آثار السنن للنیموی: ص ۱۲۴ حدیث ۳۸۵ باب ترک الجهر بالتأمين

(۲) المعجم الكبير للطبرانی: ۵۶۶/۴ و ۵۶۷ حدیث ۹۲۰۱ | المحلی بالآثار لابن حزم: ۲۸۰/۲ رقم المسئلة ۳۶۳

(۳) مصنف عبد الرزاق: ۸۷/۲ حدیث ۲۵۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يُخْفِي الْإِمَامُ | مصنف ابن ابی شيبة: ۲۶۷/۲ حدیث ۸۸۴۹ كِتَابُ الصَّلَوات؛ مَا يُسْتَحَبُّ أَنْ يُخْفِيَهُ الْإِمَامُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۴۷/۲ حدیث ۷۲۴ باب سنية التأمين والإخفاء بها | آثار السنن للنیموی: ص ۱۲۶ حدیث ۳۸۶ باب ترک الجهر بالتأمين | ادلّة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوی: ص ۱۶۳ حدیث ۳۸۴ باب يؤمن الامام والماموم سرّاً





رکوع کردن:

﴿۲۳۸﴾ فرمان خداوندی است:

﴿وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾.

ترجمه: رکوع کنید به همراه رکوع کنندگان.(۱)

﴿۲۳۹﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَدَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ... قَالَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم وارد مسجد شدند، در آن هنگام شخص دیگری هم وارد مسجد شده نماز خواند و پس از نماز به خدمت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و سلام کرد. نبی اکرم صلی الله علیه وسلم جواب سلام او را دادند... (و چونکه آن شخص نماز را به طریقهٔ درست ادا نکرده بود، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله طریقهٔ نماز را به او آموخته) فرمودند: هنگامی که برای نماز برخاستی، نخست تکبیر بگو، باز هر قدری از قرآن که برایت آسان بود بخوان، باز به اطمینان رکوع بکن.(۲)

---

(۱) سُورَةُ البَقَرَة: آيهٔ ۴۳

(۲) صحيح البخارى: حديث ۷۹۳ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ أَمْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي لَا يُتِمُّ رُكُوعَهُ بِالإِعَادَةِ | صحيح مسلم: حديث ۳۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ، وَإِنَّهُ إِذَا لَمْ يُحْسِنْ الْفَاتِحَةَ وَلَا أَمْكَنَهُ تَعَلُّمَهَا قَرَأَ مَا تَيَسَّرَ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا

تکبیرگویان رفتن به رکوع:

﴿۲۴۰﴾ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْكَعُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم چون برای نماز برمی خاستند، برای قیام تکبیر می‌گفتند، و سپس هنگامی که به رکوع می‌رفتند باز تکبیر می‌گفتند.[1]

کیفیت رکوع:

مردان در رکوع با انگشتان باز زانوهای شان را می‌گیرند، آرنج‌های خود را از پهلوها جدا نگه می‌دارند و پشت خود را راست و صاف نگه می‌دارند تا سر و پشت شان در یک امتداد قرار گیرد، و سر خود را نه بالامی‌برند و نه پائین می‌آورند، بلکه در موازات پشت قرار می‌دهند.

﴿۲۴۱﴾ از حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به وی فرمودند:

يَا بُنَيَّ، إِذَا رَكَعْتَ فَضَعْ كَفَّيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ، وَفَرِّجْ بَيْنَ أَصَابِعَكَ، وَارْفَعْ يَدَيْكَ عَنْ جَنْبَيْكَ.

ترجمه: ای فرزند! چون به رکوع رفتی، هر دو کف دستت را بر روی زانو هایت نهاده بین انگشتان دست‌هایت فاصله بگذار و بازوهایت را از پهلو هایت دور نگهدار.[2]

﴿۲۴۲﴾ حَدَّثَنَا عَبَّاسُ بْنُ سَهْلٍ (بْنِ سَعْدٍ)، قَالَ: اجْتَمَعَ أَبُو حُمَيْدٍ، وَأَبُو

---

(۱) صحیح البخاري: حدیث ۷۸۹ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ إِذَا قَامَ مِنَ السُّجُودِ | صحیح البخاری: حدیث ۸۰۳ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابٌ: يَهْوِي بِالتَّكْبِيرِ حِينَ يَسْجُدُ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ إِثْبَاتِ التَّكْبِيرِ فِي كُلِّ خَفْضٍ ...

(۲) المعجم الأوسط للطبرانی: ۱۲۳/۶ حدیث ۵۹۹۱ | المعجم الصغیر للطبرانی: ۱۰۰/۱ حدیث ۸۵۶

أُسَيْدٍ، وَسَهْلُ بْنُ سَعْدٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ مَسْلَمَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمْ، فَذَكَرُوْا صَلَاةَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ أَبُوْ حُمَيْدٍ: أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِصَلَاةِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. إِنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكَعَ، فَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلٰى رُكْبَتَيْهِ كَأَنَّهُ قَابِضٌ عَلَيْهِمَا، وَوَتَّرَ يَدَيْهِ، فَنَحَّاهُمَا عَنْ جَنْبَيْهِ.

ترجمه: عباس رحمه الله بن سهل (بن سعد) می‌گوید: حضرت ابوحُمَید، ابو اُسَید، سهل بن سعد و محمد بن مسلمه رضی‌الله‌عنهم با هم گرد آمدند و دربارهٔ نماز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شروع به گفتگو کردند. حضرت ابو حُمَیْد رضی‌الله‌عنه فرمود: من از همهٔ شما بیشتر دربارهٔ نماز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آگاهی دارم. هنگامی‌که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم رکوع می‌کردند، هر دو دست مبارک خود را بر زانوهای خویش چنان می گذاشتند، گویا محکم آنها را گرفته‌اند، و هر دو بازوی مبارک خویش را راست نموده از پهلوهای مبارک دور نگه می‌داشتند.(۱)

﴿۲۴۳﴾ وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عُمَرَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: فَإِذَا رَكَعْتَ فَضَعْ رَاحَتَيْكَ عَلٰى رُكْبَتَيْكَ، ثُمَّ فَرِّجْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ، ثُمَّ امْكُثْ حَتّٰى يَأْخُذَ كُلُّ عُضْوٍ مَأْخَذَهُ.

ترجمه: و در روایت حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا وارد است که آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هنگامی‌که به رکوع رفتی، کف دست‌های خود را بر روی زانوهایت قرار بده، سپس میان انگشتانت فاصله بگذار، و آنگاه آن اندازه وقت در رکوع باش که هر عضو بر جایگاه خود قرار گیرد.(۲)

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۲۶۰ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ أَنَّهُ يُجَافِي يَدَيْهِ عَنْ جَنْبَيْهِ فِي الرُّكُوعِ ا صحیح ابن حبان: ۱۸۸/۵ حدیث ۱۸۷۱ ذِكْرُ الْبَيَانِ بِأَنَّ عَلَى الْمُصَلِّي رَفْعَ الْيَدَيْنِ...
(۲) صحیح ابن حبان: ۲۰۵/۵ حدیث ۱۸۸۷ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ وَصْفِ بَعْضِ السُّجُودِ وَالرُّكُوعِ لِلْمُصَلِّي فِي صَلَاتِهِ

تسبیح رکوع:

﴿۲۴۴﴾ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ: ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾، قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ، فَلَمَّا نَزَلَتْ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾، قَالَ: إجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ.

ترجمه: از حضرت عُقْبَه بن عامر رضی‌الله‌عنه روایت است؛ زمانی که آیهٔ ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ نازل شد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: آن را (سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ را) در رکوع خود قرار بدهید. و هنگامی که آیهٔ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ نازل شد، آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: آن را (سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى را) در سجدهٔ خود قرار بدهید.[۱]

﴿۲۴۵﴾ عَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ، وَفِي سُجُودِهِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى.

ترجمه: از حضرت حُذَيْفَه رضی‌الله‌عنه روایت است که من به همراه نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز خواندم، آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله در رکوع سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ می گفتند، و در سجده سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى.[۲]

تعداد تسبیح رکوع:

﴿۲۴۶﴾ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ، فَقَالَ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ، وَذَلِكَ أَدْنَاهُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۸۶۹ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ الرَّجُلُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۸۷ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ | مسند احمد: ۶۳۰/۲۸ حدیث ۱۷۴۱۴ | صحیح ابن حبان: ۲۲۵/۵ حدیث ۱۸۹۸

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۲۶۲ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۸۷۱ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ مَا يَقُولُ الرَّجُلُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی از شما رکوع کند و در رکوع سه بار سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ بگوید، رکوعش کامل می‌باشد، و این کمترین مقدار آن است.[1]

امام تسمیع بگوید و مقتدی تحمید:

﴿۲۴۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا قَالَ الإِمَامُ: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: اللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه امام سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفت، شما اللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ بگوئید.[2]

منفرد هم تسمیع را بگوید و هم تحمید را:

﴿۲۴۸﴾ عَنِ ابْنِ شِهَابٍ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُوْ بَكْرِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ الْحَارِثِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يُكَبِّرُ حِيْنَ يَقُوْمُ ثُمَّ يُكَبِّرُ حِيْنَ يَرْكَعُ ثُمَّ يَقُوْلُ: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ حِيْنَ يَرْفَعُ صُلْبَهُ مِنَ الرُّكُوْعِ ثُمَّ يَقُوْلُ وَهُوَ قَائِمٌ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ.

ترجمه: از ابن شهاب زُهری رحمه‌الله روایت است که ابوبکر بن عبد الرحمٰن بن حارث‌رح به من بیان کرد که من از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۲۶۱ أَبْوَابُ الصَّلَاَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۹۰ كِتَاب الصَّلَاَةِ؛ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاَةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا، بَابُ التَّسْبِيح فِي الرُّكُوع وَ السُّجُودِ | وكذا من فعله ﷺ عن أبی بكرة فی مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار: ۱۳۳/۹ حديث ۳۶۸۶ مُسْنَدُ أَبِي بَكْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ | وكذا من فعله ﷺ عن حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ فی سنن ابن ماجه: حديث ۸۸۸ كِتَاب الصَّلَاَةِ؛ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاَةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا، بَابُ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۴/۳ حديث ۷۵۰ باب وجوب الإعتدال والطمأنينة

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۹۶ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ فَضْلِ اللهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ | صحیح مسلم: حدیث ۴۰۹ كِتَابُ الصَّلَاَةِ؛ بَابُ التَّسْمِيعِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّأْمِينِ

شنیدم که هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای نماز می ایستادند، در قیام تکبیر می‌گفتند. سپس در هنگام رفتن به رکوع، تکبیر می‌گفتند، و هنگامی که از رکوع بر می‌خاستند سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ می‌گفتند و چون باز راست ایستاده می‌شدند رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ می‌گفتند.[1]

قومه (ایستادن بعد از رکوع):

۲۴۹- عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَدَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ ... قَالَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه وسلم وارد مسجد شدند، در آن هنگام شخص دیگری هم وارد مسجد شده نماز خواند و پس از نماز به خدمت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمد و سلام کرد. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم جواب سلام او را دادند...(و چونکه آن شخص نماز را به طریقهٔ درست ادا نکرده بود، حضرت رسول اقدس صلی‌الله‌علیه‌وسلم طریقهٔ نماز را به او آموخته) فرمودند: هنگامی که برای نماز برخاستی، نخست تکبیر بگو، باز هر قدری از قرآن که برایت آسان بود بخوان، باز به اطمینان رکوع بکن، سپس از رکوع برخیز و به اطمینان ایستاده شو.[2]

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۸۹ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ إِذَا قَامَ مِنَ السُّجُودِ | صحیح البخاری: حدیث ۸۰۳ كِتَابُ الأَذَانِ، بَابٌ: يَهْوِي بِالتَّكْبِيرِ حِينَ يَسْجُدُ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ إِثْبَاتِ التَّكْبِيرِ فِي كُلِّ خَفْضٍ...

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۹۳ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ أَمْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي لَا يُتِمُّ رُكُوعَهُ بِالإِعَادَةِ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ...

کیفیت قومه:

﴿۲۵۰﴾ وَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: رَفَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأْسَهُ وَاسْتَوَى حَتَّى يَعُودَ كُلُّ فَقَارٍ مَكَانَهُ.

ترجمه: حضرت ابو حُمَيْد ساعدی رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از رکوع سر بلند نمودند و راست ایستاده شدند چنانکه هر استخوان بر جایش قرار گرفت.(۱)

﴿۲۵۱﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ... وَكَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوْعِ لَمْ يَسْجُدْ حَتّٰى يَسْتَوِيَ قَائِمًا.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشهٔ صدیقه رضی‌الله‌عنها نماز رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را ذکر نموده می‌فرماید: آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله چون از رکوع سر بر می‌داشتند تا آن وقت که درست ایستاده نمی‌شدند به سجده نمی رفتند.(۲)

دعای (اختیاری) قومه:

﴿۲۵۲﴾ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرَقِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ قَالَ: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ: رَبَّنَا وَلَكَ الحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ. فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: مَنِ الْمُتَكَلِّمُ؟ قَالَ: أَنَا، قَالَ: رَأَيْتُ بِضْعَةً وَثَلَاثِيْنَ مَلَكًا يَبْتَدِرُوْنَهَا أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ.

ترجمه: حضرت رِفاعه بن رافع زُرَقی رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که ما روزی در پشت سر حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز می خواندیم.

---

(۱) صحیح البخاری: کِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ الطُّمَأْنِينَةِ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ | صحیح البخاری: حدیث ۸۲۸ كِتَابُ الأَذَانِ، بَابُ سُنَّةِ الجُلُوسِ فِي التَّشَهُّدِ

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۴۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَجْمَعُ صِفَةَ الصَّلَاةِ وَمَا يُفْتَتَحُ بِهِ وَيُخْتَمُ بِهِ...



هنگامی که آنحضرت از رکوع سر برداشتند «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» گفتند. یک نفر دیگر که به اقتدای آنحضرت ﷺ نماز می‌خواند آنگاه گفت: رَبَّنَا وَلَكَ الحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ.(۱) وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را تمام کردند، پرسیدند: این کلمات را چه کسی گفت؟ آن شخص جواب داد: من بودم. آنحضرت ﷺ فرمودند: من بیش از سی فرشته را دیدم که برای نوشتن این کلمات از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.(۲)



این واقعه نشان می‌دهد که گفتن این کلمات در قومه یک عادت همیشگی نبوده است، وگرنه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم سوال نمی‌فرمودند: مَنِ الْمُتَكَلِّمُ؟ (این کلمات را چه کسی گفت؟). با این حال، چون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از این عمل نهی نکردند بلکه تحسین فرمودند، پس اگر مقتدی بعد از گفتن رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ آنقدر وقت بیابد تا این کلمات را بخواند و نگرانی عقب ماندن از امام را نداشته نباشد، در این صورت می‌تواند آن را بخواند؛ در غیر آن نخواند.

اما امام چونکه در سایر احادیث به خفیف خواندن نماز امر شده است، این کلمات را نخواند. البته کسی که منفرد/تنهائی نماز می‌خواند، می‌تواند این کلمات را بخواند.

---

(۱) ترجمه: پروردگار ما! تمام حمد و ثناها مخصوص تو است، حمد و ثناهای بسیار پاکیزه و بابرکت.

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۹۹ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ فَضْلِ اللهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الحَمْدُ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۷۰ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا يُسْتَفْتَحُ بِهِ الصَّلَاةُ مِنَ الدُّعَاءِ





در هنگام رفتن به رکوع و بعد رکوع، رفع یَدَین نیست:

رفع یَدَیْن یعنی بالا بردن/بلندکردن دست‌ها.

﴿۲۵۳﴾ فرمان خداوندی است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

ترجمه: به یقین رستگار شدند مومنان، آنانی که در نماز خویش «خاشع» اند.[1]

﴿۲۵۴﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: ﴿الَّذِيْنَ هُمْ فِیْ صَلَاتِهِمْ خٰشِعُوْنَ﴾ مُخْبِتُوْنَ مُتَوَاضِعُوْنَ لَا يَلْتَفِتُوْنَ يَمِيْنًا وَلَا شِمَالًا وَلَا يَرْفَعُوْنَ أَيْدِيَهُمْ فِي الصَّلَاةِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عباس رضی‌اللهعنهما در تفسیر این آیت می فرماید: «خاشعان»؛ آن کسانی اند که در نماز با عاجزی و شکستگی می ایستند و به راست و چپ التفات نمی‌کنند و در داخل نماز رفع یَدَین نمی نمایند.[2]

امام حسن بصری رحمه‌الله در تفسیر آیت مذکور شریف می‌فرماید:

﴿۲۵۵﴾ خَاشِعُوْنَ الَّذِيْنَ لَا يَرْفَعُوْنَ أَيْدِيَهُمْ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا فِي التَّكْبِيْرَةِ الْأُوْلٰى.

ترجمه: خاشعان آنانی اند که جز تکبیر تحریمه در هیچ جائی در داخل نماز رفع یَدَین نمی کنند.[3]

---

(۱) سورة المؤمنون: آیهٔ ۱ و ۲

(۲) تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس لعبد الله بن عباس رضی الله عنهما (المتوفی: ۶۸هـ.ق): ص ۲۸۴

(۳) تفسیر السمرقندی مسمّٰی به بحر العلوم: ۲/ ۴۷۳ چاپ دار الفکر بیروت، ۱۴۳۲ هـ.ق

﴿۲۵۶﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِصَلَاةِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: فَقَامَ فَرَفَعَ يَدَيْهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ لَمْ يُعِدْ.

ترجمه: حضرت عبد الله (بن مسعود) رضی‌الله‌عنه می‌فرمایند: آیا شما را از نماز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آگاه نسازم؟ آنگاه ایشان قیام کردند، و در بار اول (در وقت تکبیر تحریمه) رفع یدین کردند و پس از آن (در سراسر نماز) دیگر رفع یَدَین نکردند.(۱)

﴿۲۵۷﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: أَلَا أُصَلِّي بِكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَصَلَّى فَلَمْ يَرْفَعْ يَدَيْهِ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: آیا نماز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را برایتان نخوانم؟ راوی می‌گوید: آنگاه حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه ایستاده شد و بجز یکبار در آغاز نماز، دیگر در سراسر نماز رفع یَدَین نکرد.(۲)

﴿۲۵۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُما فَلَمْ يَرْفَعُوا أَيْدِيَهُمْ إِلَّا عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: من با حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم، حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر فاروق

---

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۰۲۷ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۴۸ | جامع الترمذی: حدیث ۲۵۷

(۲) سنن النسائي: حديث ۱۰۵۸ كِتَابُ الِافْتِتَاحِ؛ الرُّخْصَةُ فِي تَرْكِ ذَلِكَ (اي رَفْع الْيَدَيْن عند الرُّكُوع) | سنن النسائی: حديث ۱۰۲۶ كِتَابُ الِافْتِتَاحِ؛ تَرْكُ ذَلِكَ (اي رَفْعِ الْيَدَيْنِ لِلرُّكُوعِ) | جامع الترمذی: حديث ۲۵۷ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الرُّكُوعِ | سنن ابی داؤد: حديث ۷۴۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ، أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ، بَابُ مَنْ لَمْ يَذْكُرِ الرَّفْعَ عِنْدَ الرُّكُوعِ | مسند احمد: ۲۰۳/۶ حديث ۳۶۸۱ و ۲۶۰/۷ حديث ۴۲۱۱ مُسْنَدُ الْمُكْثِرِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ، مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۱۳/۱ حديث ۲۴۴۱ كِتَابُ الصَّلَوَاتِ؛ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَايَعُودُ | مسند ابي يعلي الموصلي: ۴۵۳/۸ حديث ۵۰۴۰ مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ | إعلاء السنن للتهانوی: ۶۱/۳ حديث ۸۱۴ باب ترک رفع اليدين فی غير الافتتاح | زجاجة المصابيح: ۲۲۸/۱ باب صفة الصلاة | معارف السنن للبنّوری: ۴۷۷/۲ تا ۴۸۶ تحقيق حديث ابن مسعود فی ترک الرفع | ادلّة الحنفية من الاحاديث النبوية على المسائل الفقهية للبهلوی: ص ۱۶۶ حديث ۳۹۶ لايرفع يديه الا فی تكبيرة الافتتاح

رضی‌الله عنهما نماز خوانده‌ام، همهٔ ایشان جز در شروع نماز (در هیچ جای دیگر نماز) رفع یَدَین نمی کردند.[۱]

﴿۲۵۹﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ كَبَّرَ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ.

وَفِيْ رَوَايَةٍ: عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ الصَّلٰوةِ ثُمَّ لَا يَعُودُ.

ترجمه: از حضرت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم چون برای نماز می ایستادند، تکبیر می گفتند و (بند) دست‌های مبارک خویش را برابر با شانه های مبارک قرار می دادند.[۲]

ترجمه: و در روایت دیگری از حضرت امیر المؤمنین علی رضی‌الله‌عنه آمده است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فقط در شروع نماز رفع یَدَین می کردند و در سایر جاهای داخل نماز، رفع یدین نمی کردند.[۳]

(۱) مسند ابي يعلي الموصلي: ۴۵۳/۸ حديث ۵۰۳۹ مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ | معجم اسامي شيوخ ابي بكر الاسماعيلي: ۶۹۲/۲ حديث ۳۱۸ حَرْفُ الْعَيْنِ | سنن الدارقطني: ۵۲/۲ حديث ۱۱۳۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ ذِكْرِ التَّكْبِيرِ وَرَفْعِ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الِافْتِتَاحِ وَالرُّكُوعِ وَالرَّفْعِ مِنْهُ وَقَدْرِ ذَلِكَ وَاخْتِلَافِ الرِّوَايَاتِ | مختصر خلافيات البيهقي: ۷۸/۲ | السنن الكبرى للبيهقى: ۱۱۴/۲ حديث ۲۵۳۴ بَابُ مَنْ لَمْ يَذْكُرِ الرَّفْعَ إِلَّا عِنْدَ الِافْتِتَاحِ | معرفة السنن والآثار للبيهقي: ۴۲۴/۲ حديث ۳۲۸۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ مَنْ قَالَ: لَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا عِنْدَ الِافْتِتَاحِ | إعلاء السنن للتهانوي: ۶۷/۳ حديث ۸۲۱ باب ترك رفع اليدين في غير الافتتاح | زجاجة المصابيح: ۲۳۰/۲ باب صفة الصلاة | التجريد للقدورى: ۵۱۸/۲ مسألة ۱۱۵ لاترفع اليدين فى تكبير الركوع

(۲) مصنف عبد الرزاق: ۷۹/۲ حديث ۲۵۶۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ | العلل للدارقطني: ۱۰۶/۴ سؤال ۴۵۷ | وموقوفاً فى موطا محمد: ۵۹/۱ حديث ۱۰۹ باب افتتاح الصلاة | شرح معاني الآثار: ۲۲۵/۱ حديث ۱۳۵۳ بَابُ التَّكْبِيرِ لِلرُّكُوعِ وَالتَّكْبِيرِ لِلسُّجُودِ وَالرَّفْعِ مِنَ الرُّكُوعِ هَلْ مَعَ ذَلِكَ رَفْعٌ أَمْ لَا | مصنف ابن ابى شيبه: ۲۱۳/۱ حديث ۲۴۴۲ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ | إعلاء السنن للتهانوى: ۶۳/۳ حديث ۸۱۷ باب ترك رفع اليدين فى غير الافتتاح | آثار السنن للنيموى: ص ۱۳۷ حديث ۴۰۴ باب ترك رفع اليدين فى غير الافتتاح

(۳) مصنف عبد الرزاق: ۷۹/۲ حديث ۲۵۶۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ | وموقوفاً فى موطا محمد: ۵۹/۱ حديث ۱۰۹ باب افتتاح الصلاة | شرح معانى الآثار: ۲۲۵/۱ حديث ۱۳۵۳ بَابُ التَّكْبِيرِ لِلرُّكُوعِ وَالتَّكْبِيرِ لِلسُّجُودِ... | مصنف ابن ابى شيبه: ۲۱۳/۱ حديث ۲۴۴۲ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ | إعلاء السنن للتهانوى: ۶۳/۳ حديث ۸۱۷ باب ترك رفع اليدين فى غير الافتتاح | آثار السنن للنيموى: ص ۱۳۷ حديث ۴۰۴ باب ترك رفع اليدين فى غير الافتتاح



﴿۲۶۰﴾ عَنْ رَوْحِ بْنِ أَبِي الْحَرْشِ، سَمِعْتُ أَبَا حَنِيْفَةَ، يَقُوْلُ الشَّعْبِيُّ يَقُوْلُ: سَمِعْتُ الْبَرَاءَ بْنَ عَازِبٍ رَضِىَ اللّٰهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتّٰى يُحَاذِىَ مَنْكِبَيْهِ، لَا يَعُوْدُ يَرْفَعُهُمَا حَتّٰى يُسَلِّمَ مِنْ صَلَاتِه.

ترجمه: از رَوْح بن ابی الحَرْش روایت است که من از امام ابوحنیفه رحمه‌الله شنیدم که می‌فرمود: امام شعبی رحمه‌الله می‌گفت: من از حضرت بَراء بن عازِب رضی‌الله‌عنه شنیدم که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آغاز نماز رفع یَدَین می‌کردند، (بند) دست‌های مبارک خویش را برابرِ شانه‌های مبارک خویش بالا می‌بردند و آنگاه تا از نماز سلام نمی‌گردانیدند، دیگر رفع یَدَین نمی‌کردند.[1]

﴿۲۶۱﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَطَاءٍ أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِيْ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرْنَا صَلَاةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيُّ: أَنَا كُنْتُ أَحْفَظَكُمْ لِصَلَاةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ وَإِذَا رَكَعَ أَمْكَنَ يَدَيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ ثُمَّ هَصَرَ ظَهْرَهُ فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ اسْتَوٰى حَتّٰى يَعُوْدَ كُلُّ فَقَارٍ مَكَانَهُ فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَ يَدَيْهِ غَيْرَ مُفْتَرِشٍ وَلَا قَابِضِهِمَا وَاسْتَقْبَلَ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ الْقِبْلَةَ. الحديث.

ترجمه: حضرت محمد بن عمرو بن عطاء رحمه‌الله می‌گوید: در جمعی از صحابهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشسته بودم. سخن از نماز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به میان آمد. حضرت ابوحُمَید ساعدی رضی‌الله‌عنه

(۱) مسند ابی حنیفه بروایة ابی نعیم: ص۱۵۶ حدیث ۲۳۵ | سنن ابي داؤد: ۲۰۰/۱ حدیث ۷۵۲ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ لَمْ يَذْكُرِ الرَّفْعَ عِنْدَ الرُّكُوعِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۱۳/۱ حدیث ۲۴۴۰ كِتَابُ الصَّلَوَاتِ؛ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۲۴/۱ حدیث ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ و۱۳۴۸ | المدونة الکبری: ۱۷۷/۱ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي الرُّكُوعِ وَالْإِحْرَامِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۸۵/۳ حدیث ۸۲۷ باب ترک رفع الیدین فی غیر الافتتاح | معارف السنن للبنوری: ۲/ ۴۸۹ تا ۴۹۳ حدیث البراء فی ترک الرفع ...



فرمود: من از همۀ شما به نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم آگاه‌ترم؛ من آنحضرت ﷺ را دیدم که هرگاه تکبیر می‌گفتند (بند/مُچ) دست‌های خود را برابرِ شانه‌های مبارک شان بالا می‌بردند و هنگامی‌که به رکوع می‌رفتند، دستان مبارک را محکم بر زانوهای خویش قرار می‌دادند، سپس پشت خود را صاف وراست می‌کردند؛ ووقتی سر از رکوع بر می‌داشتند، کاملاً راست می‌ایستادند تا هر مهره‌ای به جای خود قرار گیرد؛ و هنگامی که سجده می‌کردند، دستان خود را نه کاملاً می‌گستردند و نه به هم می‌چسباندند، و انگشتان پاهای شان را رو به قبله قرار می‌دادند.(۱)

در این حدیث تنها از رفع یَدَین در تکبیر تحریمه یاد شده است و از رفع یَدَین در سایر جاها هیچ ذکری به میان نیامده است؛ اگر رفع یَدَین در دیگر مواضع نیز ضروری می‌بود، صحابی رسول حتماً آن را نیز بیان می‌کرد.



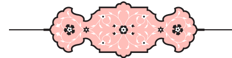
﴿۲۶۲﴾ عَنْ تَمِیْمِ بْنِ طَرَفَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: خَرَجَ عَلَیْنَا رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: مَا لِيْ أَرَاكُمْ رَافِعِي أَيْدِيْكُمْ كَأَنَّهَا أَذْنَابُ خَيْلٍ شُمْسٍ، اسْكُنُوْا فِي الصَّلَاةِ.

ترجمه: تمیم بن طَرَفَه از حضرت جابر بن سَمُرَه رضی‌الله‌عنه روایت می کند که: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم (در مسجد) نزد ما آمدند و فرمودند: چرا شما را می‌بینم که دست‌های خود را بالا می‌برید (رفع یَدَین می کنید)، گویا که دُم‌های اسب‌های سرکش است؟ در نماز آرامش و سکون داشته باشید.(۲)

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۸ کتاب الأذان؛ بَابُ سُنَّةِ الْجُلُوسِ فِي التَّشَهُّدِ | صحیح ابن خزیمة: ۳۴۷/۱ حدیث ۶۴۳
(۲) صحیح مسلم: حدیث ۴۳۰ کتاب الصلاة؛ بَاب الأَمْرِ بِالسُّكُونِ فِي الصَّلَاةِ

﴿۲۶۳﴾ عَن سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ وَبَعْدَ مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فَلَا يَرْفَعُ، وَلَا بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت سالم بن عبد الله از پدر بزرگوار خویش حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می کند که من حضرت رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم را دیدم که در آغاز نماز رفع یَدَین می‌کردند (و درآن بندِ) دست های مبارک را برابر با شانه‌های مبارک قرار می‌دادند، و در هنگام رفتن به رکوع و سر برداشتن از رکوع، و همچنین در بین دو سجده رفع یدین نمی کردند.(۱)



خود حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما نیز در داخل نماز رفع یَدَین نمی‌کرد، چنانکه در حدیثی با سندی مطابق شروط صحیح مُسلِم موجود است:

﴿۲۶۴﴾ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ، عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ كَانَ لَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ حِينَ يَقُومُ فِي الرَّكْعَةِ وَفِي الثَّالِثَةِ حِينَ يَرْفَعُ مِنَ السُّجُودِ. ۞

ترجمه: که فقیه بزرگوار مدینه حضرت سالمؒ فرزند حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می کند که پدر بزرگوارش حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما هنگام رکوع در داخل نماز و هنگام برخاستن از سجده در رکعت سوم رفع یَدَین نمی کرد.(۲)

﴿۲۶۵﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ نَرْفَعُ اَيْدِيْنَا فِيْ بَدْءِ الصَّلَاةِ وَفِي دَاخِلِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرُّكُوْعِ، فَلَمَّا هَاجَرَ

(۱) مسند الحمیدی: ۵۱۵/۱ حدیث ۶۲۶ أَحَادِيثُ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ | مسند یبی عوانة: ۴۲۳/۱ حدیث ۱۵۷۲ و حدیث ۱۵۷۳ و حدیث ۱۵۷۴ و حدیث ۱۵۷۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَيَانُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قَبْلَ التَّكْبِيرِ بِحِذَاءِ مَنْكِبَيْهِ

(۲) كتاب: حديث إسماعيل بن جعفر المدني لإسماعيل بن جعفر بن أبي كثير الأنصاري الزرقي (ت ۱۸۰ هـ.ق): ص ۲۵۹ حدیث ۳۳۰ چاپ مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، الرياض، عربستان

النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْمَدِيْنَةِ تَرَكَ رَفْعَ الْيَدَيْنِ فِي دَاخِلِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرُّكُوْعِ وَ ثَبَتَ عَلَى رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي بَدْءِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا روایت است که می فرمود: ما (قبل از هجرت) با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم هنگامی که در مکه بودیم در آغاز نماز و در داخل نماز در وقت رکوع رفع یَدَین می‌کردیم، و چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به مدینهٔ مُنوَّره تشریف بردند، رفع یَدَین در داخل نماز در وقت رکوع را ترک نمودند و فقط رفع یَدَین در هنگام آغاز نماز را باقی گذاشتند.[1]

﴿۲۶۶﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ ثُمَّ لَا يَعُوْدُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آغاز نماز رفع یَدَین می‌کردند، سپس دیگر رفع یَدَین را (در هیچ جای نماز) تکرار نمی‌کردند.[2]

﴿۲۶۷﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي يَحْيٰى قَالَ: صَلَّيْتُ إِلٰى جَنْبِ عَبَّادِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ الزُّبَيْرِ، قَالَ: فَجَعَلْتُ أَرْفَعُ يَدَيَّ فِي كُلِّ رَفْعٍ وَوَضْعٍ، قَالَ: وَصَلَّيْنَا الصَّلَاةَ، قَالَ: يَا ابْنَ أَخِي! رَأَيْتُكَ تَرْفَعُ فِي كُلِّ رَفْعٍ وَوَضْعٍ، وَإِنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ الصَّلَاةِ، ثُمَّ لَمْ يَرْفَعْهُمَا فِي شَيْءٍ حَتّٰى فَرَغَ.

ترجمه: محمد بن ابی یحییٰ روایت می‌کند که من در کنار عَبَّاد بن عبد الله بن زبیر رحمه‌الله نماز خواندم و در هر بالا و پائین شدن رفع یَدَین کردم. پس از نماز، او به من گفت: ای برادرزاده! ترا دیدم که در هر بالا و پایین رفتن

---

(۱) اخبار الفقهاء والمحدثین: از محمد بن الحارث الخشنی القیروانی (المتوفی ۳۶۱ هـ.ق): صفحه ۲۸۲ حدیث ۳۷۸ چاپ مادرید | و صفحهٔ ۲۱۴ رقم الترجمة: ۳۷۸ چاپ بیروت و لاهور

(۲) الخلافیات للبیهقی: ۳۸۶/۲ حدیث ۱۷۵۸



(در نماز)، رفع یَدَین می‌کردی، در حالی که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم هرگاه نماز را آغاز می‌کردند، تنها در ابتدای نماز رفع یَدَین می‌کردند و سپس تا پایان نماز دیگر رفع یدین را تکرار نمی‌کردند.(۱)

﴿۲۶۸﴾ عَنِ الْأَسْوَدِ، قَالَ: رَأَيْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيْرَةٍ، ثُمَّ لَا يَعُوْدُ.

ترجمه: حضرت اَسْوَد رحمه‌الله می‌گوید: من حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه را دیدم که در تکبیر اول رفع یَدَین می‌کردند، سپس دیگر آن را تکرار نمی کردند.(۲)

﴿۲۶۹﴾ عَنْ عَاصِمِ بْنِ كُلَيْبِ الْجَرْمِيِّ، عَنْ أَبِيْهِ، وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ، أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي التَّكْبِيْرَةِ الْأُوْلَى الَّتِي يَفْتَتِحُ بِهَا الصَّلَاةَ، ثُمَّ لَا يَرْفَعُهُمَا فِي شَيْءٍ مِنَ الصَّلَاةِ.

ترجمه: عاصم بن کُلَیب جَرْمی از پدر خود (حضرت کُلَیب جَرْمی رحمه‌الله) که از شاگردان حضرت علی رضی‌الله‌عنه بود روایت می‌کند که حضرت علی کَرَّمَ‌اللهُ‌وَجْهَهُ در تکبیر اول که با آن نماز را آغاز می‌کنند، رفع یَدَین می‌نمودند، سپس در هیچ‌یک از جاهای دیگر نماز دوباره رفع یَدَین نمی‌کردند.(۳)

﴿۲۷۰﴾ عَنِ الْأَسْوَدِ، أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ التَّكْبِيْرِ، ثُمَّ لَا يَعُوْدُ لِشَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ.

ترجمه: حضرت اَسْوَد رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه در تکبیر اول رفع یَدَین می‌کردند، و سپس در هیچ‌یک از جاهای

(۱) الخلافیات للبیهقی: ۳۸۶/۲ حدیث ۱۷۵۹
(۲) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۱۶۴/۱ باب التکبیر للرکوع والتکبیر للسجود
(۳) المؤطا للامام محمد: ۱۴۱/۱ حدیث ۱۰۹ باب افتتاح الصلوٰة | کتاب الحجة للامام محمد: ۷۶/۱ باب افتتاح الصلوٰة و ترک الجهر | المدونة الکبریٰ: ۱۶۶/۱ باب فی رفع الیدین فی الرکوع والاحرام



دیگر نماز رفع یَدَین را تکرار نمی‌کرد.[(۱)]

﴿۲۷۱﴾ عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: مَا رَأَيْتُ ابْنَ عُمَرَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَّا فِي أَوَّلِ مَا يَفْتَتِحُ.

ترجمه: حضرت مجاهد رحمه‌الله روایت می‌کند که من حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما را ندیده‌ام که بجز آغاز نماز (در وقت تکبیر تحریمه) در جای دیگری از نماز رفع یَدَین کند.[(۲)]

﴿۲۷۲﴾ عَنِ الشَّعْبِيِّ أَنَّهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ التَّكْبِيرَةِ، ثُمَّ لَا يَرْفَعُهُمَا.

ترجمه: از امام (عامر بن شراحیل) شَعْبی رحمه‌الله روایت است که ایشان تنها در وقت تکبیر تحریمه رفع یَدَین می‌کرد، و سپس دوباره رفع یَدَین نمی‌کرد.[(۳)]

﴿۲۷۳﴾ عَنْ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: كَانَ قَيْسٌ يَرْفَعُ يَدَيْهِ أَوَّلَ مَا يَدْخُلُ فِي الصَّلَاةِ، ثُمَّ لَا يَرْفَعُهُمَا.

ترجمه: اسماعیل می‌گوید که امام قیس (بن ابی حازم بَجَلی کوفی) رحمه‌الله هنگام دخول به نماز (در آغاز نماز) رفع یَدَین می‌کرد، و سپس دیگر رفع یَدَین نمی‌کرد.[(۴)]

﴿۲۷۴﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: لَا تَرْفَعْ يَدَيْكَ فِي شَيْءٍ مِنَ الصَّلَاةِ بَعْدَ التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى.

ترجمه: از امام ابراهیم (بن یزید بن قیس) نَخَعی رحمه‌الله روایت است که فرمود: بعد از تکبیر اولی (تکبیر تحریمه)، در هیچ جای نماز رفع یَدَین

(۱) مسند ابی حنیفة بروایة الحارثی: ۵۰۲/۲ حدیث ۸۰۱ | جامع المسانید للخوارزمی: ۳۵۵/۱ حدیث ۱۸۶۷

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۱۷/۲ حدیث ۲۴۶۷ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ، ثُمَّ لَا يَعُوْدُ

(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۱۶/۲ حدیث ۲۴۵۹ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُوْدُ

(۴) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۱۷/۲ حدیث ۲۴۶۴ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُوْدُ



نکن.[1]

﴿۲۷۵﴾ عَنْ طَلْحَةَ عَنْ خَيْثَمَةَ وَإِبْرَاهِيمَ، قَالَ: كَانَا لَا يَرْفَعَانِ أَيْدِيَهُمَا إِلَّا فِي بَدْءِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: طلحه روایت می‌کند که امام خَیْثَمَه (بن عبد الرحمن الکوفی) و امام ابراهیم (بن یزید بن قیس) نَخَعی رحمهماالله جز در آغاز نماز، در هیچ موضع دیگر نماز رفع یَدَین نمی‌کردند.[2]

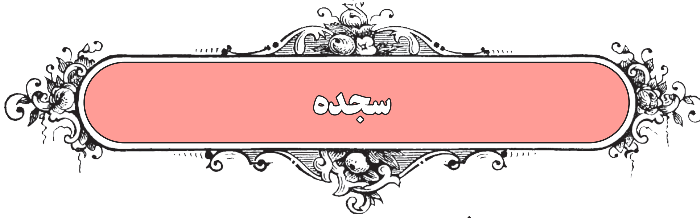
﴿۲۷۶﴾ عَنْ مُسْلِمٍ الْجُهَنِيِّ، قَالَ: كَانَ ابْنُ أَبِي لَيْلَى يَرْفَعُ يَدَيْهِ أَوَّلَ شَيْءٍ إِذَا كَبَّرَ.

ترجمه: امام مُسلِم (بن خالد) الجُهَنیؒ روایت می‌کند که امام (عبد الرحمٰن) ابن ابی لیلیٰ انصاری رحمه‌الله فقط هنگام گفتن تکبیر در آغاز نماز، رفع یَدَین می‌کرد و بس.[3]

﴿۲۷۷﴾ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبْجَرَ... قَالَ عَبْدُ الْمَلِكِ: وَرَأَيْتُ الشَّعْبِيَّ، وَإِبْرَاهِيمَ، وَأَبَا إِسْحَاقَ، لَا يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ إِلَّا حِينَ يَفْتَتِحُونَ الصَّلَاةَ.

ترجمه: عبدالملک بن أَبْجَرؒ روایت می‌کند که من امام (عامر بن شراحیل) شَعبی، امام ابراهیم (بن یزید نَخَعی) و امام ابو اسحاق (عمرو بن عبد الله سبیعی) رحمه‌الله را دیدم، و همهٔ ایشان جز در آغاز نماز، در هیچ جای دیگری نماز رفع یَدَین نمی‌کردند.[4]

(۱) المؤطا للامام محمد: ۱۳۶/۱ حدیث ۱۰۶ باب افتتاح الصلوٰة
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۱۶/۲ حدیث ۲۴۶۳ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيْرَةٍ ثُمَّ لاَ يَعُوْدُ
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۱۷/۲ حدیث ۲۴۶۶ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيْرَةٍ ثُمَّ لاَ يَعُوْدُ
(۴) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۱۷/۲ و ۴۱۸ حدیث ۲۴۶۹ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيْرَةٍ ثُمَّ لاَ يَعُوْدُ



تکبیر گویان به سجده رفتن:

۲۷۸ فرمان خداوندی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ۩

ترجمه: ای مسلمانان! رکوع کنید و سجده کنید و پروردگار خویش را عبادت نمائید و نیکی کنید، تا رستگار شوید.(۱)

۲۷۹ عن أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ، يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ ... ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَهْوِي سَاجِدًا.

ترجمه: از حضرت ابوبکر بن عبد الرحمن روایت است که از حضرت ابو هریره رضی‌الله‌عنه شنیدم که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای نماز برمی‌خاستند، برای قیام تکبیر می‌گفتند، و سپس (در هر رکن دیگر نماز تکبیر می‌گفتند و) همچنین هنگامی که به سجده می‌رفتند نیز تکبیر می گفتند.(۲)

۲۸۰ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ هِشَامٍ وَأَبُو سَلَمَةَ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَانَ يُكَبِّرُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ وَغَيْرِهَا فِي رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ... ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَسْجُدُ.

---

(۱) سُورَةُ الحَجِّ: آیهٔ ۷۷

(۲) صحیح مسلم: ۲۹۳/۱ حدیث ۳۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ إِثْبَاتِ التَّكْبِيرِ فِي كُلِّ خَفْضٍ وَرَفْعٍ فِي الصَّلَاةِ



ترجمه: از امام (ابن شهاب) زُهری رحمه‌الله روایت است که ابو بکر بن عبد الرحمٰن بن حارث بن هشام و ابو سَلَمَه بن عبد الرحمن رحمهما الله به من بیان کردند که حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه در هر نماز فرض و غیر فرض، چه در رمضان و چه در غیر رمضان تکبیر می‌گفتند. (راوی سپس تکبیرات را شمرده می افزاید:) و حضرت ابو هریره رضی‌الله‌عنه تکبیرگویان به سجده می‌رفتند.(۱)

در وقت رفتن به سجده؛ نخست زانو، سپس دست‌ها و آنگاه پیشانی بر زمین نهاده شود:

﴿۲۸۱﴾ عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَضَعُ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ إِذَا سَجَدَ.

ترجمه: حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت می کند: هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سجده می‌رفتند، زانوهای مبارک خویش را قبل از دست‌های مبارک بر زمین می‌نهادند.(۲)

﴿۲۸۲﴾ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَبَّرَ فَحَاذَى بِإِبْهَامَيْهِ أُذُنَيْهِ ثُمَّ رَكَعَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ مَفْصِلٍ مِنْهُ، وَانْحَطَّ بِالتَّكْبِيرِ حَتَّى سَبَقَتْ رُكْبَتَاهُ يَدَيْهِ.

ترجمه: از حضرت انَس رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول

---

(۱) صحيح البخاری: ۱۵۹/۱ حديث ۸۰۳ كِتَابُ الْأَذَانِ، بَابٌ: يَهْوِي بِالتَّكْبِيرِ حِينَ يَسْجُدُ

(۲) صحيح ابن خزيمة: ۳۱۸/۱ حديث ۶۲۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ الْبَدْءِ بِوَضْعِ الرُّكْبَتَيْنِ عَلَى الْأَرْضِ قَبْلَ الْيَدَيْنِ | صحيح ابن خزيمة: ۳۱۹/۱ حديث ۶۲۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ الْبَدْءِ بِرَفْعِ الْيَدَيْنِ مِنَ الْأَرْضِ قَبْلَ الرُّكْبَتَيْنِ | سنن ابی داود: ۲۲۲/۱ حديث ۸۳۸ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ كَيْفَ يَضَعُ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ | صحيح ابن حبان: ۲۳۷/۵ حديث ۱۹۱۲ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمُصَلِّي وَضْعُ الرُّكْبَتَيْنِ عَلَى الْأَرْضِ عِنْدَ السُّجُودِ قَبْلَ الْكَفَّيْنِ | المستدرک للحاكم: ۳۴۹/۱ تحت حديث ۸۲۲ أَوَّلُ كِتَابِ الصَّلَاةِ بَابُ التَّأْمِينِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۳۶/۳ تحت حديث ۷۸۰ باب طريق السجود | آثار السنن للنيموی: ص ۱۴۸ حديث ۴۳۱ باب وضع الركبتين قبل اليدين عند الانحطاط للسجود





الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که چون (برای نماز) تکبیر گفتند، انگشتان شصت مبارک خویش را برابر با گوش‌های مبارک بالا بردند. سپس آنحضرت ﷺ به رکوع رفتند تا آنجا که هر مفصل بر جایگاهش درست قرار گرفت، سپس آنحضرت ﷺ تکبیر گفته پائین رفتند و زانوهای مبارک ایشان قبل از دست‌های مبارک ایشان بر زمین قرار گرفت.(۱)

سجده کردن بر هفت عضو:

﴿۲۸۳﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: أُمِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءٍ، وَلاَ يَكُفَّ شَعَرًا وَلاَ ثَوْبًا: الجَبْهَةِ، وَاليَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَالرِّجْلَيْنِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم حکم یافتند تا بر هفت اعضاء سجده کنند، و نیز موها و لباس‌های خود را (در نماز) جمع ننمایند. (آن اعضای هفتگانه اینها است:) پیشانی، دو دست، دو زانو و دو پا.(۲)

وقت سجده، چهره در بین دو دست باشد:

﴿۲۸۴﴾ عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَكَانَ إِذَا سَجَدَ وَضَعَ وَجْهَهُ بَيْنَ كَفَّيْهِ.

ترجمه: از وائل بن حجر رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: من پشت سر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز خواندم؛ هنگامی که آنحضرت ﷺ

---

(۱) المستدرک للحاکم: ۳۴۹/۱ حدیث ۸۲۲ أَوَّلُ كِتَابِ الصَّلاَةِبَابُ التَّأْمِينِ | الاحادیث المختارة للضیاء المقدسی: ۲۹۴/۶ حدیث ۲۳۱۰ | إعلاء السنن للتهانوی: ۳۵/۳ حدیث ۷۸۰ باب طریق السجود

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۸۰۹ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ السُّجُودِ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ | صحیح مسلم: حدیث ۴۹۰ و حدیث ۴۹۱ و حدیث ۴۹۲ و...كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ أَعْضَاءِ السُّجُودِ، وَالنَّهْيِ عَنْ كَفِّ الشَّعْرِ وَالثَّوْبِ وَعَقْصِ الرَّأْسِ ...

به سجده می‌رفتند، چهرۀ خود را میان دو کف دست قرار می‌دادند.(۱)

چسپانیدن انگشتان بهم در حالت سجده:

﴿۲۸۵﴾ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ وَائِلٍ، عَنْ أَبِيهِ رَضِىَ اللّٰهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا سَجَدَ ضَمَّ أَصَابِعَهُ.

ترجمه: علقمه بن وائل از پدر خویش (حضرت وائل بن حجر رضی الله عنه) روایت می کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم هنگامی که سجده می کردند، انگشتان خود را به هم می چسباندند.(۲)

نوک انگشتان دست به سمت قبله باشد:

﴿۲۸۶﴾ فَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيُّ رَضِىَ اللّٰهُ عَنْهُ: أَنَا كُنْتُ أَحْفَظَكُمْ لِصَلاَةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ يَدَيْهِ حِذَاءَ مَنْكِبَيْهِ ... فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَ يَدَيْهِ غَيْرَ مُفْتَرِشٍ وَلاَ قَابِضِهِمَا، وَاسْتَقْبَلَ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِهِ القِبْلَةَ.

ترجمه: از حضرت ابو حُمَیْد ساعدی رضی‌الله‌عنه روایت است: من از همۀ شما نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را بهتر به یاد دارم. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم چون تکبیر می گفتند، با دست‌های مبارک خویش برابر با شانه رفع یَدَین می‌نمودند... و چون به سجده می‌رفتند، دست‌های مبارک خویش را طوری بر زمین می‌نهادند که نه ساعد مبارک بر روی زمین پهن

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۵۷/۱ حدیث ۱۵۳۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ وَضْعُ الْيَدَيْنِ فِي السُّجُود، أَيْنَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ؟ | صحیح ابن حبان: ۱۷۳/۵ و ۱۷۴ حدیث ۱۸۶۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمُصَلِّي إِخْرَاجُ الْيَدَيْنِ مِنْ كُمَّيْهِ عِنْدَ رَفْعِهِ إِيَّاهُمَا فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي وَصَفْنَاهُ

(۲) صحیح ابن خزیمة: ۳۲۴/۱ حدیث ۶۴۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ ضَمِّ أَصَابِعِ الْيَدَيْنِ فِي السُّجُودِ | صحیح ابن حبان: ۲۴۸/۵ حدیث ۱۹۲۰ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمُصَلِّي ضَمُّ الْأَصَابِعِ فِي السُّجُودِ | المستدرک للحاکم: ۳۵۰/۱ حدیث ۸۲۶ كِتَابُ الطَّهَارَةِ؛ أَمَّا حَدِيثُ أَنَسٍ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۹/۲۳ حدیث ۲۶ عَاصِمُ بْنُ كُلَيْبٍ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ وَائِلٍ، عَنْ أَبِيهِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۳/۳ حدیث ۷۶۸ باب طریق السجود



می بود و نه آرنج ها به بدن چسپیده می بود. و آنحضرت ﷺ نوک انگشتان دست‌های مبارک را به سمت قبله می گرفتند.[1]

﴿۲۸۷﴾ عَنْ حَفْصِ بْنِ عَاصِمٍ قَالَ: صَلَّيْتُ إِلَى جَنْبِ ابْنِ عُمَرَ فَفَرَّجْتُ بَيْنَ أَصَابِعِي حِينَ سَجَدْتُ، فَقَالَ: يَا ابْنَ أَخِي، اضْمُمْ أَصَابِعَكَ إِذَا سَجَدْتَ، وَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ، وَاسْتَقْبِلْ بِالْكَفَّيْنِ الْقِبْلَةَ، فَإِنَّهُمَا يَسْجُدَانِ مَعَ الْوَجْهِ.

ترجمه: از حضرت حَفْص بن عاصم رحمه‌الله روایت است که من در کنار حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما نماز خواندم و هنگام سجده بین انگشتان دست خود فاصله گذاشتم. حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما به من فرمود: ای برادر زاده! چون سجده کردی، انگشتان دستت را بهم بچسپان و نوک انگشتانت را به سمت قبله بگردان و کف دستت را نیز به سمت قبله بگیر، زیرا این اعضاء به همراه چهره سجده می نمایند.[2]

در حالِ سجده، فاصله گذاشتن میان پاشنه‌های پا:

﴿۲۸۸﴾ عَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَكَعَ بَسَطَ ظَهْرَهُ، وَإِذَا سَجَدَ وَجَّهَ أَصَابِعَهُ قِبَلَ الْقِبْلَةِ فَتَفَاجَّ.

ترجمه: از حضرت براء (بن عازب) رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم هرگاه به رکوع می‌رفتند، پشت خود را راست و هموار نگه می‌داشتند، و هنگامی که به سجده می‌رفتند، انگشتان پا را رُخ به سوی قبله می‌کردند و میان (پاشنه‌های) پا فاصله می‌گذاشتند.[3]

---

(۱) صحیح ابن خزیمة: ۳۲۴/۱ حدیث ۶۴۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِقْبَالِ أَطْرَافِ أَصَابِعِ الْيَدَيْنِ مِنَ الْقِبْلَةِ فِي السُّجُودِ
(۲) مصنف عبد الرزاق: ۱۷۱/۲ حدیث ۲۹۳۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ السُّجُودِ
(۳) السنن الكبرىٰ للبيهقى: ۱۱۳/۲ بَابٌ يَضُمُّ أَصَابِعَ يَدَيْهِ فِي السُّجُودِ وَيَسْتَقْبِلُ بِهَا الْقِبْلَةَ





نوک انگشتان پا در وقت سجده به طرف قبله باشد:

﴿۲۸۹﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَطَاءٍ أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِيْ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرْنَا صَلَاةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيُّ: أَنَا كُنْتُ أَحْفَظَكُمْ لِصَلَاةِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ ... فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَ يَدَيْهِ غَيْرَ مُفْتَرِشٍ وَلَا قَابِضِهِمَا وَاسْتَقْبَلَ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ الْقِبْلَةَ. الحديث.

ترجمه: حضرت محمد بن عمرو بن عطاء رحمه‌الله می‌گوید: در جمعی از صحابهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشسته بودم. سخن از نماز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به میان آمد. حضرت ابوحُمَید ساعدی رضی‌الله‌عنه فرمود: من از همهٔ شما به نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم آگاه‌ترم؛ من آنحضرتﷺ را دیدم که هرگاه تکبیر می‌گفتند (بند/مُچ) دست‌های خود را برابرِ شانه‌های مبارک شان بالا می‌بردند و هنگامی که به رکوع می‌رفتند، دستان مبارک را محکم بر زانوهای خویش قرار می‌دادند، سپس پشت خود را صاف و راست می‌کردند؛ و وقتی سر از رکوع برمی‌داشتند، کاملاً راست می‌ایستادند تا هر مهره‌ای به جای خود قرار گیرد؛ و هنگامی که سجده می کردند دست‌های مبارک را چنان بر زمین می‌نهادند که نه ساعد دست‌های مبارک بر زمین قرار می‌داشت و نه به بدن مبارک چسپیده می‌بود، و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم نوک انگشتان پاهای مبارک را نیز به سمت قبله می‌نمودند.[۱]

آرنج‌ها در وقت سجده از بدن دور باشند:

﴿۲۹۰﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَالِكٍ ابْنِ بُحَيْنَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا صَلَّى فَرَّجَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى يَبْدُوَ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ. وَفِي رِوَايَةٍ:

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۸ | صحیح ابن خزیمة: ۳۴۷/۱ حدیث ۶۴۳

وَيُجَافِي يَدَيْهِ عَنْ جَنْبَيْهِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن مالک ابن بُحَیْنَه رضی‌الله‌عنه روایت است که هنگامی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز می خواندند دست‌های مبارک خویش را گشاده (و دور از پهلو) می گرفتند حتی که سفیدی بغل مبارک به نظر می‌آمد.

و در روایت دیگری وارد است: آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم دست های مبارک را از پهلوی مبارک دور نگه می‌داشتند.(۱)

آرنج‌ها بر روی زمین پهن نشوند:

﴿۲۹۱﴾ عَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا سَجَدْتَ، فَضَعْ كَفَّيْكَ وَارْفَعْ مِرْفَقَيْكَ.

ترجمه: از حضرت براء بن عازب رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چون سجده نمائی، کف دست‌هایت را (بر زمین) بگذار و آرنج هایت را بالا نگهدار.(۲)

﴿۲۹۲﴾ عَنْ انَس بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: اعْتَدِلُوا فِي السُّجُودِ، وَلاَ يَبْسُطْ أَحَدُكُمْ ذِرَاعَيْهِ انْبِسَاطَ الكَلْبِ.

ترجمه: حضرت اَنَس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: در حالت سجده اعتدال را پیش گیرید، و هیچ

---

(۱) صحيح البخاری: حديث ۳۹۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ يُبْدِي ضَبْعَيْهِ وَيُجَافِي فِي السُّجُودِ | صحيح البخاری: حديث ۸۰۷ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ يُبْدِي ضَبْعَيْهِ وَيُجَافِي فِي السُّجُودِ | صحيح ابن حبان: ۲۴۷/۵ حديث ۱۹۱۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ، ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمُصَلِّي أَنْ يُجَافِيَ فِي سُجُودِهِ حَتَّى يُرَى بَيَاضُ إِبْطَيْهِ | صحيح ابن خزيمة: ۳۲۶/۱ حديث ۶۴۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّجَافِي فِي السُّجُودِ

(۲) صحيح مسلم: حديث ۴۹۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الِاعْتِدَالِ فِي السُّجُودِ، وَوَضْعِ الْكَفَّيْنِ عَلَى الْأَرْضِ وَرَفْعِ الْمِرْفَقَيْنِ عَنِ الْجَنْبَيْنِ... | صحيح ابن حبان: ۲۴۴/۵ حديث ۱۹۱۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ، ذِكْرُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمُصَلِّي أَنْ يُجَافِيَ فِي سُجُودِهِ حَتَّى يُرَى بَيَاضُ إِبْطَيْهِ | صحيح ابن خزيمة: ۳۲۹/۱ حديث ۶۵۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّجَافِي فِي السُّجُودِ



کسی دو ساعد خود را مانند سگان بر روی زمین پهن نکند.[1]


فایده

این حکم که ساعدهای خود را بر روی زمین پهن/هموار نکنند برای مردان است، برای زنان نیست، زیرا در یک حدیث صحیح مُسْلِم تصریح شده است که:

﴿۲۹۳﴾ وَيَنْهٰى أَنْ يَفْتَرِشَ الرَّجُلُ ذِرَاعَيْهِ افْتِرَاشَ السَّبُعِ.

ترجمه: پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم **مردان** را از پهن کردن ساعدهای شان همچون حیوانات وحشی بر روی زمین نهی می‌فرمودند.[2]

از اینجا دانسته می‌شود که حکم پرهیز از پهن کردن ساعدها بر روی زمین، مخصوص مردان است.

چنانچه علامه شرف الدین حسین بن محمد طیبی رحمه‌الله (متوفّٰی ۷٤۳ ه.ق) می‌نویسد:

وَ تَقِيِيْدُ النَّهْيِ بِالرَّجُلِ يَدُلُّ عَلٰى أَنَّ الْمَرْأَةَ لَا تُخَوِّيْ.

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم نهیِ پهن کردن ساعدها بر زمین را محدود به مردان گردانیده‌اند و این دلیل دارد برآنکه زنان سجدۀ خود را با بالا نمودن بدن انجام نمی‌دهند (بلکه ساعدهای خویش را بر روی زمین پهن/هموار نموده سجده می‌کنند).[3]

ملا علی بن سلطان محمد القاری الهروی الحنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۰۱٤ ه.ق) می‌نویسد:

(وَيَنْهٰى أَنْ يَفْتَرِشَ) أَي فِي السُّجُوْدِ (الرَّجُلُ) أَي لَا الْمَرْأَةُ لِأَنَّ مَبْنٰي

(۱) صحيح البخاری: حديث ۸۲۲ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ لَا يَفْتَرِشُ ذِرَاعَيْهِ فِي السُّجُودِ | صحيح مسلم: حديث ۴۹۳ | جامع الترمذی: حديث ۲۷۶ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْاِعْتِدَالِ فِي السُّجُودِ
(۲) صحيح مسلم: حديث ۴۹۸
(۳) الكاشف عن حقائق السنن [شرح مشكوٰة المصابيح] للطيبی: ۱۱۸/۲ باب صفة الصلاة





أَمْرِهَا عَلَى التَّسَتُّرِ.

ترجمه: مراد از عبارت حدیث که «پیامبر صلی الله علیه وسلم مردان را از پهن کردن ساعدها همچون حیوانات وحشی بر زمین نهی می‌کردند» این است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فقط مردان را از پهن ساختن بازوها بر روی زمین منع می‌کردند نه زنان را، زیرا زنان به ستر (پوشاندن بدن) حکم شده اند و ستر برای آنها با پهن کردن بازوها بر روی زمین حاصل می‌آید.(۱)

سجده نمودن در حالی که سرین بالا باشد:

﴿۲۹۴﴾ عَنْ أَبِي إِسْحَقَ، قَالَ: وَصَفَ لَنَا الْبَرَاءُ السُّجُودَ فَوَضَعَ يَدَيْهِ بِالْأَرْضِ، وَرَفَعَ عَجِيزَتَهُ، وَقَالَ: هَكَذَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُ.

ترجمه: حضرت ابواسحاق (عمرو بن عبدالله السبیعی) رحمه‌الله می فرماید که حضرت براء بن عازب رضی‌الله‌عنه طریقۀ انجام‌دادن سجده را به ما تعلیم داد. حضرت براء رضی‌الله‌عنه هر دو دست خود را بر زمین نهاد و سرین خویش را بالا نمود و فرمود: من رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که این چنین سجده می کردند.(۲)

تسبیح سجده:

﴿۲۹۵﴾ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ: ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾، قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ، فَلَمَّا نَزَلَتْ ﴿سَبِّحِ

(۱) مرقاة المفاتیح شرح مشكوٰة المصابيح لعلی القاری: ۴۶۴/۲ باب صفة الصلاة

(۲) سنن النسائی: حدیث ۱۱۰۴ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ بَابُ صِفَةِ السُّجُودِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۸۹۷ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ صِفَةِ السُّجُودِ | مسند احمد: ۶۲۹/۳۰ حدیث ۱۸۷۰۱ | نصب الراية لأحاديث الهداية للزيلعي مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي: ۳۸۰/۱ و ۳۸۱ باب صفة الصلاة | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹/۳ حدیث ۷۵۸ و ۷۵۹ باب طريق السجود

اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾، قَالَ: إجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ.

ترجمه: از حضرت عُقْبَه بن عامر رضی‌الله‌عنه روایت است؛ زمانی که آیهٔ ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ نازل شد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: آن را (سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ را) در رکوع خود قرار بدهید. و هنگامی که آیهٔ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ نازل شد، آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: آن را (سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى را) در سجدهٔ خود قرار بدهید.(۱)

﴿۲۹۶﴾ عَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ، وَفِي سُجُودِهِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى.

ترجمه: از حضرت حُذَيْفَه رضی‌الله‌عنه روایت است که من همراه نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز خواندم، آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم در رکوع سُبْحَانَ رَبِّيَ العَظِيمِ می گفتند، و در سجده سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى.(۲)

تعداد تسبیح در سجده:

﴿۲۹۷﴾ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: ... وَإِذَا سَجَدَ، فَقَالَ فِي سُجُودِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقَدْ تَمَّ سُجُودُهُ، وَذٰلِكَ أَدْنَاهُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند:... هر کسی سجده کند و در سجده سه بار سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعْلٰى بگوید، سجده‌اش کامل است. و این کمترین مقدار آن

---

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۸۶۹ بَابُ تَفْرِيع أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ الرَّجُلُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۸۷ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ | مسند احمد: ۶۳۰/۲۸ حدیث ۱۷۴۱۴ | صحیح ابن حبان: ۲۲۵/۵ حدیث ۱۸۹۸

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۲۶۲ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۸۷۱ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ مَا يَقُولُ الرَّجُلُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ

است.[۱]

تکبیرگویان از سجده برخاستن:

﴿۲۹۸﴾ عَن أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ ... ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَهْوِي سَاجِدًا، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ.

ترجمه: حضرت ابوبکر بن عبد الرحمٰن روایت می‌کند که از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه شنیدم که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای نماز برمی‌خاستند، برای قیام تکبیر می‌گفتند، و سپس (در هر رکن دیگر نماز تکبیر می‌گفتند و)... همچنین هنگامی که به سجده می رفتند نیز تکبیر می‌گفتند و چون سر از سجده برمی‌داشتند، باز تکبیر می‌گفتند.[۲]

نشست/جَلسَهٔ بین دو سجده:

﴿۲۹۹﴾ از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم به شخصی طریقهٔ نماز را آموزش می‌دادند و به او فرمودند:

ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَسْتَوِيَ وَتَطْمَئِنَّ جَالِسًا.[۳]

ترجمه: با اطمینان سجده کن، آنگاه از سجده برخیز و با اطمینان بنشین.

---

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۲۶۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۹۰ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا، بَابُ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ | وکذا من فعله ﷺ عن أبی بکرة فی مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار: ۱۳۳/۹ حدیث ۳۶۸۶ مُسْنَدُ أَبِي بَكْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ | وکذا من فعله ﷺ عن حُذَيْفَةَ بْن الْيَمَانِ فی سنن ابن ماجه: حدیث ۸۸۸ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا، بَابُ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۴/۳ حدیث ۷۵۰ باب وجوب الإعتدال والطمأنينة

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۳۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ إِثْبَاتِ التَّكْبِيرِ فِي كُلِّ خَفْضٍ وَرَفْعٍ فِي الصَّلَاةِ

(۳) صحیح البخاری: حدیث ۶۶۶۷ كِتَابُ الأَيْمَانِ وَالنُّذُورِ؛ بَابُ إِذَا حَنِثَ نَاسِيًا فِي الأَيْمَانِ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ...

دعای جَلَسه:

جَلَسه یعنی نشستِ بین دو سجده.

﴿۳۰۰﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ:كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ:رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي، وَارْزُقْنِي، وَارْفَعْنِي.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌اللهعنهمَا روایت است که رسول الله صلی‌اللهعلیه‌وسلم در نمازِ (تهجُّد و نفل) شبانه در بین دو سجده این دعاء را می خواندند:

رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي، وَارْزُقْنِي، وَارْفَعْنِي.(۱)

ترجمهٔ دعاء: خدایا ! از من ببخشا، بر من رحم فرما، ضعف مرا دور بنما، و مرا روزی عطا کن و مرا بلندمرتبه بگردان.

﴿۳۰۱﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي، وَارْزُقْنِي.

ترجمه: از حضرت علی رضی‌اللهعنه نیز روایت است که ایشان در بین دو سجده این دعاء را می خواندند: خدایا ! از من ببخشا، و بر من رحم فرما، و ضعف مرا دور بنما، و مرا روزی عطا کن.(۲)



دعای جَلَسه مربوط به نمازِ منفرد است. اما در نمازِ جماعت، به امام حکم شده‌است تا نماز را خفیف بخواند؛ بنابرین با رعایت حال مقتدیان، در نماز جماعت دعای قومه و جَلَسه خوانده نشود.

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۲۸۴ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ ا سنن ابن ماجه: حدیث ۸۹۸ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ ا سنن أبي داود: حدیث ۸۵۰ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ ا إعلاء السنن للتهانوی: ۴۳/۳ و۴۴ حدیث ۷۹۳ باب وجوب الرفع من السجدة والجلسة بين السجدتين

(۲) مصنف عبد الرزاق: ۱۸۷/۲ حدیث ۲۰۰۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقَوْلِ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ

تکبیر گویان به سجدهٔ دوم رفتن:

﴿۳۰۲﴾ عَن أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ،... ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَهْوِي سَاجِدًا، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَسْجُدُ.

ترجمه: حضرت ابوبکر بن عبد الرحمٰن روایت است که از حضرت ابو هریره رضی‌الله‌عنه شنیدم که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای نماز می‌ایستادند، در قیام تکبیر می‌گفتند (و به همین ترتیب در سایر ارکان نماز تکبیر می‌گفتند)... و سپس در هنگام رفتن به سجده تکبیر می‌گفتند و چون سر از سجده برمی‌داشتند نیز تکبیر می‌گفتند و چون دوباره به سجده می رفتند باز تکبیر می‌گفتند.[1]

در هنگام رفتن به سجده و برخاستن از سجده، رفع یَدَین نیست:

﴿۳۰۳﴾ عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ، وَبَعْدَ مَا يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوْعِ، فَلَا يَرْفَعُ؛ وَلَا بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که هنگامی که شروع به نماز می‌نمودند، دست‌های مبارک خویش را تا برابر شانه های مبارک بالا می‌بردند (و رفع یدین می کردند)... و آنحضرت ﷺ در هنگام رکوع و در هنگام سر برداشتن از رکوع رفع یدین نمی کردند، و نه در بین دو سجده رفع یدین می کردند.[2]

﴿۳۰۴﴾ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۳۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ إِثْبَاتِ التَّكْبِيرِ فِي كُلِّ خَفْضٍ وَرَفْعٍ فِي الصَّلَاةِ
(۲) مسند الحمیدی: ۵۱۵/۱ حدیث ۶۲۶ أَحَادِيثُ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ؛ وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ وَبَعْدَ مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ لَا يَرْفَعُهُمَا، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: وَلَا يَرْفَعُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ.

ترجمه: سالمؒ بن عبدالله بن عمر از پدر بزرگوار خویش حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که فرمود: من رسول اکرم ﷺ را دیدم که هرگاه نماز را شروع می‌کردند رفع یَدَین می‌نمودند و چون می خواستند به رکوع بروند و بعد سر بلندکردن از رکوع، رفع یَدَین نمی‌کردند. و در بین دو سجده نیز رفع یدین نمی‌نمودند.[1]

﴿۳۰۵﴾ عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ ... وَكَانَ لَا يَفْعَلُ ذٰلِكَ فِي السُّجُودِ ... وَفِيْ رِوَايَةٍ: وَلَا يَفْعَلُ ذٰلِكَ حِينَ يَسْجُدُ، وَلَا حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ ... وَفِيْ رِوَايَةٍ: لَا يَرْفَعُهُمَا بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ هرگاه شروع به نماز می‌فرمودند رفع یَدَین می‌کردند ... و اینکار را در سجده انجام نمی‌دادند. و در روایت دیگری وارد است که چون آنحضرت ﷺ سجده می‌نمودند رفع یَدَین انجام نمی‌دادند. و در روایت دیگری وارد است که آنحضرت ﷺ در بین دو سجده رفع یَدَین نمی‌کردند.[2]

تکبیر گویان برای رکعت دوم برخاستن:

﴿۳۰۶﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: ... وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

(۱) مسند ابی عوانة: ۴۲۳/۱ حدیث ۱۵۷۲ و حدیث ۱۵۷۳ و حدیث ۱۵۷۴ و حدیث ۱۵۷۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَيَانُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قَبْلَ التَّكْبِيرِ بِحِذَاءِ مَنْكِبَيْهِ

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۳۵ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى مَعَ الافْتِتَاحِ سَوَاءً | صحیح البخاری: حدیث ۷۳۸ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابٌ إِلَى أَيْنَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ؟ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ حَذْوَ الْمَنْكِبَيْنِ مَعَ تَكْبِيرَةِ الْإِحْرَامِ

وَسَلَّمَ إِذَا رَكَعَ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ يُكَبِّرُ، وَإِذَا قَامَ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ، قَالَ: اللهُ أَكْبَرُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که هرگاه نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به رکوع می‌رفتند و از رکوع بر می‌خاستند تکبیر می‌گفتند، و هنگامی که دو سجده را انجام داده می‌ایستادند باز تکبیر می‌گفتند.[۱]



نمازگزار جَلَسَۀ استراحت نکند:

استراحت به معنای راحت گرفتن و آرامش جستن است، و اندکی نشستن پس از سجدۀ ثانی در رکعت اول و سوم را «جَلَسَۀ استراحت» می‌گویند. نمازگزار باید پس از سجدۀ ثانی در رکعت اول و سوم، به جای نشستن برای استراحت، بدون درنگ مستقیماً بایستد تا تسلسل بین قیام و قرائت حفظ شود.

﴿۳۰۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم يَنْهَضُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى صُدُورِ قَدَمَيْهِ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که نبی اکرم ﷺ در نماز (در وقت ایستادن از سجده فوراً) بر نوک پاهای خویش ایستاده می شدند.[۲]

﴿۳۰۸﴾ عَنِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ سَمِعتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ يَزِيدَ يَقُولُ: رَمَقْتُ

(۱) صحيح البخاري: حديث ۷۹۵ كِتَابُ الْأَذَانِ، بَابُ مَا يَقُولُ الإِمَامُ وَمَنْ خَلْفَهُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ
(۲) جامع الترمذی: حديث ۲۸۸ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ الله ﷺ؛ بَابُ مِنْهُ أَيْضًا (ای بَابٌ كَيْفَ النُّهُوضُ مِنَ السُّجُودِ) | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۹/۳ حديث ۸۰۷ بابٌ فی ترک جلوس الاستراحة

عَبْدَ اللهِ بْنَ مَسْعُودٍ فِي الصَّلَاةِ فَرَأَيْتُهُ يَنْهَضُ وَلَا يَجْلِسُ. قَالَ: يَنْهَضُ عَلَى صُدُورِ قَدَمَيْهِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَالثَّالِثَةِ.

ترجمه: ابن ابی لیلیؒ روایت می‌کند که حضرت عبد الرحمن بن یزید رحمه‌الله می‌فرماید: من نماز حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه را با دقت مشاهده کردم. من دیدم که حضرت عبدالله رضی‌الله‌عنه (بعد از سجده فوراً) ایستاده می‌شدند و نمی‌نشستند. ایشان رضی‌الله‌عنه در رکعت اول و سوم بر نوک پاهای خود ایستاده می‌شدند.[1]

﴿۳۰۹﴾ عَنِ الشَّعْبِيِّ، أَنَّ عُمَرَ، وَعَلِيًّا رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، وَأَصْحَابَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانُوا يَنْهَضُونَ فِي الصَّلَاةِ عَلَى صُدُورِ أَقْدَامِهِمْ.

ترجمه: تابعی جلیل القدر امام (عامر بن شراحیل) شَعْبِی رحمه‌الله می‌فرماید: حضرت عمر رضی‌الله‌عنه، حضرت علی رضی‌الله‌عنه و سایر اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم (بعد از سجده) در نماز (نمی‌نشستند بلکه فوراً) بر روی نوک پاهای خویش ایستاده می‌شدند.[2]

جَلَسَۀ استراحت به سبب عذر یا کهولت سن:

اندکی نشستن پس از سجدۀ ثانی در رکعت اول و سوم را جَلَسَۀ استراحت می‌گویند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سبب عذر (کهولت سن) این نشست را انجام داده‌اند، ولی این کار، روش همیشگی آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم نبود. بنابراین اگر کسی عذری مانند پیری، درد مفاصل و امثال آن دارد، انجام جلسۀ استراحت برای او اجازه است.

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۱۷۸/۲ حدیث ۲۹۶۶ کِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابَ كَيْفَ النُّهُوضُ مِنَ السَّجْدَةِ الآخِرَةِ وَمِنَ الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَالثَّانِيَةِ | السنن الکبری للبیهقی: ۱۸۰/۲ حدیث ۲۷۶۴ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ كَيْفَ الْقِيَامُ مِنَ الْجُلُوسِ | المعجم الکبير للطبراني: ۲۶۶/۹ حدیث ۹۳۲۷ و ۹۳۲۸ | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۹/۳ حدیث ۸۰۴

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۴۶/۱ حدیث ۳۹۸۲ کِتَابُ الصَّلَوات؛ مَنْ كَانَ يَنْهَضُ عَلَى صُدُورِ قَدَمَيْهِ



۳۱۰ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِتِسْعٍ، فَلَمَّا بَدَّنَ وَكَثُرَ لَحْمُهُ أَوْتَرَ بِسَبْعٍ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ.

ترجمه: حضرت ابو اُمامه رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم (جمعاً با شش رکعت نفل و سه رکعت) وتر نُه رکعت می خواندند. و هنگامی که (عمر آنحضرت بالا رفت و) بدن آنحضرت ﷺ سنگین شد و آنحضرت گوشت گرفتند، آنگاه (جمعاً چهار رکعت نفل و سه رکعت) وتر می خواندند که هفت رکعت می‌شد، و همچنین دو رکعت (نفل) نشسته اداء می فرمودند.[1]

۳۱۱ عَنْ أيوب عَنْ أَبِي قِلَابَةَ قَالَ: جَاءَنَا مَالِكُ بْنُ الْحُوَيْرِثِ فِي مَسْجِدِنَا هَذَا، فَقَالَ: إِنِّي لَأُصَلِّي بِكُمْ وَمَا أُرِيدُ الصَّلاَةَ، أُصَلِّي كَيْفَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي، فَقُلْتُ لِأَبِي قِلَابَةَ: كَيْفَ كَانَ يُصَلِّي؟ قَالَ: مِثْلَ شَيْخِنَا هَذَا، قَالَ: وَكَانَ شَيْخًا، يَجْلِسُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، قَبْلَ أَنْ يَنْهَضَ فِي الرَّكْعَةِ الأُولَى.

ترجمه: حضرت ایوب رحمه الله روایت می کند که حضرت ابو قِلابه رحمه الله فرمود که حضرت مالک بن حُوَیْرِث رضی‌الله‌عنه به این مسجد ما تشریف آورد و فرمود: من نزد شما نماز می خوانم و مقصود من نماز دادن نیست بلکه (مقصودم این است که به خاطر نشان دادن به شما) همانگونه نماز بخوانم که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیده بودم. حضرت ایوب رحمه الله می گوید: من از حضرت ابوقِلابه رض پرسیدم که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چگونه نماز خواندند؟ جواب داد: مانند این پیر مرد ما. (مراد از پیرمرد، حضرت عَمرو بن سَلَمَه بن قیس الجَرْمی رضی الله عنه است) و آن پیرمرد عادت داشت که

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوي: ۲۹۰/۱ حديث ۱۷۲۷ كِتَابُ الصَّلاَةِ، بَابُ الْوِتْرِ | مسند احمد: ۶۵۱/۳۶ حديث ۲۲۳۱۳ حَدِيثُ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ الصُّدَيِّ بْنِ عَجْلَانَ بْنِ عَمْرٍو | السنن الكبري للبيهقي: ۴۹/۳ حديث ۴۸۲۷ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، وَقِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ بَابٌ فِي الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْوِتْرِ



چون از سجدهٔ رکعت اول سر برمی‌داشت، قبل از ایستاده شدن (به سبب ضعف پیری، لحظه‌ای) می نشست.[(۱)]

در میان دو رکعت رفع یدین نیست:

﴿۳۱۲﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ الصَّلٰوةِ ثُمَّ لَا يَعُودُ.

ترجمه: از حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فقط در شروع نماز رفع یَدَین می کردند و در سایر جاهای داخل نماز، رفع یدین نمی کردند.[(۲)]

﴿۳۱۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُما فَلَمْ يَرْفَعُوا أَيْدِيَهُمْ إِلَّا عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: من با حضرت رسول خدا ﷺ، حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه و حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه نماز خوانده‌ام، همهٔ ایشان جز در شروع نماز (در هیچ جای دیگر نماز) رفع یَدَین نمی کردند.[(۳)]

(۱) صحيح البخارى: حديث ۶۷۷ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ مَنْ صَلَّى بِالنَّاسِ وَهُوَ لَا يُرِيدُ إِلاَّ أَنْ يُعَلِّمَهُمْ صَلَاةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَسُنَّتَهُ

(۲) مصنف عبد الرزاق: ۷۹/۲ حديث ۲۵۶۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ | وموقوفاً فى موطا محمد: ۵۹/۱ حديث ۱۰۹ باب افتتاح الصلاة | شرح معاني الآثار: ۲۲۵/۱ حديث ۱۳۵۳ بَابُ التَّكْبِيرِ لِلرُّكُوعِ وَالتَّكْبِيرِ لِلسُّجُودِ وَالرَّفْعِ مِنَ الرُّكُوعِ هَلْ مَعَ ذَلِكَ رَفْعٌ أَمْ لَا | مصنف ابن ابى شيبه: ۲۱۳/۱ حديث ۲۴۴۲ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ | إعلاء السنن للتهانوى: ۶۳/۳ حديث ۸۱۷ باب ترك رفع اليدين فى غير الافتتاح | آثار السنن للنيموى: ص ۱۳۷ حديث ۴۰۴ باب ترك رفع اليدين فى غير الافتتاح

(۳) مسند ابي يعلي الموصلي: ۴۵۳/۸ حديث ۵۰۳۹ مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ | معجم اسامي شيوخ ابي بكر الاسماعيلي: ۶۹۲/۲ حديث ۳۱۸ حَرْفُ الْعَيْنِ | سنن الدارقطني: ۵۲/۲ حديث ۱۱۳۳ | مختصر خلافيات البيهقي: ۷۸/۲ | السنن الكبرى للبيهقى: ۱۱۴/۲ حديث ۲۵۳۴ بَابُ مَنْ لَمْ يَذْكُرِ الرَّفْعَ إِلَّا عِنْدَ الِافْتِتَاحِ | معرفة السنن والآثار للبيهقي: ۴۲۴/۲ حديث ۳۲۸۶ | إعلاء السنن للتهانوي: ۶۷/۳ حديث ۸۲۱ باب ترك رفع اليدين في غير الافتتاح | زجاجة المصابيح: ۲۳۰/۱ باب صفة الصلاة | التجريد للقدورى: ۵۱۸/۲ مسألة ۱۱۵ لاترفع اليدين فى تكبير الركوع



از این روایات ثابت می‌شود که در نماز، فقط هنگام تکبیرِ تحریمه رفع یَدَین انجام شود و بس، و در سایر جاهای نماز رفع یَدَین صورت نگیرد. از جمله جاهائی که در آن رفع یدین انجام نمی‌شود، بین دو رکعت نیز است.

شروع قرائت رکعت دوم، با بسم الله و سورۀ فاتحه:

﴿۳۱۴﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ لَا يَدَعُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَبْلَ السُّورَةِ وَبَعْدَهَا إِذَا قَرَأَ بِسُورَةٍ أُخْرَى فِي الصَّلَاةِ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که ایشان قبل از سورۀ فاتحه و بعد از آن، پیش از آغاز سورۀ دیگری بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را ترک نمی کردند.[1]

رکعت اول طویل باشد و رکعت دوم کوتاه‌تر:

﴿۳۱۵﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الأُولَيَيْنِ مِنْ صَلاَةِ الظُّهْرِ بِفَاتِحَةِ الكِتَابِ، وَسُورَتَيْنِ، يُطَوِّلُ فِي الأُولَى، وَيُقَصِّرُ فِي الثَّانِيَةِ وَيُسْمِعُ الآيَةَ أَحْيَانًا، وَكَانَ يَقْرَأُ فِي العَصْرِ بِفَاتِحَةِ الكِتَابِ وَسُورَتَيْنِ، وَكَانَ يُطَوِّلُ فِي الأُولَى، وَكَانَ يُطَوِّلُ فِي الرَّكْعَةِ الأُولَى مِنْ صَلاَةِ الصُّبْحِ، وَيُقَصِّرُ فِي الثَّانِيَةِ.

ترجمه: از حضرت ابوقَتاده (حارث بن رِبعِی سَلَمی) رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در دو رکعت اولی نماز ظهر، سورۀ فاتحه و دو سورۀ دیگر را می خواندند و رکعت اول را طویل می‌ساختند

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۰۰/۱ حدیث ۱۱۸۹ کِتَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابُ قِرَاءَةِ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي الصَّلَاةِ

و رکعت دوم را کوتاه می‌نمودند. و گاهگاهی (اندکی از) یک آیت را نیز می‌شنوانیدند. و آنحضرت ﷺ در نماز عصر، سورۀ فاتحه و دو سوره را می‌خواندند و رکعت اول را طویل می‌گردانیدند. و آنحضرت ﷺ در نماز صبح، رکعت اول را طویل می‌ساختند و رکعت دوم را کوتاه می‌خواندند.[1]



نشست/قعدۀ بعدِ هر دو رکعت:

﴿۳۱۶﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَفْتِحُ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ، وَالْقِرَاءَةِ بِالْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... وَكَانَ يَقُولُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ التَّحِيَّةَ.

ترجمه: از أُمُّ المؤمنین حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را با اَللهُ اَکْبَرْ شروع می‌فرمودند و قرائت را با اَلْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آغاز می‌نمودند، و همچنین می‌فرمودند: بعد از هر دو رکعت، «تَشَهُّد» هست. (یعنی قعده باید کرد)[2]

کیفیت قعدۀ اولی:

﴿۳۱۷﴾ عَنْ عَبْدُ اللهِ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِنَّمَا سُنَّةُ الصَّلَاةِ أَنْ

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۵۹ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ القِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۵۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۴۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَجْمَعُ صِفَةَ الصَّلَاةِ وَمَا يُفْتَتَحُ بِهِ وَيُخْتَمُ بِهِ... | مصنف عبد الرزاق: ۲۲۱/۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ نَسِيَ التَّشَهُّدَ | مصنف ابن ابی شيبة: ۲۶۳/۱ حدیث ۳۰۲۳ كِتَابُ الصَّلَوات؛ قَدْرُ كَمْ يَقْعُدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ

تَنْصِبَ رِجْلَكَ الْيُمْنَي وَتَثْنِيَ الْيُسْرٰي.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: در نماز، سنت این است که (در تشهُّد) پای راست را ایستاده کنی و پای چپ را بخوابانی.(۱)

﴿۳۱۸﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ عَطَاءٍ أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِي نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرْنَا صَلَاةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيُّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَا كُنْتُ أَحْفَظَكُمْ لِصَلَاةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ... فَإِذَا جَلَسَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ جَلَسَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرٰى وَنَصَبَ الْيُمْنَى.

ترجمه: حضرت محمد بن عمرو بن عطاء رحمه‌الله می‌گوید: در جمعی از صحابهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشسته بودم. سخن از نماز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به میان آمد. ابوحُمَیْد ساعدی رضی‌الله‌عنه فرمود: من از همهٔ شما به نماز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم آگاه‌ترم؛ من آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که هرگاه تکبیر می‌گفتند (بند/مُچ) دست‌های خود را برابرِ شانه‌های مبارک شان بالا می‌بردند... و هنگامی که آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از دو رکعت (در تشهُّد) می نشستند بر روی پای چپ مبارک می‌نشستند و پای راست مبارک را ایستاده می‌نمودند.(۲)

﴿۳۱۹﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَفْتِحُ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ... وَكَانَ يَفْرِشُ رِجْلَهُ الْيُسْرَي وَيَنْصِبُ رِجْلَهُ الْيُمْنَي.

ترجمه: از اُمُّ المؤمنین حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را با تکبیر شروع می‌فرمودند:...

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۷ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ سُنَّةِ الجُلُوسِ فِي التَّشَهُّدِ
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۸ کتاب الْأَذَانِ؛ بَابُ سُنَّةِ الْجُلُوسِ فِي التَّشَهُّدِ

و (در هنگام تشهد) پای چپ مبارک را بر روی زمین خوابانیده و پای راست مبارک را ایستاده می‌نمودند.[1]



روش/طریقهٔ نشستن برای زنان در قعده این است که هر دو پا را به سمت راست خارج کنند و به‌گونه‌ای بر روی سرین بنشینند که ران راست بر ران چپ و ساق پای راست بر ساق پای چپ قرار گیرد.

تفصیل آن در ادامه خواهد آمد.

در قعدهٔ اولی فقط تشهُّد باید خواند:

﴿۳۲۰﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ قَالَ: عَلَّمَنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَقُولَ إِذَا جَلَسْنَا فِي الرَّكْعَتَيْنِ: اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ما را تعلیم دادند که چون بعد از دو رکعت بنشینیم، این (تشهُّد) را بخوانیم:

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمهٔ التحیات: همهٔ عبادت‌های بدنی، عبادت‌های زبانی و عبادت‌های مالی تنها برای الله تعالی است. ای پیامبر! سلام بر شما و رحمت‌ها و برکات خدا بر شما باد. سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند تعالی. گواهی می‌دهم

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۴۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَجْمَعُ صِفَةَ الصَّلَاةِ وَمَا يُفْتَتَحُ بِهِ وَيُخْتَمُ بِهِ...

که جز الله تعالی هیچ معبودی شایستۀ عبادت نیست، و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بندۀ الله و فرستادۀ اوست.[۱]

﴿۳۲۱﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّشَهُّدَ فِي وَسَطِ الصَّلَاةِ وَفِي آخِرِهَا ... التَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. قَالَ: ثُمَّ إِنْ كَانَ فِي وَسَطِ الصَّلَاةِ نَهَضَ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ تَشَهُّدِهِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می فرماید: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم تشهُّد در وسط نماز و در آخر نماز را به اینگونه به من تعلیم دادند: اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ (مانند بالا)... و فرمودند: اگر نمازگزار در وسط نماز باشد، بعد از خواندن تشهُّد، ایستاده شود.[۲]

﴿۳۲۲﴾ عَنِ الْحَسَنِ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لَا يَزِيدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ عَلَى التَّشَهُّدِ.

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه‌الله می‌فرماید: نمازگزار در (قعدۀ بعد از) دو رکعت اول نماز، جز تشهُّد، چیز بیشتری نخواند.[۳]

الفاظ تشهُّد:

﴿۳۲۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا إِذَا جَلَسْنَا مَعَ رَسُوْلِ

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۱۶۲ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ كَيْفَ التَّشَهُّدُ الْأَوَّلُ | السنن الکبری للبیهقی: ۲۰۹/۲ حدیث ۲۸۵۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فِي التَّشَهُّدِ
(۲) مسند احمد: ۳۹۲/۷ حدیث ۴۳۸۲ مُسْنَدُ الْمُكْثِرِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ، مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ | صحیح إبن حبان: ۳۵۰/۱ حدیث ۷۰۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الِاقْتِصَارِ فِي الْجِلْسَةِ الْأُولَى عَلَى التَّشَهُّدِ وَتَرْكِ الدُّعَاءِ بَعْدَ التَّشَهُّدِ الْأَوَّلِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۲۹/۳ و۱۳۰ حدیث ۸۶۲ باب ترک الزیادة علی التشهد فی القعدة الاولی | آثار السنن للنیموی: ص ۱۵۵ حدیث ۴۶۰ باب ما جاء في التشهُّد
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۲۶۳/۱ حدیث ۳۰۲۱ كِتَابُ الصَّلَوات؛ قَدْرُ كَمْ يَقْعُدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ | والتفصیل فی إعلاء السنن للتهانوی: ۱۲۹/۳ و۱۳۰ حدیث ۸۶۰ تا ۸۶۳ باب ترک الزیادة علی التشهد فی القعدة الاولی



اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ قُلْنَا: اَلسَّلَامُ عَلَى اللهِ قَبْلَ عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلٰى فُلَانٍ وَفُلَانٍ، فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَقُولُوا اَلسَّلَامُ عَلَى اللهِ، فَإِنَّ اللهَ هُوَ السَّلَامُ وَلٰكِنْ إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُل: التَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: هنگامی که با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز (در تشهُّد) می‌نشستیم، می‌گفتیم: سلام بر الله قبل از بندگانش، سلام بر فلان و فلان. حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: نگوئید سلام بر الله، زیرا الله خود «سلام»[1] است؛ بلکه هرگاه یکی از شما برای تشهُّد نشست، بگوید:

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.[2]



اشارۀ سبابه

اشارۀ انگشت شهادت در تشهُّد:

﴿۳۲۴﴾ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ الْمُعَاوِيِّ أَنَّهُ قَالَ: رَآنِي عَبْدُ اللهِ بْنُ عُمَرَ

(۱) یعنی سلام در حقیقت یک دعا است و الله تعالی نیازی به چنین دعائی ندارد؛ زیرا او خود بخشش‌گر سلامتی به سراسر هستی است، و او از هر آفت و دگرگونی پاک و منزَّه می‌باشد. مؤلّف

(۲) سنن أبي داود: حديث ۹۶۸ باب التشهُّد | صحيح البخاري: ۱۶۶/۱ حديث ۸۳۱ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ التَّشَهُّدِ فِي الآخِرَةِ | صحيح مسلم: ۳۰۱/۱ حديث ۴۰۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّشهُّدِ فِي الصَّلَاةِ



رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا وَأَنَا أَعْبَثُ بِالْحَصٰي فِي الصَّلَاةِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ نَهَانِي فَقَالَ: اصْنَعْ كَمَا كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُ، فَقُلْتُ: وَكَيْفَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: كَانَ إِذَا جَلَسَ فِي الصَّلَاةِ وَضَعَ كَفَّهُ الْيُمْنٰي عَلٰى فَخِذِهِ الْيُمْنٰي، وَقَبَضَ أَصَابِعَهُ كُلَّهَا وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ الَّتِي تَلِي الْإِبْهَامَ، وَوَضَعَ كَفَّهُ الْيُسْرٰي عَلٰى فَخِذِهِ الْيُسْرٰي.

ترجمه: علی بن عبد الرحمن مُعَاوی رحمه‌الله روایت می کند که من در داخل نماز سنگچل ها را بالا و پائین می کردم که حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما مرا دید و هنگامی که از نماز فارغ گردید مرا ازاین کار منع کرد و به من گفت: تو چنان کن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم می کردند. پرسیدم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم چه می کردند. حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا فرمود: هنگامی که آنحضرت ﷺ در نماز می‌نشستند کف دست راست خود را بر روی ران راست مبارک خویش می‌نهادند و انگشتان دست را بند می کردند و آنگاه با انگشت شهادت اشاره می‌فرمودند. و دست چپ مبارک را بر روی ران چپ مبارک ایشان قرار می‌دادند.(۱)

کیفیت اشاره:

﴿۳۲۵﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا قَعَدَ فِي التَّشَهُّدِ وَضَعَ يَدَهُ الْيُسْرَي عَلَى رُكْبَتِهِ الْيُسْرَي، وَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَي عَلَى رُكْبَتِهِ الْيُمْنَي، وَعَقَدَ ثَلَاثَةً وَخَمْسِينَ، وَأَشَارَ بِالسَّبَّابَةِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است: هنگامی که

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۵۸۰ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ صِفَةِ الْجُلُوسِ فِي الصَّلَاةِ؛ وَكَيْفِيَّةِ وَضْعِ الْيَدَيْنِ عَلَى الْفَخْذَيْنِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۹۸۷ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ الْإِشَارَةَ فِي التَّشَهُّدِ | الموطا لمحمد بن الحسن الشیبانی: ص ۶۷ حدیث ۱۴۴ بَابُ: الْعَبَثِ فِي الصَّلَاةِ وَمَا يُكْرَهُ مِنْ تَسْوِيَتِهِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۰۳/۳ حدیث ۸۳۷ باب هیئة جلسة التشهدین والاشارة

حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در تشهُّد می‌نشستند دست چپ مبارک خویش را بر روی زانوی چپ مبارک می‌نهادند و دست راست مبارک را بر روی زانوی راست مبارک می‌گذاشتند، و انگشتان دست را بند فرموده به شکل «۵۳» می‌ساختند و با انگشت شهادت اشاره می‌کردند.(۱)



عدد پنجاه‌وسه ۵۳ به این صورت ساخته می‌شود که نمازگزار سه انگشت دست راست (انگشت کوچک، انگشت حلقه و انگشت میانی) را خم کرده و سرِ آنها را به کف دست برساند، سرِ انگشت شست را بر خطِ بند انگشت شهادت/اشاره قرار دهد و انگشت شهادت را باز نگه دارد.

ملا علی بن سلطان محمد القاری الهروی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۱۰۱٤ ه.ق) می‌نویسد:

(ثَلَاثَةً وَّخَمْسِينَ) وَهُوَ أَنْ يَعْقِدَ الْخِنْصَرَ وَالْبِنْصَرَ وَالْوُسْطٰى، وَيُرْسِلَ الْمُسَبِّحَةَ، وَيَضُمَّ الْإِبْهَامَ إِلٰى أَصْلِ الْمُسَبِّحَةِ.

ترجمه: روش/طریقۀ بستن عدد پنجاه‌وسه این است که نمازگزار انگشت کوچک، انگشت حلقه و انگشت وسط را خم کند، انگشت اشاره را باز بگذارد و شست را به بند انگشت اشاره بچسباند.(۲)

در وقت اشاره انگشت مُکرَّراً حرکت داده نشود:

۳۲۶ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُشِيرُ بِأُصْبُعِهِ إِذَا دَعَا، وَلَا يُحَرِّكُهَا.

ترجمه: حضرت عبد الله بن زبیر رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۵۸۰ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ صِفَةِ الْجُلُوسِ فِي الصَّلَاةِ وَكَيْفِيَّةِ وَضْعِ الْيَدَيْنِ عَلَى الْفَخْذَيْنِ

(۲) مرقاة المفاتیح شرح مشكوٰة المصابیح للقاری: ۵۷۳/۲ کتاب الصلاة؛ باب التشهد

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم با انگشت مبارک اشاره می‌فرمودند و آن را (مکرراً) حرکت نمی‌دادند.[1]

انگشت شهادت را تا پایان نماز بدون حرکت گشوده نگهدارند:

﴿۳۲۷﴾ عَن عَاصِمُ بْنُ كُلَيْبٍ الجَرْمِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُصَلِّي وَقَدْ وَضَعَ يَدَهُ الْيُسْرَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى، وَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى وَقَبَضَ أَصَابِعَهُ وَبَسَطَ السَّبَّابَةَ، وَهُوَ يَقُولُ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

ترجمه: حضرت عاصم بن کُلَیْبؒ از پدر خود (کُلَیب الجَرْمیؒ)، و او از پدر خود (شهاب بن مجنون رضی‌الله‌عنه) روایت می کند که حضرت شهاب بن مجنون رضی‌الله‌عنه فرمود: چون به خدمت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر شدم آنحضرت ﷺ در حال ادای نماز بودند، و دست چپ مبارک خویش را بر روی ران چپ خویش و دست راست مبارک خویش را بر روی ران راست خویش نهاده بودند. آنحضرت ﷺ دست راست مبارک را قبضه فرموده و انگشت شهادت/اشارهٔ مبارک را باز نموده بودند و این دعاء را می خواندند: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

ترجمهٔ دعاء: ای گردانندهٔ دل‌ها، دل مرا بر دین خود استوار بدار.[2]



دعاء در تشهُّد بعد از درود شریف و نزدیکِ وقت سلام خوانده می‌شود. و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آن زمان نیز انگشت شهادت/اشاره را باز

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۲۷۰ كِتَابُ السَّهْوِ؛ بَابُ بَسْطِ الْيُسْرَى عَلَى الرُّكْبَةِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۹۸۹ كِتَاب الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؛ بَابُ الْإِشَارَةِ فِي التَّشَهُّدِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۱۲/۳ حدیث ۸۴۳ باب هيئة جلسة التشهدين والاشارة
(۲) جامع الترمذی: حدیث ۳۵۸۷ أَبْوَابُ الدَّعَوَاتِ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

نهاده بر همان حال ثابت نگهداشته بودند. از اینجا ثابت می گردد که انگشت شهادت تا آخر نماز بایست باز گذاشته شود. چنانچه حضرت حکیم الامت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۳۶۲ ه.ق) می نویسد:

قُلْتُ فِيْهِ اِدَامَة إِشَارَةِ التَّشَهُّدِ إِلَى آخِرِ الصَّلَوةِ.

ترجمه: من می گویم که این حدیث ثابت می گرداند که انگشت شهادت /اشاره را باید تا آخر نماز بر حالت خود باقی گذاشت.[1]

هنگام تشهُّد، نگاه از انگشت شهادت پیشتر نرود:

﴿۳۲۸﴾ عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ أَبِيهِ... قَالَ: لَا يُجَاوِزُ بَصَرُهُ إِشَارَتَهُ.

ترجمه: حضرت عامر بن عبد الله بن زبیر از پدر بزرگوار خویش حضرت عبد الله بن زبیر رضي الله عنه روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در حال ادای نماز مشاهده نمود و نگاه آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم از اشارهٔ آنحضرت پیشتر نمی‌رفت.[2]

تشهُّد خُفیه / آهسته خوانده می‌شود:

﴿۳۲۹﴾ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْفِيَ التَّشَهُّدَ.

ترجمه: عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: سنّت این است که تشهُّد را باید خُفیه/آهسته خواند.[3]

(۱) الثواب الحلی علی جامع الترمذی للتهانوی: ۱۹۹/۲ ابواب الدعوات عن رسول الله صلی الله علیه وآله

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۹۹۰ كِتَاب الصَّلَاةِ، بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ الْإِشَارَةِ فِي التَّشَهُّدِ ا سنن النسائی: حدیث ۱۲۷۵ كِتَابُ السَّهْوِ، مَوْضِعُ الْبَصَرِ عِنْدَ الْإِشَارَةِ وَتَحْرِيكِ السَّبَّابَةِ ا إعلاء السنن للتهانوی: ۱۱۱/۳ حدیث ۸۴۲ باب هیئة جلسة التشهدین والاشارة

(۳) جامع الترمذی: حدیث ۲۹۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه وآله، بَابُ مَا جَاءَ أَنَّهُ يُخْفِي التَّشَهُّدَ ا سنن ابی داؤد: حدیث ۹۸۶ كِتَاب الصَّلَاةِ، بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، بَابُ إِخْفَاءِ التَّشَهُّدِ ا سنن النسائی: حدیث ۱۵۶۱ كِتَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ، الصَّلَاةُ قَبْلَ الْإِمَامِ يَوْمَ الْعِيدِ ا المستدرک للحاکم: ۳۵۴/۱ حدیث ۸۳۸ كِتَابُ الطَّهَارَةِ ا إعلاء السنن للتهانوی: ۱۲۵/۳ حدیث ۸۵۴ باب التشهد و وجوبه



تکبیر گویان از قعدهٔ اولی برخاستن:

﴿۳۳۰﴾ عَنْ مُطَرِّفٍ قَالَ: صَلَّيْتُ أَنَا وَعِمْرَانُ، صَلاةً خَلْفَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، فَكَانَ إِذَا سَجَدَ كَبَّرَ وَإِذَا رَفَعَ كَبَّرَ، وَإِذَا نَهَضَ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ كَبَّرَ.

ترجمه: حضرت مُطَرِّف (بن عبد الله بن الشِّخِّير العامری) رحمه‌الله روایت می‌گوید که من و حضرت عِمْران بن حُصَیْن رضی‌الله‌عنه به اقتدای حضرت علی ابن ابی طالب رضی‌الله‌عنه نماز خواندیم. هنگامی که حضرت علی رضی‌الله‌عنه به سجده می‌رفت تکبیر می‌گفت و هنگامی که سر از سجده بر می‌داشت تکبیر می‌گفت، و هنگامی که بعد از دو رکعت برمی‌خاست باز تکبیر می‌گفت.[۱]

در شروع رکعت سوم نیز رفع یدین نیست:

﴿۳۳۱﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِصَلَاةِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: فَقَامَ فَرَفَعَ يَدَيْهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ لَمْ يُعِدْ.

ترجمه: حضرت عبد الله (بن مسعود) رضی‌الله‌عنه فرمودند: آیا شما را آگاه نسازم که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چگونه نماز می‌خواندند؟ راوی (حضرت علقمه رحمه‌الله) می‌گوید: آنگاه ایشان قیام کردند، و در بار اول (در وقت تکبیر تحریمه) رفع یَدَین کردند و پس از آن (در سراسر نماز) دیگر رفع یَدَین نکردند.[۲]

﴿۳۳۲﴾ عَنْ رَوْحِ بْنِ أَبِي الْحَرْشِ سَمِعْتُ أَبَا حَنِيْفَةَ يَقُوْلُ الشَّعْبِيُّ يَقُوْلُ: سَمِعْتُ الْبَرَاءَ بْنَ عَازِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۶ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ يُكَبِّرُ وَهُوَ يَنْهَضُ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ | صحیح البخاری: حدیث ۷۸۶ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ إِتْمَامِ التَّكْبِيرِ فِي السُّجُودِ

(۲) سنن النسائی: حدیث ۱۰۲۷ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۴۸ | جامع الترمذی: حدیث ۲۵۷

وَسَلَّمَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ مَنْكِبَيْهِ، لَا يَعُودُ يَرْفَعُهُمَا حَتَّى يُسَلِّمَ مِنْ صَلَاتِه.

ترجمه: از رَوح بن ابی الحَرْش روایت است که من از امام ابوحنیفه رحمه‌الله شنیدم که می‌فرمود: امام شعبی رحمه‌الله می‌گفتند: من از حضرت بَراء بن عازِب رضی‌الله‌عنه شنیدم که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آغاز نماز رفع یَدَین می‌کردند، در آن (بند) دست‌های مبارک خویش را برابر با شانه‌های مبارک خویش بالا می‌بردند و آنگاه تا سلامِ نماز را نمی‌دادند، دوباره رفع یَدَین نمی‌کردند.[1]

﴿۳۳۳﴾ عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ كَانَ لَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ حِينَ يَقُومُ فِي الرَّكْعَةِ وَفِي الثَّالِثَةِ حِينَ يَرْفَعُ مِنَ السُّجُودِ.

ترجمه: حضرت سالم فرزند حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که پدرش حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما در داخل نماز در هنگام رکوع و در هنگام برخاستن از سجده در رکعت سوم رفع یَدَین نمی‌کرد.[2]

امام و منفرد در دو رکعت آخری فرض تنها سورهٔ فاتحه را بخوانند:

﴿۳۳۴﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

---

(۱) مسند ابی حنیفه بروایة ابی نعیم: ص۱۵۶ حدیث ۲۳۵ | سنن ابي داؤد: ۲۰۰/۱ حديث ۷۵۲ أَبْوَابُ تَفْرِيع اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ لَمْ يَذْكُرِ الرَّفْعَ عِنْدَ الرُّكُوعِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۱۳/۱ حدیث ۲۴۴۰ كِتَابُ الصَّلَوَاتِ؛ مَنْ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۲۴/۱ حدیث ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ و۱۳۴۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ لِلرُّكُوعِ وَالتَّكْبِيرِ لِلسُّجُودِ وَالرَّفْعِ مِنَ الرُّكُوعِ هَلْ مَعَ ذَلِكَ رَفْعٌ أَمْ لَا؟ | المدونة الكبرى: ۱۷۷/۱ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي الرُّكُوعِ وَالْإِحْرَامِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۸۵/۳ حدیث ۸۲۷ باب ترک رفع الیدین فی غیر الافتتاح | معارف السنن للبنوری: ۲/ ۴۸۹ تا ۴۹۳ حدیث البراء فی ترک الرفع ...

(۲) حديث علي بن حجر السعدي عن إسماعيل بن جعفر المدني (توفی۱۸۰ه.ق): ص ۳۵۹ و ۳۶۰ حدیث ۳۰۳

وَسَلَّمَ كَانَ يَقْرَأُ فِي الظُّهْرِ فِي الأُولَيَيْنِ بِأُمِّ الكِتَابِ، وَسُورَتَيْنِ، وَفِي الرَّكْعَتَيْنِ الأُخْرَيَيْنِ بِأُمِّ الكِتَابِ.

ترجمه: از حضرت ابو قَتاده (حارث بن رِبْعِی سَلَمی) ﷛ روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در دو رکعت اولی نماز ظهر، سورۀ فاتحه و دو سورۀ دیگر را می‌خواندند و در دو رکعت آخری آن، فقط سورۀ فاتحه را می‌خواندند.(۱)


فایده

جواز اکتفاء بر گفتن سبحان الله یا سکوت در دو رکعت آخری فرض:

برای امام و نمازگزارِ منفرد، خواندن سورۀ فاتحه در دو رکعت آخری نماز های فرض سنت است، نه واجب. بنابراین اگر کسی در رکعت سوم نماز مغرب/شام، یا در دو رکعت آخری سایر نمازهای فرض، سورۀ فاتحه را نخواند و به جای آن سه بار «سبحان الله» بگوید یا چیزی نخوانَد و به اندازۀ گفتن سه بار «سبحان الله» ساکت بایستد، نماز او صحیح می‌باشد.

﴿۳۳۵﴾ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: كَانَ - يَعْنِي عَلِيًّا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - يَقْرَأُ فِي الْأُولَيَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأُمِّ الْقُرْآنِ وَسُورَةٍ، وَلَا يَقْرَأُ فِي الْأُخْرَيَيْنِ.

ترجمه: از عُبید الله بن ابی رافعؒ روایت است که حضرت علی ﷛ در دو رکعت اول نماز ظهر و عصر، سورۀ فاتحه و سوره‌ای دیگر می‌خواندند، اما در دو رکعت آخری قرائت نمی‌کردند.(۲)

﴿۳۳۶﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَكَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ إِذَا كَانَ إِمَامًا قَرَأَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ، وَلَا يَقْرَأُ فِي الْأُخْرَيَيْنِ بِشَيْءٍ.

ترجمه: امام ابراهیم نَخَعی رحمه‌الله می‌فرماید که حضرت عبدالله بن

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۷۶ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابٌ: يَقْرَأُ فِي الْأُخْرَيَيْنِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۵۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ
(۲) مصنف عبد الرزاق: ۶۵/۲ حدیث ۲۶۵۸ باب كيف القراءة في الصلاة وهل يقرء ببعض السورة؟

مسعود رضی‌الله‌عنه هنگامی که امام می‌شدند، در دو رکعت اول قرائت می کردند، ولی در دو رکعت آخری چیزی نمی خواندند.[1]

﴿۳۳۷﴾ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ عَلِيٍّ، وَعَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُمَا قَالَا: اقْرَأْ فِي الْأُولَيَيْنِ، وَسَبِّحْ فِي الْأُخْرَيَيْنِ.

ترجمه: از امام ابو اسحاق (عمرو بن عبد الله السبیعی) رحمه‌الله روایت است که حضرت علی و حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنهما می‌فرمودند: در دو رکعت اول (نماز فرض) قرائت کن و (اگر می خواهی) در دو رکعت آخری تسبیح بگو.[2]



قعدۀ اخیر نماز

﴿۳۳۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا إِذَا جَلَسْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ قُلْنَا: اَلسَّلَامُ عَلَى اللهِ قَبْلَ عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلٰى فُلَانٍ وَفُلَانٍ، فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَقُولُوا اَلسَّلَامُ عَلَى اللهِ، فَإِنَّ اللهَ هُوَ السَّلَامُ وَلٰكِنْ إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلِ: التَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: هنگامی که با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز (در تشهُّد) می‌نشستیم، می گفتیم:

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی: ۵۶۸/۴ حدیث۹۲۱۱
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۲۶۶/۳ حدیث ۳۷۶۳ مَنْ كَانَ يَقُولُ: سَبِّح فِي الْأُخْرَيَيْنِ وَلاَ يَقْرَأُ

سلام بر الله قبل از بندگانش، سلام بر فلان و فلان. حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: نگوئید سلام بر الله، زیرا الله خود «سلام»[1] است؛ بلکه هرگاه یکی از شما برای تشهُّد نشست، بگوید:

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.[2]

﴿۳۳۹﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم التَّشَهُّدَ فِي وَسَطِ الصَّلَاةِ وَفِي آخِرِهَا.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم تشهُّد خواندن در وسط نماز و در آخر نماز را به من تعلیم دادند.[3]

تَوَرُّک نکردن:

نشستن بر روی سرین (بر زمین) در هنگام تشهُّد را «تَوَرُّك» می گویند. «تَوَرُّك» در احادیث شریف نفی شده است. در احادیث شریف وارد است که مردان پای راست خود را ایستاده نمایند و پای چپ خود را خوابانیده بر روی آن بنشینند.

﴿۳۴۰﴾ عَن عَبْدُ اللهِ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا... وَقَالَ: إِنَّمَا سُنَّةُ الصَّلَاةَ أَنْ تَنْصِبَ رِجْلَكَ الْيُمْنَي وَتَثْنِيَ الْيُسْرَي.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: سنَّت در

---

(۱) یعنی سلام در حقیقت یک دعا است و الله تعالی نیازی به چنین دعائی ندارد؛ زیرا او خود بخششگر سلامتی به سراسر هستی است، و او از هر آفت و دگرگونی پاک و منزَّه می‌باشد. مؤلّف

(۲) سنن أبي داود: حديث ۹۶۸ باب التشهُّد | صحيح البخاری: ۱۶۶/۱ حديث ۸۳۱ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ التَّشَهُّدِ فِي الْآخِرَةِ | صحيح مسلم: ۳۰۱/۱ حديث ۴۰۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّشهُّدِ فِي الصَّلَاةِ

(۳) مسند احمد: ۳۹۲/۷ حديث ۴۳۸۲ مُسْنَدُ الْمُكْثِرِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ؛ مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ

(قعدهٔ) نماز این است که پای راست را ایستاده کنی و پای چپ را هموار/پهن بگردانی.(۱)

﴿۳۴۱﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَفْتِحُ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ، وَالْقِرَاءَةَ بِالْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... وَكَانَ يَفْرِشُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَيَنْصِبُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى.

ترجمه: از اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را با اللهُ اَکْبَرْ شروع می‌فرمودند، و قرائت را با اَلْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... و (در تشهُّد) پای چپ مبارک را هموار/پهن می کردند و پای راست را ایستاه می‌نمودند.(۲)



زنان به «تَوَرُّك» حکم شده اند. تفصیلات آن در آینده می آید.

خواندن درود شریف:

﴿۳۴۲﴾ فَضَالَةَ بْنَ عُبَيْدٍ، يَقُولُ: سَمِعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ لَمْ يُمَجِّدِ الله، وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَجِلْتَ أَيُّهَا الْمُصَلِّي، ثُمَّ عَلَّمَهُمْ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَسَمِعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يُصَلِّي، فَمَجَّدَ الله وَحَمِدَهُ، وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ادْعُ تُجَبْ، وَسَلْ تُعْطَ.

ترجمه: حضرت فَضَاله بن عُبَيْد رحمه‌الله روایت می‌کند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم صدای مردی را شنیدند که در نماز دعاء می‌خواست،

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۲۷ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ سُنَّةِ الجُلُوسِ فِي التَّشَهُّدِ | سنن النسائی: حدیث ۱۱۵۷ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ بَابُ كَيْفَ الْجُلُوسُ لِلتَّشَهُّدِ الْأَوَّلِ
(۲) صحیح مسلم: حدیث ۴۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَجْمَعُ صِفَةَ الصَّلَاةِ وَمَا يُفْتَتَحُ بِهِ وَيُخْتَمُ بِهِ...

لیکن نه حمد خدا را گفت و نه بر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم درود فرستاد. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به او فرمودند: ای نمازخوان، تو عجله کردی. آنگاه آنحضرت ﷺ مردم را تعلیم دادند (تا در نماز نخست حمد و ثنای خدا را بگویند و سپس بر نبی کریم ﷺ درود بفرستند.)

سپس آنحضرت ﷺ صدای شخص دیگری را شنیدند که در نماز حمد و بزرگی خداوند را بیان می‌کرد و بر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم درود می‌فرستاد. آنحضرت ﷺ فرمودند: دعاء کن، دعایت قبول می‌شود، و بخواه، خداوند عطایت می‌کند.(۱)

الفاظ درود شریف:

﴿۳۴۳﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنَ أَبِي لَيْلٰى قَالَ: لَقِيَنِيْ كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ فَقَالَ: أَلَا أُهْدِيْ لَكَ هَدِيَّةً سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقُلْتُ: بَلٰى. فَأَهْدِهَا لِي فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْنَا: يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ! كَيْفَ الصَّلٰوةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَإِنَّ اللّٰهَ قَدْ عَلَّمَنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ؟ قَالَ: قُوْلُوْا: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

ترجمه: عبد الرحمن ابن ابی لیلیٰ روایت می‌کند که حضرت کَعْب بن عُجْرَه رضی‌الله‌عنه با من ملاقات کرد و به من گفت: آیا تحفه‌ای به تو ندهم که آن را از خود جناب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیده‌ام. گفتم: حتماً! حضرت کَعْب ؓ گفت: ما از حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم سوال کردیم که یا رسول الله ﷺ، خداوند طریقهٔ سلام گفتن بر شما را به ما

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۲۸۴ كِتَابُ السَّهْوِ؛ بَابُ التَّمْجِيدِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فِي الصَّلَاةِ

آموخته است، اما چگونه بر شما و اهل بیت درود بفرستیم؟ آنحضرت ﷺ فرمودند، چنین بگوئید:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.(۱)

ترجمهٔ درود شریف:

خدایا بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ درود بفرست چنانکه بر ابراهیم عليه السلام و آل ابراهیم عليه السلام درود فرستادی، بی‌گمان که تو ستوده صفات و در ذات خود عظیم و نسبت به بندگان بسیار احسان کننده‌ای. ای خدایا بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ برکت بفرست چنانکه بر ابراهیم عليه السلام و آل ابراهیم عليه السلام برکت فرستادی، بی‌گمان که تو ستوده صفات و در ذات خود عظیم و نسبت به بندگان بسیار احسان کننده‌ای.

دعای اختیاری بعد از تشهد:

﴿۳۴۴﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا إِذَا جَلَسْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ قُلْنَا: اَلسَّلَامُ عَلَى اللهِ قَبْلَ عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلٰى فُلَانٍ وَفُلَانٍ، فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَقُولُوا اَلسَّلَامُ عَلَى اللهِ، فَإِنَّ اللهَ هُوَ السَّلَامُ وَلٰكِنْ إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلِ: التَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ... أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. ثُمَّ يَتَخَيَّرُ مِنَ الدُّعَاءِ أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ، فَيَدْعُو.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله‌عنه می‌فرماید: هنگامی که

(۱) صحيح البخاری: حدیث ۳۳۷۰ كِتَابُ أَحَادِيثِ الأَنْبِيَاءِ؛ بَابٌ

با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز (در تشهُّد) می‌نشستیم، می‌گفتیم: سلام بر الله قبل از بندگانش، سلام بر فلان و فلان. حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: نگوئید سلام بر الله، زیرا الله خود «سلام»[(۱)] است؛ بلکه هرگاه یکی از شما برای تشهُّد نشست، بگوید:

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

و سپس نمازگزار هر دعائی را که می‌پسندد اختیار دارد بخواند.[(۲)]

الفاظ دعاء:

الله تعالی در قرآن مجید، دعای حضرت ابراهیم علیه‌السلام را ذکر فرموده است. از آنجا که در تشهد پس از درود شریف، نمازگزار اختیار دارد هر دعائی را که بخواهد بخواند، بنابراین خواندن دعای زیر یا هر دعای مأثور دیگر جایز است.

﴿۳۴۵﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.

ترجمه: ای پرودگار من، مرا و اولادۀ مرا برپا دارندۀ نماز بگردان، و ای پرودگار ما، قبول کن دعای مرا، ای پرودگار ما، ببخشا مرا و مادر و پدر مرا و مسلمانان را در روزی که برپا گردد حساب.[(۳)]

---

(۱) یعنی سلام در حقیقت یک دعا است و الله تعالی نیازی به چنین دعائی ندارد؛ زیرا او خود بخششگر سلامتی به سراسر هستی است، و او از هر آفت و دگرگونی پاک و منزَّه می‌باشد. مؤلّف

(۲) سنن أبي داود: حديث ۹۶۸ باب التشهُّد | صحيح البخاري: ۱۶۶/۱ حديث ۸۳۱ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ التَّشَهُّدِ فِي الآخِرَةِ | صحيح مسلم: ۳۰۱/۱ حديث ۴۰۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّشهُّدِ فِي الصَّلَاةِ

(۳) سُورَةَ إبراهيم: آيةَ ۴۰ و ۴۱



﴿۳۴۶﴾ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلِّمْنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلاَتِي، قَالَ: قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ.

ترجمه: از حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه روایت است که ایشان به خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم عرض نمود که یا رسول الله ﷺ! دعائی به من بیاموزانید تا در نماز با آن دعاء بخواهم. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: این دعا را بخواه:

اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ.(۱)

ترجمهٔ دعاء : یا الهی! من بر خود بسیار ظلم کرده‌ام و جز تو هیچ کسی نیست که گناهان را ببخشاید، پس مرا از نزد خود بخشایش خاص عطا فرما و بر من رحم بنما که یقیناً تنها تو بخشایندهٔ مهربانی.(۲)



سلام

ختم نماز با سلام:

﴿۳۴۷﴾ عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَفْتِحُ

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۳۴ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ قَبْلَ السَّلاَمِ | صحیح مسلم: حدیث ۲۷۰۵ کتاب الذِّكْرِ وَالدُّعَاءِ وَالتَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ خَفْضِ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ

(۲) ویا می‌تواند این دعای قرآنی را بخواند: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ. ترجمه: الهی! ما را در دنیا نیکی عنایت بفرما و همچنین در آخرت خوبی عنایت کن. مترجم



الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ... وَكَانَ يَخْتِمُ الصَّلَاةَ بِالتَّسْلِيمِ.

ترجمه: از أُمُّ المؤمنين حضرت عائشهٔ صديقه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را با تکبیر شروع می‌کردند و با سلام پایان می‌دادند.(۱)

الفاظ سلام:

﴿۳۴۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ يَسَارِهِ: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سمت راست و سمت چپ سلام می‌دادند (و می گفتند): اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ.(۲)

کیفیت سلام:

﴿۳۴۹﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكَبِّرُ فِي كُلِّ خَفْضٍ وَرَفْعٍ، وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ، وَيُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ شِمَالِهِ: اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، حَتَّى يُرَى بَيَاضُ خَدِّهِ، وَرَأَيْتُ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا يَفْعَلَانِ ذَلِكَ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: من رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را (در نماز) دیدم که در هر بالا و پائین شدن و ایستادن

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۴۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَجْمَعُ صِفَةَ الصَّلَاةِ وَمَا يُفْتَتَحُ بِهِ وَيُخْتَمُ بِهِ، وَصِفَةَ الرُّكُوعِ وَالِاعْتِدَالِ مِنْهُ...

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۲۹۵ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّسْلِيمِ فِي الصَّلَاةِ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۷۰/۱ حدیث ۱۶۲۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ, كَيْفَ هُوَ؟ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۷۹/۳ حدیث ۸۹۸ باب وجوب الخروج من الصلوة بالسلام وبیان کیفیته

و نشستن، تکبیر می‌گفتند. و آنحضرت ﷺ به سمت راست و به سمت چپ سلام می‌دادند (و می‌گفتند): اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ، حتی که سفیدی رخسار مبارک دیده می‌شد. و من حضرت ابو بکر صدیق رضی‌الله‌عنه و حضرت عمر رضی‌الله‌عنه را دیدم که ایشان نیز این چنین می‌کردند.[۱]

﴿۳۵۰﴾ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كُنْتُ أَرَى رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ يَسَارِهِ، حَتَّى أَرَى بَيَاضَ خَدِّهِ.

ترجمه: حضرت عامر بن سَعْد رحمه‌الله از پدر بزرگوار خود حضرت سَعْد بن وقاص رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که من رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را می‌دیدم که (در نماز) به سمت راست و به سمت چپ خود سلام می دادند، حتی که من سفیدی رخسار مبارک ایشان را نیز مشاهده می‌کردم.[۲]

مقتدیان همراه سلام امام سلام بدهند:

﴿۳۵۱﴾ عَنْ عِتْبَانَ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ صَلَّيْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمْنَا حِينَ سَلَّمَ.

ترجمه: از حضرت عِتْبان بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که ما در معیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز خواندیم و به محض آنکه حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم سلام دادند ما نیز سلام دادیم.[۳]

﴿۳۵۲﴾ وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا يَسْتَحِبُّ إِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ أَنْ يُسَلِّمَ

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۳۱۹ كِتَابُ السَّهْوِ؛ كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى الْيَمِينِ؟ | سنن النسائی: حدیث ۱۱۴۲ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ عِنْدَ الرَّفْعِ مِنَ السُّجُودِ | سنن النسائی: ۲/۲۰۵ حدیث ۱۰۸۳ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ لِلسُّجُودِ

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۵۸۲ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ السَّلَامِ لِلتَّحْلِيلِ مِنَ الصَّلَاةِ عِنْدَ فَرَاغِهَا وَكَيْفِيَّتِهِ

(۳) صحیح البخاری: حدیث ۸۳۸ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ يُسَلِّمُ حِينَ يُسَلِّمُ الْإِمَامُ

مَنْ خَلْفَهُ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا می‌پسندید که مقتدی همراه با سلام امام، سلام بدهد.[1]

چشم ها را در دوران نماز نبندید:

﴿۳۵۳﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلَا يَغْمِضْ عَيْنَيْهِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهمَا روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه کسی از شما نماز می‌خواند، چشم‌هایش را نبندد.[2]

مراعات تعدیل ارکان:

«تعدیلِ ارکان» یعنی اینکه در هنگامِ نمازْ ارکانِ نماز به‌گونه‌ای با اطمینان ادا شود که هر عضو بدن در جای خود ثابت و آرام قرار گیرد.

﴿۳۵۴﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَدَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَالَ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ

---

(۱) صحیح البخاری: قبل حدیث ۸۳۸ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ يُسَلِّمُ حِينَ يُسَلِّمُ الإِمَامُ

(۲) المعجم الکبیر للطبرانی: ۳۴/۱۱ حدیث ۱۰۹۵۶ بَابُ الْعَيْنِ؛ طَاوُسٌ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۳۵۶/۲ حدیث ۲۲۱۸ بَابُ الْأَلِفِ؛ مَنِ اسْمُهُ أَحْمَدُ | المعجم الصغیر للطبرانی: ۳۷/۱ حدیث ۲۴ بَابُ الْأَلِفِ؛ مَنِ اسْمُهُ أَحْمَدُ | کنز العمال للهیثمی: ۵۱۵/۷ حدیث ۲۰۰۲۷ و ۵۲۸/۷ حدیث ۲۰۰۹۷ | جمع الفوائد من جامع الأصول ومجمع الزّوائد: ۲۶۹/۱ حدیث ۱۶۴۰ کتاب الصلاة؛ الأفعال الممتنعة في الصلاة والجائزة | مجمع الزوائد للهیثمی: ۸۳/۲ حدیث ۲۴۵۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَغْمِيضِ الْبَصَرِ فِي الصَّلَاةِ | الجامع الصغیر وزیاداته للسیوطی: حدیث ۱۶۳۰

لَمْ تُصَلِّ ثَلَاثًا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ فَمَا أُحْسِنُ غَيْرَهُ، فَعَلِّمْنِي، قَالَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ افْعَلْ ذَٰلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم وارد مسجد شدند. مردی نیز وارد شد و نماز خواند، سپس آمده و به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم سلام داد. آنحضرت ﷺ جواب سلام او را دادند و فرمودند: بازگرد و نماز بخوان، زیرا تو (درست) نماز نخوانده‌ای. او بازگشت و نماز خواند، سپس آمده و سلام داد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دوباره فرمودند: بازگرد و نماز بخوان، زیرا تو (درست) نماز نخوانده‌ای. این ماجرا سه بار تکرار شد. آن مرد سرانجام گفت: سوگند به آن ذاتی که شما را به حق فرستاده است، غیر از این روشِ (نماز، طریقهٔ دیگری را) نمی‌دانم؛ پس (طریقهٔ درست نماز را) به من بیاموزید. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه برای نماز برخاستی، تکبیر بگو، سپس هر مقدار از قرآن که برایت آسان است بخوان، سپس رکوع کن و با اطمینان رکوع را انجام بده، سپس سر را بلند کن و به اطمینان راست ایستاده شو، سپس به سجده برو و سجده را با اطمینان انجام بده، سپس سر از سجده بردار و با اطمینان بنشین، سپس دوباره با اطمینان سجدهٔ دوم را انجام بده. تمام نماز را به همین صورت اداء بکن.(۱)

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۹۳ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ أَمْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي لَايُتِمُّ رُكُوعَهُ بِالإِعَادَةِ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ...


اذکار و ادعیه





ذکر و اذکار:

در مورد اوراد و اذکار بعدِ سلام، برحسب مواقع مختلف، اوراد و اذکار مختلفی از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت شده است:

﴿۳۵۵﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ: ... أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلَى، وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ، فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالُوا: يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّى، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ، وَيُعْتِقُونَ وَلَا نُعْتِقُ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفَلَا أُعَلِّمُكُمْ شَيْئًا تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ؟ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ. قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: تُسَبِّحُونَ، وَتُكَبِّرُونَ، وَتَحْمَدُونَ، دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً. قَالَ أَبُو صَالِحٍ: فَرَجَعَ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: سَمِعَ إِخْوَانُنَا أَهْلُ الْأَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا، فَفَعَلُوا مِثْلَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ذَلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه می‌فرماید؛ فقرای مهاجرین به خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر شده عرض کردند که یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم! پولداران/ثروتمندان در حصول درجات بلند و نعمات بهشت بر ما پیشی گرفته‌اند. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم پرسیدند چگونه؟ گفتند: آنان همان‌گونه که ما نماز می‌خوانیم نماز می‌خوانند و همان‌گونه که



ما روزه می‌گیریم روزه می‌گیرند؛ اما آنان صدقه می‌دهند و ما توان صدقه را نداریم و آنان برده آزاد می‌کنند و ما توان آزادکردن برده نداریم. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: آیا شما را چیزی بیاموزانم تا توسط آن به سبقت گیرندگان برسید و کسی نیز به شما نرسد، مگر آنکسی که همین عمل را انجام بدهد. گفتند یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم حتماً آن را به ما بیاموزانید. آنحضرت ﷺ فرمودند: بعد از هر نماز ۳۳ مرتبه سُبْحَانَ اللهِ، ۳۳ مرتبه اَلحَمْدُ لِلهِ و ۳۳ مرتبه اللهُ أَكْبَرُ بخوانید.

حضرت ابو صالح رحمه‌الله می افزاید: (چند روز بعد) فقرای مهاجرین دوباره به خدمت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر شدند و گفتند: برادران پولدار ما برآنچه که ما می کردیم آگاه شدند و آنها نیز شروع به انجام آن کردند. آنحضرت ﷺ فرمودند: این فضل الهی است، به هر کس که بخواهد عطاء می‌فرماید.[1]

﴿۳۵۶﴾ عَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ، عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيبُ قَائِلُهُنَّ- أَوْ فَاعِلُهُنَّ-: ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ تَسْبِيحَةً، وَثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ تَحْمِيدَةً، وَأَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ تَكْبِيرَةً، فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ.

ترجمه: از حضرت کَعْب بن عُجْرَه رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چند ذکر است که هر کسی آنها را پس از هر نماز بخواند هرگز محروم نمی‌گردد: ۳۳ مرتبه سُبْحَانَ اللهِ، ۳۳ مرتبه اَلحَمْدُ لِلهِ و ۳٤ مرتبه اللهُ أَكْبَرُ.[2]

﴿۳۵۷﴾ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

---

(۱) صحيح مسلم: حديث ۵۹۵ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَبَيَانِ صِفَتِهِ | صحيح البخارى: حديث ۶۳۲۹ كِتَابُ الدَّعَوَاتِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ بَعْدَ الصَّلَاةِ

(۲) صحيح مسلم: حديث ۵۹۶ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَبَيَانِ صِفَتِهِ

إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. وَفِي رواية: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

ترجمه: از حضرت ثَوْبان رضی‌الله‌عنه روایت است: هرگاه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از نماز فارغ می‌شدند، سه بار استغفار می‌گفتند و این دعا را می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

ترجمه: الهی! تو خود سرچشمۀ سلامتی هستی و سلامتی تنها از جانب توست (یعنی هر نوع امنیت و آرامش از سوی تو عطا می‌شود). بسیار پر برکت هستی، ای صاحبِ جلال و بزرگی.(۱)

و در روایت دیگر این الفاظ آمده: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.(۲)

﴿۳۵۸﴾ از حضرت مُغِیْرَه بن شُعْبَه رضی‌الله‌عنه روایت است:

عَنْ وَرَّادٍ كَاتِبِ الْمُغِيْرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ أَمْلٰى عَلَيَّ الْمُغِيْرَةُ بْنُ شُعْبَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ فِي كِتَابٍ إِلَى مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الجَدِّ مِنْكَ الجَدُّ.

ترجمه: وَرَّاد کاتبِ حضرت مُغِیْرَه بنِ شُعْبَه رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت مُغِیْرَه بنِ شُعْبَه رضی‌الله‌عنه هنگام نوشتن نامه‌ای به حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه این مطلب را به من املا کرد که: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از هر نماز فرض، این کلمات را می‌خواندند:

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۵۹۱ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ...
(۲) صحیح مسلم: حدیث ۵۹۲ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ...

شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الجَدِّ مِنْكَ الجَدُّ.[(۱)]

ترجمه: هیچ خدائی جز الله نیست، یکتاست، شریکی ندارد، پادشاهی (همهٔ جهان) از اوست، و همه حمد و ثناء او راست، و او بر همه چیز تواناست. یا الهی! اگر عطا کنی، چه کسی می‌تواند مانع شود، و اگر مانع گردی، چه کسی می‌تواند عطا کند. و ثروت شخص ثروتمند نفعی به او نمی‌رساند اگر عذابت برایش مُقَدَّر شده باشد.

﴿۳۵۹﴾ عَنْ حَبَّةَ الْعُرَنِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِيْ طَالِبٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أَعْوَادِ الْمِنْبَرِ يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِهِ الْجَنَّةَ إِلَّا الْمَوْتُ.

ترجمه: حَبَّةُ العُرَنِی از حضرت علی رضی‌الله‌عنه روایت می کند که من از حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر بالای این منبر شنیدم که می فرمودند: هر کسی آیةُ‌الکرسی را بعدِ هر نماز بخواند، بین او و دخولش به بهشت فقط موت مانع است.[(۲)]

﴿۳۶۰﴾ همین موضوع از حضرت ابو اُمامه رضی‌الله‌عنه نیز مروی است.[(۳)]

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۴۴ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ | صحیح مسلم: حدیث ۵۹۳ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَبَيَانِ صِفَتِهِ

(۲) شعب الایمان للبیهقی: ۵۶/۴ حدیث ۲۱۷۴ فصل فی فضائل السور والآیات؛ تخصیص آيَةَ الْكُرْسِيِّ بالذکر | مشکاة المصابیح مع شرح مرقاة المفاتیح للعلی القاری: ۷۷۲/۲ حدیث ۹۷۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلَاةِ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۴۸/۲ حدیث ۲۸۹۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ مِنَ الذِّكْرِ وَالدُّعَاءِ عُقَيْبَ الصَّلَاةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹۹/۳ حدیث ۹۳۳ باب یان ما یقرأ إذا فرغ من الصلوٰة

(۳) عمل الیوم واللیلة للنسائی: ص ۱۸۲ حدیث ۹۸ ثَوَاب (من قَرَأَ) آيَةَ الْكُرْسِيِّ دبر كل صَلَاة | المعجم الكبير للطبرانی: ۱۱۴/۸ حدیث ۷۵۳۲ بَابُ الصَّادِ؛ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَلْهَانِيُّ، عَنْ أَبِي أُمَامَةَ | السنن الكبرى للنسائی: ۴۴/۹ حدیث ۹۸۴۸ كِتَابُ عَمَلِ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ؛ ثَوَابُ مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۰۲/۱۰ حدیث ۱۶۹۲۲ كِتَابُ الاذكار؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْأَذْكَارِ عَقِبَ الصَّلَاةِ | آثار السنن للنیموی: ص ۱۵۸ حدیث ۴۸۱ باب فی الذکر بعد الدعاء | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۰۰/۳ حدیث ۹۳۴ باب یان ما یقرأ إذا فرغ من الصلوة

دعای بعد از نماز

دعا خواستن بعد از نماز:

﴿۳۶۱﴾ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الآخِرِ، وَدُبُرَ الصَّلَوَاتِ المَكْتُوبَاتِ.

ترجمه: حضرت ابو اُمامه (صُدَيّ بن عجلان الباهلی) رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم پرسیدند: کدام دعاء زودتر از همه قبول می‌شود؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: دعای آخر شب و دعای بعد از نمازهای فرض.(۱)

﴿۳۶۲﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الدُّعَاءُ مُخُّ العِبَادَةِ.

ترجمه: از حضرت اَنس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: دعا مغز عبادت است.(۲)

بلند بردن دست‌ها در دعاء:

﴿۳۶۳﴾ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا

(۱) جامع الترمذی: حديث ۳۴۹۹ أَبْوَابُ الدَّعَوَاتِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ، بَابٌ | السنن الكبرى للنسائی: ۴۷/۹ حديث ۹۸۵۶ كِتَابُ عَمَلِ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ | عمل اليوم والليلة للنسائی: ص ۱۸۶ حديث ۱۰۸ مَا يسْتَحبّ من الدُّعَاء دبر الصَّلَوَات المكتوبات | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹۴/۳ حديث ۹۱۹ باب يان ما يقرأ إذا فرغ من الصلوة | آثار السنن للنيموی: ص ۱۵۸ حديث ۴۸۲ باب ما جاء فی الدعاء بعد المكتوبة

(۲) جامع الترمذی: ۴۵۶/۵ حديث ۳۳۷۱ أَبْوَابُ الدَّعَوَاتِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ؛ بَاب مِنْهُ (بَاب مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الدُّعَاءِ) | المعجم الاوسط للطبرانی: ۲۹۳/۳ حديث ۳۱۹۶ | جامع الاحاديث للسيوطی: ۲/۱۳ حديث ۱۲۴۱۳ | الدعاء للطبرانی: ۲۴/۱ حديث ۸ بَابُ تَأْوِيلِ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ... | نهاية المراد من كلام خير العباد للعبد الغنی المقدسی: حديث ۵۰ و ۵۱ (مخطوط)



أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ حَيِيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحِي أَنْ يَمُدَّ أَحَدُكُمْ يَدَيْهِ إِلَيْهِ فَيَرُدَّهُمَا خَائِبَتَيْنِ.

ترجمه: از حضرت اَنس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: ای مردم! پرودگار شما با حیا و کریم است. او حیا دارد از اینکه بنده دست‌هایش را به سوی او دراز کند و او آنها را خالی برگرداند.(۱)

۳۶۴ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ اللهَ حَيِيٌّ كَرِيْمٌ يَسْتَحْيِيْ إِذَا رَفَعَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ يَدَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفرًا خَائِبَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: همانا الله تعالی باحیا و بسیار کریم است؛ وقتی بنده دست‌هایش را به سوی او بلند می‌کند، او شرم می‌دارد که آنها را تهی بازگرداند.(۲)

۳۶۵ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الدُّعَاءِ، حَتَّى يُرَى بَيَاضُ إِبْطَيْهِ.

ترجمه: حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که من حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که دست‌های مبارک خویش را در وقت دعاء آنقدر بلند می‌کردند که حتی سفیدی زیر بغل آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم

---

(۱) مسند ابی یعلی: ۱۴۲/۷ حدیث ۴۱۰۸ يَزِيدُ الرَّقَاشِيُّ؛ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۳۱/۵ حدیث ۴۵۹۱ | مسند ابن زیدان: ص ۲۹۳ حدیث ۳۸ | جمهرة الأجزاء الحديثية: ص ۲۹۳

(۲) سنن ابن ماجه: حدیث ۳۸۶۵ كِتَابُ الدُّعَاءِ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي الدُّعَاءِ | مسند احمد: ۱۱۹/۳۹ حدیث ۲۳۷۱۴ حَدِيثُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ | صحیح ابن حبان: ۱۶۰/۳ حدیث ۸۷۶ كِتَابُ الرَّقَائِقِ؛ بَابُ الْأَدْعِيَةِ؛ ذِكْرُ الْإِخْبَارِ عَمَّا يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْءِ عِنْدَ إِرَادَةِ الدُّعَاءِ رَفْعُ الْيَدَيْنِ | جامع الترمذی: حدیث ۳۵۵۶ أَبْوَابُ الدَّعَوَاتِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ؛ بَاب مِنْهُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۰۸/۳ حدیث ۹۴۴ باب فی بعض آداب الدعاء | آثار السنن للنیموی: ص ۱۵۹ حدیث ۴۸۵ باب رفع الیدین فی الدعاء



مشاهده می‌شد.[۱]

﴿۳۶۶﴾ عَنْ عُمَرَ بْنِ الخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ فِي الدُّعَاءِ، لَمْ يَحُطَّهُمَا حَتَّى يَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَهُ.

ترجمه: امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه می فرماید: عادت شریف حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم این بود که هنگامی که دست‌های مبارک را برای دعاء بلند می‌نمودند، پیش از آنکه آنها را پائین آورند، دستان خود را بر چهرهٔ/صورت مبارک شان می‌کشیدند.[۲]

﴿۳۶۷﴾ عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا دَعَا فَرَفَعَ يَدَيْهِ، مَسَحَ وَجْهَهُ بِيَدَيْهِ.

ترجمه: حضرت سائب رحمه‌الله از پدر خود (حضرت یزید بن سعید بن ثمامه رضی‌الله‌عنه) روایت می کند: هرگاه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دعا می‌نمودند، دست‌های مبارک خود را بلند می‌فرمودند و (در آخر دعاء) آنها را بر چهرهٔ مبارک خویش می کشیدند.[۳]

(۱) صحيح مسلم: حديث ۸۹۵ كِتَابُ صَلاَةِ الاِسْتِسْقَاءِ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ بِالدُّعَاءِ فِي الاِسْتِسْقَاءِ | الجمع بين الصحيحين للميورقى الحميدى: ۵۷۵/۲ حديث ۱۹۴۲ الْمُتَّفق عَلَيْهِ من مُسْند أبي حَمْزَة؛ أنس بن مَالك الْأَنْصَارِيّ رَضِي الله عَنهُ | السنن الكبرى للبيهقى: ۴۹۷/۳ حديث ۶۴۴۶ كِتَابُ صَلَاةِ الِاسْتِسْقَاءِ؛ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي دُعَاءِ الِاسْتِسْقَاءِ | صحيح ابن حبان: ۱۶۱/۳ حديث ۸۷۷ بَابُ الْأَدْعِيَةِ؛ ذِكْرُ الْإِبَاحَةِ لِلْمَرْءِ أَنْ يَرْفَعَ يَدَيْهِ عِنْدَ الدُّعَاءِ لِلَّهِ جَلَّ وَعَلَا

(۲) جامع الترمذى: حديث ۳۳۸۶ أَبْوَابُ الدَّعَوَاتِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ؛ بَاب مَا جَاءَ فِي رَفْعِ الأَيْدِي عِنْدَ الدُّعَاءِ | المعجم الاوسط للطبرانى: ۱۲۴/۷ حديث ۷۰۵۳ | مسند البزار: ۲۴۳/۱ حديث ۱۲۹ مُسْنَدُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، حَنْظَلَةُ عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُمَرَ | المنتخب من مسند عبد بن حميد لابى محمد عبد الحميد بن حميد بن نصر: ص ۴۴ حديث ۳۹ مُسْنَدُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ | الدعاء للطبرانى: ص ۸۷ حديث ۲۱۲ و ۲۱۳ مَسْحُ الرَّجُلِ وَجْهَهُ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الدُّعَاءِ | المستدرك للحاكم: ۷۱۹/۱ حديث ۱۹۶۷ كِتَابُ الدُّعَاءِ، وَالتَّكْبِيرِ، وَالتَّهْلِيلِ، وَالتَّسْبِيحِ وَالذِّكْرِ | شرح السنة للبغوى: ۲۰۴/۵ حديث ۱۴۰۰ كِتَابُ الدَّعَوَاتِ، بَابُ أَدَبِ الدُّعَاءِ وَرَفْعِ الْيَدَيْنِ فِيهِ | مسند الفاروق لابن كثير: ص ۱۸۰ كتاب الصلاة | حديث ابى الفضل الزهرى: ص ۴۹۰ حديث ۵۰۶ | إعلاء السنن للتهانوى: ۲۰۸/۳ حديث ۹۴۳ باب فى بعض آداب الدعاء

(۳) سنن ابى داؤد: ۷۹/۲ حديث ۱۴۹۲ كِتَاب الصَّلاَةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ | المعجم الكبير للطبرانى: ۲۴۱/۲۲ حديث ۶۳۱ بَابُ الْيَاءِ؛ يَزِيدُ بْنُ أُخْتِ نَمِرِ بْنِ قَاسِطٍ الْكِنْدِيُّ أَبُو السَّائِبِ

بعدِ نماز دست‌ها را بلند نموده دعا خواستن:

﴿۳۶۸﴾ عَنْ الفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّلَاةُ مَثْنَى مَثْنَى، تَشَهَّدٌ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ، وَتَخَشَّعٌ، وَتَضَرَّعٌ، وَتَمَسْكَنٌ، وَتُقْنِعُ يَدَيْكَ، يَقُولُ: تَرْفَعُهُمَا إِلَى رَبِّكَ، مُسْتَقْبِلًا بِبُطُونِهِمَا وَجْهَكَ، وَتَقُولُ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ كَذَا وَكَذَا. وقَالَ غَيْرُ ابْنِ المُبَارَكِ فِي هَذَا الحَدِيثِ: مَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهِيَ خِدَاجٌ.

ترجمه: حضرت فَضْل بن عباس رضی‌اللهعنهمَا روایت می کند که رسول الله صلی‌اللهعلیه‌وسلم فرمودند: نماز دو دو رکعت است، بعد هر دو رکعت باید تشهُّد خواند. و نماز عاجزی است، انکساری است، و اظهار مسکینی است. هر دو دستت را در حالی که کف آنها به سوی چهره‌ات باشد به سوی پرودگارت بلند کن و بگو، ای پرودگارا! ای خداوندگارا! و هر کسی اینکار را نکرد، نماز وی چنین و چنان است (یعنی ناقص و نامکمَّل است).[(۱)]

﴿۳۶۹﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَفَعَ يَدَهُ بَعْدَ مَا سَلَّمَ وَهُوَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ، فَقَالَ: اَللّٰهُمَّ خَلِّصِ الْوَلِيدَ بْنَ الْوَلِيدِ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌اللهعنه روایت می کند که رسول اکرم صلی‌اللهعلیه‌وسلم بعد سلام نماز در حالی که رو به سمت قبله داشتند دست‌های مبارک خویش را بلند نموده دعا کردند که یا الهی! ولید بن ولید را نجات بده.[(۲)]

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۳۸۵ أَبْوَابُ الصَّلَاَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّخَشُّعِ فِي الصَّلَاَةِ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۲۹۵/۱۸ حدیث ۷۵۷ بَابُ الْفَاءِ؛ رَبِيعَةُ بْنُ الْحَارِثِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ | صحیح ابن خزیمه: ۲۲۰/۲ حدیث ۱۲۱۲ بَابُ ذِكْرِ الْأَخْبَارِ الْمَنْصُوصَةِ وَالدَّالَّةِ عَلَى خِلَافِ قَوْلِ مَنْ زَعَمَ أَنَّ تَطَوُّعَ النَّهَارِ أَرْبَعًا ... | السنن الکبری للنسائی: ۳۱۷/۱ و ۳۱۸ حدیث ۶۱۸ و ۶۱۹ كِتَابُ السَّهْوِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۰۱/۳ حدیث ۹۳۸ باب بیان ما یقرأ إذا فرغ من الصلوة

(۲) تفسیر ابن ابی حاتم: ۱۰۴۸/۳ حدیث ۵۸۷۲ سورة النساء: ۹۸ قَوْلُهُ تَعَالَى: لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً | تفسیر ابن کثیر: ۳۹۰/۲ چاپ سلامه، و ۳۴۵/۲ چاپ علمیة، سورة النساء: ۹۹ قَوْلُهُ تَعَالَى: فَأُولَئِكَ عَسَى اللهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ



﴿۳۷۰﴾ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي يَحْيَى، قَالَ: رَأَيْتُ عَبْدَ اللهِ بْنَ الزُّبَيْرِ وَرَأَى رَجُلًا رَافِعًا يَدَيْهِ بِدَعَوَاتٍ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهَا، قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَكُنْ يَرْفَعْ يَدَيْهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ.

ترجمه: حضرت محمد بن ابی یَحیی رحمه‌الله روایت می کند که حضرت عبد الله بن زُبَیْر رضی‌الله‌عنه شخصی را مشاهده کرد که در دوران نماز قبل از آنکه نماز را تکمیل کند دست‌ها را بلند نموده دعاء می خواست. هنگامی که آن مرد از نماز فارغ شد، حضرت عبد الله بن زُبَیْر رضی‌الله‌عنه (به او) فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم قبلِ فراغت از نماز، دست‌های مبارک خویش را برای دعا بلند نمی کردند. (بلکه بعد از اختتام نماز، دست بلند نموده دعا می خواستند).[1]

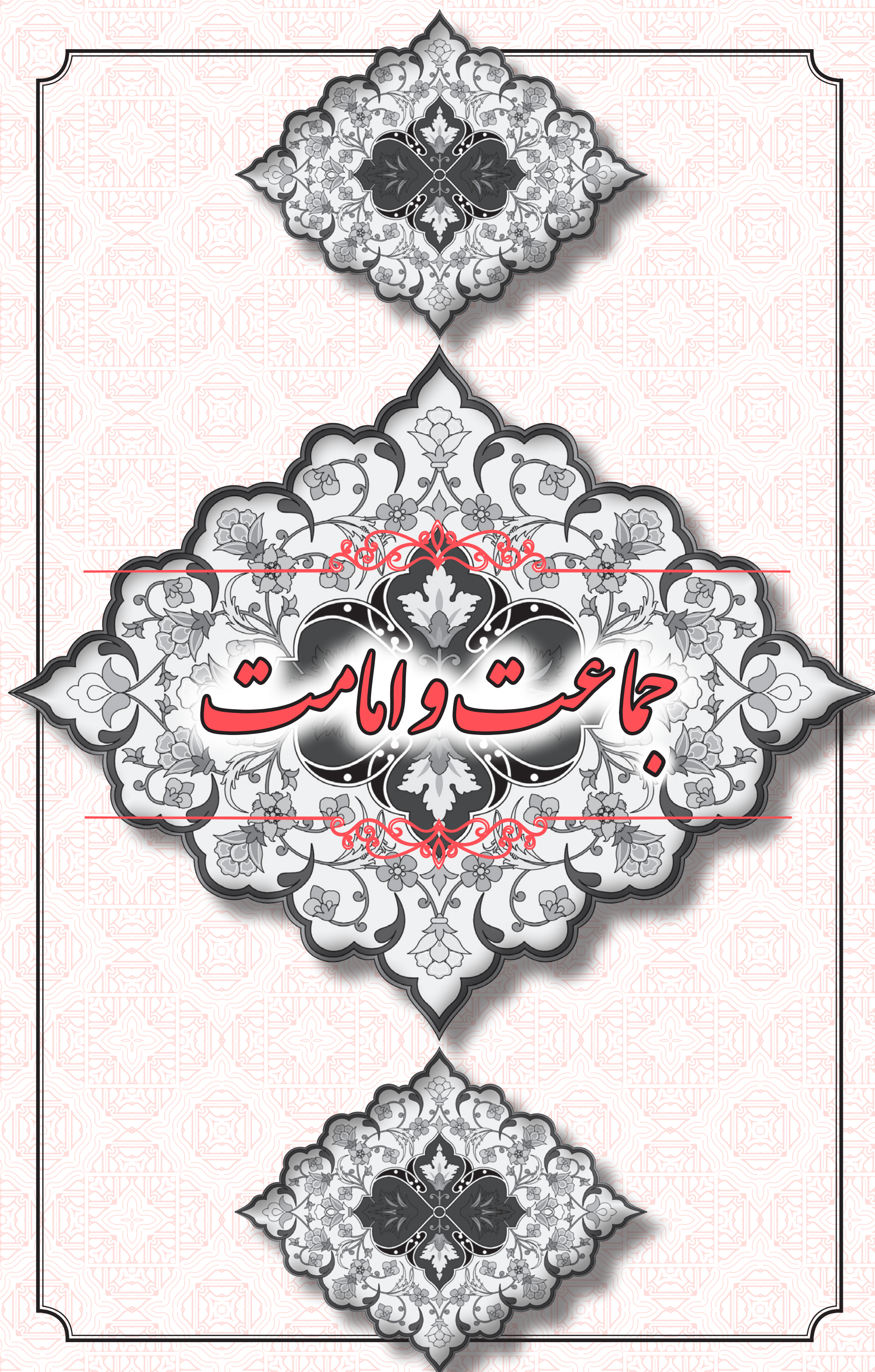
---

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۹۲/۱۳ حدیث ۳۲۴ باب العین؛ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْأَسْلَمِيُّ عَن ابْن الزُّبَيْر | المعجم الکبیر للطبرانی: ۲۶۶/۱۴ حدیث ۱۴۹۰۷ عبدُ الله بن الزُّبير بن العَوَّام | الاحادیث المختارة للمقدسی: ۳۳۶/۹ حدیث ۳۰۳ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الأَسْلَمِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الزُّبَيْرِ | جامع المسانید والسنن لابن کثیر: ۲۲۷/۵ و ۲۲۸ حدیث ۵۳۹۵ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الأَسْلَمِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الزُّبَيْرِ | مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهیثمی: ۱۶۹/۱۰ حدیث ۱۷۳۴۵ كِتَابُ الْأَدْعِيَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْإِشَارَةِ فِي الدُّعَاءِ وَرَفْعِ الْيَدَيْنِ

توجه:

برای تفاصیل بیشتر احادیث مربوط به بالا بردن دست‌ها در وقت دعاء رجوع کنید به:
إعلاء السنن للتهانوی: ۲۰۸/۳ تا ۲۲۱۰ باب فی بعض آداب الدعاء | آثار السنن للنیموی: ص ۱۵۹ باب رفع الیدین فی الدعاء | أدلّة الحنفیة من الاحادیث النبویة علی المسائل الفقهیة للبهلوی: ص ۱۸۴ باب رفع الیدین فی الدعاء. مترجم




جماعت و امامت

جماعت و امامت

فضایل نماز با جماعت:

﴿۳۷۱﴾ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِيْنَ دَرَجَةً.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز جماعت نسبت به نماز تنهائی بیست و هفت درجه فضیلت دارد.(۱)

﴿۳۷۲﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى لِلّٰهِ أَرْبَعِيْنَ يَوْمًا فِيْ جَمَاعَةٍ يُدْرِكُ التَّكْبِيْرَةَ الْأُوْلَي كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ: بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ.

ترجمه: حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس چهل روز متوالی، به‌خاطر (کسب رضای) خدا، نماز را با جماعت چنان بخواند که نماز را در تکبیر اول دریابد، برای او دو برائت نوشته می‌شود: یکی برائت از آتش جهنم و دیگری برائت از نفاق.(۲)

﴿۳۷۳﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ، قَالَ: دَخَلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ (رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ) الْمَسْجِدَ بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ، فَقَعَدَ وَحْدَهُ، فَقَعَدْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا ابْنَ

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۶۴۵ كِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ فَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ | صحیح مسلم: حدیث ۶۵۰ كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ فَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ، وَبَيَانِ التَّشْدِيدِ فِي التَّخَلُّفِ عَنْهَا

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۲۴۱ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ باب في فضل التكبيرة الأُولىٰ



أَخِي! سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ، وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ.

ترجمه: عبدالرحمٰن بن ابی عَمره رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه بعد از نماز مغرب وارد مسجد شدند و تنها نشستند. من هم نزد ایشان رفتم و نشستم. ایشان رضی‌الله‌عنه فرمودند: ای برادرزاده! من از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: هر کس نماز عشاء را با جماعت بخواند، گویا نصف شب را به نماز ایستاده است، و هر کس نماز صبح را با جماعت بخواند، گویا تمام شب را به نماز گذرانده است.(۱)

حکم نماز با جماعت:

ادای نمازهای پنج‌گانه با جماعت برای مردان واجب است یا دست‌کم سنت مُؤکَّده است، زیرا در شریعت مطهره تأکید فراوانی بر آن آمده است.

۳۷۴ ﴿وَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْا مَعَ الرّٰكِعِيْنَ﴾

ترجمه: نماز را برپا دارید، و زکات بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.(۲)

علامه سید ابو الثناء محمود آلوسی بغدادی حنفی (متوفّی ۱۲۷۰هـ.ق) رحمه‌الله در تفسیر این آیت می‌نویسد:

❁ أَيْ صَلُّوْا مَعَ الْمُصَلِّيْنَ، وَعُبِّرَ بِالرُّكُوْعِ عَنِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: منظور این است که نماز را با دیگر نمازگزاران (یعنی با جماعت) بخوانید، و کلمۀ «رکوع» در این آیه برای تعبیر از «نماز» به‌کار رفته است.(۳)

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۶۵۶ كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلاَةِ؛ بَاب فَضْلِ صَلاَةِ الْعِشَاءِ وَالصُّبْحِ فِي جَمَاعَةٍ

(۲) سورة البقره: آیت ۴۳

(۳) تفسیر روح المعانی: ۲۴۷/۱ تحت قوله تعالیٰ (وَارْكَعُوْا مَعَ الرّٰكِعِيْنَ)



۳۷۵ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ صَلَاةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ يَعْلَمُوْنَ مَا فِيْهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا، لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ اٰمُرَ الْمُؤَذِّنَ فَيُقِيْمَ ثُمَّ اٰمُرَ رَجُلًا يَؤُمُّ النَّاسَ ثُمَّ اٰخُذَ شُعَلًا مِنْ نَارٍ فَأُحَرِّقَ عَلٰى مَنْ لَا يَخْرُجُ إِلَى الصَّلَاةِ بَعْدُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هیچ نمازی بر منافقان از نماز فجر/صبح و عشاء/خُفتن سنگین‌تر نیست، و اگر می‌دانستند چه فضیلتی در این دو نماز وجود دارد، حتماً در آنها حاضر می‌شدند، حتی اگر لازم بود به‌طور خزیده بیایند. من قصد نموده بودم تا مؤذِّن را دستور دهم تا اذان بدهد، سپس شخصی را مامور کنم تا مردم را به نماز بخواند، و خودم شعله‌ای بردارم و خانهٔ کسانی را بسوزانم که هنوز برای نماز (در مسجد از خانه) خارج نشده‌اند.[۱]



امامت

چه کسی را امام بسازند:

برای امامت همان شخصی ترجیح دارد که از همه داناتر به مسائل دین باشد؛ و پس از او، کسی که قرآن کریم را بهتر حفظ دارد و حروف را درست‌تر و خوب‌تر ادا می‌کند.

۳۷۶ عَنْ أَبِيْ مُوْسٰى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ مَرِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاشْتَدَّ مَرَضُهُ فَقَالَ: مُرُوْا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ.

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۶۵۷ كتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ فَضْلِ الْعِشَاءِ فِي الْجَمَاعَةِ

ترجمه: حضرت ابو موسیٰ اشعری رضی‌الله‌عنه روایت می کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیمار شدند و بیماری ایشان شدت یافت. در این هنگام فرمودند: به ابوبکر رضی‌الله‌عنه بگوئید که مردم را در نماز امامت کند.[۱]

این دستور در دوران بیماری وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم صادر شد. حکم آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مرض وفات به آنکه حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه نماز را امامت کند، دلالت دارد بر اینکه در امامت عالِم ترین/داناترین فرد به مسائل دین ترجیح دارد، زیرا درآن زمان در بین صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم، بزرگ‌ترین قاری حضرت اُبَیّ بن کعب رضی‌الله‌عنه بود، چنانکه در روایت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه موجود است که:

❁ أُبَيٌّ أَقْرَؤُنَا.

ترجمه: اُبَیّ (بن کَعْب رضی‌الله‌عنه) در میان ما از همه داناتر به قرائت است.[۲]

با این حال، عالِم ترین/داناترین صحابی حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله عنه بودند، چنانکه در روایت حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه موجود است:

❁ وَكَانَ أَبُوْ بَكْرٍ أَعْلَمَنَا.

یعنی ابوبکر (صدیق رضی‌الله‌عنه) در میان ما (صحابه) عالِم ترین/دانا ترین فرد بودند.[۳]

پس اینکه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در موجودیت این دو بزرگوار، تنها حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه را به امامت گماشتند، دلیل روشن

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۶۷۸ کتاب الأذان؛ بَابٌ: أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْفَضْلِ أَحَقُّ بِالْإِمَامَةِ | صحیح مسلم: حدیث ۴۲۰

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۵۰۰۵ کتاب فَضَائِلُ الْقُرْآنِ؛ بَابُ الْقُرَّاءِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وسلم

(۳) صحیح البخاری: حدیث ۴۶۶ | صحیح مسلم: حدیث ۲۳۸۲ کتاب فضائل الصحابة؛ بَاب مِنْ فَضَائِلِ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ



است بر آنکه در امامت، «اعلم» یعنی عالِم‌ترین/داناترین فرد بر دیگران ترجیح دارد.



امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمه‌الله (متوفّی ۲۵۶هـ.ق) در کتاب صحیح خود بابی با این عنوان آورده است:

❁ بَابٌ أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْفَضْلِ أَحَقُّ بِالْإِمَامَةِ = اهل علم و فضل به امامت سزاوارتر اند.[1]

امام بخاری رحمه‌الله در ذیل این باب، روایت «مُرُوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ» را آورده‌است و با آن ثابت کرده‌است که حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه اعلم/داناترین صحابه بودند، لذا أَحَقُّ بِالْإِمَامَةِ، به امامت نیز شایسته‌تر و سزاوارتر هستند. بنابراین، نظر امام بخاری رحمه‌الله نیز این است که در امامت، فرد اعلم/داناتر مُقَدَّم می‌باشد، نه فرد أَقْرَء/کسی که تنها قرائت را بهتر می‌داند.

نماز ارکان فراوانی دارد. تنها در یک رکن نماز یعنی در قیام ضرورت به قرائت پیدا می‌شود؛ اما همهٔ ارکان نماز ضرورت به علم/دانش مسائل فقهی دارد. ازاین‌رو، فرد اعلم/داناتر بر فرد أَقْرَء/کسی که صرفاً قرائتش بهتر است مُقَدَّم است. زیرا ممکن است در یکی از ارکان نماز مسئله‌ای پیش آید که بیم بطلان نماز در آن برود؛ در چنین حالتی این فرد اعلم/داناتر است که می‌تواند آن را حل کند، نه أَقْرَء/کسی که فقط قرائت بهتری دارد. بنابراین، اعلم/داناتر در امامت مُقَدَّم خواهد بود.



شارح صحیح مُسْلِم، علامه محیی‌الدین ابو زکریا یحییٰ بن شرف نَوَوِی رحمه‌الله (متوفّی ۶۷۶ هـ.ق) می‌نویسد:

(۱) صحیح البخاری: کتاب الاذان، رقم الباب ۴۶



اَلْأَفْقَهُ مُقَدَّمٌ عَلَى الْأَقْرَإِ؛ لِأَنَّ الَّذِي يُحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْقِرَاءَةِ مَضْبُوْطٌ، وَالَّذِيْ يُحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْفِقْهِ غَيْرُ مَضْبُوْطٍ، وَقَدْ يَعْرِضُ فِي الصَّلَاةِ أَمْرٌ لَا يَقْدِرُ عَلٰى مُرَاعَاةِ الصَّوَابِ فِيْهِ إِلَّا كَامِلُ الْفِقْهِ. قَالُوْا: وَلِهٰذَا قَدَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبَا بَكْرٍ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْبَاقِيْنَ، مَعَ أَنَّهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَصَّ عَلٰى أَنَّ غَيْرَهُ أَقْرَأُ مِنْهُ.

ترجمه: شخص اَفْقَه/عالِمتر/داناتر به مسائل دینی بر آن کسی مُقَدَّم است که صرفاً در قرائت مهارت بیشتری دارد؛ زیرا مقدار قرائتی که در نماز لازم است، محفوظ و محدود است (یعنی سوره‌ها و آیاتی مُعَیَّن قرائت می‌شود که عموماً همه آنها را می‌دانند) اما مسائل فقهی ای که ممکن است در نماز پیش آید، نامحدود و گوناگون است (یعنی وقایع مختلفی می‌تواند رخ دهد)، و چه بسا اوقات در هنگام نماز مسئله‌ای پیش بیاید که در تشخیصِ روشِ درست و عمل بر آن، تنها کسی می‌تواند از عهده‌اش برآید که آگاهی کامل از فقه دارد. علماء گفته‌اند: بر همین اساس بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم (در دوران حیات خود) حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه را بر دیگر صحابه مُقَدَّم ساختند و دستور دادند که ایشان نماز را امامت کنند؛ با وجود آنکه خود آنحضرت ﷺ تصریح فرموده بودند افرادی وجود دارند که از نظر قرائت از حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه ماهرتر هستند.[1]

بلوغ شرط امامت است:

برای امام لازم است که بالغ باشد. امامت نابالغ جایز نیست.

(۳۷۷) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْإِمَامُ ضَامِنٌ وَالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ.

(۱) شرح صحیح مسلم للنووی: ۱۷۷/۵ باب من احق بالامامة



ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر خدا صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: امام ضامن (و مسئول مقتدیان) خود است و مؤذِّن امین است.[1]

امام تنها زمانی می‌تواند ضامن و مسئول مقتدیان خود باشد که نماز او قوی‌تر یا حدِّ اقل مساوی با نماز مقتدیان باشد. اگر نماز امام از نماز مقتدیان ضعیف‌تر بود، او نمی‌تواند ضامن آنان باشد.

نابالغ گرچه ظاهراً نماز فرض را به جا بیاورَد، ولی از نظر شرعی نماز او نافله محسوب می‌شود که در مقابل نماز فرضِ بالغ ضعیف است. بنابراین اگر نابالغ بالغان را امامت کند، این به دان معناست که حامل نماز ضعیف، مسئول/کفیل حاملین نماز قوی می‌باشد، که خلاف قاعدۀ بیان کردۀ حدیث است؛ بنابراین امامت نابالغ جایز نیست.

علاوه بر این، چون نابالغ غیر مُکلَّف است، نماز او «نماز غیر حقیقی» شمرده می‌شود، در حالی که نماز بالغ به سبب مُکلَّف بودن «نماز حقیقی» محسوب می‌شود، و قاعدۀ اصولی این است که چیز حقیقی نباید بر مبنای شیئ غیر حقیقی بنا شود. بنابراین اقتدای بالغ به نابالغ اصولاً صحیح نیست.



امام برهان‌الدین محمود بن احمد بن الصدر الشَّهید البخاری مازه رحمه‌الله (متوفّٰی ٦١٦هـ.ق) می‌نویسد:

❁ شَمْسُ الْأَئِمَّةِ السَّرْخَسِيُّ رَحِمَهُ اللّٰهُ... كَانَ يَقُوْلُ: الْإِمَامُ ضَامِنٌ، وَالصَّبِيُّ لَا يَصْلُحُ لِلضَّمَانِ، وَلِأَنَّ صَلَاةَ الْقَوْمِ صَلَاةٌ حَقِيْقِيَّةٌ، وَصَلَاةَ الصَّبِيِّ لَيْسَتْ حَقِيْقِيَّةً، وَلَا يَجُوْزُ بِنَاءُ الْحَقِيقِيِّ عَلٰى غَيْرِ الْحَقِيْقِيِّ.

ترجمه: شمس الائمة (امام محمد بن احمد بن ابی سهل) السَرَخسِی

(۱) مسند احمد: ۲۱/۷ حدیث ۷۱۶۹





رحمه‌الله می‌فرمودند: امام ضامن است و کودک اهلیت ضامن شدن را ندارد. همچنین نماز بالغین نماز حقیقی است، در حالی که نماز کودک نماز حقیقی نیست، و قاعده این است که چیزے حقیقی نباید بر غیر حقیقی بنا شود. (بنابراین امامت کودک جایز نیست).(۱)



مولانا ابو الحسنات عبد الحی لکهنوی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۱۳۰٤هـ.ق) می‌نویسد:

❁ وَصَلَاةُ الْمُقْتَدِيْ إِذَا كَانَ أَقْوٰى حَالًا مِنْ صَلَاةِ الْإِمَامِ كَانَ فَوْقَ صَلَاتِه، وَالشَّيْءُ إِنَّمَا يَتَضَمَّنُ مَا هُوَ دُونَهُ أَوْ مِثْلَهُ، لَا مَا هُوَ فَوْقَهُ.

ترجمه: اگر نماز مقتدی به اعتبار حال آن از نماز امام قوی‌تر باشد، پس آن نماز (در درجه) برتر از نماز امام قرار می‌گیرد، و چیزے می‌تواند ضامن چیز دیگری باشد که برابر یا پائین‌تر از خودش باشد، نه چیزے که بالاتر از آن است.(۲)



﴿۳۷۸﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَهَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنْ نَؤُمَّ النَّاسَ فِي الْمُصْحَفِ، وَنَهَانَا أَنْ يُؤُمَّنَا إِلَّا الْمُحْتَلِم.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه ما را منع فرمودند که با دیدن از روی قرآن امامت کنیم، و ما را دستور دادند که تنها بالغ می‌تواند که امامت کند.(۳)

﴿۳۷۹﴾ عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: لَا يَؤُمُّ الْغُلَامُ حَتّٰى تَجِبَ عَلَيْهِ

(۱) المحیط البرهانی: ۱۹۶/۲ الفصل الثالث عشر فی التراویح والوتر
(۲) حاشیة علی الهدایة للکهنوی: ۱۲۸/۱ باب الامامة
(۳) کتاب المصاحف لابن ابی داؤد: ص۷۱۱ حدیث ۷۴۷ باب هل یؤم القرآن فی المصحف



الْحُدُوْدُ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ می‌فرمایند: نابالغ امامت نکند تا آنکه به سن حدود شرعی برسد (یعنی بالغ شود).[1]



صفوف نماز

تاکید بر مُنَظَّم و مُرَتَّب ساختن صف‌ها:

﴿۳۸۰﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: ... وَأَقِيْمُوا الصَّفَّ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ إِقَامَةَ الصَّفِّ مِنْ حُسْنِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر خدا صلی الله‌علیه‌وسلم (طریقهٔ نماز جماعت را آموزش داده) فرمودند: نماز را در صف مُنَظَّم و مُرَتَّب بخوانید، زیرا مُنَظَّم و مُرَتَّب کردن صف از حُسنِ نماز است.[2]

﴿۳۸۱﴾ عَنْ أَنَسٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَوُّوْا صُفُوْفَكُمْ فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصُّفُوْفِ مِنْ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ.

ترجمه: حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: صف‌های خود را مُنَظَّم و مُرَتَّب کنید، زیرا از مُنَظَّم و مُرَتَّب کردن صف‌ها نماز تکمیل می‌گردد.[3]

(۱) نیل الاوطار للشوکانی: ۷۶/۳ باب ما جاء فی امامة الصبی
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۲۲ کتاب الأذان؛ بَابٌ: إِقَامَةُ الصَّفِّ مِنْ تَمَامِ الصَّلاَةِ
(۳) صحیح البخاری: حدیث ۷۲۳ کتاب الأذان؛ بَابٌ: إِقَامَةُ الصَّفِّ مِنْ تَمَامِ الصَّلاَةِ

نمازیان در صف به هم نزدیک بایستند:

نمازیان در صف‌ها طوری نزدیک به هم باید بایستند که فاصله‌ای بین آنها باقی نماند.

﴿۳۸۲﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَقِيْمُوا الصُّفُوْفَ فَإِنَّمَا تَصُفُّوْنَ بِصُفُوْفِ الْمَلَائِكَةِ وَحَاذُوْا بَيْنَ الْمَنَاكِبِ وَسُدُّوا الْخَلَلَ وَلِيْنُوا فِي أَيْدِيْ إِخْوَانِكُمْ وَلَا تَذَرُوْا فُرُجَاتٍ لِلشَّيْطَانِ، وَمَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَمَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللهُ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: صف‌ها را مُنَظَّم و مُرَتَّب کنید، زیرا در صف‌بندی خویش با صفوف فرشتگان مشابهت اختیار می‌کنید، شانه‌ها را باهم برابر کنید، جا های خالی (در صفوف) را پر کنید، و در دست برادران تان ملایم رفتار کنید (یعنی اگر آنان شانهٔ شما را گرفته صف را مُنَظَّم و مُرَتَّب کنند شما نیز صف را مُنَظَّم و مُرَتَّب کنید) و برای شیطان هیچ جای خالی باقی نگذارید. هر کس صفی را کامل کند، خداوند او را کامل می‌گرداند و هر کس صفی را بشکند، خداوند او را می‌شکند.[1]

﴿۳۸۳﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: رُصُّوْا صُفُوْفَكُمْ وَقَارِبُوْا بَيْنَهَا وَحَاذُوْا بِالْأَعْنَاقِ فَوَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرَى الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ مِنْ خَلَلِ الصَّفِّ كَأَنَّهَا الْحَذَفُ.

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: صف‌های خود را باهم بچسپانید و آنها را به هم نزدیک نمائید، و گردن‌ها را در موازات هم قرار دهید. قسم به ذاتی که جانم در قبضهٔ قدرت اوست، من شیطان را می‌بینم که از جاهای خالی صف

(۱) مسند احمد: ۲۱۶/۵ حدیث ۵۷۲۴

مانند گوسفند بچه‌ای وارد می‌شود.[۱]



معنی چسپانیدن شانه به شانه، زانو به زانو و شتالنگ به شتالنگ در بعضی روایات:

این الفاظ در بعضی روایات منقول است:

❁ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ الْجَدَلِیِّ قَالَ سَمِعْتُ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِیرٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ ... قَالَ: فَرَأَیْتُ الرَّجُلَ یُلْزِقُ مَنْکِبَهُ بِمَنْکِبِ صَاحِبِهٖ وَرُکْبَتَهُ بِرُکْبَةِ صَاحِبِهٖ وَکَعْبَهُ بِکَعْبِهٖ.

ترجمه: ابو القاسم الجَدَلی ؒ روایت می‌کند که حضرت نعمان بن بشیر رضی‌الله‌عنه فرمودند:... من دیدم که شخصی شانه‌اش را به شانهٔ نمازگذار کنار خود، زانویش را به زانوی او و شتالنگ/قوزک خودش را به شتالنگ/قوزك او می چسباند.[۲]

منظور از این روایت این نیست که یک نمازی در صف حقیقتاً شانه‌اش را به شانه، زانویش را به زانو و شتالنگ/قوزکش را به شتالنگ/قوزك نمازی دیگر بچسباند، بلکه مراد از آن قُرب و محاذات (نزدیکی و موازات) مجازی است؛ یعنی نمازیان نزدیک به هم بایستند و هیچ جای خالی در میان خود باقی نگذارند. زیرا اگر معنی لُغَوی و ظاهری آن را در نظر بگیریم، و هر نمازی واقعاً شانه‌اش را به شانه، زانویش را به زانو و شتالنگ/قوزکش را به شتالنگ/قوزك نمازگزار دیگر بچسباند، نماز به شکل و هیئت عجیبی در می‌آید. انجام اینکار یعنی چسپانیدن زانو به زانو و شتالنگ به شتالنگ بین نمازگزاران عملاً نیز

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۶۶۷ باب تسویة الصفوف
(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۶۶۲ باب تسویة الصفوف

خیلی دشوار است، زیرا بعضی نمازیان قد بلند قد دارند و بعضی آنها کوتاه هستند. و علاوه برآن، آرامش و سکون نماز نیز از بین می‌رود، و همچنین حفظ این حالت چسپیدگی در سراسر مدت نماز ممکن نیست.

اگر جماعت ایستاده باشد شخص نووارد چه کند؟

اگر شخصی در چنان وقتی به مسجد برسد که جماعت قبلاً ایستاده است باید فوراً در جماعت شرکت کند. اگرچه پیش از آن سنت‌ها را نخوانده باشد بازهم در جماعت شرکت کند و بعداً سنت‌ها را بخواند. البته تنها سنت‌های نماز صبح/فجر از آن مُستثنیٰ هستند که تفصیل آن در ادامه خواهد آمد.

﴿۳۸۴﴾ عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا أُقِيْمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوْبَةُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که نبی اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هنگامی که اقامت نماز گفته شد بجز نماز فرض هیچ نماز دیگر (نفل) خوانده نشود.[۱]

﴿۳۸۵﴾ عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ سُجُوْدٌ فَاسْجُدُوْا وَلَا تَعُدُّوْهَا شَيْئًا وَمَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: وقتی به نماز آمدید و ما در حال سجده بودیم، شما نیز سجده کنید، اما این (سجده) را چیزے (به عنوان رکعت) حساب نکنید. و هر کس رکوع را بیابد، او رکعت را یافته است.[۲]

(۱) صحيح مسلم: حديث ۸۹۳ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب كَرَاهَةِ الشُّرُوعِ فِي نَافِلَةٍ بَعْدَ شُرُوعِ المؤذن

(۲) سنن أبي داود: حديث ۸۹۳ باب أعضاء السجود

از این حدیث دانسته می‌شود که نمازگزار در هرحالی که امام را بیابد، فوراً در جماعت شرکت کند، حتی که اگر امام در حال سجده نیز باشد.



ادای دو رکعت سنت در حین جماعت صبح:

حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم تأکید فراوانی بر نمازهای سنت فجر داشتند. بنابراین، اگر شخص اطمینان دارد که بعد از خواندن سنت‌ها می‌تواند در رکعت دوم یا حتی در تشهُّد به جماعت برسد، پس او در جای دیگری جدا از مکانی که جماعت در آنجا ادا می‌شود، مثلاً خارج مسجد، صحن مسجد یا پشت ستون و غیره دو رکعت سنت را بخواند و سپس به جماعت بپیوندد. البته اگر گمان دارد که در صورت خواندن سنت‌ها جماعت فوت خواهد شد، در این صورت سنت‌ها را نخواند و فوراً در جماعت شرکت کند، و سنت‌ها را بعد از طلوع آفتاب به جا آورد.

﴿۳۸۶﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ النَّوَافِلِ أَشَدَّ مِنْهُ تَعَاهُدًا عَلَى رَكْعَتَيِ الفَجْرِ.

ترجمه: از اُمُّ المومنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر هیچ نماز غیرِ فرض آنقدر مواظبت نمی‌نمودند که بر دو رکعت نماز صبح مواظبت می‌فرمودند.(۱)

﴿۳۸۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَدَعُوهُمَا، وَإِنْ طَرَدَتْكُمُ الْخَيْلُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: دو رکعت نماز سنّت صبح را رها نکنید، اگرچه اسپ‌ها نیز شما را

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۶۹ ابوابُ التَّهَجُّدِ؛ بَابُ تَعَاهُدِ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ وَمَنْ سَمَّاهُمَا تَطَوُّعًا



لگدمال کنند.(۱)

﴿۳۸۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي مُوْسٰى قَالَ: جَاءَنَا ابْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ وَالْإِمَامُ يُصَلِّي الْفَجْرَ، فَصَلّٰى رَكْعَتَيْنِ إِلٰى سَارِيَةٍ، وَلَمْ يَكُنْ صَلّٰى رَكْعَتَي الْفَجْرِ.

ترجمه: عبدالله بن ابی موسیٰ رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه زمانی که امام در حال خواندن نماز فجر بود، نزد ما آمدند. ایشان ابتدا در پشت ستون دو رکعت (سنت صبح را) خواندند، زیرا نمازهای سنت صبح را نخوانده بودند، (و سپس شریکِ جماعت شدند).(۲)

﴿۳۸۹﴾ عَنْ أَبِيْ عُثْمَانَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: جَاءَ عَبْدُ اللهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا وَالْإِمَامُ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَلَمْ يَكُنْ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ فَصَلّٰى عَبْدُ اللهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْإِمَامِ ثُمَّ دَخَلَ مَعَهُمْ.

ترجمه: از حضرت ابوعثمان انصاری رحمه‌الله روایت است که حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما زمانی آمدند که امام در حال ادای نماز صبح بود. حضرت عبد الله بن عباس رضی هنوز دو رکعت سنت صبح/فجر را نخوانده بودند. بنابراین، ابتدا دو رکعت را پشت امام (دور از جماعت) خواندند و سپس در جماعت شرکت کردند.(۳)

﴿۳۹۰﴾ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ: نَعَمْ وَاللهِ! لَئِنْ دَخَلْتُ وَالنَّاسُ فِي الصَّلَاةِ، لَأَعْمِدَنَّ إِلٰى سَارِيَةٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ، ثُمَّ لَأَرْكَعَنَّهُمَا،

---

(۱) شرح مشکل الآثار للطحاوی: ۳۲۱/۱۰ حدیث ۴۱۳۴ بَابُ بَيَانِ مُشْكِلِ مَا رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ قَوْلِهِ: إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۳۷۶/۱ حدیث ۲۲۱۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الرَّجُلُ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَلَمْ يَكُنْ رَكَعَ، أَيَرْكَعُ أَوْ لَا يَرْكَعُ؟ | سنن ابی داؤد: ۲۰/۲ حدیث ۱۲۵۸ كتاب الصَّلَاةِ؛ بَابٌ فِي تَخْفِيفِهِمَا (رَكْعَتَي الْفَجْرِ) | السنن الکبری للبیهقی: ۶۶۲/۲ حدیث ۴۱۵۷ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، وَقِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ، بَابُ تَأْكِيدِ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ | کنز العمال: ۳۷۱/۷ حدیث ۱۹۳۲۷ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۲۴ حدیث ۷۰۸ باب فی تاکید رکعتیَ الفجر | إعلاء السنن للتهانوی: ۶/۷ حدیث ۱۷۵۴ باب النوافل والسنن

(۲) مصنف عبد الرزاق: ۲/ حدیث ۴۰۳۴ باب هل یصلی رکعتی الفجر اذا أقیمت الصلوة

(۳) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۵۶/۱ بَابٌ الرَّجُلُ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ

ثُمَّ لَأُكَمِّلَنَّهُمَا، ثُمَّ لَا أَعْجَلُ عَنْ إِكْمَالِهِمَا، ثُمَّ أَمْشِيَ إِلَى النَّاسِ، فَأُصَلِّى مَعَ النَّاسِ الصُّبْحَ.

ترجمه: از حضرت ابو الدرداء رضی‌الله‌عنه روایت است که می‌فرمودند: بلی، به خدا قسم! اگر چنان وقتی به مسجد وارد شوم که مردم در حال جماعت باشند، من پشت یکی از ستون‌های مسجد رفته دو رکعت سنت صبح/فجر را می‌خوانم، آنها را کامل می‌خوانم و در ادای آنها شتاب نمی‌کنم، و سپس رفته در جماعت شرکت می‌کنم و با مردم نماز صبح را به جا می‌آورم.[1]

۳۹۱ عَنْ وَبَرَةَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: رَأَيْتُ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا يَفْعَلُهُ، وَحَدَّثَنِي مَنْ رَآهُ فَعَلَهُ مَرَّتَيْنِ؛ جَاءَ مَرَّةً وَهُمْ فِي الصَّلَاةِ، فَصَلَّاهُمَا فِي جَانِبِ الْمَسْجِدِ، ثُمَّ دَخَلَ مَرَّةً أُخْرَى فَصَلَّى مَعَهُمْ وَلَمْ يُصَلِّهِمَا.

ترجمه: حضرت وَبَرَه رحمه‌الله روایت می‌کند که من حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما را دیدم که این کار (ادای دو رکعت سنت در وقت جماعت صبح) را انجام دادند. و کسی که دو بار شاهد این عمل ایشان بود نیز به من خبر داد. یک بار ایشان در حالی رسیدند که مردم در حال جماعت بودند. ایشان در جانبی از مسجد دو رکعت سنت را خواندند، و سپس در جماعت شریک شدند. و سپس بار دوم آمدند و مستقیماً در جماعت شرکت کردند و دو رکعت سنت را نخواندند.[2]

یعنی وقتی ایشان رضی‌الله‌عنه گمان داشتند که بعد ادای دو رکعت سنت فجر، جماعت را هم خواهم گرفت، سنت‌ها را خواندند و سپس در جماعت شرکت کردند؛ و زمانی که گمان داشتند که با خواندن سنت‌ها به جماعت نمی‌رسند، سنت‌ها را ترک نموده در جماعت شریک شدند.

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۲۹۴/۲ حدیث ۴۰۳۳ باب هل یصلی رکعتی الفجر اذا أقیمت الصلوة
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۹۳/۴ و۳۹۴ حدیث ۶۴۸۰ فِي الرَّجُلِ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فِي الْفَجْرِ

﴿۳۹۲﴾ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ النَّهْدِيِّ، قَالَ: كُنَّا نَأْتِي عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَبْلَ أَنْ نُصَلِّى الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الصُّبْحِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَنُصَلِّى الرَّكْعَتَيْنِ فِي اٰخِرِ الْمَسْجِدِ ثُمَّ نَدخُلُ مَعَ الْقَوْمِ فِي صَلَاتِهِمْ.

ترجمه: حضرت ابوعثمان نَهْدی رحمه الله بیان می‌کند که ما پیش از آنکه دو رکعت نماز سنت صبح را بخوانیم به نزد حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه می رفتیم، و ایشان (آن زمان) در حال نماز بودند. پس ما دو رکعت سنت را در آخر مسجد می‌خواندیم و سپس با مردم در جماعت شریک می‌شدیم.(۱)

﴿۳۹۳﴾ عَنِ الْحَسَنِ رَحْمَهُ اللهُ قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ فِي الصَّلَاةِ، وَلَمْ تَكُنْ رَكَعْتَ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ، فَصَلِّهِمَا، ثُمَّ ادْخُلْ مَعَ الْإِمَامِ.

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه الله می‌فرمایند: اگر وارد مسجد شدی و امام در حال نماز بود و تو دو رکعت سنت فجر را نخوانده‌ای، پس ابتدا سنت‌ها را بخوان و سپس شریک جماعت امام شو.(۲)



قضای سنت فجر پس از طلوع آفتاب:

دو رکعت سنت فجر بسیار مُؤکَّد است و اگر قبل از فرض خوانده نشد، بعد از طلوع آفتاب باید قضا شود. قضای آن پیش از طلوع آفتاب جایز نیست.

﴿۳۹۴﴾ عَنِ ابْنِ شِهَابٍ قَالَ أَخْبَرَنِي عَطَاءُ بْنُ يَزِيدَ الْجُنْدَعِيُّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا صَلَاةَ بَعْدَ الصُّبْحِ حَتّٰى تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ حَتّٰى تَغِيْبَ الشَّمْسُ.

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۵۶/۱ بَابُ الرَّجُلُ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ
(۲) مصنف عبد الرزاق: ۲۹۵/۲ حدیث ۴۰۳۸ باب هل یصلی رکعتی الفجر اذا أقیمت الصلوة

ترجمه: ابن شهاب (زُهری) رحمه‌الله روایت می کند که عطاء بن یزید الجُنْدَعِی به او خبر داد که او از حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه شنید که می‌گفت: من از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: پس از نماز صبح هیچ نمازی خوانده نشود تا زمانی که آفتاب بالا بیاید و پس از نماز عصر هیچ نمازی خوانده نشود تا زمانی که آفتاب غروب کند.(۱)

﴿۳۹۵﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ لَمْ يُصَلِّ رَكْعَتَي الْفَجْرِ فَلْيُصَلِّهِمَا بَعْدَ مَا تَطْلُعُ الشَّمْسُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه وسلم فرمودند: کسی که دو رکعت سنت فجر را نخوانده است، بعد از طلوع آفتاب آن را بخواند.(۲)

﴿۳۹۶﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا فَاتَتْهُ رَكْعَتَا الْفَجْرِ، صَلَّاهُمَا إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می کند که دو رکعت سنت فجر، اگر (به هر سببی) از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فوت می‌شد، آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را بعد از طلوع آفتاب می‌خواندند.(۳)

﴿۳۹۷﴾ از حضرت مُغیره بن شعبه رضی‌الله‌عنه در حدیثے طولانی روایت است که هنگام بازگشت از غزوهٔ تبوک، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در سفر به سبب ضرورتی مسبوق شدند و حضرت عبد الرحمن بن عَوف رضی‌الله‌عنه نماز را برای مردم امامت کردند. الفاظ روایت چنین است:

فَلَمَّا سَلَّمَ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّى الرَّكْعَةَ الَّتِي سُبِقَ بِهَا وَلَمْ

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۵۸۶ بَابُ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ؛ بَابٌ: لَا يَتَحَرَّى الصَّلَاةَ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ | صحیح مسلم: حدیث ۸۲۷ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب الْأَوْقَاتِ الَّتِي نُهِيَ عَنِ الصَّلَاةِ فِيهَا
(۲) جامع الترمذی: حدیث ۴۲۳ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي إِعَادَتِهِمَا بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ
(۳) شرح مشکل الآثار للطحاوی: ۳۲۸/۱۰ حدیث ۴۱۴۲

يَزِدْ عَلَيْهَا شَيْئًا.

ترجمه: پس هنگامی که (عبد الرحمن بن عوف رضی‌الله‌عنه) سلام داد، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم ایستادند و رکعتی را که از ایشان فوت شده بود به جا آوردند و چیزی بیش از آن نخواندند.[1]

در این روایت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ثابت نیست که پیش از نماز فرض فجر، سنت‌های فجر را خوانده باشند. اگر خواندن سنت‌ها پس از فرض فجر جایز می‌بود، آنحضرت ﷺ حتماً آن را ادا می‌کردند. عبارت «وَلَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا شَيْئًا» (چیزی بر آن نیفزودند) در این حدیث نشان می‌دهد که پس از ادای فرض نماز دیگری نخواندند؛ و این دلیل است بر اینکه قضای سنت‌های فجر بلافاصله بعد از ادای فرض صبح جایز نیست.[2]



قرائت امام

قرائت جهری امام در نمازهای جهری و قرائت خُفیه در نمازهای خُفیه:

﴿۳۹۸﴾ عَنْ عَطَاءٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، يَقُولُ: فِي كُلِّ صَلاَةٍ يُقْرَأُ، فَمَا أَسْمَعَنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْمَعْنَاكُمْ، وَمَا أَخْفَى عَنَّا أَخْفَيْنَا عَنْكُمْ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: در هر نماز، قرآن قرائت می شود. نمازی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرآن را درآن به ما شنوانیدند

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۵۲ کتاب الطهارة؛ باب المسح علی الخفین
(۲) معارف السنن للشیخ البنوری: ۹۷/۴ استدل به العلامة محمد انور الشاه الکشمیری رحمه الله



(یعنی جهراً قرائت نمودند،) ما نیز درآن نماز، قرآن را به شما می‌شنوانیم، و نمازی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم درآن با صدای خُفیه قرائت کردند، ما نیز قرائت را برای شما خُفیه می خوانیم.(۱)

امام نماز را خفیف بخواند:

﴿۳۹۹﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ، فَلْيُخَفِّفْ، فَإِنَّ مِنْهُمُ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَالكَبِيرَ، وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هرگاه یکی از شما برای مردم امامت کند، نماز را باید خفیف وکوتاه بخواند؛ زیرا در میان آنان ضعیف و بیمار و پیر نیز وجود دارد. و هرگاه کسی خودش به تنهائی نماز می‌خواند، هرقدر بخواهد می‌تواند آن را طولانی کند.(۲)



مقتدی هیچ رکن نماز را نباید قبل از امام انجام بدهد:

﴿۴۰۰﴾ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ فَلَمَّا قَضَى الصَّلَاةَ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي إِمَامُكُمْ، فَلَا

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۷۷۲ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ القِرَاءَةِ فِي الفَجْرِ | صحیح مسلم: حدیث ۳۹۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ وُجُوبِ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ... | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۰۸/۱ حدیث ۱۲۳۵كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۰۳ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابٌ: إِذَا صَلَّى لِنَفْسِهِ فَلْيُطَوِّلْ مَا شَاءَ | صحیح مسلم: حدیث ۴۹۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ أَمْرِ الْأَئِمَّةِ بِتَخْفِيفِ الصَّلَاةِ فِي تَمَامٍ



تَسْبِقُونِي بِالرُّكُوعِ وَلَا بِالسُّجُودِ، وَلَا بِالْقِيَامِ وَلَا بِالِانْصِرَافِ.

ترجمه: حضرت انس ﷺ روایت می کند که روزی رسول اکرم ﷺ ما را امامت فرمودند و زمانی که نماز به پایان رسید، چهرۀ مبارک را به سوی ما نموده فرمودند: ای مردم! من امام شما هستم، شما رکوع، سجده، قیام و ختم نماز را پیشتر از من انجام ندهید.(۱)



دریافتن رکوع

هر کسی رکوع را یافت او رکعت را یافت:

﴿۴۰۱﴾ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّهُ انْتَهَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ رَاكِعٌ فَرَكَعَ قَبْلَ أَنْ يَصِلَ إِلَى الصَّفِّ، فَذَكَرَ ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: زَادَكَ اللهُ حِرْصًا وَلَا تَعُدْ.

ترجمه: از حضرت ابوبَکْرَه (نُفَیْع بن الحارث) ﷺ روایت است که او (در دوران نماز) در حالی نزد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم رسید که آنحضرت ﷺ در رکوع بودند؛ پس حضرت ابوبَکْرَه ﷺ پیش از آنکه به صف برسد، به رکوع رفت. سپس (بعد از ختم نماز) این کار خود را برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیان کرد. آنحضرت ﷺ فرمودند: خداوند بر اشتیاق (به نیکی ها) بیفزاید، اما دیگر چنین نکن.(۲)

در این روایت و نیز در هیچ روایت دیگری منقول نیست که پیامبر خدا

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۴۲۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ النَّهْيِ عَنْ سَبْقِ الْإِمَامِ بِرُكُوعٍ أَوْ سُجُودٍ وَنَحْوِهِمَا | آثار السنن للنیموی: ص ۱۹۱ حدیث ۵۷۸ باب ما علی المأموم من المتابعة

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۷۸۳ كتَابُ الأَذَانِ؛ بَابٌ: إِذَا رَكَعَ دُونَ الصَّفِّ

ﷺ به حضرت ابوبَکْرَه رضی الله عنه حکم داده باشند تا آن رکعت را دوباره بخواند. این امر نشان می‌دهد رکعتی که حضرت ابوبَکْرَه رضی الله عنه در رکوع آن به جماعت رسید، شرعاً برایش رکعت محسوب شده بود؛ زیرا اگر محسوب نمی‌شد پیامبر خدا ﷺ حتماً او را به اعادهٔ آن رکعت فرمان می‌دادند.

﴿۴۰۲﴾ عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ سُجُوْدٌ فَاسْجُدُوْا وَلَا تَعُدُّوْهَا شَيْئًا وَمَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله‌علیه وسلم فرمودند: وقتی به نماز آمدید و ما در حال سجده بودیم، شما نیز سجده کنید، اما این (سجده) را چیزی (به عنوان رکعت) حساب نکنید. و هر کس رکوع را بیابد، او رکعت را یافته است.[۱]

در این حدیث مراد از الرَّكْعَةَ رکوع است و مراد از الصَّلَاةَ رکعت است.[۲]

﴿۴۰۳﴾ عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ، قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَابْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ الْمَسْجِدَ، وَالْإِمَامُ رَاكِعٌ، فَرَكَعْنَا، ثُمَّ مَضَيْنَا حَتَّى اسْتَوَيْنَا بِالصَّفِّ، فَلَمَّا فَرَغَ الْإِمَامُ قُمْتُ أَقْضِي، فَقَالَ: قَدْ أَدْرَكْتَهُ.

ترجمه: زید بن وَهْب رحمه الله می‌گوید: من و حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه بخاطر ادای نماز وارد مسجد شدیم، امام در آنوقت به رکوع رفته بود. ما نیز به رکوع رفتیم، سپس (آرام آرام) پیش رفتیم تا در صف قرار گرفتیم. هنگامی که امام نماز را پایان داد، من برخاستم تا آن رکعت را قضا کنم؛ اما حضرت ابن مسعود رضی الله‌عنه فرمودند: تو آن رکعت را یافته‌ای (قضا نکن).[۳]



(۱) سنن أبي داود: حديث ۸۹۳ باب أعضاء السجود
(۲) بذل المجهود في حل سنن أبي داؤد للسهارنپوري: ۸۴/۲ باب الرجل يدرك الامام ساجداً كيف يصنع؟
(۳) المعجم الكبير للطبراني: ۵۷۲/۴ حديث ۹۲۴۹

❁ امام ابوبکر محمد بن ابراهیم بن المنذر النیسابوری رحمه‌الله (متوفّی ۳۱۹ ه.ق) می نویسد:

أَجْمَعَ الْخَلْقُ أَنَّ كُلَّ مَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ رَاكِعًا فَرَكَعَ مَعَهُ أَدْرَكَ تِلْكَ الرَّكْعَةَ وَقِرَاءَتَهَا.

ترجمه: همهٔ علماء اجماع دارند که هر کس امام را در حال رکوع دریابد و با او در رکوع شریک شود، آن رکعت و قرائت آن را دریافته است.[۱]

❁ امام ابو الحسن علی بن محمد ابن القَطّان الحِمْیری الفاسی رحمه‌الله (متوفّی ۶۲۸ ه.ق) می نویسد:

وَأَجْمَعُوا أَنَّ إِدْرَاكَ الرَّكْعَةِ بِإِدْرَاكِ الرُّكُوعِ مَعَ الْإِمَامِ.

ترجمه: علماء اجماع دارند که (نمازگزار) با دریافتِ رکوع همراه امام، آن رکعت را می‌یابد.[۲]



روکردن به سوی مقتدیان

امام بعد از سلام به سوی مقتدیان رو کند:

❁ ۴۰۴ ❁ عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى صَلاَةً أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ.

ترجمه: از حضرت سَمُرَه بن جُنْدَب رضی‌الله‌عنه روایت است که عادت مبارک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بود که چون از نماز فارغ می‌شدند، رو به

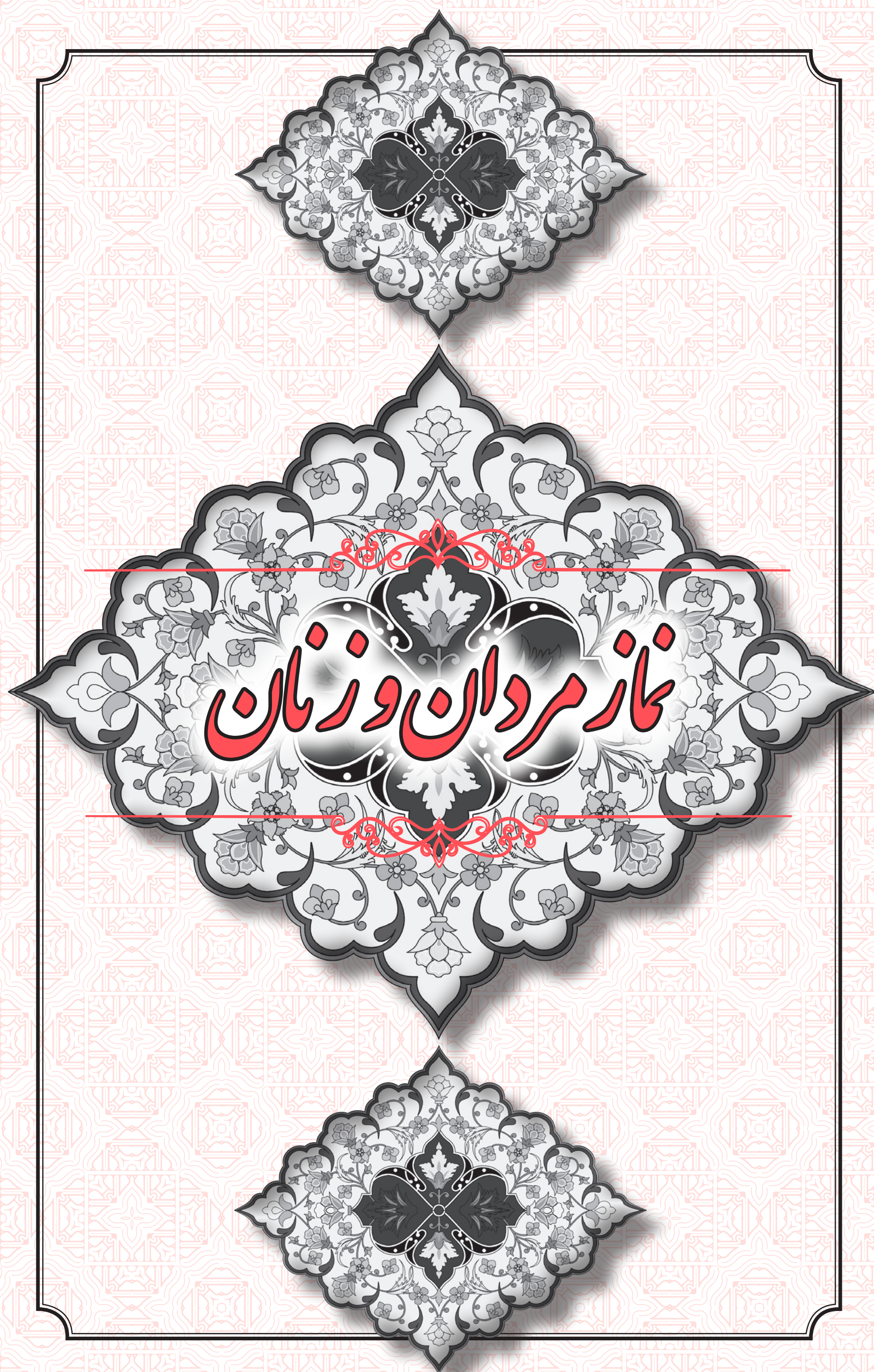
(۱) الأوسط في السنن والاجماع والاختلاف: ۱۱۴/۳
(۲) الإقناع في مسائل الاجماع: ص ۱۵۲



جانب ما نموده می‌نشستند.[1]

۴۰۵ احادیث دیگری در این باره از حضرت زید بن خالد جُهَنِی رضی الله عنه و حضرت انس بن مالک رضی الله عنه نیز مروی است.[2]

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۴۵ کِتَابُ الْأَذَانِ؛ بَابُ يَسْتَقْبِلُ الإِمَامُ النَّاسَ إِذَا سَلَّمَ
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۸۴۶ و حدیث ۸۴۷ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ يَسْتَقْبِلُ الإِمَامُ النَّاسَ إِذَا سَلَّمَ


نماز مردان و زنان

تفاوت طریقۀ نماز مردان و زنان

عبادت‌ها دو گونه‌اند:

۱. عبادت‌های بدنی.

۲. عبادت‌های مالی.

عبادت‌های اصلی عبارت‌اند از: نماز، زکات، روزه و حج.

در عبادات مذکوره عبادت‌هائی که به مال تعلُّق دارد طریقۀ عبادت مردان و زنان در آنها تفاوتی ندارد؛ مانند زکات، عُشر، فدیه و غیره؛ زیرا در مال آنان تفاوتی نیست، پس طریقۀ عبادت آنان نیز تفاوتی ندارد.

اما عبادت‌هائی که تعلُّق به بدن دارد، از آنجا که میان اقتضائات بدنی مردان و زنان تفاوت هست، بنابراین در شیوۀ انجام عبادت نیز تفاوت وجود دارد. مثلاً:

❁ روزه عبادتی سراسر بدنی است. از آنجا که زنان معمولاً چند روزی دچار عادت حیض یا نِفاس می‌شوند، به سبب این اقتضاء در آن ایام حکم روزه دربارۀ زنان متفاوت است؛ یعنی درآن روزها روزه نمی‌گیرند و پس از پاکی، قضای آن را به‌جا می‌آورند.

❁ حج مجموعۀ عبادت بدنی و مالی است. از جهت مالی، میان مردان و زنان تفاوتی وجود ندارد؛ بنابراین شرط استطاعت مالی برای هر دو یکسان است. اما از نظر بدنی چون میان مردان و زنان تفاوت‌هائی هست، لذا در طریقۀ عبادت نیز میان آن دو تفاوت خواهد بود. از این‌رو:



❁ برای مردان همراهی مَحرم شرط نیست، اما برای زنان همراهی مَحرم شرط است.

❁ مرد تلبیه را با صدای بلند می‌گوید، در حالی که زن آن را آهسته می خواند.

❁ مرد در حال احرام نمی‌تواند لباس دوخته شده بپوشد، اما زن لباس دوخته می‌پوشد.

❁ برای مرد رَمَل (راه رفتن با صلابت مانند پهلوانان در سه دَور نخست طواف) مسنون است، ولی زن چنین حکمی ندارد.

❁ برای مردان در سعی میان صفا و مروه، دویدن در فاصلهٔ میان میلَین اَخْضَرَین (دو چراغ سبز) سنت است؛ اما برای زنان دویدن سنت نیست. زنان به صورت عادی راه می‌روند و سعی خود را کامل می‌کنند.

❁ برای مردان حَلْق (تراشیدن سر) مشروع است، اما برای زنان مشروع نیست.

از اینجا روشن می‌شود که چون نماز عبادتی بدنی است، بنابراین در شیوهٔ نماز میان مردان و زنان باید تفاوت وجود داشته باشد.

روش/طریقهٔ نماز زنان از دلایل زیر ثابت می‌شود.



زن در وقت تکبیر تحریمه دست‌ها را تا سینه بالا کند:

﴿۴۰۶﴾ عَنْ وَائِلِ بْنِ حُجَرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: جِئْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... فَقَالَ لِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا وَائِلُ بْنَ حُجْرٍ، إِذَا صَلَّيْتَ فَاجْعَلْ يَدَيْكَ حِذَاءَ أُذُنَيْكَ، وَالْمَرْأَةُ تَجْعَلُ يَدَيْهَا حِذَاءَ ثَدْيَيْهَا.

ترجمه: حضرت وائل بن حُجْر رضی‌الله‌عنه روایت می کند که چون به



خدمت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر شدم، آنحضرت ﷺ به من فرمودند: ای وائل بن حُجْر! چون به نماز ایستاده شوی، دست‌هایت را برابر با گوش‌هایت بلند کن؛ و زن، دست‌های خود را فقط برابر با سینهٔ خود بلند کند.(۱)

﴿۴۰۷﴾ حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ قَالَ: أَخْبَرَنَا شَيْخٌ لَنَا، قَالَ: سَمِعْتُ عَطَاءً؛ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ كَيْفَ تَرْفَعُ يَدَيْهَا فِي الصَّلَاةِ؟ قَالَ: حَذْوَ ثَدْيَيْهَا.

ترجمه: امام هُشَیمؒ روایت می‌کند که شیخ ما (مِسمع بن ثابت رحمه‌الله) به ما خبر داد که از حضرت عطاء (بن ابی رَباح) رحمه‌الله شنیدم هنگامی که از ایشان پرسیدند: زن در نماز دست‌هایش را تا کجا بالا ببرد؟ ایشان فرمود: تا برابر سینه‌اش.(۲)

طریقهٔ بستن دست‌ها:

زنان در حالت قیام دست‌های خویش را بر روی سینه بگذارند.

﴿۴۰۸﴾ امام ابو القاسم ابراهیم بن محمد القاری الحنفی السمرقندی (متوفّٰی بعد ۹۰۷ هـ.ق) می‌نویسد:

وَالْمَرْأَةُ تَضَعُ (يَدَيْهَا) عَلٰى صَدْرِهَا بِالِاتِّفَاقِ.

ترجمه: زن (دو دست خود را) بر سینه‌اش می‌گذارد و این مسئله مورد اتفاق (فقهاء) است.(۳)

---

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۹/۲۲ حدیث ۲۸ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۰۳/۲ حدیث ۲۵۹۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ التَّكْبِيرِ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۳۷۴/۹ حدیث ۱۶۰۰۵ كِتَابُ الْمَنَاقِبِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي وَائِلِ بْنِ حُجْرٍ | جامع الاحادیث للسیوطی: ۴۳۹/۲۳ حدیث ۲۶۳۷۴ یاء النداء مع الواو | جامع المسانید والسنن لابن کثیر: ۴۰۶/۸ حدیث ۱۰۶۵۰ وائل بن حجر بن سعد بن مسروق | کنز العمال: ۴۳۱/۷ حدیث ۱۹۶۴۰ کتاب الصلاة من قسم الأقوال؛ الفصل الثاني في أركان الصلاة | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۸۱/۲ حدیث ۶۵۶ باب افتراض التحریمة وسننها

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۲۱/۲ حدیث ۲۴۸۶ في المرأة إذَا افْتَتَحَتِ الصَّلَاةَ، إلَى أَيْنَ تَرْفَعُ يَدَيْهَا

(۳) مستخلص الحقائق شرح کنز الدقائق: ص۱۵۳ باب صفة الصلاة



﴿۴۰۹﴾ سلطان المحدثین ملا علی قاری رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۰۱۴ه.ق) می‌فرماید:

وَالْمَرْأَةُ تَضَعُ يَدَيْهَا عَلٰى صَدْرِهَا اتِّفَاقًا لِأَنَّ مَبْنَى حَالِهَا عَلَى السَّتْرِ.

ترجمه: زن به اتفاق علماء (دست‌های خود را) بر روی سینه می‌گذارد، زیرا اساس حال زن بر ستر است.[1]

﴿۴۱۰﴾ علامه عبد الحی لکهنوی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۳۰۴ه.ق) می‌نویسد:

وَأَمَّا فِي حَقِّ النِّسَاءِ فَاتَّفَقُوا عَلٰى أَنَّ السُّنَّةَ لَهُنَّ وَضْعُ الْيَدَيْنِ عَلَى الصَّدْرِ لِأَنَّهَا مَا أَسْتَرُ لَهَا.

ترجمه: در مورد زنان، فقهاء اتفاق دارند که سنت برای آنان گذاشتن دست‌ها بر سینه است، زیرا این کار برای ایشان با سترتر است.[2]



گذاشتن دست بر روی سینه برای زن از اجماع ثابت است و اجماع خود مستقلاً دلیل شرعی می‌باشد.



طریقۀ رکوع:

زن هنگام رکوع کمتر از مرد خم می‌شود، دست‌هایش را روی زانوهایش بدون بازکردن انگشت‌ها قرار می‌دهد و آرنج‌ها را به پهلو می‌چسباند.

(۱) فتح باب العناية: ۲۴۳/۱ سنن الصلوٰة
(۲) السعاية فی کشف ما فی شرح الوقاية للکهنوی: ۱۵۶/۲ باب صفة الصلاة

﴿۴۱۱﴾ عَنْ عَطَاءٍ قَالَ: تَجْتَمِعُ الْمَرْأَةُ إِذَا رَكَعَتْ، تَرْفَعُ يَدَيْهَا إِلٰى بَطْنِهَا، وَتَجْتَمِعُ مَا اسْتَطَاعَتْ.

ترجمه: حضرت عطاء (بن ابی رَباح) رحمه‌الله می‌گوید: زن هنگام رکوع خود را جمع می‌کند، بازوهایش را به شکم می‌چسپاند و تا جائی که بتواند خود جمع می‌کند.(۱)



طریقۀ سجده:

زنان مانند مردان سجده نمی‌کنند؛ بلکه زن شکم خود را به ران‌ها می چسباند، بازوها را به پهلو می‌چسپاند، ساعدها را بر روی زمین پهن می‌کند و برخلاف مردان بدون بلندکردنِ سرین سجده می‌کند.

﴿۴۱۲﴾ عَنْ يَزِيْدَ بْنِ أَبِي حَبِيْبٍ رَحِمَهُ اللهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى امْرَأَتَيْنِ تُصَلِّيَانِ فَقَالَ: إِذَا سَجَدْتُمَا فَضُمَّا بَعْضَ اللَّحْمِ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَتْ فِي ذٰلِكَ كَالرَّجُلِ.

ترجمه: از حضرت ابن ابی حبیب رحمه‌الله روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم از جائی می گذشتند و دو زن را در حال ادای نماز مشاهده کردند. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنها فرمودند: چون به سجده رفتید بدن را به زمین بچسپانید، زیرا زن در این مورد مانند مرد نیست.(۲)

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۵۰/۳ حدیث ۵۰۸۳ باب تکبیرة المراة بیدیها وقیام المراة ورکوعها وسجودها
(۲) المراسیل لابی داؤد: ۱۱۷ حدیث ۸۷ جَامِعُ الصَّلَاةِ | السنن الکبری للبیهقی: ۳۱۵/۲ حدیث ۳۲۰۱ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ ذَكَرَ صَلَاةً وَهُوَ فِي أُخْرَى | جامع الاحادیث للسیوطی: ۳۳۳/۳ حدیث

﴿۴۱۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... وَإِذَا سَجَدَتْ أَلْصَقَتْ بَطْنَهَا فِي فَخِذَيْهَا كَأَسْتَرِ مَا يَكُونُ لَهَا، وَإِنَّ اللهَ تَعَالَى يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَيَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهَا.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند:.. چون زن به سجده رود، شکم خود را طوری بر ران خود بچسپاند که با سترترین حالت وی باشد، زیرا الله متعال به سوی او دیده می گوید: ای فرشتگانم! شما گواه باشید؛ من این زن را بخشیدم.(۱)

﴿۴۱۴﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ صَاحِبِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: ... وَكَانَ يَأْمُرُ الرِّجَالَ أَنْ يَتَجَافَوْا فِي سُجُودِهِمْ، وَيَأْمُرُ النِّسَاءَ يَنْخَفِضْنَ فِي سُجُودِهِنَّ.

ترجمه: صحابی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، حضرت ابوسعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به مردان حکم می دادند که در سجده (ران خود را از شکم) دور نگهدارند، و به زنان حکم می‌نمودند تا خود را جمع نموده (یعنی ران را با شکم چسپانیده) سجده کنند.(۲)

﴿۴۱۵﴾ قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ إِذَا سَجَدَتِ الْمَرْأَةُ فَلْتَضُمَّ فَخِذَيْهَا.

ترجمه: امیر المؤمنین حضرت علی رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: هنگامی که زن سجده کند، ران‌های خود را به هم بچسپاند.(۳)

۲۱۱۱۰ إذا مع السین | معرفة الآثار والسنن للبیهقی: ۱۴۳/۳ حدیث ۴۰۵۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ
(۱) السنن الکبری للبیهقی: ۳۱۴/۲ حدیث ۳۱۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ ذَكَرَ صَلَاةً وَهُوَ فِي أُخْرَى؛ بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْأَةِ مِنْ تَرْكِ التَّجَافِي فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | جامع الاحادیث للسیوطی: ۴۳/۳ حدیث ۱۷۵۹ | الکامل لابن عدی: ۵۰۱/۲ رقم الترجمة: ۳۹۹ | کنز العمال للمتقی الهندی: ۵۴۹/۷ حدیث ۲۰۲۰۳ | إعلاء السنن للتهانوی: ۳۳/۳ حدیث ۷۷۸ باب طریق السجود
(۲) السنن الکبری للبیهقی: ۳۱۴/۲ حدیث ۳۱۹۸ | التبویب الموضوعی للاحادیث: ص ۲۶۳۹
(۳) السنن الکبری للبیهقی: ۲۱۴/۲ حدیث ۳۱۹۷ | مصنف عبد الرزاق: ۱۳۸/۳ حدیث ۵۰۷۲ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۴۱/۱ حدیث ۲۷۷۷ | مصنف ابن ابی شیبة (عوّامه): ۵۰۴/۱ حدیث ۲۷۹۳



﴿۴۱۶﴾ عَنِ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ قَالَا: إِذَا سَجَدَتِ الْمَرْأَةُ فَإِنَّهَا تَنْضَمُّ مَا اسْتَطَاعَتْ وَلَا تَتَجَافٰى لِكَيْ لَا تَرْفَعَ عَجِيْزَتَهَا.

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه الله و حضرت قتاده رحمه الله می فرمایند: وقتی زن سجده می کند، تا جائی که می تواند بدن خود را جمع کند و آرنج های خود را از بدنش جدا نکند، تا پشتش (سرینش) بالا نیاید.(۱)

﴿۴۱۷﴾ عَنْ مُجَاهِدٍ رَحِمَهُ اللّٰهُ: كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ بَطْنَهُ عَلٰى فَخِذَيْهِ إِذَا سَجَدَ كَمَا تَصْنَعُ الْمَرْأَةُ.

ترجمه: حضرت مجاهد رحمه الله مکروه می‌دانستند که مرد وقتی سجده می کند شکم خود را بر روی ران های خود قرار دهد، مانند آنکه زنان می کنند.(۲)

﴿۴۱۸﴾ عَنْ عَطَاءٍ رَحِمَهُ اللّٰهُ قَالَ:... إِذَا سَجَدَتْ فَلْتَضُمَّ يَدَيْهَا إِلَيْهَا وَتَضُمَّ بَطْنَهَا وَصَدْرَهَا إِلٰى فَخِذَيْهَا وَتَجْتَمِعُ مَا اسْتَطَاعَتْ.

ترجمه: حضرت عطا بن ابی رَباح رحمه‌الله می‌فرماید: هنگامی که زن به سجده می‌رود، بازوهای خود را به بدنش بچسباند، شکم و سینه‌اش را به ران‌هایش بچسپاند و تا جائی که می‌تواند خود را جمع نماید.(۳)



قعدهٔ زنان

طریقهٔ قعده:

روش نشستن زنان در قعده این است که هر دو پا را به سمت راست بیرون

(۱) مصنف عبدالرزاق: ۴۹/۳ حدیث ۵۰۸۲ باب تکبیرة المراءة بیدیها وقیام المراءة ورکوعها وسجودها
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۰۵/۲ حدیث ۲۷۹۶ اَلْمَرْأَةُ كَيْفَ تَكُوْنُ فِي سُجُوْدِهَا ؟
(۳) مصنف عبد الرزاق: ۵۰/۳ حدیث ۵۰۸۳ باب تکبیرة المراءة بیدیها وقیام المراءة ورکوعها وسجودها

آورده و به گونه‌ای بر سرین بنشینند که ران راست بر روی ران چپ و ساق پای راست بر روی ساق پای چپ قرار گیرد.

﴿۴۱۹﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلَاةِ وَضَعَتْ فَخِذَهَا عَلَى فَخِذِهَا الْأُخْرَى... وَإِنَّ اللهَ تَعَالَى يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَيَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهَا.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چون زن در نماز بنشیند، ران‌های خود را بهم بچسپاند... زیرا الله تعالی به سوی او دیده می گوید: ای فرشتگانم! شما گواه باشید؛ من این زن را بخشیدم.(۱)

﴿۴۲۰﴾ اَبُوْ حَنِيْفَةَ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سُئِلَ: كَيْفَ كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّيْنَ عَلَى عَهْدِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ؟ قَالَ كُنَّ يَتَرَبَّعْنَ، ثُمَّ أُمِرْنَ أَنْ يَحْتَفِزْنَ.

ترجمه: حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله از نافع رحمه‌الله (مولی ابن عمر) و او از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که مردم از حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما پرسیدند که زنان در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چگونه نماز می‌خواندند. حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما فرمود: زنان در ابتدای اسلام چهار زانو می‌نشستند، سپس به آنها حکم شد تا بر روی سرین نشسته پاهای خویش را از یک جانب بیرون کنند.(۲)

﴿۴۲۱﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَلَاةِ الْمَرْأَةِ، فَقَالَ:

---

(۱) السنن الکبری للبیهقی: ۳۱۴/۲ حدیث ۳۱۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صِفَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ ذَكَرَ صَلَاةً وَهُوَ فِي أُخْرَى؛ بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ لِلْمَرْأَةِ مِنْ تَرْكِ التَّجَافِي فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ | جامع الاحادیث للسیوطی: ۴۳/۳ حدیث ۱۷۵۹ | الکامل لابن عدی: ۵۰۱/۲ رقم الترجمة: ۳۹۹ | کنز العمال للمتقی الهندی: ۵۴۹/۷ حدیث ۲۰۲۰۳ | إعلاء السنن للتهانوی: ۳۳/۳ حدیث ۷۷۸ باب طریق السجود

(۲) مسند الامام الاعظم: حدیث ۳۷ | جامع المسانید للامام الاعظم: ۴۰۰/۱ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۷/۳ حدیث ۷۷۶ باب طریق السجود

تَجْتَمِعُ وَتَحْتَفِرُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما دربارۀ نماز زن سوال شد. ایشانؓ فرمودند: زن، خود را خوب جمع کند، و در حالت قعده بر روی سرین بنشیند.(۱)



زنان در خانۀ خود نماز بخوانند:

﴿۴۲۲﴾ عَنْ أُمِّ حُمَيْدٍ امْرَأَةِ أَبِي حُمَيْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّهَا جَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُوْلَ اللهِ! إِنِّي أُحِبُّ الصَّلَاةَ مَعَكَ. قَالَ: قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكِ تُحِبِّيْنَ الصَّلَاةَ مَعِيْ، وَصَلَاتُكِ فِي بَيْتِكِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكِ فِي حُجْرَتِكِ، وَصَلَاتُكِ فِي حُجْرَتِكِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكِ فِي دَارِكِ، وَصَلَاتُكِ فِي دَارِكِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكِ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكِ، وَصَلَاتُكِ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكِ فِي مَسْجِدِيْ. قَالَ: فَأَمَرَتْ، فَبُنِيَ لَهَا مَسْجِدٌ فِي أَقْصٰي شَيْءٍ مِنْ بَيْتِهَا وَأَظْلَمِهٖ، وَكَانَتْ تُصَلِّى فِيْهِ حَتّٰى لَقِيَتِ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ.

ترجمه: حضرت أُمِّ حُمَيْد رضي الله عنها زوجۀ حضرت ابوحمید ساعدی رضي الله عنه نزد پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم آمد و عرض کرد: یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم! من بسیار دوست دارم با شما نماز بخوانم. آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمودند: من می دانم که نماز با من را دوست داری، اما نمازت در پسخانه‌ات بهتر از نمازت در اتاقت

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۲۴۱/۱ حدیث ۲۷۷۸ | مصنف ابن ابی شیبة به تحقیق محمد عوّامه: ۵۰۵/۱ حدیث ۲۷۹۴ كِتَابُ الصَّلَوات؛ الْمَرْأَةُ كَيْفَ تَكُونُ فِي سُجُودِهَا

است، و نمازت در اتاقت بهتر از نمازت در خانه‌ات است، و نمازت در خانه ات بهتر از نمازت در مسجد محله‌ات است، و نمازت در مسجد محله‌ات بهتر از نمازت در مسجد من است.

حضرت أُمِّ حُمَيْدٌ با شنیدن این فرمان نبوی، دستور داد تا در دورترین و تاریک‌ترین گوشهٔ خانه‌اش محلی بخاطر نماز برایش مهیا نمایند، و سپس تا هنگام وفات در همانجا نماز می‌خواند.[1]

﴿۴۲۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي حُجْرَتِهَا، وَصَلَاتُهَا فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز زن در داخل پسخانه‌اش بهتر از نماز او در اتاقش است، و نماز او در خلوت‌خانه‌اش بهتر از نماز او در پسخانه‌اش است.[2]



﴿۴۲۴﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحْدَهَا أَفْضَلُ عَلَى صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ بِخَمْسٍ وَعِشْرِيْنَ دَرَجَةً.[3]

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز زن در تنهائی، بیست‌وپنج مرتبه بیشتر

---

(۱) مسند احمد: حدیث ۲۷۰۹۰ | صحیح ابن خزیمة: حدیث ۱۶۸۹ | صحیح ابن حبان: حدیث ۲۲۱۷ | الترغیب والترهیب للمنذری: حدیث ۵۱۰ باب ترغیب النساء في الصلاة في بیوتهن ولزومها

(۲) الترغیب والترهیب للمنذری: ۱۴۰/۱ باب ترغیب النساء في الصلاة في بیوتهن ولزومها

(۳) التیسیر الشرح الجامع الصغیر للمناوي: ۱۹۵/۲ | جامع الاحادیث للسیوطی: ۴۹۷/۱۳ حدیث ۱۳۶۲۸

از نماز با جماعت او فضیلت دارد.[۱]

(۱) برای تفصیل بیشتر به حاشیهٔ جلد اول دورهٔ دو جلدی «زیورهای بهشتی» به زبان فارسی، چاپ دوم، با ترجمهٔ مترجم کتاب هذا از صفحهٔ ۳۰۴ تا ۳۱۴ تحت عنوان «زنان در بسیاری از مسائل نماز با مردان تفاوت دارند» مراجعه کنید که در آن با اختصار ۲۱ تفاوت در بین نماز مردان و زنان با دلائل آن بیان گردیده است.
این مقاله به صورت رساله‌ای تحت عنوان «زنان به اجماع اُمت در بسیاری از مسائل نماز با مردان تفاوت دارند» نیز نشر شده است. مترجم



نماز مریض

نماز مریض

در شریعت، همانند فرد سالم، نماز بر مریض/بیمار نیز فرض است؛ اما با توجه به حالت جسمانی بیمار، شریعت در صورت‌های ادای نماز سهولت و تخفیف آورده است. چنانچه اگر مریض/بیمار قدرت ایستادن را داشته باشد، بر او فرض است که ایستاده نماز بخواند؛ و با وجود قدرت بر قیام، نشسته نمازخواندن جایز نیست. البته اگر از ایستادن عاجز باشد، پس نشسته نماز بخواند و در همان حالت نشسته رکوع و سجده را انجام دهد.

اگر مریض هنگام نشسته نمازخواندن قدرت ندارد رکوع و سجده را انجام دهد، پس باید با اشاره رکوع و سجده کند؛ به این صورت که برای رکوع اندکی خم شود و برای سجده بیشتر از رکوع خم گردد. اما چیزی را بلند کرده نباید پیشانی را بر آن بگذارد، بلکه تنها به اشاره اکتفاء کند.

و اگر مریض به سبب شدت بیماری حتی نتواند نشسته نماز بخواند، پس به پشت درازکشیده نماز ادا کند. و در این صورت، پاهای مریض را به سوی قبله کنند و مریض با اشارۀ سر نماز بخواند، و در اشارۀ سجده سر خود را کمی بیشتر از اشارۀ رکوع خم کند.



﴿۴۲۵﴾ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَتْ بِي بَوَاسِيْرُ فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصَّلَاةِ فَقَالَ: صَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلٰى جَنْبٍ.



ترجمه: حضرت عِمران بن حُصَین رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: من به بیماری بواسیر مبتلا بودم، پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارۀ (طریقۀ ادای) نماز پرسیدم. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: ایستاده نماز بخوان؛ اگر نتوانستی، نشسته بخوان؛ و اگر قدرت آن را هم نداشتی، پس به پهلو (دراز کشیده) نماز بخوان.(۱)

﴿۴۲۶﴾ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: عَادَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرِيْضًا وَأَنَا مَعَهُ فَرَاٰهُ يُصَلِّى وَيَسْجُدُ عَلٰى وِسَادَةٍ فَنَهَاهُ وَقَالَ: إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَسْجُدَ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْجُدْ وَإِلَّا فَأَوْمِىءْ إِيْمَاءً وَاجْعَلِ السُّجُوْدَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوْعِ.

ترجمه: حضرت جابر بن عبدالله رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای عیادت بیماری رفتند و من نیز همراه ایشان بودم. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم دیدند که آن مریض/بیمار نماز می‌خواند و (بخاطر سجده بالشی را بلند کرده و پیشانی خود را برآن می‌گذارد و) برآن بالش سجده می کند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم او را از این کار منع کردند و فرمودند: اگر توان داری که بر زمین سجده کنی، بر زمین سجده کن؛ و اگر نمی‌توانی، با اشاره سجده کن، و (اشارۀ) سجده را از رکوع پائین‌تر (یعنی با خم شدن بیشتر) انجام بده.(۲)

﴿۴۲۷﴾ عَنْ سَالِمٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِذَا كَانَ الْمَرِيْضُ لَا يَسْتَطِيْعُ رُكُوْعًا وَلَا سُجُوْدًا، أَوْمَأَ بِرَأْسِه فِي الرُّكُوْعِ وَالسُّجُوْدِ، وَهُوَ يُكَبِّرُ.

ترجمه: حضرت سالم رحمه‌الله از حضرت ابن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که ایشان فرمودند: هنگامی که مریض نتواند رکوع و سجده را انجام

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۱۷ ابوابُ تَقْصِیرِ الصلاة؛ بَابٌ: إِذَا لَمْ يُطِقْ قَاعِدًا صَلَّى عَلَى جَنْبٍ | سنن ابی داؤد: حدیث ۹۵۲
(۲) مجمع الزوائد للهیثمی: ۳۴۷/۲ حدیث ۲۸۹۴



دهد، پس او برای رکوع و سجده با سر خود اشاره کند و (در هر رکن) تکبیر بگوید.(۱)

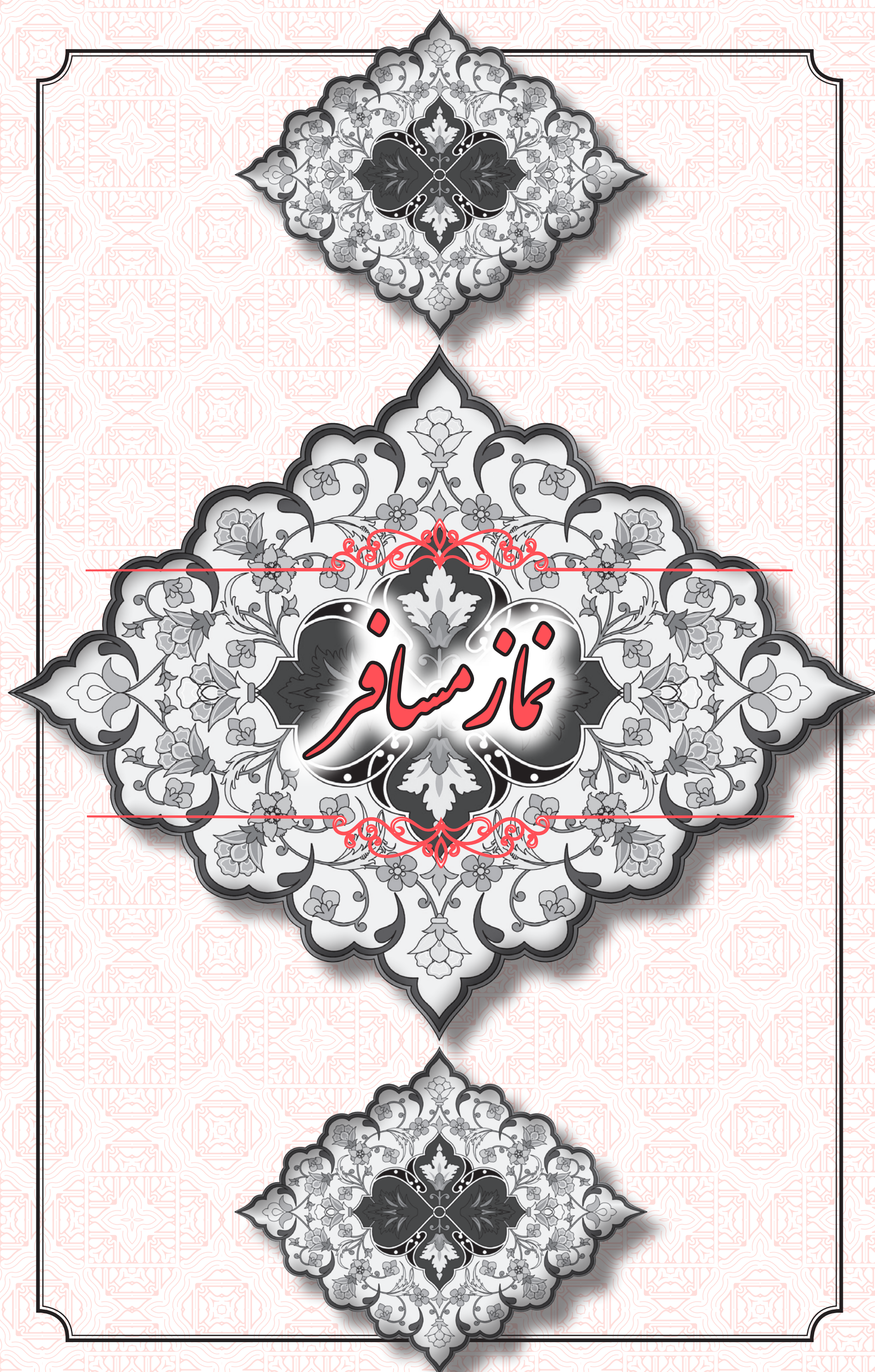
﴿۴۲۸﴾ عَنْ نَافِعٍ أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا كَانَ يَقُوْلُ: إِذَا لَمْ يَسْتَطِعْ الْمَرِيْضُ السُّجُوْدَ أَوْمَأَ بِرَأْسِه إِيْمَاءً وَلَمْ يَرْفَعْ إِلٰى جَبْهَتِه شَيْئًا.

ترجمه: حضرت نافع رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبدالله بن عمر رضی‌اللهعنهما می‌فرمودند: وقتی بیمار قدرت سجده را نداشته باشد، پس با سر خود اشاره کند و چیزی را به پیشانی‌اش بالا نبرد.(۲)

﴿۴۲۹﴾ عَنْ نَافِعٍ أَنَّ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: يُصَلِّي الْمَرِيْضُ مُسْتَلْقِيًا عَلٰى قَفَاهُ، تَلِي قَدَمَاهُ الْقِبْلَةَ.

ترجمه: حضرت نافع رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت ابن عمر رضی‌الله‌عنهما فرمودند: مریضی (که قدرت نشستن را هم ندارد) به پشت دراز کشیده نماز بخواند، به‌طوری که پاهایش رو به قبله باشد.(۳)

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۳۱۵/۲ حدیث ۴۱۵۲ باب صلاة المريض
(۲) المؤطا للامام مالک: ص ۱۹۹ حدیث ۴۶۴ بَاب الْعَمَلِ فِي جَامِعِ الصَّلَاةِ
(۳) مصنف عبد الرزاق: ۳۱۴/۲ حدیث ۴۱۴۱ باب صلاة المريض



نماز مسافر



احکام مسافر:

هر شخصی که به قصد پیمودن حد اقل ۴۸ میل (۷۷.۲۴ کیلومتر) از حدود شهر یا قریهٔ خود خارج شود، در نظر شریعت مسافر به شمار می‌آید. هنگامی که او از محدودهٔ شهر یا قریهٔ خود بیرون رفت، قصر نماز بر او لازم می‌گردد، و این حکم تا زمانی باقی خواهد بود که او در سفر باشد، یا در جائی ارادهٔ محکم اقامت پانزده روز یا بیشتر را نکند، یا به وطن خود بازنگردد.

قصر به این معناست که نمازهای فرض چهار رکعتی را فقط دو رکعت می‌خواند؛ اما در نماز فجر، مغرب و وتر هیچ کاهشی صورت نمی‌گیرد.

اگر مسافر در محلی به اقتدای امام مقیم نماز ادا کند، پس باید نماز را کامل بخواند.

دربارهٔ سنت‌ها حکم این است که اگر آسانی و فرصت باشد بهتر است آنها را نیز ادا کند، به‌ویژه سنت‌های نماز فجر نباید ترک نشود.

همچنین به سبب مراعات حالت سفر، مسافر اجازه دارد تا سه شبانه‌روز بر روی موزه‌ها مسح کند.

مقدار مسافت شرعی:

مقدار مسافت شرعی نزد اهل السنت والجماعت احناف برابر با سه روز راه است. اگر کسی با نیت سفر سه روزه سفر را شروع کند، قصر نماز بر او



لازم می‌گردد؛ و در مسافتی کمتر از سه روز، قصر جایز نیست.

مسافت سه‌روزه راه، معمولاً همان ۴۸ میل است که برابر با حدود ۷۷.۲۴ کیلومتر می‌باشد.



﴿۴۳۰﴾ عَنْ شُرَيْحِ بْنِ هَانِئٍ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: أَتَيْتُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَسْأَلُهَا عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ، فَقَالَتْ: عَلَيْكَ بِابْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَسَلْهُ فَإِنَّهُ كَانَ يُسَافِرُ مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَأَلْنَاهُ فَقَالَ: جَعَلَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيَهُنَّ لِلْمُسَافِرِ، وَيَوْمًا وَلَيْلَةً لِلْمُقِيْمِ.

ترجمه: حضرت شُرَیح بن هانئ رحمه‌الله می‌فرماید: نزد حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها رفتم تا دربارهٔ مسح بر موزه‌ها از ایشان بپرسم. ایشان فرمودند: نزد ابن ابی‌طالب (یعنی حضرت علی رضی‌الله‌عنه) برو و از او بپرس؛ زیرا او همراه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم سفر می‌کرد (لذا در این مورد از من بیشتر علم دارد). پس ما از حضرت علی رضی‌الله‌عنه در این باره پرسیدیم. ایشان فرمودند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم (مدت مسح بر موزه‌ها را) برای مسافر سه روز و سه شب، و برای مقیم یک روز و یک شب قرار داده‌اند.[۱]

از حدیثِ هذا این اصل مستفاد می‌شود که تخفیف‌ها و تغییراتی که در احکام شرعی بر اساس سفر مقرَّر گردیده، مربوط به سفری است که مدت آن دست‌کم سه روز باشد. و چون قصر نماز نیز از جمله احکام مبتنی بر رخصت و تخفیف است، بنابراین همان مسافتی درآن نیز معتبر خواهد بود که شریعت برای تحقُّق رخصت تعیین کرده است؛ یعنی مسافت سه روزه.

﴿۴۳۱﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ.

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۷۶ کتاب الطهارة؛ بَاب التَّوْقِيتِ فِي الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ

ترجمه: حضرت عبدالله ابن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: زن بدون همراهی محرم نباید سفر سه‌روزه را انجام دهد.(۱)

از این حدیث نیز روشن می‌شود سفری که احکام شرعی بر آن مترتب می‌گردد، مدت آن حداقل سه روز تعیین شده است.

﴿۴۳۲﴾ وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ وَابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ يَقْصُرَانِ وَيُفْطِرَانِ فِي أَرْبَعَةِ بُرُدٍ وَهِيَ سِتَّةَ عَشَرَ فَرْسَخًا.

ترجمه: حضرت ابن عمر رضی‌الله‌عنه و حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنه در مسافت چهار بُرد نماز را قصر می‌کردند و روزه را افطار می‌نمودند؛ و این مسافت برابر با شانزده فرسخ است.(۲)

یک فرسخ برابر با سه میل است؛ بنابراین شانزده فرسخ معادل چهل و هشت میل می‌شود.

معنی قصر نماز:

قصر نماز یعنی اینکه نمازهای فرض چهار رکعتی در حال سفر دو رکعت خوانده می‌شوند؛ البته در نمازهای فجر، مغرب و وتر قصر وجود ندارد، بلکه همان تعداد رکعات که در اقامت خوانده می‌شود در سفر نیز ادا می‌گردد. یعنی فجر دو رکعت، مغرب سه رکعت و وتر سه رکعت.

﴿۴۳۳﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... وَصَلَّى فِي السَّفَرِ الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ، وَصَلَّى بَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ، وَصَلَّى الْعَصْرَ رَكْعَتَيْنِ، وَلَيْسَ بَعْدَهَا شَيْءٌ، وَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا وَبَعْدَهَا

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۰۸۶ ابواب تقصیر الصلاة؛ بَابٌ فِي كَمْ يَقْصُرُ الصَّلَاةَ
(۲) صحیح البخاری: ابواب تقصیر الصلاة؛ بَابٌ فِي كَمْ يَقْصُرُ الصَّلَاةَ

رَكْعَتَيْنِ، وَصَلَّى الْعِشَاءَ رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت عبد الله ابن عمر رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: من همراه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز خواندم... آنحضرت ﷺ در سفر نمازِ ظهر را دو رکعت خواندند و پس از آن دو رکعت (سنت) ادا کردند؛ نماز عصر را دو رکعت خواندند و بعد از آن چیزی نخواندند؛ نماز مغرب را سه رکعت خواندند و پس از آن دو رکعت ادا کردند؛ و نماز عشاء را دو رکعت خواندند و بعد از آن نیز دو رکعت ادا فرمودند.[۱]

﴿۴۳۴﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا قَالَتْ: فُرِضَتِ الصَّلَاةُ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ، فَأُقِرَّتْ صَلَاةُ السَّفَرِ، وَزِيْدَ فِي صَلَاةِ الْحَضَرِ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها زوجهٔ محترمهٔ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید: نماز در ابتدا؛ چه در حال اقامت و چه در سفر، دو رکعت دو رکعت فرض شده بود؛ سپس نماز سفر بر همان (دو رکعت) باقی ماند و در نمازِ حالت اقامت اضافه صورت گرفت (یعنی به جای دو رکعت، چهار رکعت گردید).[۲]

واجب بودن قصر نماز:

بر مسافر لازم است که نماز را قصر بخواند؛ این حکم اختیاری محض و موقوف به خواستهٔ مسافر نیست. بنابراین، برای مسافر جایز نیست که نمازهای چهار رکعتی را کامل بخواند.

﴿۴۳۵﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي لَيْلٰى قَالَ قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: صَلَاةُ

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۴۱۸/۱ حدیث ۲۴۱۰ باب صلاة المسافر

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۶۸۵ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا | صحیح البخاری: حدیث ۳۹۳۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ: كَيْفَ فُرِضَتِ الصَّلَوَاتُ

الْجُمُعَةِ رَكْعَتَانِ وَصَلَاةُ الْفِطْرِ رَكْعَتَانِ وَصَلَاةُ الْأَضْحٰي رَكْعَتَانِ وَصَلَاةُ السَّفَرِ رَكْعَتَانِ تَمَامٌ غَيْرُ قَصْرٍ عَلٰى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

ترجمه: عبد الرحمٰن بن ابی لیلیٰ روایت می‌کند که حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: نماز جمعه دو رکعت است، نماز عید فطر دو رکعت است، نماز عید قربان دو رکعت است، و نماز سفر نیز دو رکعت است، و نماز کامل محسوب می‌شود، نه ناقص، (یعنی اجر و ثواب آن بطور کامل عطا می‌شود) و این احکام بر زبان حضرت محمد صلی الله علیه وآله بیان شده است.(۱)

﴿۴۳۶﴾ عَنْ عِيْسَى بْنِ حَفْصِ ابْنِ عَاصِمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ مَعَ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا فِي سَفَرٍ ... قَالَ: ... صَحِبْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَانَ لَا يَزِيْدُ فِي السَّفَرِ عَلَى الرَّكْعَتَيْنِ وَأَبَا بَكْرٍ حَتّٰى قُبِضَ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ كَذٰلِكَ.

ترجمه: عیسیٰ بن حَفْص بن عاصم رحمه الله روایت می‌کند که پدرم (حَفْص بن عاصم) برایم بیان کرد که من در سفری همراه حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما بودم... حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما فرمود: من با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم همراهی کرده‌ام و آنحضرت ﷺ در سفر بیش از دو رکعت (نماز) نمی‌خواندند. و همین روش حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه بود تا آنکه وفات کردند، و همچنین حضرت عمر و حضرت عثمان رضی‌الله‌عنهما نیز همین روش را داشتند.(۲)

استمرار همیشگی و بلا ترك حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و آن خلفای راشدین بر قصر در سفر، دلیل برآن است که قصر در سفر واجب است.

﴿۴۳۷﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: فَرَضَ اللهُ الصَّلَاةَ عَلٰى لِسَانِ

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۴۲۱ | سنن ابن ماجة: حدیث ۱۰۶۳ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۸۰/۲ حدیث ۲۹۴۳

(۲) سنن النسائی: ۱۴۵۹ باب ترك التَّطوُّع في السَّفر

نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْحَضَرِ أَرْبَعًا وَفِي السَّفَرِ رَكْعَتَيْنِ، وَفِي الْخَوْفِ رَكْعَةً.

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: خداوند متعال نماز را بر زبان پیامبر شما صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین فرض کرده است: در حالت اقامت چهار رکعت، در سفر دو رکعت، و در حالت خوف (در سفر) یک رکعت.(۱)

یعنی مسلمانان دو گروه می‌شوند و هر گروه یک رکعت را با امام می خواند و یک رکعت دیگر را تنها تنها. تفصیلات کامل نماز خوف در کتب فقهی مذکور است.

﴿۴۳۸﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا قَالَتْ: فُرِضَتِ الصَّلَاةُ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ، فَأُقِرَّتْ صَلَاةُ السَّفَرِ، وَزِيْدَ فِي صَلَاةِ الْحَضَرِ.

ترجمه: حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها زوجۀ محترمۀ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید: نماز در ابتدا؛ چه در حال اقامت و چه در سفر، دو رکعت دو رکعت فرض شده بود؛ سپس نماز سفر بر همان (دو رکعت) باقی ماند و در نمازِ حالت اقامت اضافه صورت گرفت (یعنی به جای دو رکعت، چهار رکعت گردید).(۲)

﴿۴۳۹﴾ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَتْ: فَرَضَ اللهُ الصَّلَاةَ حِيْنَ فَرَضَهَا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ أَتَمَّهَا فِي الْحَضَرِ، فَأُقِرَّتْ صَلَاةُ السَّفَرِ عَلَى الْفَرِيْضَةِ الْأُوْلَى.

ترجمه: عروه بن زبیر روایت می‌کند که زوجۀ محترمۀ حضرت رسول

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۶۸۷ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا
(۲) صحیح مسلم: حدیث ۶۸۵ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا | صحیح البخاری: حدیث ۳۹۳۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ: كَيْفَ فُرِضَتِ الصَّلَوَاتُ



خدا ﷺ حضرت عایشه رضی الله عنها می‌فرمایند: هنگامی که خداوند نماز را فرض کرد، هر نماز را دو دو رکعت فرض نمود؛ سپس نماز حالتِ اقامت را کامل گردانید (و به چهار رکعت افزایش داد)، و نماز سفر بر همان صورت قبلی فرض (دو رکعت) باقی ماند.(۱)

﴿۴۴۰﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: افْتَرَضَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ فِي السَّفَرِ، كَمَا افْتَرَضَ أَرْبَعًا فِي الْحَضَرِ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در سفر دو رکعت را فرض قرار دادند، همان‌گونه که آن حضرت ﷺ در حَضَر (حالت اقامت) چهار رکعت را فرض قرار دادند.(۲)



حکم خواندن سنت‌ها در سفر:

حکم سنت‌ها برای مسافر این است که اگر سهولت و آرامش فراهم باشد تلاش کند سنت‌ها را بخواند و بدون عذر آنها را ترک نکند، به‌ویژه در مورد سنت‌های نماز فجر توجه بیشتری کند، و اگر عجله دارد یا سهولت و آرامش ندارد، می‌تواند سنت‌ها را ترک کند.

﴿۴۴۱﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... وَصَلَّى فِي السَّفَرِ الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ، وَصَلَّى بَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ،

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۶۸۵ کِتَاب صَلاَةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب صَلاَةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا
(۲) المعجم الکبیر للطبرانی: ۳۸۹/۵ حدیث ۱۱۶۷۴



وَصَلَّى الْعَصْرَ رَكْعَتَيْنِ، وَلَيْسَ بَعْدَهَا شَيْءٌ، وَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ، وَصَلَّى الْعِشَاءَ رَكْعَتَيْنِ، وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما می‌گوید: من همراه پیامبر خدا ﷺ نماز خواندم... در سفر، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز ظهر را دو رکعت خواندند و بعد از آن دو رکعت سنت ادا کردند. آنحضرت ﷺ نماز عصر را دو رکعت خواندند و بعد از آن چیزی نخواندند، نماز مغرب را سه رکعت خواندند و بعد از آن دو رکعت سنت ادا کردند، و سپس نماز عشاء دو رکعت خواندند و بعد از آن نیز دو رکعت سنت ادا کردند.[۱]

﴿۴۴۲﴾ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: صَحِبْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ سَفَرًا، فَمَا رَأَيْتُهُ تَرَكَ الرَّكْعَتَيْنِ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ قَبْلَ الظُّهْرِ.

ترجمه: حضرت براء بن عازب رضی‌الله‌عنه می‌گوید: من با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در هژده سفر شرکت کردم و هرگز ندیدم که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم دو رکعت قبل از ظهر را ترک کند.[۲]

﴿۴۴۳﴾ عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَدَعُوْهُمَا وَإِنْ طَرَدَتْكُمُ الْخَيْلُ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: دو رکعت سنت نماز صبح/فجر را ترک نکنید، حتی اگر اسب‌ها شما را لگدمال کنند.[۳]

﴿۴۴۴﴾ قَالَ الْإِمَامُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيْلَ الْبُخَارِيُّ رَحِمَهُ اللهُ: وَرَكَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَيْ الْفَجْرِ فِي السَّفَرِ.

ترجمه: امام محمد بن اسماعیل بخاری رحمه‌الله می‌فرماید: پیامبر اکرم

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۴۱۸/۱ حدیث ۲۴۱۰ باب صلاة المسافر
(۲) جامع الترمذی: حدیث ۵۵۰ أَبْوَابُ السَّفَرِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّطَوُّعِ فِي السَّفَرِ
(۳) سنن أبی داود: حدیث ۱۲۵۸ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۰۹/۱ باب القراءة فی رکعتی الفجر





صلی‌الله‌علیه‌وسلم در سفر دو رکعت سنت صبح/فجر را خواندند.[1]



مسافر به اقتدای مقیم

مسافر در اقتدای امام مقیم نماز را کامل بخواند:

اگر مسافری پشت سر امام مقیم نماز بخواند، در این صورت با متابعت از امام باید نماز را کامل بخواند، یعنی لازم است نماز چهار رکعتی را چهار رکعت بخواند. و اگر مسافر تنها نماز بخواند، نماز را قصر کند.

﴿۴۴۵﴾ عَنْ نَافِعٍ... كَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا إِذَا صَلَّى مَعَ الْإِمَامِ صَلَّى أَرْبَعًا، وَإِذَا صَلَّاهَا وَحْدَهُ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: از نافع (مولی ابن عمر رضی‌الله‌عنهما) روایت است که حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما (در سفر) وقتی با امام نماز می‌خواندند، چهار رکعت می‌خواندند و وقتی تنها نماز می‌خواندند، (نماز را قصر نموده) دو رکعت می‌خواندند.[2]



مدت اقامت

(۱) صحیح البخاری: بَاب مَنْ تَطَوَّعَ فِي السَّفَرِ
(۲) صحیح مسلم: حدیث ۶۹۴ كِتَاب صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَاب قَصْرِ الصَّلَاةِ بِمِنًى

مدت اقامت:

اگر مسافر در شهری یا قریه‌ای نیت کند که آنجا پانزده روز یا بیشتر بماند در این صورت او مقیم محسوب می‌شود و باید نماز را کامل بخواند.

﴿۴۴۶﴾ عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: كَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا إِذَا أَجْمَعَ عَلٰى إِقَامَةِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَرَحَ ظَهْرَهُ وَصَلَّى أَرْبَعًا.

ترجمه: امام مجاهد رحمه‌الله می‌فرماید: وقتی حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما اراده می‌کردند پانزده روز در جائی بمانند، مرکب خود را باز می‌کردند[1] و نماز را چهار رکعت (کامل) ادا می‌کردند.[2]

﴿۵۴۷﴾ عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِذَا كُنْتَ مُسَافِرًا فَوَطَّنْتَ نَفْسَكَ عَلٰى إِقَامَةِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ، وَإِنْ كُنْتَ لَا تَدْرِي، فَاقْصُرْ.

امام مجاهد رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله عنهما فرمودند: وقتی مسافر هستی و (در مکانی) تصمیم قطعی گرفتی که پانزده روز آنجا بمانی، پس حالا نماز را کامل بخوان، و اگر (تصمیم قطعی مدت اقامتت را) نمی‌دانی، پس نماز را قصر بخوان.[3]

﴿۴۴۸﴾ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ قَالَا: إِذَا قَدِمْتَ بَلْدَةً وَأَنْتَ مُسَافِرٌ وَفِي نَفْسِكَ أَنْ تُقِيمَ بِهَا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً فَأَكْمِلِ الصَّلَاةَ بِهَا، وَإِنْ كُنْتَ لَا تَدْرِي مَتٰى تَظْعَنُ فَاقْصُرْهَا.

ترجمه: امام مجاهد رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبد الله بن عباس و حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهم می‌فرمایند: وقتی به شهری رسیدی

---

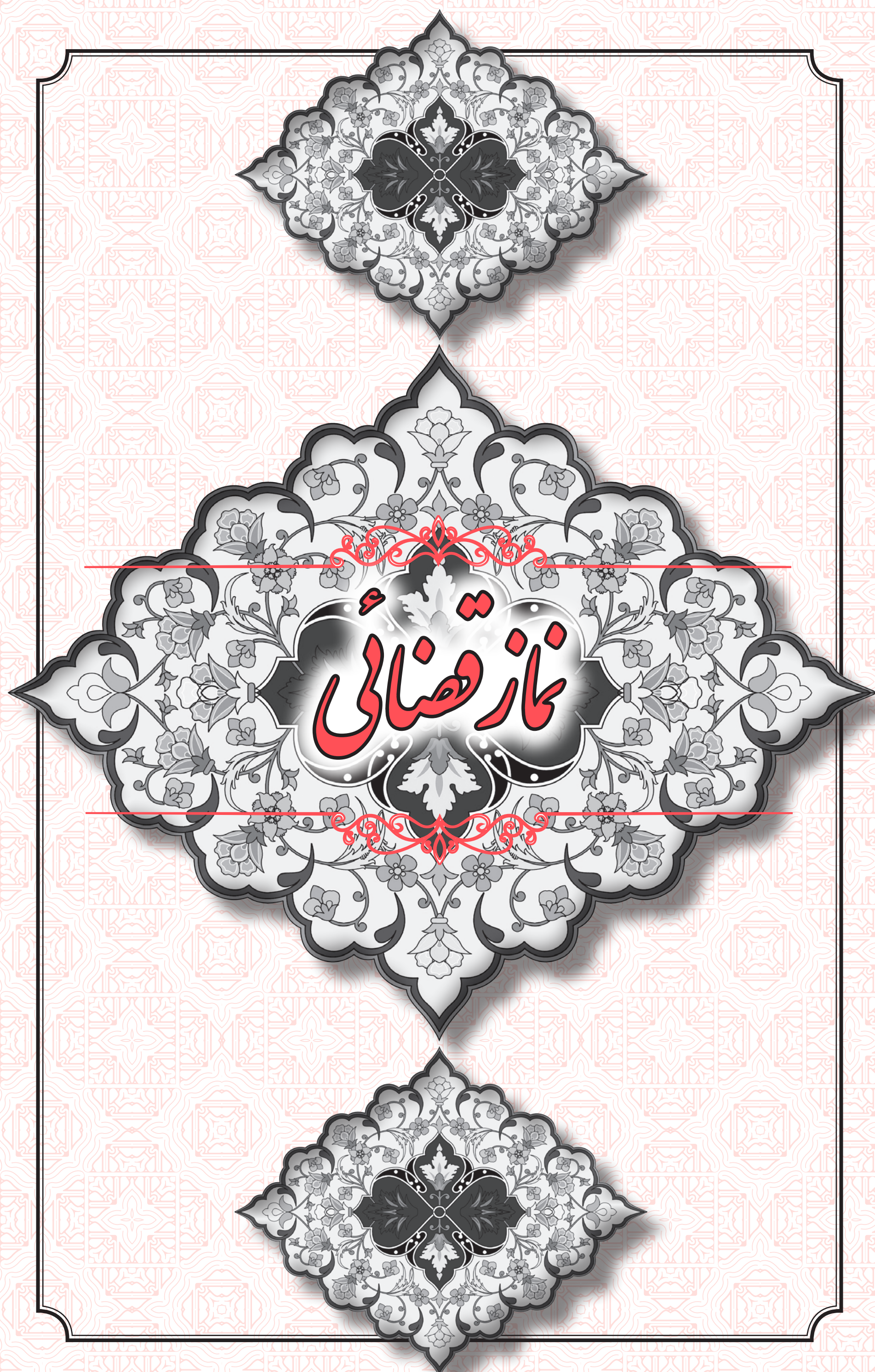
(۱) یعنی مرکب خود را بسته نگه نمی‌داشتند، بلکه آن را رها می‌کردند؛ این بدان معنا بود که حضرت ابن عمر رضی‌الله‌عنه قصد ادامهٔ سفر نداشتند و اکنون قصد اقامت در آن منطقه را داشتند. مولف

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۸۴/۵ حدیث ۸۳۰۱ مَنْ قَالَ إِذَا أَجْمَعَ عَلَى إِقَامَةِ خَمْسَ عَشْرَةَ أَتَمَّ

(۳) کتاب الحجة علی اهل المدینة للامام محمد: ۱۲۰/۱ باب صلاة المسافر

و مسافر هستی و در دلت قصد داری پانزده شب در آنجا بمانی، پس نماز را کامل بخوان؛ و اگر نمی‌دانی چه وقت حرکت می‌کنی، نماز را (آنجا) قصر بخوان.[1]

(۱) احکام القرآن للطحاوی: ۱۹۱/۱ تحت قوله تعالیٰ (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ)


نماز قضائی



نمازهای قضائی

ادای نماز در وقت آن فرض است. اما اگر کسی به سبب عذر، بیماری یا مجبوری نتواند نماز را در وقت آن بخواند یا کسی عمداً آن را نخواند، شریعت حکم می‌کند که بعداً قضایش کند.

۴۴۹ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ نَبِيُّ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا.

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: هرکس نمازی را فراموش کند یا خوابش ببرد (و وقت نماز بگذرد)، کفارهٔ آن این است که چون به یادش آمد، آن نماز را به‌جا آورد.[1]

علامه محی‌الدین ابو زکریا یحییٰ بن شرف النووی رحمه‌الله (متوفّٰی ٦٧٦ ه.ق) در شرح حدیث می‌نویسد:

فِيْهِ وُجُوْبُ قَضَاءِ الْفَرِيْضَةِ الْفَائِتَةِ سَوَاءٌ تَرَكَهَا بِعُذْرٍ كَنَوْمٍ وَنِسْيَانٍ أَوْ بِغَيْرِ عُذْرٍ.

ترجمه: از این حدیث ثابت می‌شود که قضای نماز فوت‌شده بر فرد واجب است، چه نماز به دلیل عذری مانند خواب یا فراموشی فوت شده باشد و چه بدون عذر ترک شده باشد.[2]

اگر کسی نمازی را از روی فراموشی ترک کند، هرچند این امر قصور

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۶۸۴ كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَاب قَضَاءِ الصَّلَاةِ الْفَائِتَةِ وَاسْتِحْبَابِ تَعْجِيلِ قَضَائِهَا

(۲) شرح مسلم للنووی: ۲۳۸/۱ باب قضاء الصلاة الفائتة واستحباب تعجیل قضائها

به شمار می آید، اما نسبتاً قصوری خفیف‌تر محسوب می‌شود؛ ولی اگر کسی عمداً نماز را ترک کند، این غفلتِ بسیار شدید و قصورِ بسیار بزرگ است. و هنگامی که قضا آوردن نماز حتی در صورت عذر معمولی ای ـ مانند فرمواشی ـ واجب باشد، در صورت ترک عمدی، وجوب قضای آن به طریق اولیٰ ثابت خواهد بود.

﴿۴۵۰﴾ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ: إِنَّ الْمُشْرِكِيْنَ شَغَلُوْا رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَرْبَعِ صَلَوَاتٍ يَوْمَ الْخَنْدَقِ حَتَّى ذَهَبَ مِنَ اللَّيْلِ مَا شَاءَ اللّٰهُ فَأَمَرَ بِلَالًا فَأَذَّنَ ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الْعَصْرَ ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الْعِشَاءَ.

ترجمه: از حضرت ابو عبیده بن عبدالله بن مسعود رحمه‌الله روایت است که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه فرمودند: مشرکان در روز غزوۀ خَندَق، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را از چهار نماز بازداشتند تا که آنقدر از شب که خدا خواست سپری شد. سپس پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم حضرت بلال رضی‌الله‌عنه را دستور دادند تا اذان گفت و پس از آن اقامه گفت، آنگاه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز ظهر را خواندند، سپس حضرت بلال رضی‌الله‌عنه اقامه گفت و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز عصر را خواندند، سپس حضرت بلال رضی‌الله‌عنه اقامه گفت و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز مغرب را خواندند، سپس باز حضرت بلال رضی‌الله‌عنه اقامه گفت و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز عشاء را خواندند.[1]

﴿۴۵۱﴾ عَنْ نَافِعٍ أَنَّ عَبْدَ اللهِ بْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا كَانَ يَقُوْلُ: مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلَمْ يَذْكُرْهَا إِلَّا وَهُوَ مَعَ الْإِمَامِ فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ فَلْيُصَلِّ الصَّلَاةَ الَّتِي نَسِيَ ثُمَّ لِيُصَلِّ بَعْدَهَا الْأُخْرٰي.

از حضرت نافع رحمه‌الله روایت است که حضرت عبدالله بن عمر رضی

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۷۹ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الرَّجُلِ تَفُوتُهُ الصَّلَوَاتُ بِأَيَّتِهِنَّ يَبْدَأُ

الله‌عنهما می‌فرمودند: هر کس نمازی را فراموش کند و سپس هنگامی که با امام در نماز است آن قضائی را به یاد بیاورد، در این صورت وقتی امام سلام داد، او باید اولاً نماز فوت‌شدهٔ خود را بخواند و سپس نماز بعدی (وقت حال) را نیز باز ادا کند.(۱)

﴿۴۵۲﴾ امام ابو عبد الله محمد بن اسماعیل البخاری رحمه‌الله (متوفّی ۲۵۶ه.ق) از تابعی مشهور حضرت ابراهیم بن یزید النَّخَعی رحمه‌الله نقل قول می‌کند:

وَقَالَ إِبْرَاهِيْمُ: مَنْ تَرَكَ صَلَاةً وَاحِدَةً عِشْرِيْنَ سَنَةً لَمْ يُعِدْ إِلَّا تِلْكَ الصَّلَاةَ الْوَاحِدَةَ.

ترجمه: ابراهیم نَخَعی رحمه‌الله می‌فرماید: هر کس یک نماز را ترک کند اگرچه بیست سال هم بگذرد، بازهم همان نماز فوت‌شده را باید قضا کند.(۲)

﴿۴۵۳﴾ امام ابوبکر احمد بن علی الرازی الحنفی المعروف بالجصاص رحمه‌الله (متوفّی ۳۷۰ه.ق) می‌نویسد:

وَهٰذَا الَّذِي وَرَدَ بِهِ الْأَثَرُ مِنْ إِيْجَابِ قَضَاءِ الصَّلَاةِ الْمَنْسِيَّةِ عِنْدَ الذِّكْرِ لَا خِلَافَ بَيْنَ الْفُقَهَاءِ فِيْهِ.

ترجمه: در میان فقهاء در مورد آنچه که در روایت آمده که نماز فراموش شده هنگام به یادآمدن باید قضا شود، هیچ اختلافی وجود ندارد.(۳)

﴿۴۵۴﴾ علامه محی الدین ابو زکریا یحییٰ بن شرف النَّوَوی رحمه الله (متوفّی ٦٧٦ه.ق) می‌نویسد:

أَجْمَعَ الْعُلَمَاءُ الَّذِيْنَ يُعْتَدُّ بِهِمْ عَلٰى أَنَّ مَنْ تَرَكَ صَلَاةً عَمْدًا لَزِمَهُ قَضَاؤُهَا.

ترجمه: همه علمای معتبر اجماع دارند بر اینکه هر کس نمازی را عمداً

---

(۱) المؤطا للامام مالک: ص ۲۰۰ حدیث ۴۶۷ بَاب الْعَمَلِ فِي جَامِعِ الصَّلَاةِ
(۲) صحیح البخاری: كِتَابُ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ وَفَضْلُهَا؛ بَابُ مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهَا
(۳) احکام القرآن للجصاص: ۳/۳۲۶ تحت قوله تعالیٰ (وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِىْ) سورة طٰه

ترک کند، قضای آن بر او لازم است.[۱]

﴿۴۵۵﴾ شیخ ابوعبدالله محمد بن عبدالرحمٰن الدمشقی العثمانی الشافعی رحمه‌الله (متوفّی ۷۸۰ یا ۸۰۰ه.ق) می‌نویسد:

وَاتَّفَقُوْا عَلٰی وُجُوْبِ قَضَاءِ الْفَوَائِتِ.

ترجمه: علماء اتفاق دارند که قضای نمازهای فوت‌شده واجب است.[۲]



در صورت ترک عمدی نماز، قضای آن لازم است:

برخی افراد بر این باورند که اگر کسی نماز را فراموش کند یا در خواب بماند و در نتیجه نمازش فوت شود، پس هرگاه به یادش بیاید یا بیدار شود باید آن را قضا کند؛ لاکن اگر نماز را عمداً ترک کرده باشد، قضای آن بر او لازم نیست. اینان برای اثبات نظر خود به این روایت استدلال می‌کنند:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ نَبِيُّ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا.

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت شده که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: هر کس نمازی را فراموش کند یا خوابش ببرد (و وقت نماز بگذرد)، کفارهٔ آن این است که چون به یادش آمد، آن نماز را بجا آورد.[۳]

این افراد می‌گویند که حکم قضای نماز در حدیث بر ترک نماز به سبب فراموشی یا خواب آمده است؛ اما در مورد ترک عمدی، حکمی دربارهٔ قضا نیامده است. از این‌رو در این صورت نباید قضای آن نماز را بجا آورد و تنها توبه و استغفار لازم است.

(۱) المجموع شرح المهذب للنووی: ج۴ ص۸۸ باب مواقیت الصلاة

(۲) رحمة الامة في اختلاف الائمة: ص۴۶ باب صلاة النفل

(۳) صحیح مسلم: حدیث ۶۸۴ كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَاب قَضَاءِ الصَّلَاةِ الْفَائِتَةِ ...

جواب این استدلال:

اگر از کسی نمازی به سبب فراموشی یا غفلت فوت شود، بی‌تردید این نیز یک تقصیر شرعی است، هرچند نوع آن نسبتاً خفیف‌تر به شمار می‌آید؛ زیرا قصد و اراده در آن وجود ندارد. اما اگر کسی عمداً و آگاهانه نماز را ترک کند، این نه تنها تقصیر شدیدی است بلکه گناهی بزرگ و سنگین نیز به شمار می‌رود. اکنون اگر در چنین تقصیر خفیفی (یعنی فراموشی) نیز شریعت حکم به قضا می‌دهد، پس در ترکی که با قصد، لجاجت یا بی‌پروائی همراه است، وجوب قضا به طریق اولیٰ ثابت خواهد بود.

علامه محی الدین ابو زکریا یحییٰ بن شرف النَّوَوِی رحمه‌الله (متوفّٰی ٦٧٦ ه.ق) می‌نویسد:

وَإِنَّمَا قَيَّدَ فِي الْحَدِيْث بِالنِّسْيَانِ لِخُرُوْجِهِ عَلٰى سَبَبٍ، لِأَنَّهُ إِذَا وَجَبَ الْقَضَاءُ عَلَى الْمَعْذُوْرِ فَغَيْرُهُ أَوْلٰى بِالْوُجُوْبِ، وَهُوَ مِنْ بَابِ التَّنْبِيْهِ بِالْأَدْنٰى عَلَى الْأَعْلٰى.

ترجمه: در حدیث، قید «فراموشی» از آن جهت آمده که روایت مذکور بر اساس سبب خاصی وارد شده است؛ و هنگامی که قضا بر معذور (یعنی فراموش‌کننده) واجب باشد، بر غیر معذور (یعنی کسی که عمداً ترک کرده) به طریق اولیٰ واجب خواهد بود. این قاعده در تحت آن اصول است که با ذکر أَدْنٰی بر أَعْلٰی تنبیه می‌کنند.[1]

از همین رو علماء قضای نمازهای عمداً ترک‌شده را نیز واجب دانسته‌اند.

﴿۴۵۶﴾ امام ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاری القرطبی المالکی رحمه‌الله (متوفّٰی ٦٧١ ه.ق) می‌نویسد:

فَأَمَّا مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا، فَالْجُمْهُوْرُ أَيْضًا عَلٰى وُجُوْبِ الْقَضَاءِ عَلَيْهِ.

ترجمه: اما کسی که عمداً نماز را ترک کند، جمهور علماء بر این نظرند

(١) شرح مسلم للنووی: ٢٣٨/١ باب قضاء الصلاة الفائتة واستحباب تعجيل قضائها



که قضای آن بر او واجب است.(۱)

﴿۴۵۷﴾ علامه زین الدین بن ابراهیم بن محمد المعروف به ابن نُجَیْم الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۹۷۰هـ.ق) می‌فرماید:

فَالْأَصْلُ فِيْهِ أَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ فَاتَتْ عَنِ الْوَقْتِ بَعْدَ ثُبُوْتِ وُجُوْبِهَا فِيْهِ فَإِنَّهُ يَلْزَمُ قَضَاؤُهَا سَوَاءٌ تَرَكَهَا عَمْدًا أَوْ سَهْوًا أَوْ بِسَبَبِ نَوْمٍ وَسَوَاءٌ كَانَتِ الْفَوَائِتُ كَثِيْرَةً أَوْ قَلِيْلَةً.

ترجمه: اصل در این مسئله آن است که هر نمازی که پس از واجب شدن در وقت خود فوت شود، قضای آن لازم است؛ خواه کسی آن را عمداً ترک کرده باشد یا از فراموشی یا به سبب خواب، و خواه نمازهای فوت‌شده زیاد باشند یا کم، (در هرحال قضا واجب است).(۲)

﴿۴۵۸﴾ شیخ علامه عبد الغنی بن طالب الدمشقی المیدانی رحمه‌الله (متوفّی ۱۲۹۸هـ.ق) می‌نویسد:

(وَمَنْ فَاتَتْهُ الصَّلَاةُ) يَعْنِي عَنْ غَفْلَةٍ أَوْ نَوْمٍ أَوْ نِسْيَانٍ (قَضَاهَا إِذَا ذَكَرَهَا)، وَكَذَا إِذَا تَرَكَهَا عَمْدًا.

ترجمه: «و هر کس نمازش فوت شود»، یعنی به سبب غفلت یا خواب یا فراموشی، «پس هرگاه آن را به یاد آورد، قضایش را به‌جا بیاورد» و همچنین اگر آن را عمداً ترک کرده باشد (بازهم قضای آن لازم است).(۳)



حقیقت قضای عمری در آخرین جمعهٔ ماه رمضان:

برخی افراد در آخرین جمعهٔ ماه رمضان نمازی را به نام «قضای عمری» می‌خوانند و می‌گویند که با خواندن این نماز همهٔ نمازهای فوت‌شدهٔ تمام

(۱) الجامع لاحکام القرآن للقرطبی: ۱۹۹۶/۲ تحت قوله (وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِيْ) سورة طٰه
(۲) البحر الرائق شرح کنز الدقائق لابن نُجَیم: ۱۴۰/۲و۱۴۱ کتاب الصلاة باب قضاء الفوائت
(۳) اللباب فی شرح الکتاب للمیدانی: ص۴۳ باب قضاء الفوائت



عمرشان قضا می‌شود.

آنان برای اثبات عمل خود این روایت را دلیل می‌آورند:

مَنْ قَضٰى صَلٰوةً مِّنَ الْفَرَائِضِ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِّنْ رَمَضَانَ كَانَ ذٰلِكَ جَابِرًا لِكُلِّ صَلٰوةٍ فَائِتَةٍ فِي عُمْرِهِ إِلٰى سَبْعِيْنَ سَنَةً.

ترجمه: هر کس در آخرین جمعۀ رمضان یکی از نمازهای فرض را قضا بیاورد، اینکار تمام نمازهای فوت‌شدۀ او تا هفتاد سال را جبران می‌کند.

جواب این استدلال:

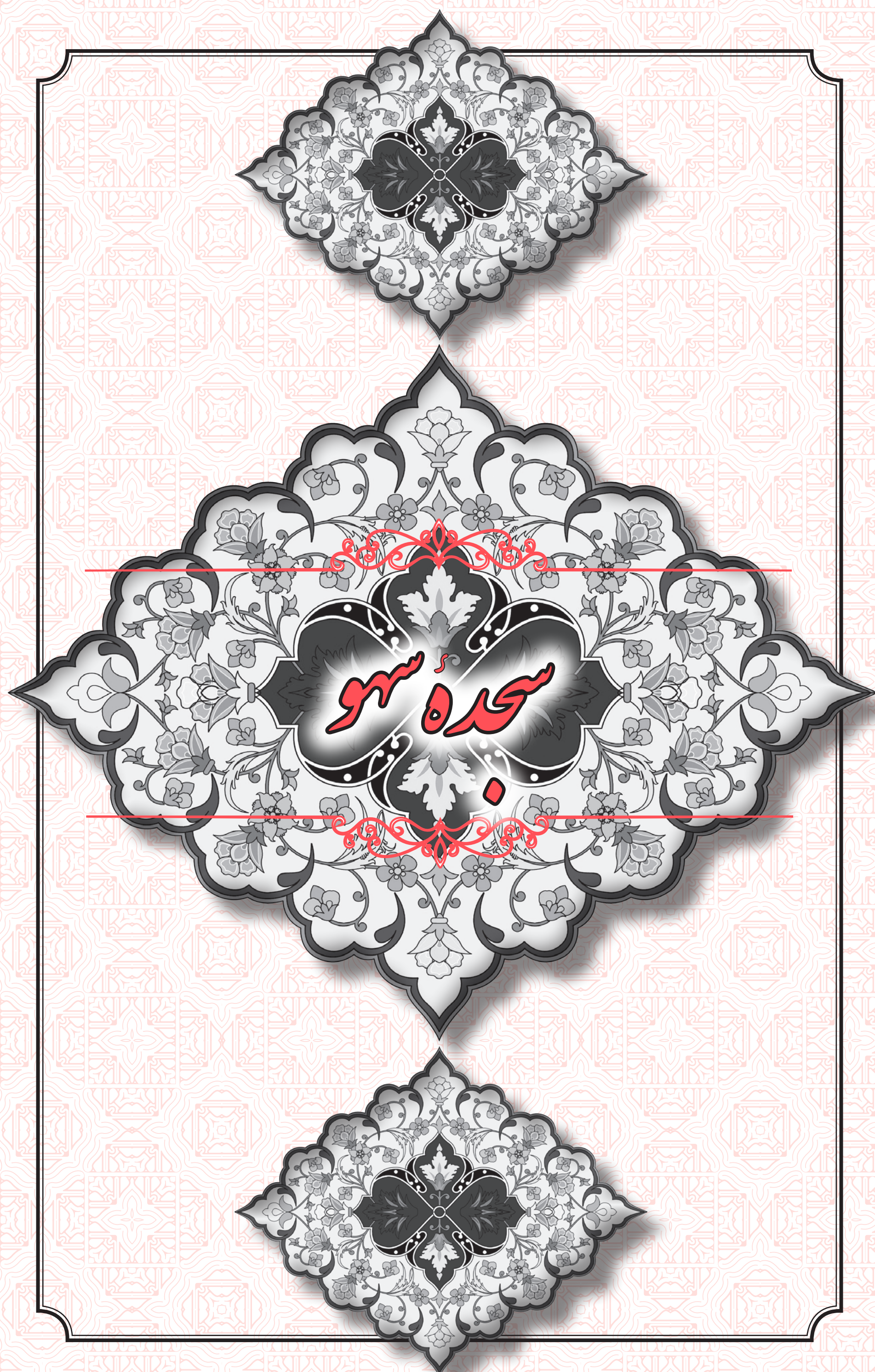
این روایت سراسر بی‌اساس و ساختگی است؛ زیرا فقهاء بر این امر اتفاق دارند که قضای هر نماز به طور جداگانه لازم می‌باشد و هیچ عبادت یا عملی نمی‌تواند جایگزین تعداد فراوانی از نمازهای فوت‌شده گردد.

ملا علی بن سلطان محمد القاری الهِرَوِی الحنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۰۱٤ه.ق) می‌فرماید:

حَدِيْثُ «مَنْ قَضٰى صَلَاةً مِنَ الْفَرَائِضِ فِي اٰخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ كَانَ ذٰلِكَ جَابِرًا لِكُلِّ صَلَاةٍ فَائِتَةٍ فِي عُمُرِهِ إِلٰى سَبْعِينَ سَنَةً» بَاطِلٌ قَطْعًا لِأَنَّهُ مُنَاقِضٌ لِلْإِجْمَاعِ عَلٰى أَنَّ شَيْئًا مِنَ الْعِبَادَاتِ لَا يَقُوْمُ مَقَامَ فَائِتَةِ سَنَوَاتٍ.

ترجمه: این روایت که «هر کس در آخرین جمعۀ رمضان یکی از نماز های فرض را قضا بیاورد، اینکار تمام نمازهای فوت‌شدۀ او تا هفتاد سال را جبران می‌کند»، به طور قطعی باطل است؛ زیرا مخالف اجماع است، (علماء بر این امر) اجماع دارند که هیچ عبادتی نمی‌تواند جایگزین نمازهای فوت‌شدۀ سالیان دراز گردد.[۱]

(۱) الاسرار الموضوعة فی الاخبار الموضوعة: ص ۲۴۲ حدیث ۹۵۳


سجدهٔ سهو





گاه در نماز، بر اثر فراموشی، خطائی رو می‌دهد که هرچند موجب بطلان نماز نمی‌شود، اما نقص در آن پدید می‌آورد. برای جبران این نقص، شریعت مُطَهَّره انجام «سجدهٔ سهو» را قرار داده است.

طریقهٔ/شیوهٔ انجام سجدهٔ سهو بدین‌گونه است که نمازگزار در قعدهٔ آخر تنها «التحیات» را می‌خواند، سپس به سمت راست سلام می‌دهد و دو سجده به‌جا می‌آورد. آنگاه می‌نشیند و دوباره التحیات، درود شریف و دعا را می‌خواند و در پایان به هر دو طرف سلام می‌دهد.

سجدهٔ سهو در صورت کمی یا بیشی:

اگر در نماز رکنی افزوده شود (مثلاً به‌جای دو سجده سه سجده انجام شود) یا یکی از واجبات نماز کم یا زیاد شود، در همهٔ این موارد انجام سجدهٔ سهو واجب می‌گردد.

۴۵۹ عَنِ الْمُغِيْرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قَامَ الْإِمَامُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ فَإِنْ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ قَائِمًا فَلْيَجْلِسْ فَإِنِ اسْتَوٰى قَائِمًا فَلَا يَجْلِسْ وَيَسْجُدُ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ.

ترجمه: از حضرت مُغیره بن شُعبه رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه امام بعد از دو رکعت (بدون نشستن برای تشهُّد) برخیزد، اگر پیش از آنکه راست بایستد به یادش بیاید، پس باید



بنشیند؛ اما اگر راست ایستاده شده باشد، دیگر ننشیند و در قعدۀ آخر دو سجدۀ سهو انجام دهد.[۱]

در این حدیث، به سبب ترک قعدۀ اولیٰ حکم به انجام سجدۀ سهو داده شده است؛ زیرا قعدۀ اولی واجب است.

﴿۴۶۰﴾ عَنْ أَبِي سَعِيْدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ، فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ قَاعِدٌ.

ترجمه: از حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه یکی از شما نماز بخواند و به یادش نباشد که آن را زیاد خوانده یا کم، پس (مطابق گمان غالب خود عمل نموده نماز را کامل کند و در قعدۀ اخیر نیز) نشسته باید دو سجده انجام دهد.[۲]

یعنی اگر کسی در تعداد رکعت‌ها دچار شک شود، پس در این صورت بر هر چند رکعتی که به گمان غالبش ادا نموده عمل کند وباقی نماز را کامل نماید و در آخر نماز سجدۀ سهو به‌جا آورد.

﴿۴۶۱﴾ عَنِ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: مَنْ نَسِيَ الْقُنُوْتَ فِي الْوِتْرِ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ. قَالَ سُفْيَانُ رَحِمَهُ اللهُ: وَبِهِ نَأْخُذُ.

ترجمه: امام حسن بصری رحمه‌الله می‌فرماید: هرکس در نمازِ وتر قنوت را فراموش کند، باید دو سجدۀ سهو انجام دهد.

امام سفیان ثوری رحمه‌الله فرمود: ما نیز به همین قول عمل می‌کنیم.[۳]

در این اثر، به سبب ترک قنوت به انجام سجدۀ سهو حکم شده است؛ زیرا در نماز وتر، قنوت واجب است.

---

(۱) سنن أبی داود: حدیث ۱۰۳۹ باب من نسيَ أن يتشهد وهو جالس

(۲) سنن ابی داود: حدیث ۱۰۲۹ باب من قال يتم على أكبر ظنه | صحیح مسلم: حدیث ۸۲ - (۳۸۹) بَاب السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ وَالسُّجُودِ لَهُ

(۳) السنن الکبریٰ للبیهقی: ۳۵۰/۲ باب مَنْ نَسِيَ الْقُنُوْتَ سَجَدَ لِلسَّهْوِ





﴿۴۶۲﴾ عَنِ الشَّعْبِيِّ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: مَنْ زَادَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ عَلَى التَّشَهُّدِ فَعَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ.

ترجمه: امام شعبی رحمه‌الله می‌فرماید: هر کس در (قعدهٔ) دو رکعت اولی چیزی بیشتر از تشهُّد اضافه کند، بر او دو سجدهٔ سهو لازم است.(۱)

بعد دو رکعت اولِ نمازهای فرض، واجب و سنت مُؤکَّده، در قعدهٔ اولی تنها خواندن «التحیات» واجب است؛ ازاین‌رُو در این اثر، به سبب خواندن چیزی افزون بر التحیات در قعدهٔ اولیٰ (یعنی ادامه دادن تا اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ) سجدهٔ سهو واجب قرار داده شده است.

سجدهٔ سهو بعد از سلام دادن:

﴿۴۶۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى الظُّهْرَ خَمْسًا، فَقِيْلَ لَهُ: أَزِيْدَ فِي الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالُوْا: صَلَّيْتَ خَمْسًا فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ مَا سَلَّمَ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که یک بار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز ظهر را پنج رکعت خواندند. صحابه عرض کردند: آیا در نماز اضافه شده است؟ آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: چگونه؟ به عرض رسانیدند: شما پنج رکعت خوانده‌اید! پس آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از سلام، دو سجده انجام دادند.(۲)

﴿۴۶۴﴾ عَنْ أَبِيْ سُفْيَانَ، مَوْلَى ابْنِ أَبِي أَحْمَدَ، أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَقُوْلُ: صَلَّى لَنَا رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الْعَصْرِ، فَسَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ، فَقَامَ ذُو الْيَدَيْنِ فَقَالَ: أَقُصِرَتِ الصَّلَاةُ يَا رَسُوْلَ اللهِ، أَمْ

---

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۷/۳ حدیث ۳۰۳۹ قَدْرُكَمْ يَقْعُدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُوْلَيَيْنِ

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۲۲۶ کتاب السهو؛ بَابٌ: إِذَا صَلَّى خَمْسًا | سننَ النسائی: رقم الحدیث ۱۲۵۶ باب ما یفعل من صلَّی خمسًا



نَسِيْتَ؟ فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كُلُّ ذٰلِكَ لَمْ يَكُنْ فَقَالَ: قَدْ كَانَ بَعْضُ ذٰلِكَ، يَا رَسُوْلَ اللهِ! فَأَقْبَلَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: أَصَدَقَ ذُو الْيَدَيْنِ؟ فَقَالُوْا: نَعَمْ، يَا رَسُوْلَ اللهِ! فَأَتَمَّ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَقِيَ مِنَ الصَّلَاةِ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ، وَهُوَ جَالِسٌ، بَعْدَ التَّسْلِيْمِ.

ترجمه: ابوسفیان ـ غلام آزادکردۀ ابن ابی احمد ـ بیان می‌کند که از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه شنیدم که می‌گفت: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم ما را در نماز عصر را امامت کردند و بعد از دو رکعت سلام دادند. ذو الیَدَین رضی‌الله‌عنه برخاست و گفت: یا رسول خدا! آیا نماز کوتاه شده است یا شما فراموش کرده‌اید؟ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هیچ‌یک از این دو رخ نداده. او عرض کرد: ای رسول خدا! یکی از این دو حتماً اتفاق افتاده است. آنگاه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم رو به مردم کردند و فرمودند: آیا ذو الیَدَین راست می‌گوید؟ گفتند: بلی، یا رسول الله! پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آنگاه باقی‌ماندۀ نماز را کامل کردند، و سپس بعدِ سلام، در حالی که نشسته بودند، دو سجدۀ سهو به‌جا آوردند.[1]



سخن گفتن در نماز موجب بطلان آن است. سخنی که در این حدیث به آن اشاره شده، مربوط به دوران ابتدائی اسلام است. در ابتدا، سخن گفتن در نماز اجازه بود، اما بعدها این اجازه منسوخ شد. و حکم سجدۀ سهو همچنان باقی ماند.

۴۶۵ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ شَكَّ فِي صَلَاتِهٖ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ مَا يُسَلِّمُ.

ترجمه: از عبدالله بن جعفر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول الله

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۵۷۳ كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَاب السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ وَالسُّجُودِ لَهُ

صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس در نماز خود دچار شک شود، بعد از سلام دو سجدهٔ سهو انجام دهد.(۱)

﴿۴۶۶﴾ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: سَلَّمَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَلَاثِ رَكَعَاتٍ مِنَ الْعَصْرِ ... فَصَلَّى الرَّكْعَةَ الَّتِي كَانَ تَرَكَ، ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ، ثُمَّ سَلَّمَ.

ترجمه: حضرت عمران بن حصین رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم یک بار نماز عصر را سه رکعت خواندند.. (چون به ایشان یادآوری شد) آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم رکعتی را که باقی مانده بود به‌جا آوردند، بعد از آن سلام دادند، سپس دو سجدهٔ سهو انجام دادند و در اخیر دوباره سلام دادند.(۲)

﴿۴۶۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَلَّمَ... ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ وَهُوَ جَالِسٌ ثُمَّ سَلَّمَ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سلام دادند، سپس در حالی که نشسته بودند دو سجدهٔ سهو انجام دادند و دوباره سلام دادند.(۳)

﴿۴۶۸﴾ عَنْ عَلْقَمَةَ أَنَّ ابْنَ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ بَعْدَ السَّلَامِ وَذَكَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَ ذٰلِكَ.

ترجمه: از علقمه رحمه‌الله روایت است که حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه پس از سلام دو سجدهٔ سهو انجام دادند و یادآور شدند که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم نیز چنین کرده بودند.(۴)

---

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۲۴۹ کتاب السهو؛ باب التَّحرِّي | سنن ابی داؤد: حدیث ۱۰۳۳ کتاب الصلاة؛ باب مَن قال: بعدَ التسليم

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۵۷۴ كِتَاب الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةِ؛ بَاب السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ وَالسُّجُودِ لَهُ

(۳) سنن النسائی: حدیث ۱۳۳۱ کتاب السهو؛ باب السَّلَام بعد سجدتَي السَّهو

(۴) سنن ابن ماجة: حدیث ۱۲۱۸ أَبْوَابُ إِقَامَةِ الصَّلَوَاتِ وَالسُّنَّةِ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِيمَنْ سَجَدَهُمَا بَعْدَ السَّلَامِ



﴿۴۶۹﴾ عَنْ أَبِيْ عُبَيْدَةَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ فِي قُعُوْدٍ، أَوْ قَعَدَ فِي قِيَامٍ، أَوْ سَلَّمَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ، فَلْيُتِمَّ، ثُمَّ لْيُسَلِّمْ، ثُمَّ لْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ، يَتَشَهَّدُ فِيْهِمَا، وَيُسَلِّمُ.

ترجمه: حضرت ابو عبیده (بن عبد الله بن مسعود) رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله‌عنه فرمودند: اگر یکی از شما به جای نشستن برخیزد، یا به جای ایستادن بنشیند، یا پس از دو رکعت سلام دهد؛ پس (نماز خود را) کامل کند، سپس سلام دهد، سپس دو سجده انجام دهد که در آن تشهد بخواند و (در اخیر) سلام دهد.[1]

دو سجده کردن در سجدهٔ سهو:

﴿۴۷۰﴾ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: فِي كُلِّ سَهْوٍ سَجْدَتَانِ بَعْدَ مَا يُسَلِّمُ.

ترجمه: حضرت ثوبان رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: از رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: در هر سهو، دو سجده پس از سلام است.[2]

یک سلام دادن قبل از سجدهٔ سهو:

﴿۴۷۱﴾ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: سَلَّمَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَلَاثِ رَكَعَاتٍ مِنَ الْعَصْرِ ... فَصَلَّى الرَّكْعَةَ الَّتِي كَانَ تَرَكَ، ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَي السَّهْوِ، ثُمَّ سَلَّمَ.

ترجمه: حضرت عِمران بن حُصَین رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: رسول الله صلی الله

(۱) المدونة الکبریٰ للامام مالک: ۲۲۰/۱ فیمن تکلم فی صلاته

(۲) سنن ابن ماجه: ۳۸۵/۱ حدیث ۱۲۱۹ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِيمَنْ سَجَدَهُمَا بَعْدَ السَّلَامِ | سنن ابی داؤد: ۲۷۲/۱ حدیث ۱۰۳۸ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؛ بَابُ مَنْ نَسِيَ أَنْ يَتَشَهَّدَ وَهُوَ جَالِسٌ | مسند أبي داود الطيالسي: ۳۳۷/۲ حديث ۱۰۹۰ | المصنف لعبد الرزاق: ۳۲۱/۲ حديث ۳۵۳۳ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۵۱/۷ و۱۵۲ حدیث ۱۸۷۸ باب وجوب السجود السهو وكونه بين السلامين



علیه‌وسلم یک بار نماز عصر را سه رکعت خواندند (چون به ایشان یادآوری شد) آنحضرت ﷺ رکعتی را که ترک شده بود به‌جا آوردند، بعد از آن سلام دادند، سپس دو سجدۀ سهو انجام دادند و در اخیر دوباره سلام دادند.[1]

﴿۴۷۲﴾ عَنِ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا كَانُوا يُسَلِّمُوْنَ تَسْلِيْمَةً وَاحِدَةً.

ترجمه: از حضرت حسن بصری رحمه‌الله (مُرْسَلاً) روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و حضرت ابو بکر و حضرت عمر رضی الله عنهما یک سلام می‌دادند.[2]

سجدۀ سهو پس از تَشَهُّد انجام شود:

﴿۴۷۳﴾ عَنْ أَبِيْ عُبَيْدَةَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ فِي قُعُوْدٍ، أَوْ قَعَدَ فِي قِيَامٍ، أَوْ سَلَّمَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ، فَلْيُتِمَّ، ثُمَّ لْيُسَلِّمْ، ثُمَّ لْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ، يَتَشَهَّدُ فِيهِمَا، وَيُسَلِّمُ.

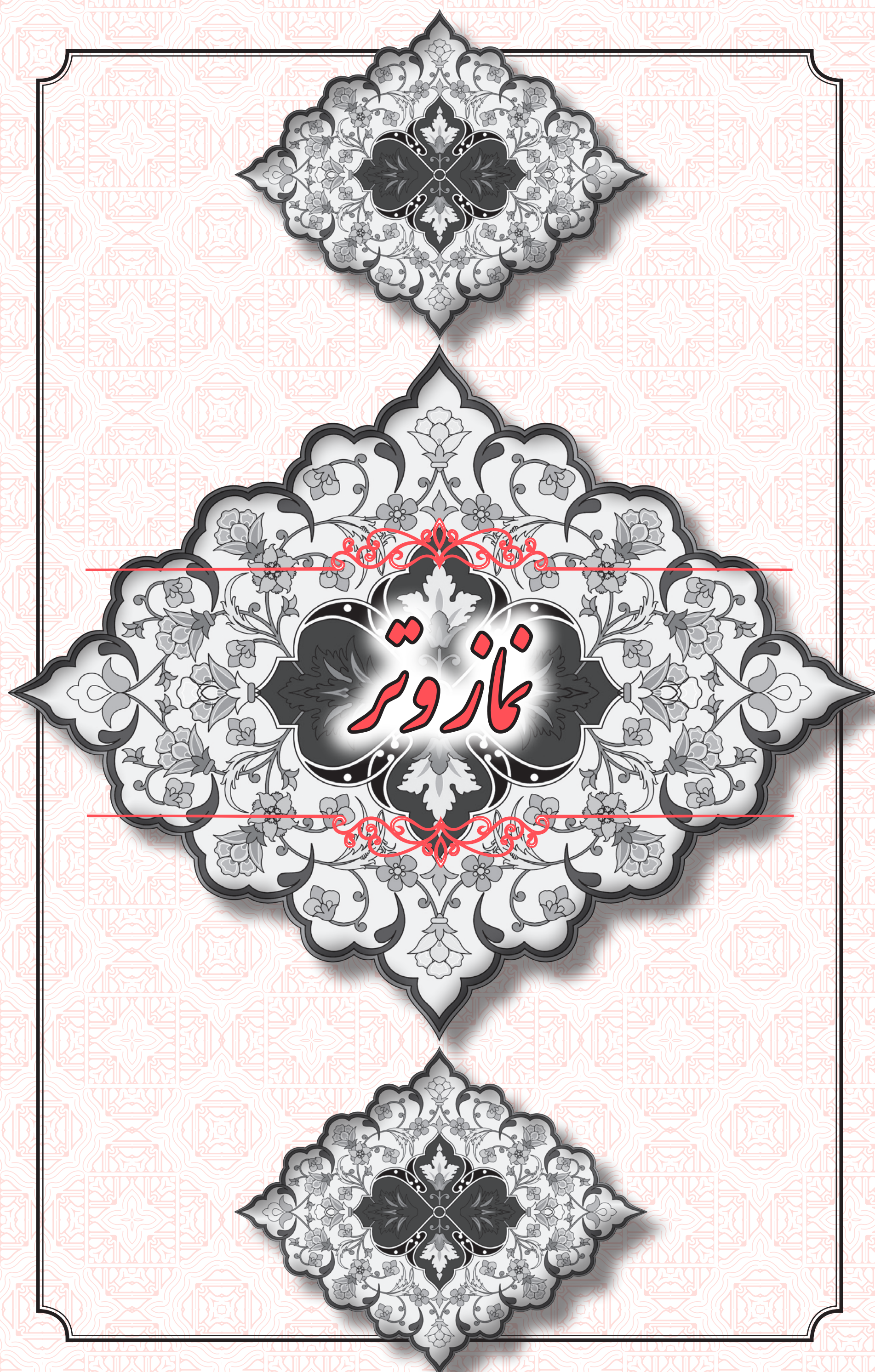
ترجمه: حضرت ابو عبیده (بن عبد الله بن مسعود) رحمه‌الله روایت می‌کند که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه فرمودند: اگر یکی از شما به جای نشستن برخیزد، یا به جای ایستادن بنشیند، یا پس از دو رکعت سلام دهد، پس (نماز خود را) کامل کند، سپس سلام دهد، سپس دو سجده انجام دهد که در آن تشهد بخواند و (در اخیر) سلام دهد.[3]

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۵۷۴ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ وَالسُّجُودِ لَهُ ا سنن النسائی: حدیث ۱۳۳۱ كِتَابُ السَّهْوِ؛ السَّلَامُ بَعْدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ ا شرح معانی الآثار للطحاوی: ۴۴۳/۱ حدیث ۲۵۷۵ و ۲۵۷۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْكَلَامِ فِي الصَّلَاةِ لِمَا يَحْدُثُ فِيهَا مِنَ السَّهْوِ

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۹/۳ و ۶۰ حدیث ۳۰۸۱ مَنْ كَانَ يُسَلِّمُ تَسْلِيْمَةً وَاحِدَةً

(۳) المدونة الکبریٰ للامام مالک: ۲۲۰/۱ فیمن تکلم فی صلاته


نماز وتر

نماز وتر

نماز وتر واجب است:

﴿۴۷۴﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: اجْعَلُوا آخِرَ صَلاَتِكُمْ بِاللَّيْلِ وِتْرًا.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا روایت می کند که رسول الله ﷺ حکم فرمودند: نماز وتر را آخرین نماز شبانهٔ خود بسازید.[1]

فایده

در این حدیث، «اجْعَلُوْا» لفظ امر است و قاعدهٔ مشهور فقهی است که: «اَلْاَمْرُ لِلْوُجُوْبِ مَالَمْ تَكُنْ قَرِيْنَةٌ خِلَافَهُ».

یعنی هرآنچه شریعت برآن امر کند، واجب می گردد، مگر آنکه قرینه‌ای خلاف آن باشد.[2]

از اینجا دانسته می‌شود که نماز وتر واجب است.

﴿۴۷۵﴾ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْوِتْرُ حَقٌّ، أَوْ وَاجِبٌ.

ترجمه: حضرت ابو ایوب انصاری رضی‌الله‌عنه روایت می کند که رسول

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۹۹۸ أَبْوَابُ الوِتْرِ؛ بَابٌ: لِيَجْعَلْ آخِرَ صَلَاتِهِ وِتْرًا | صحیح مسلم: حدیث ۷۵۱ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى وَالْوِتْرُ... | سنن ابی داؤد: ۶۷/۲ حدیث ۱۴۳۸ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابٌ فِي وَقْتِ الْوِتْرِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۸۰/۲ حدیث ۶۷۳۷ كِتَابُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ مَنْ قَالَ: يَجْعَلُ الرَّجُلُ آخِرَ صَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَتْرًا

(۲) قواعد الفقه لمحمد عمیم الاحسان: ص ۶۲ | الاحکام للآمدی: ۱۶۵/۲ | کشف الاسرار لعبد العزیز البخاری: ۱۷۳/۱

اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز وتر حق است (و) واجب است.[(۱)]

﴿۴۷۶﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: الْوِتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا، الْوِتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا، الْوِتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا.

ترجمه: حضرت عبد الله بن بُرَيْدَه رحمه الله از پدر بزرگوار خود (حضرت ابوسهل بُرَيْدَه بن الخصيب الاسلمی رضی‌الله‌عنه) روایت می کند که من از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: وتر حق است، هر کسی وتر نخواند، او از ما نیست. وتر حق است، هر کسی وتر نخواند، او از ما نیست. وتر حق است، هر کسی وتر نخواند، او از ما نیست.[(۲)]

﴿۴۷۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ لَمْ يُوْتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: هرکس نماز وتر را نخواند، او از ما نیست.[(۳)]

﴿۴۷۸﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الخدريّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ نَامَ عَنْ وِتْرِهِ أَوْ نَسِيَهُ، فَلْيُصَلِّهِ إِذَا أَصْبَحَ (وَفِي لَفظٍ إِذَا اسْتَيْقَظَ) أَوْ ذَكَرَهُ.

---

(۱) سنن الدارقطنی: ۳۳۹/۲ حدیث ۱۶۳۷ کتاب الوتر؛ مَنْ نَامَ عَنْ وِتْرِهِ أَوْ نَسِيَهُ | مسند أبي داود الطيالسي: ۳۱۴/۱ حدیث ۵۹۴ | معرفة الآثار والسنن للبیهقی: ۱۵/۴ حدیث ۵۳۱۶ | المستدرک للحاکم: ۴۴۳/۱ حدیث ۱۱۲۷ | المستدرک للحاکم: ۴۱۲/۱ حدیث ۱۱۵۵ دار الفکر | سنن أبی داود: حدیث ۱۴۳۱ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابٌ فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ الْوِتْرِ | سنن إبن ماجه: حدیث ۱۱۸۸ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَنْ نَامَ عَنِ الْوِتْرِ أَوْ نَسِيَهُ | السنن الصغير للبيهقي: ۲۷۶/۱ حدیث ۷۵۸ | آثار السنن للنیموی: ص ۱۹۴ حدیث ۵۸۶ باب ما استدل به علی وجوب صلوة الوتر | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۷/۶ حدیث ۱۶۴۶ باب وجوب التر وبیان وقته

(۲) سنن ابی داؤد: ۶۲/۲ حدیث ۱۴۱۹ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابٌ فِيمَنْ لَمْ يُوتِرْ | مصنف ابن ابی شیبة: ۹۲/۲ حدیث ۶۸۶۳ | المستدرک للحاکم: ۴۴۸/۱ حدیث ۱۱۴۶ و حدیث ۱۱۴۷ | المستدرک للحاکم: ۴۱۶/۱ حدیث ۱۱۷۴ و ۱۱۷۵ چاپ دار الفکر ۱۴۳۰ق | مسند احمد: ۱۲۷/۳۸ و ۱۲۸ حدیث ۲۳۰۱۹ | آثار السنن للنیموی: ص ۱۹۳ ابواب صلوة الوتر؛ باب ما استدل به علی وجوب صلوة الوتر | إعلاء السنن للتهانوی: ۳/۶ حدیث ۱۶۳۱ ابواب الوتر؛ باب وجوب الوتر وبیان وقته

(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۰۵/۴ حدیث ۶۹۳۲ مَنْ قَالَ يُوتِرُ وَإِنْ أَصْبَحَ وَعَلَيْهِ قَضَاؤُهُ



ترجمه: حضرت ابوسعید خُدری رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرکسی که بدون ادای وتر خوابش برد یا وتر را فراموش کرد، پس هنگامی که صبح از خواب برخاست و یا به یادش آمد، باید نماز وتر را بخواند.(۱)

﴿۴۷۹﴾ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ: إِنِّي نِمْتُ وَنَسِيتُ الْوِتْرَ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ، فَقَالَ: إِذَا اسْتَيْقَظْتَ وَذَكَرْتَ فَصَلِّ.

ترجمه: حضرت ابومریم رحمه‌الله روایت می‌کند که شخصی به خدمت امیر المؤمنین حضرت علی رضی‌الله‌عنه آمده عرض کرد که من (گاهگاهی) خوابم می‌برد و نماز وتر را فراموش می‌کنم تا آنکه آفتاب طلوع می‌کند، (در این صورت چه کنم؟) حضرت علی رضی‌الله‌عنه فرمودند: چون بیدار شدی و به یادت آمد، آن را بخوان.(۲)



نماز وتر سه رکعت است

﴿۴۸۰﴾ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَنَّهُ أَخْبَرَهُ: أَنَّهُ سَأَلَ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، كَيْفَ كَانَتْ صَلاَةُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَمَضَانَ؟ فَقَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلاَ فِي غَيْرِهِ

---

(۱) المستدرک للحاکم: ۴۴۳/۱ حدیث ۱۱۲۷ | المستدرک للحاکم: ۴۱۲/۱ حدیث ۱۱۵۵ دار الفکر | سنن أبی داود: حدیث ۱۴۳۱ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابٌ فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ الْوِتْرِ | سنن إبن ماجه: حدیث ۱۱۸۸ | معرفة الآثار والسنن للبیهقی: ۱۵/۴ حدیث ۵۳۱۶ | السنن الصغیر للبیهقي: ۲۷۶/۱ حدیث ۷۵۸ | سنن الدارقطنی: ۳۳۹/۲ حدیث ۱۶۳۷ | آثار السنن للنیموی: ص ۱۹۴ حدیث ۵۸۶ باب ما استدل به علی وجوب صلوة الوتر | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۷/۶ حدیث ۱۶۴۶ باب وجوب التر وبیان وقته

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۸۵/۴ حدیث ۶۸۶۹ مَنْ قَالَ يُوتِرُ وَإِنْ أَصْبَحَ وَعَلَيْهِ قَضَاؤُهُ



عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلاَ تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلاَ تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يُصَلِّي ثَلاَثًا.

ترجمه: حضرت ابو سَلَمَه بن عبد الرحمٰن رحمه‌الله از اُمُّ المومنین بی بی عائشه رضی‌الله‌عنها سوال کرد که نماز (تهجُّد) رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در ماه رمضان چگونه می‌بود؟ حضرت عائشة رضی‌الله‌عنها فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم چه در ماه رمضان و چه در غیر ماه رمضان (عموماً) بیشتر از یازده رکعت نمی‌خواندند. نخست چهار رکعت می‌خواندند، از حُسن و طول آنها نپرس، سپس آنحضرت ﷺ چهار رکعت می‌خواندند، از حُسن و طول آنها نپرس، و آنگاه آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم سه رکعت (وتر) می‌خواندند.(۱)



﴿۴۸۱﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ بِسَبِّح اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّالِثَةِ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ.

ترجمه: از اُمُّ المومنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم سه رکعت وتر می‌خواندند؛ در رکعت اول سورهٔ ﴿سَبِّح اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ را می‌خواندند، و در رکعت دوم ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را و در رکعت سوم ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ و (گاهی یکی از دو سورهٔ) مُعَوِّذَتَيْنِ(۲) را

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۴۷ کتاب التهجد؛ بَابُ قِيَامِ النَّبِيِّ ﷺ بِاللَّيْلِ فِي رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ | صحیح البخاری: حدیث ۲۰۱۳ كِتَابُ صَلَاةِ التَّرَاوِيحِ؛ بَابُ فَضْلِ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ | صحیح البخاری: حدیث ۳۵۶۹ كِتَابُ المَنَاقِبِ؛ بَابُ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ تَنَامُ عَيْنُهُ وَلاَ يَنَامُ قَلْبُهُ | صحیح مسلم: حدیث ۷۳۸ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَدَدِ رَكَعَاتِ النَّبِيِّ ﷺ فِي اللَّيْلِ...

(۲) ملا علی قاری هروی حنفی رحمه‌الله (متوفی ۱۰۱۴ه.ق) در شرح این حدیث می‌نویسد که پیامبر خدا ﷺ در رکعت سوم وتر گاهی سورهٔ اخلاص را می‌خواندند و گاهی یکی از معوذتین را. (شرح مسند ابی حنیفة: ص ۵۱۱) مولف



می خواندند.[1]

﴿۴۸۲﴾ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثِ رَكَعَاتٍ، كَانَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَفِي الثَّانِيَةِ بِقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّالِثَةِ بِقُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، وَيَقْنُتُ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

ترجمه: از حضرت اُبَی بن کَعْب رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم وتر را سه رکعت می خواندند. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در رکعت اول سورهٔ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ را و در رکعت دوم ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را و در رکعت سوم سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را می خواندند، و دعای قنوت را قبل از رکوع می خواندند.[2]



احادیث دیگری که در آنها تصریح گردیده که نماز وتر سه رکعت می باشد، از بزرگان ذیل از بین صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهمْ نیز مَروی است.

﴿۴۸۳﴾ حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنه[3]

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۸۵/۱ حدیث ۱۶۹۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ الْوِتْرِ | مصنف عبد الرزاق: ۳۳/۳ حدیث ۴۶۹۸ | صحیح ابن حبان: ۲۰۱/۶ حدیث ۸۴۴۸ | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۷۳ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِيمَا يُقْرَأُ فِي الْوِتْرِ | المستدرک للحاکم: ۴۴۷/۱ حدیث ۱۱۴۴ | سنن الدارقطنی: ۳۶۲/۲ حدیث ۱۶۷۶ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۲ و۲۰۳ حدیث ۶۱۶ و۶۱۷ باب الوتر بثلاث رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۳۳/۶ حدیث ۱۶۵۵ باب الایتار بثلاث والنهی عن الایتار فردة و ذکر القراءة فیه

(۲) سنن النسائی: ۲۳۵/۳ حدیث ۱۶۹۹ كِتَابُ قِيَامِ اللَّيْلِ وَتَطَوُّعِ النَّهَارِ؛ ذِكْرُ اخْتِلَافِ أَلْفَاظِ النَّاقِلِينَ لِخَبَرِ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ فِي الْوِتْرِ | سنن الدارقطنی: ۳۵۵/۲ حدیث ۱۶۶۰ كِتَابُ الْوِتْرِ؛ مَا يَقْرَأُ فِي رَكَعَاتِ الْوِتْرِ وَالْقُنُوتُ فِيهِ | شرح مشکل الآثار للطحاوی: ۳۷۱/۱۱ حدیث ۴۵۰۳ بَابُ بَيَانِ مُشْكِلِ مَا اخْتَلَفَ أَهْلُ الْعِلْمِ فِيهِ مِنَ الْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ ... | الاحادیث المختارة لضیاء المقدسی: ۴۱۹/۲ حدیث ۱۲۱۷ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۱ حدیث ۶۱۰ و۶۱۱ باب الوتر بثلاث رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۲/۶ حدیث ۱۶۶۱ باب الایتار بثلاث والنهی عن الایتار فردة و ذکر القراءة فیه

(۳) سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۷۲ بَابُ مَا جَاءَ فِيمَا يُقْرَأُ فِي الْوِتْرِ | سنن النسائی: حدیث ۱۷۰۲ | مصنف ابن ابی شیبة: ۹۴/۲ حدیث ۶۸۸۰ فِي الْوَتْرِ مَا يُقْرَأُ فِيهِ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۱ حدیث ۶۰۹ باب الوتر بثلاث رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۱/۶ حدیث ۱۶۵۹ باب الایتار بثلاث والنهی عن الایتار فردة و ذکر القراءة فیه





﴿۴۸۴﴾ حضرت عِمْران بن حُصَيْن رضی اللّٰہ عنه [۱]

﴿۴۸۵﴾ حضرت ابو هریره رضی اللّٰہ عنه [۲]

﴿۴۸۶﴾ حضرت عبد الرحمٰن بن سَبْرَه رضی اللّٰہ عنه [۳]

﴿۴۸۷﴾ حضرت عبد الرحمٰن بن اَبِیْ اَوْفَی رضی اللّٰہ عنه [۴]

﴿۴۸۸﴾ حضرت عبد الرحمٰن بن اَبْزَی رضی اللّٰہ عنه [۵]



﴿۴۸۹﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عباس رضی اللّٰہ عنهمَا نماز وتر را سه رکعت می خواندند و در آن سه رکعت سوره های ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾، ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ﴾ را قرائت می کردند. [۶]

﴿۴۹۰﴾ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وِتْرُ اللَّيْلِ ثَلَاثٌ كَوِتْرِ النَّهَارِ صَلَاةُ الْمَغْرِبِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی اللّٰہ عنه روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی اللّٰہ علیه وسلم فرمودند: نماز وتر شب مانند نماز وتر روز یعنی نماز مغرب سه رکعت است. [۷]

(۱) شرح معانی الآثار: ۲۹۰/۱ حدیث ۱۷۲۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْوِتْرِ | سنن النسائی: حدیث ۱۷۴۳ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۴۳/۲ حدیث ۳۴۶۸ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ مَا يُقْرَأُ فِي الْوِتْرِ
(۲) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۴۳/۲ حدیث ۳۴۶۶ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ مَا يُقْرَأُ فِي الْوِتْرِ
(۳) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۴۳/۲ حدیث ۳۴۶۳ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ مَا يُقْرَأُ فِي الْوِتْرِ
(۴) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۴۱/۲ حدیث ۳۴۴۸ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ عَدَدِ الْوِتْرِ
(۵) کتاب الآثار لابی حنیفة بروایة ابی یوسف: ص ۷۰ حدیث ۳۲۶ | کتاب الآثار لابی حنیفة بروایة محمد: ۳۲۶/۱ حدیث ۱۲۲ بَابُ الْوِتْرِ وَمَا يُقْرَأُ فِيهَا | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۹۲/۱ حدیث ۱۷۳۵ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۱ حدیث ۶۱۲ | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۱/۶ حدیث ۱۶۶۰
(۶) مصنف ابن ابی شیبة: ۹۴/۲ حدیث ۶۸۷۹ كِتَابُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ...؛ فِي الْوِتْرِ مَا يُقْرَأُ فِيهِ
(۷) سنن الدارقطنی: ۳۴۹/۲ حدیث ۱۶۵۳ كِتَابُ الْوِتْرِ؛ الْوِتْرُ ثَلَاثٌ كَثَلَاثِ الْمَغْرِبِ | نصب الرایة فی تخریج تحادیث الهدایة للزیلعی: ۱۱۹/۲ باب صلوٰة الوتر

﴿۴۹۱﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... صَلَاةُ الْمَغْرِبِ وِتْرُ النَّهَارِ فَأَوْتِرُوا صَلَاةَ اللَّيْلِ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز مغرب (گویا) وتر روز است، شما وتر شب را نیز بخوانید.[۱]

﴿۴۹۲﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اَلْوِتْرُ ثَلَاثٌ كَثَلَاثِ الْمَغْرِبِ.

ترجمه: از اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز وتر سه رکعت است مانند سه رکعت نماز مغرب.[۲]

﴿۴۹۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: وِتْرُ اللَّيْلِ كَوِتْرِ النَّهَارِ صَلَاةُ الْمَغْرِبِ ثَلَاثٌ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرمایند: نماز وتر شب مانند نماز وتر روز یعنی نماز مغرب، سه رکعت است.[۳]

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۲۸/۳ حدیث ۴۶۷۶ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ آخِرِ صَلَاةِ اللَّيْلِ | مسند احمد: ۴۵۶/۸ حدیث ۴۸۴۷ مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا | ومثله فی مسند احمد: ۴۳/۹ حدیث ۴۹۹۲ مُسْنَدُ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا | مصنف ابن ابی شیبة: ۸۱/۲ حدیث ۶۷۰۹ كِتَابُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ مَنْ قَالَ: وِتْرُ النَّهَارِ الْمَغْرِبُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۷/۶ حدیث ۱۶۴۵ باب وجوب الوتر وبیان وقته

(۲) المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۶۵/۷ حدیث ۷۱۷۰ | مصنف ابن ابی شیبة: ۸۱/۲ حدیث ۶۷۱۰ كِتَابُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ مَنْ قَالَ: وِتْرُ النَّهَارِ الْمَغْرِبُ

(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۸۱/۲ حدیث ۶۷۱۵ كِتَابُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ مَنْ قَالَ وِتْرُ النَّهَارِ الْمَغْرِبُ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۹۴/۱ حدیث ۱۷۴۴ و ۱۷۴۵ كتاب الصلاة؛ بَابُ الْوِتْرِ | السنن الكبرى للبیهقی: ۴۵/۳ حدیث ۴۸۱۲ | المعجم الكبیر للطبرانی: ۲۸۲/۹ حدیث ۹۴۲۰ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۴۲/۲ موقوفاً حدیث ۳۴۵۵ | ومثله موقوفاً فی موطا الامام محمد: ص ۹۶ حدیث ۲۶۲ بَابُ: السَّلَامِ فِي الْوِتْرِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۱/۶ حدیث ۱۶۶۰ باب الایتار بثلاث والنهی عن الایتار فردة و ذكر القراءة فيه | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۴ حدیث ۶۱۹ باب الوتر بثلاث ركعات

با یک سلام

سه رکعت نماز وتر با یک سلام ادا می‌شود:

﴿۴۹۴﴾ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الْوِتْرِ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَي، وَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّالِثَةِ بِقُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، وَلَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ.

ترجمه: از حضرت أُبی بن کَعْب رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم وتر را سه رکعت می ادا می‌کردند. آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم در رکعت اول سورۀ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ را و در رکعت دوم سورۀ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را و در رکعت سوم سورۀ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را می‌خواندند، و فقط در آخر آن سه رکعت سلام می‌دادند.(۱)

﴿۴۹۵﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ دَخَلَ الْمَنْزِلَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ صَلَّى بَعْدَهُمَا رَكْعَتَيْنِ أَطْوَلَ مِنْهُمَا ثُمَّ أَوْتَرَ بِثَلَاثٍ لَا يَفْصِلُ فِيهِنَّ.

ترجمه: از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که هرگاه رسول الله صلی الله علیه‌وسلم نماز عشاء را ادا می‌کردند، داخل خانه می‌شدند و دو رکعت نماز می‌خواندند، سپس بعد از آن دو رکعت دیگر می‌خواندند که از دو رکعت نخست طولانی‌تر بود، سپس آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم سه رکعت وتر می‌خواندند و

---

(۱) سنن النسائی: حدیث ۱۷۰۱ كِتَابُ قِيَامِ اللَّيْلِ وَتَطَوُّعِ النَّهَارِ؛ ذِكْرُ اخْتِلَافِ أَلْفَاظِ النَّاقِلِينَ لِخَبَرِ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ فِي الْوِتْرِ | عمل الیوم واللیلة للنسائی: ص ۴۴۵ حَدیث ۷۴۰ مَا يَقُول إذا فرغ من وتره | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۱ حدیث ۶۱۰ و۶۱۱ باب الوتر بثلاث رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۲/۶ حدیث ۱۶۶۱ باب الایتار بثلاث والنهی عن الایتار فردة و ذکر القراءة فیه



آنها از هم جدا نمی‌کردند (یعنی بین شان سلام نمی‌دادند).(۱)

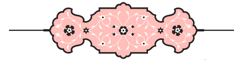
﴿۴۹۶﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوْتِرُ بِثَلَاثٍ لَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ.

ترجمه: از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سه رکعت وتر می‌خواندند و تنها در آخر آنها سلام می‌دادند.(۲)

امام ابوعبد الله محمد بن عبد الله الحاکم رحمه الله (متوفّی ۴۰۵ هـ.ق) می‌نویسد:

وَهٰذَا وِتْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، وَعَنْهُ أَخَذَهُ أَهْلُ الْمَدِيْنَةِ.

ترجمه: و این همان وترِ امیرالمُؤمنین عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه است و اهل مدینه این را از ایشان اخذ کرده‌اند.(۳)



﴿۴۹۷﴾ عَنْ أَبِي سَعِيْدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا فَصْلَ فِي الْوِتْرِ.

ترجمه: از حضرت ابو سعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: در بین وتر فاصله‌ای (با سلام دادن) وجود ندارد.(۴)

﴿۴۹۸﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُسَلِّمُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنَ الْوِتْرِ.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها می فرماید که حضرت

(۱) مسند احمد: ۵۴۶/۱۷ حدیث ۲۵۱۰۱
(۲) المستدرک علی الصحیحین للحاکم: ۶۰۸/۱ حدیث ۱۱۸۱
(۳) المستدرک علی الصحیحین للحاکم: ۶۰۸/۱ حدیث ۱۱۸۱
(۴) جامع المسانید للخوارزمی: ۴۰۲/۱ حدیث ۲۲۲۵





رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از ادای دو رکعت اولی وتر، سلام نمی دادند.[1]

﴿۴۹۹﴾ عَنْ سَعْدِ بْنِ هِشَامٍ، أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا حَدَّثَتْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يُسَلِّمُ فِي رَكْعَتَي الْوِتْرِ.

ترجمه: از حضرت سَعْد بن هِشام رحمه‌الله روایت است که اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها فرمود که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از ادای دو رکعتِ نماز وتر، سلام نمی‌دادند (بلکه سه رکعت خوانده آنگاه سلام می دادند).[2]

﴿۵۰۰﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: أَرْسَلْتُ أُمِّي لَيْلَةً لِتَبِيتَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَنْظُرَ كَيْفَ يُوتِرُ، فَبَاتَتْ عِنْدَ النَّبِيِّ فَصَلَّى مَا شَاءَ اللهُ أَنْ يُصَلِّيَ، حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرَ اللَّيْلِ وَأَرَادَ الْوِتْرَ قَرَأَ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى، وَقَرَأَ فِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. ثُمَّ قَعَدَ، ثُمَّ قَامَ، وَلَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهُمَا بِالسَّلَامِ، ثُمَّ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ اللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، حَتَّى إِذَا فَرَغَ كَبَّرَ ثُمَّ قَنَتَ، فَدَعَا مِمَّا شَاءَ اللهُ أَنْ يَدْعُوَ ثُمَّ كَبَّرَ وَرَكَعَ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: من مادرم را به خانهٔ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرستادم تا در آنجا بماند و مشاهده کند که آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز وتر را چگونه می‌خوانند. مادرم شب را در خانهٔ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم مهمان بود. حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در

(۱) المستدرک للحاکم: ۴۴۶/۱ حدیث ۱۱۳۹ كِتَابُ الْوِتْرِ؛ وَأَمَّا حَدِيثُ بَكْرِ بْنِ وَائِلٍ | آثار السنن للنیموی مع التعلیق الحسن: ص ۲۰۲ حاشیه ۲۲۱ باب الوتر بثلاث رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۹/۶ تحت حدیث ۱۶۵۲ باب الایتار بثلاث موصولة وعدم الفصل بینهن بالسلام ...

(۲) سنن النسائی: حدیث ۱۶۹۸ كِتَابُ قِيَامِ اللَّيْلِ وَتَطَوُّعِ النَّهَارِ؛ بَابُ كَيْفَ الْوِتْرُ بِثَلَاثٍ | موطا الامام محمد: ص ۹۶ حدیث ۲۶۶ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ السَّلَامِ فِي الْوِتْرِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۹۱/۲ حدیث ۶۸۴۲ | شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۸۰/۱ حدیث ۱۶۷۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْوِتْرِ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۲ حدیث ۶۱۳ باب الوتر بثلاث رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۸/۶ و۲۹ حدیث ۱۶۵۲ باب الایتار بثلاث موصولة وعدم الفصل بینهن بالسلام ...



شب هر مقدار که خواست خدا بود نماز خواندند و زمانی که نزدیک پایان شب رسید، آنحضرت ﷺ قصد خواندن نماز وتر را کردند. آنحضرت ﷺ در رکعت اولِ وتر سورۀ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ را تلاوت کردند. در رکعت دوم سورۀ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را خواندند و سپس بدون اینکه سلام دهند، ایستاده شدند؛ و در رکعت سوم سورۀ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را خواندند. پس از اتمام قرائت، تکبیر گفتند و سپس دعای قنوت را خواندند و هر آنچه که خواست خدا بود، دعا کردند. سپس دوباره تکبیر گفتند و به رکوع رفتند.(۱)



تشهُّد در رکعت دوم وتر

نماز وتر جزو نمازهای شب است و مانند همۀ نمازها پس از دو رکعت تشهُّد نیز درآن خوانده می شود. خواندن تشهُّد بعد از هر دو رکعت نماز از احادیث ذیل ثابت می‌باشد.

﴿۵۰۱﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ يَسْتَفْتِحُ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيْرِ وَالْقِرَاءَةِ، بِـ (اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ)... وَكَانَ يَقُوْلُ: فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ التَّحِيَّةُ.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی الله عنها روایت می‌کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را با تکبیر شروع می‌کردند و قرائت را

(۱) الاستيعاب في معرفة الاصحاب لابن عبد البر: ۱۹۴۶/۴ رقم (۴۱۸۱) أم عبد بنت سود بن قويم بن صاهلة الهذيلة أم عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُود | إعلاء السنن للتهانوي: ۸۱/۶ حديث ۱۶۹۶ باب وجوب القنوت في جميع السنة ومحله قبل الركوع



با ﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ﴾... و آنحضرت ﷺ می‌فرمودند: در هر دو رکعت، التحیات (تشهُّد) هست.[1]

﴿۵۰۲﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا لَا نَدْرِي مَا نَقُولُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ غَيْرَ أَنْ نُسَبِّحَ وَنُكَبِّرَ وَنَحْمَدَ رَبَّنَا، وَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُلِّمَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ، فَقَالَ: إِذَا قَعَدْتُمْ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ، فَقُولُوا: اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: ما نمی‌دانستیم که در قعدۀ بعدِ دو رکعت چه بگوئیم، جز آنکه تسبیح می گفتیم، تکبیر می گفتیم، و پروردگار خویش را حمد می کردیم و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم همۀ امور سراپا نیکی تعلیم داده شده اند. آنگاه آنحضرت صلی الله علیه وسلم (به ما) فرمودند: هنگامی که بعدِ دو رکعت نشستید، این کلمات را بخوانید: اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ... (تا آخر تشهُّد).[2]

﴿۵۰۳﴾ عَنْ الفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّلَاةُ مَثْنٰى مَثْنٰى، تَشَهَّدٌ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت فَضْل بن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: نماز (شب) دو دو رکعت است، و در هر

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۴۹۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَجْمَعُ صِفَةَ الصَّلَاةِ وَمَا يُفْتَتَحُ بِهِ وَيُخْتَمُ بِهِ... | مصنف عبد الرزاق: ۲۰۶/۲ حدیث ۳۰۸۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَنْ نَسِيَ التَّشَهُّدَ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۶۳/۱ حدیث ۳۰۲۳ كِتَابُ الصَّلَوات؛ قَدْرُ كَمْ يَقْعُدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۲۵۸/۱ حدیث ۲۹۶۵ كِتَابُ الصَّلَوات؛ فِي الرَّجُلِ يَنْقُصُ صَلَاتَهُ وَمَا ذُكِرَ فِيهِ وَكَيْفَ يَصْنَعُ

(۲) سنن النسائی: ۲۳۸/۲ حدیث ۱۱۶۳ كِتَابُ التَّطْبِيقِ؛ كَيْفَ التَّشَهُّدُ الْأَوَّلُ | مسند احمد: ۲۲۷/۷ حدیث ۴۱۶۰ مُسْنَدُ الْمُكْثِرِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ؛ مُسْنَدُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ الله تَعَالَى عَنْهُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۸۸/۶ حدیث ۱۶۸۱ باب الایتار بثلاث والنهی عن الایتار برکعة فردة ...

دو رکعت، تشهُّد باید خواند.[1]



در صفحات گذشته فرمان رسول اکرم صلی‌اللهعلیه‌وسلم به روایت حضرت عبد الله بن مسعود، حضرت عبد الله بن عمر و حضرت عائشه رضی‌الله عنهم گذشت که رسول اکرم صلی‌اللهعلیه‌وسلم نماز وتر را در آن احادیث، مشابه نماز مغرب قرار داده بودند.

در نماز مغرب بعد از دو رکعت تشهُّد وجود دارد، بنابرین در نماز وتر نیز بعد از دو رکعت برای تشهُّد باید نشست.



دعای قنوت

دعای قنوت در کتب احادیث به الفاظ مختلف مروی است.[2] خلاصه و قدر مشترک بین آنها این کلمات است:

﴿۵۰۴﴾ اللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَّفْجُرُكَ، اللّٰهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّى وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعٰى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ وَنَخْشٰى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ.

---

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۳۸۵ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّخَشُّعِ فِي الصَّلَاةِ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۲۹۵/۱۸ حدیث ۷۵۷ بَابُ الْفَاءِ؛ رَبِيعَةُ بْنُ الْحَارِثِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ | صحیح ابن خزیمه: ۲۲۰/۲ حدیث ۱۲۱۲ | السنن الکبری للنسائی: ۳۱۷/۱ و ۳۱۸ حدیث ۶۱۸ و ۶۱۹ كِتَابُ السَّهْوِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۰۱/۳ حدیث ۹۳۸ باب بیان ما یقرأ إذا فرغ من الصلوة

(۲) مترجم رساله‌ای دارد تحت عنوان «اثبات دعای قنوت احناف». این رساله شامل ۳۰ حدیث در مورد اثبات دعای قنوت احناف است. مترجم



ترجمه: الهی! ما از تو یاری می جوئیم و از تو آمرزش می خواهیم و به تو ایمان می‌آوریم و بر تو توکُّل می کنیم و ترا ثناء می گوئیم و ترا شکر می نمائیم و ناسپاسی ترا نمی‌کنیم. و جدائی اختیار می‌نمائیم و ترک می‌کنیم کسی را که نافرمانی ترا می‌کند. الهی! فقط تو را می‌پرستیم و فقط برای تو نماز می خوانیم و فقط ترا سجده می‌کنیم و به سوی تو می‌شتابیم و به رحمت تو امیدواریم و از عذاب تو می‌ترسیم، یقیناً، عذاب تو کفار را فرا خواهد گرفت.(۱)

دعای قنوت قبل از رکوع خوانده می‌شود:

﴿۵۰۵﴾ عاصِمٌ قال: سَأَلْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ عَنِ الْقُنُوتِ، فَقَالَ: قَدْ كَانَ الْقُنُوتُ قُلْتُ: قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ؟ قَالَ: قَبْلَهُ، قَالَ: فَإِنَّ فُلاَنًا أَخْبَرَنِي عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ بَعْدَ الرُّكُوعِ، فَقَالَ: كَذَبَ إِنَّمَا قَنَتَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ الرُّكُوعِ شَهْرًا.

ترجمه: حضرت عاصم بن سلیمان الاَحْوَل رحمه‌الله می‌فرماید: من از حضرت اَنس بن مالک رضی‌الله‌عنه دربارۀ قنوت سوال کردم. حضرت اَنس رضی جواب داد: همگی در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم قنوت می خواندند. پرسیدم: آیا قبل از رکوع می خواندند یا بعد از رکوع؟ جواب داد: قبل از رکوع.

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۲۴۹/۱ حدیث ۱۴۷۵ و ۱۴۷۶ کتاب الصلاة؛ بَابُ الْقُنُوتِ فِي صَلاَةِ الْفَجْرِ وَغَيْرِهَا | مصنف ابن أبي شيبة: ۹۵/۲ حدیث ۶۸۹۳ كِتَابُ صَلاَةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ مِنَ الدُّعَاءِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۱۰۶/۲ حدیث ۷۰۲۷ و ۷۰۲۸ و ۷۰۲۹ و ۷۰۳۰ و ۷۰۳۱ و ۷۰۳۲ كِتَابُ صَلاَةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ مَا يَدْعُو بِهِ فِي قُنُوتِ الْفَجْرِ | رسالة ابن ابی زید القیراونی: ص ۲۹ | کتاب الدعاء للطبرانی: ۳۵۵/۲ | الشرح الكبير لعبد الكريم الرافعی: ۲۵۰/۴ | السنن الکبری للبیهقی: ۲۹۸/۲ و۲۹۹ حدیث ۳۱۴۲ و ۳۱۴۳ و ۳۱ ۴۴ باب دعاء القنوت | مصنف ابن ابی شیبة: ۸۹/۶ حدیث ۲۹۷۰۱۴ و۲۹۷۰۱۵ و ۲۹۷۰۱۶ و ۲۹۷۰۱۷ و ۲۹۷۰۱۸ و ۲۹۷۰۱۹ كِتَابُ الدُّعَاءِ؛ مَا يَدْعُو بِهِ فِي قُنُوتِ الْفَجْرِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۸۹/۶ حدیث ۲۹۷۰۸ كِتَابُ الدُّعَاءِ؛ مَا يَدْعُو بِهِ الرَّجُلُ فِي قُنُوتِ الْوِتْرِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۰۶/۶ تا ۱۰۸ حدیث ۱۷۳۷ تا ۱۷۴۰ باب إخفاء القنوت فی الوتر وألفاظه وحكم القنوت فی الفجر

عرض کردم: فلانی به من گفت که شما می گوئید قنوت بعد از رکوع است؟ حضرت اَنس رضی الله‌عنه فرمود: او راست نگفته است، (زیرا) حضرت رسول الله ﷺ فقط یک ماه بعد از رکوع، قنوت (نازله) را خوانده‌اند و بس.[1]

﴿۵۰۶﴾ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثِ رَكَعَاتٍ... وَيَقْنُتُ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

ترجمه: حضرت اُبَی بن کَعْب رضی الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم نماز وتر را سه رکعت بجا می‌آوردند ... و همچنین دعای قنوت را قبل از رکوع می خواندند.[2]

﴿۵۰۷﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَنَتَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْوِتْرِ قَبْلَ الرَّكْعَةِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می فرماید: حضرت رسول اکرم ﷺ در نماز وتر، دعای قنوت را قبل از رکوع می خواندند.[3]

﴿۵۰۸﴾ عَنِ الْاَسْوَدِ رَحِمَهُ اللهُ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَنَتَ فِي الْوِتْرِ قَبْلَ الرُّكُوعِ، وَفِي رِوَايَةٍ: بَعْدَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ الرُّكُوْعِ.

ترجمه: حضرت اَسْوَد رحمه الله می فرماید: امیر المؤمنین حضرت عمر بن

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۰۰۲ أَبْوَابُ الوِتْرِ؛ بَابُ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَهُ | صحیح البخاری: حدیث ۴۰۹۶ كِتَابُ المَغَازِي؛ بَابُ غَزْوَةِ الرَّجِيعِ وَرِعْلٍ وَذَكْوَانَ... | صحیح مسلم: حدیث ۶۷۷ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الْقُنُوتِ فِي جَمِيعِ الصَّلَاةِ إِذَا نَزَلَتْ بِالْمُسْلِمِينَ نَازِلَةٌ

(۲) سنن النسائی: حدیث ۱۶۹۹ | السنن الكبري للبيهقي: ۵۷/۳ حدیث ۴۸۶۲ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۰۱ حدیث ۶۱۰ و۶۱۱ باب الوتر بثلاث ركعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۲/۶ حدیث ۱۶۶۱ باب الايتار بثلاث والنهى عن الايتار فردة و ذكر القراءة فيه | عمل اليوم والليلة للنسائی: ص ۴۴۳ حدیث ۷۳۴ | مختصر الأحكام = مستخرج الطوسي على جامع الترمذي: ۴۲۹/۲ حدیث ۳۱۱-/۴۴۴ | شرح مشكل الآثار للطحاوی: ۳۷۱/۱۱ حدیث ۴۵۰۳ | الاحادیث المختارة لضياء المقدسی: ۴۱۹/۲ حدیث ۱۲۱۷ | السنن الكبري للنسائی: ۱۶۷/۲ حدیث ۱۴۳۶ | سنن الدارقطنی: ۳۵۵/۲ حدیث ۱۶۶۰ كِتَابُ الْوِتْرِ | مختصر قيام الليل وقيام رمضان وكتاب الوتر للمروزی: ص ۳۱۳ بَابُ إِثْبَاتِ الْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ | وبمعناه فی سنن ابی داؤد: ۶۴/۲ حدیث ۱۴۲۷ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابُ الْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ

(۳) سنن الدارقطنی: ۳۵۶/۲ حدیث ۱۶۶۳ كِتَابُ الْوِتْرِ؛ مَا يَقْرَأُ فِي رَكَعَاتِ الْوِتْرِ وَالْقُنُوتُ فِيهِ | مصنف ابن ابی شیبة: ۹۷/۲ حدیث ۶۹۱۲ | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۹/۶ و ۸۰ حدیث ۱۶۹۴ و ۱۶۹۵

الخطاب رضی‌الله‌عنه قبل از رکوع، دعای قنوت را می‌خواندند. و در روایت دیگری وارد است: حضرت عمر بن الخطاب رضی‌الله‌عنه پس از قرائت، و قبل از رفتن به رکوع، دعای قنوت را می‌خواندند.(۱)

﴿۵۰۹﴾ عَن عَلْقَمَةَ أَنَّ ابْنَ مَسْعُوْدٍ، وَأَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانُوْا يَقْنُتُوْنَ فِي الْوِتْرِ قَبْلَ الرُّكُوْعِ.

ترجمه: از علقمه روایت است که حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه و دیگر صحابۀ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در نمازِ وتر پیش از رکوع قنوت می‌خواندند.(۲)

رفع یَدَین قبل از دعای قنوت:

﴿۵۱۰﴾ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ هُوَ جَعْفَرُ بْنُ مَيْمُوْنٍ بَيَّاعُ الْأَنْمَاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عُثْمَانَ قَالَ: كَانَ عُمَرُ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الْقُنُوْتِ.

ترجمه: از ابو علی جعفر بن میمون که قالین‌فروش بود روایت است که گفت: از ابو عثمان شنیدم که می‌گفت: حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه در قنوت دست‌های خود را بالا برده رفع یَدَین می‌کردند.(۳)

﴿۵۱۱﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي اٰخِرِ رَكْعَةٍ مِنَ الْوِتْرِ ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيَقْنُتُ قَبْلَ الرَّكْعَةِ.

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که در رکعت آخر وتر ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ﴾ را می‌خواندند، سپس دست‌های خود را بالا برده رفع یَدَین می‌کردند، و قنوت را پیش از رکوع می‌خواندند.(۴)

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۱۹/۴ و ۵۲۰ حدیث ۶۹۷۲ با تحقیق محمد عوامه | صلاة الوتر للمروزی: ص ۳۱۸ بَابُ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ | وبمعناه فی إعلاء السنن للتهانوی: ۸۶/۶ حدیث ۱۷۰۳
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۲۱/۴ حدیث ۶۹۸۳ فِي الْقُنُوْتِ قَبْلَ الرُّكُوْعِ أَوْ بَعْدَهُ
(۳) قرة العینین برفع الیدین للبخاری: ص ۶۸ حدیث ۹۴
(۴) قرة العینین برفع الیدین للبخاری: ص ۶۸ حدیث ۹۵ | صلاة الوتر للمروزی: ص ۳۲۰ بَابُ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ | السنن الکبری للبیهقی: ۲۱۲/۲ | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۸۵/۶ حدیث ۱۷۰۰

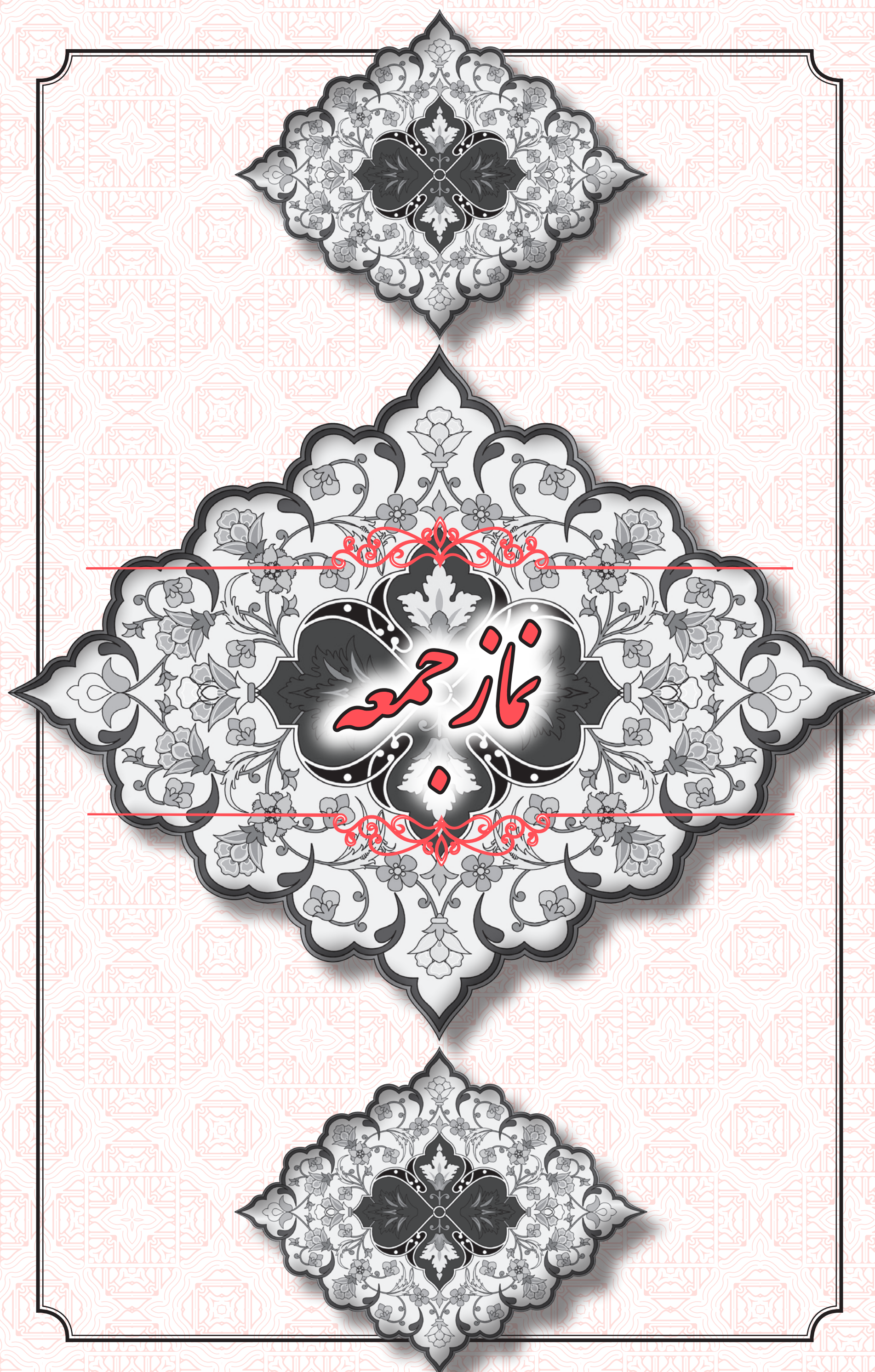
﴿۵۱۲﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي قُنُوْتِ الْوِتْرِ.
ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که در قنوت وتر دست‌های خود را بالا برده رفع یَدَین می‌کردند.[۱]

﴿۵۱۳﴾ كَانَ أَبُوْ هُرَيْرَةَ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي قُنُوتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.
ترجمه: حضرت ابو هریره رضی‌الله‌عنه در ماه رمضان در قنوت خود دست‌های شان را بالا برده رفع یدین می کردند.[۲]

﴿۵۱۴﴾ عَنْ إِبْرَاهِيْمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: تُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ وَفِي التَّكْبِيْرِ لِلْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ وَفِي الْعِيْدَيْنِ وَعِنْدَ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ وَعَلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَبِجَمْعٍ وَعَرَفَاتٍ وَعِنْدَ الْمَقَامَيْنِ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ.
ترجمه: تابعی بزرگوار حضرت ابراهیم نَخَعی رحمه‌الله می‌فرماید: در هفت جا دست‌ها رفع یَدَین می‌شود: ۱: در آغاز نماز، ۲: در تکبیر قنوت در وتر، ۳: در نماز عیدین، ۴: هنگام استلام حَجَر، ۵: بر صفا و مروه، ۶: در مزدلفه و عرفات، ۷: و نزد دو جَمَرَه هنگام وقوف.[۳]

﴿۵۱۵﴾ علامه علاءالدین ابوبکر بن مسعود بن احمد کاسانی الحنفی (متوفّی ۵۸۷ه.ق) می نویسد:
وَأَجْمَعُوْا عَلٰى أَنَّهُ يُرْفَعُ الْأَيْدِیْ فِی تَكْبِيْرِ الْقُنُوْتِ وَتَكْبِيْرَاتِ الْعِيْدَيْنِ.
ترجمه: فقهای کرام بر این امر اجماع دارند که در تکبیر قنوت و تکبیرهای عیدَین رفع یدین انجام می‌شود.[۴]

---
(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۵۳۱/۴ حدیث ۷۰۲۷ باب فی رفع الیدین فی قنوت الوتر
(۲) مختصر قیام اللیل للمروزی: ص ۲۳۰ باب رفع الایدی عند القنوت | السنن الکبریٰ للبیهقی: ۴۱/۳ بَابُ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِی الْقُنُوْتِ | مختصر کتاب الوتر للمقریزی: ص ۱۳۹ باب رفع الایدی عند القنوت
(۳) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۴۱۷/۱ باب رفع الیدین عند رؤیة البیت
(۴) بدائع الصنائع للکاسانی: ۴۸۴/۱ رفع الیدین فی الصلوٰة


نماز جمعه

نماز جمعه

فرضیت جمعه:

ادای نماز جمعه در روز جمعه فرض عین است. جز مریض، مسافر، زن، طفل، غلام و مجنون؛ شرکت در نماز جمعه بر هر مسلمان لازم است، در غیر آن سخت گناهگار می‌شوند.

﴿۵۱۶﴾ عَنْ جَابِرٍ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَعَلَيْهِ الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مُسَافِرٌ أَوِ امْرَأَةٌ أَوْ صَبِيٌّ أَوْ مَمْلُوكٌ، فَمَنِ اسْتَغْنَى بِلَهْوٍ أَوْ تِجَارَةٍ اِسْتَغْنَى اللهُ عَنْهُ وَاللهُ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ.

ترجمه: از حضرت جابر رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی بر خدا و روز آخرت ایمان دارد، نماز جمعه در روز جمعه بر او فرض است؛ إلّا مریض، مسافر، زن، طفل و غلام. پس هر کسی که در لعب و بازی و کار و بار مشغول باشد و از نماز جمعه غفلت ورزد، خداوند نیز پرواه او را ندارد، و خداوند بی‌نیاز و صاحب حمد و ثناست.(۱)

﴿۵۱۷﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ لِقَوْمٍ

(۱) سنن الدارقطنی: ۳۰۵/۲ حدیث ۱۵۷۶ كِتَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ مَنْ تَجِبُ عَلَيْهِ الْجُمُعَةُ | السنن الکبری للبیهقی: ۲۶۱/۳ حدیث ۵۶۳۴ كِتَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ مَنْ لَا تَلْزَمُهُ الْجُمُعَةُ | ومثله عن طارق بن شهاب فی المستدرک للحاکم: ۴۲۵/۱ حدیث ۱۰۶۲ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ وَأَمَّا حَدِيثُ حَسَّانَ بْنِ عَطِيَّةَ | سنن ابی داود: ۲۸۰/۱ حدیث ۱۰۶۷ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الْجُمُعَةِ لِلْمَمْلُوكِ وَالْمَرْأَةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۶/۸ حدیث ۲۰۵۷ باب من لا يجب عليهم الجمعة

يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ، لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِالنَّاسِ، ثُمَّ أُحَرِّقَ عَلَى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوتَهُمْ.

ترجمه: از حضرت عبد الله (بن مسعود) رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارۀ کسانی که نماز جمعه را ترک می کردند فرمودند: من اراده داشتم تا شخصی را حکم دهم که مردم را نماز بدهد و خود خانۀ آن اشخاصی را که به نماز جمعه نمی‌آیند آتش بزنم.(۱)

آداب جمعه:

﴿۵۱۸﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ الْجُمُعَةَ فَلْيَغْتَسِلْ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت می کند: از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: هر کسی از شما که به نماز جمعه می آید، غسل بگیرد.(۲)

﴿۵۱۹﴾ عَنْ سَمُرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَضَّأَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَبِهَا وَنِعْمَتْ، وَمَنِ اغْتَسَلَ فَهُوَ أَفْضَلُ.

ترجمه: از حضرت سَمُرَه (بن جُنْدُب) رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی در روز جمعه وضو بگیرد، کاری خوب کرده است، و هر کسی غسل کند، بهتر است.(۳)



(۱) صحیح مسلم: حدیث ۶۵۲ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ فَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ، وَبَيَانِ التَّشْدِيدِ فِي التَّخَلُّفِ عَنْهَا

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۸۴۴ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ ومثله فی ا صحیح البخاری: ۲/۲ حدیث ۸۷۷ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ فَضْلِ الْغُسْلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ...

(۳) سنن ابی داوٗد: حدیث ۳۵۴ كِتَابُ الطَّهَارَةِ؛ بَابٌ فِي الرُّخْصَةِ فِي تَرْكِ الْغُسْلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ا جامع الترمذی: حدیث ۴۹۷ أَبْوَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابٌ فِي الْوُضُوءِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

حافظ بدر الدین محمود بن احمد بن موسی العَیْنی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۸۵۵ ه.ق) فقیه و مُحدِّث مشهور و شارح بزرگ صحیح البخاری می فرماید: این حدیث توسط هفت تن از صحابهٔ کرام روایت شده است:(۱)

حضرت سَمُرَه بن جُنْدُب رضی‌الله‌عنه

حضرت اَنَس رضی‌الله‌عنه

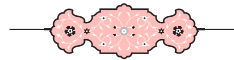
حضرت ابو سعید خُدری رضی‌الله‌عنه

حضرت ابو هریره رضی‌الله‌عنه

حضرت جابر رضی‌الله‌عنه

حضرت عبد الرحمٰن بن سَمُرَه رضی‌الله‌عنه

حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنه



﴿۵۲۰﴾ عَنْ سَلْمَانَ الفَارِسِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لاَ يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طُهْرٍ، وَيَدَّهِنُ مِنْ دُهْنِهِ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَلاَ يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الإِمَامُ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الجُمُعَةِ الأُخْرَى.

ترجمه: از حضرت سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه روایت است که نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی در روز جمعه به خوبی غسل کند و خود را به قدر امکان پاکیزه نماید و موهای خود را روغن مو بمالد (تا موهایش صاف و آراسته گردد) و خود را عطر بزند و آنگاه برای نماز برود؛ و چون به مسجد رسید، کسی را از جایش برنخیزاند تا خودش برجای او بنشیند، و سپس هر اندازه نماز نفلی که در نصیبش بود بخواند؛ و هنگامی که امام (بر

(۱) عمدة القاری شرح صحیح البخاری للعینی: ۱۵۳/۶ کتاب مَوَاقِيت الصَّلَاَة؛ بابُ وُضُوءِ الصِّبْيَانِ ومَتَى يَجِبُ عَلَيْهِمْ الغُسْلُ والطُّهُورُ

منبر نشست و) شروع به خطبه کرد، خاموش باشد؛ گناهانش از جمعهٔ قبلی تا این جمعه بخشیده خواهد شد.(۱)

﴿۵۲۱﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي جُمُعَةٍ مِنَ الْجُمَعِ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ، إِنَّ هَذَا يَوْمٌ جَعَلَهُ اللهُ لَكُمْ عِيدًا، فَاغْتَسِلُوا، وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در یک جمعه فرمودند: ای مسلمانان! خداوند امروز را برای شما عید گردانیده است، بنابرین در این روز غسل بگیرید و حتماً از مسواک استفاده کنید.(۲)

دو آذان در جمعه:

در روز جمعه دو آذان گفته می‌شود. آذان اول را به اندازه‌ای زود باید داد تا مردم به مسجد آمده با اطمینان خاطر بتوانند نمازهای سنت خود را ادا کنند، و آذان دوم باید قبل از شروع خطبهٔ عربی داده شود.

﴿۵۲۲﴾ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ السَّائِبَ بْنَ يَزِيدَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ يَقُولُ: إِنَّ الأَذَانَ يَوْمَ الجُمُعَةِ كَانَ أَوَّلُهُ حِينَ يَجْلِسُ الإِمَامُ، يَوْمَ الجُمُعَةِ عَلَى المِنْبَرِ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَبِي بَكْرٍ، وَعُمَرَ رضی‌الله‌عنهما، فَلَمَّا كَانَ فِي خِلاَفَةِ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ، وَكَثُرُوا، أَمَرَ عُثْمَانُ يَوْمَ الجُمُعَةِ بِالأَذَانِ الثَّالِثِ، فَأُذِّنَ بِهِ عَلَى الزَّوْرَاءِ، فَثَبَتَ الأَمْرُ عَلَى ذَلِكَ.

ترجمه: از امام زُهری رحمه‌الله روایت است که حضرت سائب رضی‌الله‌عنه

---

(۱) صحیح البخاری: ۳/۲ حدیث ۸۸۳ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ الدُّهْنِ لِلْجُمُعَةِ

(۲) المعجم الاوسط للطبرانی: ۳/۳۷۲ حدیث ۳۴۳۳ بَابُ الْحَاءِ؛ مَنِ اسْمُهُ الْحَسَنُ | المعجم الصغیر للطبرانی: ۱/۲۲۳ حدیث ۳۵۸ بَابُ الْحَاءِ؛ مَنِ اسْمُهُ الْحَسَنُ، ومثله فی | المعجم الکبیر للطبرانی: ۱۱/۲۱۹ حدیث ۱۱۵۴۸ بَابُ العين؛ عِكْرِمَةُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ



بیان می کند که در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و خلافت ابو بکر صدیق رضی‌الله‌عنه و حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه آذان روز جمعه زمانی داده می‌شد که امام بر روی منبر می‌نشست؛ و هنگام دوران خلافت حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه که تعداد مردم کثرت یافت، حضرت عثمان رضي الله عنه امر نمود تا آذان دیگری نیز داده شود. و این آذان در «زَوْراء» داده می‌شد. و این امر پایدار ماند (یعنی تعامل اُمت بر آن قرار گرفت).[1]

تعداد رکعات نماز جمعه:

١. چهار رکعت سنت

٢. دو رکعت فرض

٣. چهار رکعت سنت

٤. دو رکعت سنت

﴿٥٢٣﴾ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي لَيْلٰى قَالَ: قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: صَلَاةُ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَانِ، وَصَلَاةُ الْفِطْرِ رَكْعَتَانِ، وَصَلَاةُ الْأَضْحَى رَكْعَتَانِ، وَصَلَاةُ السَّفَرِ رَكْعَتَانِ تَمَامٌ غَيْرُ قَصْرٍ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.[2]

ترجمه: عبد الرحمٰن بن ابی لیلی رحمه‌الله روایت می کند که امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه فرمودند: نماز جمعه دو رکعت است، نماز عید فطر دو رکعت است، نماز عید قربان دو رکعت است؛ نماز سفر دو رکعت است، این نماز کامل است، ناقص نیست، بر زبان حضرت محمد

(١) صحیح البخاری: حدیث ٩١٦ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ التَّأْذِينِ عِنْدَ الخُطْبَةِ
(٢) سنن النسائی: حدیث ١٤٢٠ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ عَدَدُ صَلَاةِ الْجُمْعَةِ | سنن النسائی: حدیث ١٤٤٠ كِتَابُ تَقْصِيرِ الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ | سنن النسائی: حدیث ١٠٦٤ كِتَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ؛ عَدَدُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ | سنن ابن ماجه: حدیث ١٠٦٤ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ تَقْصِيرِ الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ | المعجم الاوسط للطبرانی: ٣١٠/٣ حدیث ٢٩٤٣ | المعجم الاوسط للطبرانی: ١٨١/٥ حدیث ٥٠١٠ | المعجم الاوسط للطبرانی: ٢٤٤/٨ حدیث ٨٥٢٨ | إعلاء السنن للتهانوی: ٧٥/٨ و٧٦ حدیث ٢٠٥٦



مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم.

دو رکعت نماز فرض جمعه از حدیث شریف فوق ثابت می‌گردد.



﴿۵۲۴﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم چهار رکعت قبل از نماز جمعه و چهار رکعت بعد از نماز جمعه می‌خواندند.(۱)

﴿۵۲۵﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه خود نیز چهار رکعت قبل از نماز جمعه و چهار رکعت بعد از نماز جمعه می‌خواندند.(۲)

﴿۵۲۶﴾ عَنْ عَلِيٍّ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ: مَنْ كَانَ مُصَلِّيًا بَعْدَ الْجُمُعَةِ فَلْيُصَلِّ سِتًّا.

ترجمه: امیر المؤمنین حضرت علی رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: هر کسی بعد از نماز جمعه نماز می‌خواند، شش رکعت نماز بخواند.(۳)

﴿۵۲۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۹۶/۴ حدیث ۳۹۵۹ بَابُ الْعَيْنِ؛ مَنِ اسْمُهُ عَلِيٌّ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۷۲/۲ حدیث ۱۶۱۷ بَابُ الْأَلِفِ؛ مَنِ اسْمُهُ أَحْمَدُ | نصب الراية للزيلعی: ۲۰۶/۲ بَابُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۳/۷ حدیث ۱۷۶۲ باب النوافل والسنن (عن علی رضی الله عنه)

(۲) جامع الترمذی: حدیث ۵۲۳ أَبْوَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا | مصنف عبد الرزاق: ۲۴۷/۳ حدیث ۵۵۲۵ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا | إعلاء السنن للتهانوی: ۹/۷ حدیث ۱۷۶۱ باب النوافل والسنن | آثار السنن للنيموی: ص ۳۰۳ حدیث ۹۴۴ باب السنة قبل صلاة الجمعة وبعدها

(۳) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۳۳۷/۱ حدیث ۱۹۷۸ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ التَّطَوُّعِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ كَيْفَ هُوَ؟ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۶/۷ حدیث ۱۷۶۵ باب النوافل والسنن | آثار السنن للنيموی: ص ۳۰۳ حدیث ۹۴۷ باب السنة قبل صلاة الجمعة وبعدها

وَسَلَّمَ: مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُصَلِّيًا بَعْدَ الجُمُعَةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرکسی از بین شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت دیگر نیز بخواند.[1]

﴿۵۲۸﴾ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت سالم (بن عبد الله) از پدر خود (حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا) روایت می‌کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از نماز جمعه، دو رکعت نماز می‌خواندند.[2]

فایدۀ ۱: از روایات بالا دانسته شد که قبل از نماز جمعه، چهار رکعت و بعد از نماز جمعه، شش رکعت خوانده شود. از این شش رکعت، نخست چهار رکعت خوانده می‌شود و سپس دو رکعت دیگر.

فایدۀ ۲: در احادیث مبارکه، نمازهای نفل پس از جمعه نه لازم قرار داده شده و نه مقدار مشخصی برای آن تعیین گردیده است. بنابراین هر شخص به هر اندازه که بخواهد می‌تواند نماز نفل بخواند، و این امر به رغبت، وقت و استطاعت او بستگی دارد. به عبارت دیگر، نوافل چنان اختصاصی به جمعه ندارند که لازم و ضروری پنداشته شوند.

طریقه و ترتیب خطبۀ جمعه:

در روز جمعه امام بر منبر ایستاده دو خطبه می‌دهد و در بین این دو خطبه برای مدت کوتاهی می نشیند.

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۸۸۱ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۸/۷ حدیث ۱۷۶۰ باب النوافل والسنن

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۸۸۲ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ

﴿۵۲۹﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ، كَانَ يَجْلِسُ إِذَا صَعِدَ الْمِنْبَرَ حَتَّى يَفْرَغَ - أُرَاهُ قَالَ: الْمُؤَذِّنُ - ثُمَّ يَقُومُ، فَيَخْطُبُ، ثُمَّ يَجْلِسُ فَلَا يَتَكَلَّمُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَخْطُبُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که نبی اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم دو خطبه می‌دادند. هنگامی که آنحضرت صلی الله علیه وآله بر منبر بالا می رفتند، می‌نشستند تا آنکه مؤذن از آذان فارغ می‌گردید، سپس ایستاده شده خطبه می‌دادند، سپس می‌نشستند و خاموشی اختیار می‌فرمودند، و سپس برخاسته باز خطبه می‌دادند.(۱)

اختصار در خطبهٔ جمعه:

﴿۵۳۰﴾ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ أَمَرَنَا رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِإِقْصَارِ الْخُطَبِ.

ترجمه: حضرت عمار بن یاسر رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله ما را به کوتاه‌ساختن خطبه‌ها حکم دادند.(۲)



خطبهٔ جمعه باید به زبان عربی باشد:

لازم است که خطبهٔ جمعه به عربی باشد و بیان آن به زبان دیگری غیر از

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۰۹۲ تَفْرِيعُ أَبْوَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الْجُلُوسِ إِذَا صَعِدَ الْمِنْبَرَ ا سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۰۳ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةِ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الْخُطْبَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

(۲) المستدرک علی الصحیحین للحاکم: ۵۸۴/۱ حدیث ۱۱۰۵

زبان عربی مکروه تحریمی است. این حکم دلایل زیادی دارد:

(۱) خطبهٔ جمعه در حقیقت «ذکر الله» است:

﴿۵۳۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِىَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللهِ.

ترجمه: ای مسلمانان! هنگامی که برای نماز در روز جمعه آذان داده شود بشتابید به سوی «ذکر الله».(۱)

علامه حافظ الدین ابو البرکات عبدالله بن احمد بن محمود نَسَفی حنفی رحمه‌الله (متوفّی ۷۱۰ ه.ق) می‌نویسد:

إِلَى ذِكْرِ اللهِ: أي إلَى الخُطبَةِ، عِندَ الجُمهُورِ.

ترجمه: مراد از «ذِكْرِ اللهِ» نزد جمهور مُفسِّرین، خطبهٔ جمعه است.(۲)

همچنین در حدیث شریف آمده است:

﴿۵۳۲﴾ عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِىَ اللهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَقَفَتِ الْمَلَائِكَةُ عَلٰى بَابِ الْمَسْجِدِ يَكْتُبُوْنَ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ وَمَثَلُ الْمُهَجِّرِ كَمَثَلِ الَّذِي يُهْدِى بَدَنَةً ثُمَّ كَالَّذِي يُهْدِى بَقَرَةً ثُمَّ كَبْشًا ثُمَّ دَجَاجَةً ثُمَّ بَيْضَةً فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ طَوَوْا صُحُفَهُمْ وَيَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه‌وسلم فرمودند: هنگامی که روز جمعه فرا می‌رسد فرشتگان بر درِ مسجد می‌ایستند و نام واردشوندگان را به ترتیب می‌نویسند؛ هر که زودتر آید، نامش اول ثبت می‌شود. مَثَلِ کسی که زودتر برای جمعه می‌آید، مانند کسی است که شتری در راه خدا صدقه می‌دهد؛ سپس نفر بعدی مانند کسی است که

(۱) سُورَةُ الجُمُعَة: آیهٔ ۹

(۲) مدارک التنزیل وحقائق التاویل للنسفی: ج۳ ص ۴۸۲ تحت قوله تعالیٰ (يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا نُوْدِىَ لِلصَّلٰوةِ) سورة الجمعة: ۹

گاوی صدقه می‌کند؛ سپس قوچ، سپس مرغ، و سپس تخم‌مرغ. هنگامی که امام (بخاطر خطبه) بیرون می‌آید، فرشتگان دفترهای خود را می‌بندند و به «ذکر» (خطبه) گوش می‌دهند.[1]

از این تصریحات دانسته می‌شود که خطبه در حقیقت «ذکر الله» است؛ پس همان‌گونه که ثنا، تعوُّذ، تسمیع، تحمید، التحیات و غیره «ذکر الله» اند و تنها به زبان عربی خوانده می‌شوند، خطبه نیز باید به زبان عربی باشد.

(۲) تعامل همیشگی اُمت بر زبان عربی در خطبه:

از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ثابت است که آنحضرت ﷺ با مواظبت و به طور همیشگی به زبان عربی خطبه می‌دادند، حالآنکه در آن زمان اشخاص عجمی نیز در دوران خطبه های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر می‌بودند که نیاز داشتند دین به ایشان تبلیغ گردد، لیکن آنحضرت ﷺ بازهم بر زبان عربی در خطبه اکتفاء کردند.

همچنین در عهد خلفای راشدین و دیگر صحابۀ کرام، هنگامی که اسلام از جزیرة العرب به سرزمین‌های غیرعربی گسترش یافت، مردم آن مناطق به زبان عربی آشنائی نداشتند. با این حال، خطبه همچنان تنها به زبان عربی خوانده می‌شد. توارُث و تعامُل اُمت اسلامی بر ایراد خطبه به زبان عربی، دلیلی روشن است که خطبۀ جمعه باید به زبان عربی خوانده شود.

(۳) تصریحات اکابر فقهاء و سلف صالحین:

از تصریحات اکابر فقهاء و سلف صالحین اُمت اسلامی نیز ثابت می

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۹۲۹ كِتَاب الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الِاسْتِمَاعِ إِلَى الْخُطْبَةِ | صحیح مسلم: حدیث ۸۵۰ كِتَاب الْجُمُعَةِ؛ بَاب فَضْلِ التَّهْجِيرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ



گردد که زبان عربی شرط خطبه هست. چنانچه:

۱: امام ابو القاسم عبد الکریم بن محمد بن عبد الکریم الرافعی القزوینی رحمه‌الله (متوفّی ٦٢٣ ه.ق) می فرماید:

وَهَلْ يُشْتَرَطُ كَوْنُ الْخُطْبَةِ كُلُّهَا بِالْعَرَبِيَّةِ؟ وَجْهَانِ: الصَّحِيْحُ اشْتِرَاطُهُ.

ترجمه: آیا شرط است که تمام خطبه به زبان عربی باشد؟ در این مسئله دو نظر وجود دارد. صحیح این است که عربی بودن آن شرط است.(۱)

۲: علامه محی الدین ابو زکریا یحیی بن شرف النَّوَوِی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ٦٧٦ ه.ق) می فرماید:

وَيُشْتَرَطُ كَوْنُهَا بِالْعَرَبِيَّةِ.

ترجمه: بودن خطبه در زبان عربی شرط است.(۲)

۳: شیخ الاسلام ابو یحیی زکریا بن محمد الانصاری الشافعی رحمه‌الله (متوفّی ٩٢٦ ه.ق) می فرماید:

مِنْ شُرُوطِهَا مَا سَبَقَ، وَهُوَ كَوْنُهَا بِالْعَرَبِيَّةِ.

ترجمه: یکی از شرائط آن که قبلاً هم گذشت این است که خطبه باید به زبان عربی باشد.(۳)

۴: امام الهند شاه ولی الله احمد بن عبد الرحیم مُحدِّث دهلوی رحمه‌الله (متوفّی ١١٧٦ ه.ق) شروط نماز جمعه ذکر نموده می فرماید:

«و عربی بودن نیز به جهت عمل مُستمرِّ مُسلمین در مشارق و مغارب، با وجود آنکه در بسیاری از اقالیم، مخاطبان عجمی بودند.»(۴)

۵: عُمْدَةُ المتأخرین علامه ابو الحسنات عبد الحی لَكْنَوِی رحمه‌الله

(۱) اتحاف السادة المتقين بشرح احياء علوم الدين للزبيدى: ٢٢٦/٣ باب شروط الجمعة
(۲) كتاب الاذكار للنووى: ٢٧٩/١ كتاب حمد الله تعالىٰ
(۳) اسنى المطالب فى شرح روض الطالب لشيخ الاسلام زكريا الانصارى: ٢٥٨/١ كِتَابُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ؛ فَرْعٌ شُرُوطُ خُطْبَةِ الْجُمُعَةِ
(۴) مصفّى شرح موطا للشاه ولى الله الدهلوى: ص ١٥٣ باب التشديد على من ترك الجمعة بغير عذر



(متوفّٰی ۱۳۰۴هـ.ق) می‌فرماید:

وَلَا شَكَّ فِي اَنَّ الْخُطْبَةَ بِغَيْرِ الْعَرَبِيَّةِ خِلَافُ السُّنَّةِ الْمُتَوَارَثَةِ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالصَّحَابَةِ فَيَكُوْنُ مَكْرُوْهاً تَحْرِيماً.

ترجمه: و در این شکی نیست که ایراد خطبه به زبان دیگری غیر از زبان عربی خلاف سنّتی است که از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم به طور متوارث تا امروز رسیده است، بنابرین (خطبه در زبان غیر از زبان عربی) مکروه تحریمی می‌باشد.(۱)



نماز و کلام در اثنای خطبهٔ امام ممنوع است:

﴿۵۳۳﴾ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ فَلَا صَلَاةَ وَلَا كَلَامَ حَتَّى يَفْرُغَ الْإِمَامُ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت می‌کند که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که می‌فرمودند: هرگاه کسی داخل مسجد شود و امام بر منبر باشد، نه نمازی جایز است و نه کلامی، تا آنگاه که امام (از خطبه و نماز) فارغ گردد.(۲)

(۱) عمدة الرعاية على شرح الوقاية: ۲۰۰/۱

(۲) المعجم الکبیر للطبرانی: ۷۵/۱۳ حدیث ۱۳۷۰۸ | مجمع الزوائد للهیثمی: ۱۸۴/۲ حدیث۳۱۱۸ | کنز العمال: ۷۴۷/۷ حدیث ۲۱۲۱۲ | جامع الاحادیث: ۱۱۴/۳ حدیث ۱۸۷۹ | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۷/۲ حدیث ۵۲۲ باب کراهة الصلوة والکلام بعد خروج الامام للخطبة



﴿۵۳۴﴾ عَنْ عَطَاءٍ الْخُرَاسَانِيِّ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: كَانَ نُبَيْشَةُ الْهُذَلِيُّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُؤْذِي أَحَدًا فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْإِمَامَ خَرَجَ صَلَّى مَا بَدَا لَهُ وَإِنْ وَجَدَ الْإِمَامَ قَدْ خَرَجَ جَلَسَ فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ حَتَّى يَقْضِيَ الْإِمَامُ جُمُعَتَهُ وَكَلَامَهُ إِنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي جُمُعَتِهِ تِلْكَ ذُنُوبُهُ كُلُّهَا أَنْ تَكُوْنَ كَفَّارَةً لِلْجُمُعَةِ الَّتِي قَبْلَهَا.

ترجمه: از عطاء خراسانی رحمه‌الله روایت است که حضرت نُبَیشَه هُذَلی رضی‌الله‌عنه روایت می‌کرد که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه مسلمان در روز جمعه غسل کند، سپس به سوی مسجد بیاید و کسی را آزار ندهد؛ اگر امام (خطیب) را نیابد، هر قدر که می‌خواهد نماز نفل بخواند، و اگر امام بیرون آمده باشد (یعنی خطبه آغاز شده باشد)، بنشیند و گوش دهد و خاموشی اختیار کند تا آنکه امام نماز جمعه و خطبهٔ خود را به پایان برساند؛ اگر در این جمعه همهٔ گناهانش آمرزیده نشود، همین جمعه کفارهٔ گناهان او تا جمعهٔ قبلی او خواهد بود.(۱)

وعظ و نصیحت قبل از خطبهٔ جمعه:

﴿۵۳۵﴾ عَنْ عَاصِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيْهِ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَخْرُجُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَقْبِضُ عَلَى رُمَّانَتَيِ الْمِنْبَرِ قَائِمًا وَيَقُوْلُ: حَدَّثَنَا أَبُوْ الْقَاسِمِ رَسُوْلُ اللهِ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَا يَزَالُ يُحَدِّثُ

(۱) مسند احمد: ۳۲۱/۳۴ حديث ۲۰۷۲۱ حَدِيثُ نُبَيْشَةَ الْهُذَلِيِّ | غاية المقصد في زوائد المسند للهيثمي: ۲۷۸/۱ حديث ۸۷۹ كتاب الصلاة؛ باب حقوق الجمعة من الغسل وغيره | مجمع الزوائد للهيثمي: ۱۷۱/۲ حديث ۳۰۳۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ حُقُوقِ الْجُمُعَةِ مِنَ الْغُسْلِ وَالطِّيبِ وَنَحْوِ ذَلِكَ | كنز العمال: ۷۶۰/۷ حديث ۲۱۲۸۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ الفصل الخامس في غسل يوم الجمعة | جامع الاحاديث: ۳۴۱/۸ حديث ۷۴۲۸ حرف الهمزة؛ إن المشددة مع الهمزة | إعلاء السنن للتهانوى: ۷۸/۲ حديث ۵۲۳ باب كراهة الصلوة والكلام بعد خروج الامام للخطبة



حَتَّى إِذَا سَمِعَ فَتْحَ بَابِ الْمَقْصُوْرَةِ لِخُرُوْجِ الْإِمَامِ لِلصَّلَاةِ جَلَسَ.

ترجمه: عاصم بن محمد از پدر خود (محمد بن زید بن عبد الله رحمه‌الله) روایت می‌کند که گفت: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه را در روز جمعه دیدم که (به مسجد) می‌آمد. ایشان دو دستگیرۀ منبر را (که غالباً خطیب در وقت ایستادن دست بر آنها می‌گذارد) در حالی‌که ایستاده بود می‌گرفت و می‌گفت: «ابوالقاسم، رسول صادق و مصدوق صلی‌الله‌علیه‌وآله برای ما بیان کردند»، و سپس مسلسلاً حدیث بیان می‌کرد تا آنگاه که صدای گشوده‌شدن درِ مخصوص خروج امام برای نماز را می‌شنید، سپس می‌نشست.(۱)

﴿۵۳۶﴾ عَنْ أَبِي الزَّاهِرِيَّةِ، قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ عَبْدِ اللهِ بْنِ بُسْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَمَا زَالَ يُحَدِّثُنَا حَتَّى خَرَجَ الْإِمَامُ.

ترجمه: ابو الزاهریه (حُدَیْر بن کُرَیْب) رحمه‌الله بیان می‌کند: در روز جمعه با حضرت عبدالله بن بُسْر رضی‌الله‌عنه نشسته بودم و او پیوسته برای ما حدیث بیان می‌کرد تا آنگاه که امام بیرون آمد.(۲)

﴿۵۳۷﴾ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ أَنَّ تَمِيْمَ الدَّارِيَّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اسْتَأْذَنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي الْقَصَصِ سِنِيْنَ، فَأَبَى أَنْ يَأْذَنَ لَهُ، فَاسْتَأْذَنَهُ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، فَلَمَّا أَكْثَرَ عَلَيْهِ، قَالَ لَهُ: مَا تَقُوْلُ؟ قَالَ: أَقْرَأُ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنَ، وَآمُرُهُمْ بِالْخَيْرِ، وَأَنْهَاهُمْ عَنِ الشَّرِّ، قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: ذَاكَ الرِّبْحُ، ثُمَّ قَالَ: عِظْ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ فِي الْجُمُعَةِ.

ترجمه: از حُمَید بن عبدالرحمٰن روایت است که حضرت تمیم داری رضی‌الله‌عنه چندین سال از حضرت امیر المومنین عمر رضی‌الله‌عنه اجازه می‌خواست تا مردم را وعظ و نصیحت بشنواند، اما حضرت عمر رضی‌الله‌عنه به او اجازه

(۱) المستدرک علی الصحیحین للحاکم: ۶۵۳/۴ حدیث ۶۲۲۹
(۲) المستدرک علی الصحیحین للحاکم: ۵۸۲/۱ حدیث ۱۱۰۰

نمی‌داد. سپس تنها برای یک روز اجازه خواست. و چون بسیار اصرار کرد، حضرت عمر رضی‌الله‌عنه به او گفتند: (درآن) چه بیان می‌کنی؟ او پاسخ داد: برای آنان قرآن می‌خوانم، به نیکی فرمان می‌دهم و از بدی بازمی‌دارم. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه فرمودند: اینکار سودِ واقعی است. سپس به او گفتند: پیش از آن‌که برای نماز جمعه بیرون آیم، مردم را وعظ و نصیحت کن.(۱)



وقوع عید و جمعه در یک روز

اگر عید و جمعه در یک روز واقع شوند ادای هر دو نماز لازم است:

فرض بودن نماز جمعه از دلیل قطعی ثابت است و وعیدهای سختی بر ترک جمعه بدون عذر وارد شده است:

۵۳۸ فرمانِ الهی:

﴿يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا نُوْدِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَّوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ؕ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ﴾

ترجمه: ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هنگامی‌که در روز جمعه برای نماز ندا داده شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.(۲)

۵۳۹ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

---

(۱) تاریخ دمشق: ۸۰/۱۱ تحت ترجمة تميم بن اوس بن خارجة

(۲) سورة الْجُمُعَة: آية ۹

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَعَلَيْهِ الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مُسَافِرٌ أَوِ امْرَأَةٌ أَوْ صَبِيٌّ أَوْ مَمْلُوكٌ، فَمَنِ اسْتَغْنَى بِلَهْوٍ أَوْ تِجَارَةٍ اِسْتَغْنَى اللهُ عَنْهُ وَاللهُ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ.

ترجمه: از حضرت جابر ﷺ روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه وسلم فرمودند: هر کسی بر خدا و روز آخرت ایمان دارد، نماز جمعه در روز جمعه بر او فرض است؛ إلّا مریض، مسافر، زن، طفل و غلام. پس هر کسی که در لعب و بازی و کار و بار مشغول باشد و از نماز جمعه غفلت ورزد، خداوند نیز پرواه او را ندارد، و خداوند بی‌نیاز و صاحب حمد و ثناست.(۱)

﴿۵۴۰﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ، لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِالنَّاسِ، ثُمَّ أُحَرِّقَ عَلَى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُونَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوتَهُمْ.

ترجمه: از حضرت عبد الله (بن مسعود) ﷺ روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارۀ کسانی که نماز جمعه را ترک می‌کردند فرمودند: من اراده داشتم تا شخصی را حکم دهم که مردم را نماز بدهد و خود خانۀ آن اشخاصی را که به نماز جمعه نمی‌آیند آتش بزنم.(۲)



استدلال

در این آیات و احادیث، نماز جمعه بر مسلمانان فرض گردانیده شده است و ترک آن بدون عذر شرعی، وعیدی شدید به همراه دارد. از آنجا که فرضیت جمعه در آیت شریفه به‌صورت عام آمده است و این عموم قطعی

(۱) سنن الدارقطنی: ۳۰۵/۲ حدیث ۱۵۷۶ كِتَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ مَنْ تَجِبُ عَلَيْهِ الْجُمُعَةُ ا السنن الكبرى للبيهقى: ۲۶۱/۳ حديث ۵۶۳۴ كِتَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ مَنْ لَا تَلْزَمُهُ الْجُمُعَةُ ا ومثله عن طارق بن شهاب في المستدرک للحاکم: ۴۲۵/۱ حدیث ۱۰۶۲ ا سنن ابی داود: حدیث ۱۰۶۷ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الْجُمُعَةِ لِلْمَمْلُوكِ وَالْمَرْأَةِ ا إعلاء السنن للتهانوی: ۷۶/۸ حدیث ۲۰۵۷ باب من لا يجب عليهم الجمعة

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۶۵۲ كِتَابُ الْمَسَاجِدِ وَمَوَاضِعِ الصَّلَاةَ؛ بَابُ فَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ، وَبَيَانِ التَّشْدِيدِ فِي التَّخَلُّفِ عَنْهَا



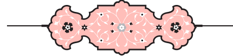
است، بنابراین حکم آن در روزهای عید و غیر عید یکسان خواهد بود.

❁ امام ابوعمر یوسف بن عبد الله ابن عبد البر قرطبی المالکی رحمه‌الله (متوفّی ۴۶۳ هـ.ق) می‌نویسد:

لِأَنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُوْلُ: ﴿إِذَا نُوْدِىَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَّوْمِ الْجُمُعَةِ﴾ وَلَمْ يَخُصَّ يَوْمَ عِيْدٍ مِنْ غَيْرِه.

ترجمه: زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «هرگاه در روز جمعه برای نماز ندا داده شود...». در این آیه، تخصیصی برای روز عید وجود ندارد (تا در آن روز اختیار داشته باشید که جمعه را بخوانید یا ترک کنید).(۱)

این عمومِ قطعی را تنها با دلیلی می‌توان از بین برد که در قطعیت هم‌درجهٔ آن باشد؛ اما در ذخیرهٔ احادیث، هیچ دلیلی قطعی که این عموم را از بین ببرد وجود ندارد؛ بنابراین اگر عید در روز جمعه واقع شود، بازهم نماز جمعه فرض است.



﴿۵۴۱﴾ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيْرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الْعِيْدَيْنِ وَفِي الْجُمُعَةِ بِـ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلٰى﴾ وَ﴿هَلْ اَتٰكَ حَدِيْثُ الْغَاشِيَةِ﴾ قَالَ: وَإِذَا اجْتَمَعَ الْعِيْدُ وَالْجُمُعَةُ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ يَقْرَأُ بِهِمَا أَيْضًا فِي الصَّلَاتَيْنِ.

ترجمه: از نعمان بن بشیر رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول الله ﷺ در دو عید و نیز در نماز جمعه سوره‌های ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلٰى﴾ و ﴿هَلْ اَتٰكَ حَدِيْثُ الْغَاشِيَةِ﴾ را قرائت می‌فرمودند. و هنگامی که عید و جمعه در یک روز جمع می‌شد، در هر دو نماز همین سوره‌ها را می‌خواندند.(۲)

(۱) التمهید لابن عبد البر: ۴۰۱/۴ تحت الحدیث: الواحد والاربعون

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۸۷۸ كِتَاب الْجُمُعَةِ؛ بَاب مَا يُقْرَأُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَة | سنن النسائی: حدیث ۱۴۲۴ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ ذِكْرُ الِاخْتِلَافِ عَلَى النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ فِي الْقِرَاءَةِ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ

از این روایت دانسته می‌شود که زمانی که عید و جمعه در یک روز واقع می‌شد، طریقهٔ پیامبر اکرم ﷺ این بود که هر دو نماز را ادا کنند.

﴿۵۴۲﴾ إِنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كَانَ إِذَا اجْتَمَعَا فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ صَلَّى فِي أَوَّلِ النَّهَارِ الْعِيْدَ، وَصَلَّى فِي اٰخِرِ النَّهَارِ الْجُمُعَةَ.

ترجمه: هرگاه عید و جمعه در یک روز واقع می‌شد، حضرت علی رضی الله عنه در آغاز روز، نماز عید را و در پایان روز نماز جمعه را ادا می‌کردند.(۱)

حضرت امیر المومنین علی رضی‌الله‌عنه از خلفای راشدین است. ایشان با وجود یکجائی عید و جمعه در یک روز، هر نماز را در وقت خود ادا می‌کردند، و این کار در حضور بسیاری از صحابه رضی‌الله‌عنهم و تابعین انجام می‌شد. این خود دلیل است برآنکه به سبب یکی دیگری را ترک نمی توان کرد؛ بلکه ادای هر دو در وقت هر یک ضروری است.



﴿۵۴۳﴾ نماز عید «تطوُّع» (عبادتی غیر از فرائض) است و نماز جمعه «فرض» است؛ و به سبب تطوُّع، فرض را نمی‌توان ترک کرد.

علامه ابومحمد علی بن احمد ابن حزم اندلسی قرطبی ظاهری رحمه‌الله (متوفّٰی ۴۵۶ هـ.ق) می‌نویسد:

اَلْجُمُعَةُ فَرْضٌ، وَالْعِيْدُ تَطَوُّعٌ، وَالتَّطَوُّعُ لَا يُسْقِطُ الْفَرْضَ.

ترجمه: جمعه فرض است، عید تَطَوُّع است؛ و تَطَوُّع، فرض را ساقط نمی‌تواند.(۲)

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۱۷۷/۳ حدیث ۵۷۵۰ باب اجتماع العیدین
(۲) المحلّیٰ بالآثار لابن حزم: ۳۰۴/۳ رقم المسئلة ۵۴۷

نماز جمعه در دهات

نماز جمعه در دِهات کوچک اقامه نمی‌شود:

ادای نماز جمعه در شهر یا مضافات شهر شرط است. نماز جمعه در ده های کوچک جایز نیست، و این امر از دلائل ذیل ثابت می‌باشد:

﴿۵۴۴﴾ فرمان خداوندی است:

﴿يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا نُوْدِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَّوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ۚ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ﴾

ترجمه: ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هنگامی‌که در روز جمعه برای نماز ندا داده شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش/داد وستد را رها کنید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.(۱)

در این آیت فرمان داده شده است که به محض شنیدن آذان جمعه، داد و ستد/خریدوفروش را ترک کنید. این خود نشان می‌دهد که نماز جمعه در جائی اقامه می‌شود که معاملات و فعالیت‌های تجاری در آن جریان دارد. روشن است که روستاها/دِه‌های کوچک معمولاً مرکز تجارت نیستند، بلکه مراکز دادوستد، شهرها یا آبادی‌های بزرگ‌اند. از این‌رو دانسته می‌شود که اقامۀ نماز جمعه ویژۀ شهرها و آبادی های بزرگ است و در دهات برگزار نمی گردد.

﴿۵۴۵﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ جُمُعَةٍ جُمِّعَتْ بَعْدَ جُمُعَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ فِي مَسْجِدِ عَبْدِ القَيْسِ

(۱) سورة الْجُمُعَة: آيۀ ۹



بِجُوَاثٰی مِنَ البَحْرَیْنِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌اللهعنهمَا روایت است که بعد از نماز جمعه در مسجد رسول الله صلی‌اللهعلیه‌وسلم، اولین جمعه‌ای که اقامه شد در مسجد عبدالقیس در شهر «جُوَاثی» بَحرَین بود.[1]

حافظ ابن حَجَر عَسْقَلانی شافعی رحمه‌الله (متوفّٰی ۸۵۲ ه‍.ق) می‌نویسد: أَنَّ الظَّاهِرَ أَنَّ عَبْدِ الْقَيْسِ لَمْ يُجَمِّعُوا إِلَّا بِأَمْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

ترجمه: ظاهر این است که قبیلۀ عبد القیس نماز جمعه را به حکم رسول خدا صلی‌اللهعلیه‌وسلم اقامه نموده بودند.[2]

قاضی عیاض مالکی رحمه‌الله (متوفّٰی ۵۴۴ ه‍.ق) تصریح کرده است که نمایندگان قبیلۀ عبد القیس در سال هشتم هجری، پیش از فتح مکه، به حضور رسول اکرم صلی‌اللهعلیه‌وسلم رسیدند. از اینجا دانسته می‌شود که پیش از سال هشتم هجری، جز در مسجد نبوی، در جای دیگری نماز جمعه اقامه نمی‌شد؛ در حالی که تا آن زمان اسلام به مناطق دوردست نیز گسترش یافته و مسلمانان در نواحی متعددی سکونت داشتند، با این همه، نماز جمعه در آن مناطق برگزار نمی‌گردید. از این امر روشن می‌شود که دهات محل اقامۀ نماز جمعه نیست.


فایده

در یک روایت سنن ابو داود «جُوَاثی» قریه خوانده شده است. با مشاهدۀ این روایت نبایست به شبهه افتاد که «جُوَاثی» شاید یک قریه بوده باشد، زیرا لفظ «قریه» در خود قرآن کریم نیز بر شهر اطلاق شده است. مثلاً:

﴿۵۴۶﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ.

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۹۲ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ الجُمُعَةِ فِي القُرَى وَالمُدُنِ

(۲) فتح الباری لابن حجر: ۳۸۰/۲ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ الجُمُعَةِ فِي القُرَى وَالمدُنِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۴/۸ تا ۳۰ باب عدم جواز الجمعة فی القری



ترجمه: کفار می گفتند که این قرآن چرا بر شخص بزرگی از این دو قریه نازل نشد.(۱)

مراد از این «دو قریه» شهرهای مکه و طائف است. از اینجا روشن می شود که در لغت عرب، واژهٔ «قریه» مفهوم عام دارد و بر شهرها نیز اطلاق می گردد، نه آنکه منحصر به روستاها و دهات باشد.



و همچنین محققین نیز تصریح کرده‌اند که «جُوَاثی» شهر بوده است.

❁ شیخ علی بن محمد الربعی القیرواني ابو الحسن اللَّخمی رحمه‌الله (متوفّی ۴۷۸ هـ.ق) می‌فرماید:

أَنَّهَا مَدِينَةٌ.

ترجمه: «جُوَاثی» شهر بود.(۲)

❁ امام ابو عُبَیْد عبد الله بن عبد العزیز بن محمد بکري الأندلسی رحمه‌الله (متوفّی ۴۸۷هـ.ق) می‌فرماید:

مَدینةٌ بِالبَحرَينِ لِعَبْدِ القَيسِ.

ترجمه: این شهری در بحرین از قبیلهٔ عبد القیس بود.(۳)

❁ امام شمس الدین ابو بکر محمد بن ابی سهل السرخسی رحمه‌الله (متوفّی ۴۹۰ هـ.ق) می‌فرماید:

وَ«جُوَاثی» مِصْرٌ بِالْبَحْرَيْنِ.

ترجمه: جواثی شهری در بحرین است.(۴)



---

(۱) سُورَةُ الزُّخرُفِ: آيهٔ ۳۱
(۲) فتح الباری لابن حجر: ۳۸۱/۲ کِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ الجُمُعَةِ فِي القُرَى وَالمُدُنِ
(۳) شرح سنن ابی داؤد للعینی: ۳۸۹/۴ کِتابُ الصَلَاةِ؛ بَابُ الجُمعَةِ في القُرَى
(۴) المبسوط للسرخسی: ۲۳/۲ کِتَابِ الصَّلَاةِ؛ بَابُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ



﴿۵۴۷﴾ عَنْ عَائِشَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَتْ: كَانَ النَّاسُ يَنْتَابُونَ يَوْمَ الجُمُعَةِ مِنْ مَنَازِلِهِمْ وَالعَوَالِيِّ.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشهٔ صدیقه رضی الله عنها می‌فرماید: (در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله) مردم از دهات و قریه‌های خود، نوبت به نوبت برای نماز جمعه می آمدند.[۱]

این حدیث دلالت دارد بر اینکه نماز جمعه در قریه‌ها و آبادی‌های اطراف مدینهٔ منوره اقامه نمی‌شد؛ زیرا اگر در آن مناطق نماز جمعه برگزار می گردید، مردم به‌صورت نوبتی برای شرکت در جمعه به مدینه نمی‌آمدند، بلکه همگی در محل خود آن را ادا می‌کردند. از این نکته نیز روشن می‌شود که اقامهٔ نماز جمعه در دهات مشروع نبوده است.[۲]



﴿۵۴۸﴾ هنگامی‌که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به مدینه هجرت نمودند، در قریهٔ قُباء چهارده یا بنا بر روایتی بیست‌وچهار روز اقامت کردند. بی‌تردید در این مدت روز جمعه نیز فرا می‌رسد؛ با این حال، در هیچ حدیثی ثابت نیست که آنحضرت صلی الله علیه وآله شخصاً در آنجا نماز جمعه را اقامه کرده باشند یا دیگران را به برگزاری آن حکم داده باشند.

از این نیز چنین برمی‌آید که دهات و آبادی‌های کوچک محل اقامهٔ نماز جمعه نیستند.[۳]

﴿۵۴۹﴾ خلیفهٔ راشد امیرالمؤمنین سیّدنا حضرت علی مرتضی رضی‌الله عنه حکم می فرمایند:

---

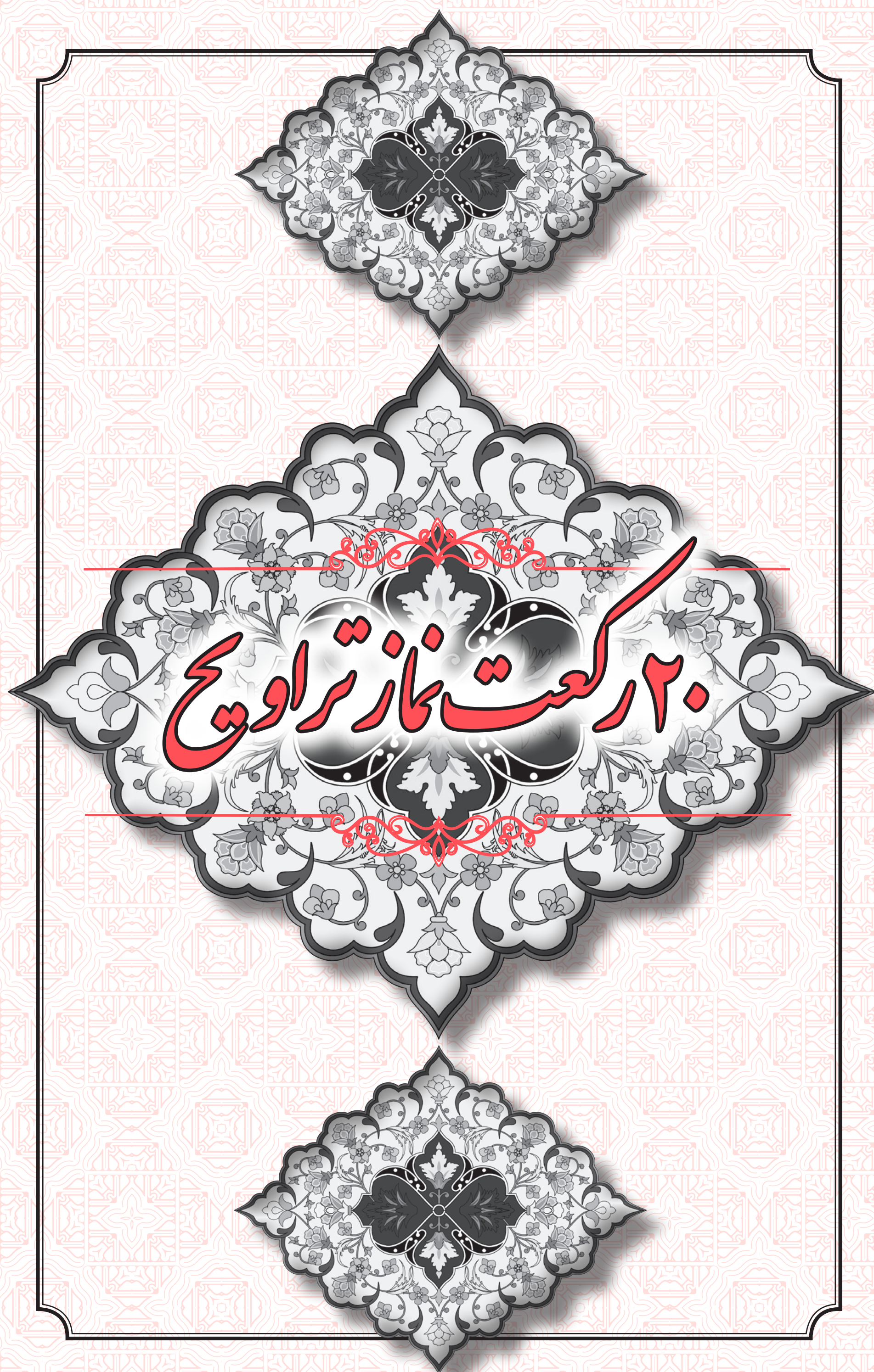
(۱) صحيح البخاری: حديث ۹۰۲ كِتَابُ الجُمُعَةِ؛ بَابُ مِنْ أَيْنَ تُؤْتَى الجُمُعَةُ، وَعَلَى مَنْ تَجِبُ | صحيح مسلم: حديث ۸۴۷ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ وُجُوبِ غُسْلِ الْجُمُعَةِ عَلَى كُلِّ بَالِغٍ مِنَ الرِّجَالِ وَبَيَانِ مَا أُمِرُوا بِهِ
(۲) وتفصيله في إعلاء السنن للتهانوی: ۱۷/۸ تا ۲۴ باب عدم جواز الجمعة في القرى. مترجم
(۳) بذل المجهود للشيخ السهارنپوری ملخصاً: ۱۷۰/۲ مولّف



لَا جُمُعَةَ وَلَا تَشْرِيقَ إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ.

ترجمه: نماز جمعه و تشریق (عیدَین) جز در مصر جامع (شهر) در جای دیگری روا نیست.[1]

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۱۶۷/۳ حدیث ۵۱۷۵ و ۱۶۸/۳ حدیث ۵۱۷۷ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الْقُرَى الصِّغَارِ | مصنف عبد الرزاق: ۳۰۱/۳ حدیث ۵۷۱۹ كِتَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ فِي الْقُرَى الصِّغَارِ | مسند ابن الجعد: ص ۴۳۸ حدیث ۲۹۹۰ | مصنف ابن ابی شیبة: ۴۳۹/۱ حدیث ۵۰۵۹ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ مَنْ قَالَ لَا جُمُعَةَ، وَلَا تَشْرِيقَ إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ | السنن الکبری للبیهقی: ۲۵۴/۳ حدیث ۵۶۱۵ كِتَابُ الْجُمُعَةِ؛ بَابُ الْعَدَدِ الَّذِينَ إِذَا كَانُوا فِي قَرْيَةٍ وَجَبَتْ عَلَيْهِمُ الْجُمُعَةُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۳/۸ تا ۱۷ حدیث ۲۰۱۵ باب عدم جواز الجمعة فی القری


۲۰ رکعت نماز تراویح

۲۰ رکعت نماز تراویح

بیست رکعت تراویح:

«قیام رمضان» یعنی نماز تراویح را رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیست رکعت اداء فرموده‌اند و خلفای راشدین؛ حضرت عمر رضی‌الله‌عنه، حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه، حضرت علی رضی‌الله‌عنه، سایر صحابهٔ کرام و تابعین عظام، ائمهٔ مجتهدین و حضرات مشایخ و اولیای کرام و غیرُهم برآن عامل بوده‌اند. در طول چهارده قرن گذشته تا امروز نیز سراسر سرزمین‌های اسلامی بر همین روش پایبند بوده‌اند و اُمت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر آن اجماع و اتفاق داشته است.

عمل مبارک رسول اکرمؐ

حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیست رکعت نماز تراویح می خواندند.

﴿۵۵۰﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّى فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً وَالْوِتْرَ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که

حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در ماه رمضان بیست رکعت (تراویح) و وتر می خواندند.[۱]

﴿۵۵۱﴾ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي رَمَضَانَ فَصَلَّى النَّاسَ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ رَكْعَةً وَأَوْتَرَ بِثَلاثَةٍ.

ترجمه: حضرت جابر بن عبد الله ﷺ روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم یک شب در رمضان تشریف آوردند و مردم را چهار رکعت (فرض) و بیست رکعت (تراویح) و سه رکعت وتر، نماز دادند.[۲]

﴿۵۵۲﴾ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ لَيْلَةً فِي رَمَضَانَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ رَكْعَةً.

وَحَدَّثَنَا ابْنُ حَيْوَيْه، عَنِ ابْنِ الْمُجَلَّدِ، وَزَادَ: وَأَوْتَرَ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: از حضرت جابر ﷺ روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه وسلم شبی در ماه رمضان بیرون آمدند و مردم را بیست‌وچهار رکعت نماز دادند (چهار رکعت فرض و بیست رکعت تراویح).

راوی حدیث امام ابن حَيْوَيْه ؒ از امام ابن الْمُجَلَّد ؒ در این روایت نقل می کند: و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم سه رکعت وتر نیز نماز دادند.[۳]

---

(۱) مصنف ابن ابي شيبة: ۱۶۴/۲ حديث ۷۶۹۲ كِتَابُ صَلاَةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ كَمْ يُصَلِّي فِي رَمَضَانَ مِنْ رَكْعَةٍ | المعجم الاوسط للطبراني: ۳۲۴/۵ حديث ۵۴۴۰ بَابُ الْمِيمِ؛ مَنِ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ | المعجم الكبير للطبراني: ۳۹۳/۱۱ حديث ۱۲۰۲ بَابُ العين؛ مِقْسَمُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ | المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ۲۱۸ حديث ۶۵۳ مُسْنَدُ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ | السنن الكبري للبيهقي: ۶۹۸/۲ حديث ۴۲۸۶ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، وَقِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ بَابُ مَا رُوِيَ فِي عَدَدِ رَكَعَاتِ الْقِيَامِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ | المطالب العالية لابن حجر: ۴۲۵/۴ حديث ۵۹۸ كتاب النوافل؛ بَابُ قِيَامِ رَمَضَانَ | آثار السنن للنيموي مع التعليق الحسن: ص ۲۵۴ حاشية | إعلاء السنن للتهانوي: ۸۲/۷ حاشيه؛ باب التراويح (حاشيه) | أدلة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوى: ص ۲۲۷ حديث ۶۱۴ باب فى التراويح بعشرين ركعة | زجاجة المصابيح: ۳۶۶/۱ باب القيام فى شهر رمضان

(۲) تاريخ جرجان للمحدث الإمام فى الجرح والتعديل السَّهمى: ص ۳۱۶ و ۳۱۷ باب حرف العين؛ مَن اسمه عليٌ | ص ۱۴۲ طبع دار الكتب العلمية، تحت ترجمة ابى الحسن على بن محمد الجرجانى

(۳) المشيخة البغدادية لابى طاهر السِلَفى: ص ۱۲۲ مخطوط

عمل خلفای راشدین

در دورۀ خلفای راشدین رضی‌الله‌عنهم به‌ویژه در دوران خلافت حضرت عمر، حضرت عثمان و حضرت علی رضی‌الله‌عنهم، نماز تراویح به صورت بیست رکعت اقامه می‌شد. تصریحات و روایات در این‌باره به شرح زیر است:

عهد فاروقی

دورۀ خلافت حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه

﴿۵۵۳﴾ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ أَمَرَ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ أَنْ يُصَلِّي بِاللَّيْلِ فِي رَمَضَانَ. فَقَالَ: إِنَّ النَّاسَ يَصُومُونَ النَّهارَ وَلَا يُحسِنُونَ أن يقرَءُوا، فَلَوْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ عَلَيْهِمْ بِاللَّيْلِ. فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِيْنَ! هٰذَا شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ فَقَالَ: قَدْ عَلِمْتُ وَلٰكِنَّهُ أَحْسَنُ، فَصَلَّى بِهِمْ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: از حضرت اُبی بن کَعْب رضی‌الله‌عنه روایت است که امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه به او حکم داد تا در شب‌های رمضان، مردم را نماز (تراویح) بدهد، و فرمود: مردم تمام روز را روزه می گیرند و (در شب) نمی‌توانند به خوبی قرائت کنند، اگر آنها را در شب نماز (تراویح) بدهی و قرآن را به آنها بشنوانی، نیکو خواهد بود. حضرت اُبیّ بن کعب رضی‌الله‌عنه عرض کرد: یا امیر المؤمنین! این شیوۀ تلاوت پیش از این نبود. حضرت عمر



رضی‌الله‌عنه فرمود: می‌دانم، ولی این روشِ تلاوت نیکو و پسندیده است. حضرت أُبَیْ بن کَعْب رضی‌الله‌عنه بعد از آن مردم را بیست رکعت تراویح نماز داد.[1]

﴿۵۵۴﴾ عَن يَزِيدَ بْنِ خُصَيْفَةَ عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانُوا يَقُومُونَ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً. قَالَ: وَكَانُوا لَيَقْرَءُونَ بِالْمِئِينِ مِنَ القُرآن.

ترجمه: یزید بن خُصَیفه رحمه‌الله از حضرت سائب رضی‌الله‌عنه روایت می کند که ایشان می‌فرماید: مردم (صحابۀ کرام و تابعین) در دورۀ خلافت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه در ماه مبارک رمضان، بیست رکعت (تراویح) می خواندند. و قاریان سوره‌های صد صد آیتی را قرائت می کردند.[2]

﴿۵۵۵﴾ وَرَوَى مَالِكٌ مِنْ طَرِيقِ يَزِيدَ بْنِ خُصَيْفَةَ عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: امام مالک رحمه‌الله از طریق ابن خُصَیْفَه رحمه‌الله از سائب بن یزید رضی‌الله‌عنه روایت می کند که (نماز تراویح در دورۀ خلافت فاروقی رضی‌الله‌عنه) بیست رکعت بود.[3]

﴿۵۵۶﴾ وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ كَعْبِ الْقُرَظِيُّ: كَانَ النَّاسُ يُصَلُّونَ فِي زَمَانِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً يُطِيلُون فِيهَا الْقِرَاءَةَ وَيُوتِرُونَ

(۱) مسند احمد بن منیع؛ به حوالۀ إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة للبوصيري الكناني الشافعي: ۳۸۴/۲ حدیث ۱۷۲۶ كِتَابُ النَّوَافِلِ؛ بَابٌ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ وَمَا رُوِيَ فِي عَدَدِ رَكَعَاتِهِ... | الاحاديث المختارة للمقدسی: ۳۶۷/۳ حدیث ۱۱۶۱

(۲) السنن الكبرى للبيهقى: ۶۹۸/۲ و ۶۹۹ حدیث ۴۲۸۸ | معرفة الآثار والسنن للبيهقى: ۴۲/۴ حدیث ۵۴۰۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ قِيَامُ رَمَضَانَ، ومثله فی | مسند ابن الجعد: ص ۴۱۳ حدیث ۲۸۲۵ مَخْلَدُ بْنُ خُفَافٍ | قيام الليل للمروزي: ص ۸۰ | فضائل الاوقات للبيهقى: ص ۲۷۶ حدیث ۱۲۷ | عمدة القارى للعينى: ۱۲۷/۱۱ بابُ فَضْلِ مَنْ قامَ رَمَضَانَ | أدلة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوى: ص ۲۲۷ حدیث ۶۱۳ باب فى التراويح بعشرين ركعة | آثار السنن للنيموى: ص ۲۵۰ حدیث ۷۷۸ باب فى التراويح بعشرين ركعات | إعلاء السنن للتهانوى: ۶۹/۷ حدیث ۱۸۲۱ باب التراويح

(۳) فتح البارى لابن حجر: ۲۵۳/۴ | نيل الاوطار للشوكانى: ۶۵/۳ تحت حدیث ۹۴۶ بَابُ صَلَاةِ التَّرَاوِيحِ

بِثَلَاثٍ.

ترجمه: حضرت محمد بن کعب قُرَظی رحمه‌الله تابعی جلیل القدر می‌فرماید: مردم در زمان حضرت عمر رضی‌الله‌عنه نماز تراویح را بیست رکعت با قرائت طولانی به‌جا می‌آوردند و پس از آن سه رکعت نماز وتر می‌خواندند.(۱)

﴿۵۵۷﴾ عَنْ يَزِيدَ بْنِ رُومَانَ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ النَّاسُ يَقُومُونَ فِي زَمَانِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ بِثَلَاثَةٍ وَعِشْرِينَ رَكْعَةً في رمضان.

ترجمه: حضرت یزید بن رومان رحمه‌الله روایت می‌کند که مردم (صحابه و تابعین) در دورۀ خلافت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه در رمضان، بیست و سه رکعت نماز می‌خواندند. (بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر).(۲)

﴿۵۵۸﴾ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ أَمَرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِهِمْ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: حضرت یحیی بن سعید رحمه‌الله می‌فرماید که امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه شخصی را حکم نمود تا مردم را بیست رکعت (تراویح) نماز بدهد.(۳)

﴿۵۵۹﴾ عَنِ الْحَسَنِ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ جَمَعَ النَّاسَ عَلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ، فَكَانَ يُصَلِّي لَهُمْ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه‌الله روایت می‌کند که امیر المؤمنین حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه مردم را بر امامت حضرت اُبی بن کَعْب رضی‌الله‌عنه در تراویح رمضان جمع کرد و حضرت اُبی رضی‌الله‌عنه مردم را بیست

(۱) قیام اللیل للمروزی: ص ۱۵۷ | قیام اللیل ورمضان والوتر للمروزی: ص ۲۲۰ بَابُ عَدَدِ الرَّكَعَاتِ الَّتِي يَقُومُ بِهَا الْإِمَامُ لِلنَّاسِ فِي رَمَضَانَ
(۲) موطا مالک: ۱۱۰/۱ حدیث ۲۸۱ باب وُقُوتُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَاجَاءَ في قِيَامِ رَمَضَان | آثار السنن للنیموی: ص ۲۵۳ حدیث ۷۷۹ باب فی التراویح بعشرین رکعات
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۸۲ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۵۳ حدیث ۷۸۰ باب فی التراویح بعشرین رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۰/۷ حدیث ۱۸۲۲ باب التراویح

رکعت نماز می‌داد.[1]

﴿۵۶۰﴾ عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كُنَّا نَنْصَرِفُ مِنَ الْقِيَامِ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ، وَقَدْ دَنَا فُرُوعُ الْفَجْرِ، وَكَانَ الْقِيَامُ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ ثَلَاثَةً وَعِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: حضرت سائب رضی‌الله‌عنه می‌فرماید که قیام (رمضان یعنی تراویح) در عهد حضرت عمر رضی‌الله‌عنه سه رکعت (وتر) و بیست رکعت (تراویح) بود.[2]



دورۀ خلافت حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه

در دورۀ خلافت سیِّدنا حضرت عثمان بن عَفَّان رضی‌الله‌عنه نیز تراویح مانند دورۀ خلافت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه بیست رکعت ادا می‌شد، چنانچه حضرت سائب رضی‌الله‌عنه می‌فرماید:

﴿۵۶۱﴾ عَنِ يَزِيدَ بْنِ خُصَيْفَةَ عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانُوا يَقُومُونَ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً. قَالَ: وَكَانُوا لَيَقْرَءُونَ بِالْمِئِينَ مِنَ الْقُرآنِ. وَكَانُوا يَتَوَكَّئُونَ عَلَى عِصِيِّهِمْ فِي عَهْدِ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ مِنْ شِدَّةِ الْقِيَامِ.

ترجمه: یزید بن خُصَیفه ؒ از حضرت سائب رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند

---

(۱) سنن ابی داؤد: ۲۱۱/۱ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابُ الْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ، طبع اسلامی کتب‌خانه، لاهور | سیر أعلام النبلاء للذهبی: ۲۴۲/۳ أُبَيّ بن كعب | جامع المسانيد والسُّنَن لابن كثير: ۸۶/۱ حديث ۳۱ | بذل المجهود في حل أبي داود: ۱۲۱/۶ حاشیه

(۲) مصنف عبد الرزاق: ۲۶۱/۴ حديث ۷۷۳۳ كِتَابُ الصِّيَامِ؛ بَابُ قِيَامِ رَمَضَانَ



که ایشان می‌فرماید: مردم (صحابهٔ کرام و تابعین) در دورهٔ خلافت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه در ماه مبارک رمضان، بیست رکعت (تراویح) می‌خواندند. و قاریان سوره‌های صد صد آیتی را قرائت می‌کردند، و مردم به سبب طول قیام در دورهٔ خلافت حضرت عثمان ﷺ با تکیه بر عصاهای خویش ایستاده می‌شدند.[1]



عهد علی مرتضیؓ

دورهٔ خلافت حضرت علی مرتضی رضی‌الله‌عنه

در دورهٔ خلافت امیر المؤمنین حضرت علی مرتضی رضی‌الله‌عنه نیز تراویح بیست رکعت اقامه می‌شد.

﴿۵۶۲﴾ رَوَى الْاِمَامُ الْحَافِظُ الْمُحَدِّثُ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَاشْمِيُّ فِيْ مُسْنَدِهِ حَدَّثَنِيْ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عليٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُم اَنَّهُ اَمرَ اَلَّذِيْ يُصَلِّي بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْقِيَامِ فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ، اَنَ يُصَلِّى لَهُمْ عِشْرِينَ رَكْعَةً يُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ وَيُرَاوِحُ مَا بَيْنَ كُلِّ اَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَيَرْجِعُ ذُو الْحَاجَةِ وَيَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ، وَأنْ يُّؤتِرَ بِهِمْ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ حِيْنَ الْاِنْصِرَافِ.

ترجمه: حضرت امام زید بن علی الهاشمی رحمه‌الله از پدر بزرگوار

(۱) السنن الکبری للبیهقی: ۶۹۸/۲ و ۶۹۹ حدیث ۴۲۸۸ | معرفة الآثار والسنن للبیهقی: ۴۲/۴ حدیث ۵۴۰۹ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ قِيَامُ رَمَضَانَ، ومثله فی | مسند ابن الجعد: ص ۴۱۳ حدیث ۲۸۲۵ مَخْلَدُ بْنُ خُفَافٍ | قيام الليل للمروزي: ص ۸۰ | فضائل الاوقات للبیهقی: ص ۲۷۶ حدیث ۱۲۷ | عمدة القاری للعینی: ۱۲۷/۱۱ بابُ فَضْلِ مَنْ قامَ رَمَضَانَ | أدلة الحنفية من الاحاديث النبوية للبهلوی: ص ۲۲۷ حدیث ۶۱۳ باب فی التراويح بعشرين ركعة | آثار السنن للنیموی: ص ۲۵۰ حدیث ۷۷۸ باب فی التراويح بعشرين ركعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۶۹/۷ حدیث ۱۸۲۱ باب التراويح



خود(حضرت زین العابدین رحمه‌الله) و ایشان از پدر بزرگوار شان (حضرت حسین رضی‌الله‌عنه) روایت می کند که امیر المؤمنین حضرت علی رضی‌الله عنه به شخصی که او را به امامتِ تراویح گماشته بود حکم دادند تا مردم را در ماه رمضان بیست رکعت (تراویح) نماز بدهد، و پس از هر دو رکعت سلام بگرداند، و بین هر چهار رکعت به خاطر استراحت به اندازه‌ای وقفه نماید تا اگر کسی نیاز به قضای حاجت دارد رفته از حاجت خود فارغ شده و وضو بگیرد و بازگردد. و همچنین او را امر کردند تا (پس از تراویح) وتر را نیز در اخیر در جماعت به‌جا آورد.[١]

﴿۵۶۳﴾ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: دَعَا الْقُرَّاءَ فِي رَمَضَانَ فَأَمَرَ مِنْهُمْ رَجُلًا يُصَلِّي بِالنَّاسِ عِشْرِينَ رَكْعَةً. قَالَ: وَكَانَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يُوتِرُ بِهِمْ.

ترجمه: از حضرت ابو عبدالرحمن سُلَمی رحمه‌الله روایت است که امیرُ المؤمنین حضرت علی رضی‌الله‌عنه در ماه رمضان قاریان را فراخواندند و یکی از آنان را مأمور کردند تا برای مردم بیست رکعت نماز (تراویح) اقامه کند؛ و خودِ حضرت امیرالمؤمنین علی رضی‌الله‌عنه نماز وتر را امامت می کردند.[٢]

﴿۵۶۴﴾ عَنِ ابْنِ أَبِي الْحَسْنَاءِ، أَنَّ عَلِيًّا أَمَرَ رَجُلًا يُصَلِّي بِهِمْ فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: از ابو الحسناء رحمه‌الله روایت است که امیر المؤمنین حضرت علی رضی‌الله‌عنه شخصی را حکم دادند تا مردم را در ماه رمضان بیست

(١) مسند الامام زید بن علی: ص ١٣٩ چاپ بیروت؛ و صفحهٔ ١٣٣ چاپ لاهور؛ بَابُ الْقِيَامِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

(٢) السنن الکبری للبیهقی: ٢/ ٦٩٩ حدیث ۴٢٩١ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، وَقِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ بَابُ مَا رُوِيَ فِي عَدَدِ رَكَعَاتِ الْقِيَامِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ | آثار السنن مع التعلیق الحسن للنیموی: ص ٢٥۴ باب فی التراویح بعشرین رکعات

رکعت (تراویح) نماز بدهد.[1]



عمل دیگر صحابهؓ و تابعینؒ

علاوه بر خلفای راشدین رضی‌الله‌عنهم، اقامۀ بیست رکعت نماز تراویح از دیگر صحابۀ کرام رضی‌الله‌عنهم و نیز از تابعین عِظامؒ نیز روایت شده است در ادامه، روایاتی از شماری از این بزرگان ذکر می‌شود که یا خود بیست رکعت تراویح به‌جا آورده‌اند یا مردم را به اقامۀ بیست رکعت تراویح امامت کرده‌اند.

حضرت عبد الله بن مسعودؓ:

﴿۵۶۵﴾ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ رَحِمَهُ اللهُ: كَانَ عَبْدُ اللهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ يُصَلِّي بِنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَنْصَرِفُ وَعَلَيْهِ لَيْلٌ. قَالَ الْأَعْمَشُ: كَانَ يُصَلِّي عِشْرِينَ رَكْعَةً وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: حضرت زَیْد بن وَهْب رحمه‌الله می‌فرماید: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه ما را در نماز تراویح امامت می‌کردند و هنگامی‌که به خانه بازمی‌گشتند، هنوز بخشی از شب باقی بود. راوی حدیث، حضرت اَعمش رحمه‌الله می‌گوید: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه بیست رکعت نماز تراویح و سه رکعت نماز وتر به‌جا می‌آوردند.[2]

---

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۸۱ | الجوهر النقی علی السنن الکبریٰ للبیهقی لابن الترکمانی: ۴۹۷/۲ باب مَا رُوِیَ فِی عَدَدِ رَكَعَاتِ الْقِيَامِ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ | آثار السنن مع التعلیق الحسن للنیموی: ص ۲۵۵ باب فی التراویح بعشرین رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۷/۷

(۲) قیام رمضان للمَرْوَزِي: ص ۲۲۱ بَابُ عَدَدِ الرَّكَعَاتِ الَّتِي يَقُومُ بِهَا الْإِمَامُ لِلنَّاسِ فِي رَمَضَانَ

حضرت اُبَی بن کَعْب رضی الله عنه:

﴿۵۶۶﴾ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ رُفَيْعٍ قَالَ: كَانَ أُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ يُصَلِّي بِالنَّاسِ فِي رَمَضَانَ بِالْمَدِينَةِ عِشْرِينَ رَكْعَةً، وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: از عبد العزیز بن رُفَیْع رحمه الله روایت است که حضرت اُبَی بن کَعْب رضی‌الله‌عنه در ماه مبارک رمضان در مدینهٔ منوره، مردم را بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر می‌داد.[1]

حضرت عطاء بن ابی رَباح رحمة الله علیه:

حضرت عطاء رحمه‌الله از تابعین جلیل القدر است. او به شرف زیارت دو صد اصحاب کرام نائل آمده است.[2]

﴿۵۶۷﴾ عَنْ عَطَاءٍ، قَالَ: أَدْرَكْتُ النَّاسَ وَهُمْ يُصَلُّونَ ثَلَاثًا وَعِشْرِينَ رَكْعَةً بِالْوِتْرِ.

ترجمه: حضرت عطاء رحمه الله می فرماید: من مردم (صحابهٔ کرام و تابعین) را چنین یافتم که بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر ادا می کردند.[3]

امام ابراهیم نَخَعی رحمة الله علیه:

حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله مفتی مشهور و نامور اهل کوفه است. امام شعبی رحمه‌الله می‌فرماید: من عالِم بزرگتر از ابراهیم نَخَعی ندیده‌ام.[4]

---

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۸۴ كِتَابُ صَلاَةِ التَّطَوُّعِ وَالإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ كَمْ يُصَلِّي فِي رَمَضَانَ مِنْ رَكْعَةٍ | آثار السنن مع التعليق الحسن للنيموی: ص ۲۵۳ حديث ۷۸۱ باب فی التراويح بعشرين ركعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۰/۷ حدیث ۱۸۲۳ باب التراويح
(۲) تهذيب التهذيب لابن حجر: ۴۸۸/۴
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۸۸ كِتَابُ صَلاَةِ التَّطَوُّعِ وَالإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ كَمْ يُصَلِّي فِي رَمَضَانَ مِنْ رَكْعَةٍ | آثار السنن للنيموی: ص ۲۵۳ حديث ۷۸۲ باب فی التراويح بعشرين ركعات
(۴) تهذيب التهذيب لابن حجر: ۱۶۸/۱



﴿۵۶۸﴾ عَنْ إِبرَاهِيمَ: أَنَّ النَّاسَ كَانُوا يُصَلُّونَ خَمْسَ تَرْوِيحَاتٍ فِي رَمَضَانَ.

ترجمه: حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله می فرماید: مردم (صحابه و تابعین) در ماه رمضان، پنج «ترویحه»[۱] (بیست رکعت نماز) می خواندند.[۲]

سیِّدنا شُتَیْر بن شَکَل رحمه‌الله:

حضرت شُتَیْر بن شَکَل رحمه‌الله تابعی مشهور و شاگرد حضرت امیر المؤمنین علی رضی‌الله‌عنه است. او همچنین از حضرت عبد الله بن مسعود، حضرت اُمِّ حبیبه و حضرت حَفْصَه رضی‌الله‌عنهم حدیث روایت می کند.[۳]

﴿۵۶۹﴾ عَنْ شُتَيْرِ بْنِ شَكَلٍ وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَؤُمُّهُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً، وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: حضرت شُتَیْر بن شَکَل رحمه‌الله که از شاگردان حضرت علی رضی‌الله‌عنه است، مردم را در ماه رمضان، بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر نماز امامت می کرد.[۴]

سیِّدنا ابو الْبَخْتَرِیّ رحمه‌الله:

حضرت ابو الْبَخْتَرِی رحمه‌الله در میان اهل کوفه جایگاه بزرگی داشت و در علوم، شاگرد حضرت عبد الله بن عباس، حضرت عمر و حضرت

---

(۱) ترویحه: پس از ادای هر چهار رکعت نماز، فاصله و استراحتی که میان این چهار رکعت و چهار رکعت بعدی قرار می‌گیرد، «تَرویحه» نامیده می‌شود. مترجم

(۲) کتاب الآثار للامام ابی حنیفة بروایة ابی یوسف: ص ۴۱ حدیث ۲۱۱ بَابُ السَّهْوِ

(۳) تهذیب التهذیب لابن حجر: ۱۳۸/۳

(۴) السنن الکبری للبیهقی: ۲/ ۶۹۹ حدیث ۴۲۹۰ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ جُمَّاعُ أَبْوَابِ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، وَقِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ بَابُ مَا رُوِيَ فِي عَدَدِ رَكَعَاتِ الْقِيَامِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ | مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۸۰ كِتَابُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ وَالْإِمَامَةِ وَأَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ؛ كَمْ يُصَلِّي فِي رَمَضَانَ مِنْ رَكْعَةٍ | آثار السنن مع التعليق الحسن للنیموی: ص ۲۵۵ باب فی التراویح بعشرین رکعات



ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنهمْ و دیگران است.[1]

﴿۵۷۰﴾ عن أبي الْبَخْتَرِيِّ أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّى خَمْسَ تَرْوِيحَاتٍ فِي رَمَضَانَ، وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: ابو الْبَخْتَرى رحمه‌الله در رمضان پنج «ترويحه» (بيست ركعت) و سه ركعت وتر مى خواند.[2]

سيِّدنا سُوَيْد بن غَفَلَه رحمة‌الله‌عليه:

حضرت سُوَيْد بن غَفَلَه رحمه‌الله تابعى مشهور است. به شرف زيارت حضرت ابوبكر، حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت على، حضرت عبد الله بن مسعود و ساير صحابهٔ كرام رضى‌الله‌عنهم نائل آمده و از آن بزرگان روايت كرده است.[3]

﴿۵۷۱﴾ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَوْنٍ أَخْبَرَنَا أَبُو الْخَصِيْبِ قَالَ: كَانَ يَؤُمُّنَا سُوَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ فِي رَمَضَانَ فَيُصَلِّى خَمْسَ تَرْوِيحَاتٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: از جعفر بن عَونؒ روايت است كه ابو الْخَصِيْب (زياد بن عبد الرحمٰن) رحمه‌الله به ما بيان كرد كه حضرت سُوَيْد بن غَفَلَه رحمه‌الله ما را در ماه رمضان امامت مى‌كرد و پنج «ترويحه» يعنى بيست ركعت نماز مى‌داد.[4]

سيِّدنا ابن اَبِىْ مُلَيْكَه رحمة‌الله‌عليه:

حضرت ابنِ اَبِىْ مُلَيْكَه رحمه‌الله تابعى جليل القدر است. ايشان به زيارت

(۱) تهذيب التهذيب لابن حجر: ۶۷۹/۲

(۲) مصنف ابن ابى شيبة: ۱۶۳/۲ حديث ۷۶۸۶ | آثار السنن مع التعليق الحسن للنيموى: ص ۲۵۵ باب فى التراويح بعشرين ركعات | إعلاء السنن للتهانوى: ۷۷/۷ باب التراويح

(۳) تهذيب التهذيب لابن حجر: ۱۰۷/۳

(۴) السنن الكبرى للبيهقى: ۶۹۹/۲ حديث ۴۲۹۰ | آثار السنن للنيموى: ص ۲۵۳ حديث ۷۸۳ باب فى التراويح بعشرين ركعات | إعلاء السنن للتهانوى: ۷۷/۷ باب التراويح

سی تن از صحابهٔ کرام مُشرَّف شده است.[۱]

﴿۵۷۲﴾ عَن نافع: كَانَ ابْنُ أَبِي مُلَيْكَةَ يُصَلِّى بِنَا فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: حضرت نافع بن عبد الله بن عمر رحمه‌الله دربارهٔ ایشان می‌فرماید: حضرت ابنِ اَبِیْ مُلَیْکه رحمه‌الله در ماه مبارک رمضان ما را بیست رکعت نماز می‌داد.[۲]

سیِّدنا سعید بن جُبَیر رحمه‌الله:

حضرت سعید بن جُبَیْر رحمه‌الله از بزرگان تابعین است. ایشان از حضرت عبد الله بن عباس، حضرت عبد الله بن زبیر، حضرت عبد الله بن عمر، حضرت عدی بن حاتم و دیگر صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم حدیث اخذ کرده است. حضرت سعید بن جُبَیْر رحمه‌الله در میان اهل کوفه از جایگاه علمی ویژه‌ای برخوردار بود. حَجّاج بن یوسف ثَقَفِی ایشان را ظلماً به قتل رساند.[۳]

﴿۵۷۳﴾ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: كَانَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ يَؤُمُّنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَكَانَ يَقْرَأُ بِالْقَرَاءَتَيْنِ جَمِيعًا، يَقْرَأُ لَيْلَةً بِقِرَاءَةِ ابْنِ مَسْعُودٍ فَكَانَ يُصَلِّى خَمْسَ تَرْوِيحَاتٍ.

ترجمه: اسماعیل بن عبد الملک رحمه‌الله می‌فرماید: حضرت سعید بن جُبَیْر رحمه‌الله در ماه مبارک رمضان ما را در نماز تراویح امامت می‌کردند. ایشان هر دو قرائت را تلاوت می‌کردند؛ یک شب قرائت حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه را (و شب دیگر قرائت حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه را). ایشان پنج «تَرویحه» یعنی مجموعاً بیست رکعت نماز ادا می‌کردند.[۴]

(۱) تهذیب التهذیب لابن حجر: ۵۵۹/۳

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۸۳ كَمْ يُصَلِّي فِي رَمَضَانَ مِنْ رَكْعَةٍ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۵۳ حدیث ۷۸۴ باب فی التراویح بعشرین رکعات

(۳) تهذیب التهذیب لابن حجر: ۶۲۵/۲

(۴) مصنف عبد الرزاق: ۲۶۶/۴ حدیث ۷۷۴۹ كِتَابُ الصِّيَامِ؛ بَابُ قِيَامِ رَمَضَانَ

سیِّدنا علی بن رَبِیْعَه رحمة الله علیه:

حضرت علی بن رَبِیْعَه رحمه الله شاگرد حضرت علی رضی الله عنه، حضرت مُغِیْرَه بن شَعْبَه، حضرت سَمُرَه بن جُنْدُب و سایر صحابهٔ جلیل القدر رضی الله عنهم است.(۱)

﴿۵۷۴﴾ عَنْ سَعِيْدِ بْنِ عُبَيْدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ رَبِيعَةَ كَانَ يُصَلِّى بِهِمْ فِي رَمَضَانَ خَمْسَ تَرْوِيحَاتٍ، وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: حضرت سعید بن عُبَید رحمه‌الله می‌فرماید: حضرت علی بن رَبِیْعَه رحمه‌الله مردم را در ماه رمضان مبارک پنج «ترویحه» (بیست رکعت تراویح) و سه رکعت وتر نماز می‌داد.(۲)

سیِّدنا حارث رحمة الله علیه:

﴿۵۷۵﴾ عَنِ الْحَارِثِ رَحِمَهُ اللّٰهُ: أَنَّهُ كَانَ يَؤُمُّ النَّاسَ فِي رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ.

ترجمه: از حارث رحمه الله روایت است که ایشان در شب‌های رمضان مردم را در بیست رکعت نماز (تراویح) و سه رکعت وتر امامت می‌کردند.(۳)

شاگردانِ حضرت علی مرتضی رضی الله عنه:

سیِّدُنا عبدالرحمٰن بن ابی بکر، سعید بن ابی الحسن و عمران العبدی رحمهم‌الله هر سه از شاگردان حضرت علی رضی‌الله‌عنه بودند و هر سه تن مردم را بیست رکعت تراویح می‌دادند.

﴿۵۷۶﴾ يُونُسُ رَحِمَهُ اللّٰهُ قَالَ: أَدْرَكْتُ مَسْجِدَ الْجَامِعِ قَبْلَ فِتْنَةِ ابْنِ الْأَشْعَثِ

---

(۱) تهذیب التهذیب لابن حجر: ۵۹۶/۴

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۹۰ | آثار السنن للنیموی: ص ۲۵۴ حدیث ۷۸۵ باب فی التراویح بعشرین رکعات | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۷/۷ باب التراویح

(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۲۲۴/۵ حدیث ۷۷۶۷ بَابُ كَمْ يُصَلِّيْ فِي رَمَضَانَ مِنْ رَكْعَةٍ

يُصَلِّى بِهِمْ عَبْدُ الرَّحْمٰنِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ وَسَعِيدُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ وَعِمْرَانُ الْعَبْدِيُّ؛ كَانُوا يُصَلُّونَ خَمْسَ تَرَاوِيحَ.

ترجمه: یونس بن عبید رحمه‌الله می‌فرماید: پیش از فتنۀ ابن‌الأشعَث، در مسجد جامع بصره دیدم که عبدالرحمٰن بن ابی بکر، سعید بن ابی الحسن و عمران العبدی رحمهم‌الله برای مردم پنج «ترویحه» (یعنی بیست رکعت) نماز می‌دادند.[۱]



اجماع اُمت

اجماعِ اُمت بر بیست رکعتِ تراویح:

(۱) علامه ابو زکریا یحییٰ بن شرف نَوَوِی شافعی رحمه‌الله (متوفّٰی ٦٧٦ ه.ق) می‌فرماید:

إِعْلَمْ أَنَّ صَلَاةَ التَّرَاوِيحِ سُنَّةٌ بِاتِّفَاقِ الْعُلَمَاءِ وَهِيَ عِشْرُوْنَ رَكْعَةً.

ترجمه: بِدان که نماز تراویح به اتفاق علماء سنت است و آن بیست رکعت می‌باشد.[۲]

(۲) ملا علی بن سلطان محمد القاری الهروی الحنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۰۱۴ه.ق) می‌فرماید:

أَجْمَعَ الصَّحَابَةُ رَضِىَ اللهُ عَنهُمْ عَلٰى أَنَّ التَّرَاوِيْحَ عِشْرُوْنَ رَكْعَةً.

ترجمه: صحابه رضی‌الله‌عنهم بر بیست رکعت بودن تراویح اجماع دارند.[۳]

---

(۱) مختصر قیام اللیل للمروزی: ص۲۲۲ باب عدد الرکعات التی یقوم بها الامام للناس فی رمضان
(۲) کتاب الاذکار للنووی: ۴۲۱/۱ باب اذکار صلاة التراویح
(۳) مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح لعلی القاری: ۳۴۶/۳ باب قیام شهر رمضان



(۳) ملا علی قاری رحمه‌الله در «شرح النُّقایة» می‌نویسد:

فَصَارَ إِجْمَاعًا لِمَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ بِإِسْنَادٍ صَحِيْحٍ أَنَّهُمْ كَانُوْا يُقِيْمُوْنَ عَلٰى عَهْدِ عُمَرَ بِعِشْرِيْنَ رَكْعَةً وَعَلٰى عَهدِ عُثْمَانَ وَعَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ.

ترجمه: پس (بر بیست رکعت تراویح) اجماع منعقد شد؛ زیرا امام بیهقی رحمه‌الله با سند صحیح روایت کرده است که صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم در عهد خلافت عمر رضی‌الله‌عنه بیست رکعت می‌خواندند، و همچنین در زمان خلافت عثمان و علی رضی‌الله‌عنهما نیز چنین بود.(۱)

(٤) علامه سید محمد بن محمد الحسینی زبیدی المعروف به مرتضیٰ الزبیدی رحمه‌الله (متوفّی ۱۲۰۵هـ.ق) می‌فرماید:

وَبِالْإِجْمَاعِ الَّذِيْ وَقَعَ فِيْ زَمَنِ عُمَرَ أَخَذَ أَبُوْحَنِيْفَةَ وَالنَّوَوِيُّ وَالشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَالْجُمْهُوْرُ وَاخْتَارَهُ ابْنُ عَبْدِ الْبَرِّ.

ترجمه: به سبب اجماعی که در زمان حضرت عمر رضی‌الله‌عنه واقع شد، امام ابوحنیفه، امام نَوَوِی، امام شافعی، امام احمد رحمهم‌الله و جمهور علماء همین قول (بیست رکعت تراویح) را اختیار کردند، و علامه ابن عبدالبر نیز همین قول را برگُزیده است.(۲)

(۵) علامه محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز بن احمد ابن عابدین شامی رحمه‌الله (متوفّی ۱۲۵۲هـ.ق) می‌فرماید:

(وَهِيَ عِشْرُوْنَ رَكْعَةً) هُوَ قَوْلُ الْجُمْهُوْرِ وَعَلَيْهِ عَمَلُ النَّاسِ شَرْقًا وَغَرْبًا.

ترجمه: بیست رکعت، قول جمهور است و مردم در شرق و غرب جهان اسلام عمل بر همین دارند.(۳)

---

(۱) شرح النقایة لعلی القاری: ۳۴۲/۱ فصل فی صلاة التراویح
(۲) اتحاف السادة المتقین بشرح احیاء علوم الدین للزبیدی: ۴۲۲/۳ صلاة التراویح
(۳) رد المحتار علی الدر المختار لابن عابدین الشامی: ۵۹۹/۲ کتاب الصلاة مبحث صلاة التراویح

(٦) استاذ المحدِّثین و فقیه النفس، قطب الارشاد، حضرت مولانا رشید احمد گنگوهی رحمه‌الله (متوفّی ۱۳۲۲هـ.ق) در «الحق الصریح» می‌نویسد:

«الحاصل؛ ثبوت بِیست رکعت به اجماعِ صحابه در آخرِ زمانِ عمر رضی‌الله‌عنه ثابت شده، پس سنت باشد؛ و کسی که از سُنیّت آن انکار دارد خطاست».[۱]



رسالهٔ «الحق الصریح» از آثار قاسم العلوم والخیرات حضرت اقدس مولانا محمد قاسم نانُوتَوی رحمه‌الله است که دربارهٔ تراویح نگاشته شده و مشتمل بر دو تحریر است: نخست از حضرت مولانا محمد قاسم نانوتوی رحمه‌الله و دوم از رشید قطب الارشاد حضرت مولانا رشید احمد گنگوهی رحمه‌الله. عبارت بالا از نوشتهٔ حضرت گنگوهی رحمه‌الله نقل شده است.



ائمهٔ اربعهٔ اهل السنّت والجماعت:

حضرات ائمهٔ اربعه رَحْمَةُاللهِعَلَيْهِمْ، سُنَن نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و سُنَن خلفای راشدین رضی‌الله‌عنهم را با چنان جامعیت و تفصیلی تدوین نموده‌اند که این مقام، نصیب هیچ کس دیگری از اُمت نگردیده است، و بر همین مبنیٰ، تمامی اُمت مطابق راهنمائی ایشان بر این سُنَن پاکیزه عمل می نمایند. ائمهٔ اربعه رَحْمَةُاللهِعَلَيْهِمْ نیز قائل بر بیست رکعت تراویح هستند؛ و

(۱) الحق الصریح فی اثبات التراویح: ص۱۴ | مقالات حجة الاسلام: ۳۴۳/۴

امام مالک رحمه‌اللهِ قائل به بیست رکعت نماز تراویح و شانزده رکعت نماز نفل است. تفصیل، درج ذیل است.

امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت رحمه‌الله:

امام اعظم فی الفقهاء امام ابوحنیفه رحمه‌الله بر بیست رکعت تراویح قائل است.

﴿۵۷۷﴾ امام فخر الدین حسن بن منصور الاوزجندی قاضی خان حنفی رحمه‌الله (متوفّی ۵۹۲ هـ.ق) می‌نگارد:

عَنْ أَبِي حَنِيْفَةَ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قَالَ: اَلْقِيَامُ فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ سُنَّةٌ... كُلَّ لَيْلَةٍ سِوَى الْوِتْرِ عِشْرِيْنَ رَكْعَةً خَمْسَ تَرْوِيْحَاتٍ.

ترجمه: امام ابوحنیفه (نعمان بن ثابت) رحمه‌الله می‌فرماید: در ماه مبارک رمضان، هر شب بیست رکعت نماز تراویح، در پنج ترویحه، علاوه بر وتر سنَّت است.[۱]

﴿۵۷۸﴾ علامه ابو الولید محمد بن احمد بن محمد ابن رُشْد قُرطبی مالکی رحمه‌الله (متوفّی ۵۹۵ هـ.ق) در کتاب مشهور خود «بدایةُ المجتهد» می‌نویسد:

فَاخْتَارَ مَالِكٌ فِي أَحَدِ قَوْلَيْهِ وَأَبُوْ حَنِيْفَةَ وَالشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَدَاوُدُ الْقِيَامَ بِعِشْرِيْنَ رَكْعَةً سِوَى الْوِتْرِ.

ترجمه: امام مالک رحمه‌الله در یک قول خود؛ و امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام احمد و امام داود رحمهم الله بیست رکعت تراویح را اختیار نموده است.[۲]

(۱) فتاویٰ قاضیخان: ۱۲/۱ باب التراویح، فصل فی مقدار التراویح
(۲) بدایة المجتهد لابن رشد: ۲۱۹/۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ الثَّانِي؛ الْبَابُ الْخَامِسُ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ



امام مالک بن انس رحمة الله عليه:

﴿۵۷۹﴾ علامه ابو الولید محمد بن احمد بن محمد ابن رُشْد قُرطبی مالکی رحمه‌الله (متوفّٰی ۵۹۵ هـ.ق) در کتاب مشهور خود «بدايةُ المجتهد» می‌نویسد:

فَاخْتَارَ مَالِكٌ فِي أَحَدِ قَوْلَيْهِ وَأَبُوْ حَنِيْفَه وَالشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَدَاوُدُ الْقِيَامَ بِعِشْرِيْنَ رَكْعَةً سِوَى الْوِتْرِ.

ترجمه: امام مالک رحمه‌الله در یک قول خود؛ و امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام احمد و امام داود رحمهم الله بیست رکعت تراویح را اختیار نموده است.[۱]



تراویح نزد امام مالک رحمه‌الله در یک قول بیست رکعت تراویح است، و در قول دوم، سی و شش رکعت است که از میان آنها بیست رکعت آن نماز تراویح و شانزده رکعت باقیماندهٔ آن نماز نفل می‌باشد.[۲]

امام محمد بن ادریس شافعی رحمة الله عليه:

﴿۵۸۰﴾ اَلزَّعْفَرَانِيُّ عَنِ الشَّافِعِيِّ رَحِمَهُ اللّٰهُ:... قَالَ: وَاَحَبُّ اِلَيَّ عِشْرُوْنَ... وَكَذٰلِكَ يَقُوْمُوْنَ بِمَكَّةَ.

ترجمه: امام (ابو علی حسن بن محمد بن الصباح البغدادی) زعفرانی رحمه‌الله می‌گوید که امام (محمد بن ادریس) شافعی رحمه‌الله فرمود: من بیست رکعت را می‌پسندم و در مکهٔ معظمه نیز بیست رکعت می‌خوانند.[۳]

﴿۵۸۱﴾ وَقَالَ الشَّافِعِيُّ رَحِمَهُ اللّٰهُ: وَهَكَذَا أَدْرَكْتُ بِبَلَدِنَا بِمَكَّةَ يُصَلُّونَ

(۱) بداية المجتهد لابن رشد: ۲۱۹/۱ كِتَابُ الصَّلَاةِ الثَّانِي؛ الْبَابُ الْخَامِسُ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ
(۲) شرح مختصر خليل للخرشي: ۹/۲، المؤلف: محمد بن عبد الله الخرشي المالكي أبو عبد الله (المتوفى ۱۱۰۱هـ.ق): دار الفكر للطباعة - بيروت | الحاوى للفتاوى للسيوطى: ۴۱۵/۱ اَلْمَصَابِيحُ فِي صَلَاةِ التَّرَاوِيحِ. مترجم
(۳) مختصرَ قيام الليل للمروزى: ص۲۲۲ باب عدد الركعات التى يقوم بها الامام للناس فى رمضان

عِشْرِينَ رَكْعَةً.

ترجمه: امام شافعی رحمه‌الله در جای دیگری می‌فرماید: من در شهر مان مکه، مردم را بر ادای بیست رکعت تراویح یافتم.[1]

امام احمد بن حنبل رحمه‌الله:

امام ابومحمد عبد الله بن احمد بن قُدامهٔ مقدسی حنبلی رحمه‌الله (ت ٦٢٠ هـ.ق) می‌نویسد:

﴿٥٨٢﴾ وَالْمُخْتَارُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ (احمد بن حنبل) رَحِمَهُ اللهُ، فِيهَا عِشْرُونَ رَكْعَةً. وَبِهَذَا قَالَ الثَّوْرِيُّ، وَأَبُو حَنِيفَةَ، وَالشَّافِعِيُّ.

ترجمه: قول مختار نزد امام ابو عبد الله (احمد بن حنبل) رحمه‌الله بیست رکعت تراویح است، و امام سفیان ثَوری، امام ابوحنیفه و امام شافعی رحمهم الله نیز قائل برآن اند.[2]



اولیاءؒ و مشایخؒ

حضرات مشایخ عِظام و اولیای کِرامؒ:

آن اولیای کرام و مشایخ بزرگواری که در اُمت اسلامی گذشته‌اند؛ عمل، اخلاق، رفتار و سیرت شان برای این اُمت مشعل راه است. اگر نگاهی به زندگانی این اولیای خدا بیندازیم، درمی‌یابیم که ایشان نیز بر بیست رکعت

(۱) جامع الترمذی: ۱۶۰/۳ حدیث ۸۰۶ أَبْوَابُ الصَّوْمِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ
(۲) المغنی لابن قدامة الحنبلی: ۱۲۳/۲ مسألة ۱۰۹۴ مَسْأَلَةَ قِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ عِشْرُونَ رَكْعَةً

تراویح پایبند بوده‌اند، و این خود دلیل رُشد و هدایت است. تصریحات چند تن از این بزرگان را در ذیل درج می‌کنیم.

امام غزالی رحمه‌الله:

شیخ ابوحامد محمد بن محمد بن محمد غزالی رحمه‌الله (متوفّی ۵۰۵ ه.ق) می‌فرماید:

﴿۵۸۳﴾ التَّرَاوِيحُ وَهِيَ عِشرُونَ رَكعَةً وَكَيفِيَّتُهَا مَشهُورَةٌ وَهِيَ سُنَّةٌ مَؤَكَّدَةٌ.

ترجمه: نماز تراویح بیست رکعت است و طریقهٔ ادای آن معروف می باشد. نماز تراویح سنّت مُؤَکّده است.(۱)

شیخ عبد القار جیلانی رحمه‌الله:

شیخ ابو محمد محی الدین عبد القادر بن ابی صالح جیلانی رحمه‌الله (متوفّی ۵۶۱ ه.ق) می‌فرماید:

﴿۵۸۴﴾ صَلَاةُ التَّرَاوِيْحِ سُنَّةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... وَهِيَ عِشْرُوْنَ رَكْعَةً

ترجمه: نماز تراویح، سنت مبارکهٔ نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم است، و بیست رکعت است.(۲)

شیخ عبد الوهاب شعرانی رحمه‌الله:

شیخ امام ابو المواهب عبد الوهاب بن احمد بن علی الشَّعْرانی الشافعی رحمه‌الله (متوفّی ۹۷۳ه.ق) می‌فرماید:

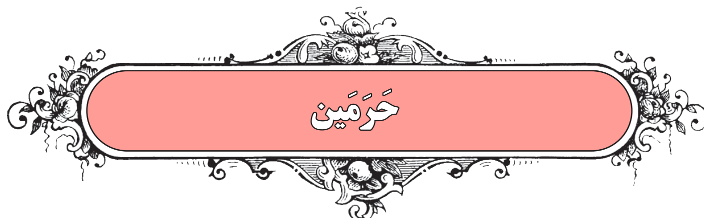
---

(۱) احیاء علوم الدین للغزالی: ۲۰۱/۱ و ۲۰۲ کتاب أسرار الصلاة ومهماتها؛ الباب السابع في النوافل من الصلوات، القسم الثالث ما يتكرر بتكرر السنين

(۲) الغنية لطالبی طريق الحق للشيخ عبد القادر الجيلانی: ص ۲۶۷و۲۶۸ مجلس فی فضائل شهر رمضان، فصل فی صلاة التراويح

﴿۵۸۵﴾ إِنَّ اَلتَّرَاوِيْح فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِشْرُوْنَ رَكْعَةً.

ترجمه: نماز تراویح در ماه رمضان بیست رکعت است.[۱]



حَرَمَین شریفَین و بیست رکعت تراویح:

در دو حَرَم مقدس اسلام، یعنی حرم مکه و مدینه، در طول تقریباً چهارده قرن، اقامهٔ بیست رکعت نماز تراویح ثابت و مستمر بوده است؛ بلکه عمل متوارث و متواتر اُمت اسلامی بر همین بیست رکعت جریان داشته است. برای اثبات این مطلب، دو منبع ذکر می‌شود.

[۱] عطیه سالم رحمه‌الله (مُدرِّس مسجد نبوی و قاضی پیشین مدینهٔ منوره) کتابی با عنوان «اَلتَّرَاوِيْحُ اَكْثَرُ مِنْ اَلْفِ عَامٍّ»نگاشته است و در آن ثابت کرده است که در تاریخ بیش از هزار و چهار صد سال، عملِ متواتر بر بیست رکعت تراویح بوده است.

[۲] محمد علی صابونی رحمه‌الله (استاذ كلية الشريعة والدراسات الاسلامية، جامعة ام القریٰ، مکهٔ مکرمه) رساله‌ای با عنوان «اَلْهَدْيُ النَّبَوِيُّ الصَّحِيْحُ فِيْ صَلَاةِ التَّرَاوِيْح» منتشر کرده است و در این رساله، ایشان به‌طور مستند ثابت کرده‌است که از دوران خلافت راشده تا دورهٔ حکومت سعودی، اقامهٔ بیست رکعت نماز تراویح در مسجدالحرام مکهٔ مکرمه مداوم و مستمر بوده است.

---

(۱) الميزان الكبرىٰ للشعراني: ۲۱۷/۱ باب صلاة النوافل

قرائت از روی مُصْحَف در نماز تراویح:

﴿۵۸۶﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَهَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عُمَرُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنْ نَؤُمَّ النَّاسَ فِي الْمُصْحَفِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین حضرت عمر رضی‌الله‌عنه ما را از امامت مردم در حالی که از روی مُصْحَف قرآن بخوانیم، منع کردند.(۱)

﴿۵۸۷﴾ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَؤُمَّ الرَّجُلُ النَّاسَ بِاللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْمُصْحَفِ، قَالَ: هُوَ مِنْ فِعْلِ أَهْلِ الْكِتَابِ.

ترجمه: از حضرت عمار بن یاسر رضی‌الله‌عنهما روایت است که ایشان مکروه می‌دانست که کسی در شب‌های ماه رمضان از روی مُصْحَف مردم را امامت کند، و می‌فرمود: این کار رفتارِ اهل کتاب است.(۲)

﴿۵۸۸﴾ عَنْ سُوَيْدِ بْنِ حَنْظَلَةَ الْبَكْرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ مَرَّ عَلٰى رَجُلٍ يَؤُمُّ قَوْمًا فِي مُصْحَفٍ فَضَرَبَهُ بِرِجْلِهِ.

ترجمه: از حضرت سُوَید بن حَنْظَلَۀ بَکْری رضی‌الله‌عنه روایت است که از کنار مردی گذشت که از روی مُصحف برای گروهی امامت می‌کرد، پس او را با پای خود زد (یعنی کراهت خود را از اینکار اظهار کرد).(۳)

و در روایتی دیگر آمده است: وَنَحَّا الْمُصْحَفَ.

ترجمه: و ایشان رضی‌الله‌عنه مُصْحَف را برداشته کناری گذاشت.(۴)

﴿۵۸۹﴾ عَنْ مُجَاهِدٍ رَحِمَهُ اللهُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَؤُمَّ الرَّجُلُ فِي الْمُصْحَفِ.

ترجمه: امام مجاهد رحمه‌الله مکروه می‌دانست که شخصی امام شود و

---

(۱) کتاب المصاحف لابن ابی داؤد: ص۷۱۱ حدیث ۷۴۷ باب هل یؤم القرآن فی المصحف
(۲) تاریخ بغداد للخطیب: ۲۰۸/۷ رقم الترجمة ۴۷۴۴
(۳) کتاب المصاحف لابن ابی داؤد: ص۷۱۵ حدیث ۷۶۱ باب هل یؤم القرآن فی المصحف
(۴) کتاب المصاحف لابن ابی داؤد: ص۷۱۵ حدیث ۷۶۲ باب هل یؤم القرآن فی المصحف

از روی مُصْحَف نماز بدهد.(۱)

ختم قرآن کریم در تراویح سنّت است:

﴿۵۹۰﴾ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ النَّهْدِيِّ قَالَ: دَعَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بِثَلَاثِ قُرَّاءٍ فَاسْتَقْرَأَهُمْ، فَأَمَرَ أَسْرَعَهُمْ قِرَاءَةً أَنْ يَقْرَأَ لِلنَّاسِ ثَلَاثِينَ آيَةً، وَأَمَرَ أَوْسَطَهُمْ أَنْ يَقْرَأَ خَمْسًا وَعِشْرِينَ، وَأَمَرَ أَبْطَأَهُمْ أَنْ يَقْرَأَ لِلنَّاسِ عِشْرِينَ آيَةً.

ترجمه: حضرت ابو عثمان نَهْدی رحمه‌الله روایت می‌کند که امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب رضی‌الله‌عنه سه قاری را فراخواندند و قرائت آنها را شنیدند. سپس برای قاری سریع‌خوان دستور دادند که در هر رکعت تراویح سی آیه تلاوت کند، به قاری با سرعت متوسط دستور دادند بیست‌وپنج آیه بخواند، و به قاری کُندخوان فرمان دادند تا بیست آیه تلاوت کند.(۲)

﴿۵۹۱﴾ عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: مَنْ أَمَّ النَّاسَ فِي رَمَضَانَ فَلْيَأْخُذْ بِهِمُ الْيُسْرَ، فَإِنْ كَانَ بَطِيءَ الْقِرَاءَةِ فَلْيَخْتِمِ الْقُرْآنَ خَتْمَةً، وَإِنْ كَانَ قِرَاءَتُهُ بَيْنَ ذَلِكَ فَخَتْمَةٌ وَنِصْفٌ، فَإِنْ كَانَ سَرِيعَ الْقِرَاءَةِ فَمَرَّتَيْنِ.

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه‌الله می‌فرماید: هر کس در ماه رمضان مردم را در نماز تراویح امامت می‌کند باید با مردم آسان‌گیری کند؛ اگر قرائت او کُند است، یک بار ختم کند، اگر متوسط است، یک‌ونیم بار ختم نماید، و اگر سریع است، دو بار ختم کند.(۳)

﴿۵۹۲﴾ عَنْ أَبِيْ حَنِيْفَةَ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ كَانَ يَخْتِمُ فِيْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِحْدٰى وَسِتِّيْنَ خَتْمَةً ثَلَاثِيْنَ فِي الْأَيَّامِ وَثَلَاثِيْنَ فِي اللَّيَالِي وَوَاحِدَةً فِي التَّرَاوِيْحِ.

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۸۸/۵ حدیث ۷۳۰۵ مَنْ كَرِهَهُ [ای الامامة بالقراءة فی المصحف]

(۲) السنن الکبری للبیهقی: ۷۰۰/۲ حدیث ۴۲۹۵ | مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۷۲ | مصنف عبد الرزاق: ۲۶۱/۴ حدیث ۷۷۳۲ كِتَابُ الصِّيَامِ؛ بَابُ قِيَامِ رَمَضَانَ | إعلاء السنن للتهانوی: ۷۱/۷ حدیث ۱۸۲۵ باب التراویح

(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۶۳/۲ حدیث ۷۶۷۹ فِي صَلَاةِ رَمَضَانَ



ترجمه: امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله در ماه رمضان، ٦١ بار قرآن مجید را ختم می‌کردند. ٣٠ بار در روز و ٣٠ بار در شب و یک بار در تراویح.[١] [٢]

فقیه و مفتی مشهور علامه علاءالدین محمد بن علی بن محمد حَصْکَفِی حنفی رحمه‌الله (متوفّی ١٠٨٨ هـ.ق) می‌فرماید:

۵۹۳ (وَالْخَتْمُ) مَرَّةً سُنَّةٌ وَمَرَّتَيْنِ فَضِيلَةٌ وَثَلَاثًا أَفْضَلُ. (وَلَا يُتْرَكُ) الْخَتْمُ (لِكَسَلِ الْقَوْمِ).

ترجمه: یک مرتبه ختم قرآن در تراویح سنت است، دو بار ختم فضیلت دارد، و سه بار ختم، افضل و برتر است. همچنین به سبب تنبلی و سستی مردم، نباید ختم قرآن در تراویح ترک شود.[٣]

۵۹۴ در فتاوی هندیه (معروف به عالمگیری) وارد است:

السُّنَّةُ فِي التَّرَاوِيحِ إِنَّمَا هُوَ الْخَتْمُ مَرَّةً فَلَا يُتْرَكُ لِكَسَلِ الْقَوْمِ.

ترجمه: یک مرتبه ختم قرآن در تراویح سنت است، و به علت تنبلی و سستی مردم نباید ترک گردد.[٤]

---

(١) مراقي الفلاح شرح متن نور الإيضاح: ص ١٥٨ كتاب الصلاة؛ فصل في التراويح | مناقب الامام أبی حنيفة وصاحبيه أبی يوسف ومحمد بن الحسن للذهبی: ص ٢١ و٢٢ و٢٣ | سير أعلام النبلاء للذهبی: ٤٠٠/٦ أَبُو حَنِيْفَةَ النُّعْمَانُ بنُ ثَابِتٍ التَّيْمِيُّ | فتاوی قاضی خان: ١١٤/١ باب التراويح

(٢) بسیاری از بزرگان دین، قرآن مجید را در یک شب ختم می‌کردند، چنانچه حضرت امیر المومنین عثمان بن عفان رضی‌الله‌عنه قرآن را در یک رکعت در شب ختم می‌کرد. مختصر قیام اللیل: ص ١٥٧ و شرح معانی الآثار: ٣٤٦/١ حدیث ٢٠٣٩. همچنین حضرت تمیم داری رضی‌الله‌عنه نیز در یک شب قرآن را ختم می‌کرد. شرح معانی الآثار: ٣٤٨/١ حدیث ٢٠٥١. حضرت عبد الله بن زُبَیْر رضی‌الله‌عنه نیز در یک شب قرآن را ختم می‌کرد. مختصر قیام اللیل: ص ١٥٧.

حضرت امام شافعی رحمه‌الله در یک رمضان هفتاد بار قرآن را ختم کرد. مفتاح الجنة از سیوطی: ص٢٩. امام حسن بصری رحمه‌الله نیز قرآن را در بین نماز عصر و مغرب ختم می‌کرد. مختصر قیام الیل: ص ١٥٧. امام جرح و تعدیل یحیی بن سعید قطان رحمه‌الله قرآن کریم را در ٢٤ ساعت ختم می‌کرد. تهذیب الاسماء و اللغات از نووی: ١٥٤/٢.

امام بخاری رحمه‌الله نیز در هر روز یک بار قرآن را ختم می‌کرد و این ختمش در وقت افطار می‌بود و می‌فرمود: بعد از هر ختم دعا قبول می‌شود. فتح الباري شرح صحيح البخاري لابن حجر: ٤٨١/١ و إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري للقسطلانی: ٣٧/١. مترجم

(٣) الدر المختار و حاشية ابن عابدين: ٤٦/٢ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ الْوِتْرِ وَالنَّوَافِلِ

(٤) الفتاوى الهندية: ١١٧/١ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ الْبَابُ التَّاسِعُ فِي النَّوَافِلِ؛ فَصْلٌ فِي التَّرَاوِيحِ


نماز جنازه

نماز جنازه

طریقۀ نماز جنازه:

نماز جنازه دارای چهار تکبیر است: پس از تکبیر اول، حمد و ثنای الهی گفته می‌شود؛ بعد از تکبیر دوم، درود شریف بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم خوانده می‌شود؛ پس از تکبیر سوم، برای میّت دعا می‌گردد؛ و بعد از تکبیر چهارم، سلام داده می‌شود.

﴿۵۹۵﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَى النَّجَاشِيَّ فِي اليَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ، وَخَرَجَ بِهِمْ إِلَى المُصَلَّي، فَصَفَّ بِهِمْ، وَكَبَّرَ عَلَيْهِ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از وفات نجاشی رحمه‌الله در همان روزی آگاهی دادند که نجاشی رحمه‌الله وفات کرد. و آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم با صحابه به عیدگاه رفته صف بستند و (در نماز جنازه) چهار تکبیر گفتند.[1]

﴿۵۹۶﴾ عَنِ الشَّعْبِيِّ قَالَ: اَلتَّكْبِيرَةُ الْأُولَي عَلَى الْمَيِّتِ ثَنَاءٌ عَلَى اللهِ، وَالثَّانِيَةُ صَلَاةٌ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالثَّالِثَةُ دُعَاءٌ لِلْمَيِّتِ، وَالرَّابِعَةُ تَسْلِيمٌ.

ترجمه: (تابعی بزرگ عامر بن شراحیل) امام شَعْبی رحمه‌الله می‌فرماید: پس از تکبیر اول در جنازۀ میت، حمد و ثنای الهی خوانده می‌شود؛ بعد از تکبیر دوم، درود شریف بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم گفته می‌شود؛ پس

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۳۳۳ كِتَابُ الجَنَائِزِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ عَلَى الجَنَازَةِ أَرْبَعًا

از تکبیر سوم، برای میّت دعا می‌گردد؛ و بعد از تکبیر چهارم، سلام داده می شود.[۱]

﴿۵۹۷﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخعِيِّ، قَالَ: الْأُولٰي: اَلثَّنَاءُ عَلَى اللهِ، وَالثَّانِيَةُ: صَلَاةٌ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالثَّالِثَةُ: دُعَاءٌ لِلْمَيِّتِ، وَالرَّابِعَةُ: سَلَامٌ تُسَلِّمُ.

ترجمه: (تابعی جلیل القدر) حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله می فرماید: پس از تکبیر اول، حمد و ثنای الهی خوانده می‌شود؛ بعد از تکبیر دوم، درود شریف بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم گفته می‌شود؛ پس از تکبیر سوم، برای میّت دعا می‌گردد؛ و بعد از تکبیر چهارم، سلام داده می‌شود.[۲]

ثناء:

﴿۵۹۸﴾ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

ترجمه: حضرت ابو سعید (خُدری) رضی‌الله‌عنه روایت می کند: هرگاه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز را شروع می‌فرمودند سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ را می خواندند.[۳]

﴿۵۹۹﴾ در روایت دیگری از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه در ثناء، لفظ «وَجَلَّ ثَنَاءُكَ» نیز وارد شده است.

إِنَّ مِنْ اَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَقُوْلَ الْعَبْدُ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۴۹۱/۳ حدیث ۶۴۳۴ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ وَالدُّعَاءِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ
(۲) کتاب الآثار للامام ابی حنیفة بروایة الامام محمد: ۷۱/۲ حدیث ۲۳۸ بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ
(۳) سنن النسائی: حدیث ۸۹۹ و۹۰۰ | سنن ابن ماجه: حدیث ۸۰۴ و حدیث ۸۰۶ عن عایشة، كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | سنن الترمذی: حدیث ۲۴۳ و حدیث ۲۴۲ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۷۶ و حدیث ۷۷۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ أَبْوَابُ تَفْرِيعِ اسْتِفْتَاحِ الصَّلَاةِ، بَابُ مَنْ رَأَى الِاسْتِفْتَاحَ بِسُبْحَانَكَ اللهُمَّ وَبِحَمْدِكَ

وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَجَلَّ ثَنَاءُكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

ترجمه: از بهترین کلام بنده که خداوند آن را بسیار می پسندد این است که بنده بگوید: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَجَلَّ ثَنَاءُكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ.(۱)

ترجمۀ ثناء: یا الهی! پاکیزه‌ای از آنکه شریکی داشته باشی، حمد و ثنای ترا می‌گویم، نام تو با برکت است، شان تو بلند و بالاست، ثنای تو بزرگ است، و هیچ کسی جز تو سزاوار عبادت نیست.

درود شریف:

پس از تکبیر دوم، درود شریف خوانده می‌شود، بهترین درود، درود ابراهیمی است که در نماز می خوانند. اگر کسی بخواهد درود دیگری بخواند آنهم درست است. در احادیث شریف درود بخصوصی به الفاظ مخصوصی برای نماز جنازه نیامده است.

دعاء برای میِّت:

اگر میّت بالغ باشد، این دعا خوانده می شود:

﴿۶۰۰﴾ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، اللّٰهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ.

ترجمه: پروردگارا! زنده‌ها و مرده‌های ما را بیامرز، حاضر و غایب ما را بیامرز، بزرگان و خُردان ما را بیامرز، مردان و زنان ما را بیامرز. پروردگارا! هر کسی از ما را که زنده نگه می‌داری، او را بر دین اسلام زنده بدار، و هر کسی

(۱) الفردوس بمأثور الخطاب لابی شجاع الدیلمی: ۲۱۴/۱ حدیث ۸۱۵ باب الألف

از ما را که می‌میرانی، او را با ایمان بمیران.[1]

اگر میِّت نابالغ باشد:

﴿۶۰۱﴾ عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:... وَالسِّقْطُ يُصَلَّى عَلَيْهِ وَيُدْعٰى لِوَالِدَيْهِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ.

ترجمه: از حضرت مُغیره بن شُعبه رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: بر نابالغ نماز جنازه خوانده می‌شود و برای پدر و مادرش، دعای مغفرت و رحمت می‌گردد.[2]

﴿۶۰۲﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ: أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي عَلَى الْمَنْفُوسِ الَّذِي لَمْ يَعْمَلْ خَطِيئَةً قَطُّ وَيَقُولُ: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَذُخْرًا.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که ایشان بر طفلی که (زنده به دنیا آمده) سپس وفات کرده بود و هرگز گناهی انجام نداده بود، نماز جنازه می‌خواند و این دعا را می‌گفت:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَذُخْرًا، بار الٰها! او را برای ما پیش‌فرستاده، پیشگام و ذخیره‌ای (برای آخرت) قرار ده.[3]

از حضرت حسن بصری رحمه‌الله نیز کلماتی مانند دعای بالا منقول است[4]



از آنجا که در احادیث شریف دعای خاصی برای میّت نابالغ به‌طور

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۰۲۴ أَبْوَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ مَا يَقُولُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ | مصنف عبد الرزاق: ۴۸۶/۳ حدیث ۶۴۱۹ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ الْقِرَاءَةِ وَالدُّعَاءِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ
(۲) مسند احمد بن حنبل: ۹۴/۱۴ حدیث ۱۸۰۹۱ | سنن ابی داؤد: حدیث ۷۱۶۹ كِتَاب الْجَنَائِزِ؛ بَابُ الْمَشْيِ أَمَامَ الْجَنَازَةِ
(۳) السنن الکبری للبیهقی: ۱۵/۴ حدیث ۶۷۹۴ بَابُ السَّقْطِ يُغَسَّلُ وَيُكَفَّنُ وَيُصَلَّى عَلَيْهِ إِنِ اسْتَهَلَّ أَوْ عُرِفَتْ لَهُ حَيَاةٌ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۷۰/۸ حدیث ۲۲۴۲ باب کیفیة صلوة الجنازة
(۴) صحیح البخاری: قبل حدیث ۱۳۳۵ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ قِرَاءَةِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ عَلَى الْجَنَازَةِ

مُعَيَّن وارد نشده و از سَلَف صالحین نیز عبارات گوناگونی در این باره روایت شده است، فقهای کرام با در نظر گرفتن همهٔ آن روایات، دعائی جامع و کامل را ذکر کرده‌اند.

﴿۶۰۳﴾ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَمُشَفَّعًا.

ترجمه: پروردگارا! این کودک را برای ما پیشاپیشِ پاداش قرار ده، و او را برای ما اجر و اندوخته‌ای برای آخرت گردان. بار الها! او را شفیع ما قرار ده و شفاعتش را در حق ما بپذیر.(۱)

اگر جنازهٔ دختر نابالغ است، در این صورت به جای «وَاجْعَلْهُ» در دعاء «وَاجْعَلْهَا» و به جای «شَافِعًا وَمُشَفَّعًا» لفظ «شَافِعَةً وَمُشَفَّعَةً» استعمال شود.

فایده: چون در احادیث شریف دعاهای مختلفی در این زمینه وارد شده است، بنابراین فقهای کرام رحمهم‌الله تصریح کرده‌اند که اگر کسی این دعاها را به یاد ندارد، او می‌تواند هر دعائی را که به یاد دارد بخواند و در حق میّت دعا کند.

فَإِنْ كَانَ لَايُحْسِنُ يَأْتِي بِأَيِّ دُعَاءٍ شَاءَ.

ترجمه: اگر کسی این دعاها را به خوبی نمی‌داند، پس هر دعائی را که بخواهد، بخواند.(۲)

سلام دادن:

﴿۶۰۴﴾ وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَلُّوا عَلَى النَّجَاشِيِّ». سَمَّاهَا صَلَاةً

(۱) الهدایة: ۹۰/۱ باب الجنائز؛ فصل في الصلاة على الميت | تبیین الحقائق: ص ۲۴۱ بَابُ الْجَنَائِزِ؛ كَيْفِيَّة صَلَاة الْجِنَازَة | البحر الرائق: ۱۹۸/۲ بَابُ الْجَنَائِزِ؛ دُفِنَ الْمَيِّت بِلَا صَلَاةٍ | المحیط البرهانی: ۳۲۸/۲ الفصل الثانی والثلاثون؛ فی الجنائز

(۲) الفتاوی الهندیة: ۱۶۴/۱ الْفَصْلُ الْخَامِسُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ



لَيْسَ فِيهَا رُكُوعٌ، وَلاَ سُجُودٌ، وَلاَ يُتَكَلَّمُ فِيهَا وَفِيهَا تَكْبِيرٌ وَتَسْلِيمٌ.

ترجمه: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: بر نجاشی نماز بخوانید. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن را نماز نامیدند با وجود آنکه نه در آن رکوع است و نه سجده و نه در آن سخن می‌توان گفت. در نماز جنازه فقط تکبیرات و سلام هست.(۱)

﴿۶۰۵﴾ عَنْ إِبْرَاهِيْمَ الْهَجَرِيِّ قَالَ: أَمَّنَا عَبْدُ اللهِ بْنُ أَبِي أَوْفٰي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَلٰى جَنَازَةِ ابْنَتِهِ فَكَبَّرَ أَرْبَعًا ثُمَّ سَلَّمَ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ.

حضرت ابراهیم هَجَری رحمه‌الله می‌فرماید: حضرت عبد الله بن اَبِی اَوْفیٰ رضی‌الله‌عنه در نماز جنازۀ دختر خود ما را امامت کردند و چهار تکبیر گفتند و سپس به طرف راست و آنگاه به طرف چپ سلام دادند.(۲)

﴿۶۰۶﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: ثَلَاثُ خِلَالٍ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُهُنَّ تَرَكَهُنَّ النَّاسُ إِحْدَاهُنَّ التَّسْلِيْمُ عَلَى الْجَنَازَةِ مِثْلَ التَّسْلِيْمِ فِي الصَّلَاةِ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که فرمود: سه عادت وجود دارد که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آنها را انجام می‌دادند، اما مردم آنها را ترک کرده‌اند. یکی از این عادت‌ها سلام دادن در نماز جنازه، مشابه سلام دادن در سایر نمازها است.(۳)

طفلی که مرده به دنیا آمده نماز جنازه ندارد:

﴿۶۰۷﴾ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الطِّفْلُ

(۱) صحیح البخاری: قبل حدیث ۱۳۲۲ كِتَابُ الجَنَائِز؛ بَابُ سُنَّةِ الصَّلَاةِ عَلَى الجَنَازَةِ
(۲) السنن الکبری للبیهقی: ۷۱/۴ حدیث ۶۹۸۸ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۶۱/۸ حدیث ۲۲۳۰ باب كيفية صلوة الجنازة
(۳) السنن الکبری للبیهقی: ۷۱/۴ حدیث ۶۹۸۹ | التلخیص الحبیر لابن حجر: ۲۹۰/۲ قبیل حدیث ۷۷۲ كِتَابُ الجنائز؛ مدخل

لَا يُصَلّٰى عَلَيْهِ، وَلَا يَرِثُ، وَلَا يُورَثُ حَتّٰى يَسْتَهِلَّ.

ترجمه: از جابر بن عبدالله رضی‌الله‌عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نوزاد تا زمانی که صدا برنیاورد (یعنی نشانه‌های حیات در او ظاهر نشود) نه بر او نماز جنازه خوانده می‌شود، نه وارث کسی می‌شود و نه کسی وارث او می‌گردد.[1]

در این حدیث کلمهٔ «يَسْتَهِلَّ» آمده است. در لغت، معنای آن آواز و چیغ و گریهٔ طفل است:

۱. وَ(اسْتِهْلَالُ الصَّبِيِّ): أَنْ يَرْفَعَ صَوْتَهُ بِالْبُكَاءِ عِنْدَ وِلَادَتِهِ.

ترجمه: استهلالِ کودک یعنی هنگام تولد با گریه صدای خود را بلند کند.[2]

۲. «وَاسْتَهَلَّ الصَّبِيُّ» صَاحَ عِنْدَ الْوِلَادَةِ.

ترجمه: «اِستَهَلَّ الصَّبِیُّ» یعنی کودک هنگام تولد گریه کرد.[3]

۳. «اسْتَهَلَّ» الصَّبِيُّ رَفَعَ صَوْتَهُ بِالْبُكَاءِ وَصَاحَ عِنْدَ الْوِلَادَةِ.

ترجمه: «استَهَلَّ» یعنی کودک هنگام ولادت با گریه فریاد کشید.[4]

با توجه به این توضیحات لُغَوی، معنای حدیث شریف چنین است که اگر کودک هنگام تولد گریه کند یا چیغ بزند یعنی علامات حیات در او ظاهر شود و سپس بمیرد، نماز جنازه بر او باید خواند؛ اما اگر مرده به دنیا بیاید و نشانه‌ای از زندگی نداشته باشد، نماز جنازه بر او خوانده نمی‌شود.

﴿۶۰۸﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِذَا اسْتَهَلَّ الصَّبِيُّ وَرِثَ وَوُرِثَ وَصُلِّيَ عَلَيْهِ.

---

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۱۰۳۲ | سنن ابن ماجة: حدیث ۱۵۰۸
(۲) المغرب فی ترتیب المعرب: ۳۸۸/۲
(۳) مختار الصحاح: ص۷۰۵
(۴) المعجم الوسیط: ۹۹۲/۲



ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که فرمود: هرگاه نوزاد (هنگام تولد) گریه کند (یعنی زنده به دنیا آید، پس از ترکه) ارث می‌برد و (اگر بمیرد از ترکه‌اش، وارثانش) ارث می‌برند و بر او نماز جنازه خوانده می‌شود.[1]

﴿۶۰۹﴾ عَنْ نَافِعٍ أَنَّ ابْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى السِّقْطِ قَالَ: إِذَا تَمَّ خَلْقُهُ وَوَقَعَ حَيًّا صُلِّيَ عَلَيْهِ.

ترجمه: از نافع رحمه‌الله روایت است که از عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهما دربارهٔ نماز بر نوزاد سقط‌شده سوال شد، ایشان فرمودند: اگر بدنش کامل شده باشد و زنده به دنیا آمده باشد، بر او نماز (جنازه) خوانده می‌شود.[2]

نماز جنازه در مسجد خوانده نشود:

﴿۶۱۰﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فِي الْمَسْجِدِ، فَلَا شَيْءَ لَهُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی در داخل مسجد نماز جنازه را بخواند، ثوابی به دست نمی‌آورد.[3]

﴿۶۱۱﴾ عَنْ كَثِيرِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا رَفَعَهُ قَالَ: لَأَعْرِفَنَّ مَا صُلِّيَتْ عَلَى جِنَازَةٍ فِي الْمَسْجِدِ.

ترجمه: حضرت کثیر بن عباس رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: من به خوبی می

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۳۴۲/۱۶ حدیث ۳۲۱۴۰ فِي الْمَوْلُوْدِ يَمُوْتُ وَقَدْ مَاتَ لَهُ بَعْضُ مَنْ يَرِثُهُ
(۲) الاوسط لابن المنذر: ۴۴۰/۵ ذکر الصلاة علی السقط
(۳) سنن ابی داؤد: حدیث ۳۱۹۱ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ فِي الْمَسْجِدِ | مصنف عبد الرزاق: ۵۲۶/۳ حدیث ۶۵۷۹ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ فِي الْمَسْجِدِ | السنن الکبری للبیهقی: ۸۶/۴ حدیث ۷۰۴۰ بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجِنَازَةِ فِي الْمَسْجِدِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۷۶/۸ حدیث ۲۲۴۷ باب کیفیة صلوة الجنازة

دانم که (در عهد نبوی) هیچ نماز جنازه‌ای در داخل مسجد خوانده نشده است.(۱)

در نماز جنازه فقط در تکبیر اول آن رفع یَدَین می‌گردد و بس:

﴿۶۱۲﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَبَّرَ عَلَى جَنَازَةٍ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ، وَوَضَعَ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای ادای نماز جنازه‌ای تکبیر گفتند و دست‌های مبارک را فقط در تکبیر اول بلند نمودند و دست راست را بر بالای دست چپ (زیر ناف) نهادند.(۲)

﴿۶۱۳﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ عَلَى الْجِنَازَةِ فِي أَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ لَا يَعُودُ.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهمَا روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در نماز جنازه فقط در تکبیر اول رفع یَدَین می نمودند و سپس آن را تکرار نمی کردند.(۳)

﴿۶۱۴﴾ عَنْ مُوسَى بْنِ دِهْقَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَانَ بْنَ عُثْمَانَ يُصَلِّي عَلَى الْجَنَازَةِ فَكَبَّرَ أَرْبَعًا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ التَّكْبِيرَةِ.

ترجمه: حضرت موسی بن دهقان رحمه‌الله روایت می کند که (امیر مدینه) حضرت اَبان بن عثمان رحمه‌الله را دیدم که نماز جنازه را امامت کرد، و چهار

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۵۲۷/۳ حديث ۶۵۸۰ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ فِي الْمَسْجِدِ
(۲) جامع الترمذی: حديث ۱۰۷۷ أَبْوَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي رَفْعِ الْيَدَيْنِ عَلَى الْجَنَازَةِ | سنن الدارقطنی: ۴۳۸/۲ حديث ۱۸۳۱ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ وَضْعِ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى وَرَفْعِ الْأَيْدِي عِنْدَ التَّكْبِيرِ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۶۶/۸ كيفية صلوة الجنازة
(۳) سنن الدارقطنی: ۴۳۸/۲ حديث ۱۸۳۲ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ وَضْعِ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى وَرَفْعِ الْأَيْدِي عِنْدَ التَّكْبِيرِ



تکبیر گفت و فقط در تکبیر اول رفع یَدَین نمود.[۱]

نماز جنازه با صدای خُفیه خوانده شود:

﴿۶۱۵﴾ طریقهٔ ادای نماز جنازه از حضرت ابو اُمامه بن سهل رضی‌الله‌عنه مروی بوده و این الفاظ در آن حدیث موجود است: سِرًّا فِي نَفْسِهِ.

ترجمه: به طور خُفیه/آهسته خوانده شود.[۲]

﴿۶۱۶﴾ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: مَا أَبَاحَ لَنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا أَبُو بَكْرٍ وَلَا عُمَرُ فِي شَيْءٍ، مَا أَبَاحُوا فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ.

ترجمه: حضرت جابر رضی‌الله‌عنه می فرماید: حضرت رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم، حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه و حضرت عمر رضی‌الله‌عنه در نماز جنازه چیزی را بر ما مُقَرَّر نفرمودند.

حافظ ابو الفضل شهاب الدین احمد بن علی ابن حَجَر عسقلانی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ۸۵۲ هـ.ق) دربارهٔ این حدیث می نویسد:

وَالَّذِي وَقَفْتُ عَلَيهِ بَاحَ أَيْ جَهَرَ، فَاللّٰهُ أَعْلَمُ.

ترجمه: تا آنجا که من می‌دانم لفظ بَاحَ به معنای جَهَرَ است.[۳]

ترجمهٔ حدیث اکنون چنین است: حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه و حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه نماز جنازه را با صدای بلند نمی خواندند.[۴]

---

(۱) قرة العینین للبخاری: ص ۷۵ حدیث ۱۰۹ | جزء رفع الیدین للبخاری: ص ۱۵۶ حدیث ۱۸۶

(۲) السنن الکبری للبیهقی: ۶۴/۴ حدیث ۶۹۵۹ | وبلفظ مخافتةً فی سنن النسائی: حدیث ۱۹۸۹ کِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ الدُّعَاءُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۲۵۵/۷ و۲۵۶ حدیث ۲۲۲۸ و حاشیه آن، باب کیفیة صلوة الجنازة

(۳) سنن ابن ماجه: حدیث ۱۵۰۱ کِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الدُّعَاءِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْجِنَازَةِ | مسند احمد: ۱۴۸/۳۲ حدیث ۱۴۸۴۵ | مصنف ابن ابی شیبة: ۴۸۹/۲ حدیث ۱۱۳۶۷ | مسند ابی یعلی: ۱۳۰/۴ حدیث ۲۱۷۹ مُسْنَدُ جَابِرٍ

(۴) التلخیص الحبیر لابن حجرٍ: ۲۹۰/۲ قبیل حدیث ۷۷۲ کِتَابُ الجنائز؛ مدخل



دعای دسته جمعی متصلاً پس از نماز جنازه ثابت نیست:

نماز جنازه به ذات خود دعاء است و دعا کردن اجتماعی به محض ختم نماز جنازه از احادیث ثابت نیست، بنابرین فقهاء و مُحدِّثین آن را ممنوع قرار داده‌اند. چندی از این تصریحات را در ذیل ملاحظه کنید:

﴿۶۱۷﴾ حافظ الدین امام محمد بن محمد بن شهاب الکُرَدی البزازی الحنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۸۲۷ هـ.ق) می فرماید:

لَایَقُوْمُ بِالدُّعَاءِ بَعْدَ صَلٰوةِ الْجَنَازَةِ لِاَنَّهُ دَعَا مَرَّةً.

ترجمه: نمازخوان بعد از نماز جنازه دعا نخواهد، زیرا او یک مرتبه دعا خواسته است.(۱)

﴿۶۱۸﴾ ملاعلی بن سلطان محمد قاری الهِرَوِی الحنفی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۰۱۴ هـ.ق) می فرماید:

وَلَا يَدْعُو لِلْمَيِّتِ بَعْدَ صَلَاةِ الْجَنَازَةِ لِأَنَّهُ يُشْبِهُ الزِّيَادَةَ فِي صَلَاةِ الْجَنَازَةِ.

ترجمه: به محض ختم نماز جنازه برای میّت دعا نکنند، زیرا اینکار مشابه ازدیاد آوری در نماز جنازه است.(۲)



در نماز جنازه لازم است که جنازۀ میت در پیش‌روی نمازگزاران حاضر باشد. اگر جنازۀ میِّت در پیشرو حاضر نباشد، نماز جنازۀ غائبانه جایز نیست

(۱) الفتاوی البزازیة: ۷۲/۱ کتاب الصلاة؛ فصل الخامس والعشرون فی الجنائز وفیه الشهید
(۲) مرقاة المفاتیح شرح مشكاة المصابیح للعلی القاری: ۱۲۱۳/۳ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ الْمَشْيُ بِالْجَنَازَةِ وَالصَّلَاةُ عَلَيْهَا

بنابرین از عهد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم تا امروز، عمل متواتر اُمت همین است که میِّت در پیش روی نمازگزاران موجود می‌باشد.

در این زمینه، توضیح این نکته ضروری است که برخی افراد با استناد به روایات مربوط به جنازهٔ حضرت اصحمهٔ نجاشی رحمه‌الله و حضرت معاویه بن معاویهٔ لیثی رضی‌الله‌عنه می‌گویند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نمازِ جنازهٔ غائبانهٔ آنان را اقامه فرموده‌اند؛ از این‌رو، برای اُمت نیز خواندن نمازِ جنازهٔ غائبانه درست است.

در ادامه، تحلیل تحقیقیِ روایات منقوله دربارهٔ این دو بزرگ ارائه می‌شود:

جنازهٔ حضرت اصحمهٔ نجاشی رحمة الله علیه:

در این باره روایات زیر را ملاحظه کنید:

۶۱۹ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللهِ، وَأَنَسٌ، وَابْنُ عَبَّاسٍ، وَقَتَادَةُ:... لَمَّا مَاتَ نَعَاهُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ: اخْرُجُوا فَصَلُّوا عَلَى أَخٍ لَكُمْ مَاتَ بِغَيْرِ أَرْضِكُمْ. قَالُوا: وَمَنْ هُوَ؟ قَالَ: النَّجَاشِيُّ. فَخَرَجَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْبَقِيعِ، وَكُشِفَ لَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ، فَأَبْصَرَ سَرِيرَ النَّجَاشِيِّ، فَصَلَّى عَلَيْهِ، وَكَبَّرَ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ، وَاسْتَغْفَرَ لَهُ، وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: اسْتَغْفِرُوا لَهُ.

ترجمه: حضرت جابر بن عبد الله، حضرت انس بن مالک، حضرت عبد الله بن عباس و حضرت قتاده رضی‌الله‌عنهم فرمودند: هنگامی که حضرت نجاشی رحمه‌الله از دنیا رفت، همان روز، حضرت جبرئیل علیه‌السلام خبر وفات او را به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم رسانید. آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله به اصحاب خود فرمودند: بیرون روید و بر برادر خویش که در سرزمینی غیر از سرزمین شما

از دنیا رفته است، نماز بخوانید. اصحاب پرسیدند: او کیست؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: نجاشی! سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سوی بقیع رفتند، و خداوند از مدینه تا سرزمین حبشه را برای ایشان آشکارا ساخت. آنحضرت ﷺ تخت (تابوت) نجاشی را مشاهده کردند، بر او نماز گزاردند، و چهار تکبیر گفتند، برایش طلب آمرزش نمودند و به اصحاب نیز فرمودند: برای او استغفار کنید.(۱)

﴿۶۲۰﴾ أَنَّ عِمْرَانَ بْنَ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ حَدَّثَهُ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ أَخَاكُمُ النَّجَاشِيَّ تُوُفِّيَ فَصَلُّوا عَلَيْهِ. قَالَ: فَصَفَّ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَصَفَفْنَا خَلْفَهُ فَصَلَّى عَلَيْهِ، وَمَا نَحْسِبُ الْجِنَازَةَ إِلَّا مَوْضُوعَةً بَيْنَ يَدَيْهِ.

ترجمه: حضرت عِمْران بن حُصَيْن رضی‌الله‌عنه بیان می کند که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند که برادر تان نجاشی فوت شده است، نماز جنازۀ او را بخوانید. سپس حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم جلو ایستاده شدند و ما در پشت سر ایشان صف بستیم و آنحضرت ﷺ نماز جنازه را ادا کردند، و ما همین گمان را داشتیم که جنازه در پیشروی آنحضرت ﷺ نهاده شده است.(۲)

﴿۶۲۱﴾ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ: أَنْبَأَنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ أَخَاكُمُ النَّجَاشِيَّ تُوُفِّيَ، فَقُومُوا فَصَلُّوا عَلَيْهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَصَفُّوا خَلْفَهُ، وَكَبَّرَ أَرْبَعًا، وَهُمْ لَا يَظُنُّونَ إِلَّا أَنَّ جَنَازَتَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ.

ترجمه: از حضرت عِمْران بن حُصَيْن رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: رسول

(۱) اسباب النزول للواحدی: ص۷۲ سورة آل عمران، تحت الآیة ۱۹۹
(۲) مسند احمد: ۲۰۹/۳۳ حدیث ۲۰۰۰۵ مُسْنَدِ الْبَصْرِيِّينَ؛ حَدِيثُ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ | مشکل الآثار للطحاوی: ۳۲۹/۱۲ حدیث ۴۸۵۰

خدا ﷺ ما را آگاه ساختند که برادر شما نجاشی وفات یافته است؛ پس برخیزید و بر او نماز گزارید. سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم برخاستند و صحابه در پشت سر ایشان صف بستند. آنحضرت ﷺ چهار تکبیر گفتند، در حالی که آنان (صحابهٔ کرام) جز این گمان نداشتند که جنازهٔ او در برابر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرار دارد.(۱)

بر اساس روایات بالا رای محققین حسب ذیل است:

۱. امام ابو عمر یوسف بن عبد الله ابن عبد البرّ قرطبی المالکی رحمه‌الله (متوفّی ۴۶۳هـ.ق) می‌نویسد:

رُفِعَتْ لَهُ جِنَازَتُهُ كَمَا كُشِفَ لَهُ عَنْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ حِيْنَ سَأَلَتْهُ قُرَيْشٌ عَنْ صِفَتِه.

ترجمه: جنازهٔ او (حضرت نجاشی رحمه‌الله) در مقابل پیامبر خدا صلی‌الله علیه‌وسلم قرار داده شد، مانند آن زمان که قریش دربارهٔ صفات بیت‌المقدس سوال کردند و بیت المقدس پیش‌روی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ظاهر گردید.(۲)

۲. امام جمال الدین ابو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۷۶۲هـ.ق) می‌نویسد:

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُفِعَ لَهُ سَرِيْرُهُ، فَرَاٰهُ، فَتَكُوْنُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ، كَمَيِّتٍ رَاٰهُ الْإِمَامُ، وَلَا يَرَاهُ الْمَأْمُوْمُوْنَ.

ترجمه: جنازهٔ حضرت نجاشی رحمه‌الله در مقابل پیامبر اکرم صلی‌الله

(۱) صحیح ابن حبان: ۳۶۹/۷ حدیث ۳۱۰۲ | الاستذکار لابن عبد البر: ۲۸/۳ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ على الجنائز | التمهيد لابن عبد البر: ۳۳۲/۶ مُحَمَّدُ بْنُ شِهَابٍ الزُّهْرِيُّ | إعلاء السنن للتهانوى: ۲۸۳/۸ حديث ۲۲۵۲ باب أن صلاته على الجنازة الغائبة عنه كانت لحضورها عنده على طريق المعجزة

(۲) التمهيد لابن عبدالبر: ۱۳۸/۳ تحت حديث ۱۴۵

علیه‌وسلم قرار داده شد و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن را مشاهده کردند. بنابراین نماز بر آن مانند نماز بر میتی است که امام آن را می‌بیند، اما مقتدی‌ها آن را نمی‌بینند.(۱)

۳. علامه سید ابوالفیض محمد بن محمد الحسینی المعروف به مرتضیٰ الزَّبیدی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۲۰۵هـ.ق) می‌نویسد:

وَأَمَّا صَلَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّجَّاشِيِّ، وَعَلٰى مُعَاوِيَةَ الْمُزَنِيِّ، فَمِنْ خُصُوصِيَّاتِهِ، لِأَنَّهُمَا أُحْضِرَا بَيْنَ يَدَيْهِ، حَتّٰى أَعْيَنَهُمَا، فَتَكُوْنُ صَلَاةُ مَنْ خَلْفَهُ عَلٰى مَيِّتٍ يَرَاهُ الْإِمَامُ وَبِحَضْرَتِهِ دُوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَهٰذَا غَيْرُ مَانِعٍ مِنْ صِحَّةِ الِاقْتِدَاءِ.

ترجمه: نماز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم برحضرت نجاشی رحمه‌الله و حضرت معاویهٔ مُزَنی رضی‌الله‌عنه از خصوصیات آنحضرت ﷺ بود، زیرا این دو در مقابل ایشان قرار داده شدند و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم خود آنها را مشاهده کردند. لذا کسانی که پشت سر آنحضرت ﷺ نماز (جنازه) را خواندند نماز شان بر میتی بود که امام آن را می‌بیند، ولی مقتدی‌ها آن را نمی‌دیدند؛ و این امر مانعی برای صحت اقتداء نیست.(۲)

خلاصه اینکه نماز جنازهٔ حضرت نجاشی رحمه‌الله غایبانه نبوده است؛ بلکه میّت ایشان به‌صورت معجزانه در مقابل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرار داده شد و صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم نیز گمان می‌کردند که جنازه واقعاً پیشروی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر است. بنابراین از این نماز نمی‌توان برای جواز نماز جنازهٔ غائبانه استدلال کرد.

(۱) نصب الرایة فی تخریج احادیث الهدایة: ۲۹۱/۲ کتاب الصلاة؛ باب الجنائز
(۲) اتحاف السادة المتقین بشرح احیاء علوم الدین للزبیدی: ۴۵۷/۳ صلاة الجنازة



جنازهٔ حضرت معاویه بن معاویهٔ لیثی رضی الله عنه:

در مورد جنازهٔ حضرت معاویه بن معاویهٔ لیثی رضی‌الله‌عنه روایات زیر را ارائه می‌کنند:

﴿۶۲۲﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: نَزَلَ جِبْرِيْلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَاتَ مُعَاوِيَةُ بْنُ مُعَاوِيَةَ اللَّيْثِيُّ، فَتُحِبُّ أَنْ تُصَلِّى عَلَيْهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: ضَرَبَ بِجَنَاحِهِ الْأَرْضَ فَلَمْ يَبْقَ شَجَرَةٌ وَلَا أَكَمَةٌ إِلَّا تَضَعْضَعَتْ، فَرَفَعَ سَرِيْرَهُ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ فَكَبَّرَ عَلَيْهِ.

ترجمه: حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت جبرئیل علیه السلام به خدمت نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم حاضر شد و عرض کرد: معاویه بن معاویهٔ لیثی رضی الله عنه وفات یافت، آیا می خواهید بر او نماز جنازه بخوانید؟ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: بلی. راوی می‌گوید: حضرت جبرئیل علیه السلام با بال خود بر زمین زدند، پس هیچ درخت و تپه‌ای نماند مگر اینکه فرورفت. سپس تخت (جنازهٔ حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه) را بلند کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به سوی آن نگاه کردند و برآن تکبیر (نماز جنازه را) گفتند.[۱]

تجزیهٔ تحقیقی:

درجهٔ اسناد آن:

۱. حافظ شمس الدین ابوعبد الله محمد بن ابی بکر المعروف ابن القیِّم الجوزیه رحمه‌الله (متوفّٰی ۷۵۱ هـ.ق) می‌نویسد:

لَا يَصِحُّ، فَإِنَّ فِي إِسْنَادِهِ الْعَلَاءَ بْنَ زَيْدٍ، وَيُقَالُ: ابْنُ زَيْدَلْ، قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْمَدِيْنِيِّ: كَانَ يَضَعُ الْحَدِيْثَ، وَرَوَاهُ مَحْبُوْبُ بْنُ هِلَالٍ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي مَيْمُونَةَ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ الْبُخَارِيُّ: لَا يُتَابَعُ عَلَيْهِ.

(۱) مسند ابی یعلیٰ: ۲۵۸/۷ حدیث ۴۲۶۸



ترجمه: این روایت (از این طریق) صحیح نیست، زیرا در سند آن علاء بن زید یا به قول بعضی ابن زَیْدَلْ وجود دارد. امام علی بن مَدِینی رحمه‌الله فرموده‌اند که او حدیث جعل می‌کرد. این روایت را (از طریق دیگری) نیز محبوب بن هلال، از عطا بن ابی میمونه و او از حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت کرده است. امام بخاری رحمه‌الله دربارۀ این طریق می‌فرماید: این طریق متابع ندارد.(۱)

۲. حافظ عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن خطیب ابی حفص عمر بن کثیر دمشقی شافعی رحمه‌الله (متوفّی ۷۷٤ هـ.ق) هر دو طریق این روایت را آورده دربارۀ طریق نخست آن می‌نویسد:

وَهٰذَا الْحَدِيْثُ فِيْهِ غَرَابَةٌ شَدِيْدَةٌ وَنكَارَةٌ، وَالنَّاسُ يُسْنِدُوْنَ أَمْرَهَا إِلَى الْعَلَاءِ بْنِ زَيْدٍ هٰذَا، وَقَدْ تَكَلَّمُوْا فِيْهِ.

ترجمه: این حدیث به شدت غریب و منکر است، و مردم آن را به علاء بن زید نسبت می‌دهند، در حالی که مُحدِّثین دربارۀ او جرح کرده‌اند.(۲)

سپس علامه ابن کثیر رحمه‌الله طریق دوم را آورده دربارۀ آن می‌نویسد:

وَهٰذَا أَيْضًا مُنْكَرٌ مِنْ هٰذَا الْوَجْهِ.

ترجمه: این روایت نیز از این طریق منکر است.(۳)

از لحاظ معنوی:

اگر از سند صرف نظر کنیم و به الفاظ ظاهری روایت توجه کنیم، روشن می‌شود که در متن روایت چنین آمده است:

ضَرَبَ بِجَنَاحِهِ الْأَرْضَ فَلَمْ يَبْقَ شَجَرَةٌ وَلَا أَكَمَةٌ إِلَّا تَضَعْضَعَتْ، فَرَفَعَ

(۱) زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۴۱۵/۱
(۲) البدایة والنهایة لابن کثیر: ۱۷/۳
(۳) البدایة والنهایة لابن کثیر: ۱۸/۳



سَرِيْرُهُ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ فَكَبَّرَ عَلَيْهِ.

ترجمه: حضرت جبرئیل علیه‌السلام با بال خود بر زمین زدند، پس هیچ درخت و تپه‌ای نماند مگر اینکه فرو رفت. سپس تخت (جنازۀ حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه) را بلند کرد، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم به سوی آن نگاه کردند و برآن تکبیر (نماز جنازه را) گفتند.(۱)

از این روایت برمی‌آید که میت غایب نبوده، بلکه بطور معجزه در مقابل پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم قرار داده شده بود. لذا از این روایت نمی‌توان بر نماز جنازۀ غایبانه استدلال کرد.

تصریحات محققین:

محققین تصریح کرده‌اند که نماز جنازۀ حضرت نجاشی رحمه‌الله و حضرت معاویه بن معاویۀ لَیثی رضی‌الله‌عنه (با شرط ثبوت) از خصوصیات نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم بوده و این حکم برای دیگران ثابت نمی‌شود.

۱. امام ابو عمر یوسف بن عبد الله ابن عبد البر قرطبی المالکی رحمه‌الله (متوفّی ۴۶۳هـ.ق) می‌نویسد:

وَأَكْثَرُ أَهْلِ الْعِلْمِ يَقُوْلُوْنَ: إِنَّ هٰذَا خُصُوْصٌ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... وَدَلَائِلُ الْخُصُوْصِ فِي هٰذِهِ الْمَسْأَلَةِ وَاضِحَةٌ، لَا يَجُوْزُ أَنْ يُشْرَكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْهَا غَيْرُهُ.

ترجمه: اکثر اهل علم قائل این اند که این حکم ویژۀ نبی کریم صلی‌الله علیه‌وسلم است... و دلایل خصوصیت در این مسئله کاملاً واضح است، بنابراین شریک ساختن دیگران با نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن جایز نیست.(۲)

---

(۱) مسند ابی یعلیٰ: ۲۵۸/۷ حدیث ۴۲۶۸

(۲) التمهید لابن عبدالبر: ۱۳۷/۳و ۱۳۸



۲. علامه سید ابو الفیض محمد بن محمد الحسینی المعروف به مرتضیٰ الزَّبیدی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۲۰۵ه.ق) می نویسد:

وَأَمَّا صَلَاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّجَّاشِيِّ، وَعَلٰى مُعَاوِيَةَ الْمُزَنِيِّ، فَمِنْ خُصُوصِيَّاتِه، لِأَنَّهُمَا أُحْضِرَا بَيْنَ يَدَيْهِ، حَتّٰى أَعْيَنَهُمَا، فَتَكُونُ صَلَاةُ مَنْ خَلْفَهُ عَلَى مَيِّتٍ يَرَاهُ الْإِمَامُ وَبِحَضْرَتِهِ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ، وَهٰذَا غَيْرُ مَانِعٍ مِنْ صِحَّةِ الِاقْتِدَاءِ.

ترجمه: نماز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم برحضرت نجاشی رحمه‌الله و حضرت معاویهٔ مُزَنی رضی‌الله‌عنه از خصوصیات آنحضرت ﷺ بود، زیرا این دو در مقابل ایشان قرار داده شدند و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم خود آنها را مشاهده کردند. لذا کسانی که پشت سر آنحضرت ﷺ نماز (جنازه) را خواندند نماز شان بر میتی بود که امام آن را می‌بیند، ولی مقتدی‌ها آن را نمی‌دیدند؛ و این امر مانعی برای صحت اقتداء نیست.[۱]

۳. شیخ عبد الرحمٰن بن محمد بن عوض الجزیری رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۳۶۰ه.ق) می نویسد:

أَمَّا صَلَاةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى النَّجَّاشِيِّ، فَهِيَ خُصُوْصِيَّةٌ لَهُ.

ترجمه: نماز جنازهٔ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر نجاشی، خصوصیت آنحضرت ﷺ بود.[۲]

۴. شیخ الاسلام علامه شَبِّیر احمد عثمانی رحمه‌الله (متوفّٰی ۱۳٦۹ه.ق) می نویسد:

إِنَّ ذٰلِكَ خَاصٌّ لِلنَّجَّاشِيِّ.

ترجمه: بی شک این (حکم) مخصوص نجاشی ؒ است.[۳]

(۱) اتحاف السادة المتقين بشرح احياء علوم الدين للزبيدى: ۴۵۷/۳ صلاة الجنازة
(۲) كتاب الفقه على المذاهب الاربعة: ۴۷۴/۱ باب شروط صلوة الجنازة
(۳) فتح الملهم شرح صحيح مسلم للعثمانى: ۴۹۶/۲

فایده

در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه وسلم، عده‌ای از صحابه رضی الله عنهم در مناطق دور افتاده وفات یافتند، اما پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بر هیچ یک آنها نماز جنازۀ غائبانه نخواندند. همچنین خلفای راشدین رضی الله عنهم نیز در دوران خلافت خود بر هیچ میت غایبی نماز جنازۀ غائبانه نخواندند. بنابراین دانسته می‌شود که نماز جنازۀ غائبانه صحیح نیست.

تصریحات محققان در این باره:

۱. امام جمال الدین ابو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۷٦۲هـ.ق) می‌نویسد:

وَقَدْ مَاتَ مِنَ الصَّحَابَةِ خَلْقٌ كَثِيْرٌ، وَهُمْ غَائِبُوْنَ عَنْهُ، وَسَمِعَ بِهِمْ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِمْ.

ترجمه: بی‌گمان شمار فراوانی از صحابه‌ؓ در حالی‌که از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم دور بودند، وفات یافتند و آنحضرتﷺ خبر وفات آنان را نیز شنیدند، اما بر آنان نماز جنازۀ (غایبانه) نخواندند.(۱)

۲. علامه سید ابو الفیض محمد بن محمد الحسینی المعروف به مرتضیٰ الزَّبیدی رحمه‌الله (متوفّی ۱۲۰۵هـ.ق) می‌نویسد:

وَلَوْ جَازَتِ الصَّلَاةُ عَلٰى غَائِبٍ، لَصَلّٰى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِه، وَلَصَلَّى الْمُسْلِمُونَ شَرْقًا وَغَرْبًا عَلَى الْخُلَفَاءِ الْأَرْبَعَةِ وَغَيْرِهِمْ، وَلَمْ يُنْقَلْ ذٰلِكَ.

ترجمه: اگر نماز بر میت غایب جایز می‌بود، پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم بر آن دسته از اصحاب خویش که در مناطق دوردست وفات یافتند نماز می

(۱) نصب الراية في تخريج أحاديث الهداية: ۲۹۱/۲ كتاب الصلاة؛ باب صلاة الجنائز

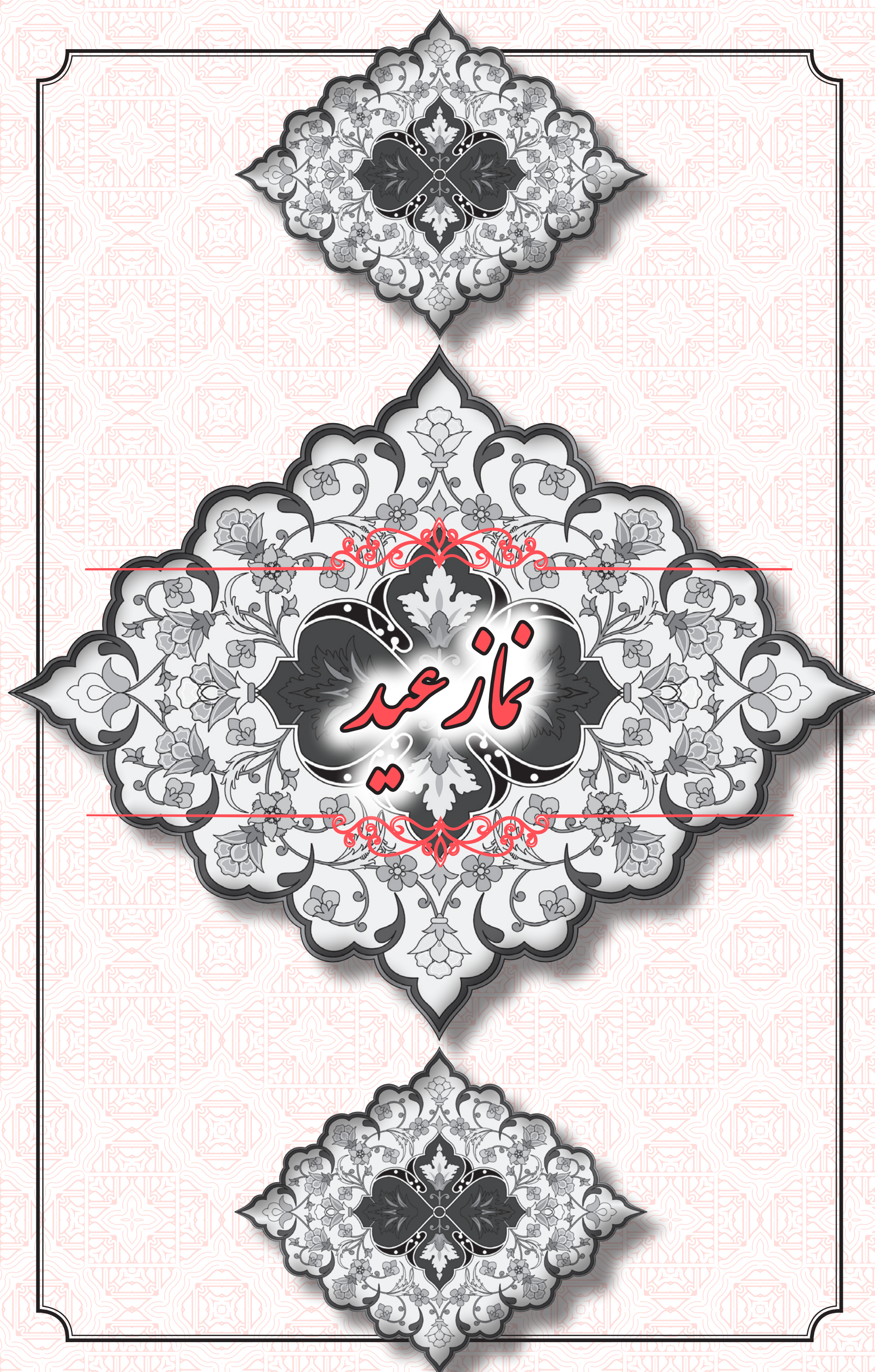


خواندند، و همچنین مسلمانان در شرق و غرب بر خلفای راشدین و دیگران نماز جنازه می‌خواندند؛ در حالی که چنین چیزی منقول است.[1]

۳. شیخ الاسلام علامه شَبِّیر احمد عثمانی رحمه‌الله (متوفّی ۱۳۶۹ه.ق) نیز این عبارت را نقل کرده و تأیید نموده‌اند که در این باره خواندن نماز جنازهٔ غایبانه منقول نیست.[2]

(۱) اتحاف السادة المتقین بشرح احیاء علوم الدین للزبیدی: ۴۵۷/۳ صلاة الجنازة
(۲) فتح الملهم شرح صحیح مسلم للعثمانی: ۴۹۶/۲




نماز عید





نماز عید

طریقهٔ نماز عید:

نماز عید فطر و عید قربان دو رکعت است که با شش تکبیرِ زائد ادا می‌شود.

روش/طریقهٔ ادای نماز عید چنین است که در رکعت اول، پس از خواندن ثناء، سه تکبیرِ زائد گفته می‌شود؛ به این صورت که در هر تکبیر دست‌ها را بالا برده سپس رها کند، دوباره دست‌ها را بالا برده رها کند، بار سوم دست‌ها را بالا برده سپس ببندد. پس از آن، امام «أعوذ بالله»، «بسم الله»، سورهٔ فاتحه و سوره‌ای دیگر را می‌خواند و مقتدیان خاموش می‌مانند. سپس رکوع، قومه و دو سجده انجام داده و برای رکعت دوم برخیزند.

در رکعت دوم، امام «بسم الله»، سورهٔ فاتحه و سوره‌ای دیگر را می‌خواند و مقتدیان خاموش می‌مانند. پس از قرائت، سه تکبیرِ زائد به این صورت گفته می‌شود که در تکبیر اول دست‌ها را بالا برده رها کند، در تکبیر دوم هم دست‌ها را دوباره بالا برده رها کند، در تکبیر سوم نیز برای بار سوم دست‌ها را بالا برده رها کند، سپس با گفتن تکبیرِ رکوع به رکوع برود. پس از آن، قومه و دو سجده انجام دهد، سپس برای تشهد بنشیند و در پایان سلام بدهد.



﴿۶۲۳﴾ عَنْ مَكْحُوْلٍ قَالَ أَخْبَرَنِى أَبُو عَائِشَةَ جَلِيسٌ لِأَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ سَعِيْدَ بْنَ الْعَاصِ سَأَلَ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ وَحُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ: كَيْفَ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ



صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكَبِّرُ فِي الْأَضْحٰي وَالْفِطْرِ؟ فَقَالَ أَبُو مُوْسٰي: كَانَ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا تَكْبِيْرَهُ عَلَى الْجَنَائِزِ. فَقَالَ حُذَيْفَةُ: صَدَقَ. فَقَالَ أَبُو مُوسٰي: كَذٰلِكَ كُنْتُ أُكَبِّرُ فِي الْبَصْرَةِ حَيْثُ كُنْتُ عَلَيْهِمْ. وَقَالَ أَبُو عَائِشَةَ: وَأَنَا حَاضِرٌ سَعِيدَ بْنَ الْعَاصِ.

ترجمه: از حضرت مکحول رحمه‌الله روایت است که فرمود: ابو عائشه که هم‌نشین حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه بود، برایم بیان کرد که من در مجلس حضرت سعید بن العاص رضی‌الله‌عنه حاضر بودم که ایشان از حضرت ابوموسی اشعری و حضرت حُذَیفه بن الیَمان رضی‌الله‌عنهما سوال کرد که رسول الله ﷺ در عید اضحیٰ و عید فطر چند تکبیر می‌گفتند؟ حضرت ابو موسی رضی‌الله‌عنه جواب داد: آنحضرت ﷺ چهار تکبیر می گفتند، همانند چهار تکبیری که در نماز جنازه گفته می‌شود.

حضرت حُذَیفه رضی‌الله‌عنه (در تأیید سخن حضرت ابوموسی رضی‌الله عنه) گفت: او راست گفت. حضرت ابوموسی رضی‌الله‌عنه افزود: زمانی که در بصره والی بودم، در آنجا نیز همین‌گونه تکبیر می گفتم.[۱]

از آنجا که در رکعت اول، تکبیر تحریمه و سه تکبیر زائد جمعاً چهار تکبیر می‌شود و در رکعت دوم، سه تکبیر زائد همراه با تکبیر رکوع مجموعاً چهار تکبیر می‌گردد، بدین ترتیب گویا در هر رکعت چهار تکبیر گفته شده است؛ از این رو تشبیه آن به چهار تکبیر نماز جنازه درست است.



﴿۶۲۴﴾ عَنْ يَحْيَى بْنِ حَمْزَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي الْوَضِيْنُ بْنُ عَطَاءٍ أَنَّ الْقَاسِمَ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ حَدَّثَهُ قَالَ: حَدَّثَنِيْ بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلَّى بِنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عِيْدٍ فَكَبَّرَ أَرْبَعًا وَأَرْبَعًا ثُمَّ

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۱۵۳ باب التکبیر في العیدین

أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ حِيْنَ انْصَرَفَ فَقَالَ: لَا تَنْسَوْا كَتَكْبِيْرِ الْجَنَائِزِ وَأَشَارَ بِأَصَابِعِهِ وَقَبَضَ إِبْهَامَهُ.

ترجمه: ابوعبدالرحمن قاسم رحمه‌الله می‌فرماید: یکی از اصحاب رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به من بیان کرد که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ما را در روز عید نماز دادند و چهار چهار تکبیر گفتند و هنگامی که از نماز فارغ شدند، رو به سوی ما نموده فرمودند: فراموش نکنید، تکبیرات عید مانند نماز جنازه (چهار تکبیر) است، و سپس آنحضرت ﷺ با چهار انگشت دست مبارک (به تعداد چهار) اشاره نمودند و انگشت شصت مبارک را بستند.[۱]

﴿۶۲۵﴾ عَنْ كُرْدُوْسٍ قَالَ: أَرْسَلَ الْوَلِيْدُ إِلٰى عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ، وَحُذَيْفَةَ، وَأَبِي مَسْعُوْدٍ، وَأَبِي مُوْسَى الْأَشْعَرِيِّ بَعْدَ الْعَتَمَةِ، فَقَالَ: إِنَّ هٰذَا عِيْدُ الْمُسْلِمِيْنَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ؟ فَقَالُوْا: سَلْ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: يَقُوْمُ فَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُوْرَةٍ مِنَ الْمُفَصَّلِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ، وَيَرْكَعُ فَتِلْكَ خَمْسٌ، ثُمَّ يَقُوْمُ فَيَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُوْرَةٍ مِنَ الْمُفَصَّلِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا يَرْكَعُ فِي آخِرِهِنَّ فَتِلْكَ تِسْعٌ فِي الْعِيْدَيْنِ، فَمَا أَنْكَرَهُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ.

ترجمه: از حضرت کُردُوس رحمه‌الله روایت است که گفت: حضرت ولید بن عقبه رضی‌الله‌عنه پس از گذر ثُلث شب (و نماز عشاء) نزد حضرت عبد الله بن مسعود، حضرت حذیفه، حضرت ابو مسعود و حضرت ابو موسی الاشعری رضی‌الله‌عنهم پیام فرستاد و گفت: این روز، عید مسلمانان است؛ طریقهٔ نماز آن چگونه است؟ آنان گفتند: از ابو عبد الرحمٰن ـ یعنی حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه ـ بپرس. پس قاصد از ایشان پرسید. حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه فرمودند: (نمازگزار) برخیزد و چهار تکبیر بگوید، سپس سورهٔ فاتحه و سوره‌ای از سوره‌های مفصَّل را بخواند، سپس

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۳۷۱/۲ کتاب الزیادات باب صلاة العیدین کیف التکبیر فیها؟



تکبیر گفته و به رکوع برود؛ این پنج تکبیر می‌شود. سپس (در رکعت دوم) برخیزد و سورهٔ فاتحه و سوره‌ای از سوره‌های مُفَصَّل را بخواند، آنگاه چهار تکبیر بگوید و آخرین تکبیر را گفته به رکوع برود؛ بدین ترتیب در دو عید (تعداد تکبیرات) نُه تکبیر می‌شود. پس هیچ‌یک از آن بزرگان این بیان را انکار نکرد (که این امر، تأیید قوی از سوی آن حضرات است بر این‌که همین روش نماز، صحیح است).[۱]

در این روایت، در رکعت اول، تکبیر تحریمه همراه با سه تکبیرِ زائد و تکبیرِ رکوع، در مجموع پنج تکبیر شمرده شده است؛ و در رکعت دوم، سه تکبیرِ زائد به‌همراه تکبیرِ رکوع، چهار تکبیر به حساب آمده است. ورنه تکبیرهای زائد در هر رکعت همان سه تکبیر است.



۶۲۶ در دوران خلافت حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه همهٔ‌صحابهٔ کرام رضی‌الله‌عنهم و تابعین رحمهم‌الله بر چهار تکبیر نماز جنازه اتفاق کردند. این اجماع در حدیثی ذکر شده است که امام ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه طحاوی رحمه‌الله (متوفّی ۳۲۱ هـ.ق) آن را نقل و تخریج کرده است. الفاظ حدیث چنین است:

فَأَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ عَلَى أَنْ يَجْعَلُوا التَّكْبِيرَ عَلَى الْجَنَائِزِ مِثْلَ التَّكْبِيرِ فِي الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ، أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ فَأُجْمِعَ أَمْرُهُمْ عَلَى ذَلِكَ.

ترجمه: ایشان همه بر این امر اتفاق کردند که تکبیرات نماز جنازه مانندِ (چهار تکبیر ابتدای رکعت اول و انتهای رکعت دومِ) نمازِ عیدِ قربان و عید فطر، چهار تکبیر است و همگان برآن اجماع کردند.[۲]

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی: ۳۹۲/۴ و ۳۹۳ حدیث ۹۴۰۰
(۲) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۴۹۵/۱ حدیث ۲۸۴۶ كِتَابُ الْجَنَائِزِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ عَلَى الْجَنَائِزِ كَمْ هُوَ؟

﴿۶۲۷﴾ عَنْ عَلْقَمَةَ وَالْأَسْوَدِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ جَالِسًا وَعِنْدَهُ حُذَيْفَةُ وَأَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ، فَسَأَلَهُمَا سَعِيدُ بْنُ الْعَاصِ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الصَّلَاةِ يَوْمَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَي... فَقَالَ لَهُ حُذَيْفَةُ: سَلْ هَذَا لِعَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَسَأَلَهُ، فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: يُكَبِّرُ أَرْبَعًا ثُمَّ يَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فَيَرْكَعُ، ثُمَّ يَقُومُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا بَعْدَ الْقِرَاءَةِ.

ترجمه: حضرت عَلْقَمَه و اَسْوَد رحمهما الله روایت می‌کنند که حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه نشسته بود و حضرت حُذَيْفَه و حضرت ابو موسی رضی‌الله‌عنهما نیز نزد ایشان تشریف داشتند. حضرت سعید بن العاص رضی الله‌عنه از ایشان دربارۀ تکبیرات نماز عید قربان و عید فطر سوال کرد ... حضرت حُذَيْفَه رضی‌الله‌عنه گفت: این مسئله را از عبد الله بن مسعود رضی الله‌عنه بپرس. حضرت سعید، مسئله را از حضرت عبد الله رضی‌الله‌عنه پرسید. حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه جواب داد: نمازگزار چهار تکبیر (تکبیر تحریمه با سه تکبیر زاید) بگوید، سپس قرائت کند، سپس تکبیر گفته به رکوع برود، ودر رکعت دوم تکبیر گفته قرائت کند و بعد از قرائت، چهار تکبیر بگوید (سه تکبیر زاید و یک تکبیر برای رکوع).[1]



﴿۶۲۸﴾ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: فِي الْأُولَي خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ بِتَكْبِيرَةِ الرَّكْعَةِ وَبِتَكْبِيرَةِ الِاسْتِفْتَاحِ وَفِي الرَّكْعَةِ الْأُخْرَي أَرْبَعَةٌ بِتَكْبِيرَةِ الرَّكْعَةِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرمایند: در رکعت اول نماز عید، به اضافۀ تکبیرِ رکوع و تکبیرِ تحریمه، پنج تکبیر گفته می‌شود؛ و در رکعت دوم، به اضافۀ تکبیرِ رکوع، چهار تکبیر گفته می‌شود. (خلاصه

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۲۹۳/۳ حدیث ۵۶۸۷ كِتَابُ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ التَّكْبِيرِ فِي الصَّلاَةِ يَوْمَ الْعِيدِ | المعجم الکبیر للطبرانی: ۳۰۳/۹ حدیث ۹۵۱۹ بَابُ العين | آثار السَنن للنیموی: ص ۳۱۵ حدیث ۹۹۷ باب صلوة العیدین بست تکبیرات زوائد

آنکه در هر رکعت، تعداد تکبیرهای زائد تنها سه تکبیر است).[1]

﴿۶۲۹﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْحَارِثِ أَنَّهُ صَلَّى خَلْفَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا فِي الْعِيدِ، فَكَبَّرَ أَرْبَعًا ثُمَّ قَرَأَ فَرَكَعَ، ثُمَّ قَامَ فِي الثَّانِيَةِ فَقَرَأَ، ثُمَّ كَبَّرَ ثَلَاثًا، ثُمَّ كَبَّرَ وَرَكَعَ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن الحارث رحمه الله روایت است که او در پشت سر حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهما نماز عید را خواند. حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنهما نخست چهار تکبیر گفت، سپس قرائت کرد و به رکوع رفت. آنگاه برای رکعت دوم برخاست، ابتدا قرائت نمود، سپس سه تکبیر گفت و پس از آن با گفتن تکبیر (چهارم) به رکوع رفت.[2]



رفع یَدَین (بلندکردن دست‌ها) در تکبیرات زاید:

﴿۶۳۰﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: تُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ وَفِي التَّكْبِيرِ لِلْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ وَفِي الْعِيدَيْنِ وَعِنْدَ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ وَعَلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَبِجَمْعٍ وَعَرَفَاتٍ وَعِنْدَ الْمَقَامَيْنِ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ.

ترجمه: (تابعی جَلیل القدر) ابراهیم (بن یزید) نَخَعی رحمه الله می‌فرماید: در هفت جا دست‌ها بالا برده شده(رفع یَدَین) می‌گردد:

۱) در آغاز نماز،

(۱) مصنف عبد الرزاق: ۱۶۶/۳ حدیث ۵۷۰۲ باب التکبیر فی صلوة العید
(۲) مختصر اختلاف العلماء للجصاص: ۳۰۰/۱ کتاب الصلاة؛ فی کیفیة صلاة العید



۲) هنگام تکبیر قنوت در نماز وتر،

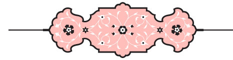
۳) در نمازهای عیدین،

۴) هنگام استلام حجر اسود،

۵) بر صفا و مروه،

۶) در مُزدَلفه و عَرَفات،

۷) و هنگام توقف نزد دو جَمَرَه.(۱)



❁علامه علاء الدین ابو بکر بن مسعود بن احمد الکاسانی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۵۸۷ هـ.ق) می‌نویسد:

وَأَجْمَعُوا عَلٰى أَنَّهُ يُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي تَكْبِيرِ الْقُنُوتِ وَتَكْبِيرَاتِ الْعِيدَيْنِ.

ترجمه: فقهاء کرام اجماع دارند که در تکبیر قنوتِ وتر و در تکبیرهای عیدَین، رفع یَدَین می‌شود.(۲)

❁شیخ ابو عبد الله محمد بن عبد الرحمٰن الدمشقی العثمانی الشافعی رحمه‌الله (متوفّی ۷۸۰ یا ۸۰۰هـ.ق) می‌نویسد:

وَاتَّفَقُوا عَلٰى رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرَاتِ.

ترجمه: ائمهٔ فقهاء بر رفع یَدَین در تکبیرهای عیدَین اتفاق نظر دارند.(۳)

❁ملا علی بن سلطان محمد القاری الهِرَوِی الحنفی رحمه‌الله (متوفّی ۱۰۱٤هـ.ق) می‌نویسد:

وَاتَّفَقُوا عَلٰى رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرَاتِ.

ترجمه: فقهاء کرام بر رفع یَدَین در تکبیرهای عیدین اتفاق نظر دارند.(۴)

---

(۱) شرح معانی الآثار للطحاوی: ۴۱۷/۱ باب رفع الیدین عند رؤیة البیت

(۲) بدائع الصنائع للکاسانی: ۴۸۴/۱ رفع الیدین فی الصلوٰة

(۳) رحمة الامة فی اختلاف الائمة: ص۶۳ باب صلاة العیدین

(۴) مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰة المصابیح لعلی القاری: ۴۹۵/۳ باب صلوٰة العیدین

خطبه و اقامه

نماز عید خطبه و اقامه ندارد:

﴿۶۳۱﴾ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَلَّى الْعِيدَ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ.

ترجمه: حضرت عامر بن سَعْد از پدر بزرگوار خود (حضرت سَعْد بن وقاص رضی‌الله‌عنه) روایت می کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز عید را بدون آذان و اقامت خواندند.[1]

نماز عید دو خطبه دارد:

﴿۶۳۲﴾ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَلَّى الْعِيدَ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ وَكَانَ يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ قَائِمًا يَفْصِلُ بَيْنَهُمَا بِجِلْسَةٍ.

ترجمه: حضرت عامر بن سَعْد از پدر بزرگوار خود (حضرت سَعْد بن وقاص رضی‌الله‌عنه) روایت می کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز عید را بدون آذان و اقامه خواندند. همچنین آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم ایستاده دو خطبه می‌دادند و در بین دو خطبه اندکی می نشستند.[2]

(۱) مسند البزار: ۳۲۱/۳ حديث ۱۱۱۶ مُسْنَدُ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ وَمِمَّا رَوَى مُهَاجِرُ بْنُ مِسْمَارٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ سَعْدٍ | مجمع الزوائد للهيثمى: ۲۰۳/۲ حديث ۳۲۳۶ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْعِيدِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ

(۲) مسند البزار: ۳۲۱/۳ حديث ۱۱۱۶ مُسْنَدُ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ وَمِمَّا رَوَى مُهَاجِرُ بْنُ مِسْمَارٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ سَعْدٍ | مجمع الزوائد للهيثمى: ۲۰۳/۲ حديث ۳۲۳۶ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْعِيدِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ



خطبۀ عید بعد از نماز عید است:

﴿۶۳۳﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي فِي الأَضْحَى وَالفِطْرِ، ثُمَّ يَخْطُبُ بَعْدَ الصَّلاَةِ.

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در روز عید قربان و روز عید فطر، نخست نماز عید را می خواندند و بعد از نماز خطبه می دادند.[1]



زنان به نماز عید نروند

در ابتدای اسلام به دلیلِ نیازِ آموزش احکام و مسائل و آداب ضروری دین، زنان اجازه داشتند تا در اجتماعات مختلف مانند نماز فرض، نماز جمعه، نماز عیدَین و غیره شرکت کنند، اما هنگامی که این نیاز رفع شد و زنان از احکام و مسائل ضروری دین آگاه شدند، از شرکت در این اجتماعات منع گردیدند. روایات ذیل گواه این مطلب است:



﴿۶۳۴﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، قَالَتْ: لَوْ أَدْرَكَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحْدَثَ النِّسَاءُ لَمَنَعَهُنَّ كَمَا مُنِعَتْ نِسَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

ترجمه: أُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی الله عنها می فرماید: اگر امروز رسول الله صلی الله علیه وسلم آنچه را که زنان پیش گرفته اند می دیدند، زنان را

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۹۵۸ أَبْوَابُ العِيدَيْنِ؛ بَابُ المشْيِ وَالرُّكُوبِ إِلَى العِيدِ، وَالصَّلاَةِ قَبْلَ الخُطْبَةِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلاَ إِقَامَةٍ

قطعاً از رفتن به مساجد منع می کردند همانگونه که زنان بنی اسرائیل از رفتن به مساجد منع شده بودند.[۱]

﴿۶۳۵﴾ عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ لَا يُخْرِجُ نِسَاءَهُ فِي الْعِيدَيْنِ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌اللهعنهمَا زنان خانهٔ خود را نمی گذاشتند برای نماز عیدَین بروند.[۲]

﴿۶۳۶﴾ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ، أَنَّهُ كَانَ لَا يَدَعُ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِهِ تَخْرُجُ إِلَى فِطْرٍ، وَلَا إِلَى أَضْحَي.

ترجمه: حضرت هِشام بن عُرْوَه رحمه‌الله دربارهٔ پدر خود (حضرت عُرْوَه بن زُبَیر بن عَوام رضی‌اللهعنهما) می‌فرماید: ایشان به هیچ زنی از زنان خانهٔ خود اجازهٔ رفتن به نماز عید فطر یا نماز عید قربان را نمی‌دادند.[۳]

﴿۶۳۸﴾ عَنْ قُرَّةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمٰنِ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: كَانَ الْقَاسِمُ أَشَدَّ شَيْءٍ عَلَى الْعَوَاتِقِ، لَا يَدَعُهُنَّ يَخْرُجْنَ فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحٰي.

ترجمه: از حضرت قُرَّه (بن خالد السدوسی البصری) رحمه‌الله روایت است که حضرت عبد الرحمٰن بن القاسم رحمه‌الله بیان کرد که (پدرم) حضرت قاسم (بن محمد بن ابی بکر صدیق) رحمه‌الله دربارهٔ دختران نوجوان بسیار سخت‌گیر بودند و اجازه نمی‌دادند آنان در عید فطر و عید اضحیٰ (برای نماز عید) بروند.[۴]

﴿۶۳۹﴾ عَنْ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: يُكْرَهُ خُرُوجُ النِّسَاءِ فِي الْعِيدَيْنِ.

ترجمه: (تابعی جلیل القدر) حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه‌الله می فرماید:

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۸۶۹ كِتَابُ الأَذَانِ؛ بَابُ خُرُوجِ النِّسَاءِ إِلَى المَسَاجِدِ ... ا صحیح مسلم: حدیث ۴۴۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ خروجِ النِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ إِذَا لَمْ يَتَرَتَّبْ عَلَيْهِ فِتْنَةٌ ...
(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴/۲ حدیث ۵۷۹۵ كِتَابُ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ؛ مَنْ كَرِهَ خُرُوجَ النِّسَاءِ إِلَى الْعِيدَيْنِ
(۳) مصنف ابن ابی شیبة: ۴/۲ حدیث ۵۷۹۶ كِتَابُ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ؛ مَنْ كَرِهَ خُرُوجَ النِّسَاءِ إِلَى الْعِيدَيْنِ
(۴) مصنف ابن ابی شیبة: ۴/۲ حدیث ۵۷۹۷ كِتَابُ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ؛ مَنْ كَرِهَ خُرُوجَ النِّسَاءِ إِلَى الْعِيدَيْنِ

رفتن زنان برای نماز عیدَین مکروه است.[1]

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۴/۲ حدیث ۵۷۹۴ کِتَابُ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ؛ مَنْ كَرِهَ خُرُوجَ النِّسَاءِ إِلَى الْعِيدَيْنِ


نمازهای نفل







فضیلت نماز تهجُّد:

نماز تهجُّد در میان نمازهای نفل، مهمترین و افضل ترین نماز است.

﴿۶۴۰﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرُ اللهِ الْمُحَرَّمُ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيْضَةِ صَلَاةُ اللَّيْلِ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: پس از روزه‌های ماه رمضان، بهترین روزه‌ها، روزه‌های ماه مُحَرَّم است و پس از نمازهای فرض، بهترین نماز، نماز تهجُّد است.(۱)

﴿۶۴۱﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ فِي الجَنَّةِ غُرَفًا تُرَى ظُهُورُهَا مِنْ بُطُونِهَا وَ بُطُونُهَا مِنْ ظُهُورِهَا، فَقَامَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: لِمَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: لِمَنْ أَطَابَ الكَلَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ،

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۱۱۶۳ كِتَاب الصِّيَامِ؛ بَابُ فَضْلِ صَوْمِ الْمُحَرَّمِ | جامع الترمذی: حدیث ۴۳۸ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ صَلَاةِ اللَّيْلِ

وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.

ترجمه: حضرت علی رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: در بهشت بالاخانه‌هائی وجود دارد که خارج آن از داخل آن دیده می‌شود و داخل آن از خارج آن. یک اعرابی برخاست پرسید که یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم! این بالاخانه‌ها برای کیست؟ آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: برای آن کس که سخن نیکو بگوید، مساکین را غذا بدهد، همیشه روزه بدارد، و در تاریکی شب هنگامی که همه در خواب اند، نماز بخواند.(۱)

﴿۶۴۲﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالٰى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلٰى سَمَاءِ الدُّنْيَا حِيْنَ يَبْقٰى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْاٰخِرُ يَقُوْلُ: مَنْ يَدْعُوْنِي فَأَسْتَجِيْبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: (فرشته‌ای ویژه از جانب)(۲) پروردگار ما تَبَارَكَ وَتَعَالٰى هر شب به آسمان دنیا نزول می‌کند در هنگامی که یک‌سوم آخر شب باقی مانده است، و (از جانب خداوند) ندا می‌دهد: چه کسی از من دعا می خواهد تا اجابتش کنم؟ چه کسی از من درخواست می‌کند تا عطایش کنم؟ چه کسی از من طلب آمرزش می‌کند تا بیامرزمش؟(۳)

﴿۶۴۳﴾ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِيْ جَوْفِ اللَّيْلِ الْاٰخِرِ، فَإِنْ

(۱) جامع الترمذی: ۳۵۴/۴ حدیث ۱۹۸۴ أَبْوَابُ البِرِّ وَالصِّلَةِ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي قَوْلِ الْمَعْرُوفِ

(۲) السنن الكبري للنسائي: ۱۸۰/۹ حدیث ۱۰۲۴۳ بلفظ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يُمْهِلُ حَتَّى يَمْضِى شَطْرُ اللَّيْلِ الْأَوَّلُ، ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيًا يُنَادِى يَقُولُ: هَلْ مِنْ دَاعٍ يُسْتَجَابُ لَهُ، هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ، هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى. مترجم

(۳) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۴۵ أَبْوَابُ التَّهَجُّدِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ وَالصَّلَاةِ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ

اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُوْنَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ.

ترجمه: حضرت عمرو بن عَبَسَه رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند: از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: نیمهٔ آخر شب وقتی است که خداوند به بنده نزدیک‌ترین است؛ پس اگر توانستی، از کسانی باش که در آن وقت خدا را یاد می‌کنند.[1]

وقت تهجُّد:

وقت نماز تهجُّد پس از نصف شب شروع می‌شود. طریقهٔ سنّت این است که انسان بعد از ادای نماز عشاء بخوابد و بعداً بیدار شده نماز تهجُّد را ادا کند. چنانکه حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها دربارهٔ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید:

﴿۶۴۴﴾ عَنْ الْأَسْوَدِ قَالَ سَأَلْتُ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا كَيْفَ صَلَاةُ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِاللَّيْلِ؟ قَالَتْ: كَانَ يَنَامُ أَوَّلَهُ وَيَقُوْمُ اٰخِرَهُ فَيُصَلِّي ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى فِرَاشِهِ.

ترجمه: حضرت اَسوَدؒ روایت می‌کند که من از حضرت عایشه رضی‌الله عنها پرسیدم: نماز شب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چگونه بود؟ فرمود: آنحضرت ﷺ در قسمت اول شب می‌خوابیدند و در قسمت آخر شب بیدار می‌شدند و نماز می‌خواندند، و سپس به بستر خود باز می‌گشتند.[2]

تعداد رکعات تهجُّد:

عادت مبارکهٔ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دربارهٔ تعداد رکعات تهجُّد

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۳۵۷۹ أَبْوَابُ الدَّعَوَاتِ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۴۶ کتاب التهجد؛ بَابُ مَنْ نَامَ أَوَّلَ اللَّيْلِ وَأَحْيَا آخِرَهُ | صحیح مسلم: حدیث ۷۳۹ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَدَدِ رَكَعَاتِ النَّبِيِّ ﷺ فِي اللَّيْلِ

مختلف بود. در احادیث شریف، تعداد چهار، شش، هشت و حتی ده رکعت تهجُّد نیز مذکور است.

﴿۶۴۵﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي قَيْسٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: بِكَمْ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتِرُ؟ قَالَتْ: كَانَ يُوتِرُ بِأَرْبَعٍ وَثَلَاثٍ، وَسِتٍّ وَثَلَاثٍ، وَثَمَانٍ وَثَلَاثٍ، وَعَشْرٍ وَثَلَاثٍ، وَلَمْ يَكُنْ يُوتِرُ بِأَنْقَصَ مِنْ سَبْعٍ، وَلَا بِأَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَ عَشْرَةَ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن قیس رحمه‌الله روایت می‌کند که از اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها پرسیدم: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم همراه با چند رکعت (تهجُّد) نماز وتر را می‌خواندند؟ اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها فرمود: آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم گاه چهار رکعت نماز به‌جا می‌آوردند و با سه رکعت وتر آن را پایان می‌دادند؛ گاه شش رکعت نماز همراه با سه رکعت وتر می‌خواندند؛ و گاه هشت رکعت نماز با سه رکعت وتر ادا می‌کردند. و مجموع نماز (تهجُّد همراه با) وتر ایشانْ نه از سیزده رکعت بیشتر می‌شد و نه از هفت رکعت کمتر.[۱]

﴿۶۴۶﴾ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ تِسْعَ رَكَعَاتٍ فِيهِنَّ الْوِتْرُ.

ترجمه: از اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در شب نُه رکعت نماز می‌خواندند که وتر نیز شامل آن می‌بود.[۲]

﴿۶۴۷﴾ عَنْ شُرَحْبِيلَ بْنِ سَعْدٍ، أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بَعْدَ الْعَتَمَةِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً.

(۱) سنن ابی داود: حدیث ۱۳۶۲ أَبْوَابُ قِيَامِ اللَّيْلِ؛ بَابٌ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ | مسند احمد: ۸۱/۴۲ حدیث ۲۵۱۵۹ مُسْنَدُ الصِّدِّيقَةِ عَائِشَةَ بِنْتِ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا | إعلاء السنن للتهانوی: ۵۶/۷ حاشیه
(۲) صحیح ابن خزیمه: ۱۹۲/۲ حدیث ۱۱۶۷ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ ذِكْرِ خَبَرٍ ثَالِثٍ أَخَالُهُ يَسْبِقُ إِلَى ...



ترجمه: حضرت شُرَحبِیل بن سَعد روایت می‌کند که از حضرت جابر بن عبد الله رضی‌الله‌عنهما شنیدم که می‌فرمود: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بعد از نماز عشاء، سیزده رکعت نماز خواندند.(۱)



حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در اوقات گوناگون، نماز تهجُّد را با تعداد رکعات مختلفی به‌جا می‌آوردند؛ اما غالب عادت مبارک ایشان، خواندن هشت رکعت تهجُّد بود، چنانکه در حدیث زیر بیان شده است:

۶۴۸ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ أَنَّهُ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ سَأَلَ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا كَيْفَ كَانَتْ صَلَاةُ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَمَضَانَ؟ فَقَالَتْ: مَا كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيْدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً.

ترجمه: حضرت ابو سَلَمَه بن عبد الرحمٰن روایت می‌کند که یک بار او از حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها پرسید که نماز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در رمضان چگونه می‌بود؟ حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها فرمود: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در رمضان و غیر رمضان بیش از یازده رکعت نماز نمی خواندند (هشت رکعت نماز تهجُّد و سه رکعت نماز وتر).(۲)

(۱) صحیح ابن خزیمه: ۱۹۲/۲ حدیث ۱۱۶۵ کِتَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابُ ذِكْرِ خَبَرٍ ثَالِثٍ أَخَالُهُ يَسْبِقُ إِلَى ...

(۲) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۴۷ کتاب التهجد، بَابُ قِيَامِ النَّبِيِّ ﷺ بِاللَّيْلِ فِي رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ | صحیح البخاری: حدیث ۲۰۱۳ كِتَابُ صَلاَةِ التَّرَاوِيحِ؛ بَابُ فَضْلِ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ | صحیح البخاری: حدیث ۳۵۶۹ كِتَابُ المنَاقِبِ؛ بَابُ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ تَنَامُ عَيْنُهُ وَلاَ يَنَامُ قَلْبُهُ | صحیح مسلم: حدیث ۷۳۸ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَدَدِ رَكَعَاتِ النَّبِيِّ ﷺ فِي اللَّيْلِ... | سنن النسائی: ۲۳۴/۳ حدیث ۱۶۹۷ كِتَابُ قِيَامِ اللَّيْلِ وَتَطَوُّعِ النَّهَارِ؛ بَابُ كَيْفَ الْوِتْرُ بِثَلَاثٍ



نماز اشراق

وقت نماز اشراق، حدود ده تا پانزده دقیقه پس از طلوع آفتاب آغاز می شود و تا پیش از زوال خورشید باقی می‌ماند؛ هرچند بهتر آن است که در آغاز وقت ادا گردد.

حد اقلِ نماز اشراق دو رکعت است، و ثوابی برابر با پاداش یک حج و عمره دارد.

﴿۶۴۹﴾ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى الغَدَاةَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللّٰهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ لَهُ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ.

ترجمه: حضرت اَنس رضی‌الله‌عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس نماز صبح را با جماعت بخواند، و سپس در همانجا بنشیند و به ذکر خدا مشغول شود، تا آنکه آفتاب طلوع کند، و پس از آن دو رکعت نماز بخواند، ثواب یک حج و عمرهٔ کامل را به دست می‌آورد. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم لفظ «کامل» را سه بار تکرار فرمودند.[۱]

﴿۶۵۰﴾ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُما قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ قَعَدَ فِي مَجْلِسِهِ يَذْكُرُ اللّٰهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ حَرَّمَهُ اللّٰهُ عَلَى النَّارِ أَنْ تَلْفَحَهُ أَوْ تَطْعَمَهُ.

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۵۸۶ أَبْوَابُ السَّفَرِ؛ بَابُ ذِكْرِ مَا يُسْتَحَبُّ مِنَ الجُلُوسِ فِي المَسْجِدِ بَعْدَ صَلاَةِ الصُّبْحِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ | الترغیب والترهیب للمنذری: ۱۷۸/۱ حدیث ۶۶۷ کتاب الصَّلَاة؛ التَّرْغِيب فِي الأَذَان وَمَا جَاءَ فِي فَضله | إعلاء السنن للتهانوی: ۳۰/۸ حدیث ۱۷۷۷ باب النوافل والسنن

ترجمه: حضرت حسن بن علی رضی‌اللّٰه‌عنه روایت می کند که حضرت رسول خدا صلی‌اللّٰه‌علیه‌وسلم فرمودند: هرکس نماز صبح را خوانده بر جای خود نشسته به ذکر خدا مشغول شود، تا آنکه آفتاب طلوع کند، و سپس دو رکعت نماز بخواند، خداوند حرام می‌گرداند که آتش جهنم او را بسوزاند.[(۱)]

﴿۶۵۱﴾ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ ذَكَرَ اللّٰهَ حَتّٰى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلّٰى رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ لَمْ تَمَسَّ جِلْدَهُ النَّارُ.

ترجمه: حضرت ابو امامه رضی‌اللّٰه‌عنه روایت می‌کند که هرکس نماز فجر/صبح را خواند، سپس (در جای خود) به ذکر خدا مشغول شد تا آنکه طلوع آفتاب کرد، و سپس دو رکعت یا چهار رکعت نماز خواند، آتش جهنم هرگز به پوست او نخواهد رسید.[(۲)]



نماز ضُحی

فضیلت نماز چاشت/ضُحی:

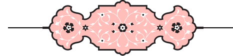
وقت نماز چاشت/ضُحیٰ از ده دقیقه پس از طلوع آفتاب شروع می‌شود و تا قبل از زوال ادامه دارد. با این حال، افضل آن است که نماز چاشت پس از گذشت یک رُبع/چهارمِ کُلِّ وقت آن خوانده شود. برای مثال، اگر از طلوع تا زوال آفتاب مجموعاً شش ساعت باشد، وقت افضل نماز چاشت از یک و نیم ساعت پس از طلوع آفتاب تا قبل از زوال است. هر زمانی که در این

(۱) شعب الایمان للبیهقی: ۳۸۴/۴ حدیث ۲۲۶۹۷ الصَّلاَة؛ فصل المشی الی المساجد | جامع الاحادیث للسیوطی: ۴۹۴/۲۰ حدیث ۲۲۷۱۵ قسم الاقوال؛ حرف المیم
(۲) الترغیب والترهیب للمنذری: ۱۷۸/۱ حدیث ۶۶۸ کتاب الصَّلاَة؛ التَّرْغِيب فِي الْأَذَان وَمَا جَاءَ فِي فَضله



مدت نماز چاشت خوانده شود، افضل محسوب می‌شود.

نماز چاشت حد اقل دو رکعت و حد اکثر دوازده رکعت دارد و اوسط و افضل آن هشت رکعت است.



﴿۶۵۲﴾ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى الضُّحَى رَكْعَتَيْنِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ، وَمَنْ صَلَّى أَرْبَعًا كُتِبَ مِنَ الْعَابِدِينَ، وَمَنْ صَلَّى سِتًّا كُفِيَ ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَمَنْ صَلَّى ثَمَانِيًا كَتَبَهُ اللهُ مِنَ الْقَانِتِينَ، وَمَنْ صَلَّى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ بَنَى اللهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.

ترجمه: حضرت ابو الدَّرداء رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس نماز چاشت را دو رکعت بخواند، نامش در زمرۀ غافلان نوشته نمی‌شود؛ و هر کس آن را چهار رکعت بخواند، نامش در شمار عابدان ثبت می‌گردد. هر کس شش رکعت به‌جا آورد، نیازهای آن روزش برآورده می‌شود. هر کس هشت رکعت بخواند، خداوند او را در فهرست بندگان فرمانبردار خود می‌نویسد؛ و هر کس دوازده رکعت ادا کند، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌فرماید.(۱)

به کسانی که فروتنی و اطاعت را پیشه می‌سازند «عابدین» گفته می‌شود، و به آنان که بر این فروتنی و اطاعت استمرار و پایداری دارند، «قانتین» اطلاق می‌گردد.

﴿۶۵۳﴾ عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّهُ قَالَ: يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ

(۱) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۳۷/۲ حدیث ۳۴۱۹ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ صَلَاةِ الضُّحَى | إعلاء السنن: ۳۴/۸



الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَيُجْزِئُ مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَي.

ترجمه: از حضرت ابوذر رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه‌وسلم فرمودند: هرگاه صبح فرا می رسد، بر هر مفصل انسان صدقه‌ای لازم می‌شود. پس هر بار گفتنِ «سبحان‌الله» یک صدقه است، هر بار گفتنِ «الحمد لله» یک صدقه است، هر بار گفتنِ «لا اله الا الله» یک صدقه است، و هر بار گفتنِ «الله اکبر» یک صدقه است. امر به کار نیک یک صدقه است و نهی از کار زشت نیز یک صدقه به‌شمار می‌آید. و دو رکعت نماز چاشت که انسان به‌جا آورد، از طرف همهٔ اینها کفایت می کند.[۱]

تعداد رکعات نماز چاشت/ضُحی:

نماز چاشت/ضُحیٰ حد اقل دو رکعت و حد اکثر دوازده رکعت است.

﴿۶۵۴﴾ در حدیث حضرت ابو الدَّرْداء رضی‌الله‌عنه از دو تا دوازده رکعت ذکر شده است که قبلاً گذشت.[۲]

﴿۶۵۵﴾ از حضرت معاذهٔ عَدَوِیَّه رحمها الله روایت است که اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها فرمود:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي الضُّحَى أَرْبَعًا، وَيَزِيدُ مَا شَاءَ اللهُ.

ترجمه: اُمُّ المؤمنین حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها می‌فرماید که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نماز چاشت را (معمولاً) چهار رکعت می خواندند و (گاهی) هر مقدار که خدا می‌خواست، بر آن می‌افزودند.[۳]

﴿۶۵۶﴾ أُمِّ هَانِئٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا فَإِنَّهَا قَالَتْ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۷۲۰ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ صَلَاةِ الضُّحَى...
(۲) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۳۷/۲ حدیث ۳۴۱۹ بَابُ صَلَاةِ الضُّحَى | إعلاء السنن: ۳۴/۸
(۳) صحیح مسلم: حدیث ۷۱۹ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ صَلَاةِ الضُّحَى...

دَخَلَ بَيْتَهَا يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ، فَاغْتَسَلَ وَصَلَّى ثَمَانِيَ رَكَعَاتٍ، فَلَمْ أَرَ صَلاَةً قَطُّ أَخَفَّ مِنْهَا، غَيْرَ أَنَّهُ يُتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ. وَقَالَتْ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَذٰلِكَ ضُحًى.

ترجمه: حضرت اُمِّ هانی رضی‌الله‌عنها (دختر عم/کاکای رسول الله صلی الله‌علیه‌وسلم) می‌فرماید: حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در روز فتح مکه به خانۀ من تشریف آوردند و غسل کردند و سپس هشت رکعت نماز به‌جا آوردند. من هرگز نمازی کوتاه‌تر از آن ندیده بودم، با این حال آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم رکوع و سجده را به‌طور کامل انجام می‌دادند. حضرت اُمِّ هانی رضی‌الله‌عنها در روایت دیگری می افزاید: این نماز چاشت بود.[۱]

﴿۶۵۷﴾ در روایت حضرت ابوذر رضی‌الله‌عنه دو رکعت نماز چاشت مذکور است که قبلاً گذشت.[۲]

وقت نماز چاشت:

وقت نماز چاشت پس از بالا آمدن آفتاب شروع می‌شود و تا زوال آفتاب ادامه می‌یابد، اما افضل این است که نماز چاشت بعد از گذرِ یک چهارم روز ادا شود، چنانکه از حضرت زَیْد بن اَرقَم رضی‌الله‌عنه روایت است:

﴿۶۵۸﴾ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ حِينَ تَرْمَضُ الْفِصَالُ.

ترجمه: حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نماز چاشت (صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ) از زمانی آغاز می‌شود که بر اثر شدت گرمی، پاهای شتربچه

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۷۶ کتاب التهجد؛ بَابُ صَلَاةِ الضُّحَى فِي السَّفَرِ | صحیح مسلم: حدیث ۸۰- (۳۳۶) كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ صَلَاةِ الضُّحَى... | مشكاة المصابيح: ۱۱۵/۱ حدیث ۱۳۰۹ باب صَلَاةِ الضُّحَى؛ الْفَصْلُ الأول

(۲) صحیح مسلم: حدیث ۷۲۰ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ صَلَاةِ الضُّحَى...

بسوزد.[۱]

ملا علی قاری رحمه‌الله (متوفّی ۱۰۱۴هـ.ق) می‌نویسد:

وَهِيَ عِنْدَ مُضِيِّ رُبُعِ النَّهَارِ.

ترجمه: این وقت بعد از گذرِ یک چهارم وقت روز شروع می‌شود.[۲]



از این حدیث معلوم می‌شود که نماز چاشت (صَلَاةُ الضُّحٰی) را گاهی «صَلَاةُ الْأَوَّابِيْن» نیز می‌گویند.



نماز اوابین

نماز اوابین پس از نماز مغرب/شام خوانده می‌شود. بنابرین، پس از ادای فرض مغرب و دو رکعت سنتِ مؤکّده؛ شش رکعت به نیت اوابین خوانده شود. البته پس از سه رکعت فرض مغرب؛ به اضافهٔ دو رکعت سنتِ مؤکّده، اگر مجموعاً شش رکعت ادا گردد، امید است که فضیلت اوابین به دست آید. نماز اوابین حدّاقل شش رکعت و حدّاکثر بیست رکعت است.

۶۵۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ فِيمَا بَيْنَهُنَّ بِسُوءٍ عُدِلْنَ لَهُ بِعِبَادَةِ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً.

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که حضرت رسول

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۷۴۸ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ صَلَاةِ الْأَوَّابِينَ حِينَ تَرْمَضُ

(۲) مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح: ۹۷۹/۳ حدیث ۱۳۱۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ صَلَاةِ الضُّحَى

الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هرکس پس از نماز مغرب شش رکعت نماز بخواند و در میان این نمازها سخن زشتی به زبان نیاورد، ثواب دوازده سال عبادت برای او نوشته می‌شود.(۱)

﴿۶۶۰﴾ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَدِّي قَالَ: رَأَيْتُ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ، صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ، فَقُلْتُ: يَا أَبَهْ! مَا هٰذِهِ الصَّلَاةُ؟ قَالَ: رَأَيْتُ حَبِيْبِي رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ، وَقَالَ: مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوْبُهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.

ترجمه: محمدؒ بن عمار بن محمدؒ بن عمار بن یاسرؓ روایت می‌کند که پدرم از جدم روایت کرد که گفت: من عمار بن یاسر رضی‌الله‌عنه را دیدم که پس از نماز مغرب شش رکعت نماز خواند. به او گفتم: ای پدرجان! این چه نماز است؟ فرمود: من حبیبم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را دیدم که پس از مغرب شش رکعت نماز خواند و فرمود: هرکس پس از مغرب شش رکعت نماز بخواند، گناهانش آمرزیده می‌شود، هرچند به اندازۀ کفِ دریا باشد.(۲)

﴿۶۶۱﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ، مَا بَيْنَ أَنْ يَلْتَفِتَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ، إِلَى أَنْ يَثُوبَ إِلَى الْعِشَاءِ.

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۴۳۵ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ التَّطَوُّعِ وَسِتِّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ المغْرِبِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۱۶۷ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي السِّتِّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ... | الترغیب والترهیب للمنذري: ۲۲۷/۱ حدیث ۸۵۹ کتاب النَّوَافِلِ التَّرْغِيب فِي الْمُحَافظَة على ثِنْتَيْ عشرَة رَكْعَة من السّنة فِي الْيَوْم وَاللَّيْلَة | جامع الاحادیث للسیوطی: ۴۹۸/۲۰ حدیث ۲۲۷۳۰ | إعلاء السنن للتهانوی: ۱۹/۸ حدیث ۱۷۶۷ باب النوافل والسنن

(۲) المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۹۱/۷ حدیث ۷۲۴۵ بَابُ الْمِيمِ مَنِ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ | مرقاة المفاتیح للعلی القاری: ۸۹۵/۳ تحت حدیث ۱۱۷۳ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ السُّنَنِ وَفَضَائِلِهَا | مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۳۰/۲ حدیث ۳۳۸۰ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْعِشَاءِ | جامع الاحادیث للسیوطی: ۳۴۲/۳۷ حدیث ۴۰۶۸۶ مسند عمار بن یاسر | الترغیب والترهیب للمنذری: ۲۲۷/۱ حدیث ۸۵۹ کتاب النَّوَافِلِ؛ التَّرْغِيب فِي الْمُحَافظَة على ثِنْتَيْ عشرَة رَكْعَة من السّنة فِي الْيَوْم وَاللَّيْلَة



ترجمه: حضرت عبد الله بن عمر رضی‌الله‌عنهمَا می‌فرماید: وقت نماز اوابین بعدِ فراغت از نماز مغرب شروع می‌شود و تا آغاز وقت عشاء باقی می ماند.(۱)

﴿۶۶۲﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: إِنَّ الْمَلائِكَةَ لَتَحُفُّ بِالَّذِينَ يُصَلُّونَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ إِلَى الْعِشَاءِ، وَهِيَ صَلَاةُ الأَوَّابِيْنَ.

ترجمه: حضرت عبد الله بن عباس رضی‌الله‌عنهمَا می‌فرماید: فرشتگان کسانی را که در میان نماز مغرب و عشاء نماز می‌خوانند، (با بال‌های خود) پوشانیده احاطه می‌کنند. این نماز، همان صَلَاةُ الأَوَّابِينَ است.(۲)



صلاة التسبیح

این نماز نافلهٔ بسیار پسندیده و دارای اهمیت فراوان است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ادای آن را به عم/کاکای خود حضرت عباس رضی‌الله‌عنه سفارش و تأکید فرموده بودند. این نماز فضیلت بزرگی دارد و سبب بخشایش همه‌گونه گناهان صغیره می‌شود.

صَلَاةُ التَّسْبِيح چهار رکعت است و با یک سلام خوانده می‌شود و در هر رکعت ۷۵ بار تسبیح زیر را باید خواند:

سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ.



(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۱۴/۲ حدیث ۵۹۲۲ فِي الصَّلَاةِ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ
(۲) شرح السنة للبغوی: ۴۷۴/۳ تحت حدیث ۸۹۷ أَبْوَابُ النَّوَافِلِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ

﴿۶۶۳﴾ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ: يَا عَبَّاسُ، يَا عَمَّاهُ، أَلَا أُعْطِيكَ، أَلَا أَمْنَحُكَ، أَلَا أَحْبُوكَ، أَلَا أَفْعَلُ بِكَ عَشْرَ خِصَالٍ، إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَ ذَلِكَ غَفَرَ اللهُ لَكَ ذَنْبَكَ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ، قَدِيمَهُ وَحَدِيثَهُ، خَطَأَهُ وَعَمْدَهُ، صَغِيرَهُ وَكَبِيرَهُ، سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ، عَشْرَ خِصَالٍ: أَنْ تُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةً، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ وَأَنْتَ قَائِمٌ، قُلْتَ: سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ، خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرْكَعُ، فَتَقُولُهَا وَأَنْتَ رَاكِعٌ عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ، فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَهْوِي سَاجِدًا، فَتَقُولُهَا وَأَنْتَ سَاجِدٌ عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَسْجُدُ، فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ، فَتَقُولُهَا عَشْرًا، فَذَلِكَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ، فِي كُلِّ رَكْعَةٍ تَفْعَلُ ذَلِكَ فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ، إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَفِي عُمُرِكَ مَرَّةً.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنهما روایت است که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به عم/کاکای خود، حضرت عباس بن عبدالمطلب رضی‌الله‌عنه فرمودند: یا عم! آیا شما را هدیه‌ای بزرگ و خبری خوش ندهم؟ آیا شما را از ده امر آگاه نکنم که اگر آنها را انجام دهید، خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ شما، گناهان عمدی و غیرعمدی، گناهان صغیره و کبیره، گناهان آشکار و پنهان شما را می‌بخشد؟ این ده امر عبارت اند از:

۱. چهار رکعت نماز بخوانید.

۲. در هر رکعت، سورهٔ فاتحه و یک سورهٔ دیگر بخوانید.

۳. وقتی در رکعت اول قرائت به پایان رسید، در همان حال قیام، پانزده بار این کلمات را بگوئید: سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ.



۴. وقتی به رکوع رفتید، ده بار این کلمات را بگوئید.

۵. پس از برخاستن از رکوع، ده بار این کلمات را بگوئید.

٦. هنگام سجده، ده بار این کلمات را بگوئید.

۷. وقتی از سجده اول برخاستید و نشستید، ده بار این کلمات را بگوئید.

۸. در سجده دوم، ده بار این کلمات را بگوئید.

۹. پس از برخاستن از سجدهٔ دوم در نشستن ده بار این کلمات را بگوئید.

۱۰. (سپس برای رکعت دوم ایستاده شوید و) در هر رکعت، هفتاد و پنج بار تسبیح بگوئید و این نماز را در چهار رکعت به همین ترتیب ادا کنید.

اگر توان دارید؛ هر روز آن را بخوانید. اگر نتوانستید، هر جمعه یک‌بار بخوانید. اگر هر جمعه هم نتوانستید، هر ماه یک‌بار آن را بخوانید، و اگر هر ماه نیز نشد، هر سال یک‌بار آن را بخوانید. اگر هر سال نیز نشد، پس در طول عمر یکبار حتماً آن را بخوانید.[(۱)]



۶۶۴ در حدیث بالا یک روش نماز صَلَاةُ التَّسْبِيح آمده است. روش دیگری از ادای صَلَاةُ التَّسْبِيح نیز روایت شده که آن را امام ابوعیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی رحمه‌الله (متوفّی ۲۷۹هـ.ق) تخریج کرده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدَةَ الْآمِلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو وَهْبٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَبْدَ اللهِ بْنَ الْمُبَارَكِ عَنِ الصَّلَاةِ الَّتِي يُسَبَّحُ فِيهَا؟ فَقَالَ: يُكَبِّرُ، ثُمَّ يَقُولُ: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ، ثُمَّ يَقُولُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً: سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَتَعَوَّذُ، وَيَقْرَأُ: بِسْمِ

(۱) سنن ابی داؤد: حدیث ۱۲۹۷ بَابُ تَفْرِيع أَبْوَابِ التَّطَوُّع وَرَكَعَاتِ السُّنَّةِ؛ بَابُ صَلَاةِ التَّسْبِيح | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۳۸۷ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ، وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي صَلَاةِ التَّسْبِيح | جامع الترمذی: ۳۴۷/۲ حدیث ۴۸۱ أَبْوَابُ الوِتْرِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي صَلَاةِ التَّسْبِيح | الترغيب والترهيب للمنذری: ۲۶۸/۱ كتاب النَّوَافِل؛ التَّرْغِيب فِي الْمُحَافظَة على ثِنْتَيْ عشرَة رَكْعَة من السّنة فِي الْيَوْم وَاللَّيْلَة | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۳/۸ حدیث ۱۷۹۴ باب النوافل والسنن



اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، وَفَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَسُورَةً، ثُمَّ يَقُولُ عَشْرَ مَرَّاتٍ: سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَرْكَعُ، فَيَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ، فَيَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ يَسْجُدُ، فَيَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ، فَيَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ يَسْجُدُ الثَّانِيَةَ، فَيَقُولُهَا عَشْرًا، يُصَلِّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ عَلٰى هٰذَا، فَذٰلِكَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ تَسْبِيحَةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ، يَبْدَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ بِخَمْسَ عَشْرَةَ تَسْبِيحَةً، ثُمَّ يَقْرَأُ، ثُمَّ يُسَبِّحُ عَشْرًا.

ترجمه: ابو وهب رحمه الله می‌گوید: من از امام عبد الله بن مبارک رحمه‌الله دربارۀ نمازی که درآن تسبیح خوانده می‌شود پرسیدم. ایشان فرمود: (نمازگزار) نماز را با تکبیر آغاز کند، سپس بگوید: سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالٰى جَدُّكَ، وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ. آنگاه پانزده بار بگوید: سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ. سپس تعوذ می‌خواند و بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ و سورۀ فاتحه و سوره‌ای دیگر را تلاوت کند. بعد از آن ده بار بگوید: سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلهِ، وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ. سپس به رکوع رود و در رکوع ده بار همین تسبیح را بگوید. آنگاه سر از رکوع بردارد و ده بار بگوید. سپس به سجده رود و ده بار بگوید. بعد سر از سجده بردارد و ده بار بگوید. سپس سجده دوم را انجام بدهد و ده بار بگوید.

چهار رکعت را به همین صورت به جا بیاورد؛ در نتیجه در هر رکعت هفتاد و پنج تسبیح کامل می‌شود. در هر رکعت ابتدا پانزده تسبیح می‌گوید، سپس قرائت کند و پس از آن ده بار تسبیح بگوید.[1]

(۱) جامع الترمذی: تحت حدیث ۴۸۱ | الترغیب والترهیب للمنذری: ۲۶۹/۱ الترغیب فی صلوة التسبیح





طریقۀ صَلاةُ التَّسبیح:

ارکان	تسبیح را چوقت بخواند	طریقۀ اول	روش دوم
قیام	بعد سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ... و قبل از قرائت	X	۱۵ بار
قیام	بعدِ قرأت و قبل از رکوع	۱۵مرتبه	۱۰ بار
رکوع	بعدِ ۳ بار سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْم گفتن	۱۰ بار	۱۰ بار
قومه	بعد اینکه رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ گفته ایستاده شد	۱۰ بار	۱۰ بار
سجدۀ اول	بعدِ ۳ بار سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلٰی گفتن	۱۰ بار	۱۰ بار
جلسه	در نشست بین دو سجده	۱۰ بار	۱۰ بار
سجدۀ دوم	بعدِ ۳ بار سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلٰی گفتن	۱۰ بار	۱۰ بار
قعدۀ اولیٰ قعدۀ ثانیه	در نشست بعد از سجدۀ دوم (در رکعت دوم و چهارم قبل از تشهد)	۱۰ بار	X
کل تعداد در یک رکعت		۷۵ بار	۷۵ بار
کل تعداد در چهار رکعت		۳۰۰ بار	۳۰۰ بار

نمازگزار اجازه دارد که هر طریقه‌ای از این دو را که می‌پسندد اختیار نموده مطابق آن صَلَاةُ التَّسْبِیح بخواند، لیکن باید متوجه باشد که در هر رکعت باید ۷۵ بار تسبیح خوانده شود.

کوشش کنید این نماز را هفته‌ای یک‌بار بخوانید؛ اگر دشوار بود، ماهی یک‌بار آن را ادا کنید. اگر این نیز ممکن نشد، سالی یک‌بار بخوانید، و اگر آن هم مُیسَّر نگردید، حد اقل/دست‌کم در طول زندگی یک‌بار حتماً آن را به جا آورید.



نماز حاجت

هرگاه کسی ضرورت و حاجتی داشته باشد، در این صورت باید به خوبی وضو کند و دو رکعت نماز حاجت بخواند، سپس حمد و ثنای خداوند را بگوید و بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم درود بفرستد، و آنگاه با عاجزی و شکستگی از خداوند دعا بخواهد، خداوند متعال حاجتش را یقیناً برآورده خواهد ساخت. در احادیث شریف وارد است:

﴿۶۶۵﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى رَضِىَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللهِ حَاجَةٌ، أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيُحْسِنِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ لِيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ لِيُثْنِ عَلَى اللهِ، وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ لِيَقُلْ: لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الحَلِيْمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ العَرْشِ العَظِيمِ، الحَمْدُ لِلهِ رَبِّ العَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

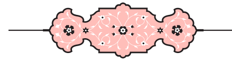
ترجمه: حضرت عبدالله بن ابی اوفیٰ رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کس نزد خداوند متعال یا نزد یکی از بندگان او حاجتی داشته باشد، باید نخست به‌نیکوئی وضو بگیرد، سپس دو رکعت نماز بگزارد. آنگاه خداوند را حمد و ثنا گوید و بر نبی اکرم ﷺ درود بفرستد، و پس از آن این دعا را بخواند:

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الحَلِيْمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ العَرْشِ العَظِيمِ، اَلحَمْدُ لِلهِ رَبِّ العَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ



بِرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمهٔ دعا: هیچ معبودی جز خداوند بردبار و بزرگوار شایستهٔ پرستش نیست. او مُنزَّه و پاک است، پروردگارِ عرش عظیم است، و همهٔ ستایش‌ها مخصوص اوست که پروردگار جهانیان است. بار الٰها! از تو می‌خواهم آنچه که رحمتت را بر من واجب گرداند و آمرزشَت را نصیبم سازد. از تو بهره‌ای از هر نیکی و رهائی از هر گناه را مسئلت دارم. خداوندا! همهٔ گناهانم را بیامرز، اندوه‌هایم را برطرف ساز و هر حاجتی را که مورد رضای توست برایم برآورده فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.[۱]



﴿۶۶۶﴾ از حضرت ابو الدَّرْداء رضی‌الله‌عنه روایت است:

إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ تَوَضَّأَ، فَأَسْبَغَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يُتِمُّهُمَا، أَعْطَاهُ اللهُ مَا سَأَلَ مُعَجِّلًا، أَوْ مُؤَخِّرًا.

ترجمه: از حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: هر کس به خوبی وضو گرفت، سپس با خشوع و خضوع دو رکعت نماز ادا کرد، خداوند خواستهٔ او را دیر یا زود حتماً برآورده می‌سازد.[۲]

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۴۷۹ أَبْوَابُ الوِتْرِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي صَلَاَةِ الحَاجَةِ | سنن ابن ماجه: حدیث ۱۳۸۴ كِتَابُ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَالسُّنَّةُ فِيهَا؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي صَلَاةِ الْحَاجَةِ | الترغیب والترهیب للمنذری: ۲۷۳/۱ حدیث ۱۰۱۹ کتاب النَّوَافِل التَّرْغِيب فِي الْمُحَافظَة على ثِنْتَيْ عشرَة رَكْعَة من السّنة فِي الْيَوْم وَاللَّيْلَة | إعلاء السنن للتهانوی: ۴۰/۸ و۴۱ حدیث ۱۷۸۸ باب النوافل والسنن

(۲) مسند احمد: ۴۸۹/۴۵ حدیث ۲۷۴۹۷ مِنْ حَدِيثِ أَبِي الدَّرْدَاءِ عُوَيْمِرٍ | غاية المقصد فی زوائد المسند للهيثمی: ۳۲۰/۱ حدیث ۱۰۳۹ کتاب الصلاة؛ باب صلاة الحاجة



نماز تحیة الوضوء

نماز تَحِيَّةُ الْوُضُوْء دو رکعت است و بعد از وضو خوانده می‌شود. در احادیث فضیلت بسیاری بر آن وارد شده است. چند حدیث در زیر درج می گردد:

﴿۶۶۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِبِلاَلٍ: عِنْدَ صَلاَةِ الفَجْرِ يَا بِلاَلُ حَدِّثْنِي بِأَرْجٰى عَمَلٍ عَمِلْتَهُ فِي الإِسْلاَمِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ دَفَّ نَعْلَيْكَ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الجَنَّةِ. قَالَ: مَا عَمِلْتُ عَمَلًا أَرْجٰى عِنْدِي: أَنِّي لَمْ أَتَطَهَّرْ طَهُورًا، فِي سَاعَةِ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، إِلَّا صَلَّيْتُ بِذَلِكَ الطُّهُورِ مَا كُتِبَ لِي أَنْ أُصَلِّيَ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله‌علیه‌وسلم در هنگام نماز صبح، حضرت بلال رضی‌الله‌عنه را فراخوانده به او فرمودند: ای بلال! چه عملی در اسلام نموده‌ای که در قبول آن بیشترین امید را داری، زیرا من صدای آواز نعلَین ترا در بهشت شنیدم. حضرت بلال رضی الله عنه عرض کرد: یا رسول‌الله! عمل خاصی انجام نداده‌ام؛ جز اینکه هرگاه در شب یا روز وضو می‌گیرم، پس از آن به اندازه‌ای که برایم مُقَدَّر می‌شود، نماز می خوانم.[1]

﴿۶۶۸﴾ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّى رَكْعَتَيْنِ،

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۱۴۹ کتاب التهجد؛ بَابُ فَضْلِ الطُّهُورِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَفَضْلِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الوُضُوءِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ا صحیح مسلم: ۱۹۱۰/۴ حدیث ۲۴۵۸ کتاب فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُمْ؛ بَابٌ مِنْ فَضَائِلِ بِلَالٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ

مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ، إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.

ترجمه: از حضرت عُقْبَه بن عامر رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر مسلمان که به خوبی وضو گیرد و سپس ایستاده در حالی دو رکعت نماز بخواند که از جان و دل متوجه نماز است، بهشت برایش واجب می گردد.(۱)

﴿۶۶۹﴾ عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يَسْهُو فِيهِمَا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.

ترجمه: حضرت زید بن خالد جُهَنِی رضی‌الله‌عنه روایت می کند که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی به خوبی وضو کند، سپس در حالی دو رکعت نماز بخواند که در آن غفلت نورزد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می شود.(۲)



تحيةُ المسجد

زمانی که مسلمان در مسجد داخل شود، برایش مستحب است تا قبل از نشستن، دو رکعت نماز نفل بخواند، به شرط آنکه وقت مکروه نباشد.

﴿۶۷۰﴾ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ السَّلَمِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۲۳۴ كِتَابُ الطَّهَارَةِ؛ بَابُ الذِّكْرِ الْمُسْتَحَبِّ عَقِبَ الْوُضُوءِ | سنن النسائی: حدیث ۱۵۱ كِتَابُ الطَّهَارَةِ؛ بَابُ ثَوَابِ مَنْ أَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ

(۲) سنن ابی داؤد: حدیث ۹۰۵ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؛ بَابُ كَرَاهِيَةِ الْوَسْوَسَةِ وَحَدِيثِ النَّفْسِ فِي الصَّلَاةِ | شرح السنة للبغوی: ۱۴۹/۴ حدیث ۱۰۱۳ أَبْوَابُ النَّوَافِلِ؛ بَابُ فَضْلِ مَنْ تَطَهَّرَ فَصَلَّى عُقَيْبَهُ | الترغیب والترهیب للمنذری: ۱۵۴/۱ حدیث ۵۷۰ التَّرْغِيبِ فِي الْأَذَانِ وَمَا جَاءَ فِي فَضْلِهِ



إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ المَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ.

ترجمه: حضرت ابو قَتاده رضی الله‌عنه روایت می کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: هرگاه کسی از شما به مسجد داخل شود، قبل از نشستن دو رکعت نماز بخواند.(۱)



نماز استخاره

هرگاه امری پیش بیاید و انسان در کردن یا نکردن آن متردد باشد و نتواند تصمیم بگیرد که آن را انجام بدهد یا ندهد، آن را زود انجام بدهد یا دیر، در این صورت برایش مناسب است تا دو رکعت نماز استخاره خوانده دعای استخاره را بخواهد، و آنگاه هر سوئی که قلبش تمایل داشت، همان را اختیار کند.

﴿۶۷۱﴾ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الاِسْتِخَارَةَ فِي الأُمُورِ كُلِّهَا، كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّورَةَ مِنَ القُرْآنِ، يَقُولُ: إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالأَمْرِ، فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الفَرِيضَةِ، ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ العَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلاَ أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي، ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۴۴۴ كِتَابُ الصَّلَاةِ؛ بَابُ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ المَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ ا صحیح مسلم: حدیث ۷۱۴ كِتَابُ صَلَاةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ تَحِيَّةِ الْمَسْجِدِ بِرَكْعَتَيْنِ...

وَآجِلِهِ – فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ.

ترجمه: از حضرت جابر رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله علیه‌وسلم نماز استخاره را در همهٔ امور همان‌گونه به ما آموزش می‌دادند که سوره‌ای از قرآن را به ما تعلیم می‌دادند. آنحضرت ﷺ می‌فرمودند: هرگاه کسی از شما تصمیم انجام کاری را داشت، دو رکعت نماز (استخاره) بخواند سپس چنین دعا کند: بار الٰها! از علم تو خیر و نیکی می‌طلبم، و از قدرت تو توانائی می‌جویم، و از فضل بزرگ تو درخواست می‌کنم؛ زیرا تو توانائی و من ناتوانم، تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو دانای غیب‌ها هستی.

خداوندا اگر می‌دانی که «اینکار» (در اینجا حاجت خود را نام ببرد) برای دین و دنیای من و برای آخرت من بهتر است، آن را برایم مُقدَّر بگردان و آن را برایم آسان ساز و سپس در آن برایم برکت عطا بفرما. و اگر می‌دانی که «اینکار» برای دین و دنیا و عاقبت کارم زیان‌بار است، آن را از من دور گردان و مرا نیز از آن دور بدار، و خیر را هرجا که باشد برایم مُقَدَّر فرما، سپس مرا بر آن راضی بساز.[1]



نماز توبه

اگر کسی مرتکب گناهی شد، پس باید به خوبی وضو نماید و دو رکعت نماز خوانده توبه نماید و از خداوند بخشندگار، طلب بخشش گناه خود را بخواهد.

---

(۱) صحیح البخاری: حدیث بعد ۱۱۷۱ کتاب التهجد؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّطَوُّعِ مَثْنَى مَثْنَى | جامع الترمذی: حدیث ۴۸۰ أَبْوَابُ الوِتْرِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي صَلَاةِ الِاسْتِخَارَةِ | سنن ابی داؤد: ۸۹/۲ حدیث ۱۵۳۸ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابٌ فِي الِاسْتِخَارَةِ



﴿۶۷۲﴾ عَنْ أَسْمَاءَ بْنِ الْحَكَمِ الْفَزَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ:... حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ، وَصَدَقَ أَبُو بَكْرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ ثُمَّ يُصَلِّي ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللهَ إِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ، ثُمَّ قَرَأَ هٰذِهِ الآيَةَ: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ﴾...

ترجمه: اسماء بن الحکم الفَزَاریؒ می‌گوید که من از حضرت علی رضی‌الله‌عنه شنیدم که فرمود: حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه برایم بیان کرد ـ و ابوبکر راست گفت ـ که از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیدم که فرمودند: هرگاه مردی مرتکب گناهی شود، سپس برخیزد و وضو بگیرد و (دو رکعت) نماز بخواند و از الله تعالی مغفرت بخواهد، الله متعال او را می‌بخشاید. سپس آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ﴾[1]

ترجمهٔ آیت: و کسانی که هرگاه کار زشتی انجام دهند یا بر خود ستم کنند، الله را یاد می‌کنند و از گناهان خود بخشش می خواهند، و کیست جز خداوند که گناهان را ببخشد.[2]



نماز سفر

ادای دو رکعت نماز نفل در وقت رفتن به سفر و برگشتن از سفر مستحب است.

(۱) جامع الترمذی: حدیث ۴۰۶ أَبْوَابُ الصَّلاَةِ؛ بَابُ مَا جَاءَ فِي الصَّلاَةِ عِنْدَ التَّوْبَةِ | سنن ابی داؤد: حدیث ۱۵۲۱ بَابُ تَفْرِيعِ أَبْوَابِ الْوِتْرِ؛ بَابٌ فِي الِاسْتِغْفَارِ | سنن ابن ماجه: ۴۴۶/۱ حدیث ۱۳۹۵
(۲) آل عمران: ۱۳۵

﴿۶۷۳﴾ عَنِ الْمُطْعِمِ بْنِ مِقْدَامٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا خَلَفَ عَبْدٌ عَلَى أَهْلِهِ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا عِنْدَهُمْ حِينَ يُرِيدُ السَّفَرَ.

ترجمه: از حضرت مُطْعِم بن مِقْدام رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر کسی ارادۀ سفر را دارد، او در وقت سفر نزد خانوادۀ خود چیزی بهتر از آن دو رکعت نماز را به جا نمی‌گذارد که در آن وقت می‌خواند.[1]

﴿۶۷۴﴾ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: حضرت علی رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: هرگاه به سفر می‌روی، نخست دو رکعت نماز بخوان.[2]

﴿۶۷۵﴾ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَخْرُجَ إِلَى الْبَحْرِينِ فِي تِجَارَةٍ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صَلِّ رَكْعَتَيْنِ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن مسعود رضی‌الله‌عنه روایت است که مردی به حضور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله، قصد دارم برای تجارت رهسپار بَحرَین شوم. آنحضرت ﷺ فرمودند: پیش از حرکت، دو رکعت نماز به‌جا آور.[3]

﴿۶۷۶﴾ عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَقْدَمُ مِنْ سَفَرٍ إِلَّا نَهَارًا فِي الضُّحَى، فَإِذَا قَدِمَ بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ، فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ جَلَسَ فِيهِ.

---

(۱) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۲۴/۱ حدیث ۴۸۷۹ كِتَابُ الصَّلَوات؛ الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ مَنْ كَانَ يُسْتَحَبُّ لَهُ أَنْ يُصَلِّيَ قَبْلَ خُرُوجِهِ

(۲) مصنف ابن ابی شیبة: ۴۲۴/۱ حدیث ۴۸۸۰ كِتَابُ الصَّلَوات؛ الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ مَنْ كَانَ يُسْتَحَبُّ لَهُ أَنْ يُصَلِّيَ قَبْلَ خُرُوجِهِ

(۳) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۸۳/۲ حدیث ۳۶۸۲ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ الصَّلَاةِ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا



ترجمه: از حضرت کعب بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم همواره هنگامی‌که از سفر بازمی‌گشتند، در وقت چاشت (ضُحیٰ به مدینه) وارد می‌شدند. آنحضرت ﷺ پس از رسیدن، نخست به مسجد تشریف می‌بردند، دو رکعت نماز به‌جا می‌آوردند و سپس در مسجد می‌نشستند.(۱)

﴿۶۷۷﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ تَمْنَعَانِكَ مَدْخَلَ السُّوْءِ، وَإِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ تَمْنَعَانِكَ مَخْرَجَ السُّوْءِ.

ترجمه: از حضرت ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هنگامی که از سفر بازگشتی و وارد خانه‌ات شدی، دو رکعت نماز بخوان. اینکار از ورود بد جلوگیری می‌کند. همچنین، زمانی‌که قصد خروج از خانه برای سفر را داری، دو رکعت نماز بخوان. این دو رکعت از خروج بد جلوگیری می‌کند.(۲)



اگر باران نبارد، دو رکعت نماز استسقاء (نماز درخواست باران) خوانده می‌شود، و گاهی تنها دعاء خواسته می‌شود. هر دو طریقه در احادیث مبارک

---

(۱) صحیح مسلم: حدیث ۷۱۶ كِتَابُ صَلاَةِ الْمُسَافِرِينَ وَقَصْرِهَا؛ بَابُ اسْتِحْبَابِ الرَّكْعَتَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ لِمَنْ قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ أَوَّلَ قُدُومِهِ

(۲) مجمع الزوائد للهیثمی: ۲۸۳/۲ حدیث ۳۶۸۶ أَبْوَابُ الْعِيدَيْنِ؛ بَابُ الصَّلاَةِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَإِذَا خَرَجَ مِنْهُ | إعلاء السنن للتهانوی: ۵۹/۸ حاشیة: فائدة فی نافلة السفر والقدوم منه



منقول است.

﴿۶۷۸﴾ عَبَّادَ بْنَ تَمِيمٍ، عَنْ عَمِّهِ (عَبْد اللهِ بْنَ زَيْدٍ الْأَنْصَارِيَّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) قَالَ: خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْمُصَلَّى يَسْتَسْقِي وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ، وَقَلَبَ رِدَاءَهُ.

ترجمه: از حضرت عبدالله بن زید رضی‌الله‌عنه روایت است که حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای نماز استسقاء به عیدگاه رفتند. آنحضرت ﷺ رو به قبله ایستادند، دو رکعت نماز خواندند و سپس چادر مبارک خود را واژگون کردند (یعنی طرف راست چادر را بر شانهٔ چپ و طرف چپ را بر شانهٔ راست مبارک انداختند).[۱]

﴿۶۷۹﴾ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ قَحَطَ الْمَطَرُ، فَادْعُ اللهَ أَنْ يَسْقِيَنَا، فَدَعَا فَمُطِرْنَا، فَمَا كِدْنَا أَنْ نَصِلَ إِلَى مَنَازِلِنَا فَمَا زِلْنَا نُمْطَرُ إِلَى الْجُمُعَةِ الْمُقْبِلَةِ، قَالَ: فَقَامَ ذَلِكَ الرَّجُلُ أَوْ غَيْرُهُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ ادْعُ اللهَ أَنْ يَصْرِفَهُ عَنَّا، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلاَ عَلَيْنَا. قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ السَّحَابَ يَتَقَطَّعُ يَمِينًا وَشِمَالًا، يُمْطَرُونَ وَلاَ يُمْطَرُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ.

ترجمه: حضرت انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که در روز جمعه، حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حال خطبه بودند که مردی به حضور آنحضرت ﷺ آمد و گفت: یا رسول‌الله، باران نمی‌بارد، به خداوند متعال دعا کنید تا ما را سیراب کند. حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دعا فرمودند و بلافاصله باران شروع به باریدن کرد به‌طوری که ما با سختی به خانه‌های خود برگشتیم. باران تا جمعهٔ بعدی به‌طور مداوم می‌بارید.

(۱) صحیح البخاری: حدیث ۱۰۲۷ أَبْوَابُ الِاسْتِسْقَاءِ؛ بَابُ الِاسْتِسْقَاءِ فِي المصَلَّى | صحیح مسلم: حدیث ۸۹۷ كِتَابُ صَلَاةِ الِاسْتِسْقَاءِ



راوی حدیث می‌گوید: در جمعهٔ آینده همان شخص یا شخص دیگری ایستاده عرض کرد: یا رسول‌الله! به خداوند دعا کنید تا باران را متوقف کند. آنحضرت ﷺ دوباره دعا فرمودند: یا الهی! بر اطراف ما ببار، و بر ما نبار. حضرت انس رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: من دیدم که ابرها به سمت راست و چپ پراکنده شدند و باران در اطراف مدینه می‌بارید، اما در خود مدینه بارانی نمی‌بارید.[(١)]



تَمَّتْ بِالْخَيْر

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

آغاز ترجمهٔ طبع اول:

١٧ دلو ١٣٩١ هجری شمسی موافق ٦ / ٢ / ٢٠١٢ م

پایان ترجمهٔ طبع اول:

٢٦ دلو ١٣٩١ ه.ش موافق ١٥/ ٢ / ٢٠١٢م

آغاز ترجمهٔ طبع جدید:

١ رمضان ١۴۴٧ ه.ق

مطابق ٢٩ دلو ١۴٠۴ ه.ش موافق ١٨ فروری ٢٠٢٦م

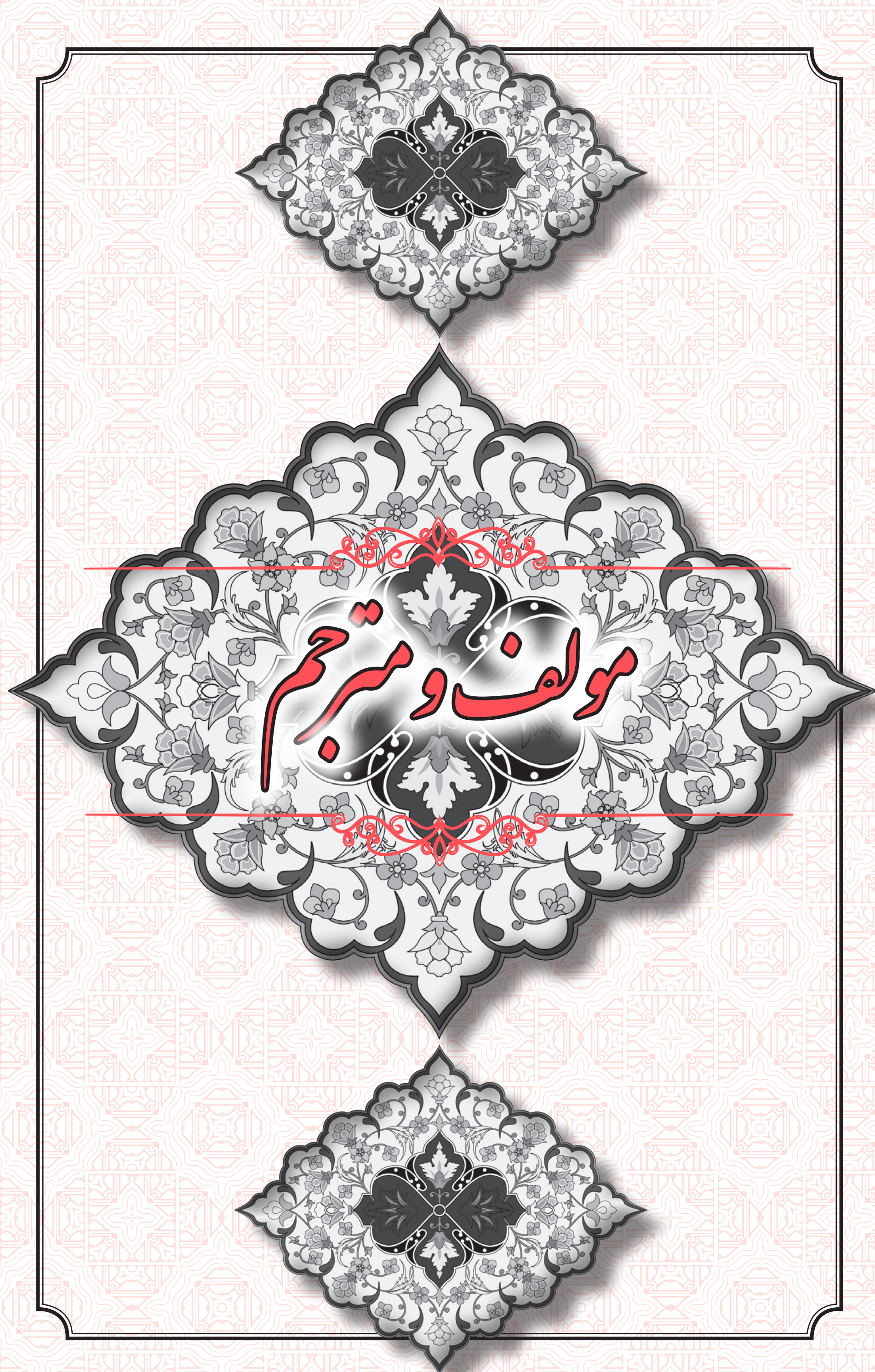
پایان ترجمه طبع جدید:

١٢ رمضان ١۴۴٧ ه.ق

مطابق ١٠ حوت ١۴٠۴ ه.ش موافق ١ مارچ ٢٠٢٦م

(١) صحیح البخاری: حدیث ١٠١٥ أَبْوَابُ الاِسْتِسْقَاءِ؛ بَابُ الاِسْتِسْقَاءِ عَلَى المِنْبَرِ | صحیح مسلم: حدیث ٨٩٧ كِتَابُ صَلَاةِ الِاسْتِسْقَاءِ؛ بَابُ الدُّعَاءِ فِي الِاسْتِسْقَاءِ




مولف و مترجم



دربارۀ مولِّف

اسم:	محمد الیاس گُمَّن
تاریخ ولادت:	۱۲. ۴. ۱۹۶۹ میلادی
محل ولادت:	سرگودا، پاکستان
حفظ قرآن شریف:	مسجد جامع بوهر والا، گوجْرَانْوالا
ترجمه و تفسیر قرآن:	نزد امام اهل السنت و الجماعت حضرت مولانا سرفراز خان صفدر رحمه الله در مدرسة نصرة العلوم، گوجرانوالا
آغاز درس نظامی:	جامعۀ بنوریه، کراچی، پاکستان
ختم درس نظامی:	جامعۀ اسلامیۀ امدادیه، فیصل آباد، پاکستان
تدریس:	(سابقاً) معهد الشیخ الزکریا چپاتا، زامبیا، آفریقا (الحال) مرکز اهل السنة والجماعة، سرگودا،
مناصب:	سرپرست اعلی مرکز اهل السنة والجماعة سرگودا ناظم اعلی اتحاد مرکزی اهل السنة والجماعة،
سفرهای تبلیغی:	کشمیر، آفریقای جنوبی، ملاوی، زامبیا، کنیا، سنگاپور، ترکیه، عمان، قطر، کویت، عربستان سعودی، امارات متحدۀ عرب، یمن، برما، بحرین ...

تصانیف:

نماز اهل السنة و الجماعة

تحلیل علمی اعتراضات بر کتاب فضائل اعمال

اصول مناظره

عقائد اهل السنة و الجماعة

نصاب صراط مستقیم (برای ذکور و اناث)

القواعد فی العقائد

شرح فقه اکبر

شرح عقیدۀ طحاوی

زبدةُ الشمائل شرح شمائل ترمذی

مسئلة بیست رکعت تراویح

نقد تحقیقی فرقۀ اهل حدیث هند و پاکستان

نقد تحقیقی فرقۀ جماعت المسلمین

نقد تحقیقی فرقۀ بریلوی هند و پاکستان

نقد تحقیقی فرقۀ سیفیه

شهید کربلا و ماه محرم

المهنّد و نقد تحقیقی اعتراضات بر آن

خطبات متکلم اسلام

مضامین متکلم اسلام

مجالس متکلم اسلام

مواعظ متکلم اسلام

بیعت و خلافت: از عارف بالله حضرت اقدس مولانا شاه حکیم محمد اختر رحمه الله

	وامین العلماء وقطب العصر حضرت اقدس مولانا سید محمد امین شاه رحمه الله
اصلاح وارشاد:	خانقاه اشرفیهٔ اختریه، سرگودا



دربارهٔ مترجم

اسم:	محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری
تاریخ ولادت:	۱۴ سنبلهٔ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ هـ.ق
محل ولادت:	جوی شیر، کابل، افغانستان
تحصیلات ابتدائی:	مکتب قاری عبد الله، کابل، افغانستان
ادامهٔ تحصیلات:	کالج دولتی کرْنال، کرنال، هَرْیانا، هند (حیات شناسی)
	دانشگاه جامعهٔ ملیهٔ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)
علوم دینی:	دار العلوم دیوبند، هند
	مدرسهٔ رحیمیه، دهلی، هند (تا دورهٔ مشکاة)
	مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ حدیث)
	مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ افتاء)

تراجم و تألیفات مترجم



❁ زیورهای بهشتی (دورهٔ کامل یك جلدی)

❁ نماز اهل السنت و الجماعت (فارسی)

❁ نماز اهل السنت و الجماعت (به انگلیسی) Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah

❁ بیائید نماز بخوانیم چنانکه حضرت رسول الله ﷺ نماز می خواندند

❁ اصول التجوید

❁ خیر الأُصول فی حدیث الرسول

❁ رسالهٔ اصول حدیث (منظوم)

❁ قوائدی در علوم حدیث

❁ بنیادهای دین و ضرورت تقلید

❁ دعوت دین و حفاظت مسلک

❁ فرق بین حدیث و سنت

❁ سَلَفی اصلی و سَلَفی امروزی

❁ مثنوی تحفهٔ روشنفکر (سیکولر)

❁ **چهل حدیث:** چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم

❁ **چهل حدیث:** رفع یَدَیْن در داخل نماز منسوخ است

❁ رفعُ الیَدَیْن جز در آغاز نماز در هیچ جای دیگر نمازهای پنجگانه مسنون نه بلکه متروک است

❁ چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم (مجموعهٔ ۳۴۰ حدیث)

❁ پیامبر اعظم ﷺ، صدیق اعظم رضی الله عنه و فاروق اعظم رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کردند

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت علی مرتضیٰ رضی الله عنه رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنه و مسئلهٔ رفع یَدَیْن

❁ صحبتی با یک برادر سَلَفی بر مسئلهٔ رفع یَدَین

❁ صحبت یک شیخ سَلَفی با یک عالم حنفی دربارهٔ رفع یَدَین





❁ **مسئلۀ رفع یَدَیْن:** و یاران امیر المؤمنین حضرت علی مرتضی رضی الله عنه و یاران حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه

❁ **چهل حدیث:** دربارۀ ایمان و اخلاق و اعمال ...

❁ **چهل حدیث:** اربعین جامی رحمه الله (ترجمه و تخریج احادیث)

❁ **چهل حدیث:** شهروندی

❁ **چهل حدیث:** دلائل نُه مسائل نماز

نماز تراویح: بین اهل سنت و جماعت و اهل بدعت

❁ اجماع صحابه و تابعین و مجتهدین اسلام برآنکه حد اقل نماز تراویح بیست رکعت است

❁ چرا بیست رکعت تراویح؟

❁ ۴۴ دلائل ۲۰ رکعت تراویح

❁ برادران سَلَفی! بیائید تراویح خود را ثابت کنید

❁ **تراویح:** استدلال‌های غلط برادران فرقۀ سَلَفی

❁ **تراویح:** ده چیلنج خدمت برادران فرقۀ سَلَفی

❁ تصانیف و تألیفات امام اعظم ابوحنیفه رضی الله عنه

❁ تأليفات الإمام الأعظم أبي حنيفة رضي الله عنه (عربی، ناچاپ)

❁ فضائل و مسائل ماه مُحَرَّم

❁ اثبات دعای قنوت احناف

❁ امام اعظم ابوحنیفه رضی الله عنه و فقه شریف حنفی

❁ شیخ آلبانی و علم حدیث

❁ فتوای دار العلوم دیوبند در مورد داکتر ذاکر نایک

❁ لمس قرآن بدون وضو جایز نیست

❁ دست‌ها در آغاز نماز تا کجا بلند شود؟

❁ محل بستن دست‌ها در نماز

فهرست منابع کتاب

۱. القرآن الکریم:

۲. الآثار:

المؤلف: الإمام الأعظم أبوحنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي بن ماه (المتوفى: ۱۵۰هـ). رواية: الامام الحافظ القاضي أبي يوسف يعقوب بن إبراهيم بن حبيب بن سعد بن حبتة الأنصاري (المتوفى: ۱۸۲هـ). المحقق: أبو الوفا الافغاني. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت.

۳. الآثار:

المؤلف: الإمام الأعظم أبو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي بن ماه (المتوفى: ۱۵۰هـ). رواية: الامام الحافظ ابي عبد الله محمد بن الحسن الشيباني (المتوفى: ۱۸۹هـ). المحقق: أبو الوفا الأفغاني. دار النشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان. عدد الأجزاء: ۲

۴. مسند أبي حنيفة:

المؤلف: الامام الاعظم أبو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي بن ماه (المتوفى: ۱۵۰هـ). رواية: القاضي الامام المحدث العلامة صدر الدين موسي بن زكريا الحصكفي (المتوفى: ۶۵۰هـ). تحقيق: عبد الرحمن حسن محمود. الناشر: الآداب، مصر.

۵. مسند الإمام أبي حنيفة:

للامام الاعظم أبو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي بن ماه (المتوفى: ۱۵۰هـ). رواية: أبي نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني (المتوفى: ۴۳۰هـ). المحقق: نظر محمد الفاريابي. الناشر: مكتبة الكوثر، الرياض. الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ

۶. مسند الإمام الأعظم أبي حنيفة:

للامام الاعظم أبو حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي بن ماه (المتوفى: ۱۵۰هـ). رواية: الأمام الحافظ الفقيه العلامة المحدث الشيخ أبي محمد عبد الله بن يعقوب بن الحارث بن الخليل الحارثي البخاري (المتوفى: ۳۴۰هـ). المحقق: لطيف الرحمن البهرائجي القاسمي، الناشر: المكتبة الامدادية، مكة المكرمة، ۱۴۳۱ ه. عدد الأجزاء: ۲

۷. مسند الأمام الأعظم:



للامام الاعظم أبي حنيفة النعمان بن ثابت بن زوطي بن ماه (المتوفى: ١٥٠هـ). رواية: القاضي الامام المحدث العلامة صدر الدين موسي بن زكريا الحصكفي (المتوفى: ٦٥٠هـ). ترتيب: خاتمة الحفاظ محمد عابد السندي الانصاري (المتوفى: ١٢٥٧هـ). مع شرح: تنسيق النظام في مسند الامام للعلامة المحدث الشيخ محمد حسن السنبلي (المتوفى: ١٣٠٥هـ). الناشر: مكتبة البشري، كراچي، الطبعة الاولي، ١٤٣١ هـ

٨. صحيح البخاري:

الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ه وسننه وأيامه. المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر. الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي). الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ عدد الأجزاء: ٩

٩. صحيح مسلم:

المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ه. المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ٢٦١هـ). المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت. عدد الأجزاء: ٥

١٠. سنن النسائي:

المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: ٣٠٣هـ). تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة. الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية، حلب. الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ - ١٩٨٦، عدد الأجزاء: ٩

١١. جامع الترمذي:

= سنن الترمذي. المؤلف: محمد بن عيسى بن سَوْرة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: ٢٧٩هـ). تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر (جـ ١، ٢). ومحمد فؤاد عبد الباقي (جـ ٣) وإبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف (جـ ٤، ٥). الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م، عدد الأجزاء: ٥ أجزاء

١٢. سنن أبي داود:

المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السِّجِسْتاني (المتوفى: ٢٧٥هـ). المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد. الناشر: المكتبة العصرية، صيدا، بيروت، عدد الأجزاء: ٤

١٣. سنن ابن ماجه:





المؤلف: ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، (المتوفى: ٢٧٣ هـ). تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء الكتب العربية، فيصل عيسى البابي الحلبي، عدد الأجزاء: ٢

١٤. موطأ مالك برواية محمد بن الحسن الشيباني:

المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ). تعليق وتحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف. الناشر: المكتبة العلمية. الطبعة: الثانية، مَزِيَدة منقحَة.

١٥. موطأ الإمام مالك:

المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ). المحقق: بشار عواد معروف – محمود خليل. الناشر: مؤسسة الرسالة. سنة النشر: ١٤١٢ هـ. عدد الأجزاء: ٢

١٦. شرح معاني الآثار:

المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: ٣٢١هـ). حققه وقدم له: (محمد زهري النجار – محمد سيد جاد الحق) من علماء الأزهر الشريف. راجعه ورقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: د يوسف عبد الرحمن المرعشلي – الباحث بمركز خدمة السنة بالمدينة النبوية. الناشر: عالم الكتب. الطبعة: الأولى – ١٤١٤ هـ، ١٩٩٤ م. عدد الأجزاء: ٥ (٤ وجزء للفهارس)

١٧. شرح مشكل الآثار:

المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: ٣٢١هـ). تحقيق: شعيب الأرنؤوط. الناشر: مؤسسة الرسالة. الطبعة: الأولى – ١٤١٥ هـ، ١٤٩٤ م. عدد الأجزاء: ١٦ (١٥ وجزء للفهارس)

١٨. مصنَّف عبد الرزاق:

المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني (المتوفى: ٢١١هـ). المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي. الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٣. عدد الأجزاء: ١١

١٩. مسند الإمام أحمد بن حنبل:

المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ٢٤١هـ). المحقق: شعيب الأرنؤوط – عادل مرشد، وآخرون. إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي. الناشر: مؤسسة الرسالة. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ – ٢٠٠١ م

٢٠. غاية المقصد فى زوائد المسند:

المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ).

المحقق: خلاف محمود عبد السميع. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م. عدد الأجزاء: ٤

٢١. المعجم الكبير للطبراني:

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء:٢٥

٢٢. المعجم الأوسط للطبراني:

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد, عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، الناشر: دار الحرمين،القاهرة، عدد الأجزاء: ١٠

٢٣. المعجم الصغير للطبراني (الروض الداني):

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ). المحقق: محمدشكور محمود الحاج أمرير. الناشر: المكتب الإسلامي , دار عمار،بيروت , عمان. الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٥. عدد الأجزاء: ٢

٢٤. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال:

المؤلف: علاء الدين علي بن حسام الدين ابن قاضي خان القادري الشاذلي الهندي البرهانفوري ثم المدني فالمكي الشهير بالمتقي الهندي (المتوفى: ٩٧٥هـ). المحقق: بكري حياني،صفوة السقا. الناشر: مؤسسة الرسالة. الطبعة: الطبعة الخامسة، ١٤٠١هـ/١٩٨١م

٢٥. إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة:

المؤلف: أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايماز بن عثمان البوصيري الكناني الشافعي (المتوفى: ٨٤٠هـ). تقديم: فضيلة الشيخ الدكتور أحمد معبد عبد الكريم. المحقق: دار المشكاة للبحث العلمي بإشراف أبو تميم ياسر بن إبراهيم. دار النشر: دار الوطن للنشر، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م. عدد الأجزاء: ٩ (٨ ومجلد فهارس)

٢٦. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد:

المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ). المحقق: حسام الدين القدسي. الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة. عام النشر: ١٤١٤ هـ، ١٩٩٤م. عدد الأجزاء: ١٠

٢٧. المخلَّصيات وأجزاء أخرى لأبي طاهر المخلِّص:

المؤلف: محمد بن عبد الرحمن بن العباس بن عبد الرحمن بن زكريا البغدادي المخَلِّص (المتوفى: ٣٩٣هـ). المحقق: نبيل سعد الدين جرار. الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية لدولة قطر. الطبعة: الأولى، ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م

٢٨. مسند الشهاب:

المؤلف: أبو عبد الله محمد بن سلامة بن جعفر بن علي بن حكمون القضاعي المصري (المتوفى: ٤٥٤هـ). المحقق: حمدي بن عبد المجيد. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٧ - ١٩٨٦. عدد الأجزاء: ٢

٢٩. ترتيب الأمالي الخميسية للشجري:

مؤلف الأمالي: يحيى (المرشد بالله) بن الحسين (الموفق) بن إسماعيل بن زيد الحسني الشجري الجرجاني (المتوفى ٤٩٩ هـ). رتبها: القاضي محيي الدين محمد بن أحمد القرشي العبشمي (المتوفى: ٦١٠هـ). تحقيق: محمد حسن محمد وحسن إسماعيل. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م. عدد الأجزاء: ٢

٣٠. السنن الكبرى للبيهقي:

المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ). المحقق: محمد عبد القادر عطا. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان. الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م

٣١. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان:

المؤلف: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبدَ، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي (المتوفى: ٣٥٤هـ). المحقق: شعيب الأرنؤوط. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤١٤ - ١٩٩٣. عدد الأجزاء: ١٨ (١٧ جزء ومجلد فهارس)

٣٢. الكنى والأسماء للدولابي:

المؤلف: أبو بِشْر محمد بن أحمد بن حماد بن سعيد بن مسلم الأنصاري الدولابي الرازي (المتوفى: ٣١٠هـ). المحقق: أبو قتيبة نظر محمد الفاريابي. الناشر: دار ابن حزم، بيروت/ لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠م. عدد الأجزاء: ٣

٣٣. المنتخب من مسند عبد بن حميد:

المؤلف: أبو محمد عبد الحميد بن حميد بن نصر الكَسّي ويقال له: الكَشّي بالفتح والإعجام (المتوفى: ٢٤٩هـ). تحقيق: الشيخ مصطفى العدوي. الناشر: دار بلنسية للنشر والتوزيع. الطبعة: الثانية ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م. عدد الأجزاء: ٢

٣٤. الترغيب والترهيب من الحديث الشريف:



المؤلف: عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري (المتوفى: ٦٥٦هـ). المحقق: إبراهيم شمس الدين. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٧. عدد الأجزاء: ٤

٣٥. الأدب المفرد:

المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: ٢٥٦هـ). المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار البشائر الإسلامية، بيروت. الطبعة: الثالثة، ١٤٠٩ - ١٩٨٩.

٣٦. مسند أبي يعلى:

المؤلف: أبو يعلى أحمد بن علي بن المثُنى بن يحيى بن عيسى بن هلال التميمي، الموصلي (المتوفى: ٣٠٧هـ) المحقق: حسين سليم أسد. الناشر: دار المأمون للتراث، دمشق. الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ - ١٩٨٤. عدد الأجزاء: ١٣

٣٧. مسند الشاميين:

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ). المحقق: حمدي بن عبد المجيد. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤. عدد الأجزاء: ٤

٣٨. جامع الأحاديث:

(ويشتمل على جمع الجوامع للسيوطى والجامع الأزهر وكنوز الحقائق للمناوى، والفتح الكبير للنبهانى). المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ٩١١هـ). ضبط نصوصه وخرج أحاديثه: فريق من الباحثين بإشراف د على جمعة (مفتي الديار المصرية). طبع على نفقة: د حسن عباس زكى. عدد الأجزاء: ١٣

٣٩. الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم:

المؤلف: محمد بن فتوح بن عبد الله بن فتوح بن حميد الأزدي الميورقي الحَمِيدي أبو عبد الله بن أبي نصر (المتوفى: ٤٨٨هـ). المحقق: د. علي حسين البواب. الناشر: دار ابن حزم، لبنان، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٢م. عدد الأجزاء: ٢×٤

٤٠. صحيح ابن خزيمة:

المؤلف: أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمي النيسابوري (المتوفى: ٣١١هـ). المحقق: د. محمد مصطفى الأعظمي. الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت. عدد الأجزاء: ٤

٤١. مصنَّف إبن أبي شيبة:



الكتاب المصنَّف في الأحاديث والآثار: المؤلف: أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي (المتوفى: ٢٣٥هـ). المحقق: كمال يوسف الحوت. الناشر: مكتبة الرشد، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٠٩. عدد الأجزاء: ٧

٤٢. مصنَّف إبن أبي شيبة:

الكتاب المصنَّف في الأحاديث والآثار: المؤلف: أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي (المتوفى: ٢٣٥هـ). المحقق: محمد عوامة. الناشر: مؤسسة علوم القرآن، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٢٧. عدد الأجزاء: ٢٦

٤٣. سنن الدارقطني:

المؤلف: أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: ٣٨٥هـ). حققه وضبط نصه وعلق عليه: شعيب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م. عدد الأجزاء: ٥

٤٤. جامع المسانيد والسُّنَن الهادي لأقوم سَنَن:

المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ). المحقق: د عبد الملك بن عبد الله الدهيش. الناشر: دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع بيروت، لبنان، طبع على نفقة المحقق ويطلب من مكتبة النهضة الحديثة، مكة المكرمة. الطبعة: الثانية، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م. عدد الأجزاء: ١٠

٤٥. الدعوات الكبير للبيهقي:

المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ). المحقق: بدر بن عبد الله البدر. الناشر: غراس للنشر والتوزيع، الكويت. الطبعة: الأولى للنسخة الكاملة، ٢٠٠٩ م عدد الأجزاء: ٢

٤٦. إحياء علوم الدين:

المؤلف: أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: ٥٠٥هـ). الناشر: دار المعرفة، بيروت. عدد الأجزاء: ٤

٤٧. مسند أبي داود الطيالسي:

المؤلف: أبو داود سليمان بن داود بن الجارود الطيالسي البصرى (المتوفى: ٢٠٤هـ). المحقق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي. الناشر: دار هجر، مصر. الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م. عدد الأجزاء: ٤

٤٨. حديث علي بن حجر السعدي عن إسماعيل بن جعفر المدني:



المؤلف: إسماعيل بن جعفر بن أبي كثير الأنصاري الزرقي مولاهم، أبو إسحاق المدني -ويكني أيضا: أبا إبراهيم (المتوفى: ١٨٠هـ). دراسة وتحقيق: عمر بن رفود بن رفيد السّفياني. الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، الرياض، شركة الرياض للنشر والتوزيع. الطبعة: الأولى: ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م.

٤٩. مسند ابن الجعد:

المؤلف: علي بن الجَعْد بن عبيد الجَوْهَري البغدادي (المتوفى: ٢٣٠هـ). تحقيق: عامر أحمد حيدر. الناشر: مؤسسة نادر، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٠ - ١٩٩٠

٥٠. الزهد والرقائق لابن المبارك:

(يليه «مَا رَوَاهُ نُعَيْمُ بْنُ حَمَّادٍ فِي نُسْخَتِهِ زَائِدًا عَلَى مَا رَوَاهُ الْمَرْوَزِيُّ عَنِ ابْنِ الْمُبَارَكِ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ»). المؤلف: أبو عبد الرحمن عبد الله بن المبارك بن واضح الحنظلي، التركي ثم المرْوزي (المتوفى: ١٨١هـ). المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت

٥١. مسند الحُمَيدي:

المؤلف: أبو بكر عبد الله بن الزبير بن عيسى بن عبيد الله القرشي الأسدي الحميدي المكي (المتوفى: ٢١٩هـ) حقق نصوصه وخرج أحاديثه: حسن سليم أسد الدَّارَانيّ. الناشر: دار السقا، دمشق سوريا. الطبعة: الأولى، ١٩٩٦م عدد الأجزاء: ٢

٥٢. شرح السنة:

المؤلف: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفى: ٥١٦هـ). تحقيق: شعيب الأرنؤوط- محمد زهير الشاويش. الناشر: المكتب الإسلامي، دمشق، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م. عدد الأجزاء: ١٥

٥٣. مختصر قيام الليل:

المؤلف: أبو عبد الله محمد بن نصر بن الحجاج المرْوَزِي (المتوفى: ٢٩٤هـ). اختصرها: العلامة أحمد بن علي المقريزي. الناشر: حديث أكادمي، فيصل آباد، باكستان. الطبعة: الأولى، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م

٥٤. الترغيب والترهيب لقوام السنة:

المؤلف: إسماعيل بن محمد بن الفضل بن علي القرشي الطليحي التيمي الأصبهاني، أبو القاسم، الملقب بقوام السنة (المتوفى: ٥٣٥هـ). المحقق: أيمن بن صالح بن شعبان. الناشر: دار الحديث، القاهرة. الطبعة: الأولى ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م. عدد الأجزاء: ٣

٥٥. مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار:



المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي المعروف بالبزار (المتوفى: ٢٩٢هـ). المحقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩). وعادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧). وصبري عبد الخالق الشافعي (حقق الجزء ١٨). الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة. الطبعة: الأولى، (بدأت ١٩٨٨م، وانتهت ٢٠٠٩م). عدد الأجزاء: ١٨

٥٦. المعجم لابن المقرئ:

المؤلف: أبو بكر محمد بن إبراهيم بن علي بن عاصم بن زاذان الأصبهاني الخازن، المشهور بابن المقرئ (المتوفى: ٣٨١هـ). تحقيق: أبي عبد الحمن عادل بن سعد. الناشر: مكتبة الرشد، الرياض، شركة الرياض للنشر والتوزيع. الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م

٥٧. الأحاديث المختارة:

أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرجه البخاري ومسلم في صحيحيهما: المؤلف: ضياء الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد المقدسي (المتوفى: ٦٤٣هـ). دراسة وتحقيق: الدكتور عبد الملك بن عبد الله بن دهيش. الناشر: دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان. الطبعة: الثالثة، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م. عدد الأجزاء: ١٣

٥٨. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح:

المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: ١٠١٤هـ). الناشر: دار الفكر، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م. عدد الأجزاء: ٩

٥٩. نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي:

المؤلف: جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: ٧٦٢هـ). قدم للكتاب: محمد يوسف البَنُوري. صححه ووضع الحاشية: عبد العزيز الديوبندي الفنجاني، إلى كتاب الحج، ثم أكملها محمد يوسف الكاملفوري. المحقق: محمد عوامة. الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر، بيروت، لبنان/ دار القبلة للثقافة الإسلامية، جدة، السعودية. الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ/١٩٩٧م. عدد الأجزاء: ٤

٦٠. إعلاء السنن:

المؤلف: المحدث الناقد العلام مولانا ظفر احمد العثماني التهانوي. الناشر: ادارة القرآن والعلوم الاسلامية، كراچي، الطبعة: الثالث، ١٤١٥ . عدد الأجزاء: ٢٢

٦١. الجوهر النقي على سنن البيهقي:

المؤلف: علاء الدين علي بن عثمان بن إبراهيم بن مصطفى المارديني، أبو الحسن،



الشهير بابن التركماني (المتوفى: ٧٥٠هـ). الناشر: دار الفكر

٦٢. مختصر خلافيات البيهقي:

المؤلف: أحمد بن فَرح (بسكون الراء) بن أحمد بن محمد بن فرح اللَّخمي الإشبيلي، نزيل دمشق، أبو العباس، شهاب الدين الشافعي (المتوفى: ٦٩٩هـ). المحقق: د. ذياب عبد الكريم ذياب عقل. الناشر: مكتبة الرشد، السعودية / الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م. عدد الأجزاء: ٥

٦٣. تنوير المقباس من تفسير ابن عباس:

المفسِّر: عبد الله بن عباس رضي الله عنهما (المتوفى: ٦٨هـ). جمعه: مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادى (المتوفى: ٨١٧هـ). الناشر: دار الكتب العلمية، لبنان

٦٤. بحر العلوم: المعروف بتفسير السمرقندي:

المؤلف: أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندي (م ٣٧٣هـ) المحقق: محمود مطرجي. دارالفكر

٦٥. تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل):

المؤلف: أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفي (المتوفى: ٧١٠هـ). حققه وخرج أحاديثه: يوسف علي بديوي. راجعه وقدم له: محيي الدين ديب مستو. الناشر: دار الكلم الطيب، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م. عدد الأجزاء: ٣

٦٦. تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم:

المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: ٣٢٧). المحقق: أسعد محمد الطيب. الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز، المملكة العربية السعودية. الطبعة: الثالثة - ١٤١٩ هـ

٦٧. تفسير القرآن العظيم (ابن كثير):

المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ). المحقق: محمد حسين شمس الدين. الناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، بيروت. الطبعة: الأولى - ١٤١٩ هـ

٦٨. المعجم في أسامي شيوخ أبي بكر الإسماعيلي:

المؤلف: أبو بكر أحمد بن إبراهيم بن إسماعيل بن العباس بن مرداس الإسماعيلي الجرجاني (المتوفى: ٣٧١هـ). المحقق: د. زياد محمد منصور. الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة. الطبعة: الأولى، ١٤١٠. عدد الأجزاء: ٣

٦٩. علل الدارقطني:



العلل الواردة في الأحاديث النبوية. المؤلف: أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: ٣٨٥هـ). المجلدات من الأول، إلى الحادي عشر:تحقيق وتخريج: محفوظ الرحمن زين الله السلفي. الناشر: دار طيبة، الرياض. الطبعة: الأولى ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م. والمجلدات من الثاني عشر، إلى الخامس عشر: علق عليه: محمد بن صالح بن محمد الدباسي. الناشر: دار ابن الجوزي، الدمام. الطبعة: الأولى، ١٤٢٧ هـ

٧٠. مستخرج أبي عوانة:

= مسند ابي عوانة. المؤلف: أبو عوانة يعقوب بن إسحاق بن إبراهيم النيسابوري الإسفراييني (المتوفى: ٣١٦هـ) تحقيق: أيمن بن عارف الدمشقي. الناشر: دار المعرفة، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ- ١٩٩٨م.. عدد الأجزاء: ٥

٧١. اخبار الفقهاء والمحدثين:

المؤلف: محمد بن الحارث الخشني القيرواني المتوفي ٣٦١ هـ ق: الطبعة: مادريد، الطبعة: بيروت و لاهور.

٧٢. المستدرك على الصحيحين:

المؤلف: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: ٤٠٥هـ). تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠. عدد الأجزاء: ٤

٧٣. ناسخ الحديث ومنسوخه:

المؤلف: أبو حفص عمر بن أحمد بن عثمان بن أحمد بن محمد بن أيوب بن أزداذ البغدادي المعروف بـ ابن شاهين (المتوفى: ٣٨٥هـ). المحقق: سمير بن أمين الزهيري. الناشر: مكتبة المنار، الزرقاء. الطبعة: الأولى، ١٤٠٨هـ

٧٤. عمدة القاري شرح صحيح البخاري للإمام العيني:

المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابى الحنفى بدر الدين العينى (المتوفى: ٨٥٥هـ). الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت. عدد الأجزاء: ٢٥ × ١٢

٧٥. فتح الباري شرح صحيح البخاري لابن رجب:

المؤلف: زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السَلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ) تحقيق:١ - محمود بن شعبان بن عبد المقصود.٢- مجدي بن عبد الخالق الشافعي.٣ - إبراهيم بن إسماعيل القاضي.٤ - السيد

عزت المرسي.٥ - محمد بن عوض المنقوش.٦ - صلاح بن سالم المصراتي.٧ - علاء بن مصطفى بن همام.٨ - صبري بن عبد الخالق الشافعي.الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية.الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م

٧٦. فتح الباري شرح صحيح البخاري لابن حجر:

المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي. الناشر: دار المعرفة، بيروت، ١٣٧٩رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي. قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عليه تعليقات عبد العزيز بن عبد الله بن باز. عدد الأجزاء: ١٣

٧٧. شرح سنن أبي داود:

المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابى الحنفى بدر الدين العينى (المتوفى: ٨٥٥هـ). المحقق: أبو المنذر خالد بن إبراهيم المصري. الناشر: مكتبة الرشد، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ-١٩٩٩ م. عدد الأجزاء: ٧ (٦ ومجلد فهارس)

٧٨. البذل المجهود في حل أبي داؤد:

المؤلف: الإمام المحدث الكبير الشيخ خليل احمد السهارنفوري (المتوفى: ١٣٤٦هـ). المحقق: الدكتور تقي الدين الندوي. الناشر: دار البشائر الاسلامية، بيروت، الطبعة: الأولى ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م. عدد الأجزاء: ١٤

٧٩. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد:

المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: ٤٦٣هـ). تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي , محمد عبد الكبير البكري. الناشر: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، المغرب، عام النشر: ١٣٨٧ هـ عدد الأجزاء: ٢٤

٨٠. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح:

المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: ١٠١٤هـ). الناشر: دار الفكر، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢م. عدد الأجزاء: ٩

٨١. مصفي شرح موطا:

المؤلف: الإمام الشاه ولي الله الدهلوي

٨٢. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج:

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ). الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٣٩٢. عدد الأجزاء: ١٨ (في ٩ مجلدات)

٨٣. فتح الملهم شرح صحيح مسلم:

المؤلف: ألعلامة المحدث الداعية الكبير الشيخ شبير احمد العثماني (المتوفى: ١٣٦٩هـ). الناشر: دار القلم، دمشق. الطبعة: ١٤٢٧ هـ. عدد الأجزاء: ١١ (في ٦ مجلدات)

٨٤. معارف السنن شرح جامع الترمذي:

المؤلف: محدث العصر العلامة الشيخ محمد يوسف بن السيد محمد زكريا الحسيني البنوري (المتوفى: ١٣٩٧هـ) الناشر: سعيد كمپني، كراچي. عدد الأجزاء: ٦

٨٥. المبسوط للسرخسي:

المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: ٤٨٣هـ). الناشر: دار المعرفة، بيروت، الطبعة: بدون طبعة. تاريخ النشر: ١٤١٤هـ-١٩٩٣م. عدد الأجزاء: ٣٠

٨٦. الحجة على أهل المدينة:

المؤلف: الامام أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرقد الشيباني (المتوفى: ١٨٩هـ). المحقق: مهدي حسن الكيلاني القادري. الناشر: عالم الكتب، بيروت. الطبعة: الثالثة، ١٤٠٣. عدد الأجزاء: ٤

٨٧. شعب الإيمان:

المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ). حققه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: الدكتور عبد العلي عبد الحميد حامد. أشرف على تحقيقه وتخريج أحاديثه: مختار أحمد الندوي، صاحب الدار السلفية ببومباي، الهند. الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية ببومباي بالهند. الطبعة: الأولى، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٣ م. عدد الأجزاء: ١٤ (١٣، ومجلد للفهارس)

٨٨. عمل اليوم والليلة:

المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: ٣٠٣هـ). المحقق: د. فاروق حمادة. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٦

٨٩. مسند الفاروق:

مسند أمير المؤمنين أبي حفص عمر بن الخطاب رضي الله عنه وأقواله على أبواب العلم: المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ). المحقق: عبد المعطي قلعجي. دار النشر: دار الوفاء، المنصورة. الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ - ١٩٩١م. عدد الأجزاء: ٢



٩٠. حديث الزهري:

المؤلف: عبيد الله بن عبد الرحمن بن محمد بن عبيد الله بن سعد بن إبراهيم بن عبد الرحمن بن عوف العوفي، الزهري، القرشي، أبو الفضل البغدادي (المتوفى: ٣٨١هـ). دراسة وتحقيق: الدكتور حسن بن محمد بن علي شبالة البلوط. الناشر: أضواء السلف، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م.

٩١. مسند الدارمي المعروف بـ (سنن الدارمي):

المؤلف: أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بَهرام بن عبد الصمد الدارمي، التميمي السمرقندي (المتوفى: ٢٥٥هـ). تحقيق: حسين سليم أسد الداراني. الناشر: دار المغني للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية. الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ٢٠٠٠ م. عدد الأجزاء: ٤

٩٢. المراسيل لأبي داؤد:

المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السِّجِسْتاني (المتوفى: ٢٧٥هـ). المحقق: شعيب الأرناؤوط. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤٠٨

٩٣. الكامل في ضعفاء الرجال:

المؤلف: أبو أحمد بن عدي الجرجاني (المتوفى: ٣٦٥هـ). تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود-علي محمد معوض، شارك في تحقيقه: عبد الفتاح أبو سنة. الناشر: الكتب العلمية، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ١٩٩٧م

٩٤. الاستيعاب في معرفة الأصحاب:

المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: ٤٦٣هـ) المحقق: علي محمد البجاوي. الناشر: دار الجيل، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م. عدد الأجزاء: ٤

٩٥. رسالة أبي زيد:

المؤلف: أبو محمد عبد الله بن (أبي زيد) عبد الرحمن النفزي، القيرواني، المالكي (المتوفى: ٣٨٦هـ). دار الفكر

٩٦. قرة العينين برفع اليدين في الصلاة:

المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: ٢٥٦هـ). تحقيق: أحمد الشريف، الناشر: دار الأرقم للنشر والتوزيع، الكويت. الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٣ م



٩٧. الأذكار:

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦هـ). تحقيق: عبد القادر الأرنؤوط رحمه الله. الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان. طبعة جديدة منقحة، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م

٩٨. أسنى المطالب في شرح روض الطالب:

المؤلف: زكريا بن محمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنيكي (المتوفى: ٩٢٦هـ). عدد الأجزاء: ٤. الناشر: دار الكتاب الإسلامي. الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ

٩٩. تاريخ جرجان:

المؤلف: المحدث الإمام في الجرح والتعديل أبو القاسم حمزة بن يوسف بن إبراهيم السهمي القرشي الجرجاني (المتوفى: ٤٢٧هـ أو ٤٢٨ هـ.) المحقق: تحت مراقبة محمد عبد المعيد خان. الناشر: عالم الكتب، بيروت. الطبعة: الرابعة ١٤٠٧ هـ. ١٩٨٧ م (و أبو القاسم حمزة بن يوسف بن إبراهيم السهمي، هوكان ممن يعتمد قوله في الجرح والتعديل من الطبقة الحادية عشرة. كذا في وفيات من يعتمد قوله في الجرح والتعديل (ص ٤٩) لفضيلة الشيخ زين العابدين الاعظمي الاستاذ بجامعة مظاهر علوم، سهارنپور، هند).

١٠٠. معرفة السنن والآثار:

المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ) المحقق: عبد المعطي أمين قلعجي. الناشرون: جامعة الدراسات الإسلامية (كراتشي،باكستان)، دار قتيبة (دمشق،بيروت)، دار الوعي (حلب، دمشق)، دار الوفاء (المنصورة، القاهرة). الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ - ١٩٩١م. عدد الأجزاء: ١٥

١٠١. سير أعلام النبلاء:

المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْماز الذهبي (المتوفى: ٧٤٨هـ). الناشر: دار الحديث، القاهرة. الطبعة: ١٤٢٧هـ-٢٠٠٦م. عدد الأجزاء: ١٨

١٠٢. سير أعلام النبلاء:

المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْماز الذهبي (المتوفى : ٧٤٨هـ). المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط. الناشر: مؤسسة الرسالة. الطبعة: الثالثة ، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م. عدد الأجزاء : ٢٥ (٢٣ ومجلدان فهارس)

١٠٣. تهذيب التهذيب:

المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى:

٨٥٢هـ). الناشر: مطبعة دائرة المعارف النظامية، الهند. الطبعة: الطبعة الأولى، ١٣٢٦هـ. عدد الأجزاء: ١٢

١٠٤. رد المحتار على الدر المختار:

المؤلف: ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: ١٢٥٢هـ) الناشر: دار الفكر، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤١٢هـ-١٩٩٢م. عدد الأجزاء: ٦

١٠٥. الفتاوى الهندية:

المؤلف: لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي. الناشر: دار الفكر. الطبعة: الثانية، ١٣١٠ هـ. عدد الأجزاء: ٦

١٠٦. الهداية في شرح بداية المبتدي:

المؤلف: علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين (المتوفى: ٥٩٣هـ) المحقق: طلال يوسف. الناشر: دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان. عدد الأجزاء: ٤

١٠٧. تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشِّلْبِيِّ:

المؤلف: عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي الحنفي (المتوفى: ٧٤٣ هـ). الحاشية: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الشِّلْبِيُّ (المتوفى: ١٠٢١ هـ). الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، بولاق، القاهرة. الطبعة: الأولى، ١٣١٣ هـ

١٠٨. البحر الرائق شرح كنز الدقائق:

المؤلف: زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ٩٧٠هـ). وفي آخره: تكملة البحر الرائق لمحمد بن حسين بن علي الطوري الحنفي القادري (ت بعد ١١٣٨ هـ). وبالحاشية: منحة الخالق لابن عابدين. الناشر: دار الكتاب الإسلامي. الطبعة: الثانية، بدون تاريخ. عدد الأجزاء:٨

١٠٩. المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه:

المؤلف: أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مَازَةَ البخاري الحنفي (المتوفى: ٦١٦هـ). المحقق: عبد الكريم سامي الجندي. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان. الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ-٢٠٠٤ م. عدد الأجزاء: ٩

١١٠. مراقي الفلاح شرح متن نور الإيضاح:

المؤلف: حسن بن عمار بن علي الشرنبلالي المصري الحنفي (المتوفى: ١٠٦٩هـ). اعتنى به وراجعه: نعيم زرزور. الناشر: المكتبة العصرية. الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ-٢٠٠٥

م. عدد الأجزاء: ١

١١١. بداية المجتهد ونهاية المقتصد:

المؤلف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد الحفيد (المتوفى: ٥٩٥هـ). الناشر: دار الحديث، القاهرة. الطبعة: بدون طبعة. تاريخ النشر: ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤ م. عدد الأجزاء: ٤

١١٢. المغني لابن قدامة:

المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠هـ). الناشر: مكتبة القاهرة. الطبعة: بدون طبعة. عدد الأجزاء: ١٠. تاريخ النشر: ١٣٨٨هـ - ١٩٦٨م

١١٣. الفردوس بمأثور الخطاب:

المؤلف: شيرويه بن شهردار بن شيرو يه بن فناخسرو، أبو شجاع الديلميّ الهمذاني (المتوفى: ٥٠٩هـ). المحقق: السعيد بن بسيوني زغلول. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦م. عدد الأجزاء: ٥

١١٤. التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير:

المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ) الناشر: دار الكتب العلمية. الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٩هـ ١٩٨٩م.عدد الأجزاء: ٤

١١٥. الاستذكار:

المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: ٤٦٣هـ) تحقيق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض. الناشر: دار الكتب العلمية ، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ ٢٠٠٠ عدد الأجزاء: ٩

١١٦. مشكاة المصابيح:

المؤلف: محمد بن عبد الله الخطيب العمري، أبو عبد الله، ولي الدين، التبريزي (المتوفى: ٧٤١هـ). المحقق: محمدناصر الدين الألباني. الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت. الطبعة: الثالثة، ١٩٨٥. عدد الأجزاء: ٣

١١٧. الإغراب للنسائي:

الجزء الرابع من حديث شعبة بن الحجاج وسفيان بن سعيد الثوري مما أغرب بعضهم على بعض: المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: ٣٠٣هـ). المحقق: أبو عبد الرحمن محمد الثاني بن عمر بن موسى. الناشر: دار المآثر، المدينة النبوية. الطبعة: الأولى ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.

١١٨. جزء من حديث خيثمة الأطرابلسي:

المؤلف: أبو الحسن خيثمة بن سليمان بن حيدرة بن سليمان القرشي الشامي الأطرابلسي (المتوفى: ٣٤٣هـ). الناشر: مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني التابع لموقع الشبكة الإسلامية. الطبعة: الأولى، ٢٠٠٤. [مخطوط]

١١٩. المحلى بالآثار:

المؤلف: أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: ٤٥٦هـ). الناشر: دار الفكر، بيروت. الطبعة: بدون طبعة وتاريخ. عدد الأجزاء: ١٢

١٢٠. الفتاوى الكبرى لابن تيمية:

المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: ٧٢٨هـ). الناشر: دار الكتب العلمية. الطبعة: الأولى، ١٤٠٨هـ، ١٩٨٧م. عدد الأجزاء: ٦

١٢١. مجموع الفتاوى:

المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني (المتوفى: ٧٢٨هـ). المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم. الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية. عام النشر: ١٤١٦هـ/١٩٩٥م

١٢٢. نيل الأوطار:

المؤلف: محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: ١٢٥٠هـ) تحقيق: عصام الدين الصبابطي. الناشر: دار الحديث، مصر. الطبعة: الأولى، ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م. عدد الأجزاء: ٨

١٢٣. مناقب الامام أبي حنيفة وصاحبيه أبي يوسف ومحمد بن الحسن:

المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْماز الذهبي (المتوفى: ٧٤٨هـ) عني بتحقيقه والتعليق عليه: محمد زاهد الكوثري، و أبو الوفاء الأفغاني. الناشر: لجنة إحياء المعارف النعمانية، حيدر آباد الدكن بالهند. الطبعة: الثالثة، ١٤٠٨ هـ. عدد الأجزاء: ١

١٢٤. الإيماء إلى زوائد الأمالي والأجزاء - زوائد الأمالي والفوائد والمعاجم والمشيخات على الكتب الستة والموطأ ومسند الإمام أحمد:

المؤلف: نبيل سعد الدين سَليم جَرَّار. الناشر: أضواء السلف. الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م

١٢٥. المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية:

المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ) : رسالة علمية قدمت لجامعة الإمام محمد بن سعود. تنسيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري. الناشر: دار العاصمة، دار الغيث - السعودية. الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ. عدد الأجزاء: ١٩

١٢٦. التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير:

المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ) الناشر: دار الكتب العلمية الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٩هـ. ١٩٨٩م. عدد الأجزاء: ٤

١٢٧. فيض الباري على صحيح البخاري:

المؤلف: من أمالي الفقيه المحدث الاستاذ الكبير إمام العصر الشيخ محمد أنور الكشميري ثم الديوبندي (المتوفي ١٣٥٢ هـ. ق). المحقق: محمد بدر عالم ميرتهي. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ٢٠٠٥ م. الطبعة: الاولي.

١٢٨. الدعاء للطبراني:

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ). المحقق: مصطفى عبد القادر عطا. الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٣. عدد الأجزاء: ١

١٢٩. نهاية المراد من كلام خير العباد:

المؤلف: عبد الغني بن عبد الواحد بن علي بن سرور المقدسي الجماعيلي الدمشقي الحنبلي، أبو محمد، تقي الدين (المتوفى: ٦٠٠هـ). الناشر: مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني التابع لموقع الشبكة الإسلامية. الأولى، ٢٠٠٤. [مخطوط]

١٣٠. مسند ابن زيدان:

المؤلف: أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللهِ بنُ زَيْدَانَ بن بُرَيْدِ بن رَزِيْن بن رَبِيْع بن قطن البَجَلِيُّ، الكُوْفِيُّ (المتوفى: ٣١٣هـ). اعتناء وتخريج: محمد زياد عمر تكلة. الناشر: مكتبة العبيكان، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م. عدد الأجزاء: ١

١٣١. جمهرة الأجزاء الحديثية (يحتوي على ١٩ جزءاً حديثياً نادراً)

المؤلف: مجموعة من أصحاب الأجزاء الحديثية. قدم له: العلامة المحدث عبد القادر الأرناؤوط. اعتناء وتخريج: محمد زياد عمر تكلة. الناشر: مكتبة العبيكان، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م. عدد الأجزاء: ١

١٣٢. مسند أبي داود الطيالسي:

المؤلف: أبو داود سليمان بن داود بن الجارود الطيالسي البصرى (المتوفى: ٢٠٤هـ).

المحقق: الدكتور محمد بن عبد المحسن التركي. الناشر: دار هجر، مصر. الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م. عدد الأجزاء: ٤

١٣٣. مختصر الأحكام = مستخرج الطوسي على جامع الترمذي:

المؤلف: أَبو عَلِيٍّ الحسنُ بنُ عَليِّ بنِ نَصْرِ الطُّوْسِيُّ، المُلَقَّبُ: بِكَرْدُوْشٍ (المتوفى: ٣١٢هـ). المحقق: أنيس بن أحمد بن طاهر الأندونوسي. الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية ، المدينة المنورة، السعودية. الطبعة: الأولى، ١٤١٥هـ عدد الأجزاء: ٤

١٣٤. آثار السنن:

مع التعليق الحسن. المؤلف: العلامة الاجل والحمدث الاكمل محمد بن علي النيموي (المتوفي ١٣٢٢ ه ق). چاپ مكتبه امداديه، ملتان پاكستان. عدد الأجزاء: ١

١٣٥. وفيات من يعتمد قوله في الجرح والتعديل:

المؤلف: فضيلة الشيخ زين العابدين الاعظمي الاستاذ بجامعة مظاهر علوم، سهارنپور، هند. الناشر: المكتبة القادرية، اتراپرديش، هند

١٣٦. زجاجة المصابيح:

زجاجة المصابيح على ترتيب مشكاة المصابيح للخطيب التبريزى. المؤلف: العلامة الشيخ السيد ابو الحسنات عبد الله شاه بن مظفرحسين الهندى الحيدرآبادى الحنفى. چاپ حيدرآباد دكن، هند، به سال ١٣٧١ هـ ق مطابق ١٩٥٢ عيسوى، عدد الأجزاء: ٣

١٣٧. المدونة الكبرى:

المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني رحمة الله عليه (المتوفى: ١٧٩هـ) الناشر: دار الكتب العلمية. الطبعة: الأولى، ١٤١٥هـ - ١٩٩٤م. عدد الأجزاء: ٤

١٣٨. معارف السنن:

الكتاب: معارف السنن شرح جامع الترمذى. المؤلف: الشيخ السيد محمد يوسف بن السيد محمد زكريا الحسينى البَنُّورى (المتوفى ١٣٩٧ هـ ق) على ضوء ما أفاده الحافظ الحجة الثبت، إمام العصر، الشيخ محمد أنورشاه الكشميرى الديوبندى قدس الله سرّه (المتوفى: ١٣٥٢ هـ. ق). الناشر: ايچ، ايم؛ سعيد كمپنى، كراچى، پاكستان. الطبعة: الرابعة. عدد الاجزاء: ۶

١٣٩. ادلّة الحنفية من الاحاديث النبوية على المسائل الفقهية:

المؤلف: الشيخ المحدث المفسر محمد عبد الله بن مسلم البهلوى (المتوفى ١٣٩٨ هـ ق). الناشر: دار القلم، دمشق، الطبعة: الثانية. عام ١٤٣١ هـ = ٢٠١٢ م

١٤٠. فضائل الأوقات:



المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ۴۵۸هـ)، المحقق: عدنان عبد الرحمن مجيد القيسي، الناشر: مكتبة المنارة ، مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰، عدد الأجزاء:۱

۱۴۱. تهذيب الأسماء واللغات:

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ۶۷۶هـ). عنيت بنشره وتصحيحه والتعليق عليه ومقابلة أصوله: شركة العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية. يطلب من: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان. عدد الأجزاء: ۴

۱۴۲. التجريد:

المؤلف: الامام ابى الحسين احمد بن محمد بن جعفر البغدادى القدّورى رحمه الله (ولادت ۳۶۲ و متوفى: ۴۹۸هـ)، تحقيق: محمد احمد سراج و على جمعه محمد، الناشر: دار السلام، الطبعة الثانية، سال ۱۴۳۳ هـ ق، ۲۰۱۲ م، قاهره، مصر. عدد الاجزاء: ۱۲

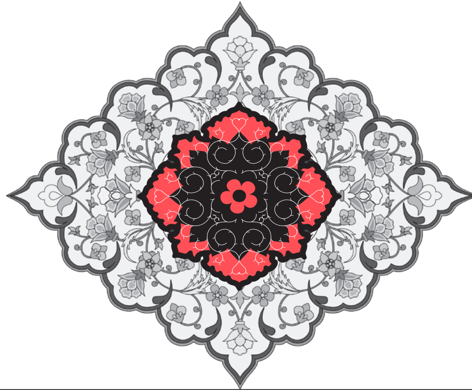


فهرست مطالب کتاب




نماز اهل السنت والجماعت





نشانی مترجم

شمارۀ تلفون/تلگرام/واتس اپ:

۰۰۴۴۷۷۷٦۰۰۳۱۳۷

Email:
miteymori@gmail.com